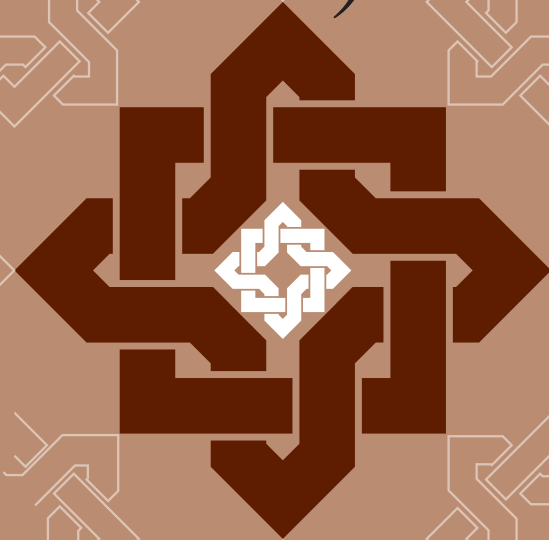




کتب و نونے مسجدِ اعظم خاندان



學問



مسجد از نظم گرفته کنونی

نویسنده: کیوان صداقتی
تهیه و تنظیم: مرکز رسیدگی به امور مساجد
انتشار: چاپ دوم، پاییز ۱۳۹۷

مدیر هنری: محسن هادی

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان دانشگاه جنوبی.

نیش کوچه عطار، پلاک ۵.

کد پستی: ۱۳۱۶۷۱۳۴۹۹

تلفن: ۶۶۴۹۷۰۲۷

www.masjed.ir



« فهرست

| | |
|--|-----|
| فصل اول: اسناد بالادستی | ۳۱ |
| فصل دوم: قوانین | ۴۵ |
| فصل سوم: مقررات | ۲۴۷ |
| فصل چهارم: آرای قضایی | ۵۴۳ |
| فصل پنجم: استفتائات احکام حقوقی مسجد از مراجع عظام تقلید | ۵۸۵ |



« دیباچه

در طلیعه چهل سالگی انقلاب شکوهمند اسلامی و بعد از چهار دهه تلاش و مجاهدت در عرصه های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی، فکر و کلام رسا و راسخ امام راحل به گوش می رسد که: «مسجد محلی است که از آن باید امور اداره شود. این مساجد بود که این پیروزی را برای ملت ما درست کرد. این مراکز حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشند. اینطور نباشد که خیال کنند که حالا دیگر ما پیروز شدیم، دیگر مسجد می خواهیم چه کنیم. پیروزی ما برای اداره مسجد است.»^۱

در تمام این سال ها، فعالیت های شایان توجهی در بسیاری از نهادها و سازمان های متولی در حوزه مسجد صورت گرفته است. اما دانش تخصصی مدیریت مسجد و تدوین نظریات و تجربیات مرتبط با آن، در این دوره، امری مغفول و فراموش شده بود که در آستانه چهل سالگی انقلاب اسلامی و عطف به فرمایش امام عزیز تسلی بود که پیروزی ما برای اداره مسجد است، بر آن شدیم، داشته های خود را در مرکز رسیدگی به امور مساجد که به تعبیر مقام معظم رهبری، به عنوان «مرکز و مرجع

^۱: ۲۰/۴/۵۹

مقبول، آگاه و نافذالکلمه ای در امر مساجد^۱ محسوب می‌شود، در حوزه های مطالعاتی، برنامه‌ای و عملیاتی تجمیع و تدوین نموده و به محضر صاحب نظران، دست اندرکاران و کارگزاران عرصه مسجد تقدیم نماییم.

امید است ضمن مطالعه و بهره مندی از این مجموعه، با ارائه نظرات و پیشنهادات خود، در تکمیل هر چه بهتر و کیفی محصولات در حوزه مدیریت مسجد، سهیم باشید. فراموش نکنیم «چنانچه مساجد کیفیت شایسته خود را بیابد، هزینه های مادی و معنوی بسیاری از دوش جامعه، مردم و مسئولان برداشته خواهد شد»^۲.

مرکز رسیدگی به امور مساجد

^۱ : ابلاغیه ی رهبر معظم انقلاب به آیت الله مهدوی کنی برای تاسیس مرکز

^۲ : رهبر معظم انقلاب ۱۹/۷/۱۳۹۰

مسجد انظمہ کے کنوئے

« سخن رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد

مسجد طراز اسلامی به عنوان خلوت انس با خدا و جلوت حشر با مردم، جایگاه عبادت و پایگاه اندیشه، سنگر دفاع از ارزش‌های انقلابی و ولایت، مظهر آمیختگی دنیا و آخرت و پیوستگی فرد و جامعه، نقش محوری در ترویج سبک زندگی اسلامی و پی‌ریزی تمدن نوین اسلامی دارد. نقشی که با هدایت امام راحل عظیم‌الشان رحمه‌الله علیه احیاء شد و تقویت آن مطالبه رهبر فرزانه انقلاب دامت برکاته می‌باشد.

با ملاحظه سیر تطور تاریخی مسجد از صدر اسلام تا زمان معاصر، روشن می‌گردد، هم‌زمان با پیشرفت تمدن اسلامی، پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی فرهنگی و ظهور مفاهیمی چون «دولت»، «حکومت»، «مشروعیت»، «قانون»، «نهاد» و «نظارت»، در کنار اصطلاحاتی هم‌چون «اموال»، «مالکیت»، «تصرف»، «وقف»، «ثبت»، «مالیات» و «عوارض»، اصول، قواعد و نظام حقوقی حاکم بر مسجد نیز دست‌خوش تحولاتی شگرف گردیده است.

امروزه، تنظیم و تنسيق کارکردهای مسجد نیز به‌سان هر نهاد فعال دیگر در گستره فرهنگی و اجتماعی یک جامعه، مستلزم اعمال سازوکارهای حقوقی در قالب قوانین و مقررات مصوب و کلای منتخب ملت و صد البته حفظ استقلال آن

است. با این پیش فرض، حقوق به عنوان یک رشته تنظیم کننده، به صورت بندی و تمشیت ساختار و کارکردهای مسجد در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و مالی می پردازد.

ناگفته پیداست احاطه بر ساختار حقوقی مسجد، نیازمند احصای قوانین و مقررات مربوطه، همراه با تشریح و تفسیر آن می باشد. امر مهمی که برای نخستین بار در راستای سیاست های کلان مرکز رسیدگی به امور مساجد مبنی بر ارتقای جایگاه مسجد از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب در نظام حقوقی ایران، به قلم آقای کیوان صداقتی، کارشناس جوان و شایسته دفتر حقوقی این مرکز، تحقق یافت. امید است در سایه توجهات حضرت حق، توفیق انجام مطالعات و پژوهش های کاربردی دیگر با هدف بازشناسی چیستی و ماهیت مسجد، تحلیل شخصیت حقوقی آن در ساختار حقوقی جمهوری اسلامی ایران، اصلاح قوانین و رویه موجود و نیز نظام مند کردن شیوه تعامل نهادها و دستگاه های اجرایی با مسجد را داشته باشیم تا بدین وسیله، گامی نوین در جهت تحقق شاخصه های مسجد طراز اسلامی برداشته شود.

محمد جواد علی اکبری
اسفندماه ۱۳۹۲

« سخن مؤلف

با گذشت بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی ایران و ضرورت توجه به مساجد به عنوان مهم‌ترین نهاد مردمی و کانون ترویج اندیشه والای انسانی، چیستی، کارکرد و جایگاه مسجد در نظام حقوقی ایران محل پرسش و تأمل فراوان است. پراکندگی و تشتت قوانین و مقررات مربوط به مساجد، علاوه بر سرگردانی دادرسان، وکلا و اندیشمندان حقوقی، سبب گردیده است کلیه اشخاص فعال در حوزه مساجد اعم از حقوقی و حقیقی (از جمله شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز رسیدگی به امور مساجد، سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت راه و شهرسازی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، شهرداری‌ها، شوراهای اسلامی، ائمه جماعات، هیأت امناء، متولیان موقوفه، خدام و نمازگزاران) درک صحیحی از حدود صلاحیت و اختیارات خود نداشته باشند که پیامد چنین امری موازی کاری، ناهماهنگی و عدم استفاده بهینه از منابع انسانی و سرمایه‌ای در توسعه کیفی مساجد است.

بدیهی است در وهله نخست، پاسخ‌گویی به سؤالاتی نظیر عمومی یا خصوصی بودن شخصیت حقوقی مسجد، نظارت مردمی یا حکومتی بر مساجد، حدود و ثغور دخالت دولت در تنظیم و مقررات‌گذاری در حوزه مساجد، استقلال تشکیلاتی، اداری

و مالی این مکان مقدس، نحوه ثبت مساجد، میزان و نحوه مشارکت شهروندان و ده‌ها پرسش دیگر، مستلزم احصاء و تدوین و تنقیح مجموعه قوانین و مقرراتی است که به نحو مستقیم یا غیر مستقیم با گفتمان مسجد ارتباط موضوعی دارند. با عنایت به فقر مطالعات و پژوهش‌های علمی از منظر حقوقی پیرامون مسجد و به منظور فراهم نمودن مجموعه‌ای جامع که آرایه دهنده متنی صحیح از قوانین و مقررات و رویه قضایی مربوطه همراه با تشخیص موارد تعارض، تناقض، نسخ و اصلاحات و الحاقات باشد، بر آن شدم تا به پیروی از الگوی کتب حقوقی رایج با پسوند «در نظم حقوقی کنونی»، برای نخستین بار در کشور محشایی «موضوعی» با محوریت مسجد را تألیف نمایم. فلسفه اصلی تدوین قوانین، مقررات، آرای قضایی، نظریات و اندیشه‌های اندیشمندان حقوقی در حوزه مساجد، دستیابی به روح مشترک، تسلط بر کلیه اصول و قواعد حقوقی حاکم بر مسجد و پیوند مضاعف ابعاد پراکنده مساجد نظیر زوایای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، معماری و... است که می‌تواند در راستای اجرای قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۱۳۸۹/۳/۲۵ مجلس شورای اسلامی نیز ارزیابی گردد. بدیهی است این تلاش نیز همانند هر کوشش بدیعی، خالی از نقص نخواهد بود. امید است علمای گرامی، اساتید محترم حقوقی و عموم صاحب‌نظران بر بنده منت نهند و با گوشزد نمودن خطاهایم، به تکامل و پختگی اثر حاضر بیافزایند.

در پایان خدای بی‌همتا را که با عنایات و توجهات بی‌کران خود، زمینه بروز این مجال را فراهم آورد تا بتوانم به توفیق آرایه اثر حاضر نایل آیم سپاس گفته و ضمن شکرانه به درگاه آن معبود واحد، مراتب تقدیر و سپاس خود را از ریاست محترم مرکز رسیدگی به امور مساجد، حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای محمدجواد حاج‌علی‌اکبری که همواره با شفقتی مثال‌زدنی و چهره‌ای متبسم مایه دلگرمی اینجانب بوده‌اند، اعلام می‌دارم.

هم‌چنین در این خصوص از حجت‌الاسلام جناب آقای یاسر تک‌فلاح، مدیر محترم حقوقی مرکز رسیدگی به امور مساجد که با دقت نظر و تشویق‌های خود مرا در نگارش این اثر یاری کردند، اساتید و سروران گرامی، جناب آقای دکتر

جلیل مالکی، رییس دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز و جناب آقای دکتر محمد جلالی، عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی که زحمت نگارش دیباچه به ترتیب از منظر حقوق خصوصی و حقوق عمومی را تقبل فرمودند، جناب آقای دکتر وحید اشتیاق ریاست محترم مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش و هم‌چنین استاد معزز جناب آقای دکتر سید قاسم زمانی معاون پژوهشی آن مؤسسه که همواره با مهربانی پذیرای بنده بوده‌اند، همکار گرامی جناب آقای وحید آگاه، پژوهشگر حقوق عمومی و مدرس دانشگاه که در تمامی مراحل تألیف کتاب، نکات ارزنده‌ای را یادآور شدند و کلیه عزیزان، همکاران، معاونان و مدیران محترم مرکز رسیدگی به امور مساجد، خاصه جناب آقای سید فرزاد اخوت بی نهایت سپاسگزارم.

و سلام بر میهمانان ضیافت عشق
کیوان صداقتی^۱
بهمن ۱۳۹۲

۱. دانشجوی دوره دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات (تهران).
Ksedaghati64@yahoo.com

« مقدمه

اثر حاضر در برگیرنده فرامین، اسناد، قوانین، مقررات، آرای قضایی، نظریات، دکترین و برخی استفتائات در حوزه حقوق مسجد تا پایان بهمن ماه ۱۳۹۲ بوده و کمتر مسأله‌ای از نظر به دور مانده است. هم‌چنین در هنگام تدوین و گردآوری قوانین و مقررات مربوطه، ضمن توجه کامل به موارد نسخ صریح یا ضمنی، ذیل موادی که نیازمند توضیح و تفسیر بوده‌اند، اقدام به نگارش حاشیه شده است تا به درک و فهم مخاطب از قوانین و مقررات مربوطه کمک دو چندان کند. هم‌چنین از آنجا که مفهوم مسجد از مفهوم «وقف» جدا نمی‌باشد، سعی بر آن گردید تا قوانین و مقررات مربوط به این حوزه نیز به خوبی تدوین و تشریح گردد. به طور کلی مجموعه حاضر مشتمل بر هفت قسمت است:

۱- ارایه متنی صحیح از قوانین: نخستین هدف این بوده است که متن صحیحی از قوانین و مقررات در اختیار همگان قرار گیرد. در تألیف این مجموعه، سعی بر آن بود تا با استفاده از متن اولیه قوانین و مقررات و بهره‌مندی از روزنامه رسمی کشور، سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران^۱ و مرکز پژوهش‌های مجلس

شورای اسلامی،^۱ متن صحیحی از قوانین و مقررات مربوط به مساجد ارایه شود.

۲- تفسیر و تشریح مواد: تلاش بر این بود تا با بهره‌گیری از کلیه منابع و مأخذ حقوقی، دکترین و نظریات علمای حقوق، فقها، آرای هیأت عمومی دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری، نظرات مشورتی اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه و... در قالب یادداشت‌های دو ستونه بعد از متن اصلی، گامی محکم در جهت رفع ابهامات و اجمالات احتمالی موجود در قوانین و مقررات مساجد برداشته شود.

۳- بهره‌گیری از آرای قضایی: در این اثر تلاش گردید آرای هیأت عمومی دیوان عالی کشور و هیأت عمومی دیوان عدالت اداری همراه با انتخاب پیام دادنامه و مستندات برای هر یک از آراء در نظر گرفته شود تا خوانندگان بتوانند در صورت لزوم، تعمق و تأمل بیشتری در این خصوص داشته باشند.

۴- استفاده از دیدگاه‌ها و اندیشه‌های قضایی علمای حقوق (دکترین): راهنمایی و هدایت خوانندگان محترم این مجموعه به منابع نظری و قواعد مستخرج از کتاب‌ها و مقالات حقوقی امری بس مهم است. اگر چه در خصوص حقوق مساجد همان‌گونه که در ابتدای امر بدان اشاره گردید، کتاب، رساله یا مقالات چندانی به چشم نمی‌خورد. از این رو در پاره‌ای از موارد نویسنده استنباط و استدلال‌های شخصی خود را لحاظ نموده است.

۵- استفاده از نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه: در خصوص آرای مشورتی پیرامون مساجد نیز با همان معضل مطرح شده در فوق روبرو هستیم. به ندرت به نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه بر می‌خوریم که مشخصاً مربوط به مساجد باشد. بدیهی است این امر مشکل تألیف چنین مجموعه‌ای را دو چندان نمود. از این‌رو تلاش گردید، مفیدترین و موجه‌ترین نظرات مشورتی که به نوعی ولو به صورت غیر مستقیم و تلویحی با حوزه مساجد مربوط می‌باشد گردآوری گردد.

۶- استفاده از منابع معتبر فقهی و فتاوی مراجع عظام تقلید: با عنایت به اصل

1 . Rc.majlis.ir.

یک صد و شصت و هفتم قانون اساسی که مقرر داشته: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوی را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی و یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید...»، استفتائات احکام حقوقی مسجد از برخی مراجع عظام تقلید در بخش آخر کتاب لحاظ گردید.

۷- به کارگیری فهرست موضوعی و تاریخی در ارتباط با قوانین، مقررات و آرای قضایی.

« جدول قوانین و مقررات

| مرجع تصویب | تاریخ تصویب | عنوان | |
|----------------------------------|-------------|--|----|
| مقام معظم رهبری | ۱۳۶۸/۷/۳۰ | فرمان تأسیس مرکز رسیدگی به امور مساجد | ۱ |
| مقام معظم رهبری | ۱۳۶۹/۸/۷ | مجوز اجرای طرح توجیه ادارات اوقاف و امور خیریه | ۲ |
| مجمع تشخیص مصلحت | ۱۳۸۸/۲/۲۶ | سیاست‌های کلی نظام در بخش فرهنگ | ۳ |
| همه‌پرسی | ۱۳۵۸/۹/۱۲ | قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران | ۴ |
| مجلس شورای ملی | ۱۳۰۷/۲/۱۸ | قانون مدنی | ۵ |
| کمیسیون مجلس | ۱۳۱۰/۱۲/۲۶ | قانون ثبت اسناد و املاک | ۶ |
| مجلس شورای ملی | ۱۳۱۹/۲/۲۲ | قانون اصلاح قانون ثبت احوال | ۷ |
| مشترک کمیسیون مجلسین | ۱۳۳۴/۵/۵ | قانون سازمان عمرانی کشور و ازدیاد سهم کشاورزان | ۸ |
| هیأت وزیران (دوره فترت) | ۱۳۴۰/۱۰/۱۹ | قانون اصلاحات ارضی | ۹ |
| مجلس شورای ملی | ۱۳۴۴/۲/۸ | قانون تشکیل خانه انصاف | ۱۰ |
| مجلس شورای ملی | ۱۳۴۷/۹/۷ | قانون نوسازی و عمران شهری | ۱۱ |
| مجلس شورای ملی | ۱۳۵۴/۴/۲۵ | قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران | ۱۲ |
| شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران | ۱۳۵۸/۲/۴ | لایحه قانونی تجدید قرارداد و اجاره املاک و اموال موقوفه و تجدید انتخاب متولیان و امناء و نظار اماکن متبرکه مذهبی و مساجد | ۱۳ |
| مجلس شورای اسلامی | ۱۳۶۱/۴/۳ | تفسیر قانونی مجلس شورای اسلامی راجع به قانون تجدید قرارداد و اجاره املاک و اموال موقوفه و تجدید انتخاب متولیان و امناء و نظار اماکن متبرکه مذهبی و مساجد | ۱۴ |

| مرجع تصویب | تاریخ تصویب | عنوان | |
|--------------------------------|-------------|--|----|
| مجلس شورای اسلامی | ۱۳۶۳/۱/۲۸ | قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه | ۱۵ |
| مجلس شورای اسلامی | ۱۳۶۳/۵/۱۷ | قانون نحوه اجرای اصل (۴۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران | ۱۶ |
| مجلس شورای اسلامی | ۱۳۶۳/۱۰/۲ | قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه | ۱۷ |
| مجلس شورای اسلامی | ۱۳۶۶/۶/۱ | قانون محاسبات عمومی کشور | ۱۸ |
| مجلس شورای اسلامی | ۱۳۶۶/۶/۲۲ | قانون زمین شهری | ۱۹ |
| مجلس شورای اسلامی | ۱۳۶۶/۱۲/۳ | قانون مالیات‌های مستقیم | ۲۰ |
| مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص | ۱۳۶۸/۷/۲ | قانون کار | ۲۱ |
| مجلس شورای اسلامی | ۱۳۷۱/۱۰/۱ | قانون حمایت قضایی از بسیج | ۲۲ |
| مجلس شورای اسلامی | ۱۳۷۱/۱۱/۲۵ | قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه | ۲۳ |
| مجلس شورای اسلامی | ۱۳۷۵/۳/۲ | قانون مجازات اسلامی | ۲۴ |
| مجلس شورای اسلامی | ۱۳۷۹/۱/۱۶ | قانون استفساریه ماده (۲۶) قانون نوسازی و عمران شهری | ۲۵ |
| مجلس شورای اسلامی | ۱۳۷۹/۱/۱۷ | قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی | ۲۶ |
| مجلس شورای اسلامی | ۱۳۷۹/۱/۲۱ | قانون آیین دادرسی دادگاه عمومی و انقلاب کتاب اول در امور مدنی | ۲۷ |
| مجلس شورای اسلامی | ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ | قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت | ۲۸ |
| مجلس شورای اسلامی | ۱۳۸۲/۱۲/۲۴ | قانون نظام صنفی کشور | ۲۹ |
| مجلس شورای اسلامی | ۱۳۸۳/۶/۱۱ | قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران | ۳۰ |

| عنوان | تاریخ تصویب | مرجع تصویب |
|--|-------------|--|
| قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت | ۱۳۸۴/۸/۱۵ | مجلس شورای اسلامی |
| قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن | ۱۳۸۷/۲/۲۵ | مجلس شورای اسلامی |
| قانون شوراهاى حل اختلاف | ۱۳۸۷/۴/۱۸ | کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی |
| قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید عرضه مسکن | ۱۳۸۸/۱۲/۲ | مجلس شورای اسلامی |
| قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران | ۱۳۸۹/۱۰/۳۰ | مجلس شورای اسلامی |
| قانون بودجه سال ۱۳۹۱ | ۱۳۹۱/۲/۳۰ | مجلس شورای اسلامی |
| قانون تفسیر قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه | ۱۳۹۱/۵/۱۱ | مجلس شورای اسلامی |
| قانون جامع خدمت‌رسانی به ایثارگران | ۱۳۹۱/۱۰/۲ | مجمع تشخیص مصلحت |
| قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور | ۱۳۹۲/۳/۱۹ | مجلس شورای اسلامی |
| قانون تسریع در بازسازی مناطق آسیب دیده در اثر حوادث غیر مترقبه | ۱۳۹۲/۳/۱۹ | مجلس شورای اسلامی |
| آیین‌نامه دادرسیها و دادگاه‌های ویژه روحانیت | ۱۳۶۹/۵/۱۴ | مقام معظم رهبری |
| آیین‌نامه اجرایی طرح اشتغال فارغ التحصیلان بیکار | ۱۳۵۸/۱۰/۸ | شورای انقلاب |
| لایحه قانونی راجع به تعیین حداکثر مبلغ وام مسکن | ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ | شورای عالی انقلاب فرهنگی |
| هدایت و ارشاد و احیای نقش واقعی و تبلیغی مساجد برای مقابله با تهاجم فرهنگی | ۱۳۷۱/۱۲/۱۸ | شورای عالی انقلاب فرهنگی |

| مرجع تصویب | تاریخ تصویب | عنوان | |
|---|-------------|--|----|
| شورای عالی انقلاب فرهنگی | ۱۳۷۲/۱۰/۷ | عضویت استانداران در هیأت‌های احیای نقش مساجد | ۴۵ |
| شورای عالی انقلاب فرهنگی | ۱۳۷۸/۱۱/۱۳ | عضویت دبیر ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانونهای فرهنگی و هنری مساجد در شورای فرهنگ عمومی | ۴۶ |
| شورای عالی انقلاب فرهنگی | ۱۳۷۸/۱۲/۲۴ | سیاست‌های مقابله با تهاجم فرهنگی | ۴۷ |
| شورای عالی انقلاب فرهنگی | ۱۳۸۳/۱۰/۲۲ | آیین‌نامه ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور | ۴۸ |
| شورای عالی انقلاب فرهنگی | ۱۳۸۳/۱۱/۱۶ | آیین‌نامه شورای هماهنگی و برنامه‌ریزی آموزشی و بازآموزی مدیران فرهنگی | ۴۹ |
| شورای عالی انقلاب فرهنگی | ۱۳۸۹/۱/۲۴ | اهداف و سیاستها و ضوابط نشر کتاب | ۵۰ |
| شورای عالی انقلاب فرهنگی | ۱۳۸۹/۱۰/۴ | سند نقشه جامع علمی کشور | ۵۱ |
| شورای عالی انقلاب فرهنگی | ۱۳۹۰/۶/۱۵ | سند تحول بنیادین آموزش و پرورش | ۵۲ |
| شورای عالی انقلاب فرهنگی | ۱۳۹۱/۷/۱۱ | سند راهبردی کشور در امور نخبگان | ۵۳ |
| شورای عالی انقلاب فرهنگی | ۱۳۹۱/۱۲/۱۵ | مصوبه نقشه مهندسی فرهنگی کشور | ۵۴ |
| شورای عالی انقلاب فرهنگی | ۱۳۹۲/۴/۲۵ | مصوبه سند دانشگاه اسلامی | ۵۵ |
| کمیسیون‌های مشترک دارایی و کشاورزی مجلسین | ۱۳۳۶/۸/۲۱ | آیین‌نامه اجرایی قانون فروش خالصجات | ۵۶ |
| هیأت وزیران | ۱۳۵۸/۲/۱۷ | آیین‌نامه اجرایی تجدید قرارداد و اجاره املاک و اموال موقوفه و تجدید انتخاب متولیان و امناء و نظار اماکن متبرکه مذهبی و مساجد | ۵۷ |

| مرجع تصویب | تاریخ تصویب | عنوان | |
|--------------|-------------|--|----|
| شورای انقلاب | ۱۳۵۸/۲/۲۳ | آیین نامه شوراهای کشاورزی کشور | ۵۸ |
| هیأت وزیران | ۱۳۶۵/۲/۱۰ | آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه | ۵۹ |
| هیأت وزیران | ۱۳۶۵/۲/۱۰ | آیین نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره و اهدایی | ۶۰ |
| هیأت وزیران | ۱۳۶۵/۲/۱۰ | آیین نامه نحوه انتخاب و برکناری، شرایط و حدود اختیارات و وظایف امین یا هیأت امنای اماکن مذهبی و موقوفات | ۶۱ |
| هیأت وزیران | ۱۳۶۵/۹/۳۰ | آیین نامه کیفیت تحقیق در شعب تحقیق سازمان اوقاف و امور خیریه | ۶۲ |
| هیأت وزیران | | آیین نامه مستثنی شدن خدام و کارکنان بقاع متبرکه، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، مدارس علوم دینی موقوفه و موقوفات عام غیر تولیدی از شمول موادی از قانون کار | ۶۳ |
| هیأت وزیران | ۱۳۷۲/۱۲/۲۴ | آیین نامه اجرایی بند (۳) از ماده (۲۴) قانون مالیات‌های مستقیم | ۶۴ |
| هیأت وزیران | ۱۳۷۴/۲/۳ | آیین نامه اجرایی قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه | ۶۵ |
| هیأت جمهور | ۱۳۷۵/۳/۲۷ | همکاری دستگاه‌های اجرایی در طرح جامع ملی و مذهبی شناسنامه مساجد با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی | ۶۶ |
| هیأت وزیران | ۱۳۷۶/۴/۸ | آیین نامه ساماندهی، بهسازی و عمران مساجد کشور | ۶۷ |
| هیأت وزیران | ۱۳۷۸/۱۱/۱۳ | اساسنامه مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری | ۶۸ |
| هیأت وزیران | ۱۳۸۱/۱۱/۳۰ | آیین نامه اجرایی موضوع تبصره (۳) ماده (۱۳۹) اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم | ۶۹ |

| مرجع تصویب | تاریخ تصویب | عنوان | |
|-------------------------|-------------|--|----|
| هیأت وزیران | ۱۳۸۷/۷/۲۳ | تلقی شدن کمک‌های اشخاص حقیقی و حقوقی برای احداث مساجد، مصلاها، مدارس علمیه به عنوان هزینه‌های قابل قبول مالیاتی | ۷۰ |
| شورای عالی اداری | ۱۳۸۷/۸/۱۵ | اساسنامه سازمان تبلیغات اسلامی | ۷۱ |
| هیأت وزیران | ۱۳۸۷/۸/۲۰ | آیین‌نامه اجرایی قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن | ۷۲ |
| هیأت وزیران | ۱۳۸۷/۹/۲۴ | اساسنامه سازمان ملی زمین و مسکن | ۷۳ |
| رییس قوه قضاییه | ۱۳۸۸/۱/۱۶ | آیین‌نامه شوراها حل اختلاف | ۷۴ |
| هیأت وزیران | ۱۳۸۸/۲/۲۰ | تعیین سازمان اوقاف و امور خیریه به عنوان متولی و مسئول پیگیری امور مربوط به ساماندهی ساخت و ساز، احیاء، تعمیر و تجهیز مساجد | ۷۵ |
| هیأت وزیران | ۱۳۸۹/۱/۱۵ | اختصاص یک درصد از بودجه سالانه سازمان ملی زمین و مسکن برای احداث، مقاوم‌سازی و مرمت مساجد | ۷۶ |
| وزیران عضو کارگروه مسکن | ۱۳۹۰/۴/۱۷ | آیین‌نامه اجرایی قانونی الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن | ۷۷ |
| هیأت وزیران | ۱۳۹۰/۷/۱۷ | آیین‌نامه مالی، معاملاتی، اداری و استخدامی صندوق توسعه ملی | ۷۸ |
| هیأت وزیران | ۱۳۹۱/۱۱/۲۹ | تعیین بسته اجرایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۹۴-۱۳۹۰) موضوع ماده (۲۱۷) قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه | ۷۹ |
| شورای اسلامی شهر تهران | ۱۳۸۳/۷/۱۴ | مصوبه «مجوز بخشودگی مساجد و اماکن مقدسه اسلامی و معابد اقلیتهای مذهبی و مدارس طلاب علوم دینی از پرداخت عوارض ساختمانی مالکانه و نوسازی | ۸۰ |

| مرجع تصویب | تاریخ تصویب | عنوان | |
|---|-------------|--|----|
| شورای اسلامی شهر تهران | ۱۳۸۳/۱۰/۱ | مصوبه چگونگی مشارکت شهرداری تهران در ساماندهی وضعیت مساجد در شهر تهران | ۸۱ |
| ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور | ۱۳۸۶-۱۳۸۸ | مصوبات جلسات ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور | ۸۲ |
| شورای سیاستگذاری مرکز رسیدگی به امور مساجد | ۱۳۹۰/۸/۷ | آیین نامه ستاد ساماندهی مساجد استان تهران | ۸۳ |
| بخشنامه رییس قوه قضاییه | ۱۳۸۳/۹/۵ | بخشنامه اهمیت نماز و ضرورت تنظیم برنامه های ملاقات عمومی توسط مدیران و مسؤولان در مساجد جهت رسیدگی به مشکلات مردم | ۸۴ |
| نماینده امام و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه | ۱۳۶۵/۳/۲۷ | دستورالعمل مربوط به تعاریف و اصطلاحات مندرج در آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه | ۸۵ |
| سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه | ۱۳۷۴/۱۱/۲۵ | دستورالعمل آیین نامه مستثنی شدن خدام و کارکنان بقاع متبرکه، مساجد، حسینیه ها، تکایا، مدارس علوم دینی موقوفه و موقوفات امور عام غیر تولیدی از شمول موادی از قانون کار | ۸۶ |
| ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور | ۱۳۸۵/۲/۱۸ | دستورالعمل و وظایف پیشنهادی کارگروه تخصصی ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد | ۸۷ |
| نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه | ۱۳۸۶/۹/۲۰ | دستورالعمل نحوه اداره رقبات و مستقلات مساجد | ۸۸ |
| تصویب یک فوریت طرح، مجلس شورای اسلامی | ۱۳۹۱/۲/۱۸ | طرح «حمایت از احداث، تجهیز، نوسازی و مدیریت مساجد کشور و پیگیری امور نمازخانه ها» | ۸۹ |

جدول تاریخی آرای قضایی

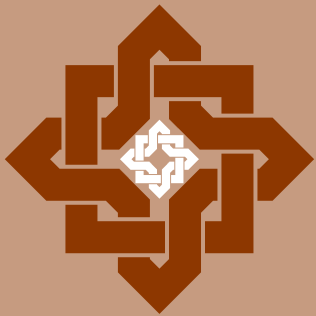
| مرجع صدور | تاریخ صدور | عنوان رأی | |
|------------------------------|------------|--|---|
| هیأت عمومی دیوان عالی کشور | ۱۳۳۷/۱/۱۵ | وقف صرفاً با شهادت شهود قابل اثبات نیست. | ۱ |
| هیأت عمومی دیوان عالی کشور | ۱۳۴۲/۱۲/۲۹ | مستفاد از صرف عبارت نسلاً بعد نسل یا طبقاً بعد طبقه در مورد وقف، تولیت و وصایت ترتیب است نه تشریک. | ۲ |
| هیأت عمومی دیوان عالی کشور | ۱۳۷۵/۱۰/۱۸ | دعوی ادارات اوقاف و اشخاص ذینفع علیه آرای شعب تحقیق در دادگاه‌های عمومی دادگستری، ملازمه‌ای با محل استقرار شعب تحقیق سازمان اوقاف و امور خیریه ندارد. | ۳ |
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | ۱۳۶۹/۱/۲۳ | وقف موازین شرعی، کسب نظر کمیسیون مرکب از افراد صاحب نظر در سازمان اوقاف در خصوص تشخیص فروش یا تبدیل موقوفات به ملکیت الزامی است. | ۴ |
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | ۱۳۶۹/۳/۲۲ | تسلیم نسخه‌ای از دادخواست به ادارات سازمان اوقاف هنگام طرح هر گونه دعوی توسط متولی و نیز آگاهی ادارات اوقاف از مخارج و مصارف اعتبارات هر موقوفه، به جز موقوفات منصوص التولیه الزامی است. | ۵ |
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | ۱۳۶۹/۹/۶ | موافقت سازمان اوقاف با ثبت معاملات راجع به عین یا منافع موقوفات و ثبت معاملات رقبات در دفاتر اسناد رسمی، اعم از دارای متولی یا فاقد متولی الزامی است. | ۶ |
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | ۱۳۷۱/۶/۱۴ | اخذ درصدی از سرقفلی واحد تجاری موقوفه، شرط تجدید اجاره و یا قبول انتقال مورد اجاره از طرف سازمان اوقاف به عنوان موجر است. | ۷ |
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | ۱۳۷۱/۷/۲۵ | عدم تعلق مال موقوفه به عنوان حق دولت و عدم احتساب درآمد موقوفه در زمره بودجه عمومی از موجبات عدم شناسایی سازمان اوقاف به عنوان واحد دولتی بالاصاله و حافظ منافع و حقوق دولت می‌باشد. | ۸ |

| مرجع صدور | تاریخ صدور | عنوان رأی | |
|------------------------------|------------|---|----|
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | ۱۳۷۲/۲/۲۵ | تنظیم سند اجاره با مالک اعیانی در خصوص اعیانی موجود در موقوفاتی که ملک اشخاص می باشد، با رعایت حقوق مکتسبه و تأیید استحقاق اشخاص به دریافت خسارت از فروشندگان زمین یا خانه موقوفه که سند مالکیت آنان ابطال شده است خواهد بود. | ۹ |
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | ۱۳۷۲/۱۱/۹ | اجاره نامه و میزان اجاره بهای عادلانه روز فیما بین سازمان اوقاف و مستأجرین در موقوفات عام به موجب آیین نامه اجرایی مربوطه و دستورالعمل تنظیم اسناد اجاره رقبات و موقوفات می باشد. | ۱۰ |
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | ۱۳۷۳/۸/۷ | مداخله سازمان اوقاف در امور موقوفه دارای متولی خاص و مورد وثوق و قادر بر انجام تکالیف شرعی خلاف موازین شرعی است. | ۱۱ |
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | ۱۳۷۳/۱۲/۶ | دیوان عدالت اداری در رسیدگی به شکایات سازمان اوقاف به قائم مقامی از موقوف علیهم و سایر اشخاص حقوقی حقوق خصوصی ذی صلاح است. | ۱۲ |
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | ۱۳۷۴/۵/۲۸ | سازمان اوقاف بایستی از هزینه های مربوط به حفظ عین موقوفه، آبادانی رقبات، تعمیرات جاری و مصارف مقرر در وقف نامه و سیره جاریه توسط متولی اطلاع یابد. | ۱۳ |
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | | تعیین ۳۰٪ قیمت عادلانه روز زمین به عنوان مقدار پذیره، در مواردی که میزان پذیره متعارف بیش از آن باشد، خلاف موازین شرعی است. | ۱۴ |
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | ۱۳۷۴/۷/۲۹ | التزام متولیان منصوص التولیه صحیح العمل، به تنظیم و ارسال اوراق بودجه به ادارت کل اوقاف و امور خیریه استان های مربوطه، خلاف موازین شرعی است. | ۱۵ |

| مرجع صدور | تاریخ صدور | عنوان رأی | |
|------------------------------|------------|---|----|
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | ۱۳۷۵/۴/۹ | متولی و ادارات اوقاف و امور خیریه در انتخاب وکیل یا وکلای واجد شرایط جهت احیای حقوق موقوفه مجاز می‌باشند. | ۱۶ |
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | ۱۳۷۶/۵/۴ | شعب تحقیق سازمان اوقاف حق عزل، ممنوع المداخله کردن و یا ضم امین را نداشته و موارد مذکور تنها در صلاحیت دادگاه‌های عمومی است. | ۱۷ |
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | ۱۳۷۶/۸/۳ | رعایت حق اولویت متصرفین اموال غیر منقول موقوفه در انعقاد عقد اجاره با لحاظ صرفه و صلاح وقف ضروری است. | ۱۸ |
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | ۱۳۷۷/۴/۲۷ | التزام متولی به مصرف درآمد موقوفات مجهول‌المصرف و موقوفاتی که به صورت میراث مطلقه وقف گردیده‌اند، منحصرأ به موارد خاص، خلاف موازین شرعی است. | ۱۹ |
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | ۱۳۷۸/۶/۲۰ | خلع ید متصرف رقبه موقوفه در صورت امتناع از تنظیم اجاره‌نامه، خلاف موازین شرعی نمی‌باشد. | ۲۰ |
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | ۱۳۷۹/۹/۶ | لزوم انجام مطلق تکالیف قانونی در زمان معین، در باب تعلق مالیات بر درآمد موقوفات عام در صورت عدم تسلیم صورت‌حساب درآمد و هزینه‌های موقوفه تا پایان خردادماه سال بعد، با شرایط مندرج در قانون مالیات‌های مستقیم در خصوص معافیت موقوفات عام از پرداخت مالیات مغایرت ندارد. | ۲۱ |
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | ۱۳۷۹/۱۲/۲۱ | سند فروش یا تبدیل موقوفه در خصوص رقبه موقوفاتی که بدون مجوز شرعی معامله شده‌اند، مطابق نظر رییس سازمان اوقاف باطل می‌گردد. | ۲۲ |
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | ۱۳۸۱/۳/۱۹ | مساجد و تکایا در زمره کارگاه‌های کوچک مندرج در ماده (۱۹۱) قانون کار بوده و خدام و کارکنان مساجد که به صورت تبرعی خدمت نمی‌کنند، مشمول قانون کار می‌باشند. | ۲۳ |

| مرجع صدور | تاریخ صدور | عنوان رأی | |
|------------------------------|------------|--|----|
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | ۱۳۸۱/۴/۱۶ | اخذ ۱۵٪ مابه التفاوت توسط سازمان اوقاف به هنگام انتقال مورد اجاره به غیر از مستأجر عرصه‌ای که احداث اعیان نموده، مغایر موازین شرعی نمی‌باشد. | ۲۴ |
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | ۱۳۸۱/۱۰/۸ | تجویز، الزام به اخذ، یا ذخیره ۲۰٪ از درآمد موقوفه نسبت به موقوفاتی که نیاز به تعمیر ندارند، یا تعمیر آنان از طرق دیگر امکانپذیر است، خلاف موازین شرعی می‌باشد. | ۲۵ |
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | ۱۳۸۳/۳/۳ | عواید حاصل از محل پذیره، اهدایی، اجاره و استیجار موقوفات، به موقوفه مورد اجاره اختصاص می‌یابد. | ۲۶ |
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | ۱۳۸۳/۱۱/۴ | تشخیص تحقق شرایط فروش موقوفه، منوط به صدور مجوز شرعی توسط مجتهد جامع الشرایط در سازمان اوقاف می‌باشد. | ۲۷ |
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | ۱۳۸۴/۱۲/۲۱ | احداث اعیانی توسط زارعان صاحب نسق بدون کسب اجازه از سازمان اوقاف و عدم پرداخت پذیره اراضی، خلاف موازین شرعی است. | ۲۸ |
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | ۱۳۸۵/۵/۸ | متولیان موقوفات مکلف به تنظیم دفتر مخصوص جهت ثبت درآمد و هزینه موقوفه و افتتاح حساب جداگانه به نام موقوفه در موارد خاص می‌باشند. | ۲۹ |
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | ۱۳۸۵/۶/۵ | سازمان اوقاف مکلف به نظارت بر امور موقوفات، متولیان ناتوان در انجام وظایف شرعی و قانونی و رعایت مصلحت و غبطه موقوف علیهم در موقوفات فاقد متولی است. | ۳۰ |
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | ۱۳۸۶/۴/۳۱ | اطلاق سرمایه‌گذاری پذیره‌های مأخوذه در موقع ایجار موقوفات خاص جهت استفاده کلیه بطون و در مواردی که واقف نظر به عدم اخذ پذیره داشته باشد، خلاف موازین شرعی است. | ۳۱ |

| مرجع صدور | تاریخ صدور | عنوان رأی | |
|------------------------------|------------|---|----|
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | ۱۳۹۰/۶/۷ | پس از ابطال انتقالات بعد از وقف، متصرف باید ظرف روز از تاریخ رویت دعوت‌نامه اوقاف، جهت تنظیم سند اجاره مراجعه نماید. | ۳۲ |
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | ۱۳۹۰/۶/۲۱ | تعیین اجرت المثل حق النظاره و تشخیص ضرورت نظارت اشخاص یا ادارات اوقاف در موقوفات غیر متصرفی با سرپرست سازمان اوقاف است. | ۳۳ |
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | ۱۳۹۱/۵/۲ | صرف همه درآمدها و هزینه‌های موقوفات عام در امور مصرح در بند (ح) ماده ۱۳۹ قانون اصلاح موادی از قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۰، شرط برخورداری موقوفات عام از معافیت مالیاتی است. | ۳۴ |
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | ۱۳۹۱/۸/۱ | اجرای نظریه‌های شعب تحقیق در موارد تعدی یا تفریط متولی یا ناظر، منوط به صدور حکم قطعی دادگاه می‌باشد. | ۳۵ |
| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری | ۱۳۹۱/۱۰/۲۵ | خروج اراضی موقوفات از ید متولی شرعی به عنوان مراتع و منابع طبیعی بدون توجه به دلایل شرعی مبنی بر وقفیت ملک از قبیل ید، بینه، شیاع محلی، اقرار متصرف، سیره جاری عمل به وقف و سابقه ثبتی، خلاف موازین شرعی است. | ۳۶ |



فصل اول: اسناد بالادستی

فرمان تأسیس مرکز رسیدگی به امور مساجد

« مقام معظم رهبری، مورخ ۱۳۶۸/۷/۳۰

متن حکم مقام معظم رهبری به حضرت آیت‌الله مهدوی کنی به منظور تأسیس مرکز رسیدگی به امور مساجد، مورخ ۱۳۶۸/۷/۳۰ :

بسم الله الرحمن الرحيم

آیت‌الله جناب آقای مهدوی کنی دامت برکاته

مراجعات متعدد از سوی مرتبطين با مساجد تهران من جمله ائمه جماعت، گروه‌های بسیج، متولیان و متصدیان و غیرهم حاکی از فقدان مرکز و مرجع مقبول و آگاه و نافذالکلمه‌ای در امر مساجد یعنی اصلی‌ترین پایگاه دین و معنویت و اخلاق است.

شک نیست که حفظ قداست مساجد و تقویت هماهنگ جنبه‌های معنوی و انقلابی و تعلیمی و تبلیغی آن نیازمند سلامت و امنیت محیط آن و دور ماندن از منازعات

و مناقشات داخلی در آن است. لذا شایسته است جناب عالی که بحمدالله برخوردار از جاهت و قبول و حرمت در نزد حضرات آقایان ائمه جماعت مساجد شهر تهران می‌باشید با تعیین مرکزی و نمایندگانی به مهمه مساجد پرداخته و در موارد لازم با کمک و حمایت از برنامه‌های اسلامی در مساجد و یا لدی‌القتضاء با نصب امام جماعت و دیگر مسئولین مربوط به مساجد، به رونق و کارآیی و شکوفایی هرچه بیشتر این پایگاه‌های انقلاب و اسلام کمک نمایید.

توفیق متزاید جناب عالی را از خداوند متعال مسألت میکنم
والسلام علیکم ورحمة الله

۱- با برجسته‌تر شدن کارکردهای مسجد پس از پیروزی انقلاب اسلامی سال ۵۷ و نیز تأسیس سازمان‌ها و نهادهای متعددی که به طور مستقیم و غیر مستقیم در ارتباط با حوزه مدیریت و اداره مساجد کشور بودند، تداخل و موازی کاری وظایف و کارکردهای نهادهای متولی مسجد به رغم تمام ثمرات گران‌بهایی که در حوزه مسجد داشتند امری طبیعی بود. از این رو در سال ۶۸، طی حکمی از سوی مقام معظم رهبری، مرکز رسیدگی به امور مساجد، به عنوان «مرکز و مرجع مقبول و نافذالکلمه‌ای در امر مساجد»، جهت «دور ماندن از منازعات و مناقشات داخلی» و «رسیدگی به مهمه مساجد» تأسیس گردید.

۲- شاید تصور شود چون مسجد از مصادیق وقف است، بنابراین الزاماً مدیریت و نحوه اداره امور مسجد و جعل تولیت تماماً تابع اراده واقف و بانی مسجد است، حال آنکه برخی از فقهاء و اندیشمندان حقوقی قایل به تفکیک ماهیت وقف مسجد و مکان‌های مذهبی با غیر آن بوده و وقف مسجد را به «آزاد کردن بنده و گسستن رابطه ملکیت» تشبیه کرده‌اند. «ان المسجد أشبه الأشياء بالمعتق» (مسجد شبیه‌ترین چیز به بنده‌ای است که آزاد شده است). به دیگر سخن هم‌چنان که انسان هنگامی که بنده‌ای را آزاد نمود، دیگر چیرگی و استیلایی بر وی ندارد، هرگاه زمین یا بنایی مسجد واقع شود، واقف و بانی حق تصرف، جعل تولیت و اختیاری جهت مدیریت مسجد نخواهند داشت. مع ذلک، برخی دیگر از فقهاء قرار دادن سرپرست و مدیر موقوفه توسط واقف بر مسجد را شرعاً جایز می‌دانند (برای مطالعه بیشتر ر.ک: نوبهار، رحیم، نقش نظام اسلامی در مدیریت مساجد و میزان اختیارات واقف در اداره امور مسجد، نشریه وقف میراث جاویدان، شماره ۲۴ و ۲۳، پاییز و زمستان ۱۳۷۷، صص ۴۳-۵۵).

۳- با عنایت به اینکه امروزه مساجد کشور برخلاف دوره پیش از انقلاب - که تنها محلی جهت انجام فرایض و مستحبات دینی بودند کارکردهای متنوعی در ابواب اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز دارند و برخی مساجد به جهت برخورداری

از رقبات متعدد، از منابع و گردش مالی قابل توجهی برخوردار میباشند، اعمال درجه‌ای از نظارت توسط حاکم اسلامی به منظور تضمین سلامت اداری، مالی و معنوی مسجد و تنظیم و تنسيق اعمال اداری و حقوقی مسئولین آن، در کنار صیانت از اصل «مردمی بودن مساجد» ضرورت دارد. پیش بینی سازوکار حسابرسی صورت‌های مالی مساجد، ضرورت تأیید صلاحیت اخلاقی و احراز توانمندی‌های هیأت امناء و خادمین مساجد و معرفی ائمه جماعات به دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت در صورت احراز تخلف یا وقوع جرم توسط مرکز رسیدگی به امور مساجد در راستای چنین ضرورتی است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: صداقتی، کیوان، جایگاه مسجد در نظام حقوقی ایران، روزنامه حمایت قضایی، شماره ۲۸۹۳، چهارشنبه ۲۷ شهریور ماه ۱۳۹۲، ص ۳).

۴- مساجد به عنوان کانون فکری و ایدئولوژیک در نظام اسلامی، نقشی بی‌بدیل در تحقق «آزادی مشارکت» و «کثرت‌گرایی» به عنوان پایه‌های اصلی دموکراسی داشته و حضور مستمر مسجدیان از گروه‌های سنی و طبقات شغلی و فکری متفاوت و «مشارکت همگانی» و آزادی و ابتکار عمل نمازگزاران در اداره امور مسجد، زمینه‌ساز تحقق جامعه آرمانی و مطلوب خواهد بود. چه این که مومنین در مساجد، «حقوق شهروندی» را در محدوده و مقیاسی کوچک‌تر تمرین می‌کنند تا آن را در جامعه «مردم سالار دینی» خود پیاده نمایند. (صداقتی، کیوان، سازمان و مدیریت در مسجد و حقوق مترتب بر آن، قسمت یادداشت روز پایگاه اینترنتی مرکز آموزش مدیریت دولتی، مورخ ۷ مهر ۱۳۹۲، (www.smtc.ac.ir/yad7))

۵- مدیریت داخلی (شبستان) مسجد و نیز ایفای نقش امام جماعت فی‌الذاته منوط به اذن هیچ شخص یا گروه خاصی از جمله حاکم اسلامی نیست. به اجماع و اتفاق علمای اسلامی، چون امامت جماعت برخلاف امامت جمعه، «منصب» (پست) نیست، هرگاه مردم خود امامی را برگزینند و به وی اقتدا کنند، کفایت کرده و نیازی به نصب وی از سوی حاکم شرع نیست. (نوبهار، رحیم، همان،

ص ۵۴). هم‌چنین بر پایه یک سنت عرفی و مذهبی کهن، مساجد توسط گروهی از مومنان که از آنان به عنوان «هیأت امناء» یاد می‌شود، اداره می‌گردند. این افراد یا در زمره بانیان (واقفان) اولیه مسجد بوده و یا به انتخاب ساکنین محل و نمازگزاران به صورت داوطلبانه اداره مسجد را متقبل گردیده‌اند. عموماً انتخاب امام مسجد نیز توسط اعضای هیأت امناء به نمایندگی از کلیه نمازگزاران محل انجام می‌پذیرد. اتخاذ چنین راهبردی در مساجد که تماماً به نحو مردمی و از پایین به بالاست، بی‌شبهت به انتخاب اعضای هیأت مدیره توسط سهام‌داران و سپس رأی‌گیری هیأت مدیره جهت انتخاب مدیر عامل نیست (صداقتی، کیوان، همان). ۶- مطابق قانون مدنی، نهاد وقف به اعتبار موقوف‌علیهم به دو دسته کلی وقف خاص و عام تقسیم می‌گردد. بدیهی است موارد دخالت حاکم اسلامی (سازمان اوقاف و امور خیریه)^۱ در مدیریت اوقاف عامه (از جمله مسجد) و نیز وقف بر مصالح عامه که امروزه به تبعیت از حقوق اروپا می‌توان از آن به عنوان «منافع عمومی» (Public Interest) یاد کرد گسترده‌تر از وقف خاص است. شرط قبول و قبض حاکم در مواردی که موقوف‌علیهم غیر محصور یا وقف بر مصالح عامه بوده و موقوفه متولی ندارد،^۲ ضم‌امین کردن توسط حاکم در مواردی که خیانت متولی ظاهر می‌شود^۳ و نیز مدیریت و اداره اوقاف عامه در مواردی که فاقد متولی متعین است، از جمله نمونه‌هایی است که نشان از دخالت حاکم در امر مدیریت موقوفه و مسجد دارد. از این روست که تخریب یا نوسازی مسجد با اذن حاکم (سازمان اوقاف) بوده و وقتی حاکم اسلامی (شهرداری‌ها) بنای مسجدی را مطابق با راهبرد طرح‌های تفصیلی و جامع شهری ندانست، مجوز ساخت آن را صادر نمی‌کند (صداقتی، کیوان، همان).

۷- با مذاقه در متون فقهی و نظریات فقهاء روشن می‌گردد مقوله مدیریت مسجد و نحوه اداره آن چندان منقح نیست. علی‌هذا اکنون که دیگر نمی‌توان با قاطعیت

۱. ماده (۱) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲.

۲. ماده (۶۱) قانون مدنی: «... اگر موقوف‌علیهم غیر محصور و یا وقف بر مصالح عامه باشد، متولی وقف و الاحکام قبض می‌کند».

۳. ماده (۷۹) قانون مدنی: «... اگر خیانت متولی ظاهر شود، حاکم ضم‌امین می‌کند».

از حقوق «خصوصی» یا «عمومی» بودن اشخاص حقوقی سخن گفت، این مهم در خصوص مسجد با تأکید بیشتری مطرح نظر است. در واقع مسجد در زمره اشخاص حقوقی نیمه عمومی نیمه خصوصی است که ماهیت حقوقی آن به هیچ یک از مؤسسات و دستگاه‌ها شباهت ندارد. با این وجود مسجد نهادی مردمی و مستقل از دولت است که به جهت عدم استفاده از بودجه عمومی کشور، نحوه «انتخاب» امام جماعت و هیأت امناء، مستخدم عمومی نبودن فعالین آن (از جمله امناء و خدام) گرایش بیشتری به سمت حقوق خصوصی دارد. از این رو سیاست تقنینی در حوزه مدیریت مسجد نیز بایستی بر پایه پاسداری بیشتر از «اصل مردمی بودن مسجد» و پرهیز از دولتی شدن آن استوار باشد^۱ (صداقتی، کیوان، همان).

۸- سخنان رییس مجلس شورای اسلامی در یازدهمین اجلاس گرامی داشت روز جهانی مسجد را می‌توان در راستای پرهیز از دولتی شدن مساجد برداشت نمود که عنوان داشتند: «زمانی که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بودم، وقتی ایجاد کانون‌های فرهنگی مساجد در دستور کار قرار گرفت، آیت‌الله مهدوی کنی به این جانب توصیه کردند که مراقب باشید مساجد را دولتی نکنید! من به این توصیه عمل و تلاش کردم مساجد مستقل باشند. در عین حال با حفظ استقلال مساجد که موهبتی برای ملت ما است، سامان‌دهی وضع مساجد از طریق دولت، می‌تواند قانونی شود»^۲.

۱. برخی از مواد «طرح حمایت از احداث، تجهیز، نوسازی و مدیریت مساجد کشور و پیگیری امور نمازخانه‌ها» که یک فوریت آن در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۱۸ در صحن علنی مجلس تصویب و اعلام وصول گردید، در تعارض آشکار با موضوع «غیر دولتی بودن» مسجد است.

۲. لاریجانی، علی، خبرگزاری شبستان، کد خبر: ۳۰/۵/۱۳۹۲ مورخ، ۲۸۴۷۹۱

Mode&284791=Id&0=www.shabestan.ir/NSite/FullStory/News/?Serv

مجوز مقام معظم رهبری در مورد اجرای طرح توجیه ادارات اوقاف و امور خیریه مورخ ۱۳۹۶/۸/۷

« طرح توجیه ادارات حج و اوقاف و امور خیریه در رابطه با متولیان موقوفات
« نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه

« مقدمه:

به دنبال اجرای قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۱/۲ مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامه‌های اجرایی آن مصوب هیأت وزیران، به دلیل تفسیرهای مختلف توسط ادارات و افراد ذی‌ربط از آیین‌نامه‌های فوق‌الذکر و با عنایت به این که بسیاری از موقوفات عامه به وسیله متولیان اداره می‌شود و غالباً مشاهده شده است که رقبات متعددی از موقوفات مزبور به علت عدم آگاهی به موازین شرعی و قوانین جاری و یا تفسیرهای مختلف از حالت وقف خارج و یا بدون رعایت غبطه و صلاح وقف در ید اشخاص قرار گرفته است، لذا به منظور جلوگیری از هرگونه سوء استفاده از موقوفات و رعایت موازین شرعی و قانونی از سوی ادارات حج و اوقاف و امور خیریه و متولیان، به استناد تبصره یک

ماده یک قانون تشکیلات و اختیارات سازمان، وظایف ادارات حج و اوقاف و امور خیریه در رابطه با موقوفاتی که دارای متولی می‌باشد به شرح زیر ابلاغ می‌گردد:

- ماده ۱- ادارات حج و اوقاف و امور خیریه به استناد تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان در مورد بقاع متبرکه:

الف- حضرت علی بن موسی الرضا علیه الاف التحیه و الثناء (آستان قدس رضوی)

ب- حضرت احمد بن موسی (علیه السلام) (شاهچراغ)

ج- حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام)

د- حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) و موقوفات مربوط به بقاع مزبور که از طرف مقام معظم رهبری برای اداره آنها تولیت معین و منصوب گردیده است هیچ‌گونه دخالت و نظارتی نخواهد داشت.

- ماده ۲- چنانچه از طرف مقام معظم رهبری برای اداره موقوفه‌ای متولی معین و نصب شده باشد ادارات حج و اوقاف و امور خیریه مجاز به دخالت و یا نظارت در مورد این‌گونه موقوفات نخواهند بود.

ماده ۳- متولیان منصوسی که با تشخیص ادارات تحقیق سازمان حج و اوقاف و امور خیریه به استناد قسمت آخر ماده ۱۴ قانون فوق‌الاشعار در مظان تعدی و تفریط نباشند از تسلیم صورت حساب درآمد و هزینه و اخذ مفاصاً حساب از شعب تحقیق معاف بوده و ادارات حج و اوقاف و امور خیریه بر اعمال این‌گونه متولیان نظارت نخواهند نمود.

□ تبصره- در صورتی که این‌گونه متولیان بخواهند از معافیت مقرر در ماده ۲ قانون مالیات‌های مستقیم استفاده نمایند، ملزم به رعایت ضوابط مقرر در آیین‌نامه اجرایی آن قانون می‌باشند.

- ماده ۴- به موجب ماده ۱۴ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان و آیین‌نامه‌های آن تحقیق در جمع و خرج عواید موقوفات و صدور مفاصاً حساب و تطبیق مصارف آن

با مفاد وقفنامه از وظایف شعب ادارات تحقیق است. لذا شعب مذکور موظفند همه ساله ضمن اقدام به موقع در این مورد اسامی متولیان را که مشمول مواد ۲ و ۳ این طرح نباشند به ادارات حج و اوقاف و امور خیریه شهرستان مربوطه اعلام تا آن ادارات بتوانند به موقع در تنظیم اسناد معاملات راجع به عین یا منافع این قبیل موقوفات نظارت کامل نموده و امور مربوط به موقوفه با نظارت استصوابی ادارات حج و اوقاف و امور خیریه محل انجام گردد. بدیهی است به محض خروج هر یک از متولیان مشمول این ماده از مظان تعدی و تفریط موضوع نظارت نیز مرتفع خواهد شد.

۱- طرح فوق به شماره ۵۹۳۱/۱۲۰ مورخ ۱۳۶۹/۷/۲۳ که توسط نماینده ولی فقیه و سرپرست وقت سازمان اوقاف و امور خیریه، در خصوص نحوه نظارت آن سازمان بر اعمال متولیان موقوفات تنظیم گردیده بود، به استحضار مقام معظم رهبری رسید و ایشان در تاریخ ۱۳۶۹/۸/۷، ذیل این طرح مقرر فرمودند: «جناب حجت الاسلام آقای جمارانی؛ عمل به این آیین نامه، با رعایت احتیاط در اجرای مضمون وقفنامه‌ها، خوب و مفید است و با آن موافقت می‌شود» (نامه دفتر مقام معظم رهبری به شماره ۱/۳۵۰۳ مورخ ۱۳۶۹/۸/۱۴).

۲- نام سازمان حج و زیارت و اوقاف و امور خیریه به سازمان اوقاف و امور خیریه تبدیل شده است.

۳- در موقوفات منصوص التولیه در صورتی که مظنه تعدی و تفریط متولی نباشد، تحقیق در جمع و خرج عواید و صدور مفاصاً حساب با شعب تحقیق اوقاف نمی‌باشد (ماده ۱۴ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲).

از سیاست‌های کلی نظام در بخش فرهنگ

« مصوب ۱۳۸۸/۲/۲۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام

- ۶- بهره‌برداری مناسب از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های حوزه‌های علمیه و روحانیت با اهتمام به:
 - ۲- ارتقاء کارآمدی نهادهای دینی به ویژه مدارس علوم اسلامی، حوزه‌های علمیه، مساجد و اماکن مذهبی و زیارتی.

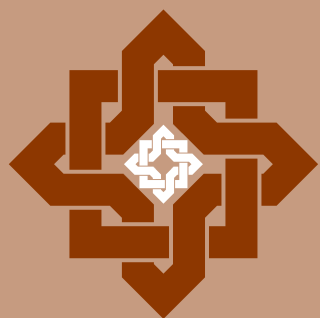
- ۹- توسعه ظرفیت مساجد و بازگشت آن به جایگاه اصلی به عنوان رکن اساسی جامعه اسلامی با اهتمام به:
 - ۱- ۹- ترویج و تبیین جایگاه و نقش مسجد در جامعه اسلامی و تشویق و ترغیب مردم به ساخت و تجهیز مساجد از طریق گسترش فرهنگ وقف، نذر و سایر خیرات و میراث.
 - ۲- ۹- کمک موثر به احداث، توسعه، تجهیز، تعمیر و نگهداری مساجد متناسب

با نیازهای جغرافیایی و جمعیتی مبتنی بر شاخص‌های مطلوب با بهره‌گیری از معماری و هنر اسلامی ایرانی در کلان شهرها، شهرها، شهرک‌ها و روستاها به ویژه الزام به تأسیس مسجد در مراکز میان راهی، شهرک‌های جدید و در حال طراحی و ساخت.

۳-۹- سامان‌دهی مساجد مبتنی بر تمرکز در اهداف و سیاستگذاری‌ها با حفظ بُعد مردمی مساجد و محوریت امام‌جماعت در مدیریت مسجد با همکاری هیأت امنای مورد تأیید آنان و استفاده از دستگاه‌های فرهنگی و تبلیغی ذی ربط.

۴-۹- ارتقای کارآمدی و افزایش کیفیت و قابلیت‌های مساجد در عرصه‌های مختلف برای پاسخگویی به نیازهای جامعه به ویژه نسل جوان و فرهنگ‌سازی برای حضور بیشتر مردم در مساجد و شرکت در نماز جمعه و جماعت.

- ۱۰- اهتمام به ترویج، تعمیم و نهادینه کردن فرهنگ عمل به احکام اسلام به ویژه اقامه نماز، زکات و امر به معروف و نهی از منکر در جامعه.



فصل دوم: قوانین

از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

« مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۲ از طریق همه‌پرسی

- **اصل سوم** - دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:
 - ۱- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.
 - ۱۵- توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم.

۱- در یکصد و هفتاد و هفت اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی، نامی از مسجد به میان نیامده است. تنها در مقدمه قانون اساسی و در بیان آغاز شکل‌گیری نهضت ضد استبدادی در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی، قانون‌گذار به نقش موثر مساجد در افزایش آگاهی و عزم ملت ایران در مبارزه با استبداد اشاره کرده و آورده است: «قشر آگاه و مسئول جامعه در سنگر مسجد، حوزه‌های علمیه و دانشگاه به روشنگری پرداخت و با الهام از مکتب انقلابی و پربار اسلام، تلاش

پیگیر و ثمربخشی را در بالا بردن سطح آگاهی و هوشیاری مبارزاتی و مکتبی ملت مسلمان آغاز کرد».

۲- با عنایت به جایگاه والای مسجد در قرآن، فرمایشات و سیره نبی اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام و نیز نقش به سزای مساجد در تحقق آرمان‌های جامعه اسلامی، شایسته بود قانونگذار اساسی ایران توجه بیشتری به این مهم مبذول می‌داشت.

۳- در بازنگری‌های احتمالی آینده، به نظر می‌رسد فصل هفتم قانون اساسی در باب شوراهای اسلامی کشور، محل مناسبی جهت بیان نقش، وظایف و اختیارات مساجد باشد.

۴- در قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور مصوب ۱۳۶۱/۹/۱ مجلس شورای اسلامی، از جمله وظایف و اختیارات تعیین شده برای شورای اسلامی ده، تشویق مردم به نگهداری و تأسیس مساجد و تکایا و بقاع متبرکه بود (بند ۶ ماده ۲۶).

۵- با این وجود می‌توان از اصل سوم قانون اساسی به صورت ضمنی و تلویحی به تکلیف دولت در به کار بردن همه امکانات خود جهت برپایی و رونق امور مساجد پی برد. بدیهی است از محیط‌های مناسب جهت رشد فضایل اخلاقی مردم، مبارزه با مظاهر فساد و تباهی و ایجاد مودت، تعاون عمومی و برادری اسلامی، مساجد می‌باشند.

۶- جمهوری اسلامی ایران در اصل دوم قانون اساسی، بر پایه ایمان به خدای یکتا، وحی الهی، معاد، عدل، کرامت انسانی، اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط و ... شکل گرفته است. در اصل سوم، دولت موظف گردیده است به منظور تحقق اهداف فوق، همه امکانات خود را به کار بندد. پاکسازی محیط جامعه از فساد اخلاقی، تزکیه نفوس مردم، افزایش مشارکت شهروندان در اداره امور جامعه،

پرورش جوانانی آگاه و متعهد، نظارت همگانی از طریق بسیج مردمی، تزکیه مستمر سردمداران حکومتی و ... از جمله شروطی است که برای پیشبرد اهداف مندرج در اصل دوم قانون اساسی ایران لازم است. پر واضح است یکی از مناسب‌ترین بسترهای ممکن جهت تحقق شروط مذکور، مساجد کشور می‌باشند.

● **اصل چهل و نهم** - دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمینهای موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود.

۱- موارد متعدد نیت واقفان نشان از نفوذ فرهنگ وقف در میان ایرانیان دارد که ساخت مساجد به عنوان یکی از شاخصه‌های جامعه اسلامی همواره از نیت اصلی واقفان به شمار می‌رفت. احسانی ماندگار که قدمت خود را به تاریخ بنای اولین مساجد در ایران می‌رساند. از جمله موارد تزیین حقوق مسجد و رقبات آن، تعدی و تفریط، سوء استفاده و تصرف غیر قانونی موقوفه توسط اشخاص حقیقی و حقوقی است.

۲- «سوء استفاده از موقوفات» عبارت است از تحصیل ثروت ناشی از دخالت در وقف برخلاف ترتیبی که شرع معین نموده باشد (بند چهارم ماده ۱ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۴/۵/۱۷).

۳- سوء استفاده از موقوفات و موقوفه‌خواری یکی از مصادیق بارز فساد اقتصادی است که عدم نظارت کافی و ناهماهنگی میان دستگاه‌های اداری، به ویژه در سازمان ثبت اسناد و املاک، اداره کل منابع طبیعی و سازمان اوقاف و امور خیریه کشور از علل اصلی بروز آن است.

۴- هرگونه نقل و انتقال مربوط به سوء استفاده از موقوفات به منظور فرار از مقررات قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی، پس از اثبات باطل و بلااثر است و انتقال گیرنده در صورت مطلع بودن و انتقال دهنده به مجازات کلاهبرداری محکوم خواهند شد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: ماده ۱۴ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

۵- دریافت هر نوع عوض بابت انتقال اموال به دست آمده ناشی از سوء استفاده از موقوفات، در حکم مال نامشروع است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: ماده ۱۵ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

۶- به منظور احیاء، توسعه و استفاده بهینه از ظرفیت موقوفات و مقابله با سوءاستفاده از آن‌ها اقدامات زیر انجام می‌شود:

الف- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور با همکاری سازمان اوقاف و امور خیریه مکلف است نسبت به ثبت موقوفات بلامعارضی که صحت وقف آن محرز و لیکن تاکنون ثبت نشده‌اند، اقدام نماید.

ب- به منظور ایجاد بانک اطلاعات جامع موقوفات، کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی متولی وقف موظفند اطلاعات کلیه موقوفات، نذورات، اثلاث باقیه، محبوسات و صدقات و موقوفات عام غیرمتصرفی و دارای تولیت را بر روی سامانه‌ای قرار دهند که تا پایان سال اول برنامه توسط سازمان اوقاف و امور خیریه ایجاد می‌شود (ر.ک: ماده ۱۷۷ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران).

از قانون مدنی

« مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸ مجلس شورای ملی با اصلاحات بعدی

« مبحث دوم - دروقف

• ماده ۵۵ - وقف عبارت است از این که عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود.

۱- در صدر اسلام لغات صدقه، حبس و وقف در یک معنی به کار می‌رفت. دو معنی نخست قدیمی تر می‌باشند، لیکن هر سه در نص حدیث دیده میشوند. این ماده انعکاس حدیث «ان شئت حبست اصلها و تصدقت بها غیر انه لایباع اصلها و لایبتاع و لایوهب و لایورث» می‌باشد (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۰، چاپ دوم، ص ۱۹۷).

۲- وقف در زمان جاهلیت نبوده و از تأسیسات اسلامی است (همان، ص ۱۹۸).

۳- قانون گذار مدنی ایران، مبحث وقف را از حقوق امامیه پیروی نموده است.

مقصود از حبس نمودن عین مال، نگاه داشتن عین مال از نقل و انتقال و هم‌چنین از تصرفاتی است که موجب تلف عین گردد. زیرا مقصود از وقف، انتفاع همیشگی موقوف‌علیهم از مال موقوفه است و بدین جهت هم آن را وقف گفته‌اند، چه کلمه وقف در فارسی، ایستادن و نگه داشتن است. منظور از تسبیل منافع، واگذاری منافع در راه خداوند و امور خیریه اجتماعی می‌باشد (امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد اول، انتشارات اسلامیة، چاپ بیست‌ونهم، ۱۳۸۸، ص ۷۳).

۴- شرط خلاف «خروج ابدی موقوفه از ملک واقف» شرط خلاف مقتضای ذات عقد است (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، پیشین، ص ۵۵).

۵- تسبیل منافع محتمل الحصول روا است. مانند تسبیل در وقف منافع باغ میوه که درختان آن عادتاً دو سال بعد میوه می‌دهند (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، ص ۵۵).

۶- چنان‌چه شخصی وصیت کند که مال معینی از اعیان اموال او به محض فوت وی بی اعمال اراده کسی موقوفه باشد (مانند وصیت موصی مبنی بر وقف چند تخته فرش به مسجد محل) آن مال به محض فوت وی موقوفه است و این وصیت نه عهدی است و نه تملیکی. اما رعایت ماده بعدی [ماده ۵۶ قانون مدنی] در قبول وقف لازم است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۵۶).

۷- در زمان نگارش و تصویب ماده ۵۵ قانون مدنی، اوقاف فاقد شخصیت حقوقی بوده‌اند، اما با تصویب ماده ۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۱۶، به همه انواع وقف (خاص و عام) شخصیت حقوقی داده شده است. ماده سوم چنین مقرر می‌دارد: «موقوفه دارای شخصیت حقوقی است و متولی یا سازمان، حسب مورد نماینده آن می‌باشد».

۸- در عقد وقف، تسبیل همه منافع ضرورت ندارد. بلکه تسبیل برخی از منافع نیز، کافی است (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، پیشین، ص ۲۰۰). مانند این که شخصی باغستانی را وقف مسجدی کند، به اعتبار میوه آن. بنابراین برگ‌هایی که می‌ریزد و قابل تبدیل به کود است و شاخه‌هایی که خشک می‌شوند، در مالکیت واقف باقی می‌ماند.

۹- در عقد وقف نمی‌توان شرط عوض نمود و یا خیار فسخ قرار داد و یا آن را اقاله کرد، زیرا شرط عوض، خیار فسخ و اقاله با مقتضای عقد که تسبیل منافع است منافات دارد و شرط خلاف مقتضای عقد، مطابق ماده ۲۳۳ قانون مدنی، باطل و مبطل عقد است.

۱۰- حقوق امامیه دو شرط در عقد وقف اضافه می‌نماید: الف) دوام ب) تنجیز.

الف) دوام که قصد همیشگی است تنها فرقی می‌باشد که حق انتفاع به معنی خاص (جزء در مورد حبس موبد) با وقف دارد.

قانون مدنی تصریح به شرط بودن دوام ننموده است. بنابراین چنانچه کسی مالی را برای کسانی وقف نماید که غالباً منقرض می‌شوند، مانند آن که وقف بر اولاد خود نماید و اکتفا بر یک بطن کند و مصرف پس از انقراض آن‌ها را معین ننماید وقف صحیح می‌باشد، زیرا دلیلی بر شرط بودن دوام موجود نیست. قول مزبور، مشهور نزد فقهای امامیه است. دو قول دیگر موجود است: یکی حبس نمودن عقد مزبور و دیگری بطلان آن.

بنابر آن که وقف به طریق فوق، صحیح باشد، پس از انقراض موقوف علیهم، مشهور فقهای امامیه بر آنند که عین موقوفه به واقف یا ورثه او می‌رسد. برخی نیز معتقدند که منافع صرف بریات عمومی می‌شود. به نظر میرسد که چون موقوف علیهم منقرض می‌شوند، مستنبط از ماده (۹۱) قانون مدنی، عواید موقوفه در بریات عمومی مصرف می‌گردد.

ب) قانون مدنی در شرط بودن تنجیز در عقد وقف سکوت اختیار نموده است. بنابراین به نظر می‌رسد که تنجیز در عقد وقف مانند تنجیز در عقود دیگر می‌باشد (امامی، سید حسن، پیشین، صص ۷۵ و ۷۴).

۱۱- «نظر به اینکه وقفیت عنوانی است طاری، برای اثبات آن دلیل کافی لازم است. صرف اشاره به وقفیت در سند اجاره و یا شهادت شهود به نحوی که در پرونده منعکس است کافی بر احراز و تحقق وقف نمی‌باشد، به علاوه تصرفات ممتد خوانندگان در رقبه مورد بحث به عنوان مالکیت مؤیداً به ماده ۳۵ قانون مدنی که تصرف به عنوان مالکیت، دلیل مالکیت است خلاف ادعای وقفیت را محرز می‌دارد، مضافاً به این که عمل به وقف به اثبات نرسیده است...» (رای اصراری دیوان عالی کشور، شماره ۶- ۱۳۷۹/۲/۲۷ ردیف ۳/۷۹).

۱۲- در مورد اموال، اصل بر مالکیت است نه وقفیت. بنابراین بقای متصرفین به عنوان مالکیت و استمرار و تداوم تصرفات مالکانه دلیل بر ملک بودن رقبه مورد تصرف خواهد بود. مگر آن که حسب وقفنامه و دلایل مثبت دیگر امر وقفیت مسجل و محرز شود و به هر تقدیر وقفیت حال و ماضی اموال استثنایی بوده و اعلام آن نیاز به اثبات قانونی دارد (نظریه مشورتی ۷/۱۵۱۲- ۱۳۶۵/۳/۲۱/۲۱، اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۱۳- مسجدی که وقف می‌گردد، خود شخصیت حقوقی می‌یابد و به واقف یا نمازگزارن تعلق ندارد (ر.ک: ماده ۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف امور خیریه، مصوب ۱۳۶۳).

● ماده ۵۶- وقف واقع می‌شود به ایجاب از طرف واقف به هر لفظی که صراحتاً دلالت بر معنی آن کند و قبول طبقه اول از موقوف‌علیهم یا قائم مقام قانونی آن‌ها در صورتی که محصور باشند. مثل وقف بر اولاد و اگر موقوف‌علیهم غیر محصور یا وقف بر مصالح عامه باشد، در این صورت قبول حاکم شرط است.

۱- وقف عقدی تشریفاتی در برابر عقود رضایی است و ایجاب و قبول باید لفظی باشد. لیکن صیغه وقف و عربی بودن ایجاب و قبول، شرط نیست. از جهت لزوم مادتین ۴۶ و ۴۷ قانون ثبت نیز (در وقف املاک) عقد وقف، تشریفاتی است (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، پیشین، ص ۵۶).

۲- اگر موقوف‌علیهم غیر محصور باشند (مانند وقف بر نمازگزاران) و یا وقف بر مصالح عامه باشد (مانند روشنایی مسجد) در این صورت قبول حاکم شرط است.

۳- قانون مدنی در باب وقف، شرایط صحت عقد وقف را بیان نموده است. اما بدیهی است که عقد مزبور نیز مانند سایر عقود، بایستی دارای شرایط اساسی برای صحت معامله که در ماده ۱۹۰ قانون مدنی بیان گردیده باشد.

۴- قانون مدنی به پیروی از برخی از فقهای امامیه، وقف را مطلقاً خواه وقف عام باشد و یا وقف خاص، عقد دانسته و محتاج به قبول می‌داند. اما دو نظر دیگر بین فقهای امامیه موجود است که یکی ایقاع بودن وقف به طور مطلق و دیگری عقد بودن وقف خاص و ایقاع بودن وقف عام می‌باشد (امامی، سید حسن، پیشین، ص ۷۴).

۵- واقف تا پیش از عقد، مالک مطلق عین موقوفه است و می‌تواند به هر نحو که بخواهد آن را وقف نماید. لیکن پس از تحقق وقف، امکان تغییر در آن وجود ندارد. زیرا موقوفه از ملکیت واقف خارج و رابطه او از مال قطع می‌گردد. بدین جهت است که ماده (۶۱) قانون مدنی می‌گوید: «وقف بعد از وقوع آن به نحو صحت و حصول قبض لازم است و واقف نمی‌تواند از آن رجوع کند یا در آن تغییری بدهد یا

از موقوف‌علیهم کسی را خارج کند یا کسی را داخل در موقوف‌علیهم نماید یا با آن‌ها شریک کند یا اگر در ضمن عقد متولی معین نکرده بعد از آن متولی قرار دهد یا خود به عنوان تولیت دخالت کند».

۶- وقف مسجد به وصیت نیز ممکن است واقع گردد. در چنین صورتی، وقف معلق به مرگ واقف (موصی) می‌گردد.

۷- صرف عواید دکانی در مسجد، نه دلیل وقفیت است نه دلیل تصرف (دیوان کشور، حکم شماره ۱۳۹۶۲/۸۴۹-۱۶/۴/۱۳ در: بروجردی عبده، محمد، اصول قضایی حقوقی، جلد ۲، تهران، روحام، ۱۳۸۲، شماره ۵۲۳).

۸- التزام و تعهد به وقف نمودن املاک معینی را نمی‌توان دلیل بر وفای به شرط و عمل نمودن بر طبق التزام که حاکی از تحقق وقف باشد قرار داد (دیوان کشور، شعبه ۱، شماره ۱۳۸۲-۱۸/۶/۲۱ در: متین، احمد، مجموعه رویه قضایی، حقوقی، تهران، آثار اندیشه، ۱۳۸۷، ص ۳۳۴ و بروجردی عبده، محمد، پیشین، ش ۵۲۳).

۹- هرگاه کسی متصرف مالی باشد و بدانیم که آن مال سابقه وقف دارد، یا کسی با او به منازعه بر خیزد و دعوی وقف بودن آن را کند و به این صورت، دلیل به دادگاه بدهد که سابقاً وقف بوده است، اما نتواند وقف بودن آن مال را در زمان اقامه دعوی ثابت کند، در این صورت اماره مالکیت به نفع متصرف به کار خواهد رفت (مواد ۳۷ و ۳۵ قانون مدنی)، لیکن چنانچه خود متصرف اقرار کند که ملک سابقاً وقف بوده است، دیگر نمی‌تواند به اماره مالکیت (تصرف) استناد کند، مگر این که ثابت کند که مالک به ناقل صحیح به او منتقل شده است (ماده ۳۷ قانون مدنی) (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، چاپ دوم، ۱۳۷۰، ص ۲۵۶).

۱۰- با فوت موقوف‌علیهم طبقه اول، منافع موقوفه به طور تساوی بین وراث آنان

تقسیم می‌شود (نظریه ۷/۵۰۳۸-۱۳۶۹/۱۰/۱۲ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۱۱- «...جمله (اولاد) مندرج در وقفنامه به اطلاق شامل اولاد در طبقه لاحقه نیز می‌باشد و نمی‌توان جمله مذکور را فقط شامل اولاد طبقه اول دانست» (رأی اصراری ۷۸-۱۳۲۳/۱۰/۲).

۱۲- «...وقتی سند رسمی به عنوان وقفنامه تلقی می‌شود که شرایط وقف از حیث مقررات موضوع مواد ۵۵ به بعد قانون مدنی تحقق یافته باشد و در وقف به امور خیریه نیز قبول حاکم شرط است (ماده ۵۶ قانون مدنی). بنابراین سند موضوع استعلام وصیتنامه تلقی می‌گردد نه وقفنامه» (نظریه ۷/۶۴۴۲-۱۳۶۵/۱۱/۲۹ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۱۳- در موضوع اختلاف در دعوی ملکیت و وقفیت مسجد، اصل بر ملکیت است و مدعی وقف مسجد باید دعوی را ثابت نماید و عمل به وقف هم به تنهایی دلیل مثبت وقف محسوب نمی‌گردد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: دیوان کشور، شعبه ۳، ش ۲۹۸-۲۳/۴/۶ در: متین، احمد، پیشین، ص ۳۳۵).

۱۴- هرگاه کسی مالی را متصرف باشد و به تصرف خود عنوان مالکیت دهد و حال آن که:

اولاً: منازعی دارد که مدعی وقف بودن آن است.

ثانیاً: دلایل مسلمی بر سابقه وقف بودن آن مال در بین باشد، خواه آن دلیل اقرار متصرف بر سبق وقف باشد (ماده ۳۷ قانون مدنی) خواه سند رسمی و یا دلیل دیگر، در این خصوص باید گفت:

الف) تصرف به عنوان مالکیت، دلیل مالکیت است.

ب) چون ملک مورد نزاع، سابقه وقفیت دارد و نظر به اینکه از صد موقوفه ممکن

است تعداد کمی، واجد شرایط مواد ۸۹-۸۸ قانون مدنی جهت تبدیل به ملکیت باشند، پس غلبه که مبنای امارات قانونی و عرفی است، در آن جانب است که اوقاف، علی‌الاصول مبدل به املاک نمی‌شوند. این را اصل «عدم تبدیل به ملک» گویند. با وجود تعارض این دو ماده، هر دو ساقط می‌شوند و به حکم استصحاب، ناگزیر جانب وقفیت، که حالت سابقه دارد ترجیح می‌یابد (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، پیشین، صص ۲۵۷-۲۵۶).

۱۵- چنان‌چه شخصی متصرف به عنوان مالکیت در ملکی باشد و سابقه وقفیت آن نیز محرز گردد، اما دعوایی در بین نباشد، در این صورت صرف استصحاب وقفیت سابق برید کنونی متصرف، حکومت نخواهد داشت. در این صورت حکم شماره ۶۹۹ مورخ ۱۳۳۴/۴/۱۷ هیأت عمومی دیوان عالی را نیز بایستی بر این فرض حمل نمود که مقرر می‌دارد: «ید فعلی، حاکم برید سابق است، یعنی تصرف فعلی به عنوان مالکیت را، تصرف سابق وقف، ولو ثابت شود از اعتبار ساقط نمی‌کند، مگر در صورتی که ضمن اثبات تصرف سابق وقف، محرز گردد که منشأ تصرف فعلی مالکانه غصب عین موقوفه از تصرف وقف است. در این صورت، تصرف وقف، معتبر است تا خلافش ثابت شود». (برای دیدن نظر اخیر ر.ک: جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، ص ۲۵۷).

۱۶- «منظور از ذکر کلمه حاکم در ماده ۵۶ ق.م.شخصی است که صلاحیت صدور حکم را دارد و طبق مقررات و قوانین مملکتی از سوی مقامات صالح به امر قضا در محل اشتغال دارد که در زمان فعلی با رییس دادگاه عمومی محل انطباق دارد» (نظریه ۷/۱۱۸۳-۸۳/۲/۱۹ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۱۷- هرگاه متداعیین بر سر ملکیت از جهت وقفیت و ملکیت، نزاع کنند و دلایل کافی برای اثبات یک‌سوی قضیه نباشد، باید جانب ملکیت را ترجیح داد و مدعی وقف، باید دلیل دهد، زیرا غلبه با ملکیت است. یعنی چنان‌چه محدوده‌ای را که

شامل صد پلاک است در نظر گیریم، از میان آن‌ها شاید دو یا سه پلاک، وقف باشد، اغلب پلاک‌ها وقف نیست، یعنی ملک است. همین غلبه اساس اماره را تشکیل می‌دهد. یعنی اماره، بر ملکیت است، مگر آن که خلافش ثابت گردد.

۱۸- موقوفه می‌بایست اجمالاً معلوم باشد.

به عنوان مثال در خصوص قطعه زمینی که برای احداث مسجد وقف می‌شود، به لحاظ وصف و اندازه داشتن علم اجمالی کفایت می‌کند. زیرا عقد وقف، عقدی مبتنی بر مسامحه است و ضرورتی ندارد که مانند عقد بیع مورد معامله از هر جهت دقیقاً معین باشد (ر.ک: ماده ۲۱۶ قانون مدنی).

۱۹- وقف بر مساجد، امامزاده‌ها و بقاع متبرکه، وقف بر امور خیریه است. یعنی وقف بر عموم است نه وقف بر بنای مسجد و بقاع و امثال آن‌ها (برای دیدن نظر اخیر ر.ک: امامی، سید حسن، پیشین، ص ۸۱). مطابق ماده (۳) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲، «هر موقوفه دارای شخصیت حقوقی است و متولی یا سازمان حسب مورد نماینده آن می‌باشد». از سوی دیگر برابر ماده (۵۸۸) قانون تجارت، شخص حقوقی می‌تواند از کلیه حقوق و تکالیفی که اشخاص حقیقی دارند استفاده نماید، مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد، مانند حقوق و وظایف ابوت، بنوت و امثال آن.

۲۰- «چون به موجب صریح ماده (۱۳۰۶) قانون مدنی عقد وقف صرفاً به وسیله شهادت شهود قابل اثبات نیست از این رو نظر شعبه چهارم دیوان عالی کشور صحیح و منطبق با ماده مزبور بوده است. بدیهی است که غاصبیت ید متصرف به عنوان مالکیت یا سبق تصرف وقف به وسیله شهادت شهود قابل اثبات است. این رأی به موجب ماده واحده مصوب ۱۳۲۸/۴/۷ کمیسیون قوانین دادگستری

مجلس شورای ملی لازم‌التباع می‌باشد» (رأی وحدت رویه شماره ۳۹۲۵ مورخ ۱۳۳۷/۱/۱۵). البته لازم به ذکر است ماده (۱۳۰۶) قانون مدنی به موجب قانون اصلاحی ۱۳۷۰/۸/۱۴ حذف گردید.

● ماده ۵۷- واقف باید مالک مالی باشد که وقف می‌کند و به علاوه دارای اهلیتی باشد که در معاملات معتبر است.

۱- واقف باید مالک عین موقوفه در حین عقد باشد و منافی که تسبیل می‌کند، از تاریخ تسبیل، ملک او باشد (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، پیشین، ص ۵۷).

۲- «اگر ملکی قبل از وقف شدن از ملکیت واقف خارج گردیده باشد، به مصداق لاوقف الا فی ملک، چنین وقفی نمی‌تواند صحیح باشد» (نظریه ۷/۳۵۷۰-۱۳۷۴/۶/۲۶).

۳- چون بایر بودن زمین آن را از ملکیت مالک خارج نمی‌کند وقف آن بلاشکال است و چون ارتفاع از آن میسر است، وقفیت کماکان باقی است (نظریه ۷/۶۳۲۹-۱۳۷۹/۶/۳۱).

۴- چنان‌چه در زمان تنظیم سند رسمی وقف‌نامه، مورد وقف در مالکیت واقف قرار نداشته است، وقف آن از ناحیه غیرمالک وفق ماده ۵۷ ق.م صحیح نبوده و وقف‌نامه قابل ابطال خواهد بود (نظریه ۷/۵۶۶۷-۱۳۸۲/۷/۱۳).

۵- چون در اثر وقف، واقف در اموال خود تصرف می‌کند، این است که قانون‌گذار، اهلیت را در واقف شرط نموده است و آن همان اهلیتی است که در معاملات لازم می‌باشد و در مواد ۲۱۰ و ۲۱۳ قانون مدنی بیان شده است.

۶- تصور نگردد که قانون با ذکر این عبارت که «واقف باید مالک مالی باشد که

وقف می‌کند»، قصد این را داشته که عدم صحت عقد وقف فضولی را برساند، چنان که بسیاری از فقهای اسلام قایل به این امر هستند، زیرا قانون‌گذار در این ماده تنها شرایط صحت عقد وقف را بیان نموده است (برای دیدن نظر اخیر ر.ک: امامی، سیدحسن، پیشین، ص ۷۹ و ماده ۶۵ قانون مدنی).

۷- مقصود از مالکیت واقف، مالکیت بالفعل است (همان، ص ۵۷). بنابراین اگر شخصی قصد وقف ملکی را برای مسجدی نماید و به موجب عقد بیع معلق، آن ملک را خریداری نموده باشد، پیش از حدوث معلق علیه و تنجز مالکیت خود نمی‌تواند آن را وقف مسجد نماید.

۸- ملک مالک برای وقف باید طلق باشد. پس راهن نمی‌تواند عین مرهونه را وقف کند (همان، ص ۵۷).

۹- مسلمان بودن واقف، شرط صحت وقف نیست. با وجود این، برخی در خصوص مساجد، با عنایت به آیه شریفه ۱۸ سوره توبه (همانا آبادگران مساجد کسانی هستند که به خداوند و روز قیامت ایمان دارند و نماز به پای دارند و زکات بدهند و تنها خشیت خداوند را در دل داشته باشند) قایل به مسلمان بودن اشخاصی هستند که اقدام به احداث و بنای مساجد می‌نمایند.

۱۰- هرگاه در دعوای وقفیت مسجدی، مالکیت واقف مورد انکار واقع گردد، باید مقدمتاً به مالکیت واقف رسیدگی شود، در غیر این صورت حکم نقض خواهد شد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: رأی دیوان کشور، شماره ۳۳۰۴ - ۲۴/۲۶۷۰).

۱۱- مورد وقف باید قابل تملیک باشد. بنابراین اموالی که قابل نقل و انتقال نیستند، مانند: مشترکات عمومی (پل‌های عابر پیاده، تلفن عمومی و...) و اموالی که قانوناً معامله آن‌ها ممنوع است مانند اسلحه جنگی، نمی‌تواند مورد وقف قرار

گیرد. البته برخی حقوق دانان معتقدند برای کسانی که شرایط انتفاع از آن اموال را داشته باشند، امکان وقف کردن وجود دارد. مانند وقف اسلحه برای نظامیان (برای دیدن نظر اخیر ر.ک: امامی، سید حسن، پیشین، ص ۷۷).

۱۲- اگر شخصی مالی را وقف مسجدی به نحو فضولی نماید، غیر نافذ بوده و محتاج به اجازه مالک و من له الحق است. پس وقف مال مرهون، یا مال مورد بازداشت مراجع صالح قضایی، فضولی است.

● ماده ۵۸- فقط وقف مالی جایز است که با بقاء عین بتوان از آن منتفع شد. اعم از این که منقول باشد یا غیر منقول، مشاع باشد یا مفروز.

۱- وقف کردن حصه مشاع از ملک مفروز یا مشاع صحیح است. اگر واقف، حصه مشاعی از ملک خود را وقف کند، حق دارد تقاضای افراز آن را از متولی وقف کند و چنان چه خودش متولی موقوفه باشد، قیام به افراز کند (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، پیشین، صص ۵۷-۵۸).

۲- قید منقول و مشاع در ماده برای آن است که چون عموماً غیر منقول به صورت مفروز وقف می شود، ممکن بود این امر ایجاد شبهه نماید که منحصراً غیر منقول به صورت مفروز می تواند مورد وقف قرار گیرد. از این رو قانون گذار در ماده (۵۸) قانون مدنی به این موضوع صراحتاً اشاره نموده است (امامی، سید حسن، پیشین، صص ۷۷-۷۶).

۳- فقط آن قسمت از ملک مشاع که وقف است مشمول ماده واحده قانون ابطال اسناد و فروش... خواهد بود (نظریه ۷/۴۷۷۶-۱۳۷۶/۷/۲۷ اداره کل حقوقی و امور اسناد و مترجمین قوه قضاییه).

● ماده ۵۹- اگر واقف عین موقوفه را به تصرف وقف ندهد، وقف محقق نمی شود

و هر وقت به قبض داد وقف تحقق پیدا می کند.

۱- عقد وقف، عقدی عینی است (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، پیشین، ص ۵۸).

بنابراین اگر واقف مسجدی، قبل از اقباض موقوفه بمیرد، عقد وقف محقق نمی گردد، مگر به تنفیذ و اقباض ورثه. در واقع ایجاب واقف پیش از اقباض، وی را متعهد نمی کند.

البته به اعتقاد برخی دیگر از حقوق دانان، مرگ واقف پیش از وقف دادن، سبب بطلان آن می شود (برای دیدن نظر اخیر ر.ک: کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، نشر میزان، چاپ بیستم، ۱۳۸۷، ص ۶۲).

۲- صرف وجود وقفنامه کافی برای اثبات وقفیت رقبهای که به عنوان ملکیت در تصرف کسی می باشد نیست. لازم است که، علاوه بر مالکیت واقف حین الوقف، عمل به وقفیت نیز طبق وقفنامه محرز گردد (حکم شماره ۳۲۸۴-۱۹/۹/۳۰ دیوان عالی کشور در: بروجردی عبده، محمد، اصول قضایی حقوقی، قسمت دوم، شماره ۵۱۸، ص ۹۸).

۳- در این که آیا تصرف به عنوان وقفیت دلیل وقفیت است یا خیر، اختلاف وجود دارد. در موضوع اختلاف در ملکیت و وقفیت، اصل ملکیت است و مدعی وقف باید دعوی را ثابت نماید و عمل به وقف نیز به تنهایی دلیل مثبت وقف محسوب نمی شود (رای شماره ۲۹۸-۲۳/۴/۶ شعبه ۳ دیوان کشور، در: متین، احمد، مجموعه رویه قضایی، پیشین، ص ۳۳۵).

برای دیدن نظر مخالف که تصرف به عنوان وقفیت را دلیل وقف می داند، ر.ک: رأی ۱۱۱۸-۱۵-۵-۱۶ شعبه ۱ (همان مجموعه، ص ۱۰۲) هیأت عمومی دیوان عالی کشور، ۶۹۹-۳۴/۴/۱۷ آرشیو حقوقی کیهان، از ۱۳۲۸ تا ۱۳۴۲، ص ۴۳۰، شماره ۱۷۷- حکم شماره ۱۱۱۸-۱۳۸۷۶-۱۶/۵/۱۵ در: بروجردی عبده، محمد، پیشین، شماره ۵۲۴. در تعارض بین تصرف کنونی و وقفیت سابق، چون امکان

انتقال و تملک وقف خلاف اصل است، تصرف دلیل مالکیت نیست (کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۴۷).

۴- اگر موقوفه پیش از اقباض کلاً یا بعضاً تلف گردد، یا کسی آن را تلف کند، عقد وقف محقق نمی‌شود و چنان‌چه به موجب حکم قانون یا دادگاه از مالکیت واقف خارج گردد، عقد وقف فضولی است و اگر اقباض کند، اقباض نیز فضولی است (جعفر لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، پیشین، ص ۵۸).

۵- اقباض باید از جانب واقف صورت گیرد. پس اگر موقوف‌علیه، بدون اذن واقف، موقوفه را بگیرد، عقد وقف واقع نمی‌شود (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، پیشین، ص ۲۱۱).

● ماده ۶۰- در قبض فوریت شرط نیست، بلکه مادامی که واقف رجوع از وقف نکرده است هر وقت قبض بدهد وقف تمام می‌شود.
عبارت «وقف تمام می‌شود» دلیلی است بر این مدعا که اقباض در عقود عینی (از جمله وقف) جزء متمم عقد است (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، همان، ص ۵۸).

● ماده ۶۱- وقف بعد از وقوع آن به نحو صحت و حصول قبض لازم است و واقف نمی‌تواند از آن رجوع کند یا در آن تغییری بدهد یا از موقوف‌علیهم کسی را خارج کند یا کسی را داخل در موقوف‌علیهم نماید یا با آن‌ها شریک کند یا اگر در ضمن عقد متولی معین نکرده بعد از آن متولی قرار دهد یا خود به عنوان تولیت دخالت کند.

۱- هر شرطی که با حبس کامل مغایرت داشته باشد (نظیر شرط خیار) باطل و مبطل عقد است. زیرا خلاف مقتضای ذات عقد می‌باشد (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، پیشین، ص ۵۹).

۲- آیا لازمه اطلاق عقد وقف این است که عین موقوفه برای ابد از مالکیت واقف خارج گردد یا لازمه ذات عقد وقف چنین است؟ اگر سه عنصر حبس کامل عین، جاودانه بودن وقف و اخراج عین موقوفه از ملک را به عنوان عناصری بپذیریم که ذات عقد وجود آن سه عنصر را اقتضاء دارد، پس شرط خلاف عناصر مذکور، شرط خلاف مقتضای ذات عقد خواهد بود. به عنوان مثال هرگاه واقف در حین عقد شرط کند که هرگاه ظالمی بر موقوفه چیره گردد، خود به خود موقوفه به ملکیت واقف یا ورثه او یا ثالث در آید (به صورت شرط نتیجه) این شرط برخلاف عنصر سوم عقد وقف می‌باشد.

● ماده ۶۱ قانون مدنی این نظر را تأیید می‌کند. شافعیه نیز چنین نظری را دارد و به همین جهت وقف به شرط خیار را باطل می‌دانند (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، صص ۲۰۵-۲۰۴).

۳- مطابق ماده ۶۱ قانون مدنی پس از تحقق وقف، واقف نمی‌تواند در وقف تغییری بدهد، لذا تبدیل موقوفه در جهت قصد واقف و اغراض او از وقف باشد و هرگاه امکان نداشته باشد، باید اقرب به غرض واقف باشد. (نظریه ۷/۹۵۷۱-۱۳۷۹/۶/۲۹ اداره کل حقوقی و امور اسناد و مترجمین قوه قضاییه).

۴- فروش مختلف ماده ۶۱ قانون مدنی:

چنانچه واقف یکی از موقوف‌علیهم را از وقف اخراج کند، یا یکی از افراد خارج از وقف را داخل در سلک موقوف‌علیهم کند، چنین عملی تغییر وقف و مخالف لزوم آن بوده و در نتیجه باطل است. اگرچه فروض مذکور فوق را فقهاء از مصادیق «تغییر وقف» می‌دانند، لیکن ماده ۶۱ قانون مدنی طوری نگارش شده است که قایل به تغییر وقف در چنین مواردی نیست. این ابداع بدون پایه است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، صص ۲۱۴-۲۱۲). از این رو شرط مخالف با ماده ۶۱ قانون مدنی، باطل و مبطل عقد وقف است (کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۶۳).

● ماده ۶۲- در صورتی که موقوف علیهم محصور باشند خود آنها قبض می کنند و قبض طبقه اول کافی است و اگر موقوف علیهم غیر محصور یا وقف بر مصالح عامه باشد متولی وقف و الا حاکم قبض می کند.

۱- موقوفه به قبض کسی داده می شود که حق انتفاع به او منتقل گردیده است. یا کسی که سمت نمایندگی از سوی منتفع دارد.

۲- وقف بر مصالح عمومی که وقف بر جهت نیز نامیده می شود، در فقه، عنوانی رایج و مشهور است. فقه اسلام در باب وقف، جهات عامه را شخص حقوقی می داند و از انتقال مال به جهات عامه بحث می کند.

انتقال مال به جهات عامه، به معنای مالکیت جهات عامه است. تا جایی که گویند: می توان به عهده موقوفاتی مانند مساجد، وام گرفت (طباطبایی، سید محمد کاظم، ملحقات عروه الوثقی، ص ۹۲). در این صورت مسجد مقروض می شود. همان گونه که مسجد مالک می شود، متعهد نیز می گردد.

نیز گویند: می توان مالی به مسجد تملیک نمود. زیرا مسجد در حکم انسان زنده است و می توان مالک شود (رملی، محمدبن احمد، نهاییه المحتاج، قاره، جلد ۶، ص ۴۷).

۳- در فقه گفته می شود خود مسجد نیز می تواند موقوف علیهم قرار گیرد. موقوف علیهم لزوماً می بایست شخص باشد، زیرا موقوفه یا دارای حق انتفاع می شود و یا مالک منافع و این هر دو مربوط به اشخاص است و چون شخص طبیعی (حقیقی) نیست، پس باید لزوماً شخص حقوقی باشند. در فقه گفته می شود: اموال منقولی که مردم به مساجد و تکایا اختصاص می دهند دو صورت دارد:

الف- قسمتی که وقف بر آنها است، پس مسجد موقوف علیهم است.

ب- قسمتی که تملیک با آنها می شود و مسجد مالک می گردد. مالکیه این قسم را «ارزاق مسجد» نامیده اند و آنان نیز آنها را وقف بر مسجد نمی دانند. در تعریف ارزاق مسجد گفته اند: «معروف غیر لازم لجهه معینه»؛ یعنی احسانی که به صورت

لزوم نبوده (بر خلاف خود عقد وقف که لازم است، ماده ۶۱ قانون مدنی) و برای صرف در جهت و هدف معین، اختصاص داده شده باشد (رملی، محمد احمد، نهاییه المحتاج، جلد پنجم، ص ۳۹۲).

۴- برخی از حقوق دانان مقصود از حاکم را، حاکم شرع دانسته هر چند که شاغل مناصب دولتی نباشد و گفته‌اند: «چنان چه دسترسی به حاکم نباشد یکی از عدول مومنین به نیابت قانونی از حاکم می‌تواند قبض کند و اگر او نباشد یکی از مسلمین می‌تواند قبض کند» (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، پیشین، ص ۶۰). اما برخی دیگر، مقصود از واژه حاکم را مقام صالح دولتی می‌دانند که وقف به سود آن مقرر شده است و در صورتی که سازمانی نباشد، قبض موقوفه با دادستان عمومی است (کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۶۳). با پیش بینی و تشکیل سازمان اوقاف و امور خیریه و حضور نماینده ولی فقیه در این سازمان، باید قایل بر این نظر بود که منظور قانون‌گذار از حاکم در ماده ۶۱، سازمان اوقاف و امور خیریه است.

۵- علت اینکه قانون مدنی در ماده ۶۲ اجازه داده که موقوفه را به قبض متولی داد، اما ماده (۵۶) قانون مدنی نام متولی را در ردیف کسانی که می‌توانند طرف عقد وقف قرار گیرند و عقد را قبول کنند به میان نیاورده، این است که در زمان عقد متولی سمتی ندارد و سمت تولیت او پس از انعقاد عقد موجود می‌گردد و لذا نمی‌توان طرف قبول واقع شود اما می‌تواند موقوفه را قبض نماید (امامی، سید حسن، پیشین، ص ۷۶).

- ماده ۶۳- ولی و وصی محجورین از جانب آن‌ها موقوفه را قبض می‌کنند و اگر خود اوقف تولیت را برای خود قرار داده باشد قبض خود او کفایت می‌کند. چنان‌چه موقوفه قبلاً به یکی از عناوین ولو غصباً در ید کسی باشد که باید به او قبض داده شود، همان قبض کفایت می‌کند و احتیاج به قبض جدید نخواهد

داشت. اما باید واقف نیت و قصد آن را داشته باشد که ادامه تصرف غاصب به عنوان موقوف علیه یا متولی است. زیرا در عقودی که قبض شرط صحت آن است قبض طریقت ندارد. بدین جهت است که هرگاه متولی یا موقوف علیه بدون اجازه واقف آن را تصرف کند، قبضی که موثر است، محقق نمی‌شود اما نیت غاصب در ادامه تصرف خود هیچ‌گونه تأثیری نخواهد داشت. بنابراین هرگاه موقوف علیه یا متولی که غصباً مال را در تصرف دارد خود را مالک بداند، وقف صحیح خواهد بود (امامی، سید حسن، همان، ص ۷۶).

● ماده ۶۴- مالی را که منافع آن موقتاً متعلق به دیگری است می‌توان وقف نمود و هم‌چنین وقف ملک‌ی که در آن حق ارتفاق موجود است جایز است، بدون اینکه به حق مزبور خللی وارد آید.

۱- در عقد وقف، تسبیل کل منافع، ضرورت ندارد. بنابراین اگر کسی ملک‌ی را به دیگری پنجاه سال اجاره دهد و آن‌گاه این ملک را که در این مدت، مسلوب المنفعه است وقف کند، این وقف صحیح است. نیز ملک‌ی که در آن حق ارتفاق هست می‌توان آن را برای ساخت مسجد وقف کرد و صاحب حق ارتفاق هم‌چنان از حق خود استفاده کند (برای مطالعه بیشتر ر.ک: جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، پیشین، ص ۲۱۵).

۲- مالی که منافع آن دائماً متعلق به دیگری است (مسلوب المنفعه)، از مالیت ساقط است و نمی‌تواند مورد عقد وقف واقع شود، زیرا تسبیل ثمره در آن متصور نیست (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، ص ۶۰).

۳- مالک نمی‌تواند مالی را که در رهن دیگری است، وقف مسجد کند (ر.ک: ماده ۷۹۳ قانون مدنی).

۴- چون وقف حبس عین و تسبیل منفعت است، تصور نرود مالی که در حین عقد

دارای منفعت نیست، نمی‌توان وقف نمود، بلکه هرگاه مالی به جهتی از جهات در حین عقد دارای منفعت نباشد و بعداً منفعت پیدا کند، می‌تواند آن را وقف کرد. مانند مغازه‌ای که دو سال در اجاره دیگری است، یا دیگری دو سال در آن حق انتفاع دارد (امامی، سید حسن، پیشین، ص ۷۸).

۵- ورشکسته حق ندارد زمین خود را برای احداث مسجد وقف کند و یا بخشی از اموال خود را برای مسجدی اختصاص دهد.

● ماده ۶۵- صحت وقفی که به علت اضرار دیان واقف واقع شده باشد منوط به اجازه دیان است.

۱- وقف برای واقف ایجاد تعهد می‌کند. زیرا هر عقدی تعهد است (ماده ۱۸۳ قانون مدنی). بنابراین واقف نمی‌تواند برای طلب کاران (دیان) خود ایجاد تعهد کرده و موجب ضرر ایشان گردد.

۲- موقوفه باید مالی باشد که متعلق حق دیگری قرار نگرفته باشد، مانند مالی که در رهن یا بیع شرط دیگری است و یا مالی که مالک آن ورشکست شده است. زیرا حقوق مرتهن و منتقل الیه در بیع شرط و طلب کاران ورشکسته در دارایی او ایجاب می‌نماید که آن را فروخته و از ثمن فروش، طلب آنان پرداخت گردد و حال آن که عین وقف باید حبس بماند تا موقوف‌علیهم از آن منتفع شوند. وقف در موارد فوق نافذ نمی‌باشد و صحت آن منوط به اجازه کسانی است که در آن ذی حق می‌باشند (امامی، سید حسن، همان، ص ۷۸).

۳- تحلیل حقوقی ماده مذکور این است که اموال مدیون پشتوانه اعتبار او و وثیقه عمومی طلب کاران است، گرچه دیون موجد بوده و هنوز حال نشده و موعد پرداخت آن هم نرسیده باشد. اگر وقف این‌گونه اموال، بدون اجازه کسانی که نسبت به آن حق دارند، صحیح تلقی گردد، قابلیت فروش از بین خواهد رفت و

نتیجتاً موجب عدم استیفای حق آنان می‌گردد. از این رو قانون‌گذار معامله مزبور را معامله فضولی دانسته که منوط به اجازه طلب‌کاران است.

۴- چنانچه کسی که بدهکار است، مسجدی بنا سازد، یا اموال خود را وقف مسجدی نماید، لیکن دارایی واقف، کفاف پرداخت دیون وی را نماید و طلب‌کاران ضرر و خسارتی را متحمل نگردند، ظاهراً ایشان نفعی در اقامه دعوی به منظور عدم نفوذ عقد وقف را نخواهند داشت (برای مطالعه بیشتر ر.ک: کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۶۴).

۵- هرگاه مالی در یک عقد واحد، وقف مسجدی گردد و مملوک و غیر مملوک خلط گردد، نسبت به مملوک عقد صحیح است و نسبت به غیر مملوک منوط است به اجازه مالک. در صورت عدم تنفیذ از سوی مالک، وقف نسبت بدان قیمت باطل می‌گردد. علت این است که عقد واحد به اعتبار تعدد مورد به عقود متعدده منحل می‌گردد و عقد وقف که مورد آن دو شیء، یکی مملوک و دیگری غیر مملوک است در حقیقت دو عقد است، که نسبت به مملوک صحیح و نسبت به غیر مملوک فضولی است (ر.ک: امامی، سید حسن، پیشین، ص ۷۹).

۶- نایستی واقف در عقد وقف، قصد فرار از دین داشته باشد.

● ماده ۶۶- وقف بر مقاصد غیر مشروع باطل است.

۱- مقصود از واژه «مقاصد» اعم است از چگونگی مصرف منافع و موضوع وقف و انگیزه واقف در انجام دادن عمل حقوقی (برای مطالعه بیشتر ر.ک: کاتوزیان، ناصر، عقود معین، جلد ۳، گنج دانش، چاپ هفتم، شماره‌های ۱۰۷ و ۱۰۹، ۱۳۹۰).

۲- مقصود از «غیر مشروع»، عملی است که قانون آن را جرم شناخته است.

۳- با توجه به محیط معنوی مساجد، وقف اموالی که با رسالت و کارکرد اصلی مسجد در تعارض باشد صحیح نیست مانند وقف آلات موسیقی جهت برگزاری مراسم مولودی.

● ماده ۶۷- مالی که قبض و اقباض آن ممکن نیست، وقف آن باطل است. لیکن اگر واقف تنها قادر بر اخذ و اقباض آن نباشد و موقوف‌علیه قادر به اخذ آن باشد صحیح است.

۱- اقباض در عقود عینی جزء متمم عقد است. پس بی جزء متمم، اساساً عقد وقف، وجود خارجی پیدا نمی‌کند. پس مقصود از بطلان (که تعبیری است با تسامح) محقق نشدن عقد وقف است (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، پیشین، ص ۶۲).

۲- مورد وقف باید قابل قبض باشد. بنابراین مالی که قابلیت قبض و اقباض را ندارد، وقف آن باطل است. خواه آن که طبیعتاً غیر مادی باشد مانند طلب و حق انتفاع و هم‌چنین است منفعت (چنان که کسی خانه‌ای را برای مدت ده سال اجاره نموده باشد و مستأجر بخواهد منافع ده ساله را که ملک اوست وقف نماید. منفعت علاوه بر آن که قابل اقباض نمی‌باشد، قابل بقاء نیز نیست و استفاده از آن نابود کردن آن است) و خواه آن که طبیعتاً مادی و قابل اقباض باشد، اما به واسطه مانع خارجی مانند غصب نتواند واقف را به قبض موقوف‌علیهم دهد. چنانکه هرگاه مال مورد وقف در دست کسانی باشد که واقف قادر به تصرف در آن نمی‌باشد، لیکن موقوف‌علیه قادر است که آن را از متصرف بگیرد، در این صورت هرگاه موقوف‌علیه با اجازه واقف آن را تصرف نماید، قبض و اقباض که شرط صحت وقف است، حاصل می‌گردد. همچنان که هرگاه موقوف‌علیه خود غاصب و متصرف باشد، احتیاج به قبض جدید نخواهد داشت و اراده واقف به آن که ادامه تصرف غاصب به عنوان تصرف در موقوفه است، کافی خواهد بود و لازم نیست که غاصب هم همین اراده را داشته باشد، زیرا تغییر عنوان کافی از این امر است (امامی، سید

حسن، پیشین، ص ۷۷).

۳- چنانچه بعض موقوفه را اقباض کند، وقف در آن بعض محقق می‌شود، مگر این که هدف واقف در آن بعض قابل تحقق نباشد (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، پیشین، ص ۶۳).

۴- اقباض موقوفه طریقیست دارد، نه موضوعیت، یعنی غرض از آن حصول مال است در تصرف موقوف‌علیهم. بنابراین:

اولاً- اگر واقف نتواند اقباض کند، لیکن موقوف‌علیه بتواند قبض کند، عقد وقف با قبض موقوف‌علیه واقع می‌شود.

ثانیاً- اگر ثالث در فرض عدم توانایی اقباض از جانب واقف، با رضای واقف، اقدام به اقباض کند کافی است (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، پیشین، صص ۲۱۸-۲۱۷).

● ماده ۶۸- هر چیزی که طبعاً یا بر حسب عرف و عادت جزء یا از توابع و متعلقات عین موقوفه محسوب می‌شود، داخل در وقف است. مگر این که واقف آن را استثناء کند به نحوی که در فصل بیع مذکور است.

۱- منافع عین مال از توابع عین است. لیکن چون وقف، تسبیل منفعت است، مبحث آن از حکم ماده ۶۸ قانون مدنی مستقل بوده و به طور جداگانه در ماده ۵۵ قانون مدنی ذکر شده است.

۲- تابعیت ناشی از طبیعت مال، مانند فضای بالای زمین و قرار زمین در وقف زمین برای احداث مسجد و تابعیت قانونی و عرفی، مانند تابعیت درختان در وقف باغ برای مسجد است.

لیکن میوه درخت در وقف درخت، جزء موقوفه نیست. به طور کلی در خصوص

توابع موقوفه، حکم مواد ۳۵۶، ۳۵۸ و ۳۵۹ قانون مدنی مجری است.

۳- وقفیت سه دانگ مزرعه لازمه‌اش آن است که سه دانگ مشاع عرصه کلیه باغ‌ها و مستحذات مزرعه مذکور محکوم به وقفیت بوده و مالا عرصه باغ خواندگان هم مشمول همان حکم است (ر.ک: رأی اصراری ۱۱ - ۱۳۷۹/۳/۲۴ ردیف ۸/۷۹ دیوان عالی کشور).

● ماده ۶۹- وقف بر معدوم صحیح نیست مگر به تبع موجود.

۱- موقوف‌علیه باید در زمان عقد وجود داشته باشد تا عقد محقق شود.

۲- وجود موقوف‌علیه در زمان برقراری حق انتفاع به سود او شرط است، نه زمان انعقاد وقف. بنابراین با فرض شخصیت حقوقی برای وقف می‌توان گفت قابلیت وجود موقوف‌علیه برای درستی وقف کافی است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: کاتوزیان، ناصر، عقود معین، پیشین، جلد سوم، شماره‌های ۹۰ و ۹۲). در وقف عام نیز وجود موقوف‌علیه در حین عقد شرط است، زیرا که عبارت «وقف بر معدوم صحیح نیست» اطلاق دارد و شامل وقف عام و خاص می‌گردد. بنابراین هرگاه کسی مالی را برای مسجد محلی وقف نماید، اما در حین عقد وقف، هنوز مسجدی تأسیس نشده باشد، آن وقف صحیح نیست (برای دیدن نظر اخیر ر.ک: امامی، سید حسن، پیشین، ص ۸۰).

۳- مقصود از معدوم، معدوم طولی است که پس از موقوف‌علیه موجود در نسل بعد از آنان باشند (ر.ک: جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، پیشین، صص ۶۳-۶۴).

۴- برخلاف مالکیه، شافعیه و امامیه، وقف بر معدوم را باطل می‌دانند و قانون‌گذار مدنی نیز به تبعیت از فقهای مدنی آن را پذیرفته است.

۵- «مستفاد از صرف عبارت نسلاً بعد نسل در مورد وقف و تولیت و وصایت ترتیب است نه تشریک. از این قرار که هرگاه یکی از نسل موجود با داشتن فرزند فوت شود فرزند او با باقی ماندگان نسل در انتفاع از مورد وقف یا در امر تولیت و وصایت نمی‌تواند شرکت نماید و مادام که چند نفر حتی یک نفر هم از نسل مقدم وجود داشته باشد نوبت به نسل بعد نخواهد رسید و هم‌چنین است در مورد عبارت طبقتاً بعد طبقه و بنابراین رأی شعبه اول و ششم موضوعاً صحیح است و این رأی به موجب ماده واحده قانون وحدت رویه مصوب تیرماه ۱۳۲۸ در نظایر مورد متبع و لازم‌الاجرا است» (رأی وحدت رویه شماره ۳۹۲۵ مورخ ۱۳۳۷/۱/۱۵).

● ماده ۷۰- اگر وقف بر موجود و معدوم معاً واقع شود، نسبت به سهم موجود صحیح و نسبت به سهم معدوم باطل است.
۱- این ماده مصداقی است از تجزیه عقد واحد به عقود متعدد.

۲- چنان‌چه شخصی اموالی را وقف دو مسجد محل کند، اما سپس کاشف به عمل آید که آن محل، تنها از یک مسجد برخوردار است و مسجد دیگر از بین رفته است (مانند تخریب مسجد جهت عریض نمودن جاده) در این صورت عقد نسبت به مسجد موجود صحیح و نسبت به مسجد معدوم، باطل خواهد بود.

● ماده ۷۱- وقف بر مجهول صحیح نیست.

۱- این ماده ناظر به وقف بر محصور است. در وقف بر غیر محصور و یا بر مصالح عامه (مانند وقف مسجد)، ماده ۵۶ تعیین تکلیف نموده و قبول حاکم را شرط دانسته است.

۲- چنان‌چه واقف، مالی را وقف یکی از چند مسجد موجود در محل به نحو مردد کند، وقف بر مجهول است. زیرا وقف در حکم تملیک است و قابلیت موقوف‌علیهم شرط عقلی برای صحت آن می‌باشد. در این صورت موقوف‌علیهم و قبول‌کننده نیز

مشخص نبوده و قانون مدنی به پیروی از فقه امامیه آن را باطل می‌شمارد. فقهاء بر این نظر، دعوی اجماع کرده‌اند. اجماع را امامیه هرگز حجت ندانسته‌اند و عقیده آنان در عدم حجیت اجماع، با عقل و منطق و حقوق‌های عرفی کنونی جهان وفق می‌دهد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، پیشین، ص ۲۲۰ و امامی، سید حسن، حقوق مدنی، پیشین، ص ۸۱). در این فرض، چنان‌چه همگی وقف را قبول کنند، علم اجمالی به تحقق عقد وقف (در نفس الأمر یعنی ثبوتاً) حاصل است و می‌توان برای تعیین موقوف‌علیه به قرعه متوسل شد (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، پیشین، ص ۶۴).

۳- اگر واقف مالی را وقف مسجد کند، لیکن تعیین مسجد را به آینده موکول نماید، چنین موردی نیز وقف بر مجهول و باطل است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، پیشین، چاپ دوم، ۱۳۷۰، ص ۲۲۰).

۴- وقف بر غیر محصور بدون ذکر مصرف موقوفه ظهور عرفی در مبرات مطلقه دارد و این را باید از عنوان عام مجهول‌المصرف خارج شمرد. پس غرض از عنوان مجهول‌المصرف در قوانین موضوعه و فقه، جهل طاری است. یعنی محرز باشد که واقف در وقف‌نامه در صدد بیان مصرف برآمده، لیکن آن مصرف به عللی مجهول گردیده است. مانند حک و تزویر در عبارات مصرف موقوفه در سند وقف. بند اول ماده ۹۱ قانون مدنی و ماده ۸ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲ محمول است بر این مجهول‌المصرف به جهل طاری (برای مطالعه بیشتر ر.ک: جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، پیشین، ص ۲۲۰).

۵- حکم وقف بر موقوف‌علیه (علیهم) مجهول، بطلان است (ماده ۷۱ قانون مدنی). لیکن، حکم وقف مجهول‌المصرف، صحت است (ماده ۹۱ قانون مدنی و ماده ۸ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲).

اما برخی از حقوق دانان معتقدند: «مجهول ماندن مصرف وقف، در حکم وقف بر مجهول است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: کاتوزیان، ناصر، عقود معین، پیشین، شماره ۹۹). از سوی دیگر در وقف عام، چنانچه مصرف مجهول باشد، وقف باطل نیست (بند یک ماده ۹۱ قانون مدنی).

۶- اگر وقف کند بر مجهولی و پس از وفات او بر مساکین بلدی یا بر مسجدی معین (از جهات عامه)، وقف صرفاً نسبت به آن مجهول باطل است. در این صورت:

اولاً: عقد وقف از زمان قبول حاکم واقع می‌شود.

ثانیاً: منافع عین موقوفه از تاریخ اقباض به حاکم یا متولی وقف تحقق پیدا می‌کند (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، پیشین، ص ۶۵).

۷- هنگامی که دادرس بتواند با تفسیر اراده واقف و مفاد عرفی واژه‌های وی، موقوفه‌علیه را تشخیص دهد، وقف بر مجهول نیست (کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، پیشین، ص ۶۶).

● ماده ۷۲- وقف بر نفس به این معنی که واقف خود را موقوف‌علیه یا جزء موقوف‌علیه‌هم نماید یا پرداخت دیون یا سایر مخارج خود را از منافع موقوفه قرار دهد باطل است اعم از این که راجع به حال حیات باشد یا بعد از فوت. ۱- وقف بر نفس باطل است. بدین معنی که واقف نمی‌تواند مالی را به سود شخص خود وقف کند یا مال را بر دو یا چند نفر وقف نماید که خود نیز جزو آنان باشد.

۲- در این خصوص وجود دو حدیث محل تأمل است. مستند ماده ۷۲ قانون مدنی

در فقه، اجماع است که صرف نظر از این که اجماع حجت نیست، قدر متیقن این اجماع، واضح و آشکار نیست. بدین جهت یکی از دانشمندان امامیه مسایل ذیل را مطرح کرده است:

الف) هرگاه مالی را وقف کند بر خود، سپس بر غیر، این وقف، نسبت به او باطل است و عنوان وقف منقطع الاول را دارد.

ب) هرگاه مالی را وقف بر دیگری و سپس وقف بر خود کند، نسبت به خود او این وقف باطل است. چنین وقفی را اصطلاحاً وقف منقطع الآخر می نامند.

ج) هرگاه وقف بر دیگری، سپس بر خود، سپس بر دیگری کند، وقف بر نفس، باطل و وقف بر سایرین صحیح است. این وقف را نیز وقف منقطع الوسط می نامند.

د) چنان چه در وقف بر خود و غیر، رعایت ترتب را (به عکس سه صورت مذکور فوق) نکند و بگوید: این مال را وقف بر خود و دیگری کردم، این وقف، در نصف موقوفه برای دیگری درست است و در نصف دیگر که وقف بر نفس است باطل می باشد.

ه) هرگاه مالی را وقف بر خود و فقراء کند نظرها مختلف است: ظاهر این است که واقف از این وقف، قصد توزیع دارد. بنابراین چنین وقفی، در نصف موقوفه (که وقف بر نفس است) باطل و در نیم دیگر که وقف بر فقراست صحیح می باشد (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، پیشین، صص ۲۲۲ ۲۲۱).

۳- واقف می تواند خود را متولی قرار داده و سهمی بابت حق التولیه خود از عواید آن قرار دهد و این مصداق وقف بر نفس نیست، بلکه حق مذکور از جهت کاری است که برای اداره موقوفه انجام می دهد (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، صص ۲۲۴).

۴- چنانچه شخصی ملکی را برای ساخت مسجدی وقف کند، اما خود را جزء موقوفه‌علیهم قرار دهد، یا پرداخت دیون و سایر مخارج خود را از منافع مسجد موقوفه یا رقبات آن قرار دهد، از مصادیق وقف بر نفس بوده و باطل است. اعم از این که راجع به حال حیات باشد یا پس از فوت واقف. همچنین اگر واقف بگوید: «وقف نمودم بر اعضای هیأت امنای مسجد الف»، اما خود داخل در عنوان مزبور باشد (و خود را خارج ننماید) و یا بعداً داخل در آن گردد، وقف بر نفس محسوب و باطل است.

۵- وقف بر غیر محصور مانند وقف بر نمازگزاران نیز تابع وقف بر مصالح عامه است و واقف می‌تواند خود از مصداق‌های غیر محصور باشد (ر.ک: کاتوزیان، ناصر، عقود معین، پیشین، شماره ۷۴). قانون برای رفع توهّم از این که هرگاه واقف مصداق موقوفه‌علیهم قرار گیرد، وقف بر نفس است، وقف بر مصالح عامه را مستثنی کرده است.

برخی دیگر از حقوق‌دانان بر این عقیده هستند که در وقف بر مصالح عامه و امور خیریه از قبیل مساجد، هرگاه واقف مصداق موقوفه‌علیهم واقع گردد، چون این گونه اوقاف، «وقف بر جهت» می‌باشد نه وقف بر افراد، لذا واقف می‌تواند سهم ببرد، مگر این که واقف خروج خود از آن‌ها را قصد کرده باشد که در این صورت واقف سهم نمی‌برد، زیرا واقف در حکم استثناء است. اما هرگاه واقف برای نماز گزاردن و مانند آن وقف کند و خود واقف نیز جزء نمازگزاران آن مسجد باشد یا بعداً جزء نمازگزاران قرار گیرد، اگر غرض واقف، توزیع بر افراد آن عناوین باشد، در حقیقت موقوفه‌علیهم افراد آن خواهند بود و واقف به مقدار سهم خود نمی‌تواند تصرف کند، زیرا نسبت به او وقف بر نفس است و اگر غرض واقف از عنوان، بیان مصرف باشد، مشهور علما تصرف واقف را در سهم خود جایز دانسته‌اند و بعض دیگر، مطلقاً جایز ندانسته‌اند (برای دیدن نظر اخیر که با نظر نخست مغایرت دارد، ر.ک: امامی، سیدحسن، پیشین، صص ۸۴، ۸۳).

۶- تسبیل برخی از منافع عین موقوفه صحیح است. مانند وقف گاو برای زراعت یک مزرعه. در این صورت واقف می‌تواند از شیر آن گاو بهره‌مند شود. علامه حلی تصریح به این امر کرده است و مؤلف جواهرالکلام سعی بلیغ در اثبات این نظر دارد. پس جهت احتراز از شمول مدلول ماده ۷۲ قانون مدنی، واقف می‌تواند معادل پرداخت دیون یا هزینه معاش خود را از تسبیل منافع خارج کرده و باقی را تسبیل کند و عموم نص «الوقوف حسب ما یوقفها اهلها» شامل این نظر است (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، پیشین، ص ۶۶).

۷- چنانچه وقف کند به شرط این که هر زمانی محتاج به موقوفه گردید، موقوفه به واقف باز گردد، این حبس است نه وقف. پس آثار حبس بر آن مترتب است، ولو آن که بعداً احتیاج به موقوفه پیدا نکند. پس اگر حاجت پیدا نکند و بمیرد، آن مال به صورت ارث، به ورثه وی می‌رسد (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، ص ۶۶).

۸- اگر وقف بر نفس و پس از خود وقف بر نمازگزاران بلد خود کند، عقد وقف نسبت به خود وی باطل است و با قبول و قبض و اقباض سازمان اوقاف و امور خیریه، وقف نسبت به نمازگزاران محقق می‌گردد.

۹- شرط به سود واقف بر عهده موقوف‌علیهم نیز باطل است، لیکن وقف را باطل نمی‌کند. هم‌چنین چنان‌چه واقف به متولی دستور دهد که بخشی از منافع وقف را صرف ادای دیون با تأمین معیشت وی کند، وقف این قسمت باطل است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: کاتوزیان، ناصر، عقود معین، پیشین، شماره ۷۴).

۱۰- واقف می‌تواند از منافع موقوفه سهمی برای متولی به عنوان حق الزحمه قرار دهد، اگرچه واقف خود، متولی باشد و این امر وقف بر نفس شناخته نمی‌شود، زیرا سهم مزبور در مقابل عملی است که برای اداره امور موقوفه انجام می‌دهد (امامی،

سید حسن، پیشین، ص ۸۹).

● ماده ۷۳- وقف بر اولاد و اقوام و خدمه و واردین و امثال آنها صحیح است.

۱- در گذشته به مهمان‌هایی که به صورت طویل‌المدت در منزل میزبان سکونت داشتند، واردین گفته می‌شد؛ که قانون‌گذار وقف بر آنها را از مصادیق وقف بر خود ندانسته و در نتیجه صحیح می‌باشد.

۲- وقف بر اولاد اطلاق دارد. از این رو شامل ذکور و اناث می‌گردد. وقف بر اولاد نیز، شامل اولاد ذکور صلبی و اولاد اناث صلبی می‌گردد.

۳- عبارت «اولاد اولاد» مندرج در وقف‌نامه به نحو اطلاق شامل اولاد در طبقات لاحق نیز می‌گردد و نمی‌توان جمله مذکور را فقط شامل اولاد طبقه اول دانست (ر.ک: رأی ۷۸/۲/۱۰/۱۳۲۳ هیأت عمومی دیوان کشور).

۴- «مستفاد از صرف عبارت نسلاً بعد نسل در مورد وقف و تولیت و وصایت، ترتیب است نه تشریک. از این قرار که، هرگاه یکی از نسل موجود با داشتن فرزند فوت شود، فرزند او با باقی ماندگان نسل در انتفاع از مورد وقف یا امر در تولیت و وصایت نمی‌تواند شرکت نماید و مادام که چند نفر حتی یک نفر هم از نسل مقدم وجود داشته باشد، نوبت نسل بعد نخواهد رسید؛ و هم‌چنین است در مورد عبارت طبقاً بعد طبقه» (رأی وحدت رویه ۳۵۶۱-۱۳۴۲/۱۲/۲۶ هیأت عمومی دیوان کشور).

● ماده ۷۴- در وقف بر مصالح عامه اگر خود واقف نیز مصداق موقوف‌علیهم واقع شود می‌تواند منتفع گردد.

۱- معنای مصالح عامه در قانون مدنی و فقه همان است که امروزه به پیروی از اصطلاحات حقوق خارجی، از آن به عنوان «منافع عمومی» یاد می‌شود. پس وقف منازل مسکونی جهت اسکان ائمه جماعات مساجد، وقف بر منافع عمومی است.

وقف بر مصالح عامه را در اصطلاحات دیگر، وقف بر جهات و وقف بر جهات عامه نیز نامیده‌اند.

در این مورد جهت، شخصیت حقوقی دارد. فقهاء تصریح کرده‌اند که «جهت عامه» می‌تواند مالک مال شود و متعهد و مدیون واقع گردد. چه جهت عامه در حکم انسان زنده است. مؤلف کتاب نه‌ایه المحتاج می‌نویسد: «برای آبادی مسجد می‌توان وصیت تملیکی کرد و نیز می‌توان بدون ذکر مصرف و به طور ساده و بدون قید، به نفع مسجد وصیت کرد. حتی با قصد تملیک موصی به به مسجد. زیرا مسجد زنده است و حق تملک دارد. یعنی در حکم زنده است و مانند انسان طبیعی است. بنابراین موصی به، طبق عرف و عادت، صرف آبادی و مصالح مسجد خواهد شد (رملی، محمد بن احمد، نه‌ایه المحتاج، جلد ششم، پیشین، ص ۴۷).

۲- مسجد دو نوع مالکیت دارد:

الف) مالکیت منافع مالی که وقف به سود مسجد شده که در این صورت، مسجد موقوف علیهم است و مانند هر موقوف علیه، مالک منافع موقوفه است. فروش این‌گونه موقوفات که به سود مسجد است جز در صورت اشراف به خرابی یا بیم خونریزی روا نیست (مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مدنی).

ب) مسجد، مالک اعیان اموالی که مردم به آن تملیک کرده‌اند می‌شود. این اموال وقف بر مسجد نیست، بلکه ملک مسجد است و فروش آن‌ها تابع مقررات فروش وقف (مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مدنی) نیست.

۳- مؤلف کتاب «ملحقات عروه» از قول علامه حلی، مالکیت مساجد را نسبت به فرش‌های آن بیان کرده است، لیکن خود او اظهار تردید در صحت این نظر را دارد، بدون این‌که دلیل تردید خود را بیان دارد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: طباطبایی، محمد کاظم، پیشین، ص ۱۷۶). لیکن بعداً نظر علامه حلی و مؤلف کتاب نه‌ایه المحتاج را پذیرفته است و چنین می‌نویسد: «می‌توان برای تعمیر اوقاف، وام گرفت

با قصد به این که این وام از منافع موقوفه و نذورات اداء شود و متولی می تواند از مال خود، صرف تعمیر مسجد کند با این قصد که بعداً از منافع موقوفات مسجد و نذوری که برای مسجد می شود، برداشت نماید. نیز جایز است که برای ساختمان مسجد یا مدرسه یا پل و مانند اینها وام بگیرد و نیز جایز است که برای تعمیر این ابنیه به عهده خود ابنیه (نه به عهده متولی) وام بستاند. اما باید تصریح کند که قرض را به عهده مسجد یا مدرسه می گیرد. این که مسجد متعهد واقع شود، نظری است که عقلاء آن را تأیید می کنند» (برای مطالعه بیشتر ر.ک: طباطبایی، محمد کاظم، همان، ص ۲۶۰).

۴- برخی از حقوق دانان معتقدند بین مواد ۷۲ و ۷۴ قانون مدنی تناقض وجود دارد. بدین صورت که در ماده ۷۲ قانون مدنی، نخست وقف بر نفس باطل شمرده شده است، لیکن در ماده ۷۴، وقف بر مصالح عامه را حتی اگر خود واقف، مصداق موقوف علیهم واقع شود و منتفع گردد، صحیح شمرده است (برای دیدن نظر اخیر ر.ک: جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، پیشین، صص ۲۲۹-۲۲۸).
به عنوان مثال، شخصی زمینی را وقف ساخت مسجد برای نمازگزاران محل می کند، در حالی که خود وی نیز از جمله نمازگزاران محل است. در نتیجه واقف نیز از چنین وقفی منتفع می گردد. ماده ۷۴ چنین وقفی را صحیح تلقی نموده در حالی که ماده ۷۲ وقف بر نفس را باطل شمرده است.

۵- برخی با وجود این، به منظور رفع تناقض این دو ماده ارایه طریق نموده و بیان داشته اند: «در مورد ماده ۷۲، موقوف علیه شخص طبیعی است ولی در ماده ۷۴، موقوف علیه شخص حقوقی است. پس به علت تغایر موقوف علیه در این دو ماده، تناقض وجود ندارد. در فقه نیز به همین نکته اشاره کرده اند» (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، ص ۲۲۹).

۶- شخصیت حقوقی موقوفه عام را ماده ۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج

و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲ تأیید کرده و اشعار می‌دارد: «هر موقوفه دارای شخصیت حقوقی است و متولی یا سازمان حسب مورد نماینده آن می‌باشد».

۷- در وقف بر مصالح عامه که واقف نیز منتفع می‌گردد دو فرض وجود دارد:
الف) در حین وقف، واقف مشمول عنوانی است که در عبارت ایجاب وقف ذکر کرده است (مانند مثال نمازگزاران مسجد که در بالا بدان اشاره گردید).
ب) عنوانی که در وقف ذکر می‌کند در زمان ایجاب، شامل حال وی نیست. لیکن پس از مدتی شامل حال او می‌شود.

● ماده ۷۵- واقف می‌تواند تولیت یعنی اداره کردن امور موقوفه را مادام‌الحیوه یا در مدت معینی برای خود قرار دهد و نیز می‌تواند متولی دیگری معین کند که مستقلاً یا مجتمعاً با خود واقف اداره کند. تولیت اموال موقوفه ممکن است به یک یا چند نفر دیگر غیر از خود واقف واگذار شود که هر یک مستقلاً یا منضمماً اداره کنند و همچنین واقف می‌تواند شرط کند که خود او یا متولی که معین شده نصب متولی کند و یا در این موضوع هر ترتیبی را مقتضی بداند قرار دهد.

۱- طرح هر دعوا یا هر اقدام حقوقی دیگر، از طرف یکی از متولیان بدون اذن و اجازه و موافقت متولی دیگر جایز نیست مگر این که هر کدام مستقلاً حق اقدام داشته باشند (نظریه ۷/۴۷۸۲-۱۳۶۴/۹/۶ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۲- احراز واجد شرایط بودن مدعی تولیت و انتساب او به متولی منصوص با رسیدگی به ادله‌ی اثبات دعوی و وظیفه مراجعه صالح قضایی است و صرف تصدی موقوفه یا متصرف بودن در آن کافی برای صدور حکم تولیت مدعی نیست (نظریه ۷/۵۰۸۰/۱۳۶۵/۹/۴ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۳- واقف باید متولی را در ضمن عقد وقف تعیین کند. خواه متولی خود وی باشد یا دیگری (یا مشترکاً با یکدیگر). اگر در عقد وقف، متولی معین نکند، پس از عقد، حق تعیین متولی را ندارد. زیرا او پس از ختم عقد وقف، نسبت به آن عقد بیگانه است. واقف می‌تواند خود را برای تمام عمر یا در مدت معینی متولی قرار دهد. نیز می‌تواند دیگری را با خود مجتمعاً یا منفرداً در امر تولیت دخالت دهد. اما فقه مالکی، تولیت خود واقف را صحیح ندانسته است (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، پیشین، ص ۲۳۰).

۴- واقف می‌تواند به متولی، این حق را بدهد که او برای بعد از مرگ خود یا در زمان حیات خویش، متولی دیگری منصوب کند.

۵- واقف می‌تواند خود را متولی معین نکند، لیکن به یک یا چند نفر سمت تولیت دهد. در موردی که به دو یا چند نفر این سمت را می‌دهد می‌تواند تعیین کند که هر یک از آنان منفرداً یا همه مجتمعاً سمت تولیت را داشته باشند (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، ص ۲۳۰).

۶- واقف می‌تواند شخص ثالثی را (در عقد) برای انتخاب کردن متولی در نظر گیرد. یعنی به وی اختیار دهد که او متولی را تعیین کند. جمله: «یا در این موضوع هر ترتیبی را مقتضی بداند قرار دهد» این فرض را فرامی‌گیرد. از سوی دیگر ممکن است واقف در عقد وقف، متولی معین نکند. این امر صدمه به صحت وقف نمی‌زند. ماده ۸۱ قانون مدنی دلیل این نظر است (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، همان، صص ۲۳۱ - ۲۳۰).

۷- ماده ۷۵ با عباراتی کوتاه، وظیفه متولی را در مفهوم اداره کردن امور موقوفه بیان کرده است. پس تصرفات متولی در موقوفه، تصرفات اداری است و حق انتقال موقوفه را به دیگران ندارد. یعنی باید مانند مدیر یک شرکت که اموال شرکت را

اداره می‌کند و غبطه و صلاح شرکت را در نظر می‌گیرد، او نیز باید مال وقف را اداره کند (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، ص ۲۳۱).

۸- نکته قابل توجه این است که آیا افزاز موقوفه و تفکیک آن، جزو عمل اداره است؟ از نظر دکتر جعفری لنگرودی چنان‌چه مالی بین وقف و ملک مشاع باشد یعنی سهمی از رقبه‌ای به طور مشاع وقف شده و باقی بر ملکیت مانده باشد، در این صورت افزاز وقف از ملک اشکالی ندارد، بلکه مستحسن است. زیرا اشاعه عیب بوده و بدیهی است که رفع عیب، به سود موقوفه است و عمل اداره به شمار می‌رود. لیکن چنان‌چه شش دانگ ملکی موقوفه باشد و در مقام تفکیک آن به قطعات مختلف برآید، این امر، برخلاف عمل اداره و از صلاحیت متولی بیرون است. مشهور فقهای امامیه نیز آن را روا نشمرده‌اند (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، ص ۲۳۱).

۹- در صورتی که واقف ترتیبی برای اداره مسجد داده باشد به همان ترتیب عمل می‌شود. حال اگر متولی فوت نماید و در وقف‌نامه بعد از فوت متولی اولاد او نسلاً بعد نسل به عنوان متولی معرفی شده باشد نوه متولی قبلی که پدرش فوت شده حق دارد به عنوان متولی معرفی شود. هر چند... باید تقاضای خود را از طریق شعب تحقیق ادارات اوقاف و امور خیریه مطرح ساخته و چنان‌چه تصمیم شعبه رسیدگی کننده مورد اعتراض متقاضی باشد، حق دارد نسبت به تصمیم شعبه تحقیق به دادگاه عمومی اعتراض نماید (ر.ک: نظریه ۷/۵۶۷۱-۱۳۷۹/۹/۲۱ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۱۰- در خصوص عدالت متولی و ناظر، برخی حقوق دانان بر این عقیده هستند که چنان‌چه متولی موقوفه، خود واقف باشد، عادل بودن وی شرط صحت تولیت او نیست. اما اگر متولی غیر از او باشد در فقه دو نظر است: نظر قوی این است که عدالت وی نیز شرط نیست. قانون مدنی ایران نیز عدالت را در متولی و ناظر شرط

نکرده است و نسبت به این امر، سکوت اختیار کرده است (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، صص ۲۳۲-۲۳۱).

۱۱- متولی موقوفه کسی است که به موجب مفاد وقفنامه و مقررات قانون مدنی یا قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، واجد این سمت باشد.

موقوفاتی که متولی آنها عزل یا فوت می شود تا تشخیص متولی بعدی و موقوفاتی که متولی آنها ممنوع المداخله می شود تا رفع ممنوعیت یا ضم امین در حکم موقوفات بدون متولی است. هرگاه شخص یا اشخاصی که در وقفنامه به عنوان متولی معین شده اند وجود نداشته باشند و یا اوصاف مقرر در وقفنامه منطبق با شخص یا اشخاص معینی نگردد موقوفه در حکم موقوفه مجهول التولیه است (ماده ۴ و تبصره های یک و دو آن از قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲).

۱۲- متولی وکیل واقف نیست، مدیر وقف است (کاتوزیان، ناصر، عقود معین، پیشین، شماره ۱۱۳).

۱۳- در تعدد تولیت چهار حالت تصور می شود: الف) استقلال ب) اجتماع ج) ترتیب د) اطلاق. که حالت اطلاق نیز به اجتماع باز می گردد (کاتوزیان، ناصر، همان).

۱۴- اگر به موجب وقفنامه، تولیت با اولاد ذکور واقف نسلاً بعد نسل قرار داده شده باشد، با موجود بودن طبقه اعلی، طبقه بعد متولی نخواهند بود. مگر قرینه خلافی در بین باشد.

از این رو تفسیر وقفنامه بر شرکت طبقات در تولیت برخلاف مستنبط از آن خواهد بود (دیوان کشور، شعبه اول، شماره، ۱۳۴۶-۱۳۲۸/۷/۲۳ در: متین احمد، پیشین، صص ۳۳۹-۳۳۸).

۱۵- واقف تنها ضمن عقد وقف (یعنی تا هنگامی که اقباض نکرده است) حق

تعیین متولی را دارد. تولیت ممکن است محدود به مدت باشد و یا مادام العمر (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، پیشین، ص ۶۸).

۱۶- وقف بدون نصب متولی نیز صحیح است (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، ص ۶۸).

۱۷- در صورت تعدد و استقلال هر متولی، واقف می‌تواند مقرر دارد که به نوبت و رعایت تقدم، هر یک متولی باشند یا بدون تقدم یعنی در عرض هم. اگر در این باب تصریحی نکند همه در عرض هم متولی هستند (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، ص ۶۸).

۱۸- مسلمان بودن متولی وقف شرط نیست مگر در موردی که همه یا برخی از موقوف‌علیهم مسلمان باشند (ملاک ماده ۱۱۹۲ قانون مدنی).

۱۹- هر جا که قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲ مغایر با مواد تولیت در قانون مدنی باشد، تقدم با قانون اوقاف است.

● ماده ۷۶- کسی که واقف او را متولی قرار داده می‌تواند بدو تولیت را قبول بآورد کند و اگر قبول کرد دیگر نمی‌تواند رد نماید و اگر رد کرد مثل صورتی است که از اصل متولی قرار داده نشده باشد.

۱- در خصوص حق رد و قبول متولی در آغاز امر که او را از نصب به سمت تولیت آگاه می‌کنند بین فقهاء اختلاف نظر نیست. یعنی به صرف اطلاع متولی از گمارده شدن به سمت تولیت، می‌تواند آن را بپذیرد و می‌تواند آن را رد کند. زیرا بنا بر قاعده «اصل عدم ولایت افراد جامعه بر یکدیگر»، واقف را تسلطی بر متولی نیست تا بتواند این سمت را به او تحمیل کند (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، پیشین، ص ۲۳۲).

۲- چنانچه متولی تولیت را بپذیرد، بین فقهاء اختلاف نظر است: الف) پاره‌ای از فقهاء بر این عقیده هستند که متولی پس از قبول، حق رد تولیت را ندارد. در فقه طرفداران این نظر، وقف را قیاس به وصیت عهدی می‌کنند. در این قسم از وصیت، پس از پذیرش وصایت، وصی حق رد وصیت را ندارد. در مورد وصیت، نص خاص در حدیث وجود دارد لیکن در وقف نص وجود ندارد. فقهای امامیه این قیاس را نمی‌پذیرند. آنان که آن را پذیرفته‌اند دلیل کافی برای پذیرش آن ندارند.

ب) گروه دیگری از فقهاء، عقیده دارند که دلیلی بر لزوم تولیت بر متولی، پس از قبول تولیت نیست. لزوم، محتاج به دلیل است و چون دلیلی بر آن نیست، پس متولی هر زمان که بخواهد می‌تواند خود را از تولیت عزل کند. آن‌گاه وضعیت وقف، مانند موقوفه بدون متولی است که حاکم باید در آن دخالت کند (برای مطالعه بیشتر ر.ک: جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، صص ۲۳۳-۲۳۲). قانون‌گذار مدنی از نظر نخست تبعیت کرده است.

۳- چنانچه در وقف‌نامه، واقف، متولی را اکبر اولاد خود معرفی کرده باشد و مشارالیه مطابق ماده ۷۶ ق.م تولیت را رد نکرده باشد نمی‌توان به لحاظ گذشت زمان وی را مردود از تولیت محسوب نمود و لذا هر زمان بخواهد می‌تواند مراتب تولیت خود را اعلام نماید و به امور مربوط بپردازد (نظریه ۷/۴۰۸۰-۱۹/۶/۱۳۸۴ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۴- برخی حقوق‌دانان معتقدند که ماده ۷۶ قانون مدنی به لحاظ اصولی سست است و نیاز به اصلاح دارد. «ما برای لزوم و جواز هرگونه تعهد، مبنای ویژه‌ای را اختیار کرده‌ایم و آن مبنی بر این است که در دل هر عمل حقوقی، مصلحتی نهفته است که سنجش آن مصلحت به ما پاسخ می‌دهد که آن تعهد باید لازم باشد یا جایز. بر اساس این اندیشه در مورد تعهد متولی موقوفه پس از قبول تولیت، هر قدر که در

مصلحت زیربنای امر تولیت، می‌اندیشیم دلیل قانع کننده بر لزوم تعهد متولی، مبنی بر ادامه تولیت پس از قبول، به دست نمی‌آید. بنابراین باید تعهد متولی که پس از قبول تولیت پدید آمده است تعهد جایز باشد و او می‌تواند هر وقت که بخواهد از آن رجوع کند» (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، ص ۲۳۳).

۵- هرگاه واقف در عقد وقف بگوید: فلانی را متولی قرار دادم و پس از او فلان شخص، متولی باشد و هکذا... در این صورت هرگاه نفر نخست تولیت را پذیرفت، مستلزم این نیست که پس از او نیز متولی یا متولیان دیگر، مأخوذ به پذیرش تولیت از جانب متولی نخست باشند. آنان هر یک اختیار خود را دارند و درباره تعهد خود مبنی بر پذیرش تولیت، تصمیم خواهند گرفت.

۶- تعیین متولی، انتصاب مدیر برای وقف است و یک نوع ایقاع محسوب می‌گردد و قبول و رد متولی در لزوم تصدی متولی و نفوذ اراده واقف درباره او موثر است و نباید از اختیار رد و قبول این سمت، توهم شود که نصب متولی عقد است (کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، پیشین، ص ۶۸).

۷- اگر واقف چند متولی نصب کند، هر یک از آنان حق رد یا قبول تولیت را دارد؛ آن که رد میکند رد او صرفاً درباره خودش نافذ است (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، پیشین، ص ۶۸).

۸- اگر متولیان منصوب واقف به حسب قرار او میبایست مجتمعاً عمل کنند و یکی از آنان تولیت را رد کند، حاکم جایگزین او را معین میکند (مستفاد از ماده ۷۷ قانون مدنی).

● ماده ۷۷- هرگاه واقف برای دو نفر یا بیشتر به طور استقلال تولیت قرار داده باشد هر یک از آنها فوت کند دیگری یا دیگران مستقلاً تصرف میکنند و اگر

به نحو اجتماع قرار داده باشد تصرف هر یک بدون تصویب دیگری یا دیگران نافذ نیست و بعد از فوت یکی از آنها حاکم شخصی را ضمیمه آن که باقی مانده است می‌نماید که مجتمعاً تصرف کنند.

۱- این ماده ناظر بر مسأله تعدد متولیان موقوفه است. تعدد متولیان وقف در سه حالت متصور است:

الف) واقف دو نفر یا بیشتر را متولی قرار دهد و تصریح کند که هر یک در تولیت (اداره موقوفه) استقلال دارد. در این صورت، در حالی که هر دو زنده باشند، هر یک به تنهایی می‌تواند تصمیم بگیرد و به طریق اولی مجتمعاً نیز اگر تصمیم بگیرند، تصمیم آنان معتبر است. اگر یکی از آنان بمیرد، دیگری یا دیگران به طور استقلال به امر تولیت ادامه خواهند داد.

ب) اگر واقف، دو یا چند نفر را متولی قرار دهد و تصریح کند که باید مجتمعاً اداره موقوفه را عهده‌دار گردند، بدیهی است که تصمیم و رأی یکی از متولیان در امر موقوفه غیر نافذ است و با تأیید سایرین نافذ می‌گردد. هم‌چنان که با رد یکی دیگر از متولیان، باطل و بی‌اثر می‌گردد.

در این صورت، اگر یکی از متولیان فوت کند، تولیت سایرین از بین نمی‌رود، لیکن دادگاه صلاحیت‌دار می‌بایست شخصی را از باب انجام امور حسبی، به جانشینی متولی متوفی، نصب نماید تا به اتفاق سایرین امر تولیت را ادامه دهند.

ج) ممکن است واقف دو یا چند نفر را متولی قرار دهد، لیکن تصریح نکند که آیا باید مجتمعاً عمل کنند یا منفرداً. قانون مدنی در این خصوص ساکت است. اما در فقه نظر بر این است که می‌بایست در این صورت مجتمعاً عمل کنند. از سوی دیگر می‌توان ملاک ماده ۶۶۹ قانون مدنی را نیز دلیل این امر شمرد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، پیشین، ص ۲۳۴).

۲- در خصوص تعدد و کلا که باید به نحو اجتماع عمل کنند، ماده ۶۷۹ قانون

مدنی راهی را برگزیده است که با ماده ۷۷ قانون مدنی مغایرت دارد. اگر طریقه استدلال عقلی خالص را پیروی کنیم حق با ماده ۶۷۰ است، چه نظر موکل در صورت اجتماع فقط در موردی که اعضای آن اجتماع وجود دارند، قابل اجراء است. با فوت یکی از اعضای هیأت اجتماعی، دیگر آن هیأت وجود ندارد تا مجری نظر واقف یا موکل (یا موصی) باشد. از این رو بی جهت نیست که گفته‌اند: «المرکب ینتفی بانتهاء احد اجزائه»، یعنی هر واحد مرکب، با زوال یکی از اجزای سازنده آن از بین می‌رود. اما اگر دلیل مصلحت‌سنجی که در علم حقوق، معیار یافتن اکثر راه حل‌های حقوقی است مورد توجه قرار گیرد، کیفیت استدلال عوض می‌شود و در نتیجه خواهیم دید که ماده ۶۷۰ در جای خود صحیح است و ماده ۶۷ قانون مدنی نیز در مقام خود صحیح است. در مورد وکالت، پس از فوت یکی از دو وکیل، مطابق قصد موکل، وکیل دیگر، صلاحیت خود را از دست می‌دهد، زیرا وکالت او زیر عنوان هیأت اجتماعی وکلا، مقرر شده بود. اکنون که آن هیأت وجود ندارد، مجال برای بقاء وکالت دیگری یا دیگران نیست. از طرفی چون موکل زنده است می‌تواند اگر بخواهد وکیل دیگری گزیده و او را مأمور کند که به جای وکیل متوفی یا سایر وکیلان همکاری نماید. یا اگر بخواهد تصمیم تازه بگیرد به وکلای دیگر دستور دهد که در مورد وکالت اقدام کنند، یا اساساً وکیل تازه بگیرند. پس با فوت یکی از وکلا و سقوط وکالت از سایرین، مصلحتی از موکل، فوت نخواهد شد. در عین حال که اصول حقوقی نیز رعایت شده است. اما در مورد وقف، وضع چنین نیست چه با تسلیم موقوفه به متولی، دست واقف از موقوفه کوتاه مانده است و دیگر نمی‌تواند درباره موقوفه تصمیم بگیرد. قانون به او حق گرفتن تصمیم را نمی‌دهد. پس باید دید مصلحت وقف و واقف در صورت تعدد متولیان به نحو اجتماع، با فوت یکی از آنان چیست؟ آیا مصلحت در این است که به جای یکی از متولیان که مرده است جانشینی از طرف دادگاه معین شود تا با متولی منصوب از طرف واقف، که زنده است متفقاً اداره موقوفه را ادامه دهند یا مصلحت در این است که متولی منصوب واقف که زنده است بر کنار شود و دادگاه رأساً دخالت کند. شق اول به مصلحت وقف نزدیک‌تر است، هر چند که با استدلال عقلی مذکور، وفق

نمی‌دهد. به همین استدلال، در مورد تعدد اوصیاء در وصیت عهدی باید ملاک ماده ۷۷ قانون مدنی رعایت شود نه ملاک ماده ۶۷۰ قانون مدنی (برای دیدن نظر اخیر ر.ک: جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، صص ۲۳۶-۲۳۴).

۳- در صورت تعدد متولیان، اگر بعضی ورشکسته شوند، تأثیری در سمت تولیت او ندارد. اما چنانچه سفیه یا مجنون شوند، حاکم جایگزین وی را با توجه به ماده ۷۷ قانون مدنی معین می‌کند (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، پیشین، ص ۶۹).

● ماده ۷۸- واقف می‌تواند بر متولی ناظر قرار دهد که اعمال متولی به تصویب یا اطلاع او باشد.

۱- این ماده دو ناظر را پیش‌بینی کرده است:

الف) ناظر اطلاعی ناظری است که متولی باید اقدامات خود را به اطلاع وی برساند. پس اذن یا تصویب ناظر، نسبت به اقدامات متولی ضرورت ندارد. او فقط نظارت می‌کند که مبادا متولی عملی برخلاف مصالح وقف صورت دهد و اگر عمل او را برخلاف وقف تشخیص دهد، می‌تواند به دادگاه صلاحیت‌دار اعلان کند.

ب) ناظر استصوابی ناظری است که متولی بدون اذن و تصویب او عملی نمی‌تواند انجام دهد و اگر بدون اذن و تصویب او کاری کند، آن عمل چنانچه عمل حقوقی باشد (یعنی عقد و یا ایقاع باشد) غیرنافذ و فضولی خواهد بود. اگر ناظر آن را تنفیذ کند، نافذ می‌گردد، چنانچه با رد او، باطل خواهد شد (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، پیشین، ص ۲۳۶).

۲- در خصوص حالتی که واقف در عقد تصریح نمی‌کند که نظارت ناظر، اطلاعی یا استصوابی است، برای دیدن نظری که اصل را بر نظارت استصوابی می‌داند ر.ک: جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، ص ۲۳۶ و برای دیدن نظری که اصل را بر

نظارت اطلاعی میداند ر.ک: کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، پیشین، ص ۶۹. به نظر می‌رسد، با عنایت به این که لزوم تصویب عمل متولی بایستی به تصریح یا قرینه اثبات گردد، ناظری که بدون قید معین می‌شود، ناظر «اطلاعی» است.

۳- واقف می‌تواند بیش از یک ناظر بر متولی بگمارد، خواه متولی نیز متعدد باشد، خواه نباشد. در این صورت اگر درباره نظارت تصریح کند که منفرداً یا مجتمعاً عمل کنند، به همان ترتیب باید اقدام گردد. اگر سکوت اختیار کند باید مجتمعاً عمل کنند. به هر حال احکام مذکور در ماده ۷۷ راجع به تعدد متولی در مورد تعدد ناظر نیز به کار می‌رود (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، پیشین، ص ۲۳۷).

۴- هرگاه واقف شرط کند که از منافع موقوفه چیزی به ناظر به عنوان اجرت عمل نظارت او بدهند این شرط صحیح است. اما اگر درباره اجرت او سخن در عقد وقف نگوید و ناظر نظارت را قبول کند، اجرتی ندارد. زیرا قبول نظارت، در اختیار او بود و در آن نیز از حقوق وی به شمار میرفت و چون با توجه به این که اجرتی برای عمل نظارت، معین نشده، نظارت را پذیرفته است، نمی‌تواند ادعای اجرت عمل خویش را کند.

۵- در خصوص قبول نظارت از جانب ناظر، حکمی نظیر آن چه که در ماده ۷۶ قانون مدنی گفته شده است نداریم. یعنی اگر ناظر، نظارت را پذیرفت و پس از آن، اراده کرد که خود را عزل کند، چه باید کرد؟ ماده ۷۶ به شرحی که گفته شد برخلاف قاعده است و نمی‌توان ملاک آن را در مورد ناظر به کار بست.

پس باید گفت که ناظر می‌تواند خود را عزل کند و تعهدی که با قبول نظارت به عهده گرفته است از نوع تعهدات جایز است. کسی که ملاک ماده ۷۶ را نداند و مبنای آن را در تاریخ حقوق ایران نخواند، بی‌گمان امر نظارت را قیاس به تولیت خواهد کرد و این قیاس، درست نخواهد بود.

زیرا این قاعده بین دانشمندان حقوق مسلم است که اگر مدلول یک ماده قانونی، مخالف اصول و قواعد حقوقی باشد، از راه گرفتن ملاک آن ماده، اقدام به تسری آن به موارد سکوت قانون هرگز نمی‌کنند (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، پیشین، ص ۲۳۷).

۶- چنان‌چه واقف نظار متعدد منصوب کند و همه ناظر استصوابی باشند، حکم ماده ۷۷ قانون مدنی در مورد آنان جاری است.

در فرض تعدد نظار نیز می‌توان برخی را استصوابی و برخی را اطلاعی قرارداد (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، پیشین، ص ۶۹).

۷- در این‌که آیا واقف می‌تواند بر ناظر استصوابی، ناظر اطلاعی قرار دهد، برخی از حقوق دانان نظر مثبت دارند (برای دیدن نظر اخیر ر.ک: جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، پیشین، ص ۷۰).

۸- حق التولیه متولی یا سازمان (در قبال اعمال تولیت نسبت به موقوفات تصرفی)، هم‌چنین حق النظاره ناظر به میزان مقرر در وقف‌نامه است و در صورتی که وقف‌نامه موجود نباشد، یا میزان حق التولیه و حق النظاره در آن تعیین نشده باشد، حق التولیه به مقدار اجرت‌المثل از عایدات خالص خواهد بود (ماده ۱۱ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲).

● ماده ۷۹- واقف یا حاکم نمی‌تواند کسی را که در ضمن عقد وقف متولی قرار داده شده است عزل کند، مگر در صورتی که حق عزل شرط شده باشد و اگر خیانت متولی ظاهر شود حاکم ضم امین میکند.

۱- پس از تحقق عقد وقف، واقف بیگانه می‌شود و نمی‌تواند هیچ‌گونه تغییری در وقف بدهد و حاکم نیز نمی‌تواند برخلاف آنچه در عقد وقف قرار داده رفتار کند. فرض بر آن است که واقف کسی را که به سمت تولیت تعیین میکند، با توجه به

خصوصیت شخص او انتخاب می‌نماید و چون خیانت او مشخص گردید، برای رعایت مصلحت موقوفه به عنوان یک شخص حقوقی و نیز حفظ حقوق موقوف‌علیه‌م و نظر واقف، ضم امین می‌شود تا با همکاری امین، امور موقوفه را اداره کند.

۲- هرگاه متولی با قبول تولیت، اداره امور موقوفه را عملاً تصدی ننماید و یا آن که اعلام دارد که به اداره امور موقوفه نمی‌پردازد، مانند آن عمل می‌شود که متولی در عقد معین نشده باشد و هرگاه پس از مدتی از نظر خود عدول نمود، می‌تواند تصدی را عهده‌دار گردد، زیرا از تولیت منعزل نشده است (امامی، سید حسن، پیشین، ص ۸۶).

۳- با فرض احراز خیانت متولی و عدم امکان عزل وی، دادگاه برابر مقررات ماده (۷۹) قانون مدنی ضم امین می‌کند.

۴- واقف نمی‌تواند متولی منصوب ضمن عقد وقف را پس از اقباض و تسلیم موقوفه، عزل کند. خواه متولی تولیت را پذیرفته باشد، خواه نپذیرفته باشد. ماده ۷۹ هر دو فرض (پذیرش تولیت و عدم پذیرش تولیت) را فرا می‌گیرد. اما این ماده از عزل متولی پیش از اقباض موقوفه، سخن نگفته است و ممکن است کسی گمان برد که متولی، به موجب ظاهر این ماده حتی قبل از اقباض موقوفه نیز نمی‌تواند متولی را عزل کند. این نظر درست نیست. زیرا عقد وقف، یک عقد عینی (یا عقد مادی) است. عقد عینی عقدی است که صرف تراضی طرفین (صرف ایجاب و قبول) برای تحقق آثار عقد، کفایت نمی‌کند و عاقد را مأخوذ به تعهدی نمی‌نماید. باید علاوه بر تراضی، عمل مادی ویژه‌ای صورت گیرد تا عقد به کمال خود برسد و برای عاقد، ایجاد تعهد کند. آن عمل مادی، در وقف، اقباض موقوفه است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، پیشین، ص ۲۳۸).

۵- امین در موقعی ضم به متولی می شود که خیانت متولی ثابت شده باشد و در این موقعیت متولی حق مداخله در امور موقوفه مانند واگذاری اراضی موقوفه و دریافت مال الاجاره و پذیره را به تنهایی ندارد؛ و امین منضم باید اقدامات متولی را تصویب نماید تا تصمیمات متولی اجرا گردد (نظریه ۷/۱۰۴۸ - ۱۳۸۸/۲/۲۰ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۶- حاکم نیز نمی تواند تا زمانی که متولی بر اهلیت باقی است، وی را عزل نماید.

۷- هرگاه متولی یا ناظر نسبت به عین یا منافع موقوفه تعدی یا تفریط نماید، یا در انجام وظایف مقرر در وقف نامه و قانون و آیین نامه و مقررات مربوط مسامحه و اهمال ورزد، با رسیدگی شعبه تحقیق و حکم دادگاه، حسب مورد معزول یا ممنوع المداخله یا ضم امین خواهد شد (ماده ۷ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲).

۸- به متولی و ناظر ممنوع المداخله در زمان ممنوعیت، حق التولیه و حق النظاره تعلق نخواهد گرفت مگر آن که براءت آنان ثابت شود و در مواردی که ضم امین می شود اوقاف حق امین را خواهد پرداخت (تبصره یک همان ماده).

۹- در مواردی که مطابق قانون مدنی یا این قانون ضم امین می شود، دادگاهها می توانند سازمان حج و اوقاف و امور خیریه را هم به عنوان امین تعیین کنند (تبصره ۲ همان ماده).

۱۰- کلیه مباشران موقوفات و اماکن مذهبی اعم از متولی و امنای بنیادهای خیریه مذکور در این قانون در حکم امین می باشند. در صورت تعدی یا تفریط یا تخلفات دیگر ملزم به تأدیه حقوق و وجوه و اموال و جبران خسارات ناشی از اعمال خود خواهند بود. هرگاه عمل آنها مشمول عناوین کیفری باشد از طریق مراجع قضایی

نیز تعقیب و به مجازات مقرر محکوم خواهند شد (تبصره ۳ همان ماده).

● ماده ۸۰- اگر واقف وضع مخصوصی را در شخص متولی شرط کرده باشد و متولی فاقد آن وصف گردد منعزل می‌شود.

۱- چنان‌چه واقف وصف مخصوصی (مانند عدالت، ایرانیت، تمکن مالی) را برای متولی مسجدی شرط کند و متولی فاقد آن وصف گردد (فاسق یا مفلس گردد و یا تغییر تابعیت دهد) به صورت خود به خود عزل می‌شود. زیرا وصف مزبور در نظر واقف ملاک اساسی در تعیین وی به سمت تولیت بوده به طوری که اگر از ابتدا فاقد آن وصف بود، واقف او را معین نمی‌کرد. بنابراین وقتی متولی مسجد فاقد آن وصف می‌گردد، مانند آن خواهد بود که اساساً متولی تعیین نشده است (البته با عنایت به فتوای مقام معظم رهبری مبنی بر تولیت بردار نبودن مساجد، منظور از تعیین متولی، تولیت جدا از شبستان مسجد است).

۲- هرگاه متولی مجدداً دارای وصف ابتدایی گردید، سمت تولیت باز نخواهد گشت، زیرا پس از منعزل شدن، سمت تولیت از وی زایل گردیده و موجب قانونی جهت بازگشت مجدد سمت تولیت موجود نیست (برای دیدن نظر اخیر ر.ک: امامی، سید حسن، پیشین، ص ۸۵). برخی فقهاء تصریح کرده‌اند که پس از بازگشت صفت، متولی به سمت اولیه خود باز می‌گردد و در صورتی که از ابتدا متولی دارای آن وصف معین نبوده باشد، تصرفاتی که در موقوفه کرده، فضولی است. هم‌چنین است اگر متولی فاقد اهلیت گردد (امامی، سید حسن، همان، صص ۸۶-۸۵).

۳- اگر واقف شرط کند که تولیت وقف با دادستان کل باشد و پس از مدتی که از تصدی او بگذرد او از سمت خود برکنار یا بازنشسته گردد، تولیت او از بین می‌رود (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، پیشین، ص ۲۳۸).

۴- مقصود از شرط در این ماده قید است نه شرط مصطلح باب عقود که مفید تعهد تبعی است (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی،

پیشین، ص ۷۰).

۵- شرط ضمنی در حکم شرط صحیح است. پس اگر متولی بعد از قبول تولیت، سفیه یا دیوانه گردد منعزل می‌شود، زیرا شرط ضمنی در عقد وقف، کمال عقل متولی است (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، صص ۷۱-۷۰).

۶- موقوفاتی که متولی آن‌ها عزل یا فوت می‌شود، تا تشخیص متولی بعدی و موقوفاتی که متولی آن‌ها ممنوع المداخله می‌شود تا رفع ممنوعیت یا ضم امین در حکم موقوفات بدون متولی است (تبصره ۱ ماده ۴ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲).

۷- هرگاه شخص یا اشخاصی که در وقف‌نامه به عنوان متولی معین شده‌اند وجود نداشته باشند و یا اوصاف مقرر در وقف‌نامه منطبق با شخص یا اشخاص معین نگردد، موقوفه در حکم موقوفه مجهول التولیه است (تبصره ۲ ماده ۴ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲).

۸- چنانچه متولیان متعدد باشند و یکی از آن‌ها فاقد اهلیت گردد، در مواردی که می‌بایست مجتمعاً همکاری نمایند، مانند مورد فوت یکی از متولیان، حاکم نفر دیگری را تعیین خواهد نمود و هرگاه هر یک بتواند منفرداً انجام وظیفه نماید، متولی دیگر تعیین نخواهد شد. زیرا مقصود متوفی در اداره موقوفه تأمین می‌شود و مداخله دادن کسی که بیگانه است برخلاف نظر واقف است (امامی، سید حسن، پیشین، ص ۸۶).

● ماده ۸۱- (اصلاحی ۱۳۷۰/۸/۴) در اوقاف عامه که متولی معین نداشته باشد، اداره موقوفه طبق نظر ولی فقیه خواهد بود.

۱- از تاریخ تصویب قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه

مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲، سازمان اوقاف به سازمان حج و اوقاف و امور خیریه تغییر نام می‌یابد و اداره امور موقوفات عام که فاقد متولی بوده یا مجهول التولیه است، به عهده این سازمان واگذار می‌گردد (ماده یک قانون قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲).

هم‌چنین در اوقافی که منافع آن برای مصالح عامه است (اموری که نفع اجتماعی در بر دارد)، مانند تبلیغات مذهبی، اقامه نماز و امثال آن، اگر واقف متولی معین نکرده باشد، اداره موقوفه با نظر ولی فقیه (سازمان اوقاف و امور و خیریه) می‌باشد.

۲- در حال حاضر سازمان اوقاف و امور خیریه در خصوص تولیت اوقاف عام، کار حاکم را انجام می‌دهد. در مواردی که حاکم باید تولیت اوقاف عام را انجام دهد می‌تواند بالمباشره این تولیت را صورت دهد و می‌تواند دیگری را وکیل در اداره امور اوقاف قرار دهد. نیز می‌تواند شخصی را به عنوان متولی نصب کند. اما اگر متولی نصب کند، تا زمانی که خیانت و عدم اهلیت او ظاهر و محرز نگردد، نمی‌تواند او را عزل کند (برای مطالعه بیشتر ر.ک: جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، پیشین، ص ۲۳۹).

۳- هرگاه شخص یا اشخاصی که در وقف‌نامه به عنوان متولی معین شده‌اند وجود نداشته باشند و یا اوصاف مقرر در وقف‌نامه منطبق با شخص یا اشخاص معینی نگردد، موقوفه در حکم موقوفه مجهول التولیه است (تبصره ۲ ماده ۴ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲).

۴- برخی از حقوق دانان معتقدند هرگاه واقف در عقد وقف شرط کند که حاکم (مانند سازمان اوقاف و امور خیریه) حق مداخله در موقوفه را نداشته باشد، این شرط صحیح است. پس اگر کسانی که به سمت تولیت از جانب واقف، معین گردیده‌اند منقرض شوند، امر تولیت به عهده خود موقوف‌علیهم خواهد بود و یا عدول مومنین می‌توانند موقوفه را اداره کنند (برای دیدن نظر اخیر ر.ک: جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان،

ص ۲۴۰). اما به نظر می‌رسد در حال حاضر و در شرایط فعلی، چنین شرطی با توجه به اعمال حاکمیتی سازمان اوقاف و امور خیریه که به نمایندگی از ولی فقیه عمل می‌کند، خلاف نظم و مصلحت عمومی تلقی شود.

۵- ذکر «اوقاف عامه» در ماده ۸۱ و اصلاحیه‌های مذکور خالی از مسامحه نیست. زیرا آن را شامل وقف بر جهات هم کرده‌اند و از معانی اصطلاحی خارج شده‌اند و حال آن که در ماده ۵۶ قانون مدنی آن دو را از هم جدا کرده‌اند (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، پیشین، صص ۷۲، ۷۱).

● ماده ۸۲- هرگاه واقف برای اداره کردن موقوفه ترتیب خاصی معین کرده باشد متولی باید به همان ترتیب رفتار کند و اگر ترتیبی قرار نداده باشد، متولی باید راجع به تعمیر و اجاره و جمع‌آوری منافع و تقسیم آن بر مستحقین و حفظ موقوفه و غیره مثل وکیل امینی عمل نماید.

۱- این ماده عیناً از فقه امامیه اقتباس شده است. در فقه گفته‌اند: اگر واقف وظیفه متولی را معین کرده باشد باید وفق آن عمل کند. اما اگر سکوت اختیار کرده باشد متولی باید آداب متعارف تولیت را به جا آورد. این آداب عبارت است از تعمیر موقوفه و اجاره آن و استیفاء اجاره‌بهاء و دادن خراج (مالیات و عوارض و امثال آن‌ها) و گردآوری محصول و تقسیم منافع بین موقوف‌علیهم و نگهداری موقوفه.

۲- چنانچه متولی متعدد باشد و از مواردی است که باید مجتمعاً عمل کنند و با هم سازش و توافق بر تصمیم نداشته باشند و اداره موقوفه معطل گردد، حاکم، آنان را الزام به اتخاذ روش صحیح خواهد کرد. اگر الزام آنان، میسر نباشد، حاکم اداره موقوفه را عهده‌دار خواهد شد.

۳- سازمان اوقاف و امور خیریه نسبت به مواردی که در بندهای یک ماده یک قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه به عهده آن گذاشته

شده در صورت عدم اقدام متولی یا امناء یا موقوف‌علیهم حق تقاضای ثبت و سایر اقدامات لازم و اعتراض و اقامه دعوی را دارد.

هم‌چنین می‌تواند در مواردی که لازم بداند و مصلحت موقوفه ایجاب نماید، در دعاوی مربوط وارد دعوی شده و به احکام صادره اعتراض کند (ماده ۹ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲).

۴- در باب مسئولیت مدنی متولی و ناظر، ماده ۷ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲، صراحت کافی دارد و تعیین تکلیف نموده است: «هر گاه متولی یا ناظر نسبت به عین یا منافع موقوفه تعدی یا تفریط نماید یا در انجام وظایف مقرر در وقف‌نامه و قانون و آیین‌نامه‌ها و مقررات مربوط مسامحه و اهمال ورزد، با رسیدگی شعبه تحقیق و حکم دادگاه حسب مورد معزول یا ممنوع‌المداخله یا ضم‌امین خواهد شد».

۵- این ماده از اجاره موقوفه به اجمال سخن گفته است. در این خصوص دو مسأله مطرح می‌گردد:

الف) هرگاه طبقه اول از موقوف‌علیهم، موقوفه را برای مدتی اجاره دهند، سپس در اثناء آن مدت، آن طبقه منقرض شود، نسبت به باقی مدت، اجاره غیر نافذ و فضولی خواهد بود. چه هر طبقه‌ای منافع قدر سهم خود را از واقف مستقیماً تلقی می‌کنند و یک طبقه قائم مقام طبقه قبل نیست. پس طبقه نخست، حقی بر منافع حصه طبقه واپسین ندارد. اگر طبقه بعد، اجاره را رد کنند، اجاره نسبت به بعد از انقراض طبقه اول، منحل می‌شود و مستأجر، حق دارد خسارت خود را از وراثت طبقه‌ای که منقرض شده‌اند، بازستانند (ر.ک: طباطبایی، محمدکاظم، پیشین، ص ۲۴۳).

ب) هرگاه متولی، موقوفه را اجاره دهد و مدت اجاره بیش از عمر موجودین از موقوف‌علیهم باشد، گفته شده است که این اجاره نافذ است و طبقات بعدی از

موقوف‌علیهم مذکور حق فسخ آن را ندارند (طباطبایی، محمد کاظم، همان، ص ۲۴۳).

۶- متولی نماینده قانونی موقوف‌علیهم است. به همان استدلال که در فرض پیش گفته شد، حق ندارد موقوفه را به نفع طبقه موجود، برای بیش از زمانی که آنان حق انتفاع از موقوفه را دارند اجاره بدهد و اجاره‌بهاء را بین آنان قسمت کند (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، پیشین، صص ۲۴۲-۲۴۱).

۷- در این‌که اگر واقف در عقد وقف شرط کند که موقوفه را در هر بار بیش از دو یا سه سال به اجاره ندهند، آیا هم‌چنان قانون روابط موجر و مستأجر بر چنین عقدی حکومت دارد یا خیر، مسأله محل تأمل است.

۸- متولی مدیر شخصیت حقوقی است و نباید وی را نماینده سازمان اوقاف و امور خیریه تلقی کرد. پس معنی بخش اخیر ماده ۸۲ قانون مدنی این است که متولی در حکم وکیل و امین وقف است نه واقف (کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، پیشین، ص ۷۰). عده‌ای نیز از متولی به عنوان «مدیرعامل» موقوفه یاد کرده‌اند (برای دیدن نظر اخیر ر.ک: جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، پیشین، ص ۷۲).

۹- تقاضای ثبت املاک وقفی و تفکیک اراضی مشاع وقفی از ملک و بیمه کردن موقوفه در حدود معمول متعارف، همگی جزو اعمال اداره موقوفه و مشمول ماده ۸۲ قانون مدنی است.

۱۰- در موارد سکوت وقف‌نامه، متولی باید مانند امین با رعایت صرفه و صلاح موقوفه عمل نماید.

۱۱- در مواردی که عقد اجاره متولی (در وقف عام یا بر مصالح عامه) فضولی

نیست، چنانچه سمت متولی در اثنای مدت اجاره به عزل یا انعزال یا فوت یا جنون یا سفه زایل گردد، یا ممنوع المداخله شود، این امور خدشه به بقاء عقد اجاره وارد نمی‌کند (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، ص ۷۳).

۱۲- اگر واقف در وقفنامه مسجدی که وقف نموده است، متولی تعیین نموده و یکی از وظایف متولی را تعیین امام جماعت و هیأت امناء برای مسجد مذکور قرار داده باشد، پرسش این است که آیا تعیین چنین ترتیبی برای مسجد موقوفه صحیح است؟ با توجه به صراحت ماده ۸۲ قانون مدنی، متولی باید به همان ترتیبی که واقف برای اداره کردن موقوفه معین کرده است عمل نماید، با وجود این، استفتائات به عمل آمده از برخی مراجع عظام تقلید حکایت از این دارد که شبستان مساجد تولیت بردار نیست و متولی نمی‌تواند در امور و شؤونات داخلی مسجد دخالتی نماید.

● ماده ۸۳- متولی نمی‌تواند تولیت را به دیگری تفویض کند، مگر آن که واقف در ضمن وقف به او اذن داده باشد. ولی اگر در ضمن وقف شرط مباشرت نشده باشد می‌تواند وکیل بگیرد.

۱- جمله اول این ماده به قدر کافی روشن است و نشان می‌دهد که واقف پس از پایان عقد وقف، حق ندارد در امر تولیت به هیچ‌وجه دخالت کند. حتی نمی‌تواند به متولی که خود منصوب کرده اذن دهد که او متولی دیگری انتخاب کند. جمله اول این ماده شامل دو صورت است:

الف) متولی از ادامه تولیت عاجز نیست.

ب) متولی از ادامه تولیت عاجز است.

جمله دوم این ماده مربوط به انتخاب وکیل، از جانب متولی برای انجام دادن تمام یا قسمتی از مورد تولیت است. انتخاب وکیل در صورتی برای متولی رواست که واقف در عقد وقف، شرط نکرده باشد که متولی باید شخصاً امر تولیت موقوفه را انجام دهد (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، پیشین، صص ۲۴۳-۲۴۲).

۲- تولیت منصبی است که از طرف واقف به متولی داده می‌شود و پس از قبول کردن آن حق و تکلیف برای وی ایجاد می‌شود و نمی‌تواند آن منصب را به دیگری واگذار نماید، مگر این‌که واقف به وی اذن داده باشد. زیرا واقف خود حق تعیین دیگری را قبلاً داشته و می‌توانسته هر کس را بخواهد در ضمن عقد وقف به سمت متولی معین نماید و واقف، متولی فعلی را معین نموده و به او اختیار داده که هر زمان بخواهد متولی دیگری قرار دهد و خود کناره‌گیری نماید (امامی، سید حسن، پیشین، صص ۸۷، ۸۶).

۳- اداره امور موقوفه توسط وکیل متولی (در جایی که شرط مباشرت نشده) جدا از تفویض تولیت است. زیرا در وکالت، وکیل نماینده متولی می‌باشد و در صورت تفویض تولیت، سمت متولی زایل می‌گردد و دیگری جانشین او می‌شود و منصب قابل واگذاری نیست (امامی، سید حسن، همان، صص ۸۷).

۴- در موقوفاتی که شرط مباشرت نشده باشد، هرگاه متولی برای تمام یا قسمتی از امور مربوط به موقوفه وکیلی انتخاب کند، وکیل مزبور باید توانایی انجام مورد وکالت را داشته باشد. در صورتی که وکیل انتخابی به تشخیص سازمان قادر به ایفای وظایف محوله نباشد، مراتب کتباً به متولی ابلاغ خواهد شد. هرگاه ظرف دو ماه برای متولیان مقیم ایران و چهار ماه برای متولیان مقیم خارج از کشور، متولی، اقدام به تغییر وکیل ننماید، موضوع به دادگاه صالح احاله و پس از ثبوت عدم توانایی وکیل مزبور با ابلاغ سازمان از دخالت ممنوع می‌شود. این حکم شامل وکلایی که قبلاً نیز انتخاب شده‌اند خواهد بود (تبصره ۳ ماده ۴ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲).

۵- در مواردی که شرط مباشرت متولی در انجام دادن امور موقوفه در عقد وقف شده باشد و متولی از امر تولیت فروماند، چنان است که موقوفه متولی نداشته باشد (مستفاد از ماده ۸۱ قانون مدنی).

۶- تفاوت تفویض تولیت و وکالت دادن به دیگری در این است که در فرض نخست، متولی سمت خود را به دیگری واگذار می‌کند و از مسئولیت رها می‌شود. لیکن وکالت دادن در مقام اجرای وظایف متولی است و وکیل با نظارت او اقدام می‌کند و مسئولیت و اختیار متولی منسوب واقف از بین نمی‌رود (کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی پیشین، ص ۷۰).

۷- اجازه واقف به شخص متولی در (مصرف نمودن قسمتی از منافع به نظر خود، در امور بریه به هر نحو که صلاح بداند) مجوز واگذاری مصرف منافع از طرف متولی به غیر نیست و برخلاف نظر واقف است (رای شماره ۱۶۱۳-۱۶/۹/۱۳۲۸ شعبه یکم دیوان کشور، در: متین، احمد پیشین، ص ۳۳۸).

۸- متولی نمی‌تواند نسبت به موقوفه برای همیشه تعهد کند. زیرا متولی بعدی، الزامی به قبول آن نخواهد داشت (همان).

۹- همان‌گونه که رد تولیت پس از قبول آن صحیح نیست (ماده ۷۶ قانون مدنی)، نقل سمت تولیت به غیر نیز مجاز نیست؛ غرض از تفویض، سلب سمت تولیت از خود و دادن آن به غیر است (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، پیشین، ص ۷۳).

۱۰- چنانچه متولی وکیل بگیرد، خود نیز در مورد وکالت مفوضه حق اقدام دارد. اگر وکیل و موکل در مورد موقوفه عمل حقوقی (مانند اجاره) صورت دهند، آن که تاریخ آن مقدم است، نافذ است (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، ص ۷۳).

- ماده ۸۴- جایز است واقف از منافع موقوفه سهمی برای عمل متولی قرار دهد و اگر حق التولیه معین نشده باشد، متولی مستحق اجرت‌المثل عمل است.
- ۱- اشکالی وارد نیست تا واقف مقداری از منافع موقوفه را به حق التولیه اختصاص

دهد، هر چند متولی، خود واقف باشد. این امر را مصداق وقف بر نفس (ماده ۷۲ قانون مدنی) نباید شمرد. ممکن است یکی از موقوف‌علیهم را متولی کند و بابت کار او از جهت اداره موقوفه سهمی معین نماید.

هرگاه برای متولی، مقدار معینی از منافع را به عنوان حق التولیه معین کند، متولی بیش از آن استحقاق ندارد. چنانچه واقف متولی معین کند، لیکن درباره حق التولیه وی سخنی نگوید، در این صورت به دستور ذیل این ماده از منافع موقوفه به اندازه اجرت‌المثل کارش به او باید داد (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، پیشین، ص ۲۴۴).

۲- پاره‌ای از فقهاء به قسمت آخر این ماده اشکالی بدین صورت وارد کرده‌اند:

چنانچه با وجود عدم تعیین حق التولیه برای متولی از سوی واقف، تمامی منافع موقوفه، از راه ایجاب و قبول عقد وقف، به موقوف‌علیه انتقال یافته است، چگونه می‌توان مقداری از این منافع را از موقوف‌علیه گرفت و به متولی داد؟ پاسخی که داده شده است این است که حق التولیه جزء هزینه‌های راجع به تحصیل منافع موقوفه است و کسی را تردیدی نیست که هر خرجی را که جهت تحصیل منافع از موقوفه لازم باشد، باید صورت داد (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، ص ۲۴۴).

۳- حق التولیه متولی یا سازمان اوقاف و امور خیریه (در قبال اعمال تولیت نسبت به موقوفات تصرفی)، هم‌چنین حق‌النظاره ناظر به میزان مقرر در وقف‌نامه است و در صورتی که وقف‌نامه موجود نباشد یا میزان حق التولیه و حق‌النظاره در آن تعیین نشده باشد، حق التولیه به مقدار اجرت‌المثل از عایدات خالص خواهد بود (ماده ۱۱ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲).

۴- به متولی و ناظر ممنوع‌المداخله در زمان ممنوعیت، حق التولیه و حق‌النظاره تعلق نخواهد گرفت مگر آن که برائت آنان ثابت شود و در مواردی که ضم‌امین

می‌شود، اوقاف حق امین را خواهد پرداخت (تبصره یک ماده ۷ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲).

۵- قانون مدنی نامی از حق‌النظاره نبرده و با ذکر حق‌التولیه بیان آن را محتاج ندانسته است. نظر به ماده (۳۰) قانون مدنی که مالک می‌تواند هرگونه تصرفی در ملک خود بنماید، واقف می‌تواند هم‌چنان که حق‌التولیه برای متولی قرار می‌دهد، برای ناظر نیز حق‌النظاره معین نماید و هرگاه در عقد وقف، حق‌النظاره قرار داده نشده باشد، در صورتی که ناظر در عمل خود قصد تبرع نداشته، می‌تواند مانند متولی از عایدات موقوفه سهمی به عنوان اجرت‌المثل بردارد، مگر این که در عقد وقف مجانی بودن عمل او قید شده باشد و یا قراین مثبتی دیگر این امر را برساند. ماده ۳۳۶ قانون مدنی در مورد استیفاء، از نظر وحدت ملاک جواز این امر را می‌رساند (امامی، سید حسن، پیشین، صص ۹۰-۸۹).

۶- تعیین مقدار حق‌التولیه به نظر واقف است که در عقد وقف در نظر می‌گیرد، اگرچه از سهم موقوف‌علیهم بیشتر باشد.

بنابراین ایرادی وارد نیست متولی، عشر از عایدات موقوفه را برای حق‌التولیه و یک عشر را برای موقوف‌علیهم تخصیص دهد و در صورتی که واقف، خود متولی باشد و نیز در صورتی که واقف، خود متولی باشد و نه عشر از عایدات را حق‌التولیه قرار دهد، صحیح است و نمی‌توان به عنوان وقف بر نفس آن را باطل دانست. زیرا در عقود، قصد و عنوان ملاک تحقق و تشخیص می‌باشد (امامی، سید حسن، همان، ص ۸۹).

۷- چنان‌چه واقف در عقد وقف برای متولی حق‌التولیه قرار نداده باشد و نیز قید ننموده باشد که متولی سهمی از موقوفه به عنوان حق‌التولیه نبرد و یا مجاناً آن را اداره نماید، متولی مستحق اجرت‌المثل عمل می‌باشد و هم‌چنین است در صورتی که واقف تصریح به اجرت دادن به متولی نموده ولی مقدار آن را معین نکرده باشد.

نظر برخی از فقهاء بر این است که پس از تمامیت صیغه وقف نمی‌توان در مصارف آن تصرف کرد و دادن حق التولیه در صورت عدم ذکر آن در تصرف، مخالف وقف می‌باشد. این دسته از فقهاء معتقدند که پس از قبول تولیت، اقدام عمل مجانی است. قول مزبور مردود است. زیرا قبول، دلیل بر مجانی بودن نیست و قانون مدنی قول اول را اختیار نموده است (امامی، سید حسن، همان، ص ۸۹).

● ماده ۸۵- بعد از آن که منافع موقوفه حاصل و حصه هر یک از موقوف‌علیهم معین شد، موقوف‌علیه می‌تواند حصه خود را تصرف کند، اگر چه متولی اذن نداده باشد مگر این که واقف اذن در تصرف را شرط کرده باشد.

۱- ماده ۸۵ کیفیت تصرف موقوف‌علیهم در منافع موقوفه را بیان کرده است، لیکن مشخص نکرده است آیا این تصرف مالکانه می‌باشد (یعنی موقوف‌علیهم مالک منافع موقوفه می‌شوند) یا غیر مالکانه (یعنی موقوف‌علیه، حق انتفاع از منافع موقوفه را دارد یا خیر؟). دانستن کیفیت این تصرف و ماهیت حقوقی آن لازم است. به ویژه آن که اگر غصب موقوفه پیش آید، تکلیف مسئولیت غاصب، در برابر موقوف‌علیهم باید روشن باشد (جعفری لنگرودی محمدجعفر، حقوق اموال، پیشین، ص ۲۴۶).

۲- تا هنگامی که حصه هر یک از موقوف‌علیهم در منافع گردآوری شده از موقوفه، از جانب متولی مشخص نشده باشد، حق هر یک از موقوف‌علیهم در آن منافع که به دست آمده است، به صورت حق بر حصه مشاع از مال موجود خارجی است (نه طلب) و آن حصه مشاع، عین خارجی است و گونه‌ای است از حق عینی، اما به علت اشاعه، حق تصرف در آن را ندارد مگر پس از افراز. لیکن پس از افراز سهام از سوی متولی، مانعی ندارد که صاحب حصه در حصه مفروزه تصرف کند مگر این که در عقد وقف، اذن متولی در تصرف در حصه مفروزه قید شده باشد (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، پیشین، ص ۷۴).

۳- وجوهی که از محل پذیره و اهدایی حاصل از اجاره و استیجار رقبات موقوفه دریافت می‌گردد از عواید همان موقوفات محسوب و به مصارف مقرره خواهد رسید (ماده ۱۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲).

۴- پیش از تعیین حصه موقوف‌علیه، حق او بر مال معین نیست و طلب است، لیکن پس از تعیین حصه حق عینی او بر آن مال تحقق مییابد و بدین جهت اذن متولی ضروری نیست (کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، پیشین، ص ۷۱).

● ماده ۸۶- در صورتی که واقف ترتیبی قرار نداده باشد، مخارج تعمیر و اصلاح موقوفه و اموری که برای تحصیل منفعت لازم است بر حق موقوف‌علیهم مقدم خواهد بود.

۱- صرف درآمد موقوفات به منظور بقاء عین آنها بر سایر مصارف مقدم است و متولی موظف است موجبات آبادانی رقبات موقوفه را در جهت بهره‌برداری صحیح از آنها به منظور اجرای نیت واقف فراهم آورد (ماده ۶ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲).

۲- در صورتی که درآمد یک ساله موقوفه یا اماکن اسلامی برای تعمیر و یا نوسازی آن کافی نباشد درآمد دو یا چند سال در حساب مخصوصی ذخیره و به موقع به مصرف خواهد رسید (تبصره همان ماده).

۳- تحقیق در جمع و خرج عواید راجع به وقف و نیز صدور مفاصاً حساب و تطبیق مصارف با مفاد وقف‌نامه و تشخیص متولی و ناظر و موقوف‌علیهم (با رعایت ماده ۷ این قانون و تبصره‌های آن) با شعب تحقیق اوقاف است، مگر در موقوفات منصوص التولیه در صورتی که مظنه تعدی و تفریط متولی نباشد (ماده ۱۴ قانون تشکیلات

و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۰/۲/۱۳۶۳).

۴- اگر واقف محلی برای تعمیر و نگهداری موقوفه معین نکند، از عواید آن قبلاً برای تعمیر و حفاظت برداشته می‌شود. سپس مانده آن صرف موقوف‌علیهم خواهد شد. اما موقوف‌علیهم می‌توانند این هزینه را خود از هر محل که بخواهند بدهند. هرگاه حفظ موقوفه مستلزم فروش قسمتی از آن باشد همان قسمت فروخته می‌شود. به عنوان مثال اگر چند دکان و قطعه زمینی برای مسجدی موقوفه باشد و دکان‌ها در شرف خرابی باشند و عواید آن‌ها کافی برای تعمیر نباشد، می‌توان زمین را فروخت و صرف تعمیر آن‌ها کرد (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، پیشین، ص ۲۴۷).

۵- مقصود از مخارج لازم، مخارجی است که عرف و معمول محل آن را برای بقاء و انتفاع از موقوفه لازم میدانند و الا متولی نمی‌تواند از عایدات موقوفه، آن را به بهترین وضعی که ممکن است در آورد، زیرا این امر مخارج اضافی لازم دارد که در نتیجه، تجاوز به سهم موقوف‌علیهم خواهد شد و از سهام آنان کسر می‌گردد، مگر آن که در عقد وقف تصریح به این امر نموده باشد (امامی، سیدحسن، پیشین، ص ۹۰).

۶- نظر به این که طبق ماده ۸۶ ق.م. پرداخت هزینه‌های مربوط به حفظ موقوفه از مال موقوفه جایز است، در صورتی که متولی اقامه دعوی کند، هزینه دادرسی را به استناد ماده قانونی مزبور می‌تواند پردازد (نظریه ۷/۸۸۲۰-۱۳۷۹/۸/۳۰ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

● ماده ۸۷- واقف می‌تواند شرط کند که منافع موقوفه مابین موقوف‌علیهم به تساوی تقسیم شود یا به تفاوت و یا این که اختیار به متولی یا شخص دیگری بدهد که هر نحو مصلحت داند تقسیم کند.

۱- واقف اگر از چگونگی تقسیم سکوت کند، اصل بر تساوی و تشریک موقوف‌علیهم است (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، پیشین، ص ۷۵).

۲- در عقد وقف، واقف می‌تواند در صورت تعدد موقوف‌علیه‌هم، تقسیم منافع را به طور برابر یا نابرابر معین کند و یا این اختیار را به متولی یا شخص ثالث بدهد. هرگاه موقوف‌علیه، بیش از یک نفر باشد و معلوم نگردد که تقسیم به تساوی باید کرد یا نه، نیز معلوم نباشد که تقسیم باید به طور تشریک به عمل آید یا به طور ترتب، در این صورت اصل بر تساوی و تشریک است، نه بر ترتب. زیرا عدم تساوی و عدم ترتب، محتاج به دلیل خاص است (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، پیشین، صص ۲۴۸-۲۴۷).

● ماده ۸۸- بیع وقف در صورتی که خراب شود یا خوف آن باشد که منجر به خرابی گردد به طوری که انتفاع از آن ممکن نباشد، در صورتی جایز است که عمران آن متعذر باشد یا کسی برای عمران آن حاضر نشود.

۱- وقف، حبس و بازداشت عین مال از نقل و انتقال است و اصولاً نباید موقوفه را از وضعیت وقفی خود خارج شود. بدین جهت رهن موقوفه جایز ندانسته‌اند. زیرا ممکن است در اثر عدم پرداخت دین، منجر به فروش ملک مورد رهن گردد و آن مخالف با حبس عین مال است. لیکن قانون در دو مورد (خرابی و تولید اختلاف)، استثنائاً اجازه فروش موقوفه را داده است.

۲- بیع وقف بیعی است که مبیع یا ثمن، موقوفه باشد یا عوضین هر دو موقوفه باشند. در شرع دلیلی که اصل عدم جواز بیع موقوفه را به صورت یک اصل حقوقی اعلان کند دیده نشده است. لیکن در حال حاضر، این اصل از ماده ۸۸ تا ۹۰ قانون مدنی و ماده ۳۴۹ دانسته می‌شود (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، ص ۲۴۸).

۳- بیع مال وقف صحیح نیست، مگر در موردی که بین موقوف‌علیه‌هم تولید اختلاف شود. به نحوی که بیم سفک دماء رود یا منجر به خرابی مال موقوفه گردد و همچنین در مواردی که در مبحث راجع به وقف مقرر است (ماده ۳۴۹ قانون مدنی).

۴- در خصوص کاهش قابل ملاحظه منافع موقوفه، فروش آن با رعایت تبصره ماده ۸ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مجاز است: «درآمد موقوفات متعذرالمصرف و موقوفاتی که عواید آن‌ها به سبب قلت گرچه با پس انداز چند سال برای اجرای نظر واقف کافی نباشد، با تشخیص تحقیق اوقاف در موارد اقرب به غرض واقف در محل به مصرف می‌رسد. آن قسمت از درآمد موقوفاتی که به علت کثرت عواید زاید بر مصرف متعارف باشد، حتی الامکان در موارد اقرب به نظر واقف صرف گردد و در صورت نبودن مورد اقرب در مطلق امور خیریه به مصرف خواهد رسید. مقصود از متعذرالمصرف آن است صرف درآمد موقوفه در مصارف مقرر به علت فراهم نبودن وسایل و یا انتفاء موضوع و یا عدم احتیاج به مصرف مقدور نباشد» (تبصره ماده ۸ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲).

۵- در صورت غیر قابل افراز بودن ملک مشاعی که قسمتی از آن وقف است، قسمت دیگر آن قابل فروش خواهد بود (نظریه ۷/۸۶۳۲ - ۱۳۷۶/۱/۲۱ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۶- در صورتی که سایر وراث متوفی نسبت به وقفیت ملک ادعایی نداشته باشند، ضرورتی ندارد که کلیه وراث طرف دعوی قرار گیرند و دعوی احدی از ورثه به طرفیت اداره اوقاف دایر به ابطال وقفیت و اثبات مالکیت خود قابل استماع است و دادگاه به قدرالسهم وراث مذکور در صورت احراز حقانیت وی مبادرت به صدور حکم می‌نماید کل اداره (نظریه ۷/۶۸۴۷ - ۱۳۸۳/۹/۱۲ حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۷- مقصود از خرابی در عبارت «بیع وقف در صورتی که خراب شود» خرابی بالفعل است. خراب شدن باید به حدی باشد که انتفاع از موقوفه مقدر نگردد، عمران آن متعذر گردد و کسی نیز برای عمران آن حاضر نگردد. مانند فرش مسجدی

که به آن حد از فرسودگی رسیده باشد که تعمیر آن عبث به شمار آید (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، پیشین، ص ۲۴۸).

۸- هرگاه بنای مسجدی خراب گردد، عرصه آن از حالت مسجد بودن خارج نمی‌شود و قابل انتفاع برای نمازگزاردن می‌باشد. بنابراین مشمول ماده ۸۸ قانون مدنی نمی‌گردد (ر.ک: جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، صص ۲۴۹-۲۴۸).

۹- ماده ۳۴۹ قانون مدنی، موارد فروش موقوفه را تکمیل نموده است.

۱۰- اگر مال موقوفه بر اثر خرابی یا به جهت دیگر، از انتفاع قابل ملاحظه بیفتد، به طوری که عرفاً به علت ناچیز بودن انتفاع از باقی مانده، در برابر انتفاع از موقوفه در زمان عقد وقف، قابل انتفاع محسوب نشود (مانند رقبه مسجدی که به علت حوادث قهریه و آفات سماوی، دیگر امکان انتفاع در آن متصور نیست)، پرسش این است که آیا این نمونه نیز مشمول ماده ۸۸ قانون مدنی می‌باشد؟ در این نمونه نیز موقوفه عملاً خراب گردیده و امکان انتفاع از آن مقدور نیست و چنانچه کسی برای عمران آن حاضر نشود، به دستور ماده ۸۸ قابل فروش است. فقهاء این نمونه را به طور مستقل، از موارد فروش موقوفه دانسته‌اند (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، ص ۲۴۹).

۱۱- هرگاه بین موقوف‌علیهم اختلاف افتد و اختلاف به صورتی باشد که اگر موقوفه را نفروشد، منجر به خرابی آن گردد، در این صورت صریح ماده ۳۴۹ قانون مدنی فروش آن را روا شمرده است. هرگاه اختلافی بین موقوف‌علیهم نیفتد اما تغییر اوضاع و احوال به گونه‌ای باشد که اگر موقوفه به فروش نرسد، منتج به خرابی آن می‌گردد، در این صورت پرسش این است که آیا فروش مال موقوفه جایز است یا خیر؟ فقهاء فروش آن را تجویز می‌کنند و صرف وجود اختلاف منجر به خرابی موقوفه را مجوز فروش نمی‌دانند. بلکه اختلاف موقوف‌علیهم و

هر وضعیتی که منجر به خرابی موقوفه گردد مجوز فروش است (برای دیدن نظر اخیر ر.ک: جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، ص ۲۴۹).

۱۲- هرگاه بین موقوف‌علیهم تولید اختلاف شود، به گونه‌ای که بیم خونریزی در بین باشد، بند یک ماده ۳۴۹ قانون مدنی، فروش موقوفه را تجویز می‌کند. به نظر می‌رسد در این مورد، مقصود از خونریزی، ریزش خون خصوص موقوف‌علیهم است نه خون دیگران.

۱۳- موارد عدم امکان انتفاع از موقوفه که در نهایت به بیع موقوفه منتج می‌گردد، چند صورت دارد:

الف) قابلیت استفاده از عین موقوفه سلب شده باشد. خواه این که قابلیت استفاده را ندارد، (مانند منبری که برای مسجد وقف گردیده و شکسته و پوسیده شده است، به طوری که تعمیر آن امکان‌پذیر نیست) و خواه این که به هیچ وجه نمی‌توان از آن استفاده نمود (مانند ساختمانی که وقف مسجد گردیده اما چنان از هم پاشیده شده باشد که امکان انتفاع نداشته باشد، مگر این که پیبندی مجدد و تعمیر اساسی گردد).

ب) عایدات موقوفه چندان نقصان پذیرفته که در نظر عرف مسلوب المنفعه شناخته می‌شود.

ج) عایدات موقوفه در اثر خرابی، متناسب با وضعیت طبیعی آن نیست و در صورتی که موقوفه فروش رود، از قیمت آن می‌توان ملک دیگری خرید که عایدات آن متناسب باشد (امامی، سید حسن، پیشین، ص ۹۳).

۱۴- موارد فروش موقوفه در قانون مدنی بیش از این موارد نیست. اما فقهاء موارد ذیل را هم مجوز فروش موقوفه شمرده‌اند:

الف) زوال عنوان موقوفه: به عنوان مثال چنان چه شخصی باغی را که دارای درختان

میوه است وقف کند و آن‌گاه پس از گذشت پنجاه سال بر اثر توسعه شهر، باغ میوه در داخل شهر افتد و آب جاری باغات، صرف آشامیدن مردم شود و باغ‌ها بدون آب بمانند و مخروبه شوند و امید برگشت آن، به حال باغ میسر نباشد، در این صورت عنوان باغ از بین رفته است. برخی از فقهاء معتقدند که عرصه باغ، قابل فروش است، چه هدف واقف، وقف باغ بوده است و فعلاً باغی نمی‌تواند وجود داشته باشد. به نظر می‌رسد بتوان از ماده ۸۸ همین نظر را استخراج کرد. زیرا ظاهر ماده این است که موقوفه به گونه‌ای خراب شود که زیر عنوانی که مورد نظر واقف بوده است انتفاع با حفظ آن عنوان میسر نگردد. در این صورت می‌توان این فرض را هم ملحق به ضابطه مذکور در ماده ۸۸ کرد (برای دیدن نظر اخیر ر.ک: جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، پیشین، ص ۲۵۰).

ب) اگر تبدیل موقوفه به احسن، برای موقوف‌علیهم سودمندتر باشد، شیخ مفید این فرض را از موارد فروش موقوفه می‌داند. اکثر فقهاء این نظر را رد کرده‌اند و قانون مدنی نیز آن را نپذیرفته است.

ج) قاعده اضطرار: عده‌ای از فقهاء با دعوی اجماع، عقیده دارند که هرگاه موقوف‌علیهم را حاجت شدید به فروش موقوفه باشد، می‌توانند آن را بفروشند. این نظر نیز مورد قبول اکثر فقهاء قرار نگرفته و قانون‌گذار مدنی نیز از آن تبعیت ننموده است.

۱۵- در خصوص بیع موقوفه، تفاوتی میان وقف بر اولاد یا وقف بر عموم و مصالح عامه نیست. برخی بین موقوفات عامه و موقوف خاصه فرق نهاده‌اند، لیکن قانون مدنی آن را نپذیرفته است.

۱۶- در خصوص این که آیا پیدایش یکی از اسباب مجوز فروش موقوفه، باعث زوال عنوان وقف می‌گردد یا عنوان وقف، از تاریخی زایل می‌گردد که بیع محقق می‌شود، قانون مدنی ساکت است. اما در فقه سه نظر وجود دارد که سومین آن

این است که در پاره‌ای از موارد، با تحقق سبب فروش موقوفه، وقف زایل می‌گردد، ولو آن که هنوز بیع واقع نشده باشد.

مانند موردی که عنوان موقوفه زایل شده باشد، یا موقوفه عملاً خراب شده باشد، یا موقوفه نفع قابل ملاحظه‌ای نداشته باشد. اما در مواردی که بین موقوف علیهم، اختلاف افتاده و بیم خونریزی می‌رود دلیلی نیست که وصف موقوفه بودن، از مال موقوفه سلب گردد. پس در این مورد تا بیع واقع نشود، وقف نیز از بین نمی‌رود (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، ص ۲۵۲).

۱۷- چنانچه شخصی موقوفه را تلف کند یا به علت فروش موقوفه، مال دیگری با رعایت ماده ۹۰ قانون مدنی به جای آن فراهم گردد، همه احکام وقف بر بدل موقوفه جاری می‌شود. زیرا معنی قائم مقامی در اشیاء (که در فرهنگ حقوق ما به عنوان بدل خوانده می‌شود) چنین است.

برخی در این که احکام فروش موقوفه شامل بدل نیز می‌گردد تردید کرده‌اند، اما لازمه بدل بودن این است که بدل، عیناً احکام مبدل را دارد (ملاک ماده ۷۹۱ قانون مدنی) (برای مطالعه بیشتر رک: جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، ص ۲۵۲).

۱۸- هرگاه بعض موقوفه خراب یا مشرف به خرابی گردد (مانند خرابی رقبات و مغازه‌های مسجد) به گونه‌ای که انتفاع از آن ممکن نباشد، همان بعض فروخته می‌شود. در این صورت، موقوف علیهم می‌توانند آن را صرف صیانت و تعمیر باقی موقوفه کنند. مگر این که خرابی بعض، سبب سلب انتفاع قسمتی که باقی مانده است گردد که در این صورت تمام فروخته می‌شود.

● ماده ۸۹- هرگاه بعض موقوفه خراب یا مشرف به خرابی گردد، به طوری که انتفاع از آن ممکن نباشد همان بعض فروخته می‌شود، مگر این که خرابی بعض سبب سلب انتفاع قسمتی که باقی مانده است بشود در این صورت تمام فروخته می‌شود.

۱- اصل بر منع بیع وقف است. در صورت ضرورت، به همان قدر ضرورت بایستی

به قاعده «الضرورات تنقدر بقدرها» اکتفاء نمود، اما چنانچه فروش بعضی، سالب انتفاع از باقی باشد ضرورت، فراگیر تمام موقوفه می‌گردد (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، پیشین، ص ۷۵).

۲- در صورتی که بتوان با فروختن بعضی موقوفه، مابقی آن را تعمیر کرد، همان بعضی فروخته می‌شود و با استفاده از ثمن معامله، بقیه تعمیر می‌گردد. زیرا فروش بعضی و نگاهداری بقیه نزدیک‌تر به مقصود واقف است تا فروش تمام موقوفه و خرید ملک دیگر. مگر این‌که فروش بعضی ممکن نباشد و یا موجب ضرر گردد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: امامی، سید حسن، پیشین، ص ۹۴).

۳- فروش مال وقف، اعم از وقف عام یا خاص. به استثنای موارد مذکور در مواد ۸۸ و ۸۹ ق.م باطل است و اداره اوقاف به لحاظ وظایفی که در حفظ موقوفات دارد می‌تواند ابطال آن را بخواهد (نظریه ۷/۹۸۲۲- ۱۳۷۹/۹/۲۶ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۴- «موارد زیر از جمله اموری است که انجام آن‌ها موکول به اجازه سرپرست سازمان که مأذون از طرف ولی فقیه است خواهد بود:

۱- فروش رقبات موقوفه و نحوه تبدیل آن...» (ماده ۳۲ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰ هیأت وزیران).

۵- بیع و تبدیل موقوفه طبق مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مدنی با کسب موافقت کتبی سرپرست سازمان امکانپذیر خواهد بود و در صورتی که متولیان بر طبق مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مدنی، قصد بیع و تبدیل موقوفه را داشته باشند، کسب موافقت سرپرست سازمان ضروری می‌باشد (تبصره ماده ۴۳ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰ هیأت وزیران).

● ماده ۹۰- عین موقوفه در مورد جواز بیع به اقرب به غرض واقف تبدیل می‌شود.

۱- آن‌چه که مدنظر واقف بوده است، تحبیس اصل مال و تسبیل منفعت است و با فروش اصل مال، ناچار برخلاف نظر او عمل شده است. لذا باید با خرید چیزی که می‌تواند نظر واقف را تا حدودی تأمین نماید، آن را جبران کرد. بدین جهت باید از ثمن فروش موقوفه مالی خریده شود که تا حد امکان با غرض واقف موافق باشد. مثلاً اگر ملکی را برای مسجد وقف نماید تا عایدات آن به مصرف نمازگزاران مسجد برسد، در صورت فروش، می‌توان هر ملکی را در هر جایی خرید که عایدات آن به مصرف نمازگزاران مسجد رسد. زیرا هدف واقف در این مورد، به دست آوردن عایدات برای نمازگزاران مسجد است و خصوصیت خاصی در ملک و یا مکان مسجد، در نظر نگرفته است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: امامی، سیدحسن، پیشین، صص ۹۷، ۹۶). هم‌چنین چنان‌چه خرابی وسایلی که وقف مسجد می‌گردد، مانند منبر، کولر، بخاری و... در نهایت منتج به بیع آن‌ها گردد، ثمن حاصل از آن‌ها تا جایی که امکان‌پذیر است، بایستی جهت خرید همان ابزار و وسایل به کار رود.

۲- در تبدیل موقوفه، اخذ اجازه از سازمان اوقاف و امور خیریه لازم است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: نظریه ۷/۲۲۳۴ ۱۳۷۸/۶/۱ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۳- برخی از حقوق‌دانان معتقدند که با عنایت به عبارت «اقرب به غرض واقف» می‌توان این نظر را پذیرفت که چنان‌چه واقف تجویز کند که هرگاه منافع موقوفه کم گردد یا هزینه آن زیاد گردد، یا فروش آن برای موقوف‌علیهم سودمندتر باشد، یا موقوف‌علیهم را اضطرار به فروش دست دهد و امثال این‌ها... فروش موقوفه جایز است و حقوق موضوعه ایران نیز آن را پذیرفته است.

زیرا تمام تلاش قانون‌گذار در مبحث وقف، رعایت غرض واقف است و دلیلی نیست که چنین شرطی در موقوفه باطل باشد. علاوه بر این که اصل حاکمیت اراده قراردادهای این نظر را تأیید می‌کند، احادیث مربوطه نیز، دلالت بر این نظر دارد و در

فقه سایر فرق اسلامی نیز طرفدار فراوان دارد (برای دیدن نظر اخیر ر.ک: جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، پیشین، ص ۲۵۱).

۴- ثمن بیع وقف، در صورت جواز بیع باید در حساب مخصوصی در بانک تودیع و با جلب موافقت سرپرست سازمان و بر طبق ماده ۹۰ قانون مدنی رقبه دیگری به نام همان موقوفه خریداری که عواید آن بر نهج وقفنامه سابق به مصرف خواهد رسید (ماده ۴۳ آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰ هیأت وزیران).

۵- سهام اوراق بهاداری که از محل ثمن موقوفات خریداری شده، در حکم عین موقوفه است و قابل انتقال نیست، مگر در موارد تبدیل (ماده ۴۴ آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰ هیأت وزیران).

۶- در مواردی که ثمن بیع وقف تکافوی خرید رقبه مستقلاً را ننماید، سازمان می تواند با مشارکت چند موقوفه و نظر متولیان آنها رقبه واحدی خریداری و سهم هر موقوفه را به تناسب سرمایه آن تعیین نماید (ماده ۴۵ آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰ هیأت وزیران).

۷- چنان چه اقرب به غرض واقف، بیش از یکی باشد، بدون رجحان بعضی، باید به قرعه متوسل شد (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، پیشین، ص ۷۶).

۸- «از تاریخ تصویب این قانون کلیه موقوفات عام که بدون مجوز شرعی به فروش رسیده یا به صورتی به ملکیت درآمده باشد به وقفیت خود برمی گردد و اسناد مالکیت صادر شده باطل و از درجه اعتبار ساقط است» (ماده واحده قانون ابطال

اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۷۱/۱۱/۲۵).

● ماده ۹۱- در موارد ذیل منافع موقوفات عامه صرف بریات عمومی خواهد شد:

۱- در مواردی که منافع موقوفه مجهول‌المصرف باشد، مگر این که قدر متیقنی در بین باشد.

۲- در صورتی که صرف منافع موقوفه در مورد خاصی که واقف معین کرده است متعذر باشد.

۱- «مقصود از متعذرالمصرف آن است که صرف درآمد موقوفه در مصارف مقرر به علت فراهم نبودن وسایل یا انتفاء موضوع و یا عدم احتیاج به مصرف مقدور نباشد» (تبصره ماده ۸ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲).

۲- تبصره ماده ۸ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲، مدلول ماده ۹۱ قانون مدنی را به شرح ذیل تغییر داده است:

«درآمد موقوفات متعذرالمصرف و موقوفاتی که عواید آنها به سبب قلت گرچه با پس انداز چند سال برای اجرای نظر واقف کافی نباشد، با تشخیص تحقیق اوقاف در موارد اقرب به غرض واقف در محل به مصرف می‌رسد. آن قسمت از درآمد موقوفاتی که به علت کثرت عواید زاید بر مصرف متعارف باشد، حتی‌الامکان در موارد اقرب به نظر واقف صرف گردد و در صورت نبودن مورد اقرب در مطلق امور خیریه به مصرف خواهد رسید». مقصود از «مطلق امور خیریه» همان «بریات عمومی» است. ترتبی که در این تبصره در رابطه با صرف عواید متعذرالمصرف موجود است، در ماده ۹۱ قانون مدنی نیست. در واقع ماده ۹۱ تنها جزء اخیر این ترتب را ذکر کرده، حال آن که تبصره مذکور، مدلول ماده ۹۱ قانون مدنی را جزء اخیر خود کرده است. پس ماده ۹۱ به کلی منسوخ نشده است اما به کلی نیز به قوت خود باقی نمانده است (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، پیشین، ص ۷۸).

۳- از سوی دیگر با توجه به ماده ۸ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، بند اول ماده ۹۱ قانون مدنی منسوخ است. بنابر این با عنایت به مراتب مذکور، برای ماده ۹۱ قانون مدنی دیگر رمقی باقی نمانده و درج این ماده در مجموعه‌های قانون مدنی بدون این تحشیه، به کلی گمراه کننده است (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، ص ۷۵).

۴- برابر ماده (۶۱) قانون مدنی، عایدات موقوفه باید به همان مصرفی رسد که واقف در عقد مقرر داشته است و هیچ‌گونه تغییری نمی‌توان در آن لحاظ کرد و در صورتی که وقفیت ملکی محرز باشد و به جهتی از جهات معلوم نباشد که عایدات موقوفه باید به چه مصرفی برسد، چنان که وقف‌نامه مفقود شده باشد و یا قسمتی از وقف‌نامه که مصرف در آن نوشته شده به واسطه کهنگی و فرسودگی خواننده نشود، به طرق ذیل عمل می‌گردد:

الف) مستنبط از ملاک ماده (۹۱) قانون مدنی، چنانچه معلوم نباشد که موقوفه وقف خاص است یا عام، عایدات آن صرف بریات عمومی می‌شود. بنابر مستنبط از ملاک ماده (۹۱) قانون مدنی.

ب) در صورتی که موقوفه از موقوفات عامه است اما مصرف آن معلوم نیست، یعنی مجهول‌المصرف باشد، هرگاه قدر متیقنی در بین باشد، (برای مثال محقق باشد که ملک برای مسجد وقف شده اما مشخص نیست که منظور واقف کدام مسجد بوده است) در همان قدر متیقن مصرف می‌شود. یعنی صرفاً موقوفه برای مسجد اختصاص می‌یابد و به مصرف امور دیگر (مانند ساخت درمانگاه، مدرسه و...) نمی‌توان رساند. اما هرگاه قدر متیقن در بین نباشد، (مثلاً مشخص نباشد برای کدام یک از امور تبلیغات مذهبی، تعلیمات اسلامی و... باید موقوفه اختصاص یابد) دستور شق اول از ماده (۹۱) قانون مدنی صرف بریات عمومی خواهد شد. یعنی می‌توان تمامی عایدات موقوفه را در هر یک از امور خیریه مصرف نمود. هم‌چنان

که می‌توان بین آن‌ها تقسیم کرد. زیرا آن‌چه مسلم است، عایدات موقوفه باید در یکی از امور مذهبی و خیریه مصرف گردد و چون نمی‌توان دانست کدام یک از آن امور است در هر یک مصرف شود به غرض واقف نزدیک خواهد بود.

ج) در صورتی که صرف منافع موقوفه در مورد خاص که واقف معین کرده است متعذر باشد، چون دیگر عایدات موقوفه برای منظوری که واقف معین نموده متعذر است، به دستور شق دوم ماده (۹۱) قانون مدنی صرف بریات عمومی می‌گردد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: امامی، سید حسن، پیشین، صص ۱۰۰-۹۹). به عنوان نمونه، چنان‌چه واقف مغازه‌ای را وقف نموده باشد تا عایدات حاصل از آن صرف آموزش خواندن و نوشتن به نمازگزاران مسجد محل گردد، پس از بهره‌مند شدن تمامی اهالی محل از سوادآموزی، چون دیگر عایدات موقوفه برای منظوری که واقف مشخص نموده متعذر است، صرف بریات عمومی می‌گردد.

۵- در فقه، در خصوص موقوفه مجهول المصرف، در دو صورت ذیل، حکم جداگانه ذکر کرده‌اند:

الف) هرگاه وقف بر اشخاص باشد، در صورت معلوم نبودن مصرف وقف حکم مجهول المالک بر آن جاری است که باید منافع وقف، به نیازمندان داده شود.

ب) هرگاه وقف بر مصالح عامه باشد، در این صورت منافع وقف، صرف بریات عمومی (در اصطلاح فقها، وجوه بر) خواهد شد. اگرچه نویسندگان قانون مدنی تفاوتی میان این دو مورد نگذاشته‌اند (برای دیدن نظر اخیر ر.ک: جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، پیشین، ص ۲۵۴).

۶- فقهاء در مورد موقوفه متعذر المصرف بین دو صورت ذیل فرق نهاده‌اند:

الف) وقف بر جماعات: در این صورت هرگاه مصرف موقوفه متعذر گردد، یعنی جماعت مذکور منقرض شوند، نظر اقوی این است که موقوفه به ورثه واقف می‌رسد. نظر دیگر نیز این است که صرف بریات عمومی می‌شود. قانون مدنی

نظر اخیر را پذیرفته است.

ب) چنانچه وقف بر جهات باشد، مشهور در فقه این است که با تعذر مصرف، وقف به حال خود باقی می‌ماند و منافع آن صرف در بریات عمومیه خواهد شد. ماده ۹۱ قانون مدنی بین دو صورت تفاوتی قایل نگردیده است. اما عقیده دارد که بایستی صرف در بریات عمومیه گردد (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، ص ۲۵۵).

۷- قانون مدنی در ماده ۹۱ از موقوفات مجهول‌المصرف و متعذر‌المصرف سخن گفته است. اما قسم سومی نیز در فقه مورد بررسی قرار گرفته است و آن، موقوف‌های است که واقف در حین عقد وقف، مصرف آن را ذکر نکرده است. برخی از فقهاء عقیده بر بطلان و برخی دیگر عقیده بر صحت آن دارند و حکم ماده ۲۸ قانون مدنی را در آن جاری می‌دانند.

برخی از حقوق‌دانان نیز از آنجایی که عقد وقف را مبتنی بر تسامح می‌دانند، عدم ذکر مصرف را موجب بطلان عقد نمی‌دانند (برای دیدن نظر اخیر ر.ک: جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، ص ۲۵۵).

● ماده ۳۴۹- بیع مال وقف صحیح نیست مگر در موردی که بین موقوف‌علیهم تولید اختلاف شود به نحوی که بیم سَفْکِ دِمَاءِ رود یا منجر به خرابی مال موقوفه گردد و همچنین در مواردی که در مبحث راجع به وقف مقرر است. ۱- مقصود از سفک دماء، قتل نفس است، نه هر خون‌ریزی، خواه قتل نفس فوری باشد و یا جرح منتهی به آن (کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، پیشین، ص ۲۹۰).

۲- رهن‌گذاردن موقوفه نیز جایز نیست، زیرا وقف را در معرض زوال قرار می‌دهد و این اقدام با مفهوم حبس عین منافات دارد. وانگهی، مالی قابل رهن‌گذاردن است که قابلیت نقل و انتقال قانونی را داشته باشد (ر.ک: امامی، سید حسن، پیشین، ص ۸۹).

۳- پس از فروش موقوفه، وقف به اقرب به غرض واقف تبدیل می‌شود (ر.ک: ماده ۹۰ قانون مدنی).

۴- در این‌که آیا ثمن فروش موقوفه یا مالی که با آن خرید می‌شود، خود به خود وقف است یا بایستی وقف شود، اختلاف است و اقوی بر هم نخوردن نظام وقف در خصوص بدل آن است (ر.ک: کاتوزیان، ناصر، عقود معین، پیشین، شماره ۱۴۱ و ماده ۷۹۱ قانون مدنی). برخی از حقوق‌دانان نیز بر این عقیده هستند که مال خریداری شده را باید وقف نمود، زیرا موجبی ندارد که ملک به خودی خود وقف گردد. هم‌چنان که ثمن وقف نبوده است (برای دیدن نظر اخیر ر.ک: امامی، سید حسن، پیشین، ص ۹۷). بحث مزبور در موردی نیز جاری است که کسی مال وقف را تلف کند و یا سبب تلف آن شود و مالی به عنوان بدل بدهد، خواه مثل باشد یا قیمت.

۵- از جمله مواردی که اختلاف میان موقوف‌علیهم شایع است، تصمیم‌گیری در خصوص جواز فروش موقوفه است. البته هرگاه اختلاف موجب عداوت، اتلاف مال، زد و خورد و جرح‌های کوچک گردد، فروش آن جایز نمی‌باشد. زیرا این امور را عرفاً جرح‌های سفک دماء نمی‌گویند (امامی، سید حسن، همان، ص ۹۵).

۶- برخی از فقهاء مانند شیخ مفید، بیع موقوفه و خرید موقوفه دیگر را که عایدات بیشتری بدهد، اجازه داده‌اند. اما چون این امر برخلاف اصل وقف است و دلیل قوی ندارد، فقهای دیگر مخالفت نموده‌اند.

هم‌چنین بعضی از فقهاء فروش موقوفه را در صورت نیاز مبرم موقوف‌علیهم جایز دانسته‌اند، اما چون موقوفه برای موقوف‌علیهم ایجاد یک حق انحصاری نمی‌کند، فقهای دیگر با این امر نیز مخالفت کرده‌اند (ر.ک: امامی، سید حسن، همان، صص ۹۶-۹۵).

۷- اشکال تحلیلی و حقوقی در فروش مال موقوفه شده است. بدین ترتیب که

مبیع باید در حین عقد، طلق و رها بوده و قابلیت نقل و انتقال را داشته باشد و چون مال موقوفه در حال وقفیت، طلق نیست نمی‌تواند مبیع قرار گیرد! اشکال مزبور را به دو نحو پاسخ داده‌اند:

الف) با پیدایش سبب فروش، وقف باطل و موقوفه از وقفیت خارج می‌گردد و ملک طلق فروخته می‌شود.

ب) پیدایش سبب، موجب جواز بیع می‌گردد، اما ملک در وقفیت باقی است تا بیع محقق شود و با تحقق بیع، وقف زایل می‌گردد و لازم نیست که قبل از بیع، مبیع طلق باشد.

قول دوم به نظر قوی می‌رسد و جواز بیع بدون آن که محقق شود، نمی‌تواند موجب زوال وقفیت شود (برای دیدن نظری که پیدایش سبب فروش را موجبی برای بطلان وقف نمیداند، ر.ک: امامی، سید حسن، همان، ص ۹۶).

● ماده ۴۹۹- هرگاه متولی با ملاحظه صرفه وقف مال موقوفه را اجاره دهد، اجاره به فوت او باطل نمی‌گردد.

۱- متولی عهده دار اداره موقوفه است و آن‌گونه که صلاح وقف و موقوف‌علیهم است، در حدود اختیاری که واقف به او داده است، بایستی رفتار کند. حال چنانچه واقف تصریح به اجاره دادن موقوفه ننموده باشد (مانند اجاره رقبات مساجد) متولی خود می‌تواند عمل کند. هم‌چنین هرگاه واقف مدت معینی برای اجاره موقوفه قید ننموده باشد، متولی می‌تواند موقوفه را برای مدت بیش از معمول به اجاره واگذار کند.

اگرچه از عمر متولی یا موقوف‌علیهم تجاوز نماید و متولی لاحق نمی‌تواند آن را بر هم زند. زیرا فرض بر این است که متولی سابق مصلحت موقوفه را در نظر گرفته است.

مگر این که ثابت گردد صلاح موقوفه یا موقوف‌علیهم در قرارداد اجاره لحاظ نگردیده است که در این صورت می‌تواند بطلان آن را اعلام دارد و برای اثبات آن در صورت عدم تسلیم به مراجع صالح قضایی رجوع نماید (امامی، سید حسن، پیشین، صص ۹۲-۹۱).

۲- در مورد موقوفاتی که عرصه و اعیاناً وقف است (عرصه و اعیان مسجد، رقبه موقوفه است)، اعطای حق تملک اعیان به مستأجر ممنوع می‌باشد. در بعضی موارد استثنایی تملک اعیان مستحدثه به وسیله مستأجر با تصویب سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه مجاز است (ر.ک: ماده ۱۲ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰ هیأت وزیران).

۳- هرگونه واگذاری سرقفلی و یا حق تملک اعیانی و تبدیل به احسن و یا اجاره بیش از سه سال و یا تفکیک و یا تغییر کاربری و دیگر مصادیق موضوع ماده ۹ و ۳۲ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه، خارج از اختیارات امین و بدون کسب مجوز سازمان اوقاف ممنوع می‌باشد.
بدیهی است هرگونه ایجاد تعهد در موارد فوق بر فرض وقوع، بلااثر و مردود تلقی شده و آثار آن معطوف به شخص امین خواهد بود.

● ماده ۵۹۷- تقسیم ملک از وقف جایز است، ولی تقسیم مال موقوفه بین موقوف‌علیهم جایز نیست.

۱- هرگاه مالی مشترک بین وقف و ملک باشد، تقسیم ملک و جدا کردن آن از وقف، فاقد اشکال است. لیکن موقوف‌علیهم نمی‌تواند موقوفه را بین خود قسمت کند.

۲- دعوی افراز ملک باید بدو طبق قانون افراز و فروش ملک مشاع مصوب ۱۳۵۷ در واحد ثبتی محل ملک غیر منقول مطرح و چنانچه طبق تصمیم واحد ثبتی مذکور و قطعیت آن، ملک غیر قابل تقسیم باشد متقاضی می‌تواند از دادگاه تقاضای دستور فروش بنماید. صرف ادعای این که ملک غیر قابل افراز است برای دادگاه می‌تواند مستند دستور فروش باشد (نظریه ۷/۸۶۳۲- ۱۳۷۶/۱/۲۱ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۳- فقهای امامیه بر دو دسته‌اند. قول مشهور آن است که مطلقاً تفکیک و تقسیم

وقف از وقف جایز است و صاحب حدائق معتقد می‌باشد که هرگاه موقوف‌های به وسیله دو واقف یا بیشتر برای موقوف‌علیهم مختلفی وقف شده باشد، تقسیم آن مانعی ندارد.

محقق قمی بر آن است که هرگاه وقف و موقوف‌علیهم متعدد باشند نیز می‌توان آن را تقسیم نمود. چنان که مالک ملکی، دو دانگ را وقف بر اولاد و چهار دانگ را وقف بر عمران مسجد نموده باشد، تفکیک دو دانگ از چهار دانگ مانعی ندارد. با توجه به مقررات مربوط به وقف، در هر مورد که تقسیم وقف به نفع موقوفه و برخلاف منظور از وقف نباشد، تقسیم مانعی نخواهد داشت. ماده (۵۹۷) قانون مدنی، منصرف از تعدد وقف می‌باشد و ناظر به مال موقوفه‌ای است که واقف و وقف و موقوف‌علیهم متحد باشند (برای مطالعه بیشتر ر.ک: امامی، سید حسن، پیشین، ص ۹۸).

۴- مشاع بودن ملک و موقوفه از موارد شایع نسبت به مساجد و رقبات آن است که دانستن قواعد مربوط به تقسیم و تفکیک ملک از وقف ضروری است. برای مثال چنانچه دو دانگ مشاع خانه‌ای وقف و چهار دانگ دیگر آن ملک باشد و متولی صلاح موقوفه را در افزاز بداند، می‌تواند تقسیم آن را بخواهد و هم‌چنین در صورتی مالک چهار دانگ مشاع، افزاز سهم خود را از وقف بخواهد، می‌تواند درخواست تقسیم آن را بنماید. زیرا وقف بودن قسمتی از مال به طور مشاع، نمی‌تواند موجب عدم جواز تقسیم گردد. بنابر این وقف از ملک مطابق مقررات مربوط به تقسیم اموال مشترک، افزاز خواهد شد و تقسیم باید طوری به عمل آید که برای تعدیل سهام، احتیاج به دادن پول و یا مال دیگری به موقوفه پیدا نشود، زیرا آن مقداری از موقوفه که در مقابل رد قرار می‌گیرد، انتقال موقوفه است و انتقال مزبور موجب قانونی ندارد. هم‌چنین در صورتی که نتوان ملک را از وقف بدون دادن رد تقسیم کرد و بقاء بر اشاعه نیز موجب ضرر باشد، به دستور ماده (۵۸۹) قانون مدنی، نمی‌توان از تقسیم جلوگیری کرد.

۵- «در صورتی که دو نفر در ملکی مشاعاً شریک باشند و یکی از آن دو سهم خود را به شخص ثالثی بفروشد و خریدار آن را وقف نماید، شریک دیگر می‌تواند به دستور ماده (۸۰۸) قانون مدنی اخذ به شفعه نماید. یعنی با پرداخت ثمن، موقوفه را تملک کند و وقف مانع از این امر نخواهد بود، زیرا حق شفیع به وسیله عقد بیع به مورد معامله قبل از وقف تعلق گرفته است و عقد وقف موخر می‌تواند موجب زوال حق ثابت گردد. بنابراین پس از اخذ به شفعه وقف باطل می‌شود. مطابق ماده (۸۱۶) قانون مدنی، اخذ به شفعه هر معامله‌ای را که مشتری قبل از آن و بعد از عقد بیع نسبت به مورد شفعه نموده باشد باطل می‌نماید. در صورتی که قسمتی از مال غیر منقول، وقف باشد و قسمت دیگر آن ملک و مالک سهم خود را بفروشد، متولی و یا موقوف‌علیهم نمی‌توانند نسبت به مورد معامله اخذ به شفعه نمایند (ماده ۸۱۱ قانون مدنی). زیرا برقراری حق شفعه برخلاف اصل مالکیت است و از نظر حمایت مالک از ضرر شرکت می‌باشد و بدین جهت حق شفعه فقط در مورد دو شریک مقرر شده است و در مورد وقف عموماً موقوف‌علیه بیش از یک نفر می‌باشد و دیگر آن که وقف، از شرکت با ملک متضرر نمی‌شود، زیرا اختیارات مالک مطلق است و اختیارات متولی در اداره امور موقوفه محدود به مندرجات وقف‌نامه می‌باشد و هر زمان مالک می‌تواند برای اصلاح امور موقوفه آن‌گونه که منظور متولی است اقدام نماید، به خلاف متولی که می‌تواند منظور مالک شریک را در اصلاح و نگهداری تأمین کند، این است که موقوفه از شرکت با ملک متضرر نمی‌شود.

در حقوق امامیه بنا بر مشهور، حق شفعه برای متولی و موقوف‌علیه نمی‌باشد، ولی بنا بر قول غیر مشهور در صورتی که موقوف‌علیه یک نفر باشد، می‌تواند با جمع بودن شرایط لازم اخذ به شفعه بنماید» (امامی، سید حسن، پیشین، صص ۹۹-۹۸).

از قانون ثبت اسناد و املاک

« مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶ کمیسیون مجلس با اصلاحات و الحاقات بعدی

● ماده ۲۷- کسانی که در مورد املاک وقف و حبس و ثلث باقی باید تقاضای ثبت بدهند و همچنین کسانی که نسبت به ثبت این قبیل املاک باید عرض حال اعتراض داده و حقوق وقف و حبس و ثلث باقی را حفظ کنند، به موجب نظام نامه وزارت عدلیه معین خواهد شد.

۱- یکی از دفاتر هر اداره یا دایره ثبت اسناد و املاک، لزوماً دفتر ثبت موقوفات خواهد بود (ر.ک: ماده ۱ اصلاحی سال ۱۳۲۳ آیین نامه ثبت اسناد و املاک).

۲- متولیان موقوفه می بایست در ظرف مدت ۳۰ روز مقرر در ماده ۲۵ آیین نامه ثبت اسناد و املاک، اقدام به درخواست ثبت کنند. چنانچه متولیان در انجام این امر کوتاهی نمایند، نماینده اوقاف محل درخواست ثبت خواهد کرد (ر.ک: ماده ۳۲ آیین نامه ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶ با اصلاحات بعدی).

۳- در خصوص موقوفاتی که فاقد متولی خاص است، نماینده اوقاف محل مستقیماً درخواست ثبت می‌کند.

۴- اعتراض نسبت به حفظ منافع موقوفه در خصوص موقوفاتی که متولی خاص ندارد، با اداره اوقاف و در خصوص موقوفات عام‌المنفعه که متولی خاص دارد، به عهده متولی یا ناظر یا اداره اوقاف است (ر.ک: ماده ۸۸ آیین‌نامه ثبت اسناد و املاک).

۵- اگر چه آرای دادگاه‌های بدوی که به علت عدم درخواست تجدیدنظر قطعیت یافته‌اند، قابل فرجام‌خواهی نمی‌باشند، اما در پاره‌ای از موارد قانون‌گذار استثنائاتی را قایل شده است که از جمله می‌توان به احکام صادره از دادگاه‌های بدوی راجع به وقف، ثلث، حبس و تولیت اشاره کرد که هم‌چنان امکان شکایت نسبت به آن‌ها در دیوان عالی کشور وجود دارد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: ماده ۳۶۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹).

۶- اگر چه آرای دادگاه‌های تجدیدنظر استان قابل فرجام‌خواهی نیست، اما قانون‌گذار در برخی دعاوی از جمله وقف، انعطاف نشان داده و لذا امکان فرجام‌خواهی از احکام صادره از دادگاه تجدیدنظر استان در خصوص وقف به دیوان عالی کشور وجود دارد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: ماده ۳۶۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹).

۷- مقصود از وزارت عدلیه، وزارت دادگستری فعلی است.

● ماده ۲۸- هرگاه نسبت به این قبیل املاک به عنوان مالکیت تقاضای ثبت شده و متولی یا نماینده اوقافی که به موجب نظام‌نامه مکلف به دادن عرض حال اعتراض و تعقیب دعوی و حفظ حقوق وقف یا حبس یا ثلث باقی است در اثر تبانی به تکلیف خود عمل ننماید، به مجازات خیانت در امانت محکوم خواهد

شد. در مواردی نیز که تقاضای ثبت ملک دیگری بدون ذکر حقوق ارتفاقی املاک وقف و حبس و ثلث باقی شده است، هرگاه اشخاص مذکور در فوق در اثر تبانی به تکلیف خود عمل ننمایند به مجازات خائنین در امانت محکوم می‌شوند.

۱- هر کس از سفید مهر یا سفید امضایی که به او سپرده شده است یا به هر طریق به دست آورده سوء استفاده نماید به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد (ماده ۶۷۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۲).

۲- هرگاه اموال منقول یا غیرمنقول یا نوشته‌هایی از قبیل سفته و چک و قبض و نظایر آن به عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هر کار با اجرت یا بی‌اجرت به کسی داده شده و بنابراین بوده است که اشیاء مذکور مسترد شود یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آن‌ها را به ضرر مالکین یا متصرفین آن‌ها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد (ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۲).

● ماده ۲۹- مخارج راجع به ثبت املاک مذکور در فوق در صورتی که ملک مورد تقاضا عایدات نداشته و برای امور خیریه تخصیص داده شده باشد و همچنین مخارج محاکمه اعتراض، از محل مبرات مطلقه و موقوفات مجهول‌المصرف داده می‌شود و در صورت عدم کفایت این عایدات مخارج گرفته نخواهد شد.

سازمان اوقاف و امور خیریه، موقوفات عام، بقاع متبرکه، اماکن مذهبی اسلامی، مدارس علوم دینی و مؤسسات و بنیادهای خیریه، از پرداخت مخارج و هزینه‌های دادرسی و ثبتی و اجرایی معاف می‌باشند.

● ماده ۳۰- در مواردی که اداره اوقاف تقاضای ثبت می‌دهد مخارج راجع به ثبت را خود مستقیماً از عایدات موقوفه مورد تقاضا وصول خواهد نمود. برای ثبت مساجد و اماکن متبرکه و مدارس قدیمه و تکایا و آب‌انبارهای عمومی، تقاضای ثبت از طرف متولی یا اداره اوقاف بدون اخذ حق‌الثبت و مخارج مقدماتی پذیرفته

خواهد شد.

۱- هر نوع انتقال بلاعوض و وقف و حبس و وصیت که به نفع مؤسسات مذهبی و خیریه و سازمان‌های فرهنگی و بهداشتی مصرح در مواد مربوط به معافیت قانون مالیات‌های مستقیم صورت گیرد از پرداخت حق ثبت معاف خواهد بود (برای مطالعه بیشتر ر.ک: ماده ۵۱ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۵).

۲- موقوفات بنیاد علوی (خاندان پهلوی سابق) نیز از پرداخت کلیه هزینه‌های ثبتی معاف است.

۳- بدون صدور حکم نهایی دادگاه بر وقفیت، اداره ثبت مجوزی برای ابطال ثبت و سند مالکیت یک ملک را ندارد. دعوی وقفیت باید به طرف مالک اقامه شود و اگر ارث بلاوارث است علیه مدیر ترکه اقامه گردد (نظریه مشورتی ۷/۶۰۳۴-۱۳۷۷/۱۲/۳- اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۴- مساجد با گواهی سازمان اوقاف و امور خیریه، از پرداخت عوارض و حق مرغوبیت نیز معاف می‌باشند.

● ماده ۳۱- ثبت رقبه به عنوان وقفیت و حبس، مثبت تولیت نیست.

۱- علاوه بر این که در صورت صحت صلح ملک از پدر به فرزندان، متعاقباً پدر می‌تواند مورد صلح را وقف نماید در صورت فوت پدر، هر یک از وراثت به نسبت سهم خود حق دارد با تقدیم دادخواست بر علیه کسانی که بر خلاف ضوابط قانونی موفق به اخذ سند مالکیت بر اساس مقررات ماده ۱۴۷ اصلاحی قانون ثبت شده‌اند، تقاضای ابطال سند و خلع ید متصرف را بخواهد (نظریه مشورتی ۷/۶۱۸۱-۱۳۸۳/۸/۱۲- اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

- ماده ۱۴۷ (اصلاحی ۱۳۷۰/۶/۲۱) برای تعیین وضع ثبتی اعیان املاکی که اشخاص تا تاریخ ۱۳۷۰/۱/۱ بر روی زمین‌هایی ایجاد نموده‌اند که به واسطه مواعق قانونی، تنظیم سند رسمی برای آن‌ها میسر نبوده است... به شرح زیر تعیین تکلیف می‌شود.

۱- ...

- ۵- چنان‌چه بین اشخاص در تصرف اختلاف باشد... و همچنین در صورتی که ملک عرصه، اوقاف یا شهرداری باشد، موضوع به هیأت حل اختلاف موضوع ماده (۲) این قانون ارجاع می‌شود...

□ تبصره ۴- در صورتی که ساختمان کلاً یا جزئاً در اراضی موقوفه احداث شده باشد هیأت با موافقت متولی منصوص و اطلاع اداره اوقاف و رعایت مفاد وقف‌نامه و در صورتی که متولی نداشته باشد تنها با موافقت اداره اوقاف و بارعایت مفاد وقف‌نامه و مصلحت موقوف علیهم و با در نظر گرفتن جمیع جهات نسبت به تعیین اجرت زمین اقدام و در رأی صادره تکلیف اداره ثبت را نسبت به مورد برای صدور سند مالکیت کل یا جزء اعیان با قید اجرت زمین مقرر معین خواهد کرد.

از قانون اصلاح قانون ثبت احوال

« مصوب ۱۳۱۹/۲/۲۲ مجلس شورای ملی

- ماده ۱۳- هرگاه فوت در یکی از بنگاه‌های عمومی از قبیل بیمارستان و مسکین‌خانه و پرورشگاه و زندان و بازداشت‌گاه واقع شود اعلام نام‌برده به عهده رییس بنگاه است و اگر فوت در یکی از اماکن عمومی از قبیل گاراژ و گرمابه و مسجد و مهمانخانه و غیره واقع شود به عهده مدیر یا متصدی آن مکان است.

از قانون سازمان عمرانی کشور و ازدیاد سهم کشاورزان

« مصوب ۱۳۳۴/۵/۵ کمیسیون مشترک مجلسین

- ماده هفتم - امور عمرانی و اجتماعی هر قریه به قرار ذیل است:
تهیه آب مشروب سالم به وسیله ساختمان آب انبار یا حوض تصفیه یا لوله کشی
از دهانه قنات یا کندن پاکنه یا نصب تلمبه حفر قنات و غیره و ساختمان و
مرمت و نگهداری مساجد حمام غسل خانه رختشوی خانه پل کمک به دفع
دسته جمعی آفات حیوانی و نباتی که زراعت قریه را مورد تهدید قرار دهند و ...

از قانون اصلاحات ارضی

« مصوب ۱۳۴۰/۱۰/۱۹ هیأت وزیران (دوره فترت)

- ماده بیست و پنجم - اعیان‌های زراعتی احداثی از طرف زارع متعلق به اوست و حق دارد به نام خود به ثبت رسانیده و سند مالکیت بگیرد، ولی احداث اعیانی‌های جدید موکول به جلب رضایت کتبی از طرف مالک خواهد بود.
- تبصره - در دهاتی که مشمول مقررات انتقال و تقسیم نیستند، در صورتی که اکثریت زارعین آن دهات بخواهند خانه‌های جدیدی بسازند، مالک موظف است تا پانصد متر برای هر زارع به منظور ساختن خانه و انبار و محل نگاه‌داری دام و هم‌چنین اراضی کافی برای ساختمان مسجد حمام مدرسه و امثال آن‌ها در محوطه مناسب به تشخیص اداره کشاورزی محل منظور و مجاناً در اختیار زارعین داوطلب بگذارد و این قبیل زارعین موظفند در اراضی واگذاری با رعایت اصول بهداشت و بر طبق نقشه که از طرف وزارت کشاورزی در اختیار آنان گذارده می‌شود، ساختمان‌های مناسب را حداکثر یک سال پس از تحویل زمین بسازند و الا اراضی واگذاری عیناً به مالک مسترد خواهد شد.

از قانون تشکیل خانه اصناف

« مصوب ۱۳۴۴/۲/۱۸ مجلس شورای ملی

- ماده ۲۱- جلسات خانه انصاف در یکی از امکنه عمومی ده مانند مسجد یا مدرسه یا تکیه یا محل دیگری که رییس خانه انصاف مقتضی تشخیص دهد در موقع لزوم تشکیل خواهد یافت.

از قانون نوسازی و عمران شهری

« مصوب ۱۳۴۷/۹/۷ مجلس شورای ملی با اصلاحات و الحاقات بعدی ماده

- ماده ۲۶- مساجد و اماکن مقدسه اسلامی و معابد اقلیت‌های مذهبی (مسیحی - زرتشتی - کلیمی) و مدارس قدیمه طلاب علوم دینی به گواهی سازمان اوقاف از پرداخت عوارض و حق مرغوبیت و اراضی و ساختمان‌های متعلق به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و تأسیسات سازمان تربیت بدنی و پیشاهنگی ایران و کتابخانه‌های عمومی شهر و همچنین آن قسمت از اراضی و املاک شرکت‌ها و مؤسسات آب و برق و گاز و تلفن متعلق به دولت که برای فعالیت‌های مربوط به آب و برق و گاز و تلفن مورد استفاده می‌باشد از پرداخت عوارض موضوع این قانون معاف خواهند بود.

۱- عوارض نوسازی یکی از درآمدهای پایدار شهرداری‌ها به‌شمار می‌رود که می‌تواند سهم مهمی در تأمین منابع درآمدی آن‌ها داشته باشد. در واقع عوارض نوسازی، نوعی مالیات بر دارایی است که شهروندان بر اساس ارزش دارایی خود (زمین و ساختمان) پرداخت می‌کنند (سعیدی رضوانی، نوید، تأملی بر «فرهنگ‌سازی»

برای پرداخت عوارض نوسازی، دومین همایش مالیه شهرداری، مشکلات و راه کارها، ۱۳۸۸). در تعریفی دیگر، از عوارض نوسازی به عنوان منبعی جهت تأمین درآمد، به منظور جبران هزینه‌های خدمات مستمر، نگهداری و اداره تأسیسات و تجهیزات شهری و دریافت عوارض سالانه از ساختمان‌ها و زمینهای واقع در محدوده و حریم شهر بر اساس درصدی از قیمت آن‌ها یاد شده است که در ایران به نام «عوارض نوسازی» معروف است (جمشیدزاده، ابراهیم، جایگاه عوارض نوسازی در تأمین مالی شهرداری‌ها، اولین همایش مالیه شهرداری، مشکلات و راه کارها، ۱۳۸۷).

۲- عوارض نوسازی به استناد قانون نوسازی و عمران شهر مصوب سال ۱۳۴۷ مجلس شورای ملی وقت محاسبه و اخذ می‌گردد.

۳- حق مرغوبیت مانند آن که مسجدی در انتهای کوچه‌ای بن بست قرار داشته باشد و ناگاه به موجب اجرای طرح‌های مربوط به توسعه و تعریض معابر، مشرف به خیابانی عریض شده و ارزش آن چندین برابر گردد.

پرسش این است که آیا سهمی از این افزایش قیمت متعلق به مجری طرح یعنی شهرداری است یا خیر؟ اگر چه به موجب قانون لغو حق مرغوبیت در سال ۱۳۶۰، بر وجوب حق مرغوبیت مهر باطل زده شد اما وزارت کشور پس از کسب تکلیف از محضر رهبر انقلاب، طی نامه شماره ۱۰۸۵/۱/۳۴ مورخ ۱۳۶۹/۱/۲۹ و با اتخاذ عنوان دیگری به نام «حق عوارض تشرف» تلاش نمود تا خلأ عدم وجود این حق را پر نماید (تعرفه عوارض حق تشرف در سال ۱۳۶۹ توسط وزارت کشور تهیه و پس از تأیید رییس جمهور وقت، جهت اجراء به شهرداری‌ها ابلاغ گردید). (برای مطالعه بیشتر بنگرید به: کامیار، غلام‌رضا، حق مرغوبیت، نشریه کانون، سال چهل و سوم، دوره جدید، شماره ۱۲، اردیبهشت و خرداد ۱۳۷۸، صص ۷۸-۵۹).

۴- در خصوص شمول معافیت مندرج در ماده (۲۶) قانون نوسازی و عمران شهری به مجتمع آموزشی مهدیه حوزه علمیه قم، مجلس شورای اسلامی در تاریخ

۱۳۷۹/۱/۱۶ نظر داد که مفاد ماده مذکور، شامل مجتمع‌های آموزشی، علمی، تحقیقاتی، مسکونی و خدماتی مهدیه حوزه علمیه قم نیز که به طور رایگان در اختیار طلاب است می‌گردد (ر.ک: قانون استفساریه ماده ۲۶ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۶ مجلس شورای اسلامی).

۵- با توجه به ماده واحده قانون لغو ماده ۹۰ قانون محاسبات عمومی مصوب بهمن ماه ۱۳۶۳، سازمان اوقاف در حدود ماده ۲۶ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷، فقط از پرداخت عوارض نوسازی به شهرداری در مورد مساجد و اماکن مقدسه اسلامی و معابد اقلیت‌های مذهبی و مدارس قدیمیه طلاب علوم دینی معاف است نه از پرداخت عوارض به طور کلی (نظریه مشورتی ۷/۵۶۰۴-۱۳۶۴/۱۱/۱۲ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۶- ماده واحده قانون لغو ماده ۹۰ قانون محاسبات عمومی اشعار می‌دارد: «از تاریخ اول فروردین ماده سال ۱۳۶۴، ماده ۹۰ قانون محاسبات عمومی لغو و کلیه وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی و بنیادها موظفند هر نوع عوارض متعلقه را به شهرداری‌ها پرداخت نمایند» (مصوب ۱۳۶۳/۱۱/۹ مجلس شورای اسلامی).

۷- با این وجود در خصوص اعتبار موضوع ماده ۲۶ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷، با عنایت به تبصره (۳) ماده (۵) قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه مصوب ۱۳۸۱ اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند با توجه به تبصره (۳) ماده (۵) قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه و... (مشهور به قانون تجمیع عوارض)، قوانین و مقررات مربوط به اعطای تخفیف یا معافیت از پرداخت عوارض یا وجوه به شهرداری‌ها و نیز مطابق ماده (۱۰) همین قانون، کلیه قوانین عام و خاص مغایر با این قانون لغو گردیده است. از این رو بر این عقیده هستند که از تاریخ لازم الاجرا شدن قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم

توسعه، ماده (۲۶) قانون نوسازی و عمران شهری برای معافیت از پرداخت عوارض شهرداری قابل استناد نمی‌باشد. با این حال، با توجه به اختلاف نظر دستگاه‌های اجرایی در مورد لغو یا لازم الاجرا بودن عوارض غیرمحلّی و به منظور تعیین تکلیف موضوع، در مرداد ماه سال ۱۳۸۵، لایحه استفساریه مواد (۱ و ۵) قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و... جهت صدور نظریه تفسیری، تقدیم مجلس شورای اسلامی گردید.

۸- مساجد و اماکن موقوفه مذهبی اسلامی از قبیل: حسینیه، مهدیه، فاطمیه، رضویه و موقوفات و مستغلات داخل این اماکن تا ده درصد (۱۰٪) مساحت زیر بنا و تا حداکثر دویست (۲۰۰) متر مربع و املاک و مستغلات موقوفه وابسته (خارج) آن‌ها جمعاً تا مساحت دویست (۲۰۰) متر مربع از پرداخت عوارض ساختمانی و نوسازی مالکانه معاف می‌باشند. شهرداری تهران موظف است معادل عوارض مترتبه را محاسبه و در ردیف کمک به اشخاص حقیقی و حقوقی (مواد ۱۶ و ۱۷) مصوب بودجه سال ۱۳۸۳ شهرداری تهران منظور نماید. احراز موقوفه بودن موارد فوق، منوط به گواهی و تأیید سازمان اوقاف و امور خیریه است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: ماده واحده «مجوز چگونگی بخشودگی مساجد و اماکن مقدسه اسلامی و معابد اقلیت‌های مذهبی و مدارس طلاب علوم دینی از پرداخت عوارض ساختمانی مالکانه و نوسازی»، مصوب ۱۳۸۳/۷/۱۴ شورای اسلامی شهر تهران).

۹- شهرداری تهران در صورت تمایل می‌تواند نسبت به اعمال حمایت‌های مالی، پشتیبانی، خدماتی و تجهیزاتی به منظور بازسازی، نوسازی و بهینه‌سازی مساجد و نمازخانه‌های عمومی در شهر تهران و تمهید زمینه‌های لازم با رعایت اصل توزیع عادلانه در مقیاس‌های جغرافیایی مختلف اقدام ورزد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: مصوبه «چگونگی مشارکت شهرداری تهران در سامان‌دهی وضعیت مساجد در تهران»، مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۱ شورای اسلامی شهر تهران).

۱۰- شهرداری تهران مکلف است نسبت به لغو عوارض ساختمان و نوسازی مالکانه از بخش عمومی و غیر دولتی جهت احداث، توسعه و یا نوسازی مساجد و نمازخانه‌های عمومی بر اساس ضوابط و مقررات موضوعه اقدام نماید (برای مطالعه بیشتر ر.ک: همان).

۱۱- ماده (۱۸) قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۷۴ به حق مرغوبیت اختصاص دارد و ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی این ماده مصوب ۱۳۴۸/۷/۲۲ اشعار می‌دارد:

«به کلیه اراضی و املاکی که بر اثر اجرای طرح‌های نوسازی و احداث و اصلاح و توسعه معابر در برگذر احداثی یا اصلاحی واقع می‌شوند به نسبت بر تا ۲۵ متر عمق از برگذر حق مرغوبیت تعلق می‌گیرد».

۱۲- هیأت عمومی دیوان عدالت اداری طی رأی وحدت رویه شماره ۱۸۸ مورخ ۱۳۷۴/۱۱/۷ حق تشرف را قانونی اعلام نمود.

۱۳- در صورتی که تعهدات پیش فروشنده در خصوص خدمات عمومی موضوع قانون پیش فروش ساختمان مصوب ۱۳۸۹ ایفاء نگردد، به عنوان مثال در قرارداد پیش فروش ساختمانی تصریح به ساخت مسجدی گردد، لکن از انجام آن امتناع شود، پیش فروشنده به میزان یک در هزار بهای روز تعهدات انجام نشده به میزان قدرالسهم پیش خریدار، جریمه تأخیر به پیش خریدار می‌پردازد. مگر این که هر دو به مبالغ بیشتری با یکدیگر توافق نمایند.

۱۴- در صورتی که درآمد یک‌ساله موقوفه یا اماکن مذهبی اسلامی برای تعمیر و یا نوسازی آن کافی نباشد، درآمد دو یا چند سال در حساب مخصوصی ذخیره و به موقع به مصرف خواهد رسید.

۱۵- وزارت راه و شهرسازی و نهادهای واگذار کننده زمین موظفند تمهیداتی را فراهم آورند تا آماده‌سازی اراضی واگذاری از جمله احداث مساجد در کوتاه‌ترین زمان ممکن انجام گیرد. اراضی مربوطه مطابق با ماده (۱۰۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ به دستگاه‌های مربوط واگذار خواهد شد.

از قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران

« مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۵ مجلس شورای ملی

- ماده ۵۱- ... هر نوع انتقال بلاعوض و وقف و حبس و وصیت که به نفع مؤسسات مذهبی و خیریه و سازمان‌های فرهنگی و بهداشتی مصرح در مواد مربوط به معافیت قانون مالیات‌های مستقیم صورت گیرد از پرداخت حق ثبت معاف خواهد بود...

لایحه قانونی تجدید قرارداد و اجاره املاک و اموال موقوفه و تجدید انتخاب متولیان و اماناء و نظار اماکن متبرکه مذهبی و مساجد

« مصوب ۱۳۵۸/۲/۴ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران

- ماده ۱- به منظور جلوگیری از هر گونه تضییع حق، در موقوفات کشور و تنظیم اسناد و قرارداد اجاره و تعیین اجاره‌بهای عادلانه املاک استیجاری و متصرفی موقوفه از این تاریخ کلیه اسناد و قراردادها (اعم از عادی و رسمی) منعقد بین اوقاف و مستأجرین در موقوفات عامه نظیر املاک مزروعی و باغات و اراضی و مستغلات و مستحذات شهری و روستایی فسخ و به این قبیل مستأجرین و سایر اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی که به هر نحوی از انحاء در حال حاضر املاک موقوفه را متصرف می‌باشند اخطار می‌شود که در ظرف ۳ ماه از تاریخ تصویب این لایحه جهت روشن نمودن وضع املاک استیجاری و متصرفی خود و تأدیه اجاره‌بهای گذشته و تنظیم اسناد جدید اجاره به نرخ عادلانه روز به اداره اوقاف محل وقوع ملک مراجعه نمایند. در صورت عدم مراجعه و انقضای مهلت مقرر اداره اوقاف از ادامه استفاده و تصرفات غیر قانونی آن‌ها جلوگیری و با خلع ید

از مستأجر یا متصرف با رعایت صرف موقوفه آن را به اشخاص متقاضی واگذار خواهد نمود و کلیه مطالبات موقوفه را نیز از مستأجر یا متصرف قبلی و یا از محل فروش و واگذاری اعیانی متعلق به آن‌ها دریافت می‌دارد.

□ تبصره - ترتیب تنظیم اجاره‌نامه و میزان اجاره‌بهای عادلانه روز بر اساس آیین‌نامه‌های خواهد بود که ظرف ۱۵ روز از تاریخ تصویب این قانون از طرف سازمان اوقاف تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

۱- دعوی وقفیت می‌بایست به طرفیت مالک اقامه گردد و چنانچه ارث بلاوارث باشد، دعوی علیه مدیر ترکه اقامه شود (برای مطالعه بیشتر ر.ک: نظریه مشورتی ۳۴۰۶۰۷/۱۲/۳-۱۳۷۷ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۲- تا زمانی که رأی نهایی دادگاه مبنی بر وقفیت ملکی صادر نگردد، اداره ثبت مجوزی برای ابطال سند مالکیت قبلی و صدور سند مالکیت جدید به نام سازمان اوقاف و امور خیریه ندارد.

۳- در مورد مال الاجاره رقبات موقوفه که شخص با وصف عنوان متصدی مأذون از طرف اوقاف محل منافع آن‌ها را در مدت مقرر در اجاره‌نامه با شرایط خاصی به مستأجر واگذار می‌نماید، تعهد مستأجر به پرداخت مال الاجاره به موجد از این لحاظ که مشارالیه در هنگام وقوع عقد اجاره سمت تصدی و نمایندگی موقوفه را داشته، در صورتی که دیگری ادله کافی ابراز نماید که او به سمت تولیت تعیین گردیده، متصدی جدید از تاریخی که متولی شناخته شده و تولیت او از طرف اوقاف محل به مستأجر اعلام گردیده، محق در مطالبه مال الاجاره خواهد بود (برای مطالعه بیشتر رجوع کنید: رأی اصراری دیوان عالی کشور به شماره ۳۵۷۵-۱۲/۲۶-۱۳۴۲).

۴- با عنایت به نص ماده یک لایحه قانونی تجدید قرارداد و اجاره املاک و اموال موقوفه و تجدید انتخاب متولیان و امناء و نظار اماکن متبرکه مذهبی و مساجد

مصوب ۱۳۸۲/۲/۲۵ که بر لزوم اخطار از سوی سازمان اوقاف به متصرفین املاک موقوفه تصریح شده است، سازمان اوقاف وقتی مجاز به درخواست خلع ید از ملک می‌باشد که نسبت به تکلیف قانونی مذکور مبنی بر صدور اخطاریه اقدام نموده باشد (نظریه مشورتی ۷/۶۰۹۷-۱۳۸۲/۷/۱۷ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۵- در دعوای سازمان اوقاف و امور خیریه علیه مستأجر با موضوع تخلیه بنای احدائی توسط مستأجر، چنان‌چه مورد از شمول ضوابط مربوط به لایحه قانونی تجدید قرارداد و اجاره و اموال موقوفه مصوب ۱۳۵۸/۲/۲۵ خارج باشد، روابط طرفین تابع قرارداد تنظیمی می‌باشد. لذا اگر مستأجر مطابق قرارداد فیما بین احداث بنا نموده و تخلفی نیز از مفاد قرارداد اجاره نکرده باشد، پذیرش دعوی خلع ید یا تخلیه توجیه قانونی ندارد.

۶- با توجه به ماده یک لایحه قانونی تجدید قرارداد و اجاره املاک و اموال موقوفه و تجدید انتخاب متولیان و امناء و نظار اماکن متبرکه مذهبی و مساجد مصوب ۵۸/۲/۲۵ که به موجب آن کلیه اجاره‌نامه‌های رسمی و عادی منعقد بین اوقاف و مستأجرین در موقوفات عامه نظیر املاک مزروعی و باغات و اراضی و مستغلات و مستحذات شهری و روستایی فسخ شده و ترتیب تنظیم اجاره‌نامه و میزان اجاره‌بهای عادلانه روز به کیفیت مقرر در آیین‌نامه اجرایی مربوط موکول گردیده و با عنایت به اینکه هدف مقنن وضع قواعد و مقررات خاص درباره موقوفات استیجاری بوده است، مصوبات مورد اعتراض مغایر قانون شناخته نمی‌شود و چون بخشنامه شماره ۷۷۷۷ مورخ ۶۷/۱۱/۳۰ حسب نظریه مورخ ۱۳۷۲/۱۰/۲۲ فقهای محترم شورای نگهبان مخالف موازین احکام شرع شناخته نشده تقاضای ابطال آن‌ها مردود است (رای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، کلاسه پرونده ۷۱/۱۹۷، شماره دادنامه ۱۹۲/۷۲، مورخ ۹ بهمن ۱۳۷۲).

- ماده ۲- به منظور حسن اداره اماکن متبرکه مذهبی اسلامی کشور و مساجد از طریق انتخاب هیأت امنای جدید از اشخاص واجد صلاحیت که مراتب تقوی و امانت آنان مورد تأیید و قبول باشد و تجدید انتخاب متولیان و امناء و نظار که از طرف سازمان اوقاف منصوب خواهند شد از این تاریخ کلیه اعضاء امناء مذکور و متولیان و امناء و نظار مربوطه از سمت خود معزول و از هر گونه دخالت و تصرف در اموال اماکن مورد تصدی ممنوع می گردند و مکلفند تا انتخاب و تعیین متولیان و امناء و نظار جدید کلیه اموال و وجوه دریافتی و اسناد و مدارک موقوفه و اماکن مربوطه را به طور امانی حفظ و نگهداری نموده و به محض صدور ابلاغ و معرفی اعضای جدید عیناً طبق صورت جلسه با نظر اوقاف محل تحویل نمایند.
- تبصره- تجدید انتخاب و انتصاب متولیان و امناء و نظار قبلی بلامانع است و اداره امور موقوفه تا انتخاب اعضای جدید به عهده اداره اوقاف محل خواهد بود.

چنانچه از طرف مقام معظم رهبری برای اداره موقوفه های متولی معین و نصب شود، سازمان اوقاف و امور خیریه مجوزی برای دخالت و یا نظارت در مورد این گونه موقوفات نخواهند داشت (برای مطالعه بیشتر ر.ک: مجوز مقام معظم رهبری در مورد اجرای طرح توجیه ادارات اوقاف و امور خیریه در رابطه با متولیان موقوفات مورخ ۱۳۶۹/۸/۷).

- ماده ۳- سازمان اوقاف می تواند با کسب نظر مشورتی شورای امناء و نظار هر حوزه اوقافی از بین اشخاص علاقمند و ذیصلاح مذکور در فوق نسبت به تشکیل و تعیین هیأت امناء و انتخاب متولیان و نظار جهت کلیه اماکن متبرکه مذهبی اسلامی اقدام لازم را به عمل آورد. هیأت امناء این قبیل اماکن حداقل سه نفر و حداکثر پنج نفر خواهند بود که پس از انتخاب و صدور ابلاغ انجام وظیفه خواهند نمود. صدور ابلاغ و احکام مزبور نیازی به تصویب شورای عالی اوقاف نخواهد داشت.

□ تبصره ۱- در هر حوزه اوقافی که شورای مشورتی امناء و نظار تشکیل نشده باشد جلب نظر و تصویب شورای عالی اوقاف ضروری است.

□ تبصره ۲- در مورد تعیین هیأت امناء و انتخاب متولیان و نظار جهت مساجد، سازمان اوقاف لایحه دیگری تهیه و پس از تصویب هیأت وزیران به شورای انقلاب اسلامی تقدیم می نماید.

● ماده ۴- تصمیمات متخذه از طرف سازمان اوقاف نسبت به اجرای مفاد این لایحه قانونی قطعی و لازم الاجرا است.

۱- از آنجا که در قانون مصوب شورای انقلاب مورخ ۱۳۵۸/۲/۴، منظور، جلوگیری از هرگونه تضییع حق در موقوفات کل کشور می باشد، بنابراین عمومیت قانون شامل موقوفات آستان قدس رضوی نیز می گردد و مقام تولیت وظایف سازمان اوقاف را در املاک و اموال آستان قدس رضوی نیز انجام می دهد (ر.ک: تفسیر قانونی مجلس شورای اسلامی راجع به قانون تجدید قرارداد و اجاره املاک و اموال موقوفه و تجدید انتخاب متولیان و امناء و نظار اماکن متبرکه مذهبی و مساجد مصوب ۱۳۵۸، مصوب ۱۳۶۱/۴/۳).

۲- اولاً بند (د) و ماده یک و ماده ۵ لایحه قانونی تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف مصوب ۶۳، ماده ۲ لایحه قانونی تجدید قرارداد اجاره املاک و... مصوب ۵۸ را در بخش تعیین هیأت امناء و تجدید قرارداد اجاره توسط سازمان حج و اوقاف در مورد مساجد و مدارس دینی و تکایا نسخ نموده است، ثانیاً با توجه به مراتب فوق، سازمان حج و اوقاف می تواند در خصوص مساجد و مدارس دینی و تکایا مبادرت به تعیین هیأت امناء نماید و در قانون نیز مرجعی برای تعیین و انتخاب هیأت امنای مساجد پیش بینی نگردیده و در مواردی که بقاع متبرکه در محوطه مساجد وجود دارد، مستقلاً مشمول لایحه قانونی تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف است (نظریه ۷/۱۷۶۶-۱۳۹۱/۸/۲۹ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

تفسیر قانونی مجلس شورای اسلامی راجع به قانون تجدید قرارداد و
اجاره املاک و اموال موقوفه و تجدید انتخاب متولیان و امناء و نظار
اماکن متبرکه مذهبی و مساجد مصوب ۱۳۵۸/۲/۴
« مصوب ۱۳۶۱/۴/۳ مجلس شورای اسلامی

- چون در قانون مصوب شورای انقلاب مورخ ۱۳۵۸/۲/۴ منظور، جلوگیری از هرگونه تضییع حق در موقوفات کل کشور می‌باشد، عمومیت قانون شامل موقوفات آستان قدس رضوی نیز می‌گردد و مقام تولیت وظایف سازمان اوقاف را در املاک و اموال آستان قدس رضوی انجام می‌دهد.

قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه

« مصوب ۱۳۶۳/۱/۲۸ مجلس شورای اسلامی با الحاقات بعدی

● ماده واحده- از تاریخ تصویب این قانون کلیه موقوفاتی که بدون مجوز شرعی به فروش رسیده یا به صورتی به ملکیت درآمده باشد به وقفیت خود برمی گردد و اسناد مالکیت صادر شده باطل و از درجه اعتبار ساقط است.

□ تبصره ۱- پس از ابطال سند مالکیت در مواردی که موقوفه قابل اجاره باشد و متصرف تقاضای اجاره کند با رعایت مصلحت وقف و حقوق مکتسبه متصرف قرارداد اجاره با متصرف تنظیم خواهد شد.

□ تبصره ۲- کلیه املاک مزروعی که در اجرای قانون اجازه تبدیل به احسن و واگذاری دهات و مزارع موقوفات عام مصوب ۱۳۵۰/۲/۲ به زارعین صاحب نسق انتقال و بین آنان تقسیم شده با حفظ مصلحت وقف با متصرفین و زارعان صاحب نسق با رعایت حقوق اکتسابی آنان اجاره نامه تنظیم می شود. و جوهی که قبلاً از طرف دولت بابت املاک مزبور مطابق ماده واحده پرداخته شده بابت اهدایی دولت به موقوفه محسوب و از تاریخ تحویل زمین به متصرف

اجرت‌المثل زمین توسط کارشناس رسمی یا خبره محلی تعیین و با محاسبه وجوه پرداختی قبلی متصرف تهاتر و کسر یا اضافه آن محاسبه خواهد گردید.

□ تبصره ۳- کسانی که زمین یا خانه موقوفه‌ای را بدون اطلاع از وقفیت از اشخاص حقیقی یا حقوقی خریداری نموده و به موجب این قانون اسناد مالکیت آن باطل می‌شود می‌توانند برای دریافت خسارت وارده به فروشنده رجوع نمایند. در صورتی که متصرف طبق تبصره ۱ این قانون تقاضای اجاره نماید سازمان اوقاف می‌تواند از تاریخ تصویب این قانون با متصرف تنظیم اجاره نماید.

□ تبصره ۴- در مواردی که جهت مورد نظر واقف تغییر یافته باشد بایستی به نظر واقف عمل شود.

□ تبصره ۵ (الحاقی ۱۳۸۰/۱۲/۱۹) - اراضی و املاکی که در تصرف و مالکیت کشاورزان و مالکین محلی بوده و در اثر اجرای سیاست‌های غلط و یا زورمندانه سلاطین بدون مجوز شرعی از مالکیت آنان خارج شده ولی اراضی کماکان در تصرف مالکین مذکور می‌باشد و سپس من غیر حق در مالکیت موقوفات و آستان قدس رضوی در آمده و توسط مالکین هیچ‌گونه سند وقفیت اعم از عادی و رسمی تنظیم نشده و یا هر دلیل معتبر شرعی و قانونی وجود نداشته باشد و هم‌چنین املاکی که در تصرف اشخاص بوده و سند رسمی دارند ولی ادعای وقفیت نسبت به آن‌ها شده است در صورتی که دلایل معتبری دال بر صحت وقف وجود نداشته باشد از شمول حکم ماده واحده خارج و هرگونه تصمیم و اقدامی که در مورد اراضی فوق‌الذکر انجام شده از درجه اعتبار ساقط و گآن لم یکن می‌گردد و در صورت بروز اختلاف، در هر دو مورد دادگاه صالح رسیدگی خواهد نمود.

□ تبصره ۶ (الحاقی ۱۳۸۰/۱۲/۱۹) - آن دسته از اراضی و املاک و جنگل‌ها و مراتع و اراضی منابع ملی که مشمول ماده (۱) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶/۵/۲۵ و اصلاحات بعدی آن و قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی مصوب ۱۳۷۱/۷/۵ قرار گیرد مشمول ماده واحده مذکور نبوده و موقوفه تلقی نمی‌شود مگر

در مورد حریم موقوفات و اراضی ای که قبل از تاریخ ۱۳۶۵/۱۲/۱۶ حیاء شده باشد.

□ تبصره ۷ (الحاقی ۱۳۸۰/۱۲/۱۹) - کلیه قوانین و مقررات مغایر با این ماده و تبصره‌های آن لغو و کأن لم یکن می‌باشد. وزارت کشاورزی و سازمان اوقاف موظفند آیین‌نامه اجرایی این قانون را ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب این قانون تهیه و پس از تصویب هیأت دولت به اجراء در آورند.

۱- موضوع استفساریه: ماده واحده - آیا منظور مقنن از تبصره (۵) الحاقی به ماده واحده قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۱۹ این بوده که ابتدائاً قانون باید در مورد اراضی و املاک موضوع تبصره (۵) اجرا شود و بعد در صورت اختلاف موضوع به دادگاه صالح ارجاع گردد؟

نظر مجلس: چون در هر دو مورد ید متصرف اماره بر وقف یا ملک می‌باشد در صورتی که ذوالید با مدعی اختلاف داشته باشد مدعی باید به دادگاه مراجعه کند و بدون حکم دادگاه می‌تواند از ید آن خارج و یا سند مالکیت را باطل نماید (قانون استفساریه تبصره (۵) الحاقی به ماده واحده قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۸۲/۹/۱۹).

۲- قانون ابطال اسناد و فروش رقبات آب و اراضی موقوفه مصوب سال ۱۳۷۱، قانون ابطال اسناد و فروش رقبات آب و اراضی موقوفه مصوب سال ۱۳۶۳ را در حدی که مغایر قانون مصوب سال ۱۳۷۱ باشد نسخ کرده و قانون اخیر به موقوفات خاص تسری ندارد (نظریه ۷/۶۳۸۳ - ۱۳۸۴/۹/۹ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

از قانون نحوه اجرای اصل (۴۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

« مصوب ۱۳۶۳/۵/۱۷ مجلس شورای اسلامی

« بخش اول - تعاریف و مقررات خاصه

● ماده ۱- اصطلاحات مذکور در این قانون که در قوانین دیگر تعریف نشده به شرح زیر بیان می‌شود.

۱- ...

۴- سوء استفاده از موقوفات عبارت است از تحصیل ثروت ناشی از دخالت در وقف برخلاف ترتیبی که شرع معین نموده باشد.

قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲ مجلس شورای اسلامی با الحاقات بعدی

- ماده ۱- از تاریخ تصویب این قانون سازمان اوقاف به سازمان حج و اوقاف و امور خیریه تغییر نام می‌یابد و امور ذیل به عهده این سازمان واگذار می‌گردد.
 - ۱- اداره امور موقوفات عام که فاقد متولی بوده یا مجهول التولیه است و موقوفات خاصه در صورتی که مصلحت وقف و بطون لاحق و یا رفع اختلاف موقوف‌علیهم متوقف بر دخالت ولی فقیه باشد.
 - ۲- اداره امور اماکن مذهبی اسلامی که ترتیب خاصی برای اداره آن‌ها داده نشده است. به استثنای مساجد و مدارس دینی و تکایا.
 - ۳- اداره امور مؤسسات و انجمن‌های خیریه‌ای که از طرف دولت یا سایر مراجع ذیصلاح به سازمان محول شده یا بشود.
 - ۴- اداره مؤسسات و انجمن‌های خیریه‌ای که به تشخیص دادستان محل فاقد

مدیر باشد (تا تعیین تکلیف از طرف دادگاه)، ضم امین در مؤسسات و انجمن‌های خیریه‌ای که به تشخیص دادستان محل مدیر آن فاقد صلاحیت باشد (تا تعیین تکلیف از طرف دادگاه) و همچنین است در صورت نبودن یا عدم صلاحیت ناظر (در مواردی که ناظر پیش‌بینی شده باشد).

۵- انجام امور مربوط به گورستان‌های متروکه موقوفه‌ای که متولی معین ندارد و اتخاذ تصمیم لازم در مورد آن‌ها.

۶- کمک مالی در زمینه تبلیغ و نشر معارف اسلامی.

۷- (الحاقی ۱۳۷۵/۱۲/۱۲) اثلاث باقیه، محبوسات، نذور، صدقات و هر مال دیگری که به غیر از عنوان وقف برای امور عام المنفعه و خیریه اختصاص یافته در حکم موقوفات عامه است و چنانچه فاقد متولی و متصدی باشد با اذن ولی فقیه، تحت اداره و نظارت سازمان اوقاف و امور خیریه قرار خواهد گرفت. رعایت مفاد اسناد تنظیمی مربوط به این اموال و رقبات اعم از وصیت‌نامه و حبس‌نامه و سیره جاریه در اداره امور و مصرف عواید آن‌ها ضروری خواهد بود.

□ تبصره ۱- سرپرست سازمان باید از طرف ولی فقیه مجاز در تصدی اموری که متوقف بر اذن ولی فقیه است باشد.

□ تبصره ۲- بقاع متبرکه که حضرت رضا علیه السلام و حضرت احمد ابن موسی (شیراز) و حضرت معصومه و حضرت عبدالعظیم علیهم السلام و موقوفات مربوط به آن‌ها که متولی خاص نداشته باشد و موقوفاتی که برای اداره هر کدام آن‌ها از طرف ولی فقیه نایب‌التولیه تعیین شده یا بشود از شمول این قانون مستثنی است و در غیر این صورت اداره آن‌ها با سازمان خواهد بود.

□ تبصره ۳- (الحاقی ۱۳۷۵/۱۲/۱۲) - سازمان اوقاف و امور خیریه در صورت نیاز در مورد رقبات و اموال موضوع بند (۷) بالا با تأیید نماینده ولی فقیه و سرپرست آن سازمان، به منظور

جلوگیری از تعدی و تفریط در اداره آن‌ها نسبت به نصب امین یا هیأت امناء اقدام خواهد کرد.

۱- به موجب مصوبه شماره ۴۶۲/د ش شورای عالی اداری مورخ ۱۳۷۰/۸/۱۵ و در راستای اجرای اوامر مقام معظم رهبری در خصوص کیفیت اداره امور حج و زیارت، نام سازمان حج و اوقاف و امور خیریه به «سازمان اوقاف و امور خیریه» تغییر یافته و کلیه امور مربوط به حج و زیارت از سازمان مزبور منتزع و به سازمان حج و زیارت که سازمانی مستقل زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌باشد واگذار شده است.

۲- وقف بهترین و مؤثرترین وسیله تکافل اجتماعی و به عنوان نهادی است که تداوم صدقات را امکان‌پذیر می‌سازد.

۳- وقف عام، وقفی است که در جهت و مصلحت عمومی و یا عناوین عامه باشد، مانند وقف بر مساجد. در این نوع وقف شخص یا اشخاص خاصی مد نظر واقف نمی‌باشند بلکه واقف به طور کلی وقف کرده است.

۴- وقف خاص، وقفی است برای شخص یا اشخاص معین و محصور، مانند وقف بر اولاد.

۵- در دو صورت یک موقوفه، مجهول التولیه تلقی می‌شود. یا موقوفه به کلی فاقد وقفنامه است و یا دارای وقفنامه می‌باشد، لیکن نام شخص معینی به عنوان متولی در آن ذکر نشده است.

۶- اشخاصی که پس از موقوف‌علیهم فعلی، برابر با مفاد وقفنامه، مصداق موقوف‌علیهم واقع می‌شوند، بطون لاحق‌ه نامیده می‌شوند.

۷- به اماکنی که به منظور عبادت، زیارت و یا انجام مراسم مذهبی ایجاد شده یا اختصاص یافته‌اند و جنبه استفاده شخصی ندارند، اماکن مذهبی گویند.

۸- دادگستری مرجع رسمی تظلمات و رسیدگی به شکایات است و صلاحیت مراجع غیر دادگستری، صلاحیت عام مراجع دادگستری را منتفی نمی‌نماید. از این‌رو صلاحیت اداره تحقیق اوقاف در رسیدگی به موضوع تعیین متولی، مانع از آن نیست که دادگاه عمومی به دعوی مزبور رسیدگی نماید (برای مطالعه بیشتر ر.ک: رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور شماره ۶۵۵ مورخ ۱۳۸۰/۹/۲۷).

۹- اداره موقوفات عام و امور راجع به تولیت آن با سازمان اوقاف و امور خیریه است و دادگاه می‌تواند برای اداره آن‌ها متصدی تعیین نماید (برای مطالعه بیشتر ر.ک: نظریه شماره ۷/۵۰۸ مورخ ۱۳۶۵/۹/۴ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۱۰- اداره موقوفه از زمان فوت متولی تا قطعیت تعیین متولی جدید و تحویل موقوفه به وی، با سازمان اوقاف و امور خیریه است. از آن جا که حق التولیه در قبال زحماتی است که متولی انجام داده، اما متولی جدید، تا قبل از تحویل موقوفه به او، هیچ‌گونه عملی برای موقوفه انجام نداده است، لذا این سازمان اوقاف است که مستحق حق التولیه زمان تصدی خود می‌باشد، نه متولی جدید (برای مطالعه بیشتر ر.ک: نظریه ۷/۸۹۳۳ مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۸ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۱۱- بدون صدور حکم نهایی دادگاه بر وقفیت، اداره ثبت مجوزی برای ابطال ثبت و سند مالکیت یک ملک ندارد.

۱۲- در عقد وقف، قصد قربت شرط نشده است. با این وجود غیر مسلمان هم می‌تواند قربۀ الی الله عملی انجام دهد و به هر حال وقف از کافر نیز پذیرفته است. از این‌رو اجاره

موقوفه توسط غیر مسلمان بلاشکال است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: نظریه ۷/۲۳۳۱ مورخ ۱۳۸۲/۳/۱۷ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۱۳- اعمال اختیار نظارتی و تصدی از سوی سازمان اوقاف و امور خیریه در امور مربوط به موقوفات به نیابت از واقف و یا به قائم مقامی متولی، از مصادیق تصمیمات و اقدامات «واحد‌های دولتی» موضوع بند الف ماده (۱۳) قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ محسوب نمی‌گردد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: رأی شماره ۲۱۱ مورخ ۱۳۷۸/۴/۱۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص اعمال نظارت و تصدی در امور مربوط به موقوفات).

۱۴- اثلاث باقیه، نذورات، محبوسات، صدقات و هر مال دیگری که به منظور امور عام‌المنفعه و خیریه تخصیص یافته باشد، در حکم موقوفات عام است و در نتیجه سازمان اوقاف نسبت به آن‌ها خواه دارای متولی باشند و خواه نباشند، حق نظارت دارد.

۱۵- به شخصی که به استناد وقف‌نامه با تشخیص شعب تحقیق و یا حکم دادگاه به منظور اداره امور موقوفه تعیین شده یا بشود، متولی گویند.

۱۶- حق التولیه و حق النظاره اصولاً در قبال خدمات و مسئولیتی است که تحت عنوان تولیت و نظارت صورت می‌گیرد و در مواردی که سازمان اوقاف مستحق دریافت آن است درآمد آن سازمان محسوب می‌شود و اموالی که از این محل خریداری می‌شود جزء اموال آن سازمان است، لذا اموال دولتی محسوب می‌شود (نظریه ۶۵۹۶۶-۱۳۸۲/۲/۲۲ اداره حقوقی ریاست جمهوری).

۱۷- اثلاث باقیه اموال غیرمنقولی است که موصی از محل ثلث دارایی خود برای مصارف در امور خیریه معین می‌کند.

۱۸- مؤسسات و انجمن‌های خیریه، مؤسساتی هستند غیر تجاری که به منظور تعظیم شعائر اسلامی، امور فرهنگی، بهداشتی، تربیتی و یا هر نوع عمل خیر دیگری تأسیس شده و به ثبت رسیده و یا تشکیل شده‌اند.

● ماده ۲- از تاریخ تصویب این قانون سازمان اوقاف از نخست وزیری منتزع و اداره امور حج و زیارت اماکن متبرکه اسلامی خارج از کشور و امور اوقاف تحت عنوان سازمان حج و اوقاف و امور خیریه وابسته به وزارت ارشاد اسلامی اداره می‌شود. با توجه به ماده واحده قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵ و با عنایت به ماده ۳ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ که در مقام تعریف مؤسسه دولتی می‌باشد، سازمان اوقاف به موجب قانون تشکیل شده و وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و از مصادیق مؤسسات دولتی تلقی می‌شود (نظریه ۹/۹۳۷-۱۳۸۴/۲/۱۹ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

● ماده ۳- هر موقوفه دارای شخصیت حقوقی است و متولی یا سازمان حسب مورد نماینده آن می‌باشد.

۱- چنانچه سایر وراث متوفی در خصوص وقفیت ملک ادعایی نداشته باشند، لازم نیست که کلیه وراث طرف دعوی واقع شوند. بنابراین دعوی احدی از ورثه به طرفیت اداره اوقاف مبنی بر ابطال وقفیت و اثبات مالکیت خود کفایت می‌کند و دادگاه در صورت احراز حقانیت وی، به قدر سهم وارث مذکور مبادرت به صدور حکم می‌نماید (برای مطالعه بیشتر ر.ک: نظریه شماره ۷/۶۸۴۷ مورخ ۱۳۸۳/۹/۱۲ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۲- شخصیت حقوقی عبارت است از مجموعه‌ای از افراد یا پاره‌ای از اموال که برای تحقق هدفی معین در کنار یکدیگر گرد آمده‌اند و قانون آن‌ها را طرف حق و تکلیف شناخته و برای آن‌ها شخصیت مستقلی قابل گردیده است. مانند دولت،

شهرداری، دانشگاه تهران و موقوفات. شخص حقوقی، حقوق و تکالیف متمایزی از حقوق و تکالیف افراد تشکیل دهنده خود دارد و می‌تواند از آن چه قانون‌گذار برای اشخاص حقیقی از حقوق و تکالیف مقرر کرده برخوردار گردد. مگر حقوق و تکالیفی که با طبیعت انسان ملازمه دارد. مانند وظیفه ابوت و بنوت و امثال آن.

۳- هر چند سازمان اوقاف در عداد واحدهای دولتی قرار دارد و مطابق مقررات و رأی شماره ۳۷-۳۸-۳۹ مورخ ۶۸/۷/۱۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که در مقام ایجاد وحدت رویه صادر شده رسیدگی به شکایات و اعتراضات واحدهای دولتی جز نسبت به مصوبات و نظامات دولتی از قلمرو صلاحیت دیوان خارج است لیکن حکم مذکور ناظر به مواردی است که واحد دولتی بالاصاله و در مقام حفظ حقوق دولت مبادرت به تقدیم دادخواست کند در حالی که به موجب احکام و مقررات قانون مدنی در باب ماهیت حقوقی عقد وقف و نتایج و آثار مترتب بر آن مال موقوفه متعلق حق دولت نیست و درآمد و عواید آن جزء بودجه عمومی دولت محسوب نمی‌شود و سازمان اوقاف در اداره امور موقوفات در واقع و نفس الامر مجری نیات و اهداف واقف و حافظ منافع و حقوق موقوف‌علیهم است و به نیابت و نمایندگی قانونی آنان عهده‌دار تولیت و اداره امور موقوفات می‌باشد و تبعاً در صورت تضییع حقوق آنها می‌تواند به نمایندگی قانونی موقوف‌علیهم حسب مورد به مراجع قضایی و از جمله دیوان عدالت اداری شکایت کند (برای مطالعه بیشتر ر.ک: رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، کلاسه پرونده ۷۱/۱۰۰، شماره دادنامه ۱۵۵/۷۱، مورخ ۲۵ مهر ۱۳۷۱).

۴- «تصمیمات و اقدامات سازمان اوقاف و امور خیریه در زمینه حفظ و اداره مال موقوفه به لحاظ تعلق آن به موقوف‌علیهم بر اساس نیات واقف در واقع و نفس الامر به نمایندگی از طرف شخص حقیقی یا حقوقی حقوق خصوصی صورت می‌گیرد و از انواع وظایف و مسئولیت‌های دولتی سازمان مذکور محسوب نمی‌شود. رسیدگی به شکایت و اعتراض آن سازمان به قائم مقامی اشخاص مذکور در صورت

انطباق با شقوق ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری در صلاحیت دیوان قرار دارد» (برای مطالعه بیشتر ر.ک: رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، کلاسه پرونده ۷۳/۱۹۷، شماره دادنامه ۱۴۷/۷۳، مورخ ۶ اسفند ۱۳۷۳).

● ماده ۴- متولی موقوفه کسی است که به موجب مفاد وقفنامه و مقررات قانون مدنی یا این قانون واجد این سمت باشد. در مورد اعتراض اشخاص با رعایت مواد ۱۴ تا ۱۷ این قانون اقدام خواهد شد.

□ تبصره ۱- موقوفاتی که متولی آن‌ها عزل یا فوت می‌شود تا تشخیص متولی بعدی و موقوفاتی که متولی آن‌ها ممنوع المداخله می‌شود تارفع ممنوعیت یا ضم امین در حکم موقوفات بدون متولی است.

□ تبصره ۲- هرگاه شخص یا اشخاصی که در وقفنامه به عنوان متولی معین شده‌اند وجود نداشته باشند و یا اوصاف مقرر در وقفنامه منطبق با شخص یا اشخاص معینی نگردد موقوفه در حکم موقوفه مجهول التولیه است.

□ تبصره ۳- در موقوفاتی که شرط مباشرت نشده باشد هرگاه متولی برای انجام تمام یا قسمتی از امور مربوط به موقوفه و کیلی انتخاب کند و کیل مزبور باید توانایی انجام مورد و کالت را داشته باشد در صورتی که وکیل انتخابی به تشخیص سازمان قادر به ایفاء وظایف محوله نباشد مراتب کتباً به متولی ابلاغ خواهد شد هرگاه ظرف دو ماه برای متولیان مقیم ایران و چهار ماه برای متولیان مقیم خارج از کشور، متولی، اقدام به تغییر وکیل ننماید موضوع به دادگاه صالح احاله و پس از ثبوت عدم توانایی وکیل مزبور با ابلاغ سازمان از دخالت ممنوع می‌شود این حکم شامل وکلایی که قبلاً نیز انتخاب شده‌اند خواهد بود.

۱- تعیین متولی با دادگاه نیست، مگر این که اداره اوقاف حسب ارجاع دادگاه عمومی نسبت به موارد مذکور در ماده (۶) آیین‌نامه ماده (۱۷) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه اظهار نظر و مراتب را به دادگاه اعلام کرده باشد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: نظریه ۷/۲۲۵۷ مورخ ۱۳۷۸/۵/۲۴ اداره کل

حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضائیه).

۲- در صورت درج شرط مباشرت متولی در وقفنامه، مشارالیه می‌تواند امور مربوط به تولیت را به دیگری تفویض کند.

۳- متولی می‌تواند تا قبل از رفع ممنوع‌المدخله شدن و تعیین تکلیف دعوی مطروحه پیرامون عزل وی اقدام به طرح دعوی به عنوان متولی موقوفه و پاسخ‌گویی به دعاوی علیه موقوفه و یا اداره امور موقوفه بنماید و ماده ۷ از همان قانون نیز بر این معنی دلالت دارد (نظریه ۷/۷۴۷-۱۳۸۶/۲/۱۶ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضائیه).

● ماده ۵- سازمان حج و اوقاف و امور خیریه می‌تواند در اموری که اداره آن به عهده این سازمان است، شخص یا هیأتی از اشخاص متدین و معروف به امانت را به عنوان امین یا هیأت امناء تعیین نماید.

□ تبصره ۱- نحوه انتخاب و برکناری و شرایط و حدود اختیارات و وظایف امین یا هیأت امناء و میزان حق الزحمه آنان و همچنین نظامات راجع به حفظ و نگهداری اماکن و اموالی که اداره آن به عهده سازمان حج و اوقاف و امور خیریه می‌باشد به موجب آیین‌نامه‌هایی که بر اساس مقررات و سنن و خصوصیات اماکن مربوط که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد خواهد بود.

□ تبصره ۲- نذور نقدی که جهت مشخصی برای مصرف آن معین نشده است و وجوه حاصل از فروش اموال منقول زائد بر احتیاجی که به این قبیل اماکن اهداء می‌شود با جلب نظر اداره اوقاف به وسیله هیأت امناء به ترتیب در امور ذیل مصرف می‌شود:

الف- عمران و آبادی اماکن مذکور.

ب- تدارک وسایل رفاه و بهداشت زوار این اماکن و ساکنان ناحیه.

ج- نشر معارف اسلامی و تبلیغات مذهبی و تعظیم شعائر دینی در آن محل.

د- کمک به مدارس علوم دینی در آن محل.

هـ - خیرات و مبرات مطلقه.

۱- در این خصوص می‌توان به آیین نحوه انتخاب و برکناری، شرایط و حدود اختیارات و وظایف امین یا هیأت امنای اماکن مذهبی و موقوفات مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰ اشاره نمود.

۲- تصرفات اداره اوقاف در آن قسمت از محدود زمین موقوفه که دارای بنای تاریخی است و سازمان میراث فرهنگی آن را حفاظت می‌کند، به استناد ماده ۵۶۴ قانون تعزیرات موکول به اذن سازمان میراث فرهنگی است (نظریه شماره ۷/۱۳۴۰- ۱۳۳/۸/۱۳ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

● ماده ۶- صرف در آمد موقوفات به منظور بقاء عین آن‌ها بر سایر مصارف مقدم است و متولی موظف است موجبات آبادانی رقبات موقوفه را در جهت بهره‌برداری صحیح از آن‌ها به منظور اجرای نیت واقف فراهم آورد.

□ تبصره- در صورتی که در آمد یک ساله موقوفه یا اماکن اسلامی برای تعمیر و یا نوسازی آن کافی نباشد در آمد دو یا چند سال در حساب مخصوصی ذخیره و به موقع به مصرف خواهد رسید.

رقبه عبارت است از یک واحد ملکی غیر منقول. هر موقوفه یا مکان مذهبی ممکن است دارای یک یا چند رقبه باشد.

● ماده ۷- هرگاه متولی یا ناظر نسبت به عین یا منافع موقوفه تعدی یا تفریط نماید یا در انجام وظایف مقرر در وقف‌نامه و قانون و آیین‌نامه‌ها و مقررات مربوط مسامحه و اهمال ورزد، با رسیدگی شعبه تحقیق و حکم دادگاه حسب مورد معزول یا ممنوع‌المداخله یا ضم امین خواهد شد.

□ تبصره ۱- به متولی و ناظر ممنوع‌المداخله در زمان ممنوعیت حق التولیه و حق النظاره تعلق

نخواهد گرفت مگر آن که برائت آنان ثابت شود و در مواردی که ضم امین می شود، اوقاف حق امین را خواهد پرداخت.

□ تبصره ۲- در مواردی که مطابق قانون مدنی یا این قانون ضم امین می شود، دادگاه‌های می توانند سازمان حج و اوقاف و امور خیریه را هم به عنوان امین تعیین کنند.

□ تبصره ۳- نسبت به تعدی و تفریط یا سایر تخلفات مدیران و امناء مؤسسات و بنیادهای خیریه طبق اساس نامه مؤسسه و بنیاد مربوط اقدام خواهد شد و در صورتی که اساس نامه آن‌ها در این موارد ساکت یا ناقص باشد مشمول مقررات پیش‌بینی شده در این ماده و تبصره‌های آن خواهند بود.

□ تبصره ۴- کلیه مباشران موقوفات و اماکن مذهبی اعم از متولی و ناظر و امناء و مدیران و امناء و بنیادهای خیریه مذکور در این قانون در حکم امین می باشند. در صورت تعدی یا تفریط یا تخلفات دیگر ملزم به تأدیه حقوق و وجوه و اموال و جبران خسارات ناشی از اعمال خود خواهند بود هرگاه عمل آن‌ها مشمول عناوین کیفری باشد از طریق مراجع قضایی نیز تعقیب و به مجازات مقرر محکوم خواهند شد.

۱- تعدی عبارت است از تجاوز متولی، ناظر و یا امین موقوفه و اماکن مذهبی از حدود قانون، اذن و یا متعارف نسبت به موقوفه و اماکن مذهبی و یا حقوق آن‌ها.

۲- تفریط عبارت است از ترک عملی از سوی متولی، ناظر و یا امین که به موجب وظایف معین، قانون و یا متعارف برای حفظ عین و یا منافع موقوفه و اماکن مذهبی لازم است.

۳- در صورتی که متولی یا ناظر به موجب قانون و یا رسیدگی شعبه تحقیق و حکم دادگاه از دخالت یا نظارت در امور موقوفه منع گردد، تا زمان حصول برائت، ممنوع‌المداخله نامیده می شود.

۴- در مواردی که به موجب رأی دادگاه، اداره موقوفه می‌بایست با دخالت شخص دیگری علاوه بر متولی باشد، این عمل ضم‌امین و شخص تعیین شده، امین منضم نامیده می‌شود.

۵- حق التولیه، سهمی است از منافع موقوفه که معمولاً واقف برای حق‌الزحمه متولی قرار می‌دهد، ولو این که واقف و متولی یک نفر باشند. جایز است واقف از منافع موقوفه سهمی برای عمل متولی قرار دهد و اگر حق التولیه معین نشده باشد، متولی مستحق اجرت‌المثل است.

۶- چنان‌چه میزان حق التولیه و حق‌النظاره در وقف‌نامه معین نشده باشد یا در صورت فقدان کلی وقف‌نامه، حق التولیه به میزان اجرت‌المثل معادل ده درصد (۱۰٪) درآمد خالص ماهیانه و حق‌النظاره به میزان اجرت‌المثل معادل پنج درصد (۵٪) همان درآمد خواهد بود.

۷- هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۶ بنا به پیشنهاد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و به استناد ماده (۱۲) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳ تصویب نمود: سازمان اوقاف و امور خیریه در هر سال مجاز است وجوهی را که از محل هدایای مستقل، حق التولیه و اداره امور اماکن مذهبی دریافت می‌کند، در جهت تبلیغ و نشر معارف اسلامی، حفظ عین و منافع و احیای موقوفات و اماکن اسلامی، حق‌الزحمه هیأت‌امناء و حق‌النظاره نظار موقوفات و ... هزینه نماید (برای مطالعه بیشتر ر.ک: تصویب‌نامه راجع به حق التولیه و حق‌النظاره و اداره امور اماکن مذهبی مصوب ۱۳۸۰/۲/۱۶ هیأت وزیران و آیین‌نامه‌های چگونگی هزینه وجوه حاصل از محل هدایای مستقل و حق التولیه و حق‌النظاره و اداره امور اماکن مذهبی از سال ۸۱ به بعد).

۸- «مطابق ماده ۷ قانون تشکیلات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، با عزل یا ممنوع‌المداخله شدن متولی ضم‌امین منوط به حکم قطعی دادگاه است.

بنابراین مدلول ماده ۲۹ آیین‌نامه کیفیت تحقیق در شعب تحقیق سازمان اوقاف و امور خیریه که مفهوم قابلیت اجرای مطلق تصمیمات و نظرات شعب تحقیق حتی در موارد مصرح در ماده ۷ قانون مزبور قبل از صدور رأی قطعی دادگاه می‌باشد، مخالف قانون مزبور تشخیص و مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد» (رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، کلاسه پرونده ۷۴/۱۳۹، شماره دادنامه ۴۷/۷۶، مورخ ۴ مرداد ۱۳۷۶).

● ماده ۸- در آمد موقوفات مجهول‌المصرف و موقوفاتی که به صیغه مبررات مطلقه وقف شده قابل مصرف در تحقیق و تبلیغ و نشر کتب در زمینه معارف اسلامی و عمران موقوفات می‌باشد زیر نظر سازمان به مصرف می‌رسد.

□ تبصره- در آمد موقوفات متعذرالمصرف و موقوفاتی که عواید آن‌ها به سبب قلت گرچه با پس‌انداز چند سال برای اجرای نظر واقف کافی نباشد با تشخیص [شعب] تحقیق اوقاف در موارد اقرب به غرض واقف در محل به مصرف می‌رسد. آن قسمت از در آمد موقوفاتی که به علت کثرت عواید زائد بر مصرف متعارف باشد حتی الامکان در موارد اقرب به نظر واقف صرف گردد و در صورت نبودن مورد اقرب در مطلق امور خیریه به مصرف خواهد رسید. مقصود از متعذرالمصرف آن است صرف در آمد موقوفه در مصارف مقرر به علت فراهم نبودن وسایل و یا انتفاء موضوع و یا عدم احتیاج به مصرف مقدور نباشد.

● ماده ۹- سازمان حج و اوقاف و امور خیریه نسبت به مواردی که در بندهای ماده یک این قانون به عهده آن گذاشته شده در صورت عدم اقدام متولی یا امناء یا موقوف‌علیهم حق تقاضای ثبت و سایر اقدامات لازم و اعتراض و اقامه دعوی را دارد.

هم‌چنین می‌تواند در مواردی که لازم بداند و مصلحت موقوفه ایجاب نماید در دعاوی مربوط وارد دعوی شده و به احکام صادره اعتراض کند.

□ تبصره- در کلیه موارد مذکور در این ماده سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، موقوفات عام، بقاع متبرکه، اماکن مذهبی اسلامی، مدارس علوم دینی و مؤسسات و بنیادهای خیریه از

پرداخت مخارج و هزینه‌های دادرسی و ثبتی و اجرایی معاف می‌باشند.

۱- تعیین متولی در حوزه اختیارات دادگاه نمی‌باشد. سازمان اوقاف طبق ماده (۹) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳، حق اقامه دعوی یا ورود در دعاوی اقامه شده را داراست.

۲- با عنایت به تبصره (۳) ماده (۱۰) آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۱۰ هیأت وزیران، معافیت هزینه دادرسی مندرج در تبصره ماده (۹) قانون فوق‌الذکر، تنها شامل وقف عام می‌گردد و قابل تسری به وقف خاص نیست.

۳- اگر وقف عام و خاص با یکدیگر توأمان و غیر قابل تفکیک باشند، معاف از پرداخت هزینه دادرسی‌اند، لیکن چنان‌چه قبال تفکیک باشند، وقف خاص مشمول پرداخت و وقف عام معاف از پرداخت هزینه دادرسی است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: نظریه ۷/۲۴۸۳ مورخ ۱۳۷۸/۴/۲ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۴- نظر به اینکه اکثر پرونده‌های مربوط به دعاوی اوقاف به لحاظ پیچیدگی و تخصصی بودن در محاکم دچار اطاله دادرسی می‌شوند، به منظور جلوگیری از تطویل دادرسی در رسیدگی به این گونه پرونده‌ها مقتضی است با توجه به کمیت و کیفیت پرونده‌ها در هر حوزه قضایی که ایجاب می‌نماید، شعبه یا شعبی از محاکم (عمومی، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور) جهت رسیدگی تخصصی و تسریع در دادرسی پرونده‌های مطروحه اختصاص یابد (بخشنامه ۱/۸۶/۱۳۴۷-۱۳۸۶/۲/۱۲ رئیس قوه قضاییه).

۵- تعیین متولی با دادگاه نیست. سازمان اوقاف طبق ماده (۹) قانون تشکیلات

مصوب ۶۳ حق اقامه دعوی یا ورود در دعاوی اقامه شده را دارد (نظریه ۷/۲۲۵۵-
۱۳۷۸/۵/۲۴ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۶- با توجه به ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ و مواد ۳ و ۹ قانون
تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳، موقوفات
اعم از عام و خاص دارای شخصیت حقوقی است و متولی منصوص موقوفه نماینده
آن بوده و شاکی خصوصی تلقی می‌شود و در صورت فقدان متولی یا عزل یا فوت
وی یا مجهول التولیه بودن موقوفه یا عدم اقدام متولی، سازمان اوقاف حق اقامه
دعوی اعم از کیفری و حقوقی را دارد. بدیهی است هر ذی نفع یا ذی سمت قانونی
دیگری نظیر مستأجرین موقوفه یا امین منصوب یا موقوف‌علیهم در موقوفات
خاص نیز حسب مورد می‌توانند شاکی خصوصی تلقی شوند (از نظریه ۷/۲۸۸۱-
۱۳۸۹/۵/۶ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۷- با توجه به نظریه فقهای شورای نگهبان به شرح بین‌الهللین (دریافت مالیات
بر رقبات موقوفات عام و خاص خلاف شرع انور است اما مالیات بر درآمد اشکالی
ندارد)، به استناد قسمت اول ماده (۲۵) قانون دیوان عدالت اداری تصمیم شماره
۷/۳۴۴۲-۱۳۶۹/۴/۲ هیأت عمومی شورای عالی [مالیاتی] ابطال می‌گردد (رأی
شماره ۱۳۷۵/۴/۲ ۵۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری).

۸- معافیت سازمان اوقاف و امور خیریه موضوع تبصره ذیل ماده (۹) قانون اوقاف
و امور خیریه از پرداخت هزینه دادرسی با توجه به مقررات ماده ۵۲۹ قانون آیین
دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹ منتفی شده
است.

چنان‌چه بعد از تاریخ تصویب قانون مذکور، قوانینی در مورد معافیت سازمان یا
ارگان یا وزارتخانه‌ای از پرداخت هزینه دادرسی به تصویب رسیده باشد لازم الاجراء
است (نظریه شماره ۷/۵۵۱۷ مورخ ۱۳۸۲/۷/۳).

۹- با تصویب قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹ کلیه قوانین مغایر با آن لغو شده و چون به موجب مقررات این قانون پرداخت هزینه دادرسی عام و کلی بوده و شامل تمام مراجع دولتی، وزارتخانه‌ها، شرکت‌های دولتی، مؤسسات عمومی و غیره می‌باشد، لذا تا زمانی که به موجب قوانین جدید، مرجع یا مراجعی از پرداخت هزینه دادرسی معاف نشود، دادگاه‌ها در قبال رسیدگی به دعاوی مطروحه ناگزیر از دریافت هزینه دادرسی خواهند بود (نظریه شماره ۷/۱۴۴۰ مورخ ۱۳/۰۲/۱۳۸۰).

۱۰- از مفهوم مخالف ماده ۹ قانون چنین بر می‌آید که قانون‌گذار حق اقامه دعوی برای هیأت‌امناء را تحت شرایطی متصور است که مطابق بند «و» از ماده ۷ آیین‌نامه نحوه انتخاب و برکناری، شرایط و حدود اختیارات و وظایف امین یا هیأت‌امنای اماکن مذهبی عنداللزوم اقامه دعوی صورت می‌پذیرد. چگونگی اقامه دعوی و اینکه آیا رییس هیأت‌مدیره و اعضای آن منفرداً واجد صلاحیت دعوی می‌باشند، یا مجتمعاً و یا از طریق اعطای نمایندگی، در اساس‌نامه چنین هیأت‌هایی مشخص می‌شود.

۱۱- «هر چند در بند ۲ ماده ۱ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲، اداره امور مساجد توسط سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مستثنی شده ولی از شمول تبصره ماده ۹ این قانون در خصوص معافیت از پرداخت هزینه دادرسی خارج نیستند و این معافیت شامل مساجد نیز می‌شود» (نظریه شماره ۷/۱۹۸۱-۷/۱۰/۴-۱۳۹۱/۱۰/۴ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۱۲- معافیت سازمان اوقاف و امور خیریه از پرداخت هزینه دادرسی با توجه به مقررات ماده ۵۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ منتفی شده است (نظریه ۷/۵۵۱۷-۱۳۸۲/۷/۳ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۱۳- سازمان اوقاف به موجب ماده ۹ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۶۳ از پرداخت هزینه دادرسی و ثبتی و اجرایی معاف شده است ولی هزینه دادرسی به موجب مقررات آیین دادرسی مدنی منتفی شده و موقوفات در حال حاضر فقط از نظر هزینه‌های ثبتی، اجرایی، مالیات و عوارض دارای معافیت است، لذا از پرداخت هزینه دادرسی معاف نمی‌باشند (از نظریه ۷/۸۴۱۹-۱۳۸۵/۱۱/۴ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۱۴- با توجه به اینکه عام موخر ناسخ خاص مقدم نیست و تبصره ماده ۹ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه قانون خاص می‌باشد، با تصویب قانون آیین دادرسی مدنی که قانون عام است نسخ نشده و به قوت خود باقی است. قانون استفساریه راجع به بقعه متبرکه حضرت رضا (علیه السلام) و حضرت معصومه (علیها السلام) نیز مؤید همین معنا است. لذا سازمان اوقاف نیز تنها در موارد مذکور در قانون فوق‌الذکر از پرداخت هزینه دادرسی معاف است (از نظریه ۷/۵۱۳۵-۱۳۸۹/۸/۲۵ و ۷/۴۳۱۷-۱۳۹۰/۱۰/۴ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

● ماده ۱۰- ثبت معاملات راجع به عین یا منافع موقوفات و بنیادها و مؤسسات خیریه مذکور در ماده ۹ در دفاتر اسناد رسمی موکول به موافقت سازمان حج و اوقاف و امور خیریه است. دفاتر اسناد رسمی مکلفند رونوشت مصدق وقف‌نامه‌ها و اسناد راجع به وقف را ظرف ۱۰ روز پس از ثبت به اداره اوقاف مربوطه ارسال دارند.

□ تبصره- ادارات ثبت مکلفند رونوشت مصدق اسناد مالکیت وقف را پس از صدور به اداره اوقاف محل تحویل نمایند. متولیان نیز موظفند ظرف مدت دو ماه از تاریخ اجرای این قانون رونوشت مصدق اسناد مالکیت و رونوشت وقف‌نامه‌های موجود نزد خود را برای حفظ و نگهداری به اداره اوقاف مربوط تسلیم دارند.

- ماده ۱۱- حق التولیه متولی و یا سازمان (در قبال اعمال تولیت نسبت به موقوفات متصرفی) هم‌چنین حق‌النظاره ناظر به میزان مقرر در وقف‌نامه است و در صورتی که وقف‌نامه موجود نباشد و یا میزان حق‌التولیه و حق‌النظاره در آن تعیین نشده باشد حق‌التولیه به مقدار اجرت‌المثل از عایدات خالص خواهد بود.
 - ماده ۱۲- سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و جوهی را که از محل هدایای مستقل و حق‌التولیه و حق‌النظاره دریافت می‌دارد طبق بودجه‌ای که هر سال تنظیم و به تصویب هیأت دولت خواهد رساند رأساً به مصرف می‌رساند.
 - ماده ۱۳- و جوهی که از محل پذیره و هدایای حاصل از اجاره و استیجار رقبات موقوفه دریافت می‌گردد از عواید همان موقوفات محسوب و به مصارف مقرر خواهد رسید.
- تبصره- نحوه و ترتیب وصول پذیره و هدایای مطابق آیین‌نامه‌ای است که به تصویب هیأت دولت خواهد رسید.

۱- طبق ماده ۱۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب، «جوهی که از محل پذیره و هدایای حاصل از اجاره و استیجار رقبات دریافت می‌گردد از عواید همان موقوفات محسوب و به مصارف مقرر خواهد رسید».

نظر به اینکه حکم مقنن مصرح در الزام اشخاص به پرداخت پذیره و هدایای بابت اجاره اراضی موقوفه با کاربری کشاورزی نیست، بنابراین ماده ۸ آیین‌نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره و هدایای مصوب هیأت وزیران که به تجویز تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون فوق‌الذکر به تصویب رسیده و مقرر داشته «اعطای حق تملک اعیانی در مورد اراضی موقوفه‌ای که بنا به تشخیص مراجع ذیصلاح کاربری زراعی دارد ممنوع بوده و در ایجار آن‌ها پذیره دریافت نخواهد شد»، مغایرتی با قانون ندارد و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع ماده مزبور نمی‌باشد (ر.ک: رأی هیأت

عمومی دیوان عدالت اداری، کلاسه پرونده ۸۴/۸۶۷، شماره دادنامه ۱۰۵۵/۸۶، مورخ ۲۷ آذر ۱۳۸۶).

۲- به موجب رأی شماره ۳۵۶۱ مورخ ۴۲/۱۲/۲۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور: «هرگاه یکی از نسل موجود با داشتن فرزند فوت شود فرزند او با باقی ماندگان نسل در ارتفاع از مورد وقف و یا در امر تولیت و وصایت می‌تواند شرکت نماید و مادام که چند نفر حتی یک نفر هم از نسل مقدم باقی است، نوبت نسل بعد نخواهد رسید».

ماده ۱۳- قانون، تبعیت از مقررات وقفنامه را خواه تشریک و خواه ترتیب باشد دستور داده است اما تبصره ذیل ماده ۱۰ آیین‌نامه منحصراً امر بر تشریک نموده است ولو اینکه واقف ترتیب را مقرر کرده باشد (لازم به ذکر است تبصره فوق‌الذکر به موجب رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۳۱ تیر ۱۳۸۶، کلاسه پرونده ۲۳۱، ۸۵/۸۶، شماره دادنامه ۲۸۶/۸۶، ۲۸۷ ابطال گردید).

۳- آیین‌نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره و اهدایی در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۱۰ به تصویب هیأت وزیران رسید.

● ماده ۱۴- تحقیق در جمع و خرج عواید راجع به وقف و نیز صدور مفاسد حساب و تطبیق مصارف با مفاد وقفنامه و تشخیص متولی و ناظر و موقوف‌علیهم (با رعایت ماده ۷ این قانون و تبصره‌های آن) با شعب تحقیق اوقاف است مگر در موقوفات منصوص التولیه در صورتی که مظنه تعدی و تفریط متولی نباشد.

۱- «متولیان منصوصی که با تشخیص ادارات تحقیق سازمان حج و اوقاف و امور خیریه به استناد قسمت آخر ماده ۱۴ فوق‌الاشعار در مظان تعدی و تفریط نباشند از تسلیم صورت حساب درآمد و هزینه و اخذ مفاسد حساب از شعب تحقیق معاف بوده و ادارات حج و اوقاف و امور خیریه بر اعمال این‌گونه متولیان نظارت نخواهند نمود.

□ تبصره: در صورتی که این گونه متولیان بخواهند از معافیت مقرر در ماده ۲ قانون مالیات‌های مستقیم استفاده نمایند، ملزم به رعایت ضوابط مقرر در آیین‌نامه اجرایی آن قانون می‌باشند» (ر.ک: ماده ۳ طرح توجیه ادارات حج و اوقاف و امور خیریه در رابطه با متولیان موقوفات که در تاریخ ۱۳۶۹/۸/۷ به تأیید مقام معظم رهبری رسید).

۲- «به موجب ماده ۱۴ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان و آیین‌نامه‌های آن تحقیق در جمع و خرج عواید موقوفات و صدور مفاصا حساب و تطبیق مصارف آن با مفاد وقف‌نامه از وظایف شعب ادارات تحقیق است. لذا شعب مذکور موظفند همه ساله ضمن اقدام به موقع در این مورد اسامی متولیانی را که مشمول مواد ۲ و ۳ این طرح نباشند به ادارات حج و اوقاف و امور خیریه شهرستان مربوطه اعلام تا آن ادارات بتوانند به موقع در تنظیم اسناد معاملات راجع به عین یا منافع این قبیل موقوفات نظارت کامل نموده و امور موبوط به موقوفه با نظارت استصوابی ادارات حج و اوقاف و امور خیریه محل انجام گردد. بدیهی است به محض خروج هر یک از متولیان مشمول این ماده از مظان تعدی و تفریط موضوع نظارت نیز مرتفع خواهد شد» (ماده ۴، همان).

● ماده ۱۵- هیأت تحقیق اوقاف مرکب از دو قسمت حقوقی و حسابرسی است و شعب آن بر حسب ضرورت در مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها تأمین می‌گردد.

□ تبصره- ادارات اوقاف و اشخاص ذینفع در صورتی که اعتراض داشته باشند می‌توانند پس از ابلاغ نظر شعبه تحقیق اعتراض خود را در دادگاه‌های دادگستری طرح نمایند.

حکم این ماده در مورد بنیادها و مؤسسات خیریه و اماکن مذهبی اسلامی نیز جاری است.

رسیدگی به دعاوی له یا علیه اداره اوقاف از شمول صلاحیت رسیدگی شوراهای حل اختلاف خارج است (نظریه ۷/۱۹۸۹-۱۳۸۹/۳/۳۱ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

- ماده ۱۶- در مورد اراضی که برای احداث مراکز آموزشی یا درمانی وقف می‌شود در صورتی که متولی بدون عذر موجه در مدت مناسب با تشخیص سازمان اقدام مؤثری برای احداث آن مراکز نکند و الزام متولی هم به انجام آن ممکن نباشد سازمان می‌تواند حسب مورد آن اراضی را در اختیار وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشتی، سازمان بهزیستی، هلال احمر محل یا سازمان دیگری که وظایف آن متناسب با اهداف واقف باشد قرار دهد تا اقدام لازم به عمل آورند. وزارت بهداشتی به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تغییر نام یافته است.
- ماده ۱۷- آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون و کیفیت تحقیق در شعب تحقیق با پیشنهاد سازمان به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.
 - ۱- آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۱۰ به تصویب هیأت وزیران رسید.
 - ۲- آیین‌نامه کیفیت تحقیق در شعب تحقیق سازمان اوقاف و امور خیریه در تاریخ ۱۳۶۵/۹/۳۰ به تصویب هیأت وزیران رسید. البته عنوان آیین‌نامه مذکور به استناد مصوبه ۱۳۸۲/۸/۴ هیأت وزیران به «آیین‌نامه کیفیت تحقیق در شعب تحقیق سازمان اوقاف و امور خیریه» تغییر یافت.
- ماده ۱۸- کلیه قوانین و مقرراتی که با این قانون مغایرت دارد از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون لغو می‌گردد.

از قانون محاسبات عمومی کشور

« مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی

- ماده ۷۱ مکرر - (اصلاحی ۱۳۹۰/۲/۹) پرداخت هرگونه وجهی توسط وزارت خانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکتهای دولتی موضوع ماده (۲) (این قانون به دستگاههای اجرایی به عنوان کمک یا هدیه به صورت نقدی و غیرنقدی به جز در مواردی که در مقررات قانونی مربوط تعیین شده یا می شود ممنوع است. هدایای نقدی که با رعایت ماده (۴) (این قانون برای مصارف خاص به وزارت خانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکتهای دولتی اهداء می شود باید تنها به حساب بانکی مجاز که توسط خزانه داری کل کشور برای دستگاههای مذکور افتتاح شده یا می شود واریز گردد. مصرف وجوه مذکور با رعایت هدفهای اهداء کننده برابر آیین نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیأت وزیران می رسد، هدایایی که به طور غیرنقدی به وزارت خانه‌ها و مؤسسات دولتی اهداء می گردد، مشمول مقررات اموال دولتی خواهد بود و شرکت های دولتی این گونه موارد را باید طبق اصول حسابداری در دفاتر خود ثبت نمایند.

هدیای اهداء شده به سازمان بهزیستی کشور و کمیته امداد امام خمینی علیه السلام، مساجد، مصلاها، هلال احمر، ستاد دیده، ستاد اقامه نماز، بنیاد بیماری های خاص، بنیاد شهید و امور ایثارگران (گلزار شهدا)، سازمان انتقال خون ایران، کانون های فرهنگی بسیج، هیأت های ورزشی، امامزاده ها، حسینیه ها، دارالقرآن ها، دانشکده های علوم قرآنی، هیأت های مذهبی و پارک های علمی و فناوری هدیای خاص تلقی می شود و چنان چه اهداء کننده هدف خود را اعلام نکند با نظر شورای مشارکت مردمی با سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی علیه السلام به مصرف خواهد رسید. اجراء تعهدات معموله قبل از تصویب این قانون بلامانع است.

۱- اخذ رشوه و سوء استفاده از مقام اداری ممنوع است. استفاده از هرگونه امتیاز، تسهیلات، هدیه و موارد مشابه در مقابل انجام وظایف اداری و وظایف مرتبط با شغل کارمندان دستگاه های اجرایی در تمام سطوح از افراد حقیقی و حقوقی به جز دستگاه ذی ربط خود تخلف محسوب می شود (ر.ک: ماده ۹۱ قانون مدیریت خدمات کشوری).

۲- وزارت خانه واحد سازمانی مشخصی است که تحقق یک یا چند هدف از اهداف دولت را برعهده دارد و به موجب قانون ایجاد شده یا می شود و توسط وزیر اداره می گردد (ماده ۱ قانون مدیریت خدمات کشوری).

۳- مؤسسه دولتی واحد سازمانی مشخصی است که به موجب قانون ایجاد شده یا می شود و با داشتن استقلال حقوقی، بخشی از وظایف و اموری را که برعهده یکی از قوای سه گانه و سایر مراجع قانونی می باشد انجام می دهد (ماده ۲ قانون مدیریت خدمات کشوری).

۴- شرکت دولتی بنگاه اقتصادی است که به موجب قانون برای انجام قسمتی از تصدی های دولت به موجب سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، ابلاغی از

سوی مقام معظم رهبری جزء وظایف دولت محسوب می‌گردد، ایجاد و بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سرمایه و سهام آن متعلق به دولت می‌باشد (ماده ۴ قانون مدیریت خدمات کشوری).

۵- سازمان بهزیستی کشور که در راستای تحقق اهداف مندرج در اصول ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی ایران تشکیل یافته است، وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بوده و رییس آن توسط وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی منصوب می‌گردد (تبصره ۲ اصلاحی ۱۳۷۵/۱۱/۹ ماده واحده لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور مصوب ۱۳۵۹/۳/۲۴) به منظور جلب کمک‌های اشخاص حقیقی و حقوقی به سازمان بهزیستی کل کشور، شورایی به نام شورای مرکزی مشارکت‌های مردمی با بهزیستی در ستاد مرکزی سازمان تشکیل یافته که از جمله اعضای شورای مذکور، رییس سازمان اوقاف و امور خیریه می‌باشد (تبصره ۲ الحاقی ۱۳۷۵/۱۱/۹ ماده واحده لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور مصوب ۱۳۶۹/۳/۲۴).

۶- هلال احمر، کمیته امداد امام خمینی رضی الله عنه، بنیاد امور بیماری‌های خاص و بنیاد شهید در زمره نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی می‌باشند (ر.ک: قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیر دولتی مورخ ۱۳۷۳/۴/۱۹). اجرای قانون در مورد مؤسسات و نهادهای عمومی که تحت نظر مقام ولایت فقیه هستند، با اذن ایشان خواهد بود.

۷- غالباً حسینیه نوعی مکان عمومی برای عزاداری شیعیان و برگزاری مراسم تعزیه در ماه محرم است.

از قانون زمین شهری

« مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲ مجلس شورای اسلامی با اصلاحات بعدی

- ماده ۱- به منظور تنظیم و تنسيق امور مربوط به زمین و ازدیاد عرضه و تعدیل و تثبیت قیمت آن به عنوان یکی از عوامل عمده تولید و تأمین رفاه عمومی و اجتماعی و ایجاد موجبات حفظ و بهره‌برداری هر چه صحیح‌تر و وسیع‌تر از اراضی و هم‌چنین فراهم نمودن زمینه لازم جهت اجرای اصل ۳۱ و نیل به اهداف مندرج در اصول ۴۳ و ۴۵ و ۴۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای تأمین مسکن و تأسیسات عمومی مواد این قانون به تصویب می‌رسد و از تاریخ تصویب در سراسر کشور لازم‌الاجراء است.

● ماده ۱۰- (اصلاحیه ۳/۳۱/۱۳۹۰) از تاریخ تصویب قانون اراضی شهری مصوب ۱۳۶۰ کلیه زمین‌های متعلق به وزارت خانه‌ها و نیروهای مسلح و مؤسسات دولتی و بانک‌ها و سازمان‌های وابسته به دولت و مؤسساتی که شمول حکم مستلزم ذکر نام است و کلیه بنیادها و نهادهای انقلابی در اختیار وزارت راه و شهرسازی قرار می‌گیرد.

...

□ تبصره ۳- اراضی وقفی به وقفیت خود باقی است ولی اگر زمینی به عنوان وقف ثبت شده و در مراجع ذی صلاح ثابت شود که تمام یا قسمتی از آن موات بوده سند وقف زمین موات ابطال و در اختیار دولت قرار می‌گیرد لکن هرگونه واگذاری اراضی از طرف اوقاف یا آستان قدس رضوی و یا سایر متولیان بایستی بر طبق ضوابط شهرسازی و رعایت نظر واقف صورت گیرد.

۱- آیین‌نامه اجرایی قانون زمین شهری در تاریخ ۱۳۷۱/۳/۲۴ به تصویب هیأت وزیران رسید.

۲- وزارت مسکن و شهرسازی به وزارت راه و شهرسازی تغییر نام یافته است.

از قانون مالیات‌های مستقیم

« مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ مجلس شورای اسلامی با اصلاحات و الحاقات بعدی

- ماده ۲- (اصلاحیه ۱۳۸۰/۱۱/۲۷) اشخاص زیر مشمول پرداخت مالیات‌های موضوع این قانون نیستند:
 - ۱- وزارت خانه‌ها و مؤسسات دولتی.
 - ۲- دستگاه‌هایی که بودجه آن‌ها به وسیله دولت تأمین می‌شود.
 - ۳- شهرداری‌ها.

□ تبصره ۳- معافیت مالیاتی این ماده برای مواردی که از طرف حضرت امام خمینی رضی الله عنه یا مقام معظم رهبری دارای مجوز می‌باشند براساس نظر مقام معظم رهبری است.

۱- به موجب قانون اصلاح موادی از قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷، ماده ۲ و تعداد دیگری از مواد این قانون اصلاح گردیده که در متن قانون اعمال گردیده است.

۲- مالیات‌ها به عنوان یکی از عمده‌ترین منابع درآمدی دولت و در واقع اصلی‌ترین فهرست درآمدی بودجه دولت می‌باشند که غالباً صرف خدمات عمومی می‌شوند.

۳- اصل قانونی بودن مالیات، یکی از مهم‌ترین اصول حاکم بر حقوق مالیاتی است. بدین معنی که هیچ نوع مالیاتی را نمی‌توان از شهروندان جامعه اخذ نمود مگر به حکم قانون. اصل ۵۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان می‌دارد: «هیچ نوع مالیاتی وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون. موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص می‌شود».

۴- اصل عمومی بودن مالیات: بدین معنی که مالیات یک پرداخت عمومی است و می‌بایست به طور مساوات و با عنایت به توانایی مالی اشخاص میان آن‌ها تقسیم گردد.

۵- اصل معافیت مالیاتی: هم‌چنان که اخذ مالیات از شهروندان بایستی به موجب قانون باشد، موارد معافیت و یا تخفیف مالیاتی نیز به موجب مصوبات نمایندگان مجلس منتخب مردم صورت می‌پذیرد.

۶- کمک‌های اشخاص حقیقی و حقوقی برای احداث مساجد، به عنوان هزینه‌های قابل قبول مالیاتی محسوب می‌گردد (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: تصویب‌نامه هیأت وزیران مورخ ۱۳۸۷/۸/۵).

۷- هزینه‌های قابل قبول برای تشخیص درآمد مشمول مالیات عبارتند از هزینه‌هایی که در حدود متعارف متکی به مدارک بوده و منحصرأً مربوط به تحصیل درآمد مؤسسه در دوره مالی مربوط با رعایت حد نصاب‌های مقرر باشد. در مواردی که هزینه‌ای در قانون مالیات‌های مستقیم پیش‌بینی نشده باشد و یا بیش از نصاب‌های مقرر در قانون مذکور بوده ولی پرداخت آن به موجب قانون و یا

مصوبه هیأت وزیران صورت گرفته باشد، قابل قبول خواهد بود.

۸- ادارات اوقاف و امور خیریه تنها مرجع تأیید اسناد هزینه کمک اشخاص حقیقی و حقوقی برای احداث مساجد می‌باشند (برای مطالعه بیشتر ر.ک: تصویب‌نامه هیأت وزیران مورخ ۱۳۸۷/۹/۵).

۹- فقدان شفافیت و صراحت در قوانین مالیاتی، عدم تجمیع موارد معافیت در یک قانون واحد، معافیت مالیاتی برخی از مؤسسات عمومی غیر دولتی از مهم‌ترین چالش‌های معافیت‌های مالیاتی در کشور است.

۱۰- معافیت مالیاتی در مغایرت با اصل تساوی عموم در پرداخت مالیات قرار دارد. از این‌رو در وضع قوانین مربوط به معافیت مالیاتی مسجد و رقبات مربوط به آن می‌بایست مطالعات و بررسی‌های لازم صورت پذیرد.

● ماده ۲۴- (اصلاحیه ۱۳۸۰/۱۱/۲۷) اموال زیر از شمول مالیات این فصل خارج است:

۳- اموالی که برای سازمان‌ها و مؤسسه‌های مذکور در ماده (۲) این قانون مورد وقف یا نذر یا حبس واقع گردد به شرط تأیید سازمان‌ها و مؤسسه‌های مذکور.

۱- اموالی که برای وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی، شهرداری‌ها و دستگاه‌هایی که بودجه آن‌ها توسط دولت تأمین می‌گردد مورد وقف، نذر و یا حبس واقع گردند و اشخاص فوق‌الذکر آن را تأیید نمایند، از شمول مالیات بر ارث خارج می‌باشند.

۲- به منظور استفاده از معافیت مالیاتی در خصوص اموالی که وقف، حبس، نذر و یا وصیت قرار می‌گیرند، باید گواهی لازم از مراجع صلاحیت‌دار دولتی یا شهرداری مربوط یا مرجع مورد قبول دولت مبنی بر اعمال نظارت، اخذ گردد و به انضمام

نسخه‌ای از تصویر یا رونوشت مصدق وقف‌نامه، حبس‌نامه، نذرنامه و یا وصیت‌نامه معتبر به اداره امور اقتصادی و دارایی محل تسلیم شود (برای مطالعه بیشتر ر.ک: آیین‌نامه اجرایی بند ۳ از ماده ۲۴ قانون مالیات‌های مستقیم، مصوب ۱۳۷۲/۱۲/۲۴ هیأت وزیران).

۳- علاوه بر معافیت مالیاتی در نظر گرفته شده در قانون مالیات‌های مستقیم، سازمان اوقاف و امور خیریه، موقوفات عام، بقاع متبرکه و اماکن مذهبی اسلامی (از جمله مساجد) از پرداخت مخارج و هزینه‌های دادرسی و ثبتی و اجرایی نیز معاف می‌باشند.

۴- «با توجه به نظریه فقهای محترم شورای نگهبان به شرح بین‌الهللین (دریافت مالیات بر رقبات موقوفات عام و خاص خلاف شرع انور است، اما مالیات بر درآمد اشکالی ندارد)، به استناد قسمت اول ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری تصمیم شماره ۳۰/۴/۳۴۴۲ مورخ ۶۹/۲/۴ هیأت عمومی شورای عالی ابطال می‌گردد» (رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۲ تیر ۱۳۷۵، کلاسه پرونده ۷۴/۷۷، شماره دادنامه ۵۶/۷۵).

- ماده ۳۸- اموالی که به موجب وقف یا حبس یا نذر یا وصیت منتقل می‌شود در صورتی که از موارد معافیت مذکور در بند ۳ ماده ۲۴ این قانون نباشد و یا مشمول مقررات فصل مالیات بر درآمد اتفاقی نگردد به شرح زیر مشمول مالیات است:
الف- در مورد وقف و حبس، منافع مال هر سال مشمول مالیات به نرخ مقرر در ماده (۱۳۱) این قانون خواهد بود.
ب- در نذر و وصیت چنانچه منافع مورد نذر و وصیت باشد، به شرح بند (الف) فوق و در صورتی که عین مال مورد نذر و وصیت باشد ارزش مال طبق مقررات این فصل تعیین و یکجا به نرخ مقرر برای وراثت طبقه دوم مشمول مالیات خواهد بود.

□ تبصره ۱- مال مورد وصیت وقتی مشمول مالیات خواهد بود که وصیت با فوت موصی قطعی شده باشد.

□ تبصره ۲- (اصلاحی ۱۳۸۰/۱۱/۲۷) اداره امور مالیاتی صلاحیت دار در مورد وقف و حبس و نذر و وصیت اداره ای است که محل اقامت متولی یا حبس و نذر کننده یا موصی در محدوده آن واقع است و در صورتی که افراد مذکور مقیم ایران نباشند اداره امور مالیاتی مربوط در تهران خواهد بود.

□ تبصره ۳- (اصلاحی ۱۳۸۰/۱۱/۲۷) دفاتر اسناد رسمی و ادارات ثبت اسناد و محاکم دادگستری و سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و اداره سرپرستی صغار و محجورین و هم چنین بانک ها و سایر مؤسسات مجاز نخواهند بود به مفاد وصیت نامه ای ترتیب اثر دهند مگر این که گواهی نامه اداره امور مالیاتی مبنی بر این که وصیت نامه مذکور از طرف وصی یا وراثت به اداره امور مالیاتی صلاحیت دار تسلیم شده است، ارایه گردد.

۱- با توجه به ماده ۱۳۱ قانون مالیات های مستقیم، نرخ مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی به استثنای مواردی که طبق مقررات این قانون دارای نرخ جداگانه ای می باشد به شرح زیر است:

- تا میزان سی میلیون (۳۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه به نرخ پانزده درصد (۱۵%)

- تا میزان یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه نسبت به مازاد سی میلیون (۳۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال به نرخ بیست درصد (۲۰%)
- تا میزان دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه نسبت به مازاد یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال به نرخ بیست و پنج درصد (۲۵%)

- تا میزان یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه نسبت به مازاد دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال به نرخ سی درصد (۳۰%)
- نسبت به مازاد یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات

سالانه به نرخ سی و پنج درصد (۳۵٪)

۲- به موجب مصوبه شماره ۴۶۲/د ش شورای عالی اداری مورخ ۱۳۷۰/۸/۱۵ و در راستای اجرای اوامر مقام معظم رهبری در خصوص کیفیت اداره امور حج و زیارت، نام سازمان حج و اوقاف و امور خیریه به «سازمان اوقاف و امور خیریه» تغییر یافته و کلیه امور مربوط به حج و زیارت از سازمان مزبور منتزع و به سازمان حج و زیارت که سازمانی مستقل زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌باشد واگذار شده است.

۳- مطابق قانون اصلاح قانون مالیات بر ارث و انتقالات بلاعوض، اموال منقول و غیر منقولی که به صورت بلاعوض به شخصی داده می‌شود، در صورتی که به منظور امور خیریه و یا امور عام‌المنفعه مانند مساجد و تکایا داده شود، از پرداخت مالیات معاف خواهد بود.

● ماده ۳۹- (اصلاحی ۱۳۸۰/۱۱/۲۷) در مورد وقف، متولی و در مورد حبس و نذر، حبس و نذرکننده و در مورد وصیت، وصی مکلفند حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ وقوع عقد یا فوت موصی حسب مورد اظهارنامه‌ای روی نمونه‌ای که از طرف سازمان امور مالیاتی کشور تهیه می‌شود، حاوی مشخصات و ارزش مال مورد وقف یا حبس یا نذر یا وصیت به انضمام اسناد مربوط به اداره امور مالیاتی صلاحیت‌دار تسلیم و رسید دریافت دارند و همچنین در صورتی که مورد از مصادیق بند «الف» ماده (۳۸) این قانون باشد مالیات منافع هر سال را تا آخر تیر ماه سال بعد و چنان چه مورد از مصادیق قسمت اخیر بند «ب» ماده مزبور باشد مالیات متعلق را حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ انقضای مهلت تسلیم اظهارنامه پرداخت کنند و یا از تسهیلات مذکور در مواد (۴۰ و ۴۱) این قانون استفاده نمایند.

□ تبصره- (اصلاحی ۱۳۸۰/۱۱/۲۷) در مواردی که موضوع وقف یا حبس یا نذر یا وصیت از

مصادیق بند «۳» ماده (۲۴) این قانون و یا مشمول مقررات فصل مالیات بر درآمد اتفاقی باشد متولی، یا حبس یا نذر کننده، یا وصی حسب مورد مکلفند مشخصات اموال مورد وقف یا حبس یا نذر یا وصیت و مشخصات ذی نفع را روی نمونه‌ای که از طرف سازمان امور مالیاتی کشور تهیه می‌شود درج و حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ وقوع عقد یا فوت موصی به اداره امور مالیاتی صلاحیت‌دار تسلیم و رسید دریافت دارند.

هر نوع انتقال بلاعوض و وقف و حبس و وصیت که به نفع مؤسسات مذهبی و خیریه و سازمان‌های فرهنگی و بهداشتی مصرح در مواد مربوط به معافیت قانون مالیات‌های مستقیم صورت گیرد از پرداخت حق ثبت معاف خواهد بود (برای مطالعه بیشتر ر.ک: ماده ۵۱ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۵).

● ماده ۷۵- از نظر مالیاتی مستأجرین املاک اوقافی اعم از این که اعیان مستحدثه در آن داشته یا نداشته باشند نسبت به عرصه مشمول مقررات این فصل خواهند بود.

● ماده ۱۳۹- (اصلاحی ۱۳۸۰/۱۱/۲۷) الف موقوفات، نذورات، پذیره، کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیرنقدی آستان قدس رضوی، آستان حضرت عبدالعظیم الحسنی علیه السلام، آستانه حضرت معصومه علیها السلام، آستان حضرت احمد ابن موسی علیه السلام «شاه چراغ»، آستان مقدس حضرت امام خمینی رحمته الله علیه، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا و سایر بقاع متبرکه از پرداخت مالیات معاف است. تشخیص سایر بقاع متبرکه به عهده سازمان اوقاف و امور خیریه می‌باشد.

...

د- کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیرنقدی مدارس علوم اسلامی از پرداخت مالیات معاف است. تشخیص مدارس علوم اسلامی با شورای مدیریت حوزه علمیه قم می‌باشد.

...

و- آن قسمت از درآمد صندوق عمران موقوفات کشور که به مصرف عمران موقوفات برسد از پرداخت مالیات معاف است.

...

ح- آن قسمت از درآمد موقوفات عام که طبق موازین شرعی به مصرف اموری از قبیل تبلیغات اسلامی، تحقیقات فرهنگی، علمی، دینی، فنی، اختراعات، اکتشافات، تعلیم و تربیت، بهداشت و درمان، بنا و تعمیر و نگهداری مساجد و مصلاها و حوزه‌های علمیه و مدارس علوم اسلامی و مدارس و دانشگاه‌های دولتی، مراسم تعزیه و اطعام، تعمیر آثار باستانی، امور عمرانی و آبادانی، هزینه یا وام تحصیلی دانش‌آموزان و دانشجویان، کمک به مستضعفان و آسیب‌دیدگان حوادث ناشی از سیل، زلزله، آتش‌سوزی، جنگ و حوادث غیرمترقبه دیگر برسد، مشروط بر این که درآمد و هزینه‌های مزبور به تأیید سازمان اوقاف و امور خیریه رسیده باشد، از پرداخت مالیات معاف است.

ط- کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیرنقدی مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه که به ثبت رسیده‌اند، مشروط بر آن که به موجب اساس‌نامه آن‌ها صرف امور مذکور در بند (ح) این ماده شود و سازمان امور مالیاتی کشور بر درآمد و هزینه آن‌ها نظارت کند، از پرداخت مالیات معاف است.

...

ک- موقوفات و کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیرنقدی انجمن‌ها و هیأت‌های مذهبی مربوط به اقلیت‌های دینی مذکور در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مشروط بر این که رسمیت آن‌ها به تصویب وزارت کشور برسد، از پرداخت مالیات معاف است.

...

□ تبصره ۱- وجوهی که از فعالیت‌های غیر انتفاعی و به منظور پیشبرد اهداف و وظایف اشخاص موضوع این ماده از راه برگزاری دوره‌های آموزشی، سمینارها، نشر کتاب و نشریه‌های دوره‌ای و ... در چارچوب اساس نامه آن‌ها تحصیل می‌شود و سازمان امور مالیاتی کشور بر درآمد و هزینه آن‌ها نظارت می‌کند، از پرداخت مالیات معاف است.

□ تبصره ۲- حکم تبصره (۲) ماده (۲) این قانون در مورد درآمد مشمول مالیات اشخاص موضوع این ماده جاری می‌باشد.

□ تبصره ۳- آیین‌نامه اجرایی موضوع این ماده به وسیله سازمان امور مالیاتی کشور تهیه و با پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

□ تبصره ۴- مفاد این ماده در مواردی که از طرف حضرت امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ یا مقام معظم رهبری دارای مجوز می‌باشند بر اساس نظر مقام معظم رهبری انجام می‌گیرد.

۱- معافیت مالیاتی موضوع بند «الف»، صرفاً در خصوص بقاع موصوفی جاری است که فهرست آن‌ها توسط سازمان اوقاف و امور خیریه به سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌گردد. تشخیص سایر بقاع متبرکه، بر عهده سازمان اوقاف می‌باشد.

۲- معافیت موضوع بند «و» در صورتی است که هر سال توسط سازمان اوقاف و امور خیریه، گواهی لازم مبنی بر این که درآمد صندوق عمران موقوفات به مصرف عمران موقوفات کشور رسیده صادر شود و حداکثر تا پایان تیر ماه سال بعد به سازمان امور مالیاتی کشور تسلیم گردد.

۳- در صورتی آن قسمت از درآمد موقوفات عام که طبق موازین شرعی به مصرف بنا و تعمیر و نگهداری مساجد می‌رسد از پرداخت مالیات معاف می‌باشند که:
الف- صورت حساب درآمد و هزینه هر سال مالی موقوفه حداکثر تا ۴ ماه پس از پایان سال مالی به اداره اوقاف و امور خیریه مربوط تسلیم شود.

ب- ادارات اوقاف و امور خیریه نسخه‌ای از صورت حساب مزبور را ظرف شش ماه از تاریخ وصول به اداره امور مالیاتی محل موقوفه تسلیم نمایند.

۴- به طور کلی در مورد موقوفات عام در صورتی که فاقد متولی، امین و یا مدیر باشند، مسئولیت انجام تکالیف مقرر در قانون مالیات‌های مستقیم به عهده اداره اوقاف و امور خیریه مربوط خواهد بود.

۵- بند «ط» ماده ۱۳۹ آیین‌نامه اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۰، به نحوه معافیت مالیاتی سازمان‌های مردم‌نهاد (غیردولتی) خیریه‌ای اشاره دارد.

۶- بهره‌مند شدن از معافیت‌های مذکور در ماده ۱۳۹ قانون مالیات‌های مستقیم، منوط به رعایت مقرراتی از جمله: تسلیم به موقع اظهارنامه، ترازنامه، حساب سود و زیان، کسر و پرداخت مالیات اشخاص ثالث و رعایت سایر شرایط و ترتیبات مقرر در قانون مالیات‌های مستقیم و آیین‌نامه اجرایی موضوع تبصره (۳) ماده (۱۳۹) است.

۷- تعرفه‌های آب، برق و گاز مصرفی مساجد، حوزه‌های علمیه و حسینیه‌ها بر مبنای تعرفه آموزشی محاسبه و پرداخت خواهد شد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷).

۸- در اجرای ماده (۱۸۰) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹، معادل ده درصد (۱۰٪) از دو درصد (۲٪) اعتبارات بودجه عمومی دولت در قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور که به منظور مطالبه و یا اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها به بخش‌های دولتی، غیردولتی و خصوصی اختصاص یافته است برای امور فرهنگی از جمله کمک به مساجد، سازماندهی حسینیه‌ها، امور مذهبی و سازمان تبلیغات اسلامی در نظر گرفته می‌شود.

۹- آیین‌نامه اجرایی موضوع تبصره (۳) ماده (۱۳۹) اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم در تاریخ ۱۳۸۱/۱۱/۳۰ به تصویب هیأت وزیران رسید.

۱۰- حکم مقرر در بند ح ماده ۱۳۹ قانون اصلاح موادی از قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ که شرط برخورداری موقوفات عام از معافیت مالیاتی را مصرف شدن درآمد موقوفات عام در امور مصرح در بند ح ماده ۱۳۹ قانون مذکور دانسته است و این درآمدها و هزینه‌ها باید به تأیید سازمان اوقاف و امور خیریه برسد، مؤید این معنی است که همه درآمدها و همه هزینه‌های موقوفات عام علی‌الاطلاق از معافیت برخوردار نیست و لازمه آن این است که درآمدها باید در امور مورد نظر قانون‌گذار هزینه شود. نیل به این مقصود حاصل نمی‌شود جز از طریق ارایه اظهارنامه مالیاتی و ترازنامه و حساب سود و زیان، تا مشخص شود موقوفه به چه میزان درآمد حاصل کرده است و چه میزان از آن در امور منظور نظر قانون‌گذار هزینه شده است. مضافاً این که قانون‌گذار در تبصره ۲ ماده ۱۱۹ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۱/۸ تسلیم اظهارنامه مالیاتی در موعد مقرر را شرط برخورداری از هرگونه معافیت مالیاتی ذکر کرده است. با توجه به مراتب ماده ۱۵ آیین‌نامه اجرایی مورد اعتراض با قانون مغایرت ندارد و قابل ابطال نیست (برای مطالعه بیشتر ر.ک: رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، کلاسه پرونده ۸۹/۴۶۰، شماره دادنامه ۲۴۰، مورخ ۲ مرداد ۱۳۹۱).

۱۱- با عنایت به تبصره ۵ ماده ۲ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفند ۱۳۶۶ که مقرر داشته است «در هر سال مالی که شرایط و ترتیبات مقرر در این ماده و آیین‌نامه اجرایی آن رعایت نشود، معافیت مالیات مقرر نسبت به اشخاص مذکور در بندهای ۳ و ۴ و ۵ این ماده برای آن سال جاری نبوده و درآمدهای سال مزبور آن‌ها طبق مقررات مربوط مشمول مالیات خواهد بود» (ماده ۲ قانون مالیات‌های مستقیم در تاریخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ اصلاح گردید).

لزوم انجام مطلق تکالیف قانونی در ظرف زمان معین، ماده ۹ آیین نامه اجرایی بند ۳ ماده ۲ قانون مالیات‌های مستقیم در باب تعلق مالیات به درآمد موقوفات عام در صورت عدم تسلیم صورت حساب درآمد و هزینه‌های موقوفه تا پایان خرداد ماه سال بعد مغایرتی با قانون ندارد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۶ آذر ۱۳۷۹، کلاس پرونده ۷۸/۲۸۹، شماره دادنامه ۲۵۶/۷۹).

از قانون کار

« مصوب ۱۳۶۸/۷/۲ مجلس شورای اسلامی و تصویب نهایی مجمع تشخیص مصلحت نظام مورخ ۱۳۶۹/۸/۲۹

• ماده ۱۹۱- کارگاه‌های کوچک کمتر از ده نفر را می‌توان بر حسب مصلحت موقتاً از شمول بعضی از مقررات این قانون مستثنی نمود. تشخیص مصلحت و موارد استثناء به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که با پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

۱- در قوانین کار سال‌های ۱۳۲۵ و ۱۳۲۸، اصل بر شمول قانون کار نبود و کارگاه‌هایی مشمول قانون کار تلقی می‌شدند که توسط مقامات صلاحیت‌دار مشخص می‌گردیدند و موردی برای بیان استثنائات کارگاه‌های کوچک وجود نداشت. قانون کار سال ۱۳۲۷ اصولاً همه کارگاه‌ها را مشمول قانون کار قرار داد و به موجب ماده (۶) این قانون، وزارت کار می‌توانست کارگاه‌هایی را که کمتر از ۱۰ نفر کارگر دارند موقتاً از شمول قسمتی از قانون کار معاف نماید. اگرچه استثنای مزبور در زمان تصویب شگفت‌آور نبود، لیکن به لحاظ حقوقی می‌توانست مورد ایراد باشد و

انتظار می‌رفت در قانون کار سال ۱۳۶۹ چنین استثنایی در نظر گرفته نشود و در متن مصوب مجلس هم بدین استثنا اشاره‌ای نشده بود ولی در مجمع تشخیص مصلحت نظام، استثنای مقرر در تبصره یک ماده شش قانون کار سال ۱۳۳۷ با اندکی تغییر به شکل ماده ۱۹۱ در قانون جدید کار نیز برقرار شد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: پرستش، رضا، بررسی وضعیت کارگاه‌های کوچک از نظر شمول قانون کار، راه وکالت، شماره دوم، پاییز و زمستان ۸۸، صص ۱۹-۱۵).

۲- در ماده (۱۹۱) قانون کار برای عدم شمول قانون کار شرایطی ذکر شده است که عبارتند از:

- ۱- تعداد کارگران کم‌تر از ۱۰ نفر باشد.
- ۲- استثناء اختیاری است، نه اجباری.
- ۳- استثناء از قانون کار باید بر اساس مصلحت باشد.
- ۴- استثناء موقتی است نه دائمی.
- ۵- استثناء قسمتی از قانون کار است نه همه آن.
- ۶- تشخیص مصلحت و تعیین موارد استثناء به موجب آیین‌نامه هیأت وزیران استثنایی از شمول قانون کار به وجود نمی‌آورد. (پرستش، رضا، همان، ص ۱۶).

۳- هیأت وزیران به استناد ماده یاد شده، طی آیین‌نامه مصوب ۱۳۷۳/۱۱/۲۶، خدام و کارکنان بقاع متبرکه، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، مدارس علوم دینی موقوفه و موقوفات عام غیرتولیدی را در مواردی که اماکن مزبور سه نفر یا کمتر خادم دارند، به مدت پنج سال از شمول مواد ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۱، ۳۲، ۴۱، ۵۱ و ۵۸ قانون کار مستثنی (یا به تعبیر خود آیین‌نامه، معاف) نموده است و مقرر داشت: «روابط کار بین طرفین در زمینه مواد مستثنی شده بر اساس دستورالعملی است که سازمان اوقاف و امور خیریه تهیه می‌کند و به تصویب نماینده ولی فقیه در سازمان می‌رسد». لازم به ذکر است این دستورالعمل توسط نماینده محترم ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه صادر گردید. هم‌چنین به موجب

اصلاحیه سال ۱۳۸۹، عبارت سه نفر به پنج نفر تغییر یافت.

۴- آیین‌نامه مذکور در سال ۷۹ و هم‌چنین در سال ۸۵ برای دو دوره پنج‌ساله دیگر تمدید گردید. نکته حایز اهمیت این است که مواد مستثنی شده از مواد اصلی حمایت کارگران در قانون کار می‌باشد که شامل منع فسخ یک‌جانبه قرارداد در قراردادهای موقت و کار معین (ماده ۲۵)، ممنوعیت تغییر عمده در شرایط کار (ماده ۲۶) اخراج و مراحل آن (ماده ۲۷)، پرداخت حق سنوات سالی یک ماه در بازنشستگی و از کارافتادگی (ماده ۳۱) پرداخت حق سنوات سالی دو ماه از کارافتادگی ناشی از کار (ماده ۳۲) تعیین حداقل دست‌مزد توسط شورای عالی کار (ماده ۴۱)، تعیین حداکثر ساعت کار روزانه (ماده ۵۱) و پرداخت ۰۳۵٪ اضافه بر مزد ساعت برای کار در شب تنها به کارگران غیر نوبتی (ماده ۵۸) می‌باشد که چنین کارگرانی از تمام این حمایت‌های قانون کار محروم می‌باشند (پرستش، رضا، همان، ص ۱۷).

۵- نکته قابل تأمل آن است که آیا نماینده ولی فقیه در سازمان اوقاف و امور خیریه می‌تواند مرجعی برای تصویب دستورالعملی باشد که این‌گونه کارگاه‌ها و کارگران را از حق حمایت قانون کار و سایر قوانین و مقررات محروم می‌نماید؟ هم‌چنین با توجه به نظر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر ممنوعیت تعیین مقررات جدید در موارد استثناء چنین دستورالعملی محل اشکال است (پرستش، رضا، همان، ص ۱۸).

۶- از بررسی موارد استثناء شده از قانون کار در کارگاه‌های کوچک چنین بر می‌آید که عملاً بخش وسیعی از کارگران از حمایت‌های قانون کار خارج گردیدند که با فرض قبول خادمین مساجد در زمره کارگران کشور، چنین قانونی با فلسفه قانون کار مبنی بر حمایتی بودن آن نسبت به کارگران در تعارض است.

از قانون حمایت قضایی از بسیج

« مصوب ۱۳۷۱/۱۰/۱ مجلس شورای اسلامی

• ماده ۵- نیروی مقاومت بسیج موظف است نسبت به جذب آحاد مردم از تمامی اقشار و صنوف و ایجاد رده‌های مقاومت در مساجد، ادارات، کارخانجات و مراکز آموزشی اقدام نماید و کلیه مسئولین ادارات و نهادها و کارخانجات، امور مساجد و مراکز آموزشی موظف به همکاری و فراهم نمودن تسهیلات و امکانات لازم موضوع این قانون می‌باشند.

۱- مراد از امور مساجد، مرکز رسیدگی به امور مساجد می‌باشد.

۲- به منظور ایجاد زمینه‌های هماهنگی، تعامل، هم‌افزایی و ارتقای سطح کیفی خدمات و اثربخشی تلاش نهادهای فعال در جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی و نیز تقویت ارتباطات هدفمند پایگاه‌های بسیج و ائمه جماعت مساجد، تفاهم‌نامه‌ای میان ریاست مرکز رسیدگی به امور مساجد در استان تهران با جانشین قرارگاه ثارالله (با حفظ سمت، فرمانده سپاه حضرت محمد رسول‌الله در استان تهران) و

مسئول نمایندگی ولی فقیه در قرارگاه ثارالله در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۳۰ منعقد گردید.

۳- مساجد کانون حیات طیبه و محور اصلی بوده و امام جماعت مسجد، مدیر طبیعی مسجد تلقی می‌گردد. لذا در فضای داخلی مسجد هر فعالیتی تحت اشراف، با مدیریت و تأیید امام جماعت انجام خواهد پذیرفت (بند ۲ ماده ۱ تفاهم‌نامه ارتقای سطح همکاری‌ها بین مرکز رسیدگی به امور مساجد و قرارگاه ثارالله).

۴- استقلال پایگاه‌های بسیج در اقتضانات داخلی و درون تشکیلاتی خود و هم‌چنین فعالیت‌های ایشان در فضای خارجی مساجد بر اساس دستورالعمل‌های ابلاغی فرمانده مربوطه، از سوی ائمه جماعات مساجد، به رسمیت شناخته خواهد شد (بند ۳ ماده ۱، همان).

۵- از تاریخ انعقاد تفاهم‌نامه به بعد، در شاخص‌های ارزشیابی و سطح‌بندی مساجد و ائمه جماعات مساجد، میزان حسن تعامل با پایگاه‌های بسیج مسجد به عنوان یک شاخص، مدنظر مرکز رسیدگی به امور مساجد خواهد بود. متقابلاً در تعیین و ارزشیابی فرماندهان پایگاه‌ها نیز، نظر ائمه جماعات مساجد، مورد توجه جدی سازمان بسیج قرار خواهد گرفت (بند ۸ ماده ۱، همان).

۶- امام مسجد، در هر سطحی از توان و قوت، یگانه مدیر در تمام شؤونات مسجد تلقی می‌گردد و در بروز هرگونه مشکلی، با حفظ حرمت امام، مرکز رسیدگی به امور مساجد به عنوان ناظر بر عملکرد امام، مخاطب قرار خواهد گرفت و با لحاظ اولویت‌ها برای اصلاح یا تغییر تصمیم خواهد گرفت و صرف‌نظر از ماهیت تصمیم اتخاذ شده، سایر ارکان و اقمار از آن تبعیت و همکاری لازم را مبذول خواهند نمود (بند ۱۰ ماده ۱، همان).

۷- مرکز رسیدگی به امور مساجد تلاش می‌نماید، زمینه‌های لازم را برای افتتاح

پایگاه‌های مقاومت جدید در مساجدی که فاقد این پایگاه‌ها می‌باشند ایجاد نماید (بند ۱۶ ماده ۱، همان).

۸- استفاده از ظرفیت حضور بسیجیان پایگاه‌های مقاومت در مساجد، تنها در ساعات متعارف و یا زمان‌های مورد نیاز مساجد و با هماهنگی و تحت مدیریت امام جماعت مسجد مقدر خواهد بود (بند ۱۸ ماده ۱، همان).

۹- در متن احکام صادره برای ائمه جماعات و فرماندهان پایگاه‌های بسیج، لزوم حمایت و هماهنگی با یکدیگر درج خواهد گردید (بند ۱۹ ماده ۱، همان).

۱۰- در صورت ایجاد ضرورت برای جابجایی محل استقرار پایگاه بسیج در مسجد، به دلیل وجود اسناد و تجهیزات و لزوم به کارگیری تدابیر لازم در این ارتباط، هرگونه اقدامی بر اساس صورت جلسه تنظیمی در کمیته هماهنگی نواحی صورت خواهد پذیرفت.

۱۱- اجرایی نمودن تفاهم‌نامه مذکور از طریق عضویت و شرکت فعال فرماندهی سازمان بسیج در شهر تهران و شهرستان‌های استان در جلسات ستاد سامان‌دهی امور مساجد و نیز تشکیل شورای هماهنگی، کمیته اجرایی و کمیته هماهنگی نواحی با حضور نمایندگان دو مجموعه خواهد بود (بندهای الف، ب، ج، د ماده ۳، همان).

۱۲- دو نفر به عنوان بازرس امین طرفین جهت بررسی میدانی و وضعیت تعاملات و بازرسی دوره‌ای و مشترک انتخاب و معرفی می‌گردند (بند هـ- ماده ۳، همان).

۱۳- حل و فصل احتمالی میان طرفین، در گام اول در سطح نواحی و در غیر این صورت در سطح کمیته اجرایی مرکزی انجام خواهد پذیرفت (تبصره ماده ۳، همان).

۱۴- اگرچه توافق مذکور میان دو مجموعه در سطح استان تهران می‌باشد اما می‌تواند الگوی مناسبی برای سایر استان‌های کشور جهت پرهیز از منازعات میان مساجد و پایگاه‌های مقاومت بسیج تلقی گردد.

قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه

« مصوب ۱۳۷۱/۱۱/۲۵ مجلس شورای اسلامی

● ماده واحده- از تاریخ تصویب این قانون کلیه موقوفات عام که بدون مجوز شرعی به فروش رسیده یا به صورتی به ملکیت درآمده باشد به وقفیت خود برمی گردد و اسناد مالکیت صادرشده باطل و از درجه اعتبار ساقط است.

□ تبصره ۱- پس از ابطال سند مالکیت در مواردی که موقوفه قابل اجاره باشد و متصرف تقاضای اجاره کند با رعایت مصلحت وقف و حقوق مکتسبه متصرف قرارداد اجاره با متصرف تنظیم خواهد شد.

□ تبصره ۲- کلیه املاک مزروعی که در اجرای قانون اجازه تبدیل به احسن و واگذاری دهات و مزارع موقوفات عام مصوب ۱۳۵۰/۱/۲۹ و سایر مراحل اصلاحات ارضی به زارعین صاحب نسق انتقال و بین آنان تقسیم شده با حفظ مصلحت وقف با متصرفین وزارت عان صاحب نسق با رعایت حقوق اکتسابی آنان اجاره نامه تنظیم می شود و جوهی که قبلاً از طرف دولت بابت املاک مزبور مطابق ماده واحده پرداخته شده بابت اهدایی دولت به موقوفه محسوب و از تاریخ تحویل زمین

به متصرف اجرت‌المثل زمین توسط کارشناس رسمی یا خبره محلی تعیین و با محاسبه وجوه پرداختی قبلی متصرف تهاتر و کسر یا اضافه آن محاسبه خواهد گردید.

□ تبصره ۳- کسانی که زمین یا خانه موقوفه‌ای را بدون اطلاع از وقفیت از اشخاص حقیقی یا حقوقی خریداری نموده و به موجب این قانون اسناد مالکیت آن باطل می‌شود می‌توانند برای دریافت خسارت وارده به فروشنده رجوع نمایند. در صورتی که متصرف طبق تبصره (۱) این قانون تقاضای اجاره نماید سازمان اوقاف می‌تواند از تاریخ تصویب این قانون با متصرف تنظیم اجاره نماید.

□ تبصره ۴- در کلیه موارد مذکور در تبصره‌های فوق در صورتی که متصرف و یا زارع صاحب نسق در مواعدی که به وسیله واحدهای اوقافی تعیین و کتباً به آنان ابلاغ می‌نماید ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخ رؤیت نامه اوقاف از تنظیم سند اجاره با موقوفه خودداری نمایند سازمان می‌تواند موقوفه را به اشخاص داوطلب اجاره دهد. بدیهی است در این صورت متولی اوقاف باید چنانچه متصرف و یا زارع صاحب نسق حقوق مکتسبه داشته باشد بهای آن را به متصرف و یا زارع صاحب نسق با نظر کارشناس پرداخت نمایند در صورت بروز اختلاف فیما بین طرفین، موضوع به مراجع قضایی احاله و محاکم مکلفند این گونه موارد را خارج از نوبت رسیدگی و تعیین تکلیف نمایند.

□ تبصره ۵- در مواردی که جهت مورد نظر واقف تغییر یافته باشد بایستی به نظر واقف عمل شود.

□ تبصره ۶- کلیه قوانین و مقررات مغایر با این ماده و تبصره‌های آن لغو و کان لم یکن می‌باشد. وزارت کشاورزی و سازمان اوقاف موظفند آیین‌نامه اجرایی این قانون را ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب این قانون تهیه و پس از تصویب هیأت دولت به اجرا در آورند.

۱- قانون ابطال اسناد فروش، رقبات، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۶۳ ناظر بر کلیه موقوفات می‌باشد. البته در سال ۱۳۷۱ قانون دیگری با همین نام به تصویب رسیده که صرفاً ناظر بر موقوفات عام است.

۲- خروجی اراضی موقوفات از ید متولی شرعی به عنوان مراتع و منابع طبیعی بدون توجه به دلایل شرعی مبنی بر وضعیت ملک از قبیل ید، بینه، شیاع محلی، اقرار متصرف، سیره جاری عمل به وقف و سابقه ثبتی، خلاف موازین شرعی است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، کلاسه پرونده ۶۸۲/۸۹، شماره دادنامه ۷۸۱، مورخ ۲۵ دی ۱۳۹۱).

۳- در ماده واحده قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۷۱، صرفاً «موقوفات عام» مورد حکم قرار گرفته‌اند. بنابراین قانون مذکور اختصاص به موقوفات عام داشته و قابل تسری به موقوفات خاص نمی‌باشد. نظر به اینکه در تبصره ۶ ماده واحده قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۷۱، صرفاً قوانین و مقررات مغایر، لغو و کان لم یکن تلقی شده است، لذا آن قسمت از قانون ابطال اسناد فروش رقبات آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۶۳ و آیین‌نامه اجرایی آن که ناظر به موقوفات خاص است کماکان معتبر بوده و اقدام بر اساس آن بلا اشکال است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: نظریه ۷/۳۲۴۸-۱۳۷۵/۶/۹. ح. ق، نظریه ۲۹۱۰۸-۱۳۷۵/۷/۲۲ اداره حقوقی ریاست جمهوری، نظریه ۷/۸۸۷۳-۱۳۷۹/۹/۲۶. ح. ق، نظریه ۷/۱۱۹۶۶-۱۳۷۹/۱۲/۸. ح. ق و نظریه ۹۶۳۴-۱۳۸۰/۳/۸ اداره حقوقی ریاست جمهوری).

۴- آیین‌نامه اجرایی قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه در تاریخ ۱۳۷۴/۲/۳ به تصویب هیأت وزیران رسید.

۵- علاوه بر آن که قانون‌گذار ماده واحده مذکور را عطف به ماسبق نموده، قید «از تاریخ تصویب این قانون» در صدر ماده واحده را بدین منظور آورده که تأکید نماید اسناد مورد نظر قانون‌گذار، بلافاصله پس از تصویب قانون باطل و وقفیت موقوفات اعاده و اسناد مالکیتی که قبلاً صادر گردیده بی اعتبار است. تبصره ۲ ماده واحده مذکور رعایت حقوق مکتسبه اشخاص را مورد عنایت قرار داده

و مواد ۵، ۶ و ۷ آیین‌نامه اجرایی قانون نیز مؤید همین استنباط می‌باشد.

۶- جنگل‌ها و مراتع از انفال بوده و قابل تملک نیست. لذا از مقررات ماده واحده قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه سال ۱۳۶۳ که مقرر داشته (کلیه موقوفاتی که بدون مجوز شرعی به فروش رسیده یا به صورتی به ملکیت درآمده است به وقفیت برمی‌گردد) خروج موضوعی دارد. چه آن که با توجه به قاعده لا وقف الا فی ملک، مقررات ماده واحده یاد شده نمی‌تواند شامل انفال و اموال عمومی که قابل تملک نیست گردد تا بحث ابطال اسناد و یا به نحو مذکور در ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور، بحث در اختیار سازمان اوقاف و متولیان مورد پیدا کند (نظریه ۷/۲۴۹-۱۳۷۸/۲/۱۵ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۷- سؤال: در صورتی که شخصی زمین شالیزاری را وقف عزاداری سیدالشهدا (حضرت ابا عبدالله حسین علیه السلام) کرده باشد و کسی را به عنوان متولی تعیین نموده باشد و متولی مدتی بعد از عمل نمودن به مورد وقف، آن را تبدیل به باغ مرکبات نماید، آیا در تبدیل موقوفه اذن حاکم شرع لازم است یا این که در صورت تحقق شرایط مقررره برای تبدیل، متولی می‌تواند رأساً اقدام کند؟

نظریه اداره کل حقوقی: با توجه به مواد (۷۵) به بعد قانون مدنی، اداره موقوفه با متولی است و مقصود از اداره موقوفه نیز آن است که متولی باید با در نظر گرفتن قصد واقف در حفظ و نگهداری مال موقوفه به نحوی که با غرض از وقف نزدیک باشد عمل نماید. بنابراین ضرورت ندارد موقوفه حتماً به صورت شالیزار مورد استفاده واقع شود، چه هدف واقف صرف عواید شالیزار برای عزاداری سیدالشهدا بوده است. حال اگر منافع موقوفه اقتضاء کند با تبدیل شالیزار به باغ مرکبات، عواید آن صرف موارد تعیین شده توسط واقف برسد، مابینتی با غرض واقف ندارد. مگر آن که واقف هدفش استفاده از مورد وقف صرفاً به صورت شالیزار بوده باشد. در این مورد نیازی به اذن حاکم شرع نیست. مگر این که طبق ماده (۷۸) قانون مدنی

نظارت استصوابی ناظر را بر عمل او شرط کرده باشد (نظریه ۷/۹۵۷۱-۱۳۷۸/۶/۲۹-
اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۸- قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۷۱ و آیین‌نامه
اجرائی آن مغایرتی با مفاد رأی وحدت رویه شماره ۵۰۸-۱۳۶۷/۳/۴ دیوان عالی
کشور ندارد تا رأی وحدت رویه مذکور از اعتبار بیفتد (نظریه ۷/۱۴۶۱-۱۳۷۸/۴/۱۵-
اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۹- نظر به این که ماده ۳ «آیین‌نامه اجرایی قانون ابطال اسناد و فروش رقبات،
آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۷۴/۲/۳» در راستای تبصره ۶ و با رعایت تبصره
۴ «ماده واحده قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مصوب
۱۳۷۱/۱۱/۲۵» تصویب شده است و متضمن حکمی فراتر از قانون مذکور نیست،
بنابراین مخالفتی با قانون ندارد و موجبی برای ابطال آن به نظر نمی‌رسد (ر.ک:
رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، کلاسه پرونده ۵۵۷/۸۸، شماره دادنامه ۲۴۳،
مورخ ۱۳۹۰/۰۶/۰۷).

۱۰- هر چند در تبصره یک ماده واحده قانون مزبور، تنظیم قرارداد با متصرف مورد
حکم قرار گرفته است لکن با ملاحظه صدر همین تبصره و ماده واحده که در مقام
ابطال سند مالکیت است متصرف ناظر به افرادی است که قبل از اجرای آن مطابق
اسناد سمت مالکانه داشته‌اند، زیرا متصرف علی‌الاصول شامل متصرف عدوانی و
غاصب نیز می‌گردد که مسلماً مورد نظر قانون‌گذار نمی‌باشد.

۱۱- افرادی که قبل از تصویب این قانون بر اساس اسناد مالکیت اعیانی در اراضی
مزبور ایجاد نموده‌اند بنا به اصل صحت و قاعده تسلیط مالک اعیانی محسوب
می‌شوند و تغییر سند مالکیت عرصه از ملکی به وقفی موجبی برای زوال حقوق
ایشان بر اعیان نمی‌باشد. تأکید قانون‌گذار در تبصره ۲ ماده واحده این قانون به

رعایت حقوق مکتسبه مؤید همین امر است. به علاوه تبصره ۴ قانون ابطال اسناد و فروش رقبات آب و اراضی موقوفه نیز که در تاریخ ۱۳۷۷/۱۰/۱۵ تصویب و جایگزین مقررات قبلی شده، مجدداً رعایت حقوق اکتسابی را مورد حکم قرار داده است. بدین جهت است که در بند ۲ ماده یک آیین‌نامه «مالکیت اعیان» تحت عنوان یکی از مصادیق حقوق مکتسب ذکر شده است.

۱۲- منظور از وزارت کشاورزی، در حال حاضر وزارت جهاد کشاورزی است.

از قانون مجازات اسلامی تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده

« مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ با اصلاحات بعدی

● ماده ۶۵۶- در صورتی که سرقت جامع شرایط حد نباشد و مقرون به یکی از شرایط زیر باشد، مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شود:

۱- سرقت در جایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا در توابع آن یا در محل‌های عمومی از قبیل مسجد و حمام و غیر این‌ها واقع شده باشد.

۲- ...

مقصود از محل‌های عمومی اماکنی است که اختصاص به شخص معینی ندارد و ورود به آن‌ها برای عموم جایز است (مانند مساجد). مصادیق مذکور جنبه تمثیلی دارد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: حکم ۱۰۶۰۷/۲۴۷۹ - ۱۶/۱۱/۹ شعبه دوم دیوان عالی کشور).

● فصل بیست و ششم - در هتک حرمت منازل و املاک غیر

● ماده ۶۹۰- هر کس به وسیله صحنه‌سازی از قبیل پی‌کنی، دیوارکشی، تغییر حد فاصل، امحای مرز، کرت‌بندی، نهرکشی، حفرچاه، غرس اشجار و زراعت و امثال آن به تهیه آثار تصرف در اراضی مزروعی اعم از کشت شده یا در آیش زراعی، جنگل‌ها و مراتع ملی شده، کوهستان‌ها، باغ‌ها، قلمستان‌ها، منابع آب، چشمه‌سارها، انه‌ار طبیعی و پارک‌های ملی، تأسیسات کشاورزی و دامداری و دامپروری و کشت و صنعت و اراضی موات و بایر و سایر اراضی و املاک متعلق به دولت یا شرکت‌های وابسته به دولت یا شهرداری‌ها یا اوقاف و هم‌چنین اراضی و املاک و موقوفات و محبوسات و اثلاث باقیه که برای مصارف عام‌المنفعه اختصاص یافته یا اشخاص حقیقی یا حقوقی به منظور تصرف یا ذی حق معرفی کردن خود یا دیگری، مبادرت نماید یا بدون اجازه سازمان حفاظت محیط زیست یا مراجع ذی صلاح دیگر مبادرت به عملیاتی نماید که موجب تخریب محیط زیست و منابع طبیعی گردد یا اقدام به هرگونه تجاوز و تصرف عدوانی یا ایجاد مزاحمت یا ممانعت از حق در موارد مذکور نماید به مجازات یک ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود. دادگاه موظف است حسب مورد رفع تصرف عدوانی یا رفع مزاحمت یا ممانعت از حق یا اعاده وضع به حال سابق نماید.

□ تبصره ۱- رسیدگی به جرایم فوق‌الذکر خارج از نوبت به عمل می‌آید و مقام قضایی با تنظیم صورت مجلس دستور متوقف ماندن عملیات متجاوز را تا صدور حکم قطعی خواهد داد.

□ تبصره ۲- در صورتی که تعداد متهمان سه نفر یا بیشتر باشد و قراین قوی بر ارتکاب جرم موجود باشد قرار بازداشت صادر خواهد شد، مدعی می‌تواند تقاضای خلع ید و قلع بنا و اشجار و رفع آثار تجاوز را بنماید.

۱- تصرف عدوانی جرم مستمر است. (نظریه ۷/۵۰۵۱-۷/۳۰/۱۳۷۳ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۲- دعوی تصرف عدوانی در اموال غیر منقول می‌تواند جنبه حقوقی و کیفری داشته باشد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: نظریه ۷/۱۱۱۶-۱۳۸۰/۲/۶ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۳- چنانچه مدعی صرفاً درخواست رفع تصرف عدوانی برابر با مواد ۱۵۸ به بعد قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ را نماید، چنین دعوایی حقوقی تلقی شده، مستلزم تقدیم دادخواست و ابطال تمبر دادرسی بوده و صدور حکم به مجازات خلاف موازین قانونی است. لیکن چنانچه شاکی مطابق ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی از مراجع صالح قضایی تقاضای رسیدگی و تعقیب داشته باشد، دعوی کیفری محسوب شده، نیازی به تقدیم دادخواست نداشته و صدور حکم به مجازات قانونی است (همان).

۴- دادگاه برای صدور حکم به مجازات، نیاز به احراز واقع یعنی عدوانی بودن تصرف دارد. لذا صرف تصرف کفایت نمی‌کند. یعنی دادگاه فقط پس از احراز اینکه تصرف فعلی منغیر حق و عدوانی یا غاصبانه است می‌تواند حکم محکومیت صادر نماید.

۵- مدعی حتی پس از اقامه دعوی برابر با مواد ۱۵۸ به بعد قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹، حق تقاضای تعقیب کیفری مرتکب تصرف عدوانی وفق ماده ۶۹۰ ق.م.ا. ۱۳۷۵ را خواهد داشت (برای مطالعه بیشتر ر.ک: نظریه ۷/۵۹۴۴-۱۳۸۲/۹/۱ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۶- تقاضای قلع و قمع بنا ضمن دادخواست ضرر و زیان بلاشکال است (نظریه ۷/۱۱۸۲۴-۱۳۷۱/۱۱/۱۲ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۷- حکم به رفع تصرف مستلزم طرح این درخواست از جانب شاکی یا خواهان

است. لذا با صدور حکم برائت متهم، چنانچه شاکی صرفاً تقاضای تعقیب کیفری متهم را کرده باشد، صدور حکم در خصوص رفع تصرف عدوانی منتفی است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: نظریه ۷/۸۳۷۲-۱۱/۱۰/۱۳۸۲ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۸- دادگاه حتی به فرض صدور حکم برائت نیز مکلف است در باب رفع تصرف عدوانی اتخاذ تصمیم نماید. زیرا حکم به محکومیت متهم و صدور حکم به رفع تصرف عدوانی علیه وی با هم ملازمه ندارند (برای مطالعه بیشتر ر.ک: نظریه ۷/۹۹۰-۱۳۸۳/۲/۲۳ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۹- اگرچه ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی، جرم مندرج در ماده ۶۹۰ همین قانون را در زمره جرایم قابل گذشت می‌داند که جز با شکایت شاکی خصوصی تعقیب نمی‌گردید، لیکن ماده ۷۲۷ به موجب قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس نسخ گردید.

۱۰- تعقیب جرم مذکور در ماده ۶۹۰ ق.م.ا. محدود به مدت و مهلت مزبور نمی‌باشد (نظریه ۷/۱۴۵۴-۱۴/۶/۱۳۷۸ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۱۱- شمول این ماده در برگیرنده ائمه جماعات، هیأت امناء، خدام و کلیه فعالین مساجد که با انقضای اجاره‌نامه یا قرارداد کاری خود هم‌چنان به تصرف خود در مسجد ادامه می‌دهند، یا به ناحق و به صورت عدوانی عرصه یا اعیان مسجد را به تصرف خود در می‌آورند و یا ادعای مالکیت آن را دارند نیز می‌گردد. لازم به ذکر است در ارتباط با اتهام مذکور در خصوص ائمه جماعات مساجد، دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت عهده‌دار تعقیب و رسیدگی می‌باشد.

قانون استفساریه ماده (۲۶) قانون نوسازی و عمران شهری

« مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۶ مجلس شورای اسلامی

- موضوع استفسار: ماده واحده- آیا مفاد ماده (۲۶) قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷ که مساجد، اماکن مقدسه و معابد اقلیت‌های مذهبی و مدارس طلاب علوم دینی را از پرداخت عوارض موضوع آن قانون معاف می‌دارد شامل «مجتمع آموزشی، علمی، تحقیقاتی، مسکونی، خدماتی مهدیه حوزه علمیه قم» نیز که بطور رایگان در اختیار طلاب می‌باشد هم می‌شود یا خیر؟

نظر مجلس:

مفاد ماده (۲۶) قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷ که مساجد، اماکن مقدسه و معابد اقلیت‌های مذهبی و مدارس طلاب علوم دینی را از پرداخت عوارض موضوع آن قانون معاف می‌دارد شامل «مجتمع‌های آموزشی، علمی، تحقیقاتی، مسکونی، خدماتی مهدیه حوزه علمیه قم» که به طور رایگان در اختیار طلاب می‌باشد هم می‌شود.

از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

« مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی

● ماده ۱۶۳- با توجه به اهمیت گسترش فضاهای مذهبی و مساجد ضمن حفظ اصل سامان‌دهی ساخت‌وساز، احیاء، تعمیر و تجهیز مساجد از طریق مشارکت‌های مردمی و شوراهای شهری و روستایی دستگاه‌های اجرایی موضوع این ماده موظفند طی سال‌های اجرای برنامه اقدامات زیر را انجام دهند:

الف- وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداری‌ها و سایر سازمان‌های مسؤؤل در زمینه طراحی و اجرای طرح‌های جامع، تفصیلی و هادی شهری و روستایی موظفند طرح‌های مذکور را با محوریت مساجد تهیه و اجرا کنند.

ب- وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری‌ها موظفند در کلیه شهرک‌های جدیدالاحداث اراضی مناسبی را برای احداث مسجد و پایگاه‌های مقاومت بسیج پیش‌بینی کرده و پس از آماده‌سازی بدون دریافت هزینه در اختیار متقاضیان

احداث مساجد و پایگاه‌های مقاومت بسیج قرار دهند و قیمت اراضی را در هزینه مربوط به آماده‌سازی اراضی منظور کنند.

ج- وزارت خانه‌های راه و ترابری و نفت موظفند به منظور تسهیل دسترسی مسافران به اماکن مذهبی با انجام هماهنگی‌های لازم از محل اعتبارات عمرانی و جاری خود نسبت به احداث مسجد و یا نمازخانه و هم‌چنین نگهداری و مدیریت مساجد و نمازخانه‌های موجود و جدیدالاحداث، در پایانه‌های مسافری و پمپ‌بنزین‌های بین شهری اقدام کنند.

د- وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است کلیه وجوه پرداختی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی در ارتباط با احداث، تعمیر و تجهیز مساجد و سایر فضاهای مذهبی را به عنوان هزینه قابل قبول منظور کند.

ه- شهرداری‌ها و سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور موظفند نسبت به اختصاص فضای مناسب در پارک‌های ملی و عمومی حسب مورد برای ایجاد مسجد یا نمازخانه اقدام کنند.

و- با هدف اعتلای جایگاه مسجد و مدرسه در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی محلات، روستاها و شهرها و هماهنگ‌سازی فعالیت‌های سازمان‌دهی شده در این مکان‌ها در جهت ارتقای ایمان و ارزش‌های معنوی و اخلاقی و شکوفایی خلاقیت‌های علمی، فرهنگی و هنری گروه‌های مختلف جامعه به ویژه نوجوانان و جوانان اقدامات ذیل در سالهای برنامه سوم توسعه انجام می‌گیرد:

۱- حمایت مالی، قانونی و حقوقی از پژوهش‌های کاربردی با هدف شناخت راهکارهای اجرایی برای ارتقاء جایگاه مسجد و مدرسه در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی کشور.

۲- تعریف فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی و هنری مشترک مسجد و مدرسه در آیین‌نامه‌ها و مقررات بخش‌های آموزش، فرهنگ و هنر و تبلیغات اسلامی، تربیت بدنی و ورزش.

ز- به منظور سامان‌دهی نحوه اختصاص و مصرف منابع اعتباری دولت در زمینه احیاء و بازسازی مساجد، کمک به مراکز تحقیقاتی حوزه‌های علمیه، فعالیت‌های مربوط به تبلیغات دینی و با هدف تقویت و متناسب کردن مشارکت مردمی در تأمین منابع این فعالیت‌ها، سازمان تبلیغات اسلامی موظف است طی یک سال در چارچوب رهنمودهای مقام معظم رهبری و مشورت با مراجع ذی‌ربط و انجام مطالعات لازم با همکاری سازمان امور اداری و استخدامی کشور و سازمان برنامه و بودجه طرحی را تهیه و به دولت ارائه دهد تا پس از بررسی و تصویب، مبنای پیش‌بینی و مصرف منابع دولتی در این امور قرار گیرد.

□ تبصره- دولت موظف است در مناطق روستایی در صورت پنجاه درصد (۵۰٪) خودیاری مردم برای احداث مسجد پنجاه درصد (۵۰٪) باقی‌مانده را تأمین نماید.

۱- ماده (۱۶۳) قانون برنامه سوم توسعه برای دوره برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ گردید (ماده ۱۰۷ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی).

۲- وزارت مسکن و شهرسازی و وزارت راه و ترابری از سال ۱۳۹۰ به وزارت راه و شهرسازی تغییر نام یافتند.

از قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب کتاب اول - در امور مدنی

« مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ مجلس شورای اسلامی

- ماده ۸۴- در موارد زیر خوانده می‌تواند ضمن پاسخ نسبت به ماهیت دعوا ایراد کند:

...

- ۷- دعوا بر فرض ثبوت اثر قانونی نداشته باشد از قبیل وقف و هبه بدون قبض.
- ۱- در صورت تقدیم دادخواست قلع بنا و صدور حکم بر آن یا ملازمه اجرای حکم رفع تصرف با قلع و قمع بنای مستحدثت بلا اشکال است (نظریه ۷/۴۳۹۷-۱۷/۷/۱۳۷۲ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).
- ۲- در حبس اعم از عمری و ... قبض شرط صحت است (ماده ۴۷ قانون مدنی).
- ۳- اگر واقف عین موقوفه را به تصرف وقف ندهد، وقف محقق نمی‌شود و هر وقف به قبض داد وقف تحقق پیدا می‌کند (ماده ۵۹ قانون مدنی).

- ماده ۲۳۰- در دعاوی مدنی (حقوقی) تعداد و جنسیت گواه، هم‌چنین ترکیب گواهان با سوگند به ترتیب ذیل می‌باشد:

...

ب- دعاوی مالی یا آن‌چه که مقصود از آن مال می‌باشد از قبیل دین، ثمن مبیع، معاملات، وقف، اجاره، وصیت به نفع مدعی، غضب، جنایات خطایی و شبه عمد که موجب دیه است با گواهی دو مرد یا یک مرد و دو زن. چنان‌چه برای خواهان امکان اقامه بینه شرعی نباشد می‌تواند با معرفی یک گواه مرد یا دو زن به ضمیمه یک سوگند ادعای خود را اثبات کند. در موارد مذکور در این بند، ابتدا گواه واجد شرایط شهادت می‌دهد، سپس سوگند توسط خواهان ادا می‌شود.

- ماده ۳۶۷- آرای دادگاه‌های بدوی که به علت عدم درخواست تجدیدنظر قطعیت یافته قابل فرجام‌خواهی نیست مگر در موارد زیر:

الف- احکام:

...

۲- احکام راجع به اصل نکاح و فسخ آن، طلاق، نسب، حجر، وقف، ثلث، حبس و تولیت.

- ماده ۳۶۸- آرای دادگاه‌های تجدید نظر استان قابل فرجام‌خواهی نیست مگر در موارد زیر:

الف- احکام: احکام راجع به اصل نکاح و فسخ آن، طلاق، نسب، حجر و وقف.

با عنایت به ماده ۳۶۷ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ آرای دادگاه‌های بدوی که به علت عدم تجدید نظر خواهی قطعی شده باشد منحصراً در موارد مذکور در بندهای الف و ب ماده ۳۶۷ قابل فرجام‌خواهی است. بنابراین آرای دادگاه‌های بدوی که مورد تجدید نظر خواهی واقع شود مادام که قطعیت نیابد، قابل فرجام‌خواهی

نخواهد بود. به بیان دیگر چنان چه خواننده بدوی از رأی دادگاه نخستین تجدید نظرخواهی کند، مادام که مرحله تجدید نظرخواهی طی نشده و حکم مزبور قطعیت نیافته، فرجامخواهی خواهان بدوی قابل پذیرش نیست (نظریه ۷/۵۵۴۸- اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

از قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت

« مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ مجلس شورای اسلامی

- ماده ۵۴- وزارت راه و ترابری از پرداخت هزینه حق انشعاب برق و بهای برق مصرفی برای روشنایی و تهویه تونل‌ها و چراغ‌های ویژه نقاط مه‌گیر، چراغ‌های چشمک‌زن در طول راه‌های کشور و هم‌چنین مساجد بین راهی معاف است.

وزارت راه و شهرسازی در سال ۱۳۹۰ از ادغام وزارت راه و ترابری و مسکن و شهرسازی ایجاد گردید.

از قانون نظام صنفی کشور

« مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴ مجلس شورای اسلامی با اصلاحات بعدی

- ماده ۹۱- (اصلاحی ۱۳۹۲/۶/۱۲) اشخاص حقیقی یا حقوقی اعم از دولتی یا غیردولتی که طبق قوانین جاری موظف به اخذ مجوز فعالیت یا پروانه تأسیس، بهره‌برداری یا اشتغال از وزارت خانه‌ها، مؤسسات، سازمان‌ها یا شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌های دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است می‌باشند و هم‌چنین نهادهای عمومی غیردولتی چنان‌چه به عرضه کالاها یا خدمات به خرده‌فروشان یا مصرف‌کنندگان مبادرت ورزند، مکلفند علاوه بر دریافت مجوز فعالیت یا پروانه، به اخذ پروانه کسب از اتحادیه مربوط نیز اقدام کنند.

...

- تبصره ۲- (اصلاحی ۱۳۹۲/۶/۱۲) کلیه واحدهای صنفی مستقر در میادین میوه و تره‌بار شهرداری، پایانه‌های ورودی، خروجی، مسافری، فرودگاهی، ایستگاه‌های راه آهن و مترو،

مساجد و اماکن فرهنگی و مذهبی در صورتی که به عرضه کالا و خدمات به عموم بپردازند، مشمول این قانون می‌باشند و موظفند از اتحادیه‌های ذی‌ربط موضوع این قانون پروانه کسب اخذ نمایند.

از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

« مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی

« بخش چهارم - صیانت از هویت و فرهنگ اسلامی - ایرانی

فصل نهم - توسعه فرهنگی

...

● ماده ۱۰۶ - دولت مکلف است، به منظور تعمیق ارزش‌ها، باورها، فرهنگ معنویت و نیز حفظ هویت اسلامی - ایرانی، اعتلای معرفت دینی و توسعه فرهنگ قرآنی، اقدام‌های ذیل را انجام دهد:

الف - بسط آگاهی‌ها و فضایل اخلاقی، در میان اقشار مختلف مردم و زمینه‌سازی اقدام‌های لازم، برای ایجاد فضای فرهنگی سالم و شرایط مناسب برای احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر و اهتمام به آن.

...

ج- حمایت از پژوهش‌های راهبردی و بنیادی در زمینه اعتلای معرفت دینی و توسعه فعالیت‌های قرآنی.

د- تهیه طرح جامع ترویج و توسعه فرهنگ نماز.

ه- تهیه طرح جامع گسترش فضاهاى مذهبی و مساجد، توسط سازمان‌های تبلیغات اسلامی و اوقاف و امور خیریه با همکاری سازمان میراث فرهنگی تا پایان سال اول برنامه چهارم.

و- تداوم نهضت قرآن آموزی.

ز- تقویت سهم کتاب‌خوانی در حوزه دین در کشور، خصوصاً مناطق محروم و طراحی کتابخانه حوزه دین در مساجد و سایر اماکن مذهبی.

ح- تهیه طرح جامع، با رویکرد گسترش فرهنگ وقف و امور خیریه.

ط- به کارگیری شیوه‌ها و راهکارها و ابزارهای نوین در عرصه تبلیغات دینی.

ی- حمایت از برنامه‌ریزی، نیازسنجی و ارائه آموزش‌های ضروری به مبلغین دینی در جهت بهبود کیفیت تبلیغات دینی.

...

س: توسعه مشارکت‌های مردمی در عرصه فرهنگ دینی، برنامه‌ریزی و اقدام‌های لازم برای حمایت از هیأت‌های مذهبی و تشکل‌های دینی با رویکرد بهبود کیفیت فعالیت‌ها و پرهیز از خرافات و انحرافات.

قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت

« مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ مصوب ۱۳۸۴/۸/۱۵ مجلس شورای اسلامی

- ماده ۳۷- تعرفه‌های آب، برق و گاز مصرفی مراکز فرهنگی، آموزشی و پرورشی دولتی، غیردولتی، تعاونی و خصوصی (نظیر کتابخانه‌ها، موزه‌ها، مهدکودک‌ها، کودکانستان‌ها، مدارس، اردوگاه‌های دانش‌آموزی، دانشگاه‌ها، مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای، حوزه‌های علمیه، مساجد، حسینیه‌ها، باشگاه‌های ورزشی و مراکز شبانه‌روزی نگهداری معلولان) بر مبنای تعرفه آموزشی محاسبه و پرداخت خواهد شد.

از قانون سامان دهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن

« مصوب ۱۳۸۷/۲/۲۵ مجلس شورای اسلامی

- ماده ۵- وزارت مسکن و شهرسازی و نهادهای واگذارکننده زمین موظفند تمهیداتی را فراهم آورند تا آماده‌سازی اراضی واگذاری شامل (اجراء جوی، جدول، آسفالت، شبکه‌های تأسیسات زیربنایی و احداث مساجد) در کوتاه‌ترین زمان ممکن انجام گیرد. شروع عملیات ساخت بناها متناسب با انجام آماده‌سازی مجاز می‌باشد و در طرح‌های شهرهای مربوطه خدمات روبنایی (مانند طرح‌ها و پروژه‌های آموزشی، بهداشتی و غیره) صورت گرفته و زمین آن بر اساس ماده (۱۰۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت- مصوب ۱۳۸۰- به دستگاه‌های مربوط واگذار خواهد شد.

□ تبصره- دولت مکلف است اعتبارات مورد نیاز تأمین فضاهای آموزشی موضوع این ماده را در بودجه‌های سنواتی پیش‌بینی نماید. از تاریخ تصویب این قانون ماده واحده قانون الحاق چهار تبصره به ماده (۱۸) قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش استان‌ها، شهرستان‌ها و

مناطق کشور مصوب ۱۳۷۹/۲/۲۱ مجلس شورای اسلامی لغوی گردد.

۱- مطابق ماده ۵۳ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، دولت مکلف است یک یا چند وزارت‌خانه را به گونه‌ای در وزارت‌خانه‌های دیگر ادغام کند که تا پایان سال دوم برنامه، تعداد وزارت‌خانه‌ها از ۲۱ وزارت‌خانه به هفده کاهش یابد. از این‌رو هیأت وزیران اردیبهشت ماه ۱۳۹۰، وزارت‌خانه‌های راه و ترابری و مسکن و شهرسازی را ادغام نمود تا بدین ترتیب، تمامی امکانات، تجهیزات، اموال و نیروی انسانی آن‌ها به وزارت‌خانه جدید منتقل گردد. در تاریخ ۳۱ خرداد ۱۳۹۰ نیز، با رأی مجلس شورای اسلامی و سپس تأیید شورای نگهبان وزارت‌خانه و شهرسازی، از ادغام دو وزارت‌خانه راه و ترابری و مسکن و شهرسازی به وجود آمد.

۲- به وزارت‌خانه و شهرسازی (سازمان ملی زمین و مسکن) اجازه داده شد نسبت به واگذاری اراضی دولتی با کاربری عمومی (آموزشی، ورزشی، بهداشتی و فرهنگی) به سازمان دولتی ذی‌ربط به قیمت تمام شده و به بخش غیر دولتی به قیمت کارشناسی روز به صورت اجاره به شرط تملیک حداکثر برای مدت بیست سال اقدام نماید (ر.ک: ماده ۱۰۰ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت- مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷).

از قانون شوراهای حل اختلاف

« مصوب ۱۳۸۷/۴/۱۸ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی

- ماده ۱۰- دعاوی زیر قابلیت طرح در شورا را حتی با توافق طرفین ندارند.

...

ب- اختلاف در اصل وقفیت، وصیت، تولیت.

دعاوی راجع به امور مالی مربوط به وقف مانند اجرت‌المثل موقوفه یا تخلیه ملک موقوفه از جمله دعاوی راجع به اصل وقفیت نبوده و از شمول منع مذکور در بند ب ماده (۱۰) قانون شوراهای حل اختلاف ۱۳۸۷ خارج است؛ یعنی شوراهای حل اختلاف در دعاوی مطالبه اجرت‌المثل ملک موقوفه هم‌چنین دعاوی راجع به تخلیه عین موقوفه به جز دعاوی مربوط به سرقفلی و حق کسب و پیشه در حدود نصاب خود صلاحیت رسیدگی دارند و در این مورد فرقی بین وقف عام یا خاص وجود ندارد و اموال موقوفه عام جزء اموال عمومی موضوع بند دال ماده ۱۰ قانون مرقوم محسوب نمی‌شود (نظریه ۷/۸۳۹-۱/۵/۱۳۹۱ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

از قانون الحاق موادی به قانون سامان دهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن

« مصوب ۱۳۸۸/۱۲/۲ مجلس شورای اسلامی با اصلاحات بعدی

● ماده ۱- (اصلاحی ۱۳۹۰/۳/۳۱)...

□ تبصره ۱- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی موظف است در مواردی که زمین وقفی است نسبت به پیگیری صدور سند اعیانی اقدام نماید.

از قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰)

« مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ مجلس شورای اسلامی با اصلاحات و الحاقات بعدی

- ماده ۶- به منظور توسعه فضاهای مذهبی فرهنگی و بهره‌گیری بهینه از بقاع متبرکه، گلزار شهدا و اماکن مذهبی و تثبیت جایگاه مسجد به عنوان اصلی‌ترین پایگاه عبادی و تربیتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اقدامات زیر انجام می‌شود:
الف- (اصلاحی ۱۳۹۰/۳/۳۱) وزارت مسکن و شهرسازی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و شهرداری‌ها موظفند در طراحی و اجرای طرح‌های جامع تفصیلی شهری و هادی روستایی و شهرک‌ها و شهرهای جدید الاحداث، اراضی مناسبی را برای احداث مسجد و خانه عالم پیش‌بینی و پس از آماده‌سازی، بدون دریافت هزینه و با حفظ مالکیت عمومی و دولتی در اختیار متقاضیان احداث مساجد قرار دهند.

ب- مالکان اماکن تجاری، اداری و خدماتی جدید الاحداث موظفند نمازخانه

مناسبی را در اماکن مذکور احداث نمایند. تأیید نقشه مجتمع‌های مذکور منوط به پیش‌بینی محل مناسب برای نمازخانه بر اساس دستورالعمل ابلاغی شورای عالی معماری و شهرسازی است.

ج- سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور و شهرداری‌ها موظفند نسبت به احداث یا اختصاص فضای کافی و مناسب برای مسجد یا نمازخانه در پارک‌های ملی و بوستان‌های شهری اقدام نمایند.

د- کلیه دستگاه‌های اجرایی، مراکز آموزشی، بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، مجموعه‌های ورزشی، مجتمع‌های رفاهی، تفریحی و مجتمع‌های تجاری اعم از دولتی یا غیردولتی، موظفند نسبت به احداث یا اختصاص و نگهداری فضای کافی و مناسب برای مسجد یا نمازخانه اقدام نمایند.

هـ- (اصلاحی ۱۳۹۰/۳/۳۱) وزارت‌خانه‌های راه و ترابری و نفت موظفند نسبت به احداث مسجد و نمازخانه در پایانه‌های مسافری و جایگاه‌های عرضه سوخت بین

شهری و هم‌چنین نگهداری و مدیریت مساجد و نمازخانه‌های مذکور از طریق بخش غیردولتی اقدام نمایند.

و- به منظور ارتقاء کارکرد فرهنگی و هنری مساجد، برقراری عدالت فرهنگی و ترویج فرهنگ اسلامی و جذب جوانان و نوجوانان به مساجد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است با رعایت موازین اسلامی ترتیبی اتخاذ نماید تا پایان برنامه حداقل یک چهارم مساجد شهری و روستاهای بالای هزار نفر جمعیت برخوردار از کانون فرهنگی و هنری باشند.

۱- در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهیه طرح جامع گسترش فضاهای مذهبی و مساجد توسط سازمان‌های تبلیغات اسلامی و اوقاف و امور خیریه با همکاری سازمان میراث فرهنگی و نیز طراحی کتابخانه حوزه دین در مساجد و سایر اماکن مذهبی پیش‌بینی شده بود (بند ه- و ز ماده ۱۰۶).

۲- در تاریخ ۳۱ خرداد ۱۳۹۰، با رأی مجلس شورای اسلامی و سپس تأیید شورای نگهبان، وزارت راه و شهرسازی، از ادغام دو وزارتخانه راه و ترابری و مسکن و شهرسازی به وجود آمد.

۳- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۱ فروردین سال ۱۳۵۸ به فرمان امام خمینی علیه السلام به منظور تأمین مسکن محرومان و متولی توسعه و عمران روستاهای کشور و ساخت واحدهای مسکونی شهرها تشکیل گردید. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در زمره نهادها و مؤسسات عمومی غیر دولتی است که زیر نظر مقام ولایت فقیه قرار دارد (ر.ک: قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیر دولتی مورخ ۱۳۷۳/۴/۱۹).

۴- خانه عالم نوعی فضای اقامتی و عمومی است که به منظور استقرار ترویج دهندگان مذهبی (روحانیون) و مبلغان دینی ساخته می‌شود. این فضاها علاوه بر داشتن امکانات اقامتی برای مبلغان، دارای دفتر کار و محل ملاقات عمومی نیز می‌باشند.

۵- طرح جامع شهری (Master Plan) را می‌توان سیستمی دانست که خط مشی اصولی و کلی سیاست‌های شهری را تعیین می‌کند. طرح جامع شهری، عبارت است از طرح بلند مدتی که در آن نحوه استفاده از اراضی و منطقه‌بندی مربوط به حوزه‌های مسکونی، صنعتی، خدماتی، اداری و...، تأسیسات و تجهیزات شهری و نیازمندی‌های عمومی شهری، خطوط کلی ارتباطی و سطح لازم برای ایجاد تأسیسات، تجهیزات و تعیین محدوده‌های نوسازی، بهسازی و... تعیین می‌شود. به عبارت دیگر طرح جامع شهری را می‌توان سیستمی دانست که خط مشی اصولی و کلی سیاست‌های شهری را تعیین کرده و اغلب در مورد شهرهای بزرگ و شهرهایی که بیش از ۲۵۰۰۰ نفر جمعیت دارند تهیه می‌گردد.

۶- طرح تفصیلی شهری (Detailed Plan) طرحی است که بر اساس معیارها و ضوابط کلی طرح جامع، نحوه استفاده از زمین‌های شهری در سطح محلات مختلف شهر، موقعیت و مساحت دقیق زمین برای هر یک از آن‌ها، وضع دقیق و تفصیلی شبکه عبور و مرور و میزان تراکم جمعیت، تراکم در واحدهای شهری، اولویت‌های مربوط به مناطق بهسازی، توسعه و حل مشکلات شهری و موقعیت کلیه عوامل مختلف شهری را تعیین می‌کند.

۷- طرح هادی روستا طرحی است که ضمن سامان‌دهی و اصلاح بافت موجود، میزان و مکان گسترش آتی و نحوه استفاده از زمین برای عملکردهای مختلف از قبیل مسکونی، تولیدی، تجاری، کشاورزی، تأسیسات، تجهیزات و نیازمندی‌های عمومی روستا را برحسب مورد در قالب مصوبات طرح‌های سامان‌دهی فضا و

سکونت‌گاه‌های روستایی یا طرح‌های جامع ناحیه‌ای تعیین می‌نماید.

۸- به موجب ماده (۱) قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران (مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۲۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی)، برای هماهنگ کردن برنامه‌های شهرسازی به منظور ایجاد محیط زیست بهتر برای مردم هم‌چنین به منظور اعتلای هنر معماری ایران و رعایت سبک‌های مختلف معماری سنتی و ملی و ارایه ضوابط و جنبه‌های اصیل آن با در نظر گرفتن روش‌های نوین علمی و فنی و در نتیجه یافتن شیوه‌های اصولی و مناسب ساختمانی در مناطق مختلف کشور با توجه به شرایط اقلیمی و طرز زندگی و مقتضیات محلی، شورای عالی شهرسازی و معماری ایران تأسیس می‌شود.

۹- به موجب مصوبه شورای عالی اداری در تاریخ سوم تیرماه ۱۳۸۱، وظایف مربوط به آبخیزداری از حوزه ستادی وزارت جهاد کشاورزی منتزع و به سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور منتقل گردید و عنوان این سازمان به سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور تغییر یافت.

● ماده ۹- به دولت اجازه داده می‌شود به منظور افزایش سرانه بهره‌مندی اقشار مختلف مردم از فضاهای فرهنگی، هنری و ورزشی و ایجاد زیرساختهای لازم برای توسعه فعالیت فرهنگی و هنری اقدام‌های زیر را انجام دهد:

الف- حداکثر پنجاه درصد (۵۰٪) هزینه تکمیل مراکز فرهنگی، هنری، دینی و قرآنی دارای پیشرفت فیزیکی حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) بخش غیردولتی و هم‌چنین احداث اماکن ورزشی هم‌جوار و متعلق به مساجد و کانون‌های فرهنگی ورزشی جوانان بسیج را که تکمیل و بهره‌برداری از آنها برای استفاده عمومی ضروری است بر اساس آیین‌نامه مصوب هیأت وزیران به صورت کمک بلاعوض تأمین نماید.

...

□ تبصره- در صورت تغییر کاربری این گونه مراکز یا تغییر استفاده از عمومی به خصوصی، معادل ارزش کمک‌های دولتی به قیمت روز از دریافت کنندگان این کمک‌ها اخذ می‌شود.

در قانون برنامه چهارم توسعه ایران، معادل مبلغ ده میلیون دلار برای افزایش اعتبار ردیف‌های مربوط به دیه افراد معسر، برگزاری نماز جمعه در شهرهای زیر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت و نیز «مرکز رسیدگی به امور مساجد» تعیین شده بود (بند ۱۳ ماده واحده قانون اصلاح جداول شماره ۴ و ۸ قانون برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و قانون بودجه سال ۱۳۸۵ کل کشور مصوب ۱۳۸۵/۸/۱۰).

● ماده ۱۷۷- به منظور احیاء، توسعه و استفاده بهینه از ظرفیت موقوفات و اخوات و مقابله با سوءاستفاده از موقوفات اقدامات زیر انجام می‌شود:
الف- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور با همکاری سازمان اوقاف و امور خیریه مکلف است نسبت به ثبت موقوفات بلاعارضی که صحت وقف آن محرز ولیکن تاکنون ثبت نشده‌اند، اقدام نماید.

ب- به منظور ایجاد بانک اطلاعات جامع موقوفات، کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی متولی وقف موظفند اطلاعات کلیه موقوفات، نذورات، اثلاث باقیه، محبوسات و صدقات و موقوفات عام غیرمتصرفی و دارای تولیت را بر روی سامانه‌ای قرار دهند که تا پایان سال اول برنامه توسط سازمان اوقاف و امور خیریه ایجاد می‌شود.

دولت موظف است ثروت‌های ناشی از سوء استفاده از موقوفات را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود (ر.ک: اصل چهل و نهم قانون اساسی ایران).

● ماده ۱۹۶- دولت موظف است به منظور تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفان

و حضور بیشتر نیروهای مردمی در صحنه‌های امنیت و دفاع از کشور، آرمان‌ها و مبانی اندیشه انقلاب اسلامی و توسعه فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر اقدامات و تسهیلات لازم را در طول برنامه به شرح زیر فراهم نماید:

...

□ تبصره ۲- به دستگاه‌های اجرایی اجازه داده می‌شود متناسب با میزان آمادگی سازمان بسیج سازندگی، اجرای بخشی از فعالیت‌های آموزشی، بهداشتی، فرهنگی و غنی‌سازی اوقات فراغت و پروژه‌های عمرانی خود از قبیل احداث و تعمیر مساجد، مدارس و خانه‌های بهداشت روستایی، بیابان‌زدایی، جنگل‌کاری، آبرسانی به روستاها و هم‌چنین در مناطق محروم، روستایی و مرزی را به آن سازمان واگذار نماید تا با استفاده از نیروهای داوطلب بسیجی و مردمی و جوانان و متخصصان به نحو سازمان یافته اجرا نمایند.

نیروی مقاومت بسیج موظف است نسبت به جذب آحاد مردم از تمامی اقشار و صنوف و ایجاد رده‌های مقاومت در مساجد، ادارات، کارخانجات و مراکز آموزشی اقدام نماید و کلیه مسئولین ادارات و نهادها و کارخانجات، امور مساجد و مراکز آموزشی موظف به همکاری و فراهم نمودن تسهیلات و امکانات لازم موضوع این قانون می‌باشند (قانون حمایت قضایی از بسیج، مصوب ۱۳۷۱/۱۰/۱ مجلس شورای اسلامی).

از قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور

« مصوب ۱۳۹۱/۲/۳۱ مجلس شورای اسلامی

- ۴۳- در اجرای ماده (۱۸۰) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، دو درصد (۲٪) از اعتبارات بودجه عمومی دولت در قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور به منظور مطالعه و یا اجرای فصول، برنامه‌ها، فعالیت‌ها و طرح‌ها و پروژه‌های امور ذیل و نیز کمک، یارانه سود تسهیلات و تسهیلات قرض‌الحسنه به بخش‌های دولتی، غیردولتی و خصوصی برای موارد زیر اختصاص مییابد:

...

۴-۴۳- معادل ده درصد (۱۰٪) برای امور فرهنگی از جمله کمک به مساجد و امامزاده‌های روستایی، احداث خانه عالم، گسترش پوشش شبکه‌های صدا و سیما در مناطق فاقد پوشش، کمک به کتابخانه‌های روستایی، استخر سرپوشیده در مراکز شهرستان‌ها، سامان‌دهی گلزار شهدا، امور مذهبی، مساجد، حسینیه‌ها، بسیج، بسیج اساتید، بسیج دانش‌جویی و بسیج دانش‌آموزی و امور ورزشی و

قرآنی و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، اردوگاه‌های تربیتی آموزش و پرورش، کمیته امداد امام خمینی ره، سازمان بهزیستی کشور و سازمان تبلیغات اسلامی و اجرای قانون جلوگیری از قلع و قمع مدارس و مراکز آموزشی و تأمین تجهیزات برای مددجویان کمیته امداد امام خمینی ره و سازمان بهزیستی کشور.

...

۸-۴۳- معادل چهار درصد (۴٪) برای مرکز خدمات حوزه‌های علمیه و سازمان تبلیغات اسلامی (اعزام مبلغ - روحانیون مستقر - هیأت مذهبی) حوزه هنری سازمان تبلیغات - اجرای طرح هجرت (معاونت تبلیغ حوزه) و صندوق قرض‌الحسنه مرکز خدمات حوزه‌های علمیه (برای طلاب سراسر کشور).

۱- در راستای تحقق اصل چهل و هشتم قانون اساسی، سیاست‌های کلی و جهت حصول به اهداف چشم‌انداز و به منظور استفاده متوازن از امکانات کشور و توزیع عادلانه و رفع تبعیض و ارتقاء سطح مناطق کمتر توسعه یافته و تحقق پیشرفت و عدالت، دولت مکلف است در توزیع منابع عمومی و یارانه سود تسهیلات به نحوی عمل نماید که فاصله شاخص بر خورداری شهرستان‌های با کمتر از سطح متوسط کشور در پایان برنامه چهارم در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیربنایی و امنیتی در هر سال برنامه حداقل ده درصد (۱۰٪) به سطح یاد شده نزدیک شود. معادل دو درصد (۲٪) از اعتبارات بودجه عمومی دولت در قالب ردیف‌های مشخص برای مصارف معین در بودجه سنواتی در اختیار معاونت قرار می‌گیرد تا در راستای تحقق اهداف فوق توزیع و هزینه شود (ماده ۱۸۰ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۳۰).

۲- در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد، به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه

و امکانات لازم در دسترس داشته باشد (اصل چهل و هشتم قانون اساسی ایران).

۳- در قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور مصوب ۱۳۸۵/۱۲/۲۴، وزارت رفاه و تأمین اجتماعی مکلف بود از محل اعتبارات، بیست بیست و هفتم حق بیمه خادمان ثابت مساجد را با همکاری سازمان اوقاف و امور خیریه پرداخت نماید (بند ض تبصره ۱۴ ماده واحده).

● ۸۸- هزینه مصرفی و حق انشعاب برق، آب و گاز برای مساجد، حسینیه ها، دارالقرآن ها و نیز اماکن دینی اقلیت های دینی مصرح در قانون اساسی رایگان است.

۱- در قانون بودجه سال ۱۳۹۰ کشور، هزینه مصرفی «به میزان متوسط مصرف سال قبل (۱۳۸۹)» در نظر گرفته شده بود. اما در قانون فعلی این عبارت حذف گردید.

۲- در قوانین پیشین بودجه کل کشور (از جمله بند ل تبصره ۱۹ ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۸۶) مساجد از پرداخت هزینه دفع فاضلاب نیز معاف بودند که این موضوع در قانون بودجه سال های بعد مورد اشاره قرار نگرفته است.

۳- ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت های دینی شناخته شده در قانون اساسی می باشند که در انجام مراسم دینی خود آزاد بوده و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی می توانند مطابق آیین خود عمل می کنند. البته در قرآن کریم در کنار ادیان فوق الذکر، از صائبین نیز سخن به میان رفته که ظاهراً چون اینان یا مسیحی هستند یا یهودی، لذا قانون گذار اساسی به آن ها اشاره نکرده است.

۴- نظر به این که در قانون بودجه سال ۹۱، تعرفه رایگان آب، برق و گاز شامل اماکن تجاری وابسته به مساجد نمی شود، مرکز رسیدگی به امور مساجد از تمامی

ائمه جماعات مساجد واقع در استان تهران درخواست نمود، لزوم اقدام عاجل جهت تفکیک کنتور این اماکن از مسجد را به هیأت امنای مساجد گوشزد کنند.

۵- «هر چند در بند ۲ ماده ۱ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲، اداره امور مساجد توسط سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مستثنی شده ولی از شمول تبصره ماده ۹ این قانون در خصوص معافیت از پرداخت هزینه دادرسی خارج نیستند و این معافیت شامل مسجد نیز می‌شود» (نظریه ۵۷/۱۹۸۱ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۴ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

● ۱۰۵- اجازه داده می‌شود اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مربوط به مساجد جامع و اماکن مقدس ثبت شده به عنوان میراث فرهنگی به منظور حفاظت، احیاء و توسعه وضعیت میراث فرهنگی دینی، از طریق سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به عنوان دستگاه اجرایی هزینه گردد. رعایت موازین شرع در خصوص اقدامات این بند الزامی است.

۱- در معماری دوره اسلامی ایران در هر شهر برای اجتماع مردم، مسجدی توسط حاکمان تأسیس می‌گردید تا نمازهای گروهی مهم مانند نماز جمعه و نماز عید در آنجا اقامه گردد. به چنین مسجدی که در مقیاسی بزرگ‌تر از سایر مسجدها ساخته می‌شد، مسجد جامع، مسجد جمعه یا مسجد آدینه می‌گفتند. در حال حاضر، اکثر شهرهای ایران، مسجدی با نام مسجد جامع دارند.

۲- کلیه وزارت‌خانه‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر و یا تصریح نام است، دستگاه اجرایی نامیده می‌شوند (ر.ک: ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸).

۳- ضرورت پرهیز از انجام موازی کاری‌ها و ادغام دستگاه‌های اجرایی با وظایف مشابه موجب گردید تا در جلسه ۱۳۷۹/۱/۱۹ شورای عالی اداری، سازمان میراث فرهنگی کشور از وزارت فرهنگ و آموزش عالی منفک و به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ملحق گردد. در جلسه علنی ۲۳ دی ماه سال ۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی، سازمان‌های میراث فرهنگی، ایران‌گردی و جهان‌گردی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتزع و پس از ادغام آن‌ها، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری با کلیه اختیارات زیر نظر ریاست جمهوری تشکیل گردید. هم‌چنین با تصویب شورای عالی اداری در یکصد و سی‌امین جلسه مورخ ۱۳۸۵/۱/۱۶، به منظور تقویت و توسعه صنایع دستی کشور و ایجاد هماهنگی با سیاست‌های توسعه صنعت گردشگری، سازمان صنایع دستی ایران با تمام وظایف، اختیارات، مسئولیت‌های قانونی، دارایی‌ها، تعهدات، اعتبارات، امکانات و نیروی انسانی، از وزارت صنایع و معادن منتزع و در سازمان میراث فرهنگی و گردشگری ادغام گردید.

قانون تفسیر قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه

« مصوب ۱۳۷۱ مصوب ۱۳۹۱/۵/۱۱ مجلس شورای اسلامی

● موضوع استفسار به:

آیا با تصویب ماده واحده قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه - مصوب ۱۳۷۱ - ماده واحده قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه - مصوب ۱۳۶۳ - در خصوص موقوفات خاص نیز لغو شده است یا خیر؟

پاسخ مجلس:

خیر؛ قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۶۳/۱/۲۸ در خصوص موقوفات خاص مشروط به اعمال تبصره (۴) قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۷۱/۱۱/۲۵ در مورد این موقوفات، کماکان به قوت خود باقی است.

از قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران « مصوب ۱۳۹۱/۱۰/۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام

- ماده ۶۳- با هدف توسعه، ترویج و نهادینه نمودن فرهنگ جهاد، ایثار و شهادت و زنده نگه‌داشتن یاد شهیدان و حفظ و تقویت شأن و جایگاه الگوهای عینی عرصه جهاد، ایثار و شهادت، شورای عالی ترویج و توسعه فرهنگ ایثار و شهادت با شرح وظایف و ترکیب زیر تشکیل می‌شود.

الف- شرح وظایف:

- ۱- سیاست‌گذاری در زمینه احیاء، حفظ، ترویج و نهادینه نمودن فرهنگ جهاد، ایثار و شهادت
- ۲- سامان‌دهی و هماهنگی در برنامه‌ریزی‌های کلان دستگاه‌ها و نهادهای متولی دولتی و غیردولتی
- ۳- به‌کارگیری ظرفیت‌های جامعه و کشور برای تحقق اهداف شهیدان، جانبازان و آزادگان

۴- سامان‌دهی نحوه تجلیل و تقدیر از ایثارگران و استفاده از توان و ظرفیت آنان در توسعه و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت

ب- ترکیب:

- ۱- رئیس‌جمهور به عنوان رئیس شورا
- ۲- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۳- وزیر علوم، تحقیقات و فناوری
- ۴- وزیر آموزش و پرورش
- ۵- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
- ۶- وزیر کشور
- ۷- رئیس ستاد کل نیروهای مسلح
- ۸- رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران
- ۹- نماینده ولی فقیه در بنیاد
- ۱۰- رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس
- ۱۱- رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران
- ۱۲- رئیس سازمان تبلیغات اسلامی
- ۱۳- معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور
- ۱۴- یکی از مجتهدین به انتخاب شورای عالی حوزه علمیه قم
- ۱۵- رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد
- ۱۶- رئیس شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه سراسر کشور
- ۱۷- دو نفر از نمایندگان عضو کمیسیون اجتماعی با معرفی کمیسیون و انتخاب مجلس شورای اسلامی

۱- دبیرخانه شورای عالی ترویج و توسعه فرهنگ ایثار و شهادت در بنیاد شهید و امور ایثارگران مستقر است و مصوبات شورا تنها پس از تأیید رئیس‌جمهور لازم‌الاجرا می‌باشد.

۲- حضور رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد در این شورا می‌تواند منجر به همکاری بیشتر دستگاه‌های مرتبط با مساجد در راستای پیشبرد چشم‌انداز و سیاست‌های کلان فرهنگی کشور در حوزه مساجد گردد.

از قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور

« مصوب ۱۳۹۲/۳/۱۹ مجلس شورای اسلامی

- ماده ۶۶- هزینه مصرف با رعایت الگوی مصرف و حق انشعاب برق، آب و گاز برای حوزه‌های علمیه، مساجد، دارالقرآن‌ها، حسینیه‌ها و اماکن دینی اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی رایگان است.

۱- مصارف جانبی مشترکین حوزه‌های علمیه، مساجد، دارالقرآن‌ها، حسینیه‌ها و اماکن دینی، نظیر واحدهای تجاری، درمانی، مسکونی و ... مشمول معافیت مذکور نمی‌گردند. معافیت‌های هزینه برقراری انشعاب برق مندرج در بندهای فوق‌الذکر در حد قدرت متعارف (برای مناطق غیرگرمسیر ۲۵ آمپر تک فاز و برای مناطق گرمسیر ۲۵ آمپر سه‌فاز) شامل ستون‌های یک و دو جدول شماره یک الحاقیه شماره «۴» می‌باشد. در موارد استثنایی که نیاز به انشعاب برق بیش از میزان متعارف باشد، واگذاری آن با تصویب هیأت مدیره شرکت توزیع نیروی برق بلا مانع می‌باشد. لازم است در تعیین قدرت مورد نیاز این قبیل انشعاب‌ها، گزارش توجیهی

متقاضی بررسی گردد و حداکثر امکان مدیریت مصرف در نظر گرفته شود (ر.ک: ضوابط فروش انرژی و انشعاب برق و بخشودگی‌های مربوطه در سال ۱۳۹۲، وزارت نیرو، شماره ۹۲/۲۵۳۳۷/۴۰/۱۰۰، مورخ ۱۳۹۲/۵/۱۵).

۲- وزارت راه و شهرسازی از پرداخت صورت‌حساب بهای برق مصارف تهویه و روشنایی تونل‌ها، چراغ‌های ویژه نقاط مه‌گیر، چراغ‌های چشمک‌زن در طول راه‌های کشور و هم‌چنین مساجد بین‌راهی (موضوع ماده «۵۴» قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت) معاف می‌باشد.

- ماده ۷۹- در سال ۱۳۹۲ به منظور تأمین مسجد و واحدهای آموزشی مورد نیاز در شهرک‌های مسکونی جدید در شهرهای با جمعیت بیش از دویست هزار نفر، سازندگان مکلفند در مجموعه‌های مسکونی با بیش از یک هزار واحد مسکونی، نسبت به احداث و یا تأمین هزینه‌های مسجد و واحدهای آموزشی مورد نیاز بر اساس استانداردهای آموزشی و برآورد اداره کل نوسازی مدارس استان مربوط و اداره اوقاف و امور خیریه اقدام نمایند. صدور پروانه و گواهی پایان کار توسط شهرداری‌ها در این شهرک‌ها منوط به اخذ تأییدیه احداث، تأمین و یا اعلام عدم نیاز واحدهای آموزشی توسط اداره کل نوسازی مدارس استان ذی‌ربط می‌باشد.

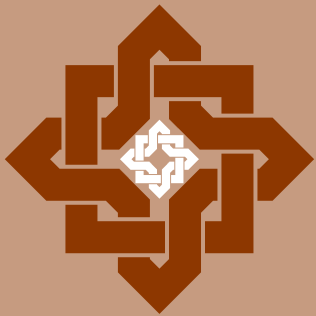
- ماده ۱۴۳- پرداخت هرگونه وجهی توسط وزارت خانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری به دستگاه‌های اجرایی به عنوان کمک یا هدیه به صورت نقدی و غیرنقدی به جز در مواردی که در مقررات قانونی مربوط تعیین شده یا می‌شود و مبالغی که به دانشگاه‌های دولتی و احداث خوابگاه‌های دانش‌جویی دولتی، مؤسسات آموزش عالی دولتی، مساجد، حوزه‌های علمیه، آموزش و پرورش، ورزش و جوانان، سازمان بهزیستی

کشور، کمیته امداد امام خمینی علیه السلام، پروژه‌های ورزشی و بهداشتی و روستایی
پرداخت می‌گردد، ممنوع است.

از قانون تسریع در بازسازی مناطق آسیب دیده در اثر حوادث غیر مترقبه

« مصوب ۱۳۹۲/۳/۱۹ مجلس شورای اسلامی

- ماده واحده - دولت و دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط موظفند با استفاده از اعتبارات ماده (۱۲) قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور مصوب ۱۳۸۷/۲/۳۱ و ماده (۱۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۰/۲۶ (منابع پیش‌بینی شده در بند «ج» ماده ۲۱۶ و بند «ش» ماده ۲۲۴ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران) و سایر منابع مرتبط اقدامات زیر را انجام دهند و دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط ملزم به اجرای آن می‌باشند:
 - ۵- به منظور بازسازی ساختمان‌های دولتی و عمومی آسیب دیده، مساجد، حسینیه‌ها و امامزاده‌ها و اماکن تاریخی پس از اعلام استاندارد مربوط و تأیید معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری، اعتبار مورد نیاز در اختیار وزارت راه و شهرسازی یا دستگاه‌های ذی‌ربط قرار می‌گیرد تا پس از تعیین ردیف، عنوان طرح و اعتبار مصوب هر کدام نسبت به عملیات اجرایی آن‌ها اقدام نماید به گونه‌ای که ظرف دو سال کلیه عملیات اجرایی خاتمه یابد.



فصل سوم: مقررات

آیین‌نامه دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت با اصلاحات و الحاقات بعدی

« مصوب ۱۳۶۹/۵/۱۴ مقام معظم رهبری

- ماده ۱- به منظور پیشگیری از نفوذ افراد منحرف و تبه‌کار در حوزه‌های علمیه، حفظ حیثیت روحانیت و به کیفر رساندن روحانیون متخلف، دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت تحت نظارت عالی مقام معظم رهبری با وظایف و تشکیلات و اختیارات زیر ایجاد می‌گردد.

۱- مطابق اصل یکصد و پنجاه و نهم قانون اساسی، مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است و تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آن‌ها منوط به حکم قانون است.

۲- دادگاه ویژه روحانیت با حکم حضرت امام خمینی رضی الله عنه در سال ۱۳۶۶ تأسیس گردید و آیین‌نامه آن در سال ۱۳۶۹ به تصویب مقام معظم رهبری رسید که در سال ۱۳۸۴ اصلاح شد.

۳- ماده ۵۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی: «دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت که بر اساس دستور ولایت، رهبر کبیر انقلاب امام خمینی ره تشکیل گردیده طبق اصول پنجم (۵) و پنجاه و هفتم (۵۷) قانون اساسی تا زمانی که رهبر معظم انقلاب اسلامی ادامه کار آن را مصلحت بدانند به جرایم اشخاص روحانی رسیدگی خواهد کرد و پرداخت حقوق و مزایای قضات و کارکنان آن تابع مقررات مربوط به قوه قضاییه می‌باشد».

در خصوص ماده فوق نکات ذیل محل توجه است:

الف) متوقف کردن حیات دادگاه ویژه روحانیت به امر مبهمی چون مصلحت، به لحاظ قانونی محل اشکال است.

ب) از آنجا که دادگاه ویژه روحانیت، نوعاً در شمار دادگاه‌های کیفری است، شایسته بود دست کم این کار، در هنگام تصویب قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ مجلس شورای اسلامی انجام می‌پذیرفت.

۴- از ابتدای شکل‌گیری پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در خصوص تأسیس دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت اختلاف نظر وجود داشته و فقهاء و اندیشمندان حقوقی در خصوص فواید عملی و معایب آن به عنوان یکی از مراجع و محاکم قضایی اختصاصی (استثنایی)، دیدگاه‌های متفاوتی را ابراز داشته‌اند.

۵- «محاکم استثنایی»^۱ که در مقابل «محاکم عمومی»^۲ به کار می‌رود، به نهادهای قضایی اطلاق می‌شود که صلاحیت آن‌ها به اعتبار ویژگی جرم، موضوع دعوا، ویژگی مجرمین و یا طرفین دعوا مشخص می‌گردد. این اصطلاح، گاهی اوقات در زمان بروز تشنجات و هیجانات سیاسی و در حالات بحرانی نیز تحت عناوین دادگاه‌های فوق‌العاده، ضد جنایتکاری و انقلابی به کار گرفته می‌شود که می‌توان

۱. Jurisdiction d'exception . ۱
۲. Jurisdiction de droit commun . ۲

آن را به اعتبار شرایط و اوضاع و احوال توجیه نمود.

۶- تاریخ حقوق کشورها حکایت از انواع محاکم استثنایی دارد که یا در برهه‌های خاص به وجود آمده و دیر یا زود از بین رفته‌اند و یا آن که در نظام حقوقی کشور با منطق خاص خود تثبیت گردیده‌اند.

انقلاب کبیر فرانسه که پیام‌آور آزادی و تساوی انسان اعلام گردیده بود نیز شاهد تأسیس دادگاه‌های جنایی فوق‌العاده،^۱ دادگاه‌های اختصاصی،^۲ دیوان اختصاصی، فوق‌العاده^۳ و نظایر آن بوده است.

تاریخ حقوق ایران نیز حکایت از انواع گوناگون محاکم استثنایی و بعضاً زودگذر نظیر محاکم فوق‌العاده، محاکم شرع، محاکم تجارت، محاکم اختصاصی شرعی، دادگاه رسیدگی به جرایم ضد انقلاب و تعزیرات حکومتی دارد. فراوانی، پراکندگی و تنوع محاکم اختصاصی به گونه‌ای است که در تعریف نمی‌گنجد و برای آن‌ها دسته‌بندی ضرورت پیدا می‌کند. این گونه محاکم را به اختصاصی،^۴ سیاسی^۵ و فوق‌العاده^۶ دسته‌بندی نموده‌اند (هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، نشر میزان، چاپ یازدهم، بهار ۱۳۸۵، صص ۴۲۷-۴۲۶). با توجه به این که ویژگی اصلی محاکم اختصاصی طبیعت جرم، موضوع دعوا و شخصیت مجرمین و طرفین دعوا عنوان شده است، می‌توان گفت از آنجایی که دادگاه ویژه روحانیت صرفاً به جرایم و اعمال خلاف شأن روحانیون رسیدگی می‌کند، یک محکمه اختصاصی است.

۷- تاریخ ادیان مختلف حکایت از آن دارد که در بین پیروان ادیان الهی و غیرالهی طبقه خاصی وجود داشته که متصدی آموزش و ارشاد مردم و اجرای احکام دینی

۱. Tribunaux criminels extraordinaires .
۲. Tribunaux speciaux .
۳. Cours speciaux extraordinaires .
۴. Juridictions speciales .
۵. Juridictions Politiques .
۶. Juridictions extraordinaires .

بوده‌اند به عنوان مثال:

الف) در نزد یهودیان، روحانیت دستگاه بسته‌ای بود و جز فرزندان لای (Levi یکی از فرزندان یعقوب بوده است) کسی نمی‌توانست در این طبقه وارد شود. این طبقه از پرداخت مالیات و باج و انواع دیگر عوارض معاف بودند، از نتاج گله‌ها زکات می‌گرفتند و سهمی از قربانی‌های معابد به آنان تعلق می‌گرفت (دورانت، ویل تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، جلد اول، انتشارات اقبال، ۱۳۳۷ صص ۴۶۷-۴۶۶).

ب) در میان برهمنیان، دانش در انحصار برهمنان بود و اگر کسی جز آنان امکان شنیدن تلاوت کتاب مقدس را داشت در گوش وی سرب می‌ریختند. روحانیون برهمن، در صورت ارتکاب جرم، مجازاتی خفیف‌تر از مجازات عموم درباره‌شان اجرا می‌شد (همان، ص ۶۵۹).

ج) روحانیون مسیحی، در طول سلطه کلیسا، به عنوان یک طبقه برتر، سرنوشت جسم و روح مردم را در اختیار داشتند. پاپ، با قدرت کامله بر مسند قدرت تکیه زده و با دو حربه روحانی (تکفیر و تحریم) همه کس را به اطاعت و تعظیم وامی‌داشت (ماله، آلبر، ایزاک، ژول، تاریخ قرون وسطی، ترجمه عبدالحسین هژیر، جلد دوم، نشریات کمیسیون معارف، چاپ سوم، ۱۳۴۳، ص ۲۲۹).

دین اسلام، اصولاً بر پایه نفی هرگونه اختلاف طبقاتی «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ...» (سوره حجرات، آیه ۱۲) و نژادی (وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ، كُلُّكُمْ لِأَدَمَ وَآدَمُ مِنْ تُرَابٍ «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» وَ لَيْسَ لِعَرَبِيٍّ عَلَىٰ عَجَمِيٍّ وَلَا لِأَحْمَرَ عَلَىٰ أبيضٍ وَلَا لِأَبْيَضٍ عَلَىٰ أَحْمَرَ فَضْلٌ إِلَّا بِالتَّقْوَىٰ، حدیث نبوی). بنا نهاده شده است. زیرا همگان اصل و منشا واحد دارند «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً...»؛ سوره نساء، آیه ۱.

بر این اساس، حقوق و تکالیف اسلامی، بی‌هیچ تمایزی، خطاب به عموم می‌باشد.

به این ترتیب، می‌توان گفت که امتیازات و انحصارات طبقاتی به اصل دین ارتباطی ندارد و اصولاً بحث خاصی به نام «روحانیت» نظیر آنچه در میان پیروان بسیاری از ادیان است، در اسلام مطرح نمی‌باشد (بهشتی، سید محمد، «روحانیت در اسلام و در میان مسلمین»، مجله بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۱، ص ۱۴۲). با وجود این، ضرورت‌های اجتماعی افراد را با توجه به موقعیت‌ها و مناسبات مشترکی که با یکدیگر دارند، در گروه‌ها و اصناف متمایز از یکدیگر قرار می‌دهد که در این صورت، تمایز صنفی و گروهی را باید از امتیازات طبقاتی جدا دانست. علما و فقهای اسلام، با وظایف ارشادی و آموزشی که در مسایل دینی دارند، در گروه خاص قرار می‌گیرند. این گروه که عرف جامعه اسلامی آن‌ها را به نام «روحانیت» می‌شناسد، با کسب علوم و معارف قرآنی و شناخت فرهنگ اسلام و ابعاد آن، در نظام سراسر کوشش حوزه‌ای، توأم با عمل و اخلاص و زهد، به عنوان انسان‌های نمونه، در مقام راهبری و ارشاد جامعه قرار می‌گیرند. این وظیفه حساس و سازنده به آنان، موقعیتی برجسته بخشیده و همواره، به عنوان طبقه‌ای شاخص، مورد توجه و احترام خاص مردم قرار دارند.

در کشور ایران، روحانیون چهره کاملاً متمایزی هستند که در روابط اجتماعی و مبارزات سیاسی نوعاً و در اعمال عبادی خصوصاً، به آنان اقتدا می‌شود و رفتار آنان سرمشق دیگران قرار می‌گیرد. رابطه افراد مردم با علمای روحانی مبتنی بر اعتماد و ایمان می‌باشد.

این اعتماد و ایمان، صرفاً با مشاهده اعمال و رفتار نیک و وقوف از زهد واقعی آنان قابل تضمین خواهد بود (هاشمی، سیدمحمد، پیشین، صص ۴۴۲ - ۴۴۱).

۸- در نظام جمهوری اسلامی ایران علاوه بر محوریت اصول ولایت فقیه (اصل پنجم قانون اساسی) و اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط (اصل دوم قانون اساسی)، مناصب قانونی (اصول نود و یکم و یکصد و پنجاه و هفتم قانون اساسی) و قضایی (اصل یکصد و شصت و سوم قانون اساسی و ماده واحده قانون انتخاب قضات دادگستری مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۴) بر عهده فقهای روحانی قرار دارد.

هم‌چنین، روحانیون، به عنوان افراد مورد اعتماد رهبری و افراد مردم، در اندام قوای سه‌گانه و دستگاه‌های حاکمه رسماً و موظفاً مشغول به کار می‌باشند. از طرف دیگر، خارج از مسئولیت‌های حکومتی و دولتی، افراد مذکور، در مقام امامت جماعت و جمعه، وعظ و خطابه و در شوراها و انجمن‌های مختلف، اشتغالات گوناگون دارند. بنابراین تفصیل، می‌توان اذعان نمود که حیثیت و اعتبار نظام حاکم از یک طرف و توقعات اخلاقی و عقیدتی مردم از طرف دیگر، در گرو این قشر محترم قرار دارد. فلذا، اعمال و رفتار نیک آنان می‌تواند آثار سازنده‌ای بر تمامیت جامعه (نظام سیاسی، زمامداری و مردم) داشته باشد (هاشمی، سید محمد، همان، ص ۴۴۳). بر اساس این واقعیت‌ها است که افراد روحانی، در صنف مشخص خود، همواره نمایان و مدنظر عموم می‌باشند، به ترتیبی که اعمال و رفتار سوء هر یک از آنان، مردم را وادار به قضاوت مضاعف (نسبت به فرد روحانی و صنف روحانی) می‌نماید. در مقابل این قضاوت عمومی و برای حفظ منزلت جامعه روحانی، سعی فراوان مبذول می‌گردد، تا حساب روحانیون خطاکار از جمع صنفی روحانیت جدا نشان داده شود. بدین خاطر است که معمولاً به این‌گونه افراد عنوان «روحانی‌نما» اطلاق می‌شود، تا با این جداسازی، ضمن حفظ شوون روحانیت، دامن این قشر مورد احترام همواره از آلودگی‌ها پاک بماند (هاشمی، سیدمحمد، همان، ص ۴۴۳).

۹- اشتغال عملی و جذب افراد روحانی در امور مختلف نظام، موجب تجلی بیش از پیش حرکات آنان در انظار عام گردیده و در این راه، تخلفات و خطاهای عده‌ای را نمایان ساخته و نتیجتاً قضاوت‌های گوناگون اجتماعی را به دنبال آورده است. بازتاب این جریان، موضع‌گیری قاطع رهبری کشور در ضرورت طرد عناصر نامطلوب روحانی بوده است، از جمله این که از سوی امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ با تأکید بر اهمیت و لزوم حفظ شوون روحانیت و حوزه‌های علمیه، حکم حاکم شرع «دادگاه ویژه روحانیت» صادر گردیده، تا طبق موازین شرع مقدس به جرایم روحانی نمایان رسیدگی شود.

علاوه بر آن، در حکم انتصاب دادستان دادگاه ویژه روحانیت توسط حضرت آیت‌الله

خامنه‌ای مقرر شده است که: «اهمیت شأن و نقش علمای دینی و جامعه روحانی در هدایت مردم و قوام امور کشور، اقتضا می‌کند که نسبت به تخلفات و کج‌روی‌هایی که ممکن است از برخی عناصر روحانی‌نما صادر شود حساسیت و اهتمام نشان داده شود و با متخلفین برخوردی قاطع و منطبق با احکام اسلامی انجام گیرد.» (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: حکم انتصاب دادستان دادگاه ویژه روحانیت، مورخ ۱۳/۱۰/۱۳۶۸).

۱۰- برخی از طرفداران استقرار دادگاه‌ها و دادسراهای ویژه روحانیت، لزوم رعایت مصالح کشور و ملت و نیز رویارویی با خطرهایی که جامعه روحانیت و حوزه‌های دینی را تهدید می‌نمود، عنوان کرده‌اند. «اگر قرار بود روحانیان متخلف در دادگاه‌ها و دادسراهای عمومی مورد بازپرسی و محاکمه قرار گیرند، ممکن بود خلاف کاری چند تن از عناصر ناباب به همه مقامات روحانی تسری یابد. از سوی دیگر برخی از روحانی‌نماهای فاسد با سوء استفاده از قدرت و موقعیت، بتوانند در برخی از دادگاه‌ها و دادسراهای عمومی نفوذ کنند و از کیفر بربهند. به ویژه در سال‌های نخستین پیروزی انقلاب اسلامی که هنوز برخی از قضات دوران طاغوت در دستگاه قضایی فعال بودند و می‌توانستند در مورد روحانی‌نماها با پرده پوشی و گذشت، دستور تبریئه بدهند و در مورد برخی از روحانیان و تخلف‌ناچیز آنان با غرض‌ورزی و کینه‌توزی رأی صادر کنند و به کیان روحانیت آسیب رسانند. افزون بر این، مسایل مربوط به روحانیون از یک پیچیدگی ویژه‌ای برخوردار است که یک قاضی عادی نمی‌تواند به درستی آن را مورد ارزیابی قرار دهد و به رأی و نظر درستی برسد و بر پایه عدالت، قضاوت و داوری کند. از این‌رو امام خمینی رحمته‌الله‌علیه در سال ۵۸ دستور دادند که دادگاه ویژه روحانیت زیر نظر مقامات روحانی و اساتید وارسته در قم تشکیل شود و به پرونده روحانی‌نماها و نیز خلاف‌کاری‌های برخی از روحانیون بر پایه عدالت و بی‌طرفی و به دور از هرگونه غرض‌ورزی رسیدگی کند.» (روحانی، سید حمید، «دادگاه‌های ویژه، زنگ خطر برای خیانت‌کاران»، نشریه پانزده خرداد، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۸۸، صص ۲۲۱-۲۱۹).

۱۱- بنیان‌گذار انقلاب اسلامی در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، نسبت به برخی روحانیون اعلام خطر کرده و بدین ترتیب، با ابلاغ پیام خود، نخستین سنگ بنای تأسیس دادگاه ویژه روحانیت را گذاشتند. از دیگر نکات حایز اهمیت در پیام مذکور، اعتقاد ایشان به تساوی تمامی اشخاص و گروه‌ها در برابر قانون است.

« متن پیام مذکور:

بسم الله الرحمن الرحيم

با آن که در اسلام برای مجازات مجرمین فرقی بین گروه‌ها نیست و همه در مقابل قانون برابر هستند و باید مجرمینی که با پوشیدن لباس روحانیت خود را در این صف وارد کرده‌اند به مجازات برسند، لیکن، به طوری که اطلاع می‌دهند، عده‌ای مخالف اسلام و روحانیت در صدد هستند که با اسم تصفیه، روحانیت را بکوبند و راه را برای ستمگران باز کنند. لهذا لازم است به تذکرات زیر توجه شود:

الف) نظر به این که روحانیون از حال معممین بهتر آگاه هستند، در شهرستان‌ها به وسیله علمای اعلام درجه اول، هیأت‌هایی مرکب از سه نفر از اهل علم مورد وثوق و دو نفر از معتمدین محل تشکیل و مأموریت رسیدگی به پرونده‌های اشخاص به صورت روحانی یا اهل منبر را به آنان بدهند و پس از ثبوت جرم - شرعاً - تحت نظر دادگاه انقلاب اسلامی به مجازات برسند.

ب) هیچکس و هیچ گروهی حق ندارد متعرض معممین بشود و به روحانیون اهانت کند. در صورت تخلف، دادگاه انقلاب محل موظف است او را تعقیب و مجازات کند. تذکرات فوق برای کوتاه کردن دست عمال اجانب است از حریم محترم روحانیت، که می‌خواهند با نیت فاسد خود و با تز اسلام منهای روحانیت، روحانیت اسلام را که معارض منافع اربابان هستند بکوبند. ملت باید توجه به این طور فکر استعماری و حيله مغرضانه غربی داشته باشد و ملت شریف موظف است این اقشار خائن را در صفوف خود راه نهد و در صورت تعرض به علما و روحانیون آنان را به دادگاه معرفی کند. والسلام علی من اتبع الهدی.

روح الله الموسوی الخمینی ۵۸/۳/۳

(پیام امام خمینی، صحیفه نور، ج ششم، ص ۲۵۳).

۱۲- با وجود این، مخالفت برخی چهره‌های سیاسی و مذهبی، به تعطیلی چندین ساله دادگاه ویژه روحانیت منتج گشت. حوزه علمیه قم طی اطلاعیه‌ای پیرامون ضرورت تشکیل دادگاه ویژه روحانیت چنین توضیح داد:

حوزه علمیه قم و به طور کلی روحانیت، همیشه در معرض شدیدترین حملات از سوی استکبار جهانی بوده است... که اهم آن عبارت بود از: سرکوب مبارزین، نفوذ عوامل وابسته و منحرف، اشاعه اکاذیب در جهت فاسد جلوه دادن حوزه و تشکیلات و افراد روحانی و ... از آن جایی که اسلام، انقلاب و روحانیت با آغاز روش نه شرقی و نه غربی و حفاظت از اجرای صحیح این سیاست... قدرت خویش را در هدایت مسلمین و نفوذ در قلوب آنان آشکار ساخته است، امروز تمامی توان دشمنان در نفوذ عناصر فرصت‌طلب و مزدور به حریم مقدس روحانیت به کار گرفته می‌شود... به یقین دادگاه ویژه روحانیت نقش به‌سزایی در کنترل حوزه‌های علمیه و جلوگیری از این امر خطیر داشته است [که] ضرورت وجود چنین مرکزی از سوی مراجع تقلید و خصوصاً امامت امت بارها تأکید شده است.

یک بار پس از تشکیل و به لحاظ جو مسموم سیاسی که از طرف گروهک‌ها و لیبرال‌ها دامن زده می‌شد، مصلحت در انحلال آن تشخیص داده شد، ولی با اصرار اکثریت اساتید حوزه و بزرگان روحانی از اوایل سال ۵۹ به‌عنوان بخشی از دادگاه انقلاب قم شروع به کار نمود. این امر تا پایان تابستان ۶۰ با تحلیل‌ها و پیشنهادات بسیاری روبه‌رو بود و بالاخره پس از مشورت‌های مکرر با بزرگان حوزه و مسئولین قضایی، از اوایل مهرماه ۶۰ به‌عنوان یک دادسرای مستقل زیر نظر دادستانی کل انقلاب به‌فعالیت خود ادامه داد.

۱۳- سرپرستی دادسرای انقلاب اسلامی مستقر در حوزه علمیه قم به‌عهده آقای آذری قمی قرار داده شد و جهت هماهنگی بیشتر و بنا به درخواست ایشان در تاریخ ۱۳۶۰/۱۲/۲ از سوی دادستان کل انقلاب جمهوری اسلامی، بخش‌نامه‌ای به دادسراها و دادگاه‌های انقلاب سراسر کشور ارسال گردید که رسیدگی به پرونده روحانیون را به این دادسرا محول می‌نمود و با جمله «سریعاً به دادسرای فوق

الاشعار ارسال فرمایید» پایان یافت. [منظور ارسال فوری پرونده‌های روحانیون به دادسرا است].

شورای عالی قضایی نیز در فروردین ماه ۶۱ طی بخش‌نامه‌ای مقرر داشت که در صورت درخواست دادسرای ویژه روحانیت باید هر پرونده که خواسته شد به آن مرکز ارسال گردد (نشریه دادستانی انقلاب، مرداد، ۱۳۶۱).

۱۴- با گذشت چند سال از تعطیلی دادگاه ویژه روحانیت، امام رحمته‌الله علیه بر آن شدند تا بار دیگر دستور تشکیل دادگاه ویژه روحانیت در حوزه قم را صادر کنند. مرحوم آیت‌الله منتظری در نامه‌ای به امام در سال ۱۳۶۵، سعی بر منصرف نمودن ایشان از راه اندازی مجدد تشکیلات دادگاه ویژه داشته و چنین نگاشتند:

«... در مورد دادگاه ویژه در حوزه علمیه قم از قرار مسموع حضرت عالی موافق با تشکیل مجدد آن می‌باشید. مناسب دانستم به اطلاع برسانم شورای عالی مدیریت اخیراً پنج نفر از فضلا که عبارت‌اند از: آقایان حاج شیخ علی میانجی، بدلا، محفوظی، دیباجی و حاج شیخ حسین کریمی، مسئول دادگستری شهرستان قم را جهت رسیدگی به مسایل اخلاقی و فکری و نظارت بر اعمال طلاب حوزه و حرکت‌های افراد ضد انقلاب تعیین و به تأیید آیت‌الله العظمی گلپایگانی و این جانب نیز رسانده‌اند و قرار شده است با حفظ شؤن مورد نظر، مراتب لازم از قبیل تذکر و تهدید و قطع شهریه و محرومیت از دیگر مزایای حوزه و اخراج از مدارس و یا حوزه و یا خلع لباس، با افراد مربوطه برخورد شود و اگر در موردی این مراتب موثر واقع نشد به دادگاه‌های مربوطه شهرستان قم اعم از انقلاب و عمومی و حقوقی معرفی، تا طبق ضوابط قانونی و اسلامی با آن فرد عمل گردد. با توجه به آنچه عرض شد و این که اکثریت قاطع فضلا و طلاب و بسیاری از مدرسین نظرشان همین است و به علاوه در گذشته دادگاه ویژه تجربه خوبی نداشت و کارهای بی‌رویه و خارج از شؤن روحانیت و اهل علم در حوزه زیاد انجام شد و این که در دستگاه قضایی شهرستان قم، قضات شرع روحانی زیادی به کار مشغول‌اند، علی‌هذا به نظر این جانب، نیازی به تشکیل دادگاه ویژه روحانیت ویژه نیست. منتهی الامر باید

به دادگاه انقلاب شهرستان قم سفارش شود در مواردی که به حرکات ضد انقلابی مربوط می‌شود قاطعانه و بدون محافظه‌کاری برخورد نماید. مع الذلک، امر، امر، مبارک است...».

مرحوم حاج سید احمد خمینی، پاسخ امام به مرحوم آیت‌الله منتظری را چنین رسانید:

«... پس از عرض سلام، حضرت امام مدظله فرمودند: من صلاح آقایان میانجی، بدلا، محفوظی، دیباجی و کریمی را نمی‌دانم که هر روز یک و یا چند روحانی‌نما را خلع لباس و یا تبعید و یا زندان نمایند.

آقایان در حد تذکر و حداکثر تهدید بسنده کنند، ولی آن‌چه به نظرشان می‌رسد را به فردی که برای این موضوع انتخاب می‌شود که باید قاطع و محکم باشد و تحت تأثیر تلفن و فشارها قرار نگیرد، معرفی نمایند تا او برخوردی حساب شده در حد روحانی‌نمای معرفی شده از طرف آقایان بنماید و هم‌چنین فرد مذکور می‌تواند با گزارشاتی که در این زمینه دریافت می‌نماید، بدون واسطه آقایان اقدام نماید...».

۱۳۶۵/۷/۱۳ - احمد خمینی (همان، صص ۲۳۰-۲۲۸).

۱۵- در نهایت حضرت امام رحمته‌الله علیه طی حکمی در تاریخ ۱۳۶۶/۳/۲۵ حجت‌الاسلام رازینی را به عنوان حاکم شرع دادگاه ویژه روحانیت و حجت‌الاسلام فلاحیان را به سمت دادستان دادرسی ویژه روحانیت منصوب کردند. متن حکم امام رحمته‌الله علیه در انتصاب آقای رازینی به عنوان حاکم شرع دادگاه ویژه روحانیت:

جناب حجت‌الاسلام آقای علی رازینی دامت افاضاته
نظر به اهمیت و لزوم حفظ شوون روحانیت و حوزه‌های علمیه، جناب‌عالی را با حفظ سمت به عنوان حاکم شرع دادگاه ویژه روحانیت منصوب می‌نمایم تا بر طبق موازین شرع مقدس به جرایم روحانی‌نمایان رسیدگی نمایید. بدیهی است که شورای عالی قضایی در زمینه صدور ابلاغ قضات دادگاه و دادرسی و تأمین نیرو و امکانات لازم کمال مساعدت را خواهد نمود. ضمناً کلیه دادگاه‌ها و دادرسی‌ها موظفند تا پرونده‌های درخواستی که در حدود اختیارات این دادگاه و دادرسی است

را ارسال دارند.

جناب عالی با کمال دقت و ظرافت و قاطعیت به وظیفه شرعی تان عمل نمایید و خداوند متعال را ناظر و حاضر دانسته تحت تأثیر هیچ کس و هیچ چیز قرار نگیرید. از خداوند متعال موفقیت شما و سایر افرادی که در این مأموریت با شما همکاری می‌نمایند را خواستارم و السلام علیکم و رحمه الله.

به تاریخ ۱۸ شوال ۱۴۰۷ - روح‌الله الموسوی الخمینی

۱۶- متن حکم امام تق در انتصاب دادستان داسرای ویژه روحانیت:

جناب حجه‌الاسلام آقای علی فلاحیان دامت افاضاته نظر به اهمیت و حفظ شؤون روحانیت و حوزه‌های علمیه، جناب عالی را با حفظ سمت به عنوان دادستان داسرای ویژه روحانیت منصوب می‌نمایم تا بر طبق موازین شرع مقدس به جرایم روحانی‌نمایان و دین به دنیا فروشان رسیدگی نمایید.

ضمناً کلیه دادگاه‌ها و داسراها موظفند تا با ارسال پرونده‌های درخواستی که در حدود اختیارات این دادگاه و داسرا است به شما کمک نمایند. از آن جا که جناب عالی با فعالیت‌های ضد انقلاب در هر صورت و لباس آشنایی دارید، به جاست تا بدون در نظر گرفتن فشارهای جانبی از طرف هر شخص و شخصیت به وظیفه خطیر خود با کمال دقت و قاطعیت عمل نمایید و نیز خدا را حاضر و ناظر بدانید و عدل و انعطاف اسلامی را در تمام زمینه‌ها رعایت نمایید. خداوند به شما توفیق خدمت به اسلام و مسلمین و روحانیت را اعطا فرماید.

به تاریخ ۱۸ شوال ۱۴۰۷ - روح‌الله الموسوی الخمینی

« وظایف

- ماده ۲- وظایف دادسرا و دادگاه ویژه به شرح ذیل می‌باشد:
 - الف- اقدامات لازم جهت پیشگیری از وقوع تخلفات و جرایم در محدوده مسایل قضایی.
 - ب- ارشاد در امور خلاف شأن.

ج- رسیدگی به جرایم روحانیون و پرونده‌هایی که به نحو مؤثری با اهداف این دادسرا مرتبط است.

□ تبصره- (الحاقی ۱۳۸۴/۹/۵) در اجرای وظایف و اهداف مندرج در مواد یک و دو، دادسرای ویژه روحانیت می‌تواند از طریق مراکز حوزوی، سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز امور مساجد و سایر نهادهای مرتبط به امور روحانیت اقدام نماید، نهادهای فوق در زمینه اجرای موارد مذکور موظف به همکاری با دادسرای ویژه روحانیت می‌باشند.

۱- در تاریخ ۳۱ تیرماه سال ۱۳۶۶، حاکم شرع وقت دادگاه ویژه روحانیت طی نامه‌ای به امام خمینی رضی الله عنه، درخواست نمود تا کلیه جرایم روحانی نمایان و منتسبین به روحانیت اعم از جرایم عمومی و ضد انقلابی و تخلفات مربوط به شؤون روحانیت در این مرجع و مطابق ضوابط شرعی رسیدگی شده و صلاحیت دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت از نظر محل وقوع جرم محدود به جرایم واقع در تهران یا قم نباشد. هم‌چنین در مواردی که مجرم اصلی روحانی است، به جرایم شرکاء و معاونین غیر روحانی مجرم نیز در این دادسرا و دادگاه رسیدگی می‌شود. امام نیز موافقت خود را در صورتی که دادستان‌ها و قضات دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت از عدالت و جهات شرعیه تخلف نکنند، اعلام داشتند («سوابق دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت»، بخش آشنایی با پاره‌ای از قوانین جدید، نشریه کانون وکلا، شماره‌های ۱۵۲ و ۱۵۳، پاییز و زمستان ۱۳۶۹، ص ۳۵۴).

۲- به موجب پرسشی که از سوی حاکم شرع وقت دادگاه ویژه روحانیت از مقام معظم رهبری در هفتم مهرماه ۱۳۷۰ مطرح گردید، ایشان کلیه جرایم و تخلفات سیاسی روحانیون، از جمله تخلفات و جرایم آنها در رابطه با مسایل مطبوعاتی را در صلاحیت دادگاه ویژه روحانیت دانستند.

سؤال حاکم شرع دادگاه ویژه روحانیت (حجت‌الاسلام رازینی) از مقام معظم رهبری و پاسخ ایشان:

اخیراً گزارشاتی در مورد تخلفات برخی از روحانیون شاغل یا مسئول در مطبوعات واصل شده است که با نوشتن یا انتشار مطالبی حاوی توهین یا خلاف واقع موجب بروز تشنج در جامعه می‌گردند.

لذا استدعا می‌شود نظر مبارک را در موارد ذیل اعلام فرمایند:

سوال نخست: آیا رسیدگی به تخلفات و جرایم روحانیون در رابطه با مسایل مطبوعاتی، در صلاحیت دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت می‌باشد یا خیر؟

بسمه تعالی

کلیه جرایم و تخلفات سیاسی روحانیون و آنچه موجب خدشه در حیثیت روحانیت است باید در آن دادگاه ویژه رسیدگی شود (همان، ص ۳۷۳).

۳- آیین‌نامه مذکور، علاوه بر ارتکاب جرم، به وقوع تخلفات و امور خلاف شأن روحانیون نیز اشاره کرده است.

۴- تعریف قانون‌گذار از جرم در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲/۲/۱) به عنوان «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است»، بیانگر اختلاف اساسی جرم با تخلف است. اگرچه بعضاً وجوه تشابهی میان این دو وجود دارد. به عنوان مثال، عمل واحد می‌تواند منشاء تخلف و جرم باشد. مانند اختلاس که هم جرم و هم تخلف است. یا این که برای ارتکاب جرم و تخلف، مجازات‌هایی مقرر شده است و یا در برخی روش‌های رسیدگی بین این دو، به ویژه در قوانین متأخر، شباهت‌هایی دیده می‌شود.

با این وجود، تفاوت‌های زیادی بین حقوق جزا و تخلفات اداری وجود دارد:

الف- رابطه منطقی بین جرایم و تخلفات اداری، عموم و خصوص من وجه است. به عنوان مثال، اختلاس هم جرم است و هم تخلف اداری، غیبت غیرموجه، تخلف اداری است، لیکن جرم نیست.

ب- آنچه در حقوق جزا ضرورت مقابله با جرم را توجیه می‌کند، دفاع از نظم عمومی است، حال آن که سبب رسیدگی به تخلفات اداری، تخلف از نظم سازمان متبوعه کارمند است.

ج- به موجب اصل ۳۶ قانون اساسی، حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح یعنی دادگستری صورت گیرد، در صورتی که رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان، در صلاحیت هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان است البته آیین‌نامه مذکور خرق عادت کرده و رسیدگی به تخلفات اشخاص روحانی را نیز در صلاحیت دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت قرار داده است. شاید اتخاذ چنین رویکردی به علت عدم تفاوت ماهوی بین جرم و خطای اداری در نزد برخی از حقوق دانان اسلامی باشد. عبدالقادر عوده در تشریح الجنایی الاسلامی می‌نویسد: «آن چنان که حقوق دانان امروز بین جرم جنایی و جرم تأدیبی یا خطای اداری فرق گذاشته‌اند، فقیهان، تفاوتی بین آن‌ها قایل نشده‌اند. علت این امر از جهتی به طبیعت مجازات‌های شرعی و از جهت دیگر به تحقق بخشیدن به عدالت اسلامی برمی‌گردد، زیرا جرایم در شریعت، یا جرایم حدودند یا جرایم قصاص و یا جرایم تعزیر. پس اگر خطای اداری به صورت جرمی از جرایم قصاص یا حدود درآمد، به همان مجازات عقوبت می‌گردد. محاکمه جنایی مجرم و عقوبت وی به مجازات‌های معین جرایم حدود و قصاص، مانع از محاکمه تأدیبی و اجرای مجازات‌های تأدیبی بر او است. از سوی دیگر، هنگامی که جرم کارمند مشمول حد یا قصاص نباشد، در نتیجه از تعزیرات است. وقتی جرم از تعزیرات باشد، محاکمه تأدیبی جایز نیست، چون تمامی مجازات‌های تأدیبی از قبیل توبیخ، عزل و مانند آن، مجازات‌های

تعزیری هستند. پس اگر کارمند قبلاً محاکمه تأدیبی شود و سپس محاکمه جنایی گردد، در هر مرتبه به مجازات تعزیری محاکمه شده است و این چیزی است که نصوص شریعت قبول نمی‌کند، زیرا قاعده کلی در نصوص شریعت است که «انسان برای فعل واحد، دوبار مجازات نشود». لیکن قانون‌گذار، این نظر را نپذیرفته و در تبصره ۳ ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری حکم کرده است: «... رأی به تخلف اداری کارمند تنها در حدود و مجازات‌های اداری معتبر است و به معنی اثبات جرم‌هایی که موضوع قانون مجازات اسلامی است، نیست». هم‌چنین در ماده ۱۹ همین قانون تأکید می‌کند: «... هرگونه تصمیم مراجع قضایی، مانع اجرای مجازات‌های اداری نخواهد بود...».

د- مجازات پیش‌بینی شده در قوانین کیفری شدید است، در حالی که مجازات‌های انضباطی خفیف بوده و تنها شامل حالات استخدای می‌شود. به همین سبب، آیین دادرسی جرایم، از تشریفات زیادی برخوردار است.

ه- اعتبار قضیه مختومه در تخلفات اداری جاری نیست. بنابراین کسی که از نظر اتهام اخذ رشوه در دادگاه تبرئه شده، ممکن است به علت ارتکاب همان عمل در دادگاه اداری محکوم شود، چون ارتکاب جرم مستلزم احراز عناصر و شرایطی است. به عنوان مثال، شخصی که برای انجام عملی، قرار گرفتن رشوه را گذاشته، از لحاظ انضباطی قابل مجازات است، در صورتی که مرتکب جرم ارتشاء نشده است.

۵- عبارت «امور خلاف شأن» مبهم بوده و علاوه بر این که قابل احصاء نمی‌باشد، دست‌مقام قضاوت‌کننده را نیز در تفسیر آن بازمی‌گذارد و ممکن است امری که یک قاضی خلاف شأن روحانیت می‌پندارد، از سوی قضات دیگر مورد تردید واقع گردد.

۶- مرکز رسیدگی به امور مساجد در زمره نهادها و مراکز وابسته و مرتبط با دفتر مقام معظم رهبری می‌باشد (نامه شماره ۴۳۹۸۳، مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۲۶ معاونت

نظارت و حسابرسی دفتر مقام معظم رهبری).

۷- با عنایت به مواد (۱) و (۲) آیین‌نامه دادرها و دادگاه‌های ویژه روحانیت، یکی از وظایف این مرجع، پیشگیری از نفوذ افراد منحرف و تبه‌کار در حوزه‌های علمیه و حفظ شأن روحانیت است. با توجه به این که مرکز رسیدگی به امور مساجد متولی حکومتی امور مساجد می‌باشد، لذا اعضای فعال مساجد از جمله ائمه جماعات تحت نظارت اداری آن مرکز می‌باشند. ائمه جماعات مساجد روحانیونی می‌باشند که در تدابیر مقام معظم رهبری از آن‌ها به عنوان مدیر مساجد، یاد شده است.

۸- به موجب تبصره ماده (۲) آیین‌نامه مذکور، مرکز رسیدگی به امور مساجد مکلف است در جهت اجرای وظایف و اهداف مندرج در مواد یک و دو آن آیین‌نامه در رابطه با امور مرتبط با روحانیون با مرجع قضایی مذکور همکاری نماید. بدین منظور چنان‌چه از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی شکایتی علیه ائمه جماعات مساجد تسلیم دادرها گردد، بنا بر تشخیص دادستان ویژه روحانیت تهران رونوشتی از شکایت به مرکز ارجاع خواهد شد تا حداکثر ظرف دو ماه از تاریخ وصول رونوشت شکواییه در مدیریت حقوقی مرکز، جهت حصول صلح و سازش مورد بررسی قرار گیرد و نتیجه تقدیم دادرها شود و چنان‌چه به صلح و سازش یا نتیجه مطلوب نرسید، پرونده متشکله به همراه اوراق مربوطه به دادرهای ویژه روحانیت جهت هرگونه اقدام اعاده خواهد شد. ضمناً ارسال رونوشت شکایت به مرکز مانع اقدامات دادستان نخواهد بود (بند ۱ ماده ۲ تفاهم‌نامه ارتقای سطح همکاری‌ها بین مرکز رسیدگی به امور مساجد و دادستانی ویژه روحانیت تهران، شماره ۹۲/۳۹۸۱ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۳).

۹- در صورت وجود دلایل کافی در جرایم سنگین به طوری که احتمال بازداشت متهم زیاد است، به منظور حفظ شأن و جایگاه رفیع امامت جماعت در مسجد و

محل و اجتناب از هرگونه برخورد قهری یا جلب در حضور نمازگزاران و اهالی محل، ابتدا موضوع از طرف دادستان به شکل مقتضی به مرکز رسیدگی به امور مساجد ابلاغ می‌شود تا حسب مورد نسبت به تعلیق امام جماعت اقدام گردد و در صورت صدور حکم قطعی و لازم‌الاجرا مبنی بر محکومیت کیفری، مراتب جهت برکناری امام جماعت به مرکز اعلام می‌گردد (بند ب ماده ۲، همان).

۱۰- در صورتی که احدی از ائمه جماعات در انجام وظایف و تکالیف شرعی و قانونی خود، برابر ارزیابی‌های تخصصی مرکز رسیدگی به امور مساجد کوتاهی نموده و پس از مرحله ارایه تذکرات اصلاحی، در برابر حکم برکناری مرکز مقاومت نماید، مراتب طی شکواییه از سوی مدیریت حقوقی مرکز و در راستای بند (ب) ماده (۱۳) آیین‌نامه دادرها و دادگاه‌های ویژه روحانیت، جهت برخورد قضایی و قانونی به دادرها اعلام خواهد شد (بند ج ماده ۲، همان).

۱۱- مرکز پیش از صدور احکام ائمه جماعات و به منظور کسب اطمینان از صلاحیت گزینه مورد نظر، نسبت به اخذ استعلام مکتوب از دادستانی اقدام می‌نماید (بند د ماده ۲، همان).

« تشکیلات

الف- دادسرا

- ماده ۳- دادستان ویژه روحانیت توسط مقام معظم رهبری منصوب خواهد شد.
- ۱- امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ طی حکمی در تاریخ ۱۳۶۶/۳/۲۵ حجت‌الاسلام علی فلاحیان را به عنوان اولین دادستان دادسرای ویژه روحانیت منصوب کردند تا بر طبق موازین شرع مقدس به جرایم روحانی‌نمایان و دین به دنیا فروشان رسیدگی نمایند. ایشان هم‌چنین کلیه دادگاه‌ها و دادسراها را موظف نمودند تا با ارسال پرونده‌های درخواستی که در حدود اختیارات این دادگاه و دادسرا است به دادستان ویژه روحانیت کمک نمایند.
- ۲- از آن تاریخ به بعد، به ترتیب حجج اسلام، آقایان علی فلاحیان، محمد ری‌شهری، غلام‌حسین محسنی اژه‌ای، محمد سلیمی و سیدابراهیم ریسی، از سوی مقام معظم رهبری به عنوان دادستان کل دادسرای ویژه روحانیت انتخاب گردیدند.
- ۳- در این بین، به استثنای حجت‌الاسلام محمد سلیمی که مدتی قبل از پایان مأموریتش جای خود را به حجت‌الاسلام ریسی (معاون اول قوه قضاییه) سپرد، مابقی دادستان‌ها به دلیل کثرت اشتغالات و یا حضور در مناصب جدید از سمت خود استعفا نمودند.
- ۴- اگرچه حجت‌الاسلام ریسی، «پنجمین» دادستان کل ویژه روحانیت محسوب می‌گردد، لیکن به جهت این که حجت‌الاسلام علی رازینی، از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۹۱، با حکم امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، حاکم شرع این دادگاه بوده است، حجت‌الاسلام منتظری (با حفظ سمت به عنوان رییس دیوان عدالت اداری)، «دومین» حاکم شرع این دادگاه محسوب می‌گردد.

۵- دادسرای ویژه روحانیت در هر شهر یا حوزه قضایی مرکب است از: دادستان، معاون ارشاد، معاون تحقیقات و امور اجرایی، مدیر اداری و مالی و دادیار و کادر اداری.

۶- دادستان منصوب، از معاون قضایی، معاون بررسی و پیشگیری، معاون امور استان‌ها، معاون اداری مالی، دفتر دادستانی و دفتر حفاظت و گزینش برخوردار خواهد بود. شرح وظایف هر کدام از این معاونین، توسط دادستان منصوب ابلاغ می‌گردد (ماده ۵ آیین‌نامه دادرها و دادگاه‌های ویژه روحانیت مصوب ۱۳۶۹). مقررات اداری و استخدامی کارکنان غیرقضایی دادرها و دادگاه‌های ویژه روحانیت به تصویب دادستان منصوب رسیده (تبصره ماده ۶، همان) و عزل و نصب دادستان‌ها و دادیاران دادرهای ویژه شهرستان توسط ایشان انجام می‌پذیرد (ماده ۷، همان).

● ماده ۴- مسئولیت، ریاست و نظارت همه دادرها به عهده دادستان منصوب خواهد بود.

۱- دادستان ویژه روحانیت در رأس دادر قرار دارد و اقامه دعوی و تعقیب جرایم از حیث حقوق عمومی بر عهده وی قرار دارد. بر این اساس، وی می‌تواند به عنوان مدعی‌العموم در گستره کشور، در خصوص فعل یا ترک فعل اشخاص روحانی که به کیان جامعه روحانیت آسیب می‌رساند، تقاضای تعقیب عاملان مزبور را مطرح نماید.

۲- از جمله وظایف دادستان ویژه روحانیت، وظیفه قضایی و نظارتی است. وی ریاست و نظارت بر امور تمامی دادرهای ویژه روحانیت در شهرها یا حوزه‌های قضایی کشور را برعهده دارد.

● ماده ۵- (اصلاحی ۱۳۸۴/۹/۵) دادستانی مرکز (دادستان منصوب) دارای یک معاون قضایی، معاون بررسی و پیشگیری، معاون امور استان‌ها، معاون اداری مالی، دفتر دادستانی و دفتر حفاظت و گزینش خواهد بود. شرح وظایف هر کدام توسط دادستان منصوب ابلاغ می‌گردد.

معاونین داسراها در شهرها یا حوزه‌های قضایی، به پیشنهاد دادستان همان داسرا و ابلاغ دادستان منصوب (دادستانی مرکز) تعیین خواهد شد (ماده ۸، همان).

● ماده ۶- (اصلاحی ۱۳۸۴/۹/۵) تشکیلات هر داسرا عبارت است از: دادستان، معاون ارشاد، معاون تحقیقات و امور اجرایی، مدیر اداری و مالی و به تعداد کافی دادیار و کادر اداری.

□ تبصره- (الحاقی ۱۳۹۰/۸/۱۱) مقررات اداری و استخدامی کارکنان غیرقضایی داسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت به تصویب دادستان منصوب می‌رسد.

● ماده ۷- (اصلاحی ۱۳۸۴/۹/۵) عزل و نصب دادستان‌ها و دادیاران داسراهای ویژه شهرستان با اخذ تمایل از آنان به عهده دادستان منصوب خواهد بود.

□ تبصره- (الحاقی ۱۳۸۴/۹/۵) در صورت ضرورت جابه‌جایی قضات فوق‌الذکر بدون تمایل، موضوع قبلاً در جلسه‌ای متشکل از دادستان منصوب و معاون قضایی او و رییس شعبه اول دادگاه‌های ویژه روحانیت بررسی و به تصویب می‌رسد.

۱- عبارت «با اخذ تمایل» از دادستان‌ها و دادرسان داسراهای ویژه شهرستان، در اصلاحات آیین‌نامه مورخ ۱۳۸۴/۹/۵ اضافه گردید.

۲- تا هنگامی که داسرا در شهرها یا حوزه‌های قضایی مشروحه در ماده (۹) آیین‌نامه، تشکیل نشده باشد، مرجع رسیدگی به پرونده‌های آن حوزه توسط دادستانی مرکز، تعیین می‌گردد.

۳- نقل و انتقال و تغییر سمت قضات به تصمیم مقامات قضایی، از مواردی است که امنیت شغلی قاضی را خدشه‌دار می‌سازد؛ زیرا مطابق تبصره ماده ۷ آیین‌نامه، ممکن است این تغییر مورد رضای قاضی نبوده و آرامش خاطر او را برهم زند. وانگهی، چه بسا ممکن است قاضی در مقام رسیدگی پرونده‌ای باشد که صدور حکم موجب محکومیت روحانی متنفذی باشد و اشخاص مذکور با اعمال نفوذ و یا قدرت، موجبات انتقال و در نتیجه موجبات عدم امکان رسیدگی و صدور حکم نسبت به پرونده مورد نظر را از ناحیه او فراهم کنند. چنین حالتی قطعاً سلامت دستگاه قضایی را مخدوش می‌نماید (ر.ک: هاشمی، سیدمحمد، پیشین، صص ۳۹۷-۳۹۶). به همین سبب است که اصل یکصد و شصت و چهارم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «بدون رضای او (قاضی)، نمی‌توان محل خدمت یا سمتش را تغییر داد، مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رییس قوه قضاییه پس از مشورت با رییس دیوان عالی کشور و دادستان کل».

۴- تبصره ماده ۷ آیین‌نامه، علاوه بر تعارض با اصل مصونیت شغلی قضات، با اصل ۱۶۷ قانون اساسی نیز در تعارض به نظر می‌رسد. زیرا قانون‌گذار اساسی، جابه‌جایی بدون کسب رضایت قاضی را منوط به حصول سه شرط: ۱- مصلحت جامعه ۲- تصمیم رییس قوه قضاییه ۳- مشورت با رییس دیوان عالی و دادستان کل کشور نموده است. اما به دلیل خارج بودن دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت از تشکیلات قوه قضاییه، در این آیین‌نامه، اشاره‌ای به تحقق سه شرط فوق نشده است.

۵- اصل مصونیت شغلی قضات به عنوان مصلحت‌اهم، هر مصلحت دیگری را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. جابه‌جایی و نقل و انتقال بدون رضایت قضات، همواره آن‌ها را با تزلزل شغلی مواجه می‌سازد که در این صورت محافظه‌کاری و پرهیز از قاطعیت در صدور احکام در خصوص اشخاص روحانی، یکی از عوارض نامطلوبی است که قاضی را از انجام وظیفه صحیح خود دور خواهد ساخت.

- ماده ۸- معاونین دادسراها به پیشنهاد دادستان همان دادسرا و ابلاغ دادستان منصوب تعیین خواهد شد.
- ماده ۹- (اصلاحی ۱۳۸۴/۹/۵) دادسرای ویژه روحانیت در شهرها و یا حوزه‌های قضایی مشروحه ذیل تشکیل می‌گردد:
 - تهران: استان‌های تهران و سمنان.
 - قم: استان‌های مرکزی و قم و شهرستان کاشان.
 - مشهد: استان‌های خراسان رضوی، خراسان شمالی، خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان.
 - اصفهان: استان‌های اصفهان (به استثنای کاشان)، یزد و چهارمحال و بختیاری.
 - شیراز: استان‌های فارس، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد.
 - تبریز: استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل و زنجان.
 - ساری: استان‌های گلستان و مازندران.
 - اهواز: استان‌های خوزستان و لرستان.
 - کرمان: استان‌های کرمان و هرمزگان.
 - همدان: استان‌های کرمانشاه، کردستان، همدان و ایلام.
 - رشت: استان‌های گیلان و قزوین.

□ تبصره- تا زمانی که دادسرا در هر یک از مراکز فوق تشکیل نگردیده، مرجع رسیدگی به پرونده‌های آن حوزه توسط دادستان منصوب، تعیین می‌گردد.

دادسراهای ویژه روحانیت در ۱۱ شهر معین شده در آیین‌نامه تشکیل شده‌اند اما در تشکیلات آن‌ها بازپرس پیش‌بینی نشده است.

• ماده ۱۰- حاکم شرع شعبه اول دادگاه ویژه روحانیت از سوی مقام معظم رهبری منصوب می‌گردد.

۱- امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ طی حکمی مورخ ۱۳۶۶/۳/۲۵، حجت‌الاسلام علی رازینی را به عنوان حاکم شرع دادگاه ویژه روحانیت منصوب کردند. ایشان تا سال ۹۱ این سمت را برعهده داشته و از این تاریخ به بعد، با حکم مقام معظم رهبری، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجعفر منتظری، رییس دیوان عدالت اداری، با حفظ سمت، به عنوان حاکم شرع دادگاه ویژه روحانیت منصوب گردیدند.

۲- انتصاب حاکم شرع دادگاه ویژه روحانیت توسط رهبری، از باب نظارت عالیه این مقام بر دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت است (ماده ۱ آیین‌نامه دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت).

۳- حاکم شرع دادگاه که با حکم رهبر انقلاب منصوب می‌گردد، رییس شعبه اول دادگاه ویژه روحانیت خواهد بود.

۴- تا پیش از اصلاح آیین‌نامه دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت مورخ ۱۳۸۴/۹/۵، سایر قضات دادگاه نیز حسب مورد مطابق نظر رهبری منصوب می‌گردیدند (ماده ۱۱، همان).

۵- ارجاع پرونده به شعب دادگاه و ایجاد هماهنگی بین آن‌ها و نظارت بر حسن جریان امور به عهده حاکم شرع شعبه اول خواهد بود (ماده ۴۰، همان).

۶- از دیگر اختیارات حاکم شرع شعبه اول دادگاه ویژه روحانیت، حل اختلاف بین دادگاه و دادسرای ویژه از حیث صلاحیت رسیدگی به پرونده می‌باشد. در این

صورت خصوص نظر ایشان، لازم‌الاتباع است.

۷- دادگاه ویژه روحانیت تابع اصل وحدت قاضی است.

● ماده ۱۱- (منسوخه - ۱۳۸۴/۹/۵) سایر قضات دادگاه حسب مورد طبق نظر مقام معظم رهبری منصوب می‌گردند.

● ماده ۱۲- کارمندان دفتری دادگاه با هماهنگی حاکم شرع شعبه اول تعیین می‌گردند.

- ماده ۱۳- (اصلاحی ۱۳۸۴/۹/۵) دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت در موارد ذیل صالح به رسیدگی می‌باشند:

الف- کلیه جرایم روحانیون

ب- کلیه اعمال خلاف شأن روحانیون

ج- کلیه اختلافات محلی مخل به امنیت عمومی در صورتی که طرف اختلاف روحانی باشد.

د- کلیه اموری که از سوی مقام معظم رهبری برای رسیدگی مأموریت داده می‌شود.

□ تبصره ۱- در مواردی که دادسرای ویژه، رسیدگی به پرونده‌ای را به سایر مراجع قضایی ذی‌ربط واگذار نماید، مراجع مذکور موظف به رسیدگی می‌باشند.

□ تبصره ۲- در مورد بدنج رسیدگی باهماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط صورت می‌گیرد.

□ تبصره ۳- (الحاقی ۱۳۸۴/۹/۵) کلیه اتهامات اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، وزراء و معاونین آن‌ها، معاونان و مشاوران رؤسای سه قوه، سفرا، دادستان و رییس دیوان محاسبات، دارندگان پایه قضایی، استانداران و فرمانداران و جرایم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و مدیران کل اطلاعات استان‌ها که به لحاظ روحانی بودن نامبردگان فوق، پرونده آنان در دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت مطرح می‌گردد و نیز کلیه اتهامات نمایندگان مجلس خبرگان رهبری و ائمه جمعه در دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت تهران رسیدگی خواهد شد.

۱- در اصلاح آیین‌نامه مورخ ۱۳۸۴/۹/۵، عبارت «کلیه جرایم عمومی روحانیون» به «کلیه جرایم روحانیون» تغییر یافت.

۲- ایجاد دادگاه‌های اختصاصی و ویژه، به اعتبار ویژگی جرم یا موضوع دعوا می‌باشد. اگر روحانیون را به عنوان صنف خاص و متمایز بپذیریم، تأسیس و ایجاد دادگاه، به اعتبار شخصیت و موقعیت خاص اجتماعی آنان خواهد بود. در این صورت، علی‌الاصول، اتهامات صرف صنفی مناسب این دادگاه می‌باشد (هاشمی، سیدمحمد، پیشین، ص ۴۴۵).

در حالی که آیین‌نامه اختیارات وسیعی در نظر گرفته و کلیه جرایم و اعمال خلاف شأن روحانیون و نیز کلیه اختلافات محلی که مخل به امنیت عمومی باشد را (در صورت روحانی بودن طرف اختلاف)، در صلاحیت دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت قرار داده است.

۳- حتی در دعاوی حقوقی و مدنی علیه روحانیون که رسیدگی به آن مطابق قوانین در صلاحیت مراجع عمومی است، در موارد خاص و بر حسب ضرورت، به تشخیص دادستان روحانیت، رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه ویژه روحانیت خواهد بود. در این صورت دادسراها و دادگاه‌ها موظفند که با درخواست دادگاه ویژه روحانیت پرونده را ارسال نمایند (ماده ۱۴ آیین‌نامه، آیین‌نامه دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت).

۴- دادسراهای ویژه روحانیت در خصوص جرایم خارج از محل استقرار خود نیز می‌توانند به دادسراهای عمومی و انقلاب اسلامی همان حوزه نیابت دهند و دادسراهای مزبور حسب مورد موظف به انجام درخواست‌های فوق می‌باشند (ماده ۲۹، همان).

۵- مابقی دادسراها در مواردی که نسبت به روحانیون از آن‌ها سلب صلاحیت شده حق ورود ندارند. مگر این که دادستان ویژه حوزه قضایی مربوطه این اجازه را صادر کند (ماده ۱۵، همان).

۶- حتی اعمالی که مطابق قانون جرم نیست اما به لحاظ شرعی مستوجب عقاب است یا عرفاً موجب هتک حیثیت روحانیت می‌شود نیز قابل مجازات دانسته شده است و در این‌گونه موارد قاضی «بر اساس نظر خود اقدام به صدور حکم می‌کند».

۷- به نظر می‌رسد پوشیدن لباس‌های غیر متعارف و استفاده از کراوات و دستمال گردن، استعمال سیگار، اشتغال به اموری چون دست‌فروشی، دلالی و مصادیقی از این قبیل در زمره اعمال خلاف شأن ائمه جماعات مساجد به عنوان اشخاص روحانی حاضر در مسجد باشد. با این وجود، به عنوان نمونه مشخص نیست آیا انجام مشاغلی چون تاکسی‌رانی یا استفاده از موتورسیکلت، یا ملبس نبودن به لباس روحانیت در انظار عمومی، از مصادیق امور خلاف شأن روحانی محسوب می‌گردد یا خیر. علی‌القاعده در چنین مواردی بایستی به عرف محل رجوع نمود.

۸- رسیدگی به اختلافات محلی منحل به امنیت عمومی که طرف اختلاف آن، شخص روحانی است با هماهنگی دستگاه‌هایی چون وزارت اطلاعات خواهد بود.

۹- مقام معظم رهبری می‌تواند رسیدگی به موضوعاتی که مشمول بندهای یک تا سه ماده (۱۳) نمی‌گردند را نیز به تشخیص خود، از دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت بخواهد.

۱۰- دادستان شهرستان می‌تواند در جرایم خفیف و امور خلاف شأن روحانیت قرار تعلیق تعقیب صادر کند (بند و ماده ۲۶، همان).

۱۱- در پرونده‌های ارجاعی از سوی دادسرای ویژه روحانیت، مراجع قضایی ذی‌ربط مکلف به رسیدگی بوده و حق صدور قرار عدم صلاحیت را نخواهند داشت.

۱۲- در میان اعضای حقوقی مجمع تشخیص مصلحت نظام، رییس قوه قضاییه و

فقه‌های شورای نگهبان و از میان شخصیت‌های حقیقی مجمع، فقهای که از سوی رهبری انتخاب می‌شوند، لزوماً روحانی می‌باشند. از میان ورزا نیز، وزیر اطلاعات و اعضای مجلس خبرگان رهبری به جهت شرط اجتهاد در استنباط برخی از موضوعات فقهی، لزوماً روحانی می‌باشند.

۱۳- رسیدگی به کلیه اتهامات نمایندگان مجلس خبرگان رهبری و ائمه جمعه، در دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت مستقر در تهران می‌باشد.

● ماده ۱۴- دعاوی حقوقی و مدنی علیه روحانیون مطابق قوانین در دادگاه‌های مدنی و حقوقی رسیدگی خواهد شد مگر موارد خاصی که بر حسب ضرورت رسیدگی آن «به نظر دادستان منصوب» در دادگاه ویژه اصلح باشد. در این صورت دادسراها و دادگاه‌ها موظفند که با درخواست دادسرا و دادگاه ویژه پرونده را ارسال نمایند.

۱- اصل بر این است که دعاوی حقوقی و مدنی علیه روحانیون (از جمله احوال شخصیه، مالکیت و...)، در دادگاه‌های حقوقی رسیدگی گردد. تشخیص موارد ضرورت، با دادستان مرکزی خواهد بود. در این صورت، سایر مراجع قضایی مکلفند که به محض درخواست دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت، پرونده را برای آن‌ها ارسال نمایند.

۲- قید «ضرورت» در ماده فوق مبهم بوده و حدود و ثغور آن به درستی مشخص نمی‌باشد. این موضوع احتمال تفسیر شخصی را افزایش می‌دهد.

● ماده ۱۵- سایر دادسراها در اموری که نسبت به روحانیون از آن‌ها سلب صلاحیت گردیده، حق ورود، تحقیق و تعقیب را ندارند، مگر با اجازه دادستان ویژه حوزه قضایی مربوطه.

- ماده ۱۶- روحانی به کسی اطلاق می‌گردد که ملبس به لباس روحانیت باشد یا در حوزه مشغول تحصیل باشد یا اگر به کار دیگری مشغول است عرفاً روحانی محسوب گردد.

۱- در صورت حصول یکی از شرایط ذیل شخص، روحانی تلقی می‌گردد:

الف) ملبس به لباس روحانیت باشد

ب) تحصیلات حوزوی داشته باشد

ج) عرفاً روحانی باشد

۲- روحانی عالم دینی است که به دستورات و تعالیم دینی مسلط بوده و به آن‌ها عامل است. در برخی از ادیان، روحانی به فردی گفته می‌شود که علاوه بر تسلط بر دستورات و تعالیم آن دین و عمل به آن‌ها، دیگران را نیز راهنمایی می‌کند.

۳- مشخص نگردیده مراد از شخص «عرفاً روحانی» دقیقاً کیست و چه معیارهایی برای تشخیص او وجود دارد. به عنوان مثال آیا گذراندن تعداد معینی از واحدهای تحصیلی همچون اصول، متون و قواعد فقه توسط دانش‌آموختگان حقوق و فقه و مبانی حقوق، سبب می‌گردد که شخصی عرفاً روحانی محسوب گردد؟! هم‌چنین می‌توان در خصوص این ابهام به اشتغال متمادی افرادی غیر روحانی در نهادها و دستگاه‌هایی چون مرکز رسیدگی به امور مساجد اشاره نمود.

- ماده ۱۷- تخلفات قضات و کارمندان دادسرا و دادگاه ویژه که در حین یا به سبب خدمت مرتکب شده‌اند، زیر نظر مستقیم دادستان منصوب و رییس شعبه اول دادگاه مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

- ماده ۱۸- هر فعلی یا ترک فعلی که مطابق قوانین موضوعه یا احکام شرعیه قابل مجازات یا مستلزم اقدامات تأمینی و تربیتی باشد، جرم محسوب می‌گردد.
- تبصره- اعمالی که عرفاً موجب هتک حیثیت روحانیت و انقلاب اسلامی باشد، برای روحانیون جرم تلقی می‌شود.

۱- حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد (اصل سی و ششم قانون اساسی ایران).

۲- اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر آن که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد (اصل سی و هفتم، همان).

۳- احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است (اصل یکصد و شصت و ششم، همان).

۴- قاعده قبح عقاب بلا بیان و آیه (۲۸۶) سوره بقره «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا...»، دلالت بر پذیرش اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در حقوق اسلامی دارد و سابقه اصل مذکور در حقوق اروپا به اعلامیه حقوق بشر مصوب ۱۷۸۹ میلادی باز می‌گردد (باهری، محمد، تقریرات حقوق جزای عمومی، دانشگاه تهران، سال ۱۳۴۸-۱۳۴۷، ص ۱۱۱).

۵- به منظور رفع اشکالات وارده بر اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، اصل شخصی کردن کیفر پیشنهاد شده است که به موجب آن، به قاضی اجازه داده

می‌شود که با توجه به خصوصیات و شرایط حال مجرم بین کیفر حداقل و حداکثر پیش‌بینی شده در قانون، مجازات مناسبی را برای مرتکب تعیین نماید (شکری، رضا، سیروس، قادر، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، نشر مهاجر، چاپ چهارم، ویرایش دوم، ۱۳۸۴، ص ۲۱).

۶- از آثار و نتایج اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها این است که قاضی در تعیین وصف مجرمانه ملزم به رعایت متن قانون می‌باشد و نمی‌تواند عملی را که به موجب قانون فاقد وصف مجرمانه است، جرم بداند. بنابراین برعهده قاضی است که با تتبع در قوانین جزایی، وصف مجرمانه برای عمل اتهامی بیابد و اگر نیافت مکلف به صدور حکم برائت است.

۷- به نظر می‌رسد مواد (۱۸) و (۴۲) آیین‌نامه دادرها و دادگاه‌های ویژه روحانیت در تعارض با ماده ۲ قانون مجازات اسلامی و اصول ۳۶، ۳۷ و ۱۶۹ قانون اساسی بوده و نیاز به اصلاح داشته باشند (اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، میزان، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۱۳۶).

۸- ماهیت رفتار مادی جرم حسب ماده مذکور، فعل یا ترک فعل است. مقصود از فعل، عمل مثبتی است که انجام می‌شود. مانند کشتن، بردن، زدن، سوزاندن، خراب کردن و ممکن است معنوی باشد. نظیر اهانت نمودن و... مقصود از جرم ترک فعل نیز امتناع از ایفای تکلیف مقرر قانونی است. مانند ترک انفاق، عدم ثبت واقعه ازدواج و...

۹- مطابق ماده یک قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹/۲/۱۲، مراد از اقدامات تأمینی و تربیتی، تدابیری است که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم در مورد مجرمین خطرناک اتخاذ می‌کند. از نظر حقوقی عبارت است از مجموعه تدابیر پیشگیرانه ناشی از واکنش جامعه برای جلوگیری از تکرار جرم از سوی مجرمین

خطرناک که بنا به حکم قانون از جانب دادگاه اتخاذ و درباره آن اعمال می‌گردد (قاسمی، ناصر، اقدامات تأمینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۱۳).

۱۰- قاعده عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری مشمول اقدامات تأمینی و تربیتی نمی‌شود. زیرا فرض بر این است که اقدامات تأمینی و تربیتی مجازات نیست.

۱۱- در خصوص ماهیت فقهی و حقوقی اقدامات تأمینی و تربیتی و اقسام آن رجوع کنید به: رهامی، محسن، اقدامات تأمینی و تربیتی، تهران، میزان، چاپ اول، ۱۳۸۱، صص ۹۵-۱۶۰.

۱۲- عبارت «هتک حیثیت روحانیت و انقلاب اسلامی»، ابهام‌برانگیز است.

● ماده ۱۹- جرایم می‌تواند دارای سه حیثیت باشد:

- ۱- حیثیت حق‌الهی: از جهتی که تجاوز به حدود و مقررات الهی است.
- ۲- حیثیت عمومی: از جهتی که مخل نظم و امنیت عمومی و هتک حیثیت جامعه و روحانیت گردد.
- ۳- حیثیت خصوصی: از جهتی که موجب ضرر مادی یا معنوی به شخص یا اشخاص معین حقیقی یا حقوقی شود.

۱- کلیه جرایم دارای جنبه الهی است و به شرح ذیل تقسیم می‌گردد:

اول- جرایمی که مجازات آن در شرع معین شده مانند موارد حدود و تعزیرات شرعی.

دوم- جرایمی که تعدی به حقوق جامعه و یا مخل نظم همگانی باشد.

سوم- جرایمی که تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین حقیقی یا حقوقی است (ماده ۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری)

۲- جرمی که دارای دو جنبه باشد می‌تواند موجب دو ادعا شود:
الف- ادعای عمومی برای حفظ حدود الهی و حقوق و نظم عمومی

ب- ادعای خصوصی برای مطالبه حق از قبیل قصاص و قذف یا ضرر و زیان اشخاص حقیقی و حقوقی.

۳- این آیین‌نامه، با تفکیک حیثیت حق‌اللهی از حیثیت عمومی، در نظر داشته است تا جرایمی را که واجد حیثیت حق‌اللهی هستند از سایر جرایم جدا کند و حیثیت جداگانه برای آن قایل شود که چنین اقدامی مشخصاً بیانگر این نکته است که از خلط جرایمی که واجد حیثیت حق‌اللهی هستند با جرایمی که دارای حیثیت عمومی هستند جلوگیری کند و برای هر یک ماهیت جداگانه در نظر گیرد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: پورقهرمانی، بابک، قلی‌پور، قربان‌علی، بررسی ماده ۲ آیین‌نامه دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، نشریه دادرسی، شماره ۲۸، مهر و آبان ۱۳۸۰، ص ۵۳).

۴- جرایمی که مخل نظم عمومی‌اند، از ارتکاب آن توسط شخص روحانی، کل جامعه متضرر می‌شود، مانند اختلاس، ارتشاء، کلاه‌برداری، حمل سلاح غیر مجاز و... این جرایم واجد حیثیت عمومی‌اند. جرایمی که از ارتکاب آن‌ها شخص یا اشخاص معینی متضرر می‌گردد، مانند عدم پرداخت نفقه زوجه توسط روحانی. این جرایم واجد حیثیت خصوصی‌اند و جرایمی که مربوط به حقوق الهی‌اند که شرع مقدس اسلام برای آن‌ها مجازات خاصی تعیین کرده است. این جرایم دارای حق‌اللهی‌اند. مانند حدود و تعزیرات شرعی (پورقهرمانی، بابک، قلی‌پور، قربان‌علی، همان، ص ۵۳).

۵- در این که آیا همه جرایم واجد جنبه و حیثیت عمومی می‌باشند یا خیر، اختلاف نظر است.

۶- صدمه به منافع عاطفی و غیر مالی همانند احساس درد جسمی و رنج‌های روحی، از بین رفتن آبرو و حیثیت و آزادی (کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، ضمان قهری، مسئولیت مدنی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۶۹، ص ۱۴۲) و ضرر زیان وارد شده به شهرت، حیثیت و آبرو، آزادی معتقدات مذهبی، حیات، زیبایی، احساسات و عواطف و علایق خانوادگی (آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۲۱۰) را ضرر معنوی دانسته و آن را به دو گروه اجتماعی و عاطفی تقسیم می‌کنند.

۷- ضرر معنوی ممکن است به صور مختلف ظاهر شود. به عنوان نمونه به صورت لطمه به حقوق مربوط به شخصیت (مانند حق شرف و حیثیت در مورد تهمت و افترا) یا به صورت درد جسمی که زیان دیده از حادثه‌ای دچار آن می‌شود، یا به صورت اختلال روانی که به زیان دیده از حادثه‌ای به علت اینکه چهره‌اش در نتیجه حادثه‌ای کریه گردیده، دست می‌دهد، یا آنچه ضرر لذت بردن نامیده می‌شود (مانند محرومیت یک مفلوج از لذات عادی زندگانی) و النهایه بر اثر جریحه‌دار شدن عواطف و احساسات (مانند تألم وارد بر خویشان نزدیک زیان دیده‌ای که در اثر نتیجه تصادف در گذشته است) (لوراسا، میشل، مسئولیت مدنی، ترجمه محمد اشتیری، نشر حقوق دان، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۱۰۶).

۸- خسارت معنوی در قانون اساسی ایران (اصل بیست و دوم: حیثیت... از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند. اصل یکصد و هفتاد و یکم: هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص،... ضرر معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت، خسارت به وسیله دولت جبران

می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد) و در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی (هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به... آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد) پیش‌بینی شده است.

۹- با این وجود ماده ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری برخلاف اصول قانون اساسی، در برشماری ضرر و زیان قابل مطالبه تنها به ضرر و زیان مادی و منافع ممکن‌الحصول اشاره کرده و با تأثیرپذیری از نظر مخالفان که بعضاً متأثر از نظرات فقهی هستند، دایر بر غیرقابل مطالبه بودن خسارت معنوی، از ذکر خسارت معنوی در اعداد ضرر و زیان‌های قابل مطالبه خودداری ورزیده است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: موسوی‌مقدم، محمد، ضرر و زیان ناشی از جرم، نشریه حقوقی دادگستری، شماره ۴۰، پاییز ۱۳۸۱، ص ۲۱۶-۲۱۴).

۱۰- مقررات مربوط به مطالبه ضرر و زیان مادی و معنوی، من جمله ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری نسخ نشده و اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم به این قبیل خسارات تصریح کرده است. بنابراین مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم جنبه قانونی دارد». (نظریه شماره ۷/۵۹۴۷-۱۰/۳۰/۱۳۶۵/۱۰ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۱۱- پس از ارجاع قانون مطبوعات به شورای نگهبان که در آذر ماه ۱۳۶۴ به تصویب مجلس رسیده بود، این شورا تبصره یک ماده ۳۰ را در تعارض با موازین شرع تشخیص داد و اعلام داشت که تقویم خسارات معنوی به مال مغایر شرع است. اما رفع هتک و توهین که به شخص شده، به طریق متناسب با آن در صورت مطالبه ذی‌حق لازم است (نظریه شورای نگهبان مورخ ۱۳۶۴/۹/۵). برای مطالعه بیشتر ر.ک: حاتمی، علی‌اصغر، خسارات معنوی و شیوه‌های جبران آن در حقوق

ایران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره‌های ۲۵ و ۲۶، پاییز ۱۳۷۶ و بهار ۱۳۷۷، صص ۱ تا ۲۰ و نقیبی، سیدابوالقاسم، جبران مالی خسارت در نظریه‌های حقوقی، نشریه رهنمون، شماره‌های ۹ و ۱۰، زمستان ۱۳۸۳ و بهار ۱۳۸۴، صص ۸۴-۳۹).

● ماده ۲۰- تعقیب متهم از حیث حق الهی مطابق موازین شرعی و از حیث حق الناس منوط به شکایت شاکی خصوصی و از حیث حقوق عمومی به تشخیص دادستان است.

□ تبصره- گذشت شاکی خصوصی موجب توقف رسیدگی به جهات دیگر جرم نمی‌گردد.

۱- تعقیب متهم و مجرم از جهت جنبه الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی برابر ضوابط قانونی به عهده رییس حوزه قضایی می‌باشد و از جهت جنبه خصوصی با تقاضای شاکی خصوصی شروع می‌گردد (ماده ۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری).

۲- جرایم از جهت اقامه و تعقیب دعوا به سه دسته به شرح زیر تقسیم می‌شوند:
الف- جرایمی که تعقیب آن‌ها به عهده رییس حوزه قضایی (در حال حاضر دادستان) است، چه شاکی خصوصی شکایت کرده یا نکرده باشد (مانند جرم زنا). رییس حوزه قضایی (دادستان) می‌تواند این وظیفه را به یکی از معاونان خود تفویض کند.

ب- جرایمی که با شکایت شاکی تعقیب می‌شوند و با گذشت وی تعقیب موقوف نخواهد شد (مانند سرقت مستوجب حد).

ج- جرایمی که با شکایت شاکی تعقیب می‌شوند و با گذشت وی تعقیب موقوف خواهد شد (مانند جرم صدور چک بلامحل). تفکیک و تعیین این که امر جزایی

تابع کدام یک از انواع یاد شده است به موجب قانون می‌باشد (ماده ۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری).

۳- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت تعقیب امر جزایی و اجرای مجازات را متوقف می‌کند (بند دوم ماده ۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری).

۴- مقصود از شاکی یا مدعی خصوصی قانوناً کسی است که از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان شده و یا حقی از قبیل قصاص و قذف پیدا کرده و آن را مطالبه می‌کند. گذشت شاکی در جرایم غیر قابل گذشت تحت شرایطی از موجبات تخفیف است. هم‌چنان که گذشت وی در جرایم قابل گذشت موجب موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای حکم است (ماده ۳۸ و مواد ۱۰۰ الی ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱).

۵- «هرگاه شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم غیر قابل گذشت بعد از قطعیت حکم از شکایت خود صرف‌نظر نماید، محکوم‌علیه می‌تواند با استناد به استرداد شکایت از دادگاه صادرکننده حکم قطعی درخواست کند در میزان مجازات او تجدیدنظر نماید. در این موارد دادگاه به درخواست محکوم‌علیه در وقت فوق‌العاده با حضور دادستان تشکیل می‌شود و مجازات را در صورت اقتضاء در حدود قانون تخفیف خواهد داد. این رأی دادگاه قطعی است» (ماده ۲۵ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری).

۶- اصل بر لزوم تعقیب متهم به ارتکاب جرم است (اصل الزامی بودن تعقیب). بنابراین دادستان نباید در انتظار تسلیم شکایت شاکی از اشخاص روحانی باشد. با این حال در برخی جرایم، جنبه خصوصی جرم در مقایسه با جنبه عمومی آن بیشتر است. از این رو منوط به شکایت شاکی از شخص روحانی شده است.

۷- گذشت به معنای عفو و بخشایش است و گذشت متضرر از جرم یعنی چشم‌پوشی و صرف‌نظر کردن مجنی‌علیه و زیان‌دیده از جرم از تعقیب متهم و یا مجازات محکوم‌علیه. اثر گذشت در تمامی جرایم یکسان نیست و به این اعتبار به جرایمی که گذشت متضرر از جرم تعقیب یا رسیدگی یا اجرای حکم را موقوف می‌کند جرایم قابل گذشت گویند و به جرایمی که گذشت مجنی‌علیه از جهت تعقیب بی‌تأثیر است جرایم غیرقابل گذشت گویند (شکری، رضا، سیروس، قادر، پیشین، ص ۸۲).

۸- تأثیر گذشت مشروط به سه شرط است. نخست: اهلیت، گذشت حق است. لذا گذشت‌کننده می‌بایست اهلیت داشته باشد و گذشت‌مجبورین (صغار و مجنون) پذیرفته نیست. ثانیاً: گذشت باید منجز باشد. گذشت مشروط و مقید پذیرفتنی نیست. ثالثاً: گذشت باید بقاء داشته باشد. لذا عدول از گذشت و طرح شکایات مجدد مسموع نمی‌باشد.

۹- گذشت شاکی نسبت به جرم به منزله گذشت از دعوی خصوصی و ضرر و زیان ناشی از جرم نمی‌باشد.

۱۰- گذشت شاکی در خصوص اقدامات تأمینی من جمله درمانی و اقدامات تأمینی عینی مانند ضبط اشیاء و وسایل جرم بی‌اثر است (اردبیلی، محمد، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، میزان، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۲۶۰).

۱۱- در صورتی که پس از گذشت شاکی آثاری ظاهر شود که نوع بزه ارتکابی را تغییر دهد، مثلاً پس از گذشت مدتی ایراد ضرب و جرح با چاقو منجر به نقص عضو شود، شکایت شاکی به علت بروز عوارض بعدی قابل طرح است (نظریه ۷/۵۵۶۳-۶۶/۱۰/۱۰ و نظریه شماره ۷/۲۲۰۸-۱۳۷۷/۳/۲۰ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۱۲- «در مواردی که صدمه جدید در اثر صدمات وارده قبلی می‌باشد گذشت وی شامل عوارض اخیر نمی‌شود و اتهام جداگانه‌ای است» (نظریه ۷/۲۲۰۸-۱۳۷۷/۳/۲۰ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۱۳- «فرقی بین گذشت در دادگاه یا خارج دادگاه و در مراجع انتظامی وجود ندارد» (نظریه ۷/۳۳۳۰-۱۳۷۳/۵/۱۵ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۱۴- «استفاده از تخفیف موضوع ماده ۲۵ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری او یا ماده ۲۷۷ قانون آیین دادرسی در امور کیفری] با گذشت بعضی از شکات نیز ممکن است و گذشت کلیه آنان ضرورت ندارد و در هر حال ترتیب اثر دادن یا ندادن به گذشت در اختیار دادگاه است (نظریه ۷/۳۱۴۰-۱۳۶۱/۶/۳۰ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۱۵- هرگاه متضررین از جرم متعدد باشند، تعقیب جزایی با شکایت هریک از آنان شروع می‌شود ولی موقوفی تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موکول به گذشت تمام کسانی است که شکایت کرده‌اند (ماده ۱۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱).

۱۶- حق گذشت به وراث قانونی متضرر از جرم منتقل و در صورت گذشت همگی وراث، حسب مورد تعقیب، رسیدگی یا اجرای مجازات موقوف می‌گردد (تبصره ماده ۱۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱).

« ضابطین

● ماده ۲۱- ضابطین دادگستری بر حسب وظیفه موظف به اجرای دستورات دادسرای ویژه می‌باشند.

۱- ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌نمایند (ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸).

۲- ضابطین دادگستری عبارتند از:

الف- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

ب- روسا و معاونین زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان

ج- مأمورین نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به موجب قوانین خاص و در محدوده وظایف محوله ضابط دادگستری می‌شوند.

د- سایر نیروهای مسلح در مواردی که شورای عالی امنیت ملی تمام یا برخی از وظایف ضابط بودن نیروی انتظامی را به آنان محول می‌کند.

ه- مقامات و مأمورینی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می‌شوند (ماده ۱۵، همان).

۳- ضابطین دادگستری مکلفند دستورات مقام قضایی را اجرا کنند. در صورت تخلف، به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمت دولت و یا از یک تا شش ماه حبس محکوم خواهند شد (ماده ۱۶، همان).

۴- ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط برعهده دارند با رییس حوزه قضایی است که به موجب بند ب ماده ۳ قانون

تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، در حال حاضر با دادستان است.

۵- گزارش ضابطین دادگستری در صورتی معتبر است که موثق و مورد اعتماد قاضی باشد (تبصره ماده ۱۵، همان).

۶- در ماده ۲۸ لایحه آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰/۳/۲ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی، در تعریف ضابطین دادگستری آمده است: «مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم، حفظ آثار و علایم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به موجب قانون اقدام می‌کنند».

● ماده ۲۲- نیروهای ضابط موظفند به محض اطلاع از اتهام یا وقوع بزه موضوع صلاحیت دادرسی ویژه، مراتب را به دادستان دادرسی ویژه گزارش و بدون کسب مجوز از هر گونه اقدامی خودداری نمایند.

۱- ضابطین دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرایم غیر مشهود، مراتب را جهت کسب تکلیف و اخذ دستور لازم به مقام ذیصلاح قضایی اعلام می‌کنند و در خصوص جرایم مشهود، تمامی اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات و ادوات و آثار و علایم و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی، معمول و تحقیقات مقدماتی را انجام و بلافاصله به اطلاع مقام قضایی می‌رسانند (ماده ۱۸، همان).

۲- ضابطین دادگستری می‌بایست نتیجه اقدامات خود را به اطلاع مرجع قضایی صالح برسانند. در صورتی که مرجع مذکور اقدامات انجام شده را کافی ندانست و تقاضای تکمیل آن را کرد، ضابطین مکلف به تبعیت از دستور مقام قضایی می‌باشند. ضابطین پس از ورود مقام قضایی، دیگر حق مداخله ندارند، مگر به دستور مقام قضایی و یا ارجاع مأموریت جدید به آن‌ها (مواد ۲۴ و ۲۵، همان).

• ماده ۲۳- (اصلاحی ۱۳۸۴/۹/۵) در مورد جرایم مشهود ضابطین موظفانند فوراً اقدامات لازم را برای حفظ آلات و ادوات و آثار و علایم و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی به عمل آورند و تحقیقات مقدماتی را انجام و در اسرع وقت موضوع را به دادستان ویژه اطلاع دهند.

۱- مطابق قانون آیین دادرسی کیفری، جرم در شش مورد، مشهود محسوب می‌گردد:

الف- جرمی که در مرئی و منظر ضابطین دادگستری واقع شده و یا بلافاصله مأمورین یاد شده در محل وقوع جرم حضور یافته یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند.

ب- در صورتی که دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده‌اند و یا مجنی‌علیه بلافاصله پس از وقوع جرم شخص معینی را مرتکب جرم معرفی نماید.

ج- بلافاصله پس از وقوع جرم علایم و آثار واضحه یا اسباب و دلایل جرم در تصرف متهم یافت شود یا تعلق اسباب و دلایل یاد شده به متهم محرز شود.

د- در صورتی که متهم بلافاصله پس از وقوع جرم قصد فرار داشته یا در حال فرار یا فوری پس از آن دستگیر شود.

ه- در مواردی که صاحب‌خانه بلافاصله پس از وقوع جرم ورود مأمورین را به خانه خود تقاضا نماید.

و- وقتی که متهم ولگرد باشد (ماده ۲۱، همان).

۲- تحقیقات مقدماتی مجموعه اقداماتی است که برای کشف جرم و حفظ آثار و ادله وقوع آن و تعقیب متهم از بدو پیگیرد قانونی تا تسلیم به مرجع قضایی صورت

می‌گیرد. ضابطین دادگستری حق اخذ تأمین از متهم را ندارند (ماده ۱۹، همان).

- ماده ۲۴- (منسوخه ۱۳۸۴/۹/۵) در حوزه‌هایی که دادرسی ویژه مستقر نیست، دستورات اولیه از طریق دادرسی انقلاب اسلامی محل با هماهنگی دادرسی ویژه صالح با توجه به ماده ۱۵ صادر خواهد شد.

- ماده ۲۵- (اصلاحی ۱۳۸۴/۹/۵) دادرسی می‌تواند برای انجام تحقیقات و اجرای احکام دادرسی و دادگاه افرادی را رأساً استخدام نماید. این افراد در زمان انجام مأموریت در حکم ضابطین قضایی می‌باشند.

« وظایف و اختیارات دادستان‌های شهرستان‌ها

- ماده ۲۶- دادستان شهرستان به عنوان جانشین دادستان منصوب، کلیه مسئولیت‌های قضایی و اداری دادسرا از جمله موارد ذیل را به عهده دارد:
 - الف- تعقیب متهمین
 - ب- صدور احکام دستگیری و تفتیش
 - ج- ارجاع پرونده به شعب دادسرا و نظارت بر جریان پیگیری و اظهار نظر در مورد کلیه قرارها
 - د- صدور کیفرخواست
 - ه- اجرای احکام دادگاه
 - و- صدور قرار تعلیق تعقیب در جرایم خفیف و یا امور خلاف شأن

□ تبصره ۱- دادستان شهرستان موظف به اجرای دستورات قضایی و اداری صادره از جانب دادستان منصوب می‌باشد.

□ تبصره ۲- در امور مهمه دادستان شهرستان موظف است قبل از اقدام به دستگیری یا احضار یا اجرای حکم دادگاه موضوع را به اطلاع دادستان منصوب برساند.

□ تبصره ۳- اجرای وظایف بند «ب» و «و» فقط در اختیار دادستان و در غیاب وی جانشین او می‌باشد.

۱- کیفرخواست، ادعانامه دادستان است که پس از پایان تحقیقات مقدماتی از محکمه جزا برای تعیین مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی در خصوص متهم صادر می‌گردد.

۲- اگر پس از صدور کیفرخواست، دادگاه به دلیل نقص تحقیقات، انجام اموری را به دادسرا محول نمود، اما بعد از رفع نقص جهتی برای تعقیب متهم وجود نداشت،

دادسرا صرفاً نقص تحقیق را باید رفع کند و حق استرداد کیفرخواست را ندارد.

۳- دادستان تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند کیفرخواست خود را مسترد کند. بعد از صدور کیفرخواست، اگر نظر دادسرا مبنی بر برائت متهم باشد، فقط می‌تواند آن را به دادگاه اعلام کند. اتخاذ تصمیم در هر حال با دادگاه است.

۴- صدور احکام دستگیری و تفتیش و قرار تعلیق تعقیب در جرایم خفیف و امور خلاف شأن، صرفاً در حوزه اختیارت دادستان و در غیاب وی، جانشین دادستان می‌باشد.

● ماده ۲۷- در غیاب دادستان دادسرا، یکی از دادیاران با انتخاب وی به عنوان جانشین وظایف دادستان را انجام خواهد داد.

● ماده ۲۸- (اصلاحی ۱۳۸۴/۹/۵) دادستان ویژه و دادیاران می‌توانند برای کشف جرم تحقیقات لازم را انجام دهند و کلیه ارگان‌ها و نهادها و سازمان‌های دولتی و اشخاص حقیقی و حقوقی موظفند کلیه اسناد و مدارک مورد نیاز را در اختیار دادسرا قرار دهند. کسانی که همکاری لازم را به عمل نیاورند به عنوان عدم اجرای دستور مقام قضایی تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت.

● ماده ۲۹- نظر به گستردگی حوزه‌های قضایی دادسراهای ویژه، دادسراهای مزبور علاوه بر موارد اعطای نیابت به دادسراهای ویژه دیگر، در خصوص جرایم خارج از محل استقرار خود، می‌توانند به دادسراهای عمومی و انقلاب اسلامی همان حوزه نیز نیابت دهند و دادسراهای مزبور حسب مورد موظف به انجام درخواست‌های فوق می‌باشند.

● ماده ۳۰- احاله پرونده از حوزه‌ای به حوزه قضایی دیگر در اختیار دادستان منصوب خواهد بود.

۱- در امور کیفری، احاله پرونده از حوزه‌ای به حوزه دیگر یک استان به درخواست رییس حوزه مبدأ (در حال حاضر با دادستان) و موافقت شعبه اول دادگاه تجدیدنظر همان استان و از حوزه یک استان به استان دیگر به درخواست رییس حوزه قضایی و موافقت دیوان عالی کشور صورت می‌گیرد (ماده ۶۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری).

۲- موارد احاله عبارتند از:

الف- بیشتر متهمین در حوزه دادگاه دیگری اقامت داشته باشند.
ب- محل وقوع جرم از دادگاه صالح دور باشد به نحوی که دادگاه دیگر به علت نزدیک بودن به محل واقعه بهتر بتواند رسیدگی نماید (ماده ۶۳، همان).

● ماده ۳۱- اتهامات شرکاء، معاونین و مرتبطين متهم روحانی در دادسرا و دادگاه ویژه مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

۱- چنان‌چه شخص یا اشخاصی غیر روحانی، عالماً و عامداً با امام جماعت مسجدی در تحقق جرمی مشارکت نمایند و جرم مستند به عمل همه آن‌ها باشد، خواه عمل هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد، خواه نباشد، شریک در جرم محسوب و مجازات وی، مجازات فاعل مستقل آن جرم خواهد بود.

۲- هم‌چنین چنان‌چه شخص یا اشخاص غیر روحانی، امام جماعت مسجدی را تحریک، ترغیب، تطمیع و تهدید به ارتکاب جرمی نمایند، یا به وسیله دسیسه و فریب و نیرنگ وی، موجب وقوع جرم گردند، یا عالماً و عامداً وسایل ارتکاب جرم را تهیه کنند، یا طریقه ارتکاب جرم را ارایه دهند و یا وقوع جرم را برای وی تسهیل کنند، معاون جرم محسوب گردیده و به جرایم ایشان در دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت رسیدگی خواهد شد.

● ماده ۳۲- (اصلاحی ۱۳۸۴/۹/۵) در خصوص تعقیب کیفری دارندگان پایه قضایی به جز قضات که لازم است قبلاً توسط دادسرای ویژه در خواست تعلیق شود و دادسرا و دادگاه انتظامی قضات ظرف مدت ۲۰ روز موظف به اظهار نظر می‌باشد در غیر این صورت یا در موارد اضطراری «به تشخیص دادستان منصوب» اقدام قضایی خواهد شد و موضوع به اطلاع ریاست قوه قضاییه خواهد رسید.

تبصره- (الحاقی ۱۳۸۴/۹/۵) از آن جا که هدف قانون‌گذار از تعلیق قاضی قبل از رسیدگی به اتهام، حفظ شوون قضا و قاضی می‌باشد در صورتی که متهم مایل باشد و کتباً تقاضای رسیدگی به پرونده را بنماید دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت می‌توانند بدون انجام تعلیق اقدام به رسیدگی نماید.

● ماده ۳۳- در جرایم جزئی که تحقیقات مقدماتی آن کامل شده یا نیاز به تحقیقات نباشد، دادستان بلافاصله ادعای کیفری خود را در دادگاه مطرح نموده و دادگاه حکم صادر می‌نماید.

معیارهای لازم جهت تشخیص جرایم جزئی و جرایم خفیف در آیین‌نامه مشخص نگردیده است.

● ماده ۳۴- (اصلاحی ۱۳۸۴/۹/۵) قرارهای صادره به جز موارد زیر پس از موافقت دادستان قطعی است:

الف- قرار بازداشت موقت که در صورت اعتراض متهم در فرجه قانونی توسط دادستان کل ویژه روحانیت یا معاون قضایی وی خارج از نوبت بررسی می‌گردد و چنانچه اعتراض متهم را وارد تشخیص دهند قرار بازداشت موقت را نقض و پرونده به منظور اخذ تأمین مناسب دیگر به شعبه صادر کننده قرار اعاده می‌گردد.

ب- قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب که در صورت اعتراض شاکی یا مدعی خصوصی در فرجه قانونی در دادگاه ویژه روحانیت قابل رسیدگی است.

۱- قرارهای نهایی عبارتند از: قرار منع تعقیب، قرار موقوفی تعقیب، قرار ترک

تعقیب و قرار مجرمیت.

۲- قرار بازداشت موقت به لحاظ میزان اهمیت، آخرین نوع از قرارهای تأمین کیفری محسوب می‌گردد. التزام به حضور با قول شرف، التزام به حضور با تعیین وجه التزام، اخذ کفیل با وجه‌الکفاله و اخذ وثیقه، قبل از مرحله بازداشت موقت می‌باشند.

۳- قرار منع تعقیب عبارتست از اظهار نظر ماهوی و صریح مرجع تحقیق مبنی بر کافی نبودن دلایل اثبات اتهام نسبت به متهم (ائمه جماعات مساجد). این قرار هنگامی صادر می‌گردد که یا اساساً جرمی واقع نگردیده و یا متهم مرتکب آن نگردیده است.

۴- قرار موقوفی تعقیب یک قرار شکلی قطع نظر از دلایل اثبات اتهام است. بنابراین فوت امام جماعت مسجدی که متهم یا محکوم‌علیه گردیده است، مجنون بودن امام جماعت در حین ارتکاب جرم و گذشت شاکی خصوصی نسبت به امام جماعت مسجدی که مرتکب جرایم قابل گذشت گردیده از موارد قرار موقوفی تعقیب محسوب می‌گردد. هم‌چنین مرور زمان، نسخ، اعتبار امر مختومه، عفو و مصونیت سیاسی نمایندگان سیاسی در ایران از دیگر موارد صدور قرار موقوفی تعقیب می‌باشد.

۵- مهم‌ترین تفاوت‌های قرار بازداشت موقت با سایر قرارهای تأمین: الف) صدور قرار بازداشت موقت نیاز به توجیه و استدلال دارد. ب) برخلاف سایر قرارهای تأمین، قرار بازداشت موقت باید به تأیید دادستان برسد. ج) قرار بازداشت موقت قابل اعتراض است. د) در حقوق الناس، صدور قرار بازداشت موقت منوط به شکایت شاکی از امام جماعت مسجد است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ

نوزدهم، ۱۳۹۱، صص ۲۵۲-۲۱۸).

● ماده ۳۵- در موارد ذیل قرار بازداشت صادر می‌گردد:

- ۱- خوف فرار متهم
- ۲- خوف تبانی یا امحاء آثار جرم
- ۳- موارد مهمه از قبیل: جرایم ضد انقلابی، مواد مخدر، کلاهبرداری، ارتشاء، قتل عمد و موارد مشابه
- ۴- مواردی که آزادی متهم موجب مفسده است. از قبیل هتک حیثیت نظام و روحانیت

۱- به قرار بازداشت موقت، توقیف احتیاطی نیز گفته می‌شود.
۲- به طور کلی در مواردی که آزاد بودن شخص روحانی (ائمه جماعات)، منجر به از بین رفتن آثار و دلایل جرم شده و یا موجب تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعین واقعه گردیده و یا باعث شود که شهود از ادای شهادت امتناع نمایند، هم‌چنین در صورتی که بیم فرار یا مخفی شدن روحانی وجود داشته باشد و به نحو دیگری نتوان از آن جلوگیری نمود، قرار بازداشت موقت صادر می‌گردد.

۳- به نظر می‌رسد منظور از موارد مشابه، جرایمی چون آدم‌ربایی، اسیدپاشی، محاربه و افساد فی الارض و یا جرایمی است که مجازات قانونی آنها در صورت اثبات، اعدام، حبس ابد، رجم، صلب و قطع عضو می‌باشد.

۴- به نظر می‌رسد صرف استعمال مواد مخدر، موجبی برای صدور قرار بازداشت شخص روحانی نیست. بلکه مراد از «مواد مخدر» در بند (۳) ماده ۳۵ آیین‌نامه، نگهداری، حمل، خرید، تولید، توزیع و فروش انواع مواد مخدر می‌باشد.

۵- ارتشاء در لغت به معنی رشوه گرفتن و در اصطلاح حقوقی با عنایت به ماده ۳

قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری و مادتين ۵۸۸ و ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی که مکمل ماده ۳ می باشد عبارتست از: اخذ نمودن هرگونه وجه یا مال یا سند یا پرداخت وجه به طور مستقیم یا غیرمستقیم از جانب مستخدم و مأمورین دولتی اعم از قضایی، اداری، شوراها، شهرداریها یا نهادهای انقلابی و به طور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح یا شرکت های دولتی و وابسته به دولت و مأمورین به خدمات عمومی، خواه رسمی یا غیررسمی برای انجام دادن یا عدم انجام امور مرتبط به سازمان های متبوع آنها، اعم از این که مربوط به وظایف آنها باشد یا نباشد.

۶- بنابراین اخذ هرگونه وجه یا مال یا سند یا پرداخت وجه به طور مستقیم یا غیرمستقیم از سوی ائمه جماعات مساجد، جهت انجام دادن امور مربوط به مساجد یا نهادهای و سازمان های مربوط به آن، اعم از این که مربوط به وظایف ائمه جماعات مساجد باشد یا خیر، ارتشاء محسوب می گردد.

۷- کلاهبرداری عبارت است از بردن مال دیگری از طریق توسل توأم با سوءنیت به وسایل یا عملیات متقلبانه (میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه اموال و مالکیت، میزان، چاپ سیزدهم، ویرایش چهارم، زمستان ۱۳۸۴، ص ۵۱).

۸- اگر شخص روحانی (ائمه جماعات مساجد)، از راه حيله و تقلب، مردم را به وجود شرکتها، کارخانهها یا مؤسسات موهوم یا به داشتن اموال و اختیارات واهی فریب دهد، یا به امور غیرواقعی امیدوار نماید، یا از حوادث و پیش آمدهای غیرواقعی بترساند و یا اسم و عنوان مجعول اختیار کند و به یکی از وسایل مذکور و یا وسایل تقلبی دیگر، وجوه و یا اموال یا اسناد یا حواله جات یا قبوض یا مفصلاً حساب و امثال آنها را تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد، کلاهبردار محسوب می گردد.

● ماده ۳۶- قرارهای تأمین باید متناسب با نوع اتهام و دلایل توجه اتهام و

شخصیت متهم باشد.

در این خصوص می‌بایست حفظ شأن و جایگاه امامت جماعت در مسجد و محل و اجتناب از هرگونه برخورد قهری یا جلب در برابر نمازگزاران یا اهالی محل، مورد توجه قرار گیرد.

● ماده ۳۷- متهمی که با وثیقه یا کفالت یا وجه التزام آزاد شده باشد، چنانچه در وقت مقرر بدون عذر موجه حاضر نشود، وجه التزام به دستور دادستان ضبط می‌شود و به وثیقه‌گزار یا کفیل نیز اخطار می‌شود که ظرف مدت بیست روز متهم را تسلیم نماید. در صورت عدم تسلیم، وجه‌الکفاله یا مورد وثیقه به دستور دادستان ضبط خواهد شد.

□ تبصره- مفاد قرار و مقررات فوق باید به ملتزم- کفیل- و وثیقه‌گزار تفهیم و به امضای وی برسد.

۱- قرارهای تأمین کیفری عبارتند از: الف- التزام به حضور با قول شرف ب- التزام به حضور با تعیین وجه التزام ج- اخذ کفیل با وجه‌الکفاله د- اخذ وثیقه ه- بازداشت موقت.

۲- در قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام، توافقی فی‌مابین متهم و مرجع تحقیق شکل می‌گیرد که به موقع در مرجع قضایی حاضر گردد و در صورت عدم حضور مبلغ تعیین شده در قرار راپردازد. بنابراین در هنگام انعقاد این توافق هیچ تضمینی برای اجرای آن از متهم اخذ نمی‌شود.

۳- در قرار کفالت، مرجع تحقیق از متهم می‌خواهد که متعهد گردد در هنگام احضار وی، در مرجع قضایی حاضر گردد و نیز شخصی را به عنوان کفیل معرفی کند تا در صورت عدم انجام تعهد توسط او، کفیل وی را حاضر نماید و اگر کفیل ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ موفق به این کار نگردد، مبلغی را به صندوق دولت پردازد که این مبلغ وجه‌الکفاله نام دارد.

۴- با فوت کفیل یا وثیقه‌گذار باید تعهد آن‌ها به حاضر نمودن متهم را نیز منتفی تلقی کرد. لیکن چنان‌چه اخطار ۲۰ روزه برای حاضر نمودن متهم به آنان ابلاغ شده باشد (ابلاغ واقعی) و آن‌ها بدون عذر موجه از حاضر کردن متهم خودداری کنند و در این حال فوت کنند، فوت آن‌ها تأثیری در اجرای تعهد فرعی که ماهیتاً یک ماهیت فرعی است نداشته و تعهد مذکور به وراث منتقل می‌شود. البته حق اعتراض ورثه محفوظ خواهد بود (برای مطالعه بیشتر ر.ک: خالقی، علی، پیشین، صص ۲۱۷-۱۸۶).

۵- کفالت شخصی پذیرفته می‌شود که اعتبار وی به تشخیص قاضی صادر کننده قرار برای پرداخت وجه‌الکفاله محل تردید نباشد (ماده ۱۳۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری).

۶- مبلغ وثیقه یا وجه‌الکفاله یا وجه‌الالتزام نباید در هر حال کمتر از خسارت‌هایی باشد که مدعی خصوصی درخواست می‌کند (ماده ۱۳۶، همان).

● ماده ۳۸- دادسرا می‌تواند شهود و مطلعین را احضار نماید، در صورت استنکاف به دستور دادستان جلب خواهد شد.

۱- قاضی، اشخاصی را که به تشخیص خود یا به معرفی شاکی یا اعلام مقامات ذی‌ربط یا به تقاضای متهم برای روشن شدن اتهام لازم بداند، برابر اصول مقرر احضار می‌نماید (ماده ۱۴۸، همان).

۲- شهود و تحقیق و مطلعین به دستور قاضی توسط ضابطین یا مأمورین ابلاغ و یا به هر طریقی که قاضی مقتضی بداند احضار می‌شوند (ماده ۱۴۹، همان).

۳- اگر رسیدگی بر اساس شکایت شاکی باشد و شاهدی را معرفی نماید که دادگاه علم به شاهد گرفتن او در هنگام وقوع جرم داشته باشد و یا احقاق حق متوقف به شهادت شاهدی باشد که دادگاه علم به شاهد بودن وی دارد و یا تحقیق به

جهت ارتباط جرم با امنیت و نظم عمومی باشد، احضار شاهد جایز است (ماده ۸۶، همان).

۴- قاضی از هر یک از شهود و مطلعین جداگانه و بدون حضور متهم، تحقیق می‌نماید و اظهارات‌شان را نوشته به امضاء یا اثر انگشت آنان می‌رساند. تحقیق مجدد و مواجهه آنان در صورت ضرورت بلامانع است.

« اختیارات و وظایف دادگاه

● ماده ۳۹- دادگاه ویژه به جرایمی رسیدگی می کند که مطابق این قانون در صلاحیت دادسرا و دادگاه ویژه بوده و پرونده امر از طریق دادسرا به همراه کیفرخواست به دادگاه ارایه شده باشد.

□ تبصره- چنانچه دادگاه در خلال رسیدگی از جرایم جدیدی آگاه شود مجاز به رسیدگی و صدور حکم خواهد بود.

۱- صدور کیفرخواست با داستان منصوب و در شهرستانها با دادستان شهرستان به عنوان جانشین دادستان منصوب می باشد.

۲- مرکز رسیدگی به امور مساجد مطابق ماده ۲۰ این آیین نامه، امکان پیگیری و اعلان جرایم مربوط به ائمه جماعات مساجد را از طریق دادستان ویژه داراست.

● ماده ۴۰- ارجاع پرونده به شعب دادگاه و ایجاد هماهنگی بین آنها و نظارت بر حسن جریان امور به عهده حاکم شرع شعبه اول خواهد بود.

۱- حاکم شرع شعبه اول دادگاه ویژه روحانیت از سوی مقام معظم رهبری منصوب می گردد.

۲- کارمندان دفتری دادگاه نیز با حکم حاکم شرع شعبه اول تعیین می گردند.

● ماده ۴۱- در صورت اختلاف بین دادسرا و دادگاه از جهت صلاحیت رسیدگی، پرونده همراه دلایل طرفین جهت حل اختلاف نزد ریاست شعبه اول دادگاه ارجاع خواهد شد، نظر آن مرجع لازمالاتباع است.

● ماده ۴۲- (اصلاحی ۱۳۸۴/۹/۵) احکام دادگاهها باید مستدل و مستند به قوانین موضوعه و موازین شرع باشد.

□ تبصره- در موارد استثنایی و مواردی که در شرع و قانون مجازات مشخصی تعیین نگردیده حاکم می تواند مستلاً بر اساس نظر خود اقدام به صدور حکم نماید.

با توجه به قاعده قبح عقاب بلا بیان و اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، اصلاح تبصره ماده ۴۲ آیین نامه و عدم مخیر بودن حاکم جهت صدور حکم بر مبنای نظر شخصی، مناسب به نظر می رسد.

● ماده ۴۳- (اصلاحی ۱۳۸۴/۹/۵) دادگاه مجرمینی را که با ارتکاب جرم، موجب هتک حیثیت و شوون روحانیت گردیده‌اند و یا افرادی که فاقد صلاحیت پوشیدن لباس روحانیت هستند را به خلع لباس روحانیت (به صورت دائم یا موقت) محکوم می نماید.

□ تبصره- (الحاقی ۱۳۸۴/۹/۵) کسانی که از حکم دادگاه در مورد نپوشیدن لباس تخلف کنند به حکم دادگاه ویژه به مجازات تعزیری محکوم خواهند شد.

۱- تعزیر، مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می شود (ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱). (جهت مطالعه در خصوص ماهیت حقوقی تعزیر ر.ک: محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقه، بخش جزایی، تهران، مرکز نشر علوم انسانی، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۹۱، صص ۲۴۹-۱۹۶).

۲- تعزیر از ماده «عزر» و به معنای، تأدیب، ملامت و سرزنش می باشد. به طور کلی تعزیر در مورد کلیه تخلفات و گناهان کبیره‌ای که از فرد سرزده می باشد به شرط آن که برای ارتکاب آن در شرع حدی معین نشده باشد. در عین حال برخی فقهاء نیز آن را مختص به گناهان کبیر ندانسته و گناهان صغیره را نیز مستوجب تعزیر می دانند.

۳- برخی حقوق دانان تعزیر را همانند مجازات در سیستم مجازات‌های نامعین در کشورهای اروپایی دانسته‌اند (برای دیدن نظر اخیر ر.ک: فیض، علی‌رضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، تهران، سازمان چاپ و انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۰، ص ۴۷۵). (در صورتی که تعزیر با کیفر نامعین متفاوت است. زیرا محدود به اصل قانونی بودن است و اختیار حاکم مطلق نیست (شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، ویستار، چاپ ششم، ۱۳۷۵، ص ۳۳۵).

۴- مبنا و ملاک تعزیر از نظر فقهی ارتکاب معصیت و رفتار مفسده‌انگیز است و معصیت اعم از گناه کبیره و صغیره است، با این وجود نظر به اصل قانونی بودن کیفرها در حقوق موضوعه چون قضاوت مأذون بوده و مجتهد جامع‌الشرایط نمی‌باشند، در اعمال تعزیر مقید به قانون بوده و بدون قانون حق اعمال تعزیر ندارند (حبیب‌زاده، محمدجعفر، مبنا و ملاک تعزیر، ماه‌نامه دادرسی، شماره‌های ۳۲-۳۴، سال ششم، ۱۳۸۱).

● ماده ۴۴- اعضاء هیأت منصفه دادگاه ویژه روحانیت ۱۴ نفر خواهند بود و توسط هیأتی مرکب از دادستان کل ویژه روحانیت، رییس شعبه اول دادگاه، رییس سازمان تبلیغات اسلامی، نماینده شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه سراسر کشور، نماینده شورای عالی حوزه علمیه، از میان افراد روحانی شاغل در مشاغل فرهنگی، حوزوی، دانشگاهی، قضایی، اداری و سایر مشاغل مرتبط به مدت دو سال انتخاب می‌گردند. احکام ایشان توسط رییس شعبه اول دادگاه صادر خواهد شد.

۱- علی‌رغم این که مطابق ماده ۲ قانون هیأت منصفه مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴، اعضاء هیأت منصفه از بین اصناف و گروه‌های مختلف اجتماعی به منظور رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی انتخاب می‌گردند اما به جهت خصوصیات دادگاه ویژه و شخصیت خاص متهمین، لزوماً اعضاء هیأت منصفه از روحانیون شاغل در کشور انتخاب می‌گردند.

۲- هیأت منصفه مجموعه‌ای سیاسی، اجتماعی و حقوقی است و ریشه در حقوق مردم دارد و منشأ آن افکار آزادی‌خواهانه و واجد ابعاد مختلف است که در زبان فارسی به همین عنوان و در انگلیسی با لفظ Jury (جوری) و در فرانسه (ژوری) نامیده می‌شود. این هیأت از افرادی تشکیل می‌شود که درباره صحت و سقم اعمال منتسب به متهم که در حضور آن‌ها در محکمه مطرح می‌شود اظهار نظر می‌کنند (محمدنژاد، پرویز، «هیأت منصفه و حضور و نقش آن در محاکمات کیفری»، نشریه اصلاح و تربیت، شماره ۱۵، شهریور ۸۲، ص ۳۴).

۳- با توجه به این که هیأت منصفه به عنوان نهادی «قضایی مردمی» عموماً متشکل است از اشخاص «عادی» که با داشتن صلاحیت لازم اخلاقی و استقلال رأی، نماینده افکار عمومی در دادگاه محسوب می‌گردند، پیشنهاد اصلاح آیین‌نامه دادگاه ویژه روحانیت و انتخاب دست کم نیمی از اعضای هیأت منصفه از سوی مردم و یا استفاده از فرایند «قرعه»، خالی از لطف نیست.

۴- هیأت منصفه به عنوان یکی از نهادهای حقوقی، پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در جرایم سیاسی و مطبوعاتی به رسمیت شناخته شده است. در ابتدای سال ۵۸ و در زمان بررسی قانون اساسی در مجلس خبرگان بررسی نهایی قانون اساسی، عده‌ای از روحانیون قایل به نظریه عدم مشروعیت هیأت منصفه در محاکمات قضایی بودند. عمده دلایل آنان عبارت بود از: الف) قاضی از دیدگاه حقوق اسلام مجتهد است و می‌بایست در حکم کردن و رأی دادن استقلال داشته باشد. ب) در متون فقهی و نصوص روایی، نمونه‌ای از وجود هیأت منصفه در دادرسی‌ها وجود ندارد.

اما در نهایت دیدگاه موافق با هیأت منصفه با اکثریت آراء پذیرفته شد. عمده دلایل این گروه نیز عبارت بود از: الف) اگرچه اصطلاح هیأت منصفه در اسلام نیامده است لیکن می‌تواند نهاد مشابه آن را یافت (... و يحضر العلما ليشاورهم فيما يحتاج اليه و ينبهوه على وجه الصواب).

ب) برای اثبات مشروعیت هیأت منصفه، صرفاً «عدم مغایرت» با موازین اسلامی کافی است و هیأت منصفه لاقلاً مغایرتی با موازین شرعی ندارد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: پیوندی، غلام‌رضا، «هیأت منصفه و مبنای آن در حقوق اسلام»، نشریه رواق اندیشه، شماره ۲، مرداد و شهریور ۱۳۸۰، صص ۹۱-۷۴).

● ماده ۴۵- کلیه هزینه‌های دادستانی ویژه روحانیت به عنوان یک سازمان مستقل دارای ردیف بودجه خاص پیش‌بینی و اختصاص داده می‌شود.

□ تبصره- (الحاقی ۱۳۸۴/۹/۵) بیست درصد از کل بودجه مصوب دادستانی ویژه روحانیت خارج از شمول قانون محاسبات خواهد بود.

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۴/۵/۱۸ بنا به پیشنهاد شماره ۱۵/۱۵۶۲ مورخ ۱۳۷۴/۴/۴، وزارت دادگستری و تأیید سازمان امور اداری و استخدامی کشور و به استناد بند «ب» ماده (۱۱) قانون استخدام کشوری تصویب نمود: دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت در زمره مؤسسات موضوع بند «ب» ماده (۱۱) قانون استخدام کشوری محسوب می‌شوند و مأموریت مستخدمان رسمی مشمول قانون استخدام کشوری به مؤسسات یاد شده با رعایت آیین‌نامه مأموریت مجاز است. سقف استفاده از این تصویب‌نامه برای دادگاه و دادسرای ویژه روحانیت، حداکثر ده نفر می‌باشد.

● ماده ۴۶- قوه قضاییه کادر قضایی دادستانی ویژه را تأمین خواهد نمود.

□ تبصره- (الحاقی ۱۳۸۴/۹/۵) پست قضایی و تعیین گروه قضات دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت به پیشنهاد دادستان کل ویژه روحانیت و تصویب رییس قوه قضاییه خواهد بود. ابلاغ قضایی قضات حسب مورد پس از پیشنهاد دادستان منصوب یا رییس شعبه اول دادگاه توسط رییس قوه قضاییه صادر ولی تعیین شعبه و محل خدمت آنان حسب مورد توسط دادستان منصوب یا رییس شعبه اول دادگاه خواهد بود و کلیه حقوق و مزایای قضات شاغل در دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت از محل اعتبار قوه قضاییه پرداخت خواهد شد.

- ماده ۴۷- نقل و انتقال قضات دادسرا و دادگاه ویژه که در دادگستری نیز شاغل می‌باشند و با هماهنگی دادستان منصوب و رییس شعبه اول دادگاه بر حسب سمت صورت می‌گیرد.

اصل یکصد و شصت و چهارم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «بدون رضای او (قاضی)، نمی‌توان محل خدمت یا سمتش را تغییر داد، مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رییس قوه قضاییه پس از مشورت با رییس دیوان عالی کشور و دادستان کل».

- ماده ۴۸- (الحاقی ۱۳۸۴/۹/۵) احکام دادگاه‌های ویژه روحانیت از سوی محکوم‌علیه یا شاکی یا قائم‌مقام قانونی آنان قابل اعتراض است و در صورت عدم اعتراض در فرجه قانونی قطعی خواهد شد.

□ تبصره ۱- (الحاقی ۱۳۸۴/۹/۵) چنان‌چه دادستان کل ویژه روحانیت احکام قطعی یا غیرقطعی دادگاه ویژه روحانیت را خلاف شرع یا قانون بدانند نسبت به رأی صادره اعتراض نموده و عنداللزوم حکم را متوقف می‌کند و پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه تجدیدنظر ارسال می‌نماید.

□ تبصره ۲- (الحاقی ۱۳۸۴/۹/۵) چنان‌چه دادستان مجری حکم، رأی صادره را خلاف موازین تشخیص دهد بدو اعتراض خود را به قاضی صادرکننده تذکر می‌دهد. در صورت عدم قبول قاضی، پرونده را همراه با نظریه مستدل نزد دادستان منصوب ارسال می‌نماید و دادستان منصوب برابر تبصره یک اقدام خواهد کرد.

□ تبصره ۳- (الحاقی ۱۳۸۴/۹/۵) چنان‌چه متعاقب اعتراض محکوم‌علیه یا شاکی یا تذکر دادستان کل ویژه روحانیت یا دادستان مجری حکم، قاضی دادگاه ویژه روحانیت متوجه اشتباه خود در حکم صادره شود، در صورتی که موضوع از مصادیق بندب ماده ۴۹ اصلاحی باشد رأی اصلاحی صادر می‌نماید و در غیر این صورت پس از نقض حکم، پرونده را جهت

رسیدگی توسط شعبه دیگر به دفتر دادگاه‌های ویژه روحانیت اعاده می‌نماید.

۱- نکته قابل توجه در ماده ۴۸ آیین‌نامه، عدم پیش‌بینی مهلت درخواست تجدیدنظر از سوی شاکی، محکوم‌علیه یا قائم‌مقام قانونی آن‌هاست. به نظر می‌رسد با توجه به ماده ۵۲ آیین‌نامه دادرها و دادگاه‌های ویژه روحانیت، به جز در مواردی که در این آیین‌نامه تصریح شده است، در موارد سکوت، نقص یا اجمال آیین‌نامه، می‌بایست به مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری مراجعه نمود که با عنایت به ماده ۲۳۶ این قانون، باید قایل به مهلت ۲۰ روزه برای اشخاص مقیم ایران و ۲ ماه برای اشخاص مقیم خارج از کشور از تاریخ ابلاغ بود.

۲- مطابق آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (۸۵/۱۰/۲۴) که در تاریخ ۱۳۸۸/۷/۲۹ به تأیید و تصویب رییس محترم قوه قضاییه رسید، «نظر به ضرورت ثبات آراء و اکتفا به روش‌های اصلی بازنگری در آرای قطعی و جلوگیری از تزلزل آن‌ها و ممانعت از توقیف بی‌ضابطه اجرای احکام قطعی و رفع اطاله دادرسی از تاریخ تصویب این آیین‌نامه... تجویز اعاده دادرسی موضوع ماده ۱۸ اصلاحی یاد شده در صورتی است که رییس قوه قضاییه رأی قطعیته یافته دادگاه را خلاف بین شرع تشخیص دهد و مقامات مذکور در تبصره ۲ ماده ۱۸ اصلاحی نیز چنان‌چه آرای قطعی را خلاف بین شرع تشخیص دهند، مکلفند با در نظر گرفتن موعد مقرر در تبصره ۵ ماده مذکور، نظریه مستدل و مستند خود را برای ملاحظه رییس قوه قضاییه ارسال نمایند». البته با عنایت به این که تشکیلات دادرها و دادگاه ویژه، تا حدود زیادی خارج از تشکیلات قوه قضاییه است، به نظر می‌رسد مقررات این آیین‌نامه به دادرها و دادگاه ویژه روحانیت قابل تسری نمی‌باشد.

۳- مرجع رسیدگی به اعتراض، دادگاه تجدیدنظر ویژه روحانیت بوده و آراء صادره از محاکم تجدیدنظر قطعی است. هر شعبه از دادگاه تجدیدنظر ویژه روحانیت متشکل

از یک رییس و دو مستشار است و ملاک برای اتخاذ تصمیم، اکثریت آراء می‌باشد.

۴- رییس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر، رییس محاکم دادگاه ویژه روحانیت است که از سوی مقام معظم رهبری منصوب می‌گردد.

۵- اگر در پی اعتراض محکوم‌علیه یا شاکی یا تذکر دادستان کل ویژه روحانیت یا دادستان مجری حکم، قاضی دادگاه ویژه روحانیت متوجه اشتباه خود در حکم صادره شود، در صورتی که اساس رأی صحیح بوده لیکن متضمن اشتباه جزئی در محاسبه محکوم‌به یا ماده استنادی و امثال آن باشد، رأی اصلاحی صادر می‌نماید. در غیر این صورت، قاضی دادگاه، حکم را نقض کرده و پرونده را جهت رسیدگی توسط شعبه دیگر به دفتر دادگاه‌های ویژه روحانیت اعاده می‌نماید.

- ماده ۴۹- (الحاقی ۱۳۸۴/۹/۵) دادگاه تجدیدنظر ویژه روحانیت مرجع رسیدگی به اعتراض است که پس از وصول پرونده و رسیدگی به شرح زیر اقدام می‌نماید:
 - الف- در صورتی که رأی را صحیح و منطبق با موازین شرع و قانون بداند آن را ابرام می‌کند.
 - ب- در صورتی که اساس رأی صحیح بوده ولی متضمن اشتباه جزئی در محاسبه محکوم‌به یا ماده استنادی و امثال آن باشد رأی اصلاحی صادر می‌نماید.
 - ج- در صورتی که رأی صادره دارای ایراد ناشی از نقص تحقیقات باشد، دادگاه تجدیدنظر موارد نقص را مشخص نموده و رأی صادره را نقض و پرونده را جهت رفع نقص به دادگاه بدوی رسیدگی کننده اعاده می‌نماید. شعبه مزبور مکلف است پس از رفع نقص، حکم مقتضی صادر نماید.
 - د- در صورتی که رأی دارای ایراد اساسی باشد آن را نقض نموده و رأساً رسیدگی و انشاء رأی می‌نماید. آراء صادره از محاکم تجدیدنظر قطعی است.

- ماده ۵۰- (الحاقی ۱۳۸۴/۹/۵) هر شعبه از دادگاه تجدیدنظر ویژه روحانیت از

یک رییس و دو مستشار تشکیل و با اکثریت آراء اتخاذ تصمیم می نماید. رییس محاکم ویژه روحانیت که منصوب از طرف مقام معظم رهبری است، رییس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر نیز می باشد، تعیین تعداد شعب و قضات آن و ارجاع پرونده به آنان بر طبق این آیین نامه خواهد بود.

● ماده ۵۱- (الحاقی ۱۳۸۴/۹/۵) محکوم علیه یا قائم مقام قانونی وی یا دادستان کل ویژه روحانیت، مطابق قوانین مربوطه مجاز به تقاضای اعاده دادرسی در خصوص احکام قطعی دادگاه های ویژه روحانیت می باشند. مرجع رسیدگی به تقاضای اعاده دادرسی و اتخاذ تصمیم در مورد آن، دادگاه تجدیدنظر ویژه روحانیت می باشد. دادستان منصوب یا نماینده وی می تواند در جلسه رسیدگی حضور یابد و نسبت به موضوع اظهار نظر کند.

۱- در ماده ۵۱، مهلت و موارد اعاده دادرسی مشخص نگردیده است. با عنایت به ماده ۵۲ آیین نامه دادرسی و دادگاه های ویژه روحانیت، در موارد سکوت، اجمال و یا نقص آیین نامه، مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری حاکم خواهد بود. مطابق ماده ۲۷۲ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، از جمله موارد اعاده دادرسی از احکام قطعی اعم از این که حکم صادره به مرحله اجراء گذاشته شده یا نشده باشد، عبارتند از: جعلی بودن اسناد یا خلاف واقع بودن شهادت گواهان که مبنای حکم صادر شده بوده است ثابت گردد. در صورتی که پس از صدور حکم قطعی، واقعه جدیدی حادث گردد و یا ظاهر شود یا دلایل جدیدی ارائه شود که موجب اثبات بی گناهی محکوم علیه باشد. در صورتی که به علت اشتباه قاضی، کیفر مورد حکم متناسب با جرم نباشد. در صورتی که قانون لاحق مبتنی بر تخفیف مجازات نسبت به قانون سابق باشد که در این صورت پس از اعاده دادرسی مجازات جدید نباید از مجازات قبلی شدیدتر باشد.

۲- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم غیرقابل گذشت بعد از صدور حکم قطعی موجب اعاده دادرسی نخواهد بود (تبصره ماده ۲۷۲ قانون آیین

دادرسی کیفری).

۳- مطابق آیین‌نامه دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت، صرفاً محکوم‌علیه، قائم‌مقام قانونی وی و دادستان کل ویژه روحانیت، حق درخواست اعاده دادرسی در خصوص احکام قطعی دادگاه‌های ویژه روحانیت را دارند.

۴- برخلاف محاکم عمومی دادگستری که مرجع تسلیم تقاضای اعاده دادرسی، دیوان عالی کشور است، مرجع رسیدگی به تقاضای اعاده دادرسی و اتخاذ تصمیم در مورد آن، دادگاه تجدیدنظر ویژه روحانیت می‌باشد.

● ماده ۵۲- (الحاقی ۱۳۸۴/۹/۵) به جز در مواردی که در این قانون تصریح شده است، وظایف و اختیارات قضات دادرسی و دادگاه حسب مورد بر طبق مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری می‌باشد.

۱- بنابراین در موارد سکوت، نقص یا اجمال در آیین‌نامه مربوطه، قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مجری خواهد بود.

۲- نکته قابل تأمل در این ماده، به کار بردن لفظ «قانون»، برای آیین‌نامه مذکور علی‌رغم وجود تفاوت‌های بارز و آشکار مابین «قانون» و «آیین‌نامه» است.

از آیین نامه اجرایی طرح اشتغال فارغ التحصیلان بی کار

« مصوب ۱۳۵۸/۱۰/۸ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران

● ماده ۱۵- گروه طرح و بررسی:

این گروه به منظور جمع آوری اطلاعات در زمینه نیازهای منطقه با توجه به هدف مرکز و شناخت نیروی انسانی و منابع طبیعی و امکانات منطقه با بهره گیری از عوامل زیر در مرکز تشکیل می گردد: ...

● ماده ۱۶- وظایف و اختیارات گروه طرح و بررسی:

...

۱۱- پیشنهاد و گذاری اقدامات ایجاد مراکز خدمات دهستان ها از قبیل ساختن راه های روستایی به مراکز دهستان، تأسیساتی که در این مکان ها ساخته شود، مانند مدرسه، مسجد، انبار، تعمیرگاه، خانه بهداشت و اماکن خدمات عمومی (پست و تلگراف) و غیره به شرکت هایی که تشکیل می شود ونحوه عقد قراردادهای لازم با آنها جهت تصویب شورای عالی.

از لایحه قانونی راجع به تعیین حداکثر مبلغ وام مسکن

« مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی

- ماده ۱- (اصلاحی ۱۳۶۰/۹/۸) حداکثر مبلغ وام مسکن قابل پرداخت، به منظور ساخت یا خرید مسکن توسط بانک‌ها، وزارت خانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت، شهرداری‌ها، دانشگاه‌ها و سازمان‌هایی که شمول حکم مستلزم ذکر نام آن‌ها باشد از تاریخ تصویب این قانون به شرح زیر تعیین می‌گردد: ...

□ تبصره ۷- تشخیص درآمد خانواده در مورد کارکنان دولتی با اداره کارگزینی مربوطه و در مورد بخش خصوصی بامدیران مربوط می‌باشد و در مورد افراد آزاد تشخیص بانک از طریق مراجعه به هیأت امناء مساجد محل و یا امام جماعت مسجد و یا مراجع معتمد محلی دیگری که بانک تعیین خواهد نمود.

هدایت و ارشاد و احیای نقش واقعی و تبلیغی مساجد برای مقابله با تهاجم فرهنگی

« مصوب ۱۳۷۱/۱۲/۱۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی

متعاقب مأموریتی که شورای عالی انقلاب فرهنگی به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در زمینه ارایه طرح‌هایی برای مقابله با تهاجم فرهنگی محول کرده بود، طرح احیای نقش واقعی فرهنگی و تبلیغی مساجد و استفاده بهینه از امکانات و تأسیسات دستگاه‌های دولتی که امکان بهره‌وری فرهنگی دارند، توسط وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی مطرح شد و با توجه به نقش و مسئولیتی که مراکز و نهادهای فرهنگی مردمی نظیر مساجد در این مقطع حساس می‌توانند برعهده داشته باشند، شورا تصویب کرد که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هیأتی تشکیل دهد مرکب از: وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان رئیس هیأت، مسئول شورای هماهنگی امور مساجد، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، فرمانده نیروی مقاومت بسیج و رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه (بنا به ضرورت وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان تربیت بدنی و شهردار تهران نیز دعوت خواهند شد).

این هیأت موظف است که فعالیت‌های ذیل را در مساجدی که آمادگی و استعداد کافی داشته باشند هدایت و سازمان‌دهی کند.

۱- تجهیز کتابخانه این‌گونه مساجد چنان‌چه امکان دایر بودن داشته باشد.

۲- مساجدی که سالی برای نمایش داشته باشند، به نحوی تجهیز گردد که از این اماکن برای نمایش فیلم‌های مفید استفاده شود.

۳- در مساجدی که از نظر ساختمانی امکان دایر کردن کلاس دارند، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با کمک انجمن نمایش، انجمن خوشنویسی، انجمن سینمای جوان، کانون سرودهای انقلابی، خانه‌های نور (آموزش قرآن) این‌گونه آموزش‌ها را در این مساجد دایر خواهد کرد.

۴- همکاری این‌گونه مساجد که بتوانند کلاسهای آموزش زبان، آموزش‌های اعتقادی، آموزش کامپیوتر، آموزش امور بهداشتی و بهداشت خانواده، آموزش خیاطی و... را با همکاری دستگاه‌های دیگر دایر نمایند.

□ تبصره ۱- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است که برای هدایت و سازمان‌دهی این فعالیت‌ها در استان‌ها و شهرستان‌ها نیز هیأت‌هایی با ترکیب مشابه تشکیل دهد.

□ تبصره ۲- دستگاه‌ها و نهادهای مختلف اجرایی و تبلیغی و فرهنگی برای تحقق امور فوق موظف به همکاری با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌باشند.

□ تبصره ۳- برای تحقق مفاد این مصوبه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای مساجدی که آمادگی تأسیس مراکز فرهنگی و هنری دارند، اقدام خواهد کرد و بر حسب توان فعالیت این مراکز داشتن صلاحیت‌های مهم در زمینه فعالیت‌هایی نظیر: تأسیس کتاب‌فروشی، نشر کتاب، تأسیس کتابخانه، عرضه فعالیت‌های هنری نظیر گالری نقاشی و خط و ویدئوکلپ برای این مراکز مهیا خواهد کرد.

□ تبصره ۴- این هیأت‌ها برای استفاده بهینه از امکانات و تأسیساتی که دستگاه‌های اجرایی کشور می‌توانند در جهت فعالیت‌های فرهنگی و هنری به کار گیرند، برنامه‌ریزی خواهد کرد.

با عنایت به ادغام سازمان‌های ملی جوانان و تربیت بدنی با یکدیگر، منظور از رییس سازمان تربیت بدنی در این مصوبه، وزیر وزارت‌خانه ورزش و جوانان می‌باشد.

عضویت استانداران در هیأت‌های احیای نقش مساجد

« مصوب ۱۳۷۲/۱۰/۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی

- پیشنهاد وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره عضویت استانداران در هیأت‌های احیای نقش مساجد (موضوع مصوبه ۱۹۶ / د ش مورخ ۱۳۷۲/۱/۲۱ شورای عالی) تصویب شد.

عضویت دبیر ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی و
هنری مساجد در شورای فرهنگ عمومی
« مصوب ۱۳۷۷/۱۱/۱۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی

- پیشنهاد عضویت دبیر ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد در شورای فرهنگ عمومی مطرح شد و به تصویب رسید.

از سیاست‌های مقابله با تهاجم فرهنگی « مصوب ۱۳۷۸/۱۲/۲۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی

● سیاست‌های مقابله با تهاجم فرهنگی

الف- سیاست‌های کلی

ب- راهبردهای اجرایی:

۱- جوانان

۲- آموزش و پرورش

۳- دانشگاه‌ها و نظام آموزش عالی

۴- حوزه‌های علمیه

۵- مساجد

۵-۱- توجه به مساجد و سامان‌دهی امور آن به عنوان مراکز نشر و گسترش فرهنگ اسلامی.

۵-۲- توجه به بهسازی فیزیکی مساجد و زیباسازی آن.

- ۵-۳- تربیت امام جماعت عالم و آشنا به مسایل روز و جوان‌گرا.
- ۵-۴- استفاده از فضای مساجد برای مطالعه کتب دینی و علمی و فکری و تبادل فکری و تبادل آراء.
- ۵-۵- دعوت از متفکران دانشگاهی برای سخنرانی در مساجد.
- ۵-۶- همکاری در فعالیت‌های کمک آموزشی و تربیتی و تفریحی.
- ۵-۷- ایجاد فضای سبز مثلاً پارک در کنار مسجد.
- ۵-۸- ایجاد مراکز مطالعه روزنامه و مجلات در کنار مساجد و فعال نمودن کتابخانه‌های مساجد.
- ۵-۹- ایجاد زمینه همکاری بین نهادهای مردمی و مساجد.
- ۵-۱۰- تقویت کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد.
- ۵-۱۱- ترسیم جایگاه مسجد در نظام کشور و تعیین ساختار مناسب برای آن.
- ۵-۱۲- ایجاد ارتباط بین مسجد و مدرسه در هر محل.
- ۵-۱۳- ترمیم، اصلاح و آموزش خادمین مسجد، هیأت امناء و عوامل دیگر.

آیین نامه ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور

« مصوب ۱۳۸۳/۱۰/۲۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی

« مقدمه

جایگاه مقدس و پایگاه مذهبی مسلمانان، مسجد، از لحاظ فرهنگی و اجتماعی مکانی بسیار غنی و گسترده است که می تواند در جامعه اسلامی در ابعاد مختلف کارکردهای متنوعی داشته باشد و از این نظر بنیادی ترین و تعیین کننده ترین نهادی است که از صدر اسلام تاکنون، در جامعه اسلامی نقش های متعددی بر عهده داشته است. پراکندگی گسترده مساجد و در نتیجه تحت تأثیر قرار دادن تمام اقشار جامعه، حضور نیروهای فاضل و مؤمن در مساجد و سرمایه اقتصادی عظیم بناها و تجهیزات مساجد گویای عظمت سرمایه ای به نام مسجد است که می تواند بستر مناسب نشر معارف اسلامی و آموزه های فرهنگی و اجتماعی باشد. چنان که تاریخ نیز تأثیرات مهم مساجد را در تحولات خود نشان داده است. برای دستیابی به جایگاه ارزشمند و اعتلای مساجد کشور، تحول در شیوه های حمایتی دولت از مساجد امری انکارناپذیر است؛ این انتظار نه فقط در

تعیین اعتبار و بودجه و تأمین هزینه می‌باشد، بلکه ضروری‌تر از آن، هماهنگی دستگاه‌های دولتی و نهادها در پشتیبانی از مساجد است. بدین‌منظور و برای تحقق این مهم ستاد «پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور» با اهداف و وظایف ذیل تشکیل می‌گردد.

● ماده ۱- اهداف

۱- برقراری ارتباط مناسب میان دستگاه‌ها، سازمان‌ها و نهادها برای پشتیبانی از مساجد به منظور افزایش سطح بهره‌وری و کارایی مساجد در ایفای نقش واقعی آن در راستای گسترش و تعمیق فرهنگ دینی و اعتلای فرهنگ عمومی.

۲- برنامه‌ریزی به منظور جذب حمایت وزارت‌خانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی برای افزایش مشارکت در رفع مشکلات مساجد کشور.

۳- هماهنگی و نظارت بر حسن اجرای وظایف دستگاه‌های ذی‌ربط.

۱- جایگاه محوری مسجد به عنوان کانون حیات طیبه در نظام اجتماعی اسلام و لزوم ثبت اقدام اسراییل در به آتش کشیدن مسجدالاقصی در حافظه تاریخی ملل آزاده جهان، سبب گردید پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران مبنی بر ثبت تقویمی روز جهانی مسجد، در سازمان کنفرانس اسلامی به تصویب رسد. از این‌رو ۲۱ اوت برابر با ۳۱ مردادماه به عنوان روز جهانی مسجد نام‌گذاری گردید و متعاقب آن از این تاریخ به مدت یک هفته، هفته تکریم، تجلیل، اعزاز و اکرام مساجد می‌باشد.

۲- در راستای ارتباط و تعامل سازنده با دستگاه‌ها و نهادهای کشور به منظور افزایش سطح کارایی مساجد، میان مرکز رسیدگی به امور مساجد و کانون وکلای دادگستری مرکز و هم‌چنین مرکز مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان قوه قضاییه، توافقی صورت پذیرفت که بر این اساس کانون وکلای دادگستری و مرکز مشاوران حقوقی در راستای تحقق سیاست‌های توسعه و بهداشت قضایی، گسترش و تعمیق فرهنگ قانون‌پذیری، ارتقاء خدمات حقوقی و قضایی به

شهروندان، کاهش مراجعات مردمی به دستگاه‌های قضایی و تقویت جایگاه روحانیت میان مردم، به ارایه خدمات مشاوره حقوقی رایگان میان نمازگزاران مساجد اهتمام خواهند ورزید.

ارایه خدمات مشاوره‌های به منظور پیشگیری از گسترش دعاوی بین مردم و پرهیز از مخاصمه و اهتمام به صلح و سازش به ویژه در دعاوی حقوقی و خانوادگی از مهم‌ترین خدمات حقوقی این دو مجموعه در مساجد می‌باشد.

● ماده ۲- وظایف

۱- تبیین نحوه همکاری و مشارکت وزارت خانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای کشور متناسب با مسئولیت قانونی آن‌ها.

۲- هماهنگ‌سازی فعالیت وزارت خانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای کشور و برنامه‌ریزی به منظور استفاده مناسب از امکانات و توانمندی آن‌ها در تقویت بنیه مساجد کشور.

۳- ارایه پیشنهادها راه‌بردی و برنامه‌ریزی مناسب به منظور رفع مشکلات اساسی مساجد در مکان‌یابی، ساخت و ساز، توسعه و تعمیر، نوسازی، بهداشت و تجهیز امکانات و فناوری‌های روز از طریق تدوین طرح‌ها، لوایح و آیین‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌های اجرایی و ارایه آن به مراجع ذی‌ربط.

۴- تلاش برای تثبیت موقعیت حقوقی مساجد، متولیان، هیأت‌امناء، ائمه جماعات، خادمین و دست‌اندرکاران امور مساجد.

۵- تدوین راهکارهای مناسب برای بهسازی و نگهداری مساجد.

۶- تدوین روش‌های جذب امکانات و تسهیلات از وزارت خانه‌ها، سازمان‌ها و نهادها به منظور پشتیبانی از مساجد و پاسخ‌گویی به نیازهای موجود.

۱- مدیر مسجد، امام جماعت مسجد است.

۲- اعضای هیأت امنای مسجد، معاونین مدیر مسجد (امام جماعت) می‌باشند

که به منظور تقسیم کار و سازمان‌دهی امور مسجد به طور معمول توسط امام جماعت انتخاب شده و جهت تأیید صلاحیت و صدور حکم رسمی به مرکز رسیدگی به امور مساجد معرفی می‌شوند.

۳- اعضای هیأت امنای مساجد، در برابر امام جماعت، نمازگزاران، مرکز رسیدگی به امور مساجد و اداره اوقاف و امور خیریه مسئولیت داشته و پاسخ‌گوی وظایف مربوط به خود می‌باشند.

۴- مرکز رسیدگی به امور مساجد می‌تواند در صورت بروز تخلف، اهمال کاری، قصور، تعدی و تفریط یا عدم هماهنگی اعضای هیأت امنای مساجد با مدیر مسجد، از تمديد احکام ایشان خودداری کند.

۵- از جمله شرایط انتخاب اعضای هیأت امنای مسجد توسط امام جماعت، سکونت یا اشتغال در نزدیکی محل استقرار مسجد است.

۶- عدم حضور امام جماعت در جلسات هیأت امنای مسجد، مانع از تشکیل جلسه نیست. لیکن مصوبات جلسه می‌بایست به تأیید ایشان رسد.

۷- هرگونه اقدام در مسجد اعم از سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، می‌بایست به تصویب هیأت امناء و تأیید امام جماعت مسجد رسد.

۸- کلیه درآمدها و هزینه‌ها، انعقاد قراردادها و به طور کلی تصمیم‌گیری در باب اموری که منجر به افزایش یا کاهش توان مالی مسجد می‌گردد، می‌بایست به تصویب هیأت امناء و تأیید امام جماعت مسجد رسد. در غیر این صورت چنین عملی باطل و کأن لم یکن بوده و تخلف محسوب می‌گردد.

۹- نظارت هیأت امناء و مدیر مسجد بر امور مالی مسجد، نظارتی استصوابی است.

۱۰- در راستای تحقق وظایف مندرج در ماده (۲) آیین‌نامه ستاد پشتیبانی ۲۲/۱۰/۸۳ مورخ ۵۵۳ جلسه مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی و شیوه‌نامه اجرایی مورخ ۸۵/۲/۱۱ ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد، دستورالعمل پیشنهادی کارگروه تخصصی ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد در تاریخ ۱۳۸۵/۲/۱۸ توسط ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد صادر گردید. بر این اساس، کارگروه‌های تخصصی بر سه محور اصلی تحت عنوان کارگروه تخصصی هماهنگی و امور فرهنگی، کارگروه تخصصی پشتیبانی و عمران مساجد و کارگروه تخصصی امور حقوقی و نیروی انسانی تشکیل می‌گردد.

● ماده ۳- اعضا

اعضای این ستاد نماینده تام‌الاختیار وزارت خانه‌ها و سازمان‌های ذیل خواهند بود که به پیشنهاد رییس دستگاه و با حکم رییس شورای عالی انقلاب فرهنگی برای مدت چهار سال منصوب خواهند شد:

- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

- وزارت کشور

- وزارت مسکن و شهرسازی

- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

- سازمان تبلیغات اسلامی

- سازمان اوقاف و امور خیریه

- سازمان صدا و سیما

- سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

- مرکز رسیدگی به امور مساجد

- شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه
- ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر
- نیروی مقاومت بسیج
- شهرداری تهران
- سه نفر از ائمه جماعات صاحب نظر در مسایل فرهنگی به پیشنهاد سازمان تبلیغات اسلامی

□ تبصره ۱- رییس ستاد به پیشنهاد شورای فرهنگ عمومی از میان اعضا و برای مدت ۲ سال و با حکم رییس شورای عالی انقلاب فرهنگی منصوب می‌گردد.

□ تبصره ۲- دبیر ستاد، رییس سازمان اوقاف و امور خیریه می‌باشد و دبیرخانه در آن سازمان مستقر خواهد بود.

۱- رییس جمهور با حفظ سمت، رییس شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز می‌باشد.

۲- مطابق ماده ۵۳ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، دولت مکلف است یک یا چند وزارتخانه را به گونه‌ای در وزارتخانه‌های دیگر ادغام کند که تا پایان سال دوم برنامه، تعداد وزارتخانه‌ها از ۲۱ وزارتخانه به هفده کاهش یابد. از این رو هیأت وزیران اردیبهشت ماه ۱۳۹۰، وزارتخانه‌های راه و ترابری و مسکن و شهرسازی را ادغام نمود تا بدین ترتیب، تمامی امکانات، تجهیزات، اموال و نیروی انسانی آن‌ها به وزارتخانه جدید منتقل گردد. در تاریخ ۳۱ خرداد ۱۳۹۰ نیز، با رأی مجلس شورای اسلامی و سپس تأیید شورای نگهبان وزارت راه و شهرسازی، از ادغام دو وزارتخانه راه و ترابری و مسکن و شهرسازی به وجود آمد.

۳- سازمان تبلیغات اسلامی نهادی است دینی و فرهنگی است که دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده و در اجرای فرمان حضرت امام خمینی رضی الله عنه در

سال ۱۳۵۸ تأسیس گردید.

۴- به منظور سیاست‌گذاری، نظارت و حمایت در امور مختلف مساجد، مرکز رسیدگی به امور مساجد بر اساس نظر مقام معظم رهبری در سال ۱۳۶۸ تأسیس گردید.

حضرت آیت‌الله مهدوی کنی به عنوان دریافت‌کننده حکم تأسیس و مرحوم آیت‌الله انواری به عنوان اولین قائم‌مقام رییس مرکز، برای شکل‌گیری این مرکز همت گماشتند.

۵- متن حکم مقام معظم رهبری به حضرت آیت‌الله مهدوی کنی به منظور تأسیس مرکز رسیدگی به امور مساجد، مورخ ۱۳۶۸/۷/۳۰:

«بسم الله الرحمن الرحيم

آیت‌الله جناب آقای مهدوی کنی دامت برکاته

مراجعات متعدد از سوی مرتبطين با مساجد تهران من جمله ائمه جماعت، گروه‌های بسیج، متولیان و متصدیان و غیرهم حاکی از فقدان مرکز و مرجع مقبول و آگاه و نافذالکلمه‌ای در امر مساجد یعنی اصلی‌ترین پایگاه دین و معنویت و اخلاق است. شک نیست که حفظ قداست مساجد و تقویت هماهنگ جنبه‌های معنوی و انقلابی و تعلیمی و تبلیغی آن نیازمند سلامت و امنیت محیط آن و دور ماندن از منازعات و مناقشات داخلی در آن است.

لذا شایسته است جناب‌عالی که بحمدالله برخوردار از وجاهت و قبول و حرمت در نزد حضرات آقایان ائمه جماعت مساجد شهر تهران می‌باشید با تعیین مرکزی و نمایندگانی به مهمه مساجد پرداخته و در موارد لازم با کمک و حمایت از برنامه‌های اسلامی در مساجد و یا لدی‌الاقضاء با نصب امام جماعت و دیگر مسؤولین مربوط به مساجد، به رونق و کارآیی و شکوفایی هر چه بیشتر این پایگاه‌های انقلاب و اسلام کمک نمایید.

توفیق متزاید جناب عالی را از خداوند متعال مسألت می‌کنم.
والسلام علیکم ورحمه‌الله».

۶- در جلسه علنی ۲۳ دی ماه سال ۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی، سازمان‌های میراث فرهنگی ایران‌گردی و جهان‌گردی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتزع و بعد از ادغام آن‌ها سازمان میراث فرهنگی و گردشگری با کلیه اختیارات زیر نظر ریاست جمهوری تشکیل گردید.

هم‌چنین با تصویب شورای عالی اداری در یکصد و سی‌امین جلسه مورخ ۱۳۸۵/۱/۱۶، به منظور تقویت و توسعه صنایع دستی کشور و ایجاد هماهنگی با سیاست‌های توسعه صنعت گردشگری سازمان صنایع دستی ایران با تمام وظایف، اختیارات، مسئولیت‌های قانونی، دارایی‌ها، تعهدات، اعتبارات، امکانات و نیروی انسانی از وزارت صنایع و معادن منتزع و در سازمان میراث فرهنگی و گردشگری ادغام شد و نام آن به سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تغییر یافت.

- ماده ۴- رییس دبیرخانه ستاد توسط دبیر ستاد انتخاب می‌شود و با توجه به شرح وظایف مربوط نسبت به پیشبرد امور دبیرخانه‌ای ستاد اقدام خواهد کرد.
 - ماده ۵- گروه منتخب ستاد شیوه‌نامه اجرایی را تهیه خواهد کرد و سپس این شیوه‌نامه به تصویب ستاد خواهد رسید.
 - ماده ۶- ستاد موظف است گزارش فعالیت‌ها را هر ساله به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه کند.
- این آیین‌نامه در ۶ ماده و دو تبصره در جلسه ۵۵۳ مورخ ۸۳/۱۰/۲۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید.

از آیین‌نامه شورای هماهنگی و برنامه‌ریزی آموزشی و بازآموزی مدیران فرهنگی

« مصوب ۱۳۸۳/۱۱/۰۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی

« مقدمه:

آموزش مدیران فرهنگی و روزآمد کردن دانش مدیران فرهنگی یکی از ضرورت‌های حوزه فرهنگی کشور است. برای تثبیت این ضرورت که نوعی امتیاز محسوب می‌شود، لازم است کلیه دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی براساس ضوابط خاصی تشخیص دهند که مدیران فرهنگی آن‌ها نیاز به «آموزش همراه با پژوهش» دارند. بروز پدیده‌های متعدد و نوظهور فرهنگی لزوم آموزش مداوم مدیران فرهنگی را در شرایط فعلی دوچندان می‌نماید. از سوی دیگر یکی از روش‌های اساسی بهره‌برداری از نتایج پژوهش‌ها و مطالعات فرهنگی آموزش کاربردی آن به مدیران فرهنگی به همراه تشویق به امر پژوهش و تحقیق است و صرف داشتن علاقه به فعالیت‌های فرهنگی بدون داشتن مهارت‌های علمی و تخصصی مدیریت فرهنگی کافی نمی‌باشد. لذا بدین منظور «شورای هماهنگی

و برنامه‌ریزی آموزشی و بازآموزی مدیران فرهنگی» که از این پس در این آیین‌نامه به اختصار «شورا» نامیده می‌شود، تشکیل می‌گردد.

● ماده ۱- شورا متشکل از معاونین یا مدیران ارشد دستگاه‌ها و نهادهای موضوع ماده ۴ این آیین‌نامه می‌باشد.

● ماده ۲- هدف کلی شورا عبارت است از: به روز نمودن دانش و اطلاعات مدیران فرهنگی برای مواجهه صحیح با جریانات و مسایل فرهنگی داخل و خارج کشور.

● ماده ۳- وظایف شورا عبارت است از:

۱- مطالعات و بررسی‌های لازم نسبت به تهیه و تصویب برنامه جامع آموزش و بازآموزی مدیران فرهنگی کشور

۲- تنظیم چارچوب و محورهای آموزش ضمن خدمت مدیران فرهنگی

● ماده ۴- اعضای شورا عبارتند از:

الف- نماینده سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

ب- نماینده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ج- نماینده وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری

د- نماینده سازمان تبلیغات اسلامی

ه- نماینده جهاد دانشگاهی

و- نماینده حوزه علمیه

ز- نماینده وزارت آموزش و پرورش

ح- نماینده سازمان صدا و سیما

ط- نماینده شورای فرهنگی و اجتماعی زنان

ی- دانشگاه آزاد اسلامی

ک- نماینده مرکز رسیدگی به امور مساجد

ل- نماینده دفتر امور مشارکت زنان

ع- سه نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها با گرایش مدیریت و مطالعات فرهنگی به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و تصویب شورای هماهنگی و برنامه‌ریزی

□ تبصره- آیین‌نامه داخلی شورا، توسط شورا به تصویب خواهد رسید.

- ۱- مرکز رسیدگی به امور مساجد در زمره نهادها و مراکز وابسته و مرتبط با دفتر مقام معظم رهبری می‌باشد.
- ۲- حضور نماینده مرکز رسیدگی به امور مساجد در شورای هماهنگی و برنامه‌ریزی آموزشی و بازآموزی مدیران فرهنگی، می‌تواند به جذب بیشتر دستگاه‌های مرتبط با مسجد در راستای تحقق سیاست‌های کلان فرهنگی بینجامد.

● ماده ۱۰- محل تشکیل شورا در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌باشد.

از مصوبه اصلاحی «اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب» مصوب جلسه ۶۶۰ مورخ ۱۳۸۹/۱/۲۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی

- ماده ۱۴- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است با همکاری سایر دستگاه‌ها و در جهت تحقق اهداف ماده ۱، بند ۴ ماده ۳ و سیاست‌های ایجابی مندرج در این مصوبه، اقدامات زیر را به عمل آورد:

...

- ۱۱- خرید کتب متناسب و برگزیده کتاب و اهدا به کتابخانه‌های عمومی، مدارس، دانشگاه‌ها، مساجد و نظایر آن در داخل و خارج از کشور با هدف هدایت ناشران به سمت تولید آثار فاخر.

از سند نقشه جامع علمی کشور

« مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی

- فصل چهارم - راهبردها و اقدامات ملی برای توسعه علم و فناوری در کشور
۴-۱- راهبردهای کلان توسعه علم و فناوری در کشور

...

راهبرد کلان ۶:

تحول و نوسازی نظام تعلیم و تربیت اعم از آموزش و پرورش و آموزش عالی به منظور انطباق با مبانی تعلیم و تربیت اسلامی و تحقق اهداف کلان نقشه اقدامات ملی:

...

۴۳- تقویت تعامل مسجد و مدرسه به منظور ارتقای نقش آنها در تربیت دینی

محلّه .

از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش « مصوب ۱۳۹۰/۶/۱۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی

● فصل هفتم - هدفهای عملیاتی و راهکارها

...

۷- افزایش نقش مدرسه به عنوان یکی از کانون‌های پیشرفت محلی، به ویژه در

ابعاد فرهنگی - اجتماعی (۲ و ۱ و ۵ و ۷)

راهکار ۱/۷- فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای نقش آفرینی مدرسه به عنوان

کانون کسب تجربیات تربیتی محله و جلوه‌ای از جامعه اسلامی و حیات طیبه با

تفویض اختیار و مسئولیت به آن و استانداردسازی تمام مؤلفه‌ها و عوامل درون

مدرسه‌ای.

راهکار ۲/۷- نهادینه‌سازی و تقویت همکاری مدرسه با مراکز فرهنگی و علمی

محله به ویژه مسجد و کانون‌های مذهبی و حوزه‌های علمیه و مشارکت فعال

مدیران، معلمان و دانش‌آموزان در برنامه‌های مرتبط محله و نیز حضور نظام‌مند

و اثربخش روحانیون توان‌مند و مبلغان مذهبی با تجربه در مدرسه.

از سند راه‌بردی کشور در امور نخبگان « مصوب ۱۳۹۱/۷/۱۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی

- فصل ۳- راهبردهای کلان و اقدام‌های ملی
برای تحقق اهداف کلان، نظام نخبگانی وظیفه «شناسایی و هدایت»، «توسعه
زیرساخت‌های لازم» را برعهده دارد.
راهبرد ملی ۲- هدایت صاحبان استعداد‌های برتر با استفاده از توان‌مندی‌های
بخش‌های دولتی و غیردولتی.
اقدام‌های ملی:

...

۸- گسترش برنامه‌های پرورش دینی و فرهنگی اجتماع نخبگانی براساس
استمرار در کار فرهنگی، آموزش‌های مربی محور، سیرهای مطالعاتی اعتقادی
و توجه به وجوه جامع دین با استفاده از ظرفیت‌های دانشگاه‌ها، حوزه‌های
علمیه، مساجد و مراکز فرهنگی کشور.

از مصوبه نقشه مهندسی فرهنگی کشور « مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی

● فصل پنجم - اولویت‌های فرهنگی

اولویت‌های فرهنگی شامل موضوعات، مسایل و چالش‌های اساسی است که ناظر به ارزش‌ها، الگوهای رفتاری، محصولات و نمادهای فرهنگی کشور در سطوح فرهنگ ملی (اسلامی - ایرانی)، عمومی و حرفه‌ای می‌باشند. اولویت‌ها معیار و مبنای تخصیص منابع و امکانات کشور برای تحقق اهداف و چشم‌انداز فرهنگی کشور محسوب می‌شوند.

۱- هویت اسلامی، ایرانی و انقلابی؛ انتظار منجی، قرآن و عترت، نماز و مسجد، ولایت فقیه، فرهنگ بسیجی، ایثار و جهاد و شهادت، زبان، ادبیات و خط فارسی.

...

● فصل ششم - راهبردها و اقدامات راهبردهای کلان فرهنگی اقدامات ملی

...

۴- برنامه‌ریزی برای زمینه‌سازی و نهادینه کردن اُنس با نماز جماعت و مسجد و احیای کارکردهای فرهنگی- اجتماعی آن متناسب با نیازهای زمان و مخاطبان تدوین و اجرای برنامه ملی توسعه اقامه نماز جماعت در مساجد و نمازخانه‌ها و بهره‌گیری هم‌افزا از ظرفیت‌های آموزشی، پژوهشی، تبلیغی، رسانه‌ای و هنری در جهت تبیین و ترویج احکام، اسرار و آثار فردی و اجتماعی نماز بر طهارت ظاهری و باطنی و آرامش روحی و روانی برای همه اقشار جامعه

راهبرد کلان ۳

تبیین، تشکیل، تحکیم، تعالی و ایمن‌سازی خانواده

...

بهره‌گیری از تعامل سازنده خانواده، مدرسه و مسجد در تحکیم خانواده

راهبرد کلان ۶

انسجام‌بخشی و تقویت مشارکت فراگیر و نظام‌مند نهاد خانواده، نظام تعلیم و تربیت، سازمان‌های اجتماعی و اداری و سایر نهادهای مرتبط در گسترش نظم و انضباط، قانون‌گرایی و احساس امنیت عمومی و ظرفیت‌سازی و فرهنگ‌سازی برای رفع موانع فرهنگی، ساختاری و رفتاری

راهبردهای ملی

...

۵- نهادینه‌سازی ارتباط و تعامل مؤثر خانواده، مسجد، مدرسه، محله با پلیس و بسیج در مقوله نظم و امنیت اجتماعی؛

اقدامات ملی

...

۱۵- طراحی و استقرار نظام تعامل و همکاری خانواده، مسجد، مدرسه، بسیج و پلیس برای ایجاد نظم و امنیت اجتماعی و محله سالم

بازنگری و اصلاح اهداف و کارکردهای فرهنگی نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مبتنی بر نقشه مهندسی فرهنگی کشور اقدامات ملی ...

۹- تدوین و اجرای سند ملی توسعه، گسترش و تقویت نهاد مسجد و سامان بخشی و راهبری آن در سطح ملی و بین‌المللی با محوریت:

۱- ۹- بهبود شرایط مساجد موجود و گسترش مساجد متناسب با آمایش سرزمینی و محیطی در سطح شهرها، روستاها، راه‌ها، شهرک‌ها، مجتمع‌ها و سازمان‌ها و نهادهای دولتی، عمومی و خصوصی و فضاهای عمومی
۲- ۹- ارتقاء مشارکت مردم در آبادانی و اداره مساجد و افزایش حضور و انس آحاد مردم و اقشار اجتماعی به ویژه نوجوانان و جوانان در آن برای عبادت و سلوک دینی

۳- ۹- حفظ و تقویت محوریت مساجد در فعالیت‌های نظام فرهنگی، تربیتی، آموزشی و تبلیغ دینی و ارتقاء جایگاه و نقش راهبری نهاد مسجد در نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و در حل مسایل عمومی

۴- ۹- نهادینه‌سازی حضور مستمر و نقش آفرین روحانیت در تعامل با اقشار مختلف و اداره و فعالیت نهادهای اصیل دینی

۵- ۹- حمایت و پشتیبانی نظام‌مند دولت و نهادهای عمومی از مساجد، حسینیه‌ها، هیئات و پیگیری حل مشکلات آن‌ها با حفظ استقلال و اتکاء محوری آن‌ها به مردم

۱۱- تدوین و اجرای سند ملی وقف و امور خیریه و استقرار نظام مدیریت راهبردی آن با حفظ ماهیت مردمی و مصالح وقف و نیات واقفین، گسترش نهاد وقف و تنوع بخشی آن و افزایش سهم وقف و خیریه در توسعه و پشتیبانی امور فرهنگی.

از مصوبه سند دانشگاه اسلامی

« مصوب ۱۳۹۲/۴/۲۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی

• راهبرد ۱۸:

تعظیم شعائر اسلامی و توجه خاص به نماز و مسجد محوری در فعالیت‌های دینی، فرهنگی و علمی دانشگاه

اقدامات:

۱-۱۸- سامان‌دهی و ارتقاء عوامل مؤثر در توسعه و ترویج نماز و شعائر اسلامی در میان دانشگاهیان

۲-۱۸- سامان‌دهی و حمایت مادی و معنوی از فعالیت‌ها و محصولات فرهنگی، آموزشی و پژوهشی دانشگاهیان در حوزه نماز و شعائر اسلامی

۳-۱۸- توسعه و تجهیز مساجد و نمازخانه‌های دانشگاه‌ها و واحدهای مربوطه

۴-۱۸- ساخت پردیس دانشگاه‌ها با محوریت مسجد و طراحی الگوی مسجد دانشگاهی با رویکرد معماری اسلامی

- ۵- ۱۸- تجمیع فضاهاى فرهنگى دانشگاه‌ها با رویکرد مسجد محورى در فعاليت‌هاى علمى و فرهنگى
- ۶- ۱۸- حمايت و تقويت هيات‌هاى دانشجويى در جهت تعظيم شعائر و عمق بخشيدن به فعاليت‌هاى فرهنگى آن‌ها
- ۷- ۱۸- متناسب‌سازى برنامه‌هاى علمى و آموزشى با فرهنگ نماز و روزه و تعظيم شعائر اسلامى
- ۸- ۱۸- تعميق ابعاد معرفتى، معنوى و ارتقاى روحيه تقواطلبى به عنوان مبنای تعظيم شعائر اسلامى
- ۹- ۱۸- ترويج و تشويق فرهنگ سبقت در خيرات و وقف با حمايت از خيرين و واقفين دانشگاهى و غيردانشگاهى و استفاده از انگيزه‌هاى آنان در ساخت و ارتقا مساجد
- ۱۰- ۱۸- جذب، تقويت و ارتقاى دانش و مهارت ائمه جماعات در عرصه‌ها علمى، فرهنگى و سياسى

از آیین‌نامه اجرایی قانون فروش خالص‌جات

« مصوب ۱۳۳۶/۸/۲۱ (کمیسیون‌های مشترک دارایی و کشاورزی مجلسین)

- ماده ۵- اراضی مشمول تبصره ۲ ماده ۲ قانون با در نظر گرفتن خیابان‌بندی مطابق اصول شهرسازی نقشه‌برداری و مقدار مساحت زمین قابل تقسیم و فروش دقیقاً تعیین خواهد شد. نقشه اراضی با راهنمایی مأمورین کشاورزی به وسیله مهندسين شهرداری و یا مهندسين دواير دولتي محل به دستور شورای شهرستان تهیه خواهد شد.

...

شورای شهرستان با نظارت انجمن شهر مقدار زمین لازم برای ساختمان‌های عمومی از قبیل باغ ملی درمانگاه و آموزشگاه و مسجد و سایر اماکن عمومی مورد نیاز را با در نظر گرفتن موقعیت محل و اراضی تعیین خواهد نمود.

از آیین‌نامه اجرایی تجدید قرارداد و اجاره املاک و اموال موقوفه و تجدید انتخاب متولیان و امناء و نظار اماکن متبرکه مذهبی و مساجد

« مصوب ۱۳۵۸/۲/۱۷ هیأت وزیران

- ماده ۱- سازمان اوقاف مکلف است ضوابط و شرایط لازم و ضروری برای تنظیم اجاره‌نامه مستأجران و متصرفان املاک و اموال اوقافی را طی دستورالعملی به کلیه ادارات و مراکز اوقافی استان‌ها ابلاغ و سریعاً نسبت به تجدید اجاره انعقاد قرارداد جدید اقدام نماید.

«با توجه به ماده یک لایحه قانونی تجدید قرارداد و اجاره املاک و اموال موقوفه و تجدید انتخاب متولیان و امناء و نظار اماکن متبرکه مذهبی و مساجد مصوب ۵۸/۲/۲۵ که به موجب آن کلیه اجاره‌نامه‌های رسمی و عادی منعقد بین اوقاف و مستأجرین در موقوفات عامه نظیر املاک مزروعی و باغات و اراضی و مستغلات و مستحدثات شهری و روستایی فسخ شده و ترتیب تنظیم اجاره‌نامه و میزان اجاره‌بهای عادلانه روز به کیفیت مقرر در آیین‌نامه اجرایی مربوط موکول گردیده و با عنایت به این که هدف مقنن وضع قواعد و مقررات خاص درباره موقوفات

استیجاری بوده است، مصوبات مورد اعتراض مغایر قانون شناخته نمی‌شود و چون بخشنامه شماره ۷۷۷۷ مورخ ۶۷/۱۱/۳۰ حسب نظریه مورخ ۱۳۷۲/۱۰/۲۲ فقهای محترم شورای نگهبان مخالف موازین احکام شرع شناخته نشده تقاضای ابطال آن‌ها مردود است.» (رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، کلاس، پرونده ۷۱/۱۹۷، شماره دادنامه ۷۲/۱۹۲، مورخ ۹ بهمن ۱۳۷۲).

● ماده ۲- اجاره‌بهای عادلانه املاک مورد اجاره و متصرفی موقوفه به شرح زیر تعیین می‌شود:

۱- املاک و مستغلات مشمول قانون مؤجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ بر اساس اجاره‌بهای قبلی و احتساب درصد شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی است که همه ساله از طرف بانک مرکزی ایران منتشر می‌گردد.

۲- در محل‌هایی که قانون موجر و مستأجر اجرا نشده و یا درصد شاخص از طرف ۲۳۴ بانک مرکزی تعیین و اعلام نگردیده اجاره عادلانه عبارت است از ۸ درصد ارزش معاملاتی عرصه و ده درصد ارزش معاملاتی اعیانی که از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی تعیین و تصویب شده یا می‌شود.

□ تبصره ۱- تخفیف‌هایی که از نظر مشاع و یا در قید اجاره بودن در فهرست ارزش معاملاتی در نظر گرفته شده است در محاسبه ارزش عرصه یا عیان مستغل منظور خواهد شد.

□ تبصره ۲- در مورد آپارتمان‌ها اجاره‌بهای قسمت‌های اشتراکی نیز با توجه به مقررات قانون تملک آپارتمان نسبت به حصه آپارتمان مورد اجاره محاسبه و منظور خواهد شد.

تجدید قرارداد و اجاره املاک موقوفه نسبت به املاک و مستغلات مشمول قانون موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ بر اساس اجاره‌بهای قبلی و احتساب درصد شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی است که همه ساله از طرف بانک مرکزی ایران منتشر می‌گردد و این قست نص خاصی است که بر قانون موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ مخصص و دادگاه را از ارجاع به کارشناسی و تبعیت از نظر کارشناس برای تعیین اجاره‌بها در موقوفات معاف می‌دارد.

بنابراین بندهای ۱ و ۲ و تبصره‌های سه‌گانه ماده دو از آیین‌نامه مذکور که به موجب تبصره ذیل ماده یک لایحه قانونی در اختیار هیأت وزیران بوده از احکام کلیه اجارات غیر موقوفه استثناء و منحصرأً درباره موقوفات لازم‌الرعايه بوده و فرم‌های تنظیمی که از طرف سازمان کل اوقاف که به موجب بخشنامه شماره ۷۷۷۷-۶۷/۱۱/۳۰ به امضای نماینده حضرت امام و سرپرست سازمان حج و اوقاف و امور خیریه در سطح کشور برای اقدام فرستاده شده از اعتبار قانونی برخوردار است.

● ماده ۴- کلیه ضوابط و شرایط مندرج در اسناد و قراردادهای اجاره که به شرح ماده یک آیین‌نامه از طرف سازمان اوقاف تعیین و اعلام می‌شود از طرف مستأجران لازم‌الاجرا و غیر قابل اعتراض خواهد بود و مستأجران ملتزم و مکلف به اجرای کامل آن می‌باشند.

● ماده ۵- این آیین‌نامه از تاریخ تصویب لازم‌الاجرا و کلیه مقررات مغایر با آن لغو می‌گردد و هرگونه تغییر یا تجدید نظر در آن به پیشنهاد وزیر اطلاعات و تبلیغات و سرپرست سازمان اوقاف و تصویب هیأت وزیران امکان‌پذیر می‌باشد.

۱- به موجب مصوبه شماره ۴۶۲/د ش شورای عالی اداری مورخ ۱۳۷۰/۸/۱۵ و در راستای اجرای اوامر مقام معظم رهبری در خصوص کیفیت اداره امور حج و زیارت، نام سازمان حج و اوقاف و امور خیریه به «سازمان اوقاف و امور خیریه» تغییر یافته و کلیه امور مربوط به حج و زیارت از سازمان مزبور منتزع و به سازمان حج و زیارت که سازمانی مستقل زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌باشد واگذار شده است.

۲- در صورتی که مستأجر طبق مفاد قرارداد در مورد اجاره احداث بنا نموده و تخلفی نیز از شرایط مندرج در قرارداد نکرده باشد پذیرش دعوی خلع ید یا تخلیه توجیه قانونی ندارد (نظریه ۷/۶۲۰۹-۱۳۷۷/۹/۹ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۳- با حدوث تخلفات مستأجر و انقضای مدت اجاره تخلیه ملک از طرف اوقاف قابل پذیرش است. ولی اداره اوقاف حقی نسبت به مطالبه سرففلی ناشی از تخلف مستأجر کل ندارد زیرا حق کسب و پیشه مقرر در قانون روابط موجر و مستأجر از آن مستأجر است نه موجر (نظریه ۷/۲۲۳۹-۱۳۷۸/۴/۱۶ اداره حقوقی قوه قضاییه)

۴- پس از تصرف اعیانی به وسیله مالک یا مالکین، نام‌برندگان موظف هستند حقوق شرعی و قانونی اوقاف را رعایت نمایند و با اوقاف قرارداد اجاره منعقد نمایند (اجاره عرصه) و اگر در اجرای قانون حقوقی از اوقاف به وسیله مالک و یا مالکین اعیانی تزییع شده باشد و اوقاف و متصرفی اعیانی قادر به حل آن نباشند اوقاف موضوع را در دادگاه مطرح و احقاق حق می‌نماید. یعنی مالک اعیانی موظف به حفظ حقوق اوقاف می‌باشد و در صورت تخلف، یا باید اعیانی را به اوقاف که مالک عرصه است بفروشد (به قیمت روز) و در صورت استنکاف مالک اعیانی اوقاف براساس ضوابط قلع و قمع بنا را بنماید (نظریه ۷/۴۳۲-۱۳۷۹/۶/۱۶ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۵- مراد از وزیر تبلیغات در حال حاضر وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

از آیین نامه شوراهای کشاورزی کشور

« مصوب ۱۳۵۸/۲/۲۳ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران

● ماده ۴- اهم وظایف شوراهای کشاورزی برای نیل به هدفهای فوق به شرح

زیر می باشد:

۱- ...

۲- ...

۳- ...

۴- ...

۵- تشویق و ارشاد روستاییان به ایجاد و نگهداری تأسیسات عمومی مورد

لزوم روستاها از قبیل مدرسه- حمام- مسجد- درمانگاه- راههای روستایی و

تأسیسات آب و برق و نظایر آنها.

آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه

« مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰ هیأت وزیران با اصلاحات بعدی

• ماده ۱- منظور از کلمه سازمان در این آیین‌نامه سازمان حج و اوقاف و امور خیریه است.

۱- سازمان حج و اوقاف و امور خیریه به سازمان اوقاف و امور خیریه تغییر نام یافته است.

۲- سازمان اوقاف به موجب قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب سال ۶۳ تشکیل گردیده و وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و از مصادیق مؤسسات دولتی تلقی می‌شود. از این رو مقررات ماده واحده قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی، در مورد اداره اوقاف نیز لازم‌الرعايه است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: نظریه ۷/۷۴۳۵-۱۹/۱۰/۱۳۸۴. اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۳- از آن جا که سازمان اوقاف و امور خیریه یک سازمان دولتی است، سرپرستی آن با سمت نمایندگی مجلس شورای اسلامی مانع الجمع بوده و با اصل (۱۴۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مغایرت دارد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: نظریه ۱۴۰۱-۱۳۵۹/۱۲/۲۱ شورای نگهبان).

● ماده ۲- اداره حج و اوقاف و امور خیریه هر حوزه امور مربوط به همان حوزه را انجام خواهد داد و در صورتی که رقبات یک موقوفه در حوزه‌های مختلف واقع شده باشد اداره حج و اوقاف و امور خیریه محل مصرف، مسئول رسیدگی به بودجه و حساب موقوفه خواهد بود و ادارات حج و اوقاف و امور خیریه محل وقوع رقبات دیگر این گونه موقوفات به سایر امور رقبات واقع در همان حوزه رسیدگی می‌نمایند. در صورتی که موقوفه دارای رقبات متعدد و در حوزه‌های مختلف واقع و مصرف هر رقبه در همان حوزه باشد، رسیدگی به بودجه حساب و اداره موقوفه به عهده اداره حج و اوقاف و امور خیریه همان حوزه می‌باشد.

□ تبصره- چنان چه در مورد این صلاحیت ابهام و اختلافی بین ادارات حج و اوقاف و امور خیریه پیش بیاید نظر سرپرست سازمان معتبر است.

● ماده ۳- اداره امور اماکن مذهبی اسلامی از قبیل بقاع متبرکه و غیره به جز آن چه که در تبصره ۲ ماده ۱ قانون استثنا شده و اماکنی که برای اداره آن‌ها ترتیب خاصی داده نشده است به عهده ادارات حج و اوقاف و امور خیریه بوده و می‌توانند برابر ماده ۵ قانون و تبصره‌های ذیل آن و آیین‌نامه مربوطه، اشخاصی را به عنوان هیأت امناء انتخاب نمایند.

□ تبصره- عرصه و اعیان مساجد، مدارس علوم دینی و تکایا رقبه موقوفه است ولی ادارات حج و اوقاف و امور خیریه در شئون داخلی آن‌ها از قبیل تعیین امام جماعت و انجام مراسم مذهبی دخالت نخواهند داشت.

۱- به اماکنی که به منظور عبادت، زیارت و یا انجام مراسم مذهبی ایجاد شده یا

اختصاص یافته‌اند و جنبه استفاده شخصی ندارند، اماکن مذهبی گویند.

۲- رقبه عبارت است از یک واحد ملکی غیر منقول. هر موقوفه یا مکان مذهبی ممکن است دارای یک یا چند رقبه باشد. در فرهنگ دهخدا نیز رقبه به معنای ملکی است که به کسی سپرده می‌شود که تا پایان عمر از آن بهره برد.

۳- در لغت‌نامه دهخدا از تکیه به معنای مکانی که در آن روضه‌خوانی و تعزیه‌خوانی می‌شود یاد شده است. در فرهنگ معین نیز به معنای جای وسیعی جهت انجام مراسم عزاداری است.

۴- بقاع متبرکه که حضرت رضا علیه السلام و حضرت احمد ابن موسی (شیراز) و حضرت معصومه و حضرت عبدالعظیم علیه السلام و موقوفات مربوط به آن‌ها که متولی خاص نداشته باشد و موقوفاتی که برای اداره هر کدام آن‌ها از طرف ولی فقیه نایب‌التولیه تعیین شده یا بشود از شمول این قانون مستثنی است و در غیر این صورت اداره آن‌ها با سازمان خواهد بود (تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲).

۵- برابر ماده ۵ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، سازمان اوقاف و امور خیریه می‌تواند در اموری که اداره آن به عهده این سازمان است، شخص یا هیأتی از اشخاص متدین و معروف به امانت را به عنوان امین یا هیأت امناء تعیین نماید.

۶- اعیان در اصطلاح ثبت به آن چه بر روی زمین ساخته می‌شود اطلاق می‌گردد. اگر چه از نظر حقوقی واژه زمین خود دلالت بر عرصه و اعیان را می‌نماید ولی در حقوق ثبت، مراد از اعیان مستحدثاتی است که روی ملک (زمین) بنا می‌گردد.

۷- به منظور سیاست‌گذاری، نظارت و حمایت در امور مختلف مساجد، مرکز رسیدگی به امور مساجد بر اساس نظر مقام معظم رهبری تأسیس گردید. حضرت آیت‌الله مهدوی کنی به عنوان دریافت‌کننده حکم تأسیس و مرحوم آیت‌الله انواری به عنوان اولین قائم‌مقام رییس مرکز، برای شکل‌گیری این مرکز همت گماشتند.

۸- با عنایت به حکم مقام معظم رهبری در خصوص تأسیس مرکز رسیدگی به امور مساجد (که نصب امام جماعت را لدی‌الاجتضاء در زمره صلاحیت‌های این مرکز قرار داده‌اند) و نیز سایر بیانات ایشان در خصوص مساجد کشور از جمله: «[مسجد] یک رییس طبیعی دارد و آن امام جماعت است» (مورخ ۱۳۷۵/۲/۳۱)، امام جماعت که روحانی مسجد است، طبیعتاً مدیر و رییس مسجد نیز محسوب می‌گردد. از این رو در پاره‌ای موارد انتصاب، جابه‌جایی، قبول استعفا و عزل امام جماعت مطابق ضوابط به عهده مرکز رسیدگی به امور مساجد می‌باشد.

۹- مطابق تبصره ماده فوق‌الذکر، ادارات حج و اوقاف و امور خیریه در شئون داخلی مساجد از قبیل تعیین امام جماعت و انجام مراسم مذهبی دخالتی نخواهند داشت.

۱۰- در تفاهم‌نامه همکاری فی‌مابین سازمان اوقاف و امور خیریه با مرکز رسیدگی به امور مساجد در تاریخ ۱۳۸۷/۱۱/۹، مقرر گردید از هیأت امنای مساجد به عنوان اعضای هیأت امنای موقوفات مساجد استفاده گردد (بند ۲ قسمت الف ماده ۱ تفاهم‌نامه همکاری فی‌مابین سازمان اوقاف و امور خیریه با مرکز رسیدگی به امور مساجد به تاریخ ۱۳۸۷/۱۱/۹).

۱۱- احداث، بازسازی، توسعه و عمران فضاهای مساجد با استفاده از موقوفات مربوط به مساجد و سایر منابع مالی اوقاف با نظارت مستقیم ائمه جماعات مساجد خواهد بود (بند ۱ قسمت الف ماده ۱، همان تفاهم‌نامه).

۱۲- الف) عرصه و اعیان مساجد موقوفه است و برخی از مساجد علاوه بر موقوفه بودن عرصه و اعیان آن دارای رقبات و مستغلات و یا عواید دیگری نیز می‌باشند که اداره این امورات از وظایف سازمان اوقاف و امور خیریه است.

ب) مرکز رسیدگی به امور مساجد استان تهران نیز در اداره مساجد وظایفی را برعهده دارد.

ج) به‌هم پیوستگی وظایف اشاره شده در بندهای ۱ و ۲ از سویی و نیز فعالیت‌های مستقل هر یک از این دو مجموعه از سوی دیگر، بروز مشکلات عدیده‌ای را برای نهاد مسجد و بهره‌گیران آن در پی خواهد داشته است. از این‌رو، در پنجاه و سومین جلسه ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور مصوب گردید:

انتخاب و صدور احکام اعضای هیأت امنای محترم مساجد در حوزه استان تهران، با محوریت مرکز رسیدگی به امور مساجد و وظایف مربوط به بند یک از سوی نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه با انجام کارشناسی به مرکز رسیدگی به امور مساجد استان تهران تفویض گردد (مصوبه انتخاب و نحوه صدور احکام اعضای هیأت امنای مساجد استان تهران، پنجاه و سومین جلسه ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور مورخ ۱۳۹۰/۶/۲۸).

۱۳- نظر به تأکیدات رهبر انقلاب در خصوص لزوم استقلال، حفظ موقعیت مردمی و تقویت جایگاه مدیریتی ائمه جماعات در مساجد و مأموریت‌های ابلاغی در حکم تاسیس مرکز رسیدگی به امور مساجد استان تهران، صادره از سوی ایشان، لزوم بازنگری در نحوه اداره رقبات تحت پلاک مساجد ضروری به نظر می‌رسید. از این‌رو بر اساس انعقاد تفاهم‌نامه فیما بین رییس مرکز رسیدگی به امور مساجد و مدیر کل اوقاف و امور خیریه استان تهران در سال ۹۲، مقرر گردید، انتخاب و انتصاب ائمه محترم جماعات به عنوان «امین» جهت حفظ و نگهداری ساختمان مساجد و مستحذات و اعیانی‌های متعلقه و نیز اداره رقبات و مستغلات واقع در پلاک

مساجد و وصول عواید و منافع و صرف آن‌ها در دایره مفاد وقف‌نامه‌ها، علی‌ما قرره‌الواقف و سیره جاریه و بر اساس مقررات و ضوابط موضوعه اوقافی به ترتیب زیر انجام گردد:

الف) مدیر کل اوقاف و امور خیریه استان تهران، پس از معرفی امام جماعت راتب یا نایب واجد شرایط توسط رییس مرکز رسیدگی به امور مساجد و پس از برگزاری یک جلسه توجیهی توسط کارشناس مجرب و آشنا با مقتضیات شخصیتی حضرات، به منظور آشنایی فرد معرفی شده با قوانین و مقررات موضوعه اوقافی، نسبت به صدور حکم به عنوان «امین موقوفه» برای امام یا نایب ایشان اقدام نماید (بند یک از فصل دوم تفاهم‌نامه ارتقای همکاری‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد و اداره کل اوقاف و امور خیریه استان تهران، ۱۳۹۲).

ب) در مواردی که بنا بر تأیید مرکز رسیدگی به امور مساجد، امکان ایفای نقش به عنوان امین برای امام راتب وجود نداشته باشد، همانند کهولت سن، بیماری یا فقدان توانایی لازم برای مدیریت رقبات و مواردی از این قبیل، نایب امام جماعت به عنوان امین، از سوی مرکز رسیدگی به امور مساجد، جهت صدور حکم به اوقاف معرفی می‌گردد و شخصاً پاسخگوی مسئولیت خود می‌باشد (تبصره بند یک از فصل دوم، همان).

۳- افتتاح حساب جاری مشترک با تصریح بر نام موقوفه و مسجد ذی‌ربط در یکی از بانک‌های واقع در محدوده همان مسجد با امضای ثابت امام جماعت و رییس اوقاف منطقه خواهد بود (بند دو از فصل دوم، همان).

● ماده ۴- (اصلاحی ۱۳۸۲/۸/۴) ادارات اوقاف و امور خیریه در مورد موقوفات خاصه که فاقد متولی منصوص بوده و یا به تشخیص سازمان، معتمد یا محل وثوق نباشند، به منظور رعایت مصلحت وقف و بطون لاحق، با تشخیص و اجازه نماینده ولی فقیه و تا زمان رفع مانع نسبت به اداره امور موقوفه اقدام خواهند کرد.

۱- «به شرح نظریه شماره ۶۶۹۱ مورخ ۱۳۷۳/۷/۲۲ فقهای محترم شورای نگهبان مقررات مواد ۴ و ۵ آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۶۵/۲/۱۰ هیأت وزیران در خصوص جواز مداخله سازمان حج و اوقاف در امور موقوفه دارای متولی خاص و محل وثوق و اعتماد و قادر بر انجام وظیفه شرعی مربوط خلاف موازین شرع شناخته شده است.

لذا به استناد ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۶۰/۱۱/۴ مواد فوق الذکر ابطال می شود» (رای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۷ آبان ۱۳۷۳، کلاسه پرونده ۷۲/۱۹۹، شماره دادنامه ۸۹/۷۳). لازم به ذکر است پس از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مواد (۴) و (۵) آیین نامه مذکور در تاریخ ۱۳۸۲/۸/۴ توسط هیأت وزیران اصلاح گردید.

۲- الف- حسب نظریه شماره ۸۳/۳۰/۸۰۳۷ مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۹ فقهای محترم شورای نگهبان، ماده ۴ و بند (ب) ماده ۲۰ آیین نامه اجرایی ماده ۱۷ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب ۸۲/۸/۴ هیأت وزیران خلاف موازین شرع شناخته نگردید. ب- با عنایت به وظایف و مسئولیت های اداره اوقاف و امور خیریه در خصوص نظارت و کنترل بر امور موقوفات و رعایت و حفظ غبطه و مصلحت موقوف علیهم در مواردی که موقوفه فاقد متولی منصوص بوده و یا متولی موقوفه مورد اعتماد و محل وثوق و یا قادر به انجام وظایف شرعی و قانونی نباشد و یا در مظان تعدی و تفریط باشد، مواد ۴ و ۲۰ و بند (ب) ماده ۲۰ آیین نامه مورد اعتراض مغایرتی با قانون ندارد» (رای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۵ شهریور ۱۳۸۵، کلاسه پرونده ۸۳/۴۳، ۱۵۳ و ۵۵/۸۵، ۶۵، شماره دادنامه ۳۷۰/۸۵ الی ۳۷۳).

● ماده ۵- (اصلاحی ۱۳۸۲/۸/۴) در موقوفات (اعم از عام و خاص)، موضوع قسمت اخیر بند (۱) ماده (۱) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه در صورت اختلاف موقوف‌علیهم و هم‌چنین در موارد تعدی و تفریط متولی و ناظر یا به خطر افتادن مصالح بطون لاحق، طبق ماده (۷) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه بنا به درخواست ادارات اوقاف و امور خیریه و تشخیص شعبه تحقیق و حکم دادگاه تعیین تکلیف و اقدام خواهد شد.

۱- به موجب مصوبه هیأت وزیران به شماره ۱۷۷۹۲ ت ۲۸۶۵۳ هـ مورخ ۱۳۸۲/۸/۴ و به استناد ماده (۱۷) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، مصوب ۱۳۶۳، مواد (۴)، (۵)، (۲۰)، (۲۱)، (۲۲)، (۴۷) و (۵۱) آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، موضوع تصویب‌نامه شماره ۹۵۲۷۰ مورخ ۱۳۶۵/۲/۲۲ اصلاح گردید.

۲- وقف عام، وقفی است که در جهت و مصلحت عمومی و یا عناوین عامه باشد، مانند وقف بر مساجد. در این نوع وقف شخص یا اشخاص خاصی مد نظر واقف نمی‌باشند بلکه واقف به طور کلی وقف کرده است.

۳- به شخصی که به استناد وقف‌نامه با تشخیص شعب تحقیق و یا حکم دادگاه به منظور اداره امور موقوفه تعیین شده یا بشود، متولی گویند.

۴- اشخاصی که پس از موقوف‌علیهم فعلی، برابر با مفاد وقف‌نامه، مصداق موقوف‌علیهم واقع می‌شوند، بطون لاحق نامیده می‌شوند.

۵- تعدی عبارت است از تجاوز متولی، ناظر و یا امین موقوفه و اماکن مذهبی از حدود قانون، اذن و یا متعارف نسبت به موقوفه و اماکن مذهبی و یا حقوق آن‌ها.

۶- تفریط عبارت است از ترک عملی از سوی متولی، ناظر و یا امین که به موجب وظایف معین، قانون و یا متعارف برای حفظ عین و یا منافع موقوفه و اماکن مذهبی لازم است.

۷- هرگاه متولی یا ناظر نسبت به عین یا منافع موقوفه تعدی یا تفریط نمایند، یا در انجام وظایف خود مسامحه و اهمال ورزند، با رسیدگی شعبه تحقیق، دادگاه نسبت به ایشان یکی از احکام ذیل را صادر خواهد نمود: ۱- معزول می‌شوند. ۲- ممنوع‌المداخله می‌گردند. ۳- ضم امین خواهند شد.

۸- صدور حکم از سوی دادگاه مبنی بر مصادره اموال واقف، شامل اموال موقوفه یا موجب خلع متولیان موقوفه نمی‌شود. زیرا با توجه به لایحه قانونی اساس نامه بنیاد مستضعفان مصوب ۱۳۵۹/۴/۲۱ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران حکم استرداد نسبت به اموالی صادر می‌شود که متعلق اشخاص حقیقی یا حقوقی است و اموال موقوفه را شامل نمی‌شود.

۹- شعب تحقیق شامل دو قسمت حقوقی و حسابرسی است. از وظایف اصلی شعب حقوقی می‌توان به: الف- تحقیق و اعلام نظر در خصوص تشخیص متولی و ناظر در موقوفات. ب- تشخیص موقوفات عام از خاص و موقوفات مجهول التولیه یا بدون متولی. ج- رسیدگی و اظهارنظر پیرامون تطبیق مصارف درآمد موقوفات با مفاد وقف‌نامه. د- تحقیق و رسیدگی در خصوص تعدی و تفریط، مسامحه و اهمال متولیان، امناء و نظار اشاره کرد.

● ماده ۶- اداره امور مؤسسات و انجمن‌های خیریه‌ای که از طرف دولت و یا سایر مراجع ذی‌صلاح به عهده سازمان یا واحدهای تابعه گذاشته شده یا می‌شود طبق اساس‌نامه‌های مصوبه هر یک خواهد بود و در مورد سایر مؤسسات خیریه با توجه به قانون مالیات‌های مستقیم چنان‌چه مؤسسات مذکور جهت مفاصاً

حساب مالیاتی یا به هر جهت دیگری که احتیاج به گواهی داشته باشند مراجعه نمایند ادارات حج و اوقاف و امور خیریه می توانند نحوه عملکرد این گونه مؤسسات را بررسی نموده و در صورت تأیید گواهی صادر نمایند.

□ تبصره - گواهی فوق به مؤسسات خیریه ای داده خواهد شد که در اساس نامه آن ها پیش بینی شده باشد در صورت انحلال مؤسسه اموال و دارایی آن با اجازه نماینده ولی فقیه صرف امور خیریه گردد.

● ماده ۷- ادارت حج و اوقاف و امور خیریه موظفند گورستان های متروکه موقوفه واقع در حوزه عمل خود را مشخص و در صورتی که فاقد متولی باشد با توجه به موقعیت آن ها برنامه های متناسب وفق موازین شرعی در امور خیریه جهت بهره برداری از آن ها تنظیم و به سازمان پیشنهاد نمایند تا با تصویب سرپرست سازمان به مرحله اجراء گذاشته شود.

● ماده ۸- اداره کل تحقیق سازمان وظایفی را که طبق قانون برعهده دارد به وسیله شعب حقوقی و حسابرسی انجام خواهد داد طرز تشکیل و رسیدگی وظایف شعب تحقیق بر طبق آیین نامه مربوطه خواهد بود.
آیین نامه کیفیت تحقیق در شعب تحقیق سازمان اوقاف و امور خیریه در تاریخ ۱۳۶۵/۹/۳۰ توسط هیأت وزیران تصویب گردید.

● ماده ۹- متولی، امین موقوفه بوده و موظف است مطابق قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و سایر قوانین و مقررات مربوطه و در صورت ابهام و یا فقدان مقررات خاص طبق احکام شرع و با عنایت کامل به مندرجات وقف نامه، موقوفه تحت تولیت خود را اداره کند و در حفظ عین، منافع، حقوق و حدود موقوفه اقدام و در اجرای نیات خیر واقف کوشش نماید.

۱- دعوا خواه توسط اداره اوقاف مطرح شود، خواه توسط متولی، به موجب ماده (۹) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳ و تبصره

ذیل آن، سازمان اوقاف، موقوفات عام، اماکن مذهبی اسلامی و... از پرداخت هزینه دادرسی معاف می‌باشند. فلذا معافیت از پرداخت هزینه دادرسی تنها شال وقف عام است و به وقف خاص قابل تسری نیست.

چنانچه در یک مورد وقف عام و خاص توأم باشد، اگر قابل تفکیک نباشد، هزینه دادرسی شامل آن می‌شود و چنانچه قابل تفکیک باشد، فقط به آن قسمتی که وقف عام است هزینه دادرسی تعلق نمی‌گیرد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: نظریه ۷/۲۴۸۳-۱۳۷۸/۴/۲ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه). لازم به ذکر است، اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه به موجب نظرات متعدد که پس از این نظریه درج شده است، معافیت سازمان اوقاف و امور خیریه از پرداخت هزینه دادرسی را با توجه به ماده ۵۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ منتفی دانسته است. از جمله می‌توان به نظریه شماره ۷/۱۴۴۰-۱۳۸۰/۲/۱۳ اشاره نمود که مطابق آن، «با تصویب قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ کلیه قوانین مغایر با آن لغو شده و چون به موجب مقررات این قانون پرداخت هزینه دادرسی عام و کلی بوده و شامل تمام مراجع دولتی، وزارتخانه‌ها، شرکت‌های دولتی، مؤسسات عمومی و غیره می‌باشد، لذا تا زمانی که به موجب قوانین جدید، مرجع یا مراجعی از پرداخت هزینه دادرسی معاف نشود، دادگاه‌ها در قبال رسیدگی به دعاوی مطروحه ناگزیر از دریافت هزینه دادرسی خواهند بود».

۲- صرف تصدی موقوفه یا متصرف بودن آن، برای صدور حکم تولیت مدعی کفایت نمی‌کند.

تشخیص این امر با مراجع صالح دادگستری است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: نظریه ۷/۵۰۸۰-۱۳۶۵/۹/۴ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۳- در صورتی که خیانت متولی منصوص بر دادگاه محرز شود، اگر در وقفنامه عزلش شرط نشده باشد، دادگاه نمی‌تواند متولی را عزل کند (برای مطالعه بیشتر ر.ک: نظریه: ۷/۴۶۴۵-۱۳۷۷/۹/۷ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۴- با فرض احراز خیانت متولی و عدم امکان عزل وی، دادگاه برابر مقررات ماده ۷۹ قانون مدنی، ضم امین می‌کند (همان).

۵- در صورت وجود متولی منصوص، تعیین تولیت غیر منصوص، مجوز قانونی ندارد (همان).

۶- «در خصوص شکایت مبنی بر مغایرت ماده ۹ و تبصره یک ماده ۱۰ و تبصره یک ماده ۱۹ آیین‌نامه اجرایی اختیارات سازمان حج و اوقاف با موازین شرعی با توجه به نظریه فقهای محترم شورای نگهبان در نامه شماره ۲۵۵-۶۹/۳/۲۶ دایر به این که: «... ماده ۹ و تبصره یک ماده ۱۰ و تبصره یک ماده ۱۹ آیین‌نامه اجرایی اختیارات سازمان حج و اوقاف مصوب ۶۵/۲/۱۰ مندرج در نامه مزبور مغایر با موازین شرع، شناخته نشد، لذا شکایت رد می‌گردد و اما در مورد مغایرت ماده ۳۰ آیین‌نامه فوق‌الذکر با موازین شرعی، با توجه به رأی شماره ۱۰۸-۶۷/۱۱/۳ هیأت عمومی مبنی بر عدم مغایرت ماده ۳۰ آیین‌نامه با موازین شرع و قانون، موضوع منتفی است» (رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۲۲ خرداد ۱۳۶۹، کلاس پرونده ۶۵/۷۶، شماره دادنامه ۷۳/۶۹).

● ماده ۱۰- متولیان موظفند در اسرع وقت نسبت به ثبت رقبات تحت تولیت خود مبادرت نمایند و همچنین در مواردی که از طرف اشخاص تقاضای ثبت موقوفه به عنوان ملک بشود اعتراض و در مراجع صالحه اقامه دعوی بنمایند و در مواردی که موقوفه به نحوی از انحاء بدون مجوز شرعی به ملکیت اشخاص درآمده، با رعایت ماده واحده قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۶۳/۱/۲۸ و آیین‌نامه اجرایی آن نسبت به احیای موقوفه اقدام و ادارات حج و اوقاف و امور خیریه محل را در جریان اقدامات خود قرار دهند تا همکاری لازم معمول گردد.

□ تبصره ۱- متولیان موظفند در اجرای ماده ۹ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و تبصره ذیل آن به هنگام طرح هر گونه دعوی یا اعتراض بر ثبت، نسخه‌ای از دادخواست یا اعتراض نامه تنظیمی را به ادارات حج و اوقاف و امور خیریه محل تسلیم و رسید دریافت دارند تا ادارات مذکور در این قبیل موارد برای حفظ حقوق موقوفه جریان دعوی را مستمراً مراقبت و در صورت لزوم در دعوی مطروحه وارد و در جهت حفظ حقوق وقف اقدام نمایند.

□ تبصره ۲- ادارات حج و اوقاف و امور خیریه مکلفند در صورتی که متولیان نسبت به تقاضای ثبت و اعتراض بر ثبت و اقامه دعوی و پیگیری آن در مواعد قانونی به وظایف خود عمل نمایند برای حفظ حقوق وقف در مواعد قانونی رأساً نسبت به موارد مذکور اقدام نمایند.

□ تبصره ۳- سازمان و موقوفات عام و اماکن مذهبی اسلامی، مدارس علوم دینی و مؤسسات و بنیادهای خیریه به موجب تبصره ذیل ماده ۹ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه از پرداخت مخارج و هزینه‌های دادرسی و هم‌چنین از پرداخت حق الثبت و بقایای ثبتی و هزینه‌های اجرایی معاف می‌باشند.

۱- متقاضی ثبت شخص حقیقی یا حقوقی است که از دو طریق مدعی مالکیت بوده و درخواست خود مبنی بر تقاضای ثبت را به اداره ثبت محل وقوع ملک ارایه می‌نماید:

الف- تصرف به عنوان مالکیت (این تصرف نشانه‌هایی دارد که از دید عرف مبین وجود مالک است).

ب- مدارک مستند مالکیت (اگرچه عموماً شخصی که دارای مدارک مستند مالکیت است، خود متصرف می‌باشد اما در برخی از مواقع ممکن است تصرفات قانونی صورت نگرفته باشد. از جمله ملکی که از طریق حکم دادگاه به دیگری منتقل گردیده است).

۲- بنا بر نظریه شماره ۲۹۱۰۸-۱۳۷۵/۷/۲۲ اداره حقوقی ریاست جمهوری، آن قسمت از قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۶۳ که ناظر به موقوفات خاص است کماکان معتبر و مجری است. زیرا ماده واحده قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۷۱ اختصاص به موقوفات عام دارد.

۳- در خصوص معافیت سازمان اوقاف از پرداخت هزینه دادرسی، به توضیحات ذیل ماده ۹ همین آیین نامه رجوع کنید.

- ماده ۱۱- به منظور رعایت مصلحت وقف و بهره‌برداری صحیح باید رقبات موقوفه را با توجه به مفاد وقفنامه و قوانین مربوطه و با جلب نظر کارشناس رسمی یا خبره محلی و رعایت شرایط زیر از طریق مزایده به اجاره واگذار نمود:
 - الف- خسارات احتمالی حتی الامکان به عهده مستأجر باشد.
 - ب- از مستأجر باید ضامن معتبر و یا وثیقه مناسب برای تأدیه حقوق موقوفه و تخلیه و تحویل آن در پایان مدت اخذ شود.
 - ج- حق انتقال مورد اجاره از طرف مستأجر به غیر حسب مورد موکول به موافقت کتبی متولی و ادارات حج و اوقاف و امور خیریه باشد، بدیهی است رعایت آیین نامه نحوه وصول پذیره و اهدایی الزامی است.
 - د- مدت اجاره نباید بیش از ده سال باشد مگر با جلب موافقت سرپرست سازمان.
 - ه- (اصلاحی ۱۳۸۴/۴/۱۵) از پیشنهاد دهندگان برابر ده درصد پایه‌ای که با نظر کارشناس یا خبره برای انجام مزایده تعیین می‌شود به عنوان سپرده اخذ شود.
 - و- حداقل مال الاجاره براساس نظر کارشناس رسمی یا خبره محلی و به نرخ عادلانه روز و سایر شرایط لازم در آگهی مزایده قید گردد.
 - ز- اجاره‌نامه باید رسمی باشد و در مواردی که تنظیم اجاره‌نامه رسمی میسر نیست قرارداد تنظیم گردد.

□ تبصره ۱- در مورد رقباتی که در آمد سالیانه آن‌ها تا دو بیست هزار ریال می‌باشد مزایده

الزامی نیست، مشروط بر این که میزان اجاره از طرف کارشناس رسمی یا خبره محلی با توجه به نرخ عادلانه روز تعیین شده باشد.

□ تبصره ۲- آگهی مزایده باید متضمن شرایط مذکور در ماده قبل و هر گونه اطلاعات باشد و در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی نیز منتشر شود، فاصله انتشار آگهی تا تاریخ قرائت پیشنهادها کمتر از پانزده روز و بیشتر از سی روز نخواهد بود.

۱- مصلحت وقف عبارت است از تأمین نظر واقف، تأمین منافع موقوفه و موقوف علیهم و کلاً رعایت غبطه وقف (ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۷۴/۲/۳ هیأت وزیران).

۲- کلیه کارشناسان رسمی، عضو کانون کارشناسان رسمی محسوب می‌شوند و تابع مقررات لایحه قانونی مربوط به استقلال کانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۵۸/۸/۱ شورای انقلاب و نظامات کانون می‌باشند.

شرایط کارشناس رسمی از قرار زیر است: الف- داشتن تخصص کامل در علم یا فنی که داوطلب کارشناسی در آن هستند. ب- داشتن بیش از ۲۵ سال. ج- عدم شهرت به فساد اخلاق و تجاهر به استعمال مسکر و افیون. د- نبودن تحت ولایت و قیمومت. ه- عدم محکومیت به جنایت و محکومیت به جنحه که مستلزم محرومیت از حقوق اجتماعی بوده و یا مستلزم محرومیت از شغلی است که تخصص در آن دارند و هم‌چنین عدم محکومیت به کلاهبرداری و خیانت در امانت و سرقت و ورشکستگی به تقلب و جنحه‌های مذکور در این قانون و عدم محکومیت به انفصال ابد از خدمات دولتی.

۳- مزایده به طور کلی ترتیبی است که در آن اداره، فروش کالا و خدمات و یا هر دوی آن‌ها را از طریق درج آگهی در روزنامه‌های کثیرالانتشار و یا روزنامه‌های رسمی کشور به رقابت عمومی می‌گذارد و قرارداد با شخصی که بیشترین بهاء را پیشنهاد کرده یا می‌کند، منعقد می‌شود. در قوانین ایران تعریف مشخصی از مزایده به

عمل نیامده است و صرفاً ماده ۷۹ قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶ مقرر داشته است که معاملات وزارت خانه‌ها و مؤسسات عمومی باید از طریق مزایده و مناقصه صورت پذیرد. مزایده در معاملات دولتی به سه طریق صورت می‌پذیرد: الف- در معاملات جزئی به بیشترین بهای ممکن و مسئولیت مأمور فروش. ب- در مورد معاملات متوسط با حراج. ج- در مورد معاملات عمده با انتشار آگهی مزایده عمومی (ماده ۸۲ قانون محاسبات عمومی).

۴- اجاره عقدی است که به موجب آن مستأجر مالک منافع عین مستأجره می‌شود. اجاره دهنده را موجر و اجاره کننده را مستأجر و مورد اجاره را عین مستأجره گویند (ماده ۴۶۶ قانون مدنی).

۵- آیین‌نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره و اهدایی در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۱۰ به تصویب هیأت وزیران رسید و در سال‌های ۸۲ و ۸۴ اصلاحاتی در آن صورت پذیرفت. ۶- پذیره، وجهی است که به هنگام ایجار اراضی موقوفه با اعطای حق تملک اعیان به مستأجر، به عنوان پذیره ابتدایی و یا به هنگام انتقال رقبات به عنوان پذیره انتقالی، حسب مورد به نفع موقوفه دریافت خواهد شود.

۷- اهدایی، وجهی است که به هنگام استیجار قانونی، به موقوفه تقدیم می‌گردد.

● ماده ۱۲- (اصلاحی ۱۳۹۱/۳/۷ هیأت وزیران) در موقوفاتی که عرصه و اعیان آن‌ها وقف است، اعطای حق تملک اعیان به مستأجر ممنوع می‌باشد. در موارد استثنایی، تملک اعیان مستحدثه به وسیله مستأجر در قبال پرداخت پذیره با رعایت قوانین و مقررات مربوط و با پیشنهاد متولی و ادارات اوقاف و امور خیریه و تأیید نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان مجاز است و این موضوع در مورد باغ‌های موقوفه و هم‌چنین در مورد موقوفات خاص نیز جاری است.

۱- تا پیش از ابطال ماده (۱۲) توسط هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و اصلاح این ماده در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۳/۷ بنا به پیشنهاد شماره ۹۰/۹۰۷۱۳۰ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۹ سازمان اوقاف و امور خیریه، متن ماده (۱۲) به شرح ذیل بود: «در مورد موقوفاتی که عرصه و «اعیاناً» وقف است، اعطای حق تملک اعیان به مستأجر ممنوع می‌باشد. در بعضی موارد استثنایی تملک اعیان مستحدثه به وسیله مستأجر با تصویب سرپرست مجاز است و این موضوع در مورد باغ‌های موقوفه و هم‌چنین در مورد موقوفات خاص نیز جاری است».

۲- رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال اطلاق ماده ۱۲ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰: نظر به این که به موجب نامه‌های شماره ۸۸/۳۰/۳۷۵۰۱ و ۸۸/۳۰/۳۷۵۰۰ مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۴ شورای نگهبان، اطلاق ماده ۱۲ و بندهای یک الی شش ماده ۳۲ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰ توسط فقهای شورای نگهبان خلاف موازین شرع اعلام شده است، در اجرای ماده ۴۱ قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۸۵، اطلاق ماده ۱۲ و بندهای یک الی شش ماده ۳۲ آیین‌نامه مذکور ابطال می‌شوند» (برای مطالعه بیشتر ر.ک: رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، کلاس پرونده ۵۱۲/۸۷ و ۵۱۱، شماره دادنامه ۲۵۰-۲۴۹، مورخ ۱۳۹۰/۶/۲۱).

۳- انفال، قابلیت وقف کردن ندارند.

- ماده ۱۳- اجاره اراضی و رقبات بلامعارض موقوفه مورد نیاز وزارت خانه‌ها و مؤسسات وابسته و نهادهای انقلاب اسلامی با رعایت صلاح و غبطه وقف بر اساس نظر کارشناس رسمی یا خبره محلی و بر مبنای نرخ عادلانه روز بدون انجام مزایده و با رعایت آیین‌نامه نحوه وصول پذیره و اهدایی مجاز است و در موارد دیگر با رعایت مصالح وقف و یا تصویب سرپرست سازمان و بر مبنای

نظریه کارشناس رسمی یا خبره محلی و به نرخ عادلانه روز انجام مزایده الزامی نخواهد بود.

«با توجه به اعلام نظر فقهای محترم شورای نگهبان که طی شماره‌های ۱۰۷- ۱۳۷۴/۳/۸ و ۸۷۹- ۱۳۷۴/۷/۱۸ واصل گردیده مبنی بر این که: اطلاق ماده ۱ آیین‌نامه نحوه ترتیب وصول پذیره و اهدایی که مقدار پذیره را در ۳۰٪ قیمت عادلانه روز زمین معین نموده است، در مواردی که پذیره متعارف بیش از آن باشد خلاف موازین شرعی است و باید تعیین آن به نظر دو نفر خبره مورد وثوق واگذار گردد و اطلاق ماده ۷ آیین‌نامه که موارد مذکوره را از پرداخت پذیره معاف نموده است، در جاهایی که آن موارد جزء مصرف عواید موقوفه نباشد، خلاف موازین شرع شناخته شد. اشکال ماده ۱۳ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف ناشی از ماده ۷ آیین‌نامه نحوه ترتیب وصول پذیره و اهدایی است و با اصلاح آن ماده رفع اشکال از ماده ۱۳ نیز خواهد شد» (برای مطالعه بیشتر ر.ک: رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۲۹ مهر ۱۳۷۴، کلاسه پرونده ۷۳/۱۹۵، شماره دادنامه ۱۲۶/۷۴). البته لازم به ذکر است مواد (۱) و (۷) آیین‌نامه نحوه ترتیب وصول پذیره و اهدایی در سال ۱۳۸۲ توسط هیأت وزیران اصلاح گردید و به نظر می‌رسد به همین جهت ماده (۱۳) آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف دست‌خوش تغییر نگردید.

● ماده ۱۴- کمیسیون مزایده از مسئول اداره حج و اوقاف و امور خیریه، نماینده اداره امور اقتصادی و دارایی محل و متولی موقوفه تشکیل می‌شود، در صورتی که موقوفه بدون متولی باشد نماینده دادستان عمومی شهرستان در جلسه شرکت خواهد نمود.

□ تبصره (۱)- به موجب رأی شماره ۳۶۱ مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال گردید) در مواردی که پیشنهادی نرسیده و یا پیشنهادات واصله به نظر کمیسیون مزایده مخالف مصالح وقف تشخیص داده شود مزایده یک‌بار دیگر تجدید می‌شود و در صورت تکرار وضعیت اولیه، تکلیف به وسیله اکثریت اعضای کمیسیون مذکور تعیین

خواهد شد.

□ تبصره ۲- در مورد آن قسمت از باغات موقوفه که فروش سر درختی آنها از طریق دید به حال موقوفه مفید باشد می توان فروش را منحصر به یک فصل و مزایده را بر طبق عرف و عادات محل و با نظر کارشناس یا خبره محلی به طور حضوری انجام داد.

□ تبصره ۳- (به موجب رأی شماره ۳۶۱ مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال گردید) در صورت تساوی پیشنهادات واصله برنده مزایده با نظر اکثریت اعضای کمیسیون تعیین خواهد شد.

□ تبصره ۴- رقبات موقوفات مشمول قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه برابر آیین نامه اجرایی آن به اجاره واگذار می شود.

آیین نامه اجرایی قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه در تاریخ ۱۳۷۴/۲/۳ به تصویب هیأت وزیران رسید.

● ماده ۱۵- اراضی موقوفه مشمول قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه که در محدوده خدمات شهری واقع شده و در حال حاضر کاربری زراعی ندارد با تأیید مقامات ذیصلاح و تأمین پرداختن حقوق مکتسبه زارعین صاحب نسق طبق مفاد این آیین نامه برای امور ساختمانی مجاز به اجاره واگذار خواهد شد .

● ماده ۱۶- متولی موظف است نسبت به وصول مطالبات موقوفه و نیز برای روشن نمودن وضع موقوفه در اجرای قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه به موقع اقدام کند.

۱- مسجدی چند سال قبل وقف شده و یکی از اولاد واقف متولی آن بوده که فوت شده است و اولادی ندارد. اما یکی از نوه های واقف می خواهد متولی همان مسجد شود، آیا شعب تحقیق واحدهای حج و اوقاف و امور خیریه با توجه به ماده (۱۴)

قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه صلاحیت رسیدگی به درخواست متقاضی را دارند یا دادگاه مدنی خاص؟

در صورتی که واقف ترتیبی برای اداره مسجد داده باشد، به همان ترتیب عمل می‌شود، حال اگر متولی فوت نماید و در وقف‌نامه بعد از فوت متولی، اولاد او نسلماً بعد نسل به عنوان متولی معرفی شده باشند، نوه متولی قبلی که پدرش فوت شده حق دارد به عنوان متولی معرفی شود، هر چند با توجه به مفاد ماده (۱۴) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و بند «الف» از ماده (۷) آیین‌نامه طرز تحقیق و رسیدگی در شعب تحقیق اوقاف باید تقاضای خود را از طریق شعب تحقیق واحدهای حج و اوقاف و امور خیریه مطرح ساخته و چنانچه تصمیم شعبه رسیدگی کننده مورد اعتراض متقاضی باشد، حق دارد نسبت به تصمیم شعبه تحقیق به دادگاه مدنی خاص اعتراض نماید اما این امر مانع این نیست که دادگاه مدنی خاص ابتدائاً به درخواست مذکور نباید رسیدگی کند، زیرا دادگاه‌ها مکلفند به دعاوی که در صلاحیت آن‌ها است طبق قانون رسیدگی نمایند و اختیارات شعب تحقیق سالب صلاحیت دادگاه مدنی خاص نیست. (نظریه ۷/۵۶۷۱-۱۳۷۲/۹/۲۱ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۲- «آیین‌نامه کیفیت تحقیق در شعب تحقیق سازمان حج و اوقاف و امور خیریه» نیز در تاریخ ۱۳۶۵/۹/۳۰ به تصویب هیأت وزیران رسید.

● ماده ۱۷- متولیان و ادارات حج و اوقاف و امور خیریه مکلفند اقدامات خود را نسبت به اجرای مواد یک و چهار لایحه قانونی تجدید قرارداد و اجاره املاک و اموال موقوفه و تجدید انتخاب متولیان و امناء و نظار اماکن متبرکه مذهبی و مساجد مصوب ۱۳۵۸/۲/۴ شورای انقلاب اسلامی ایران هم‌چنان به منظور احقاق حقوق موقوفات پیگیری نمایند.

۱- برابر ماده (۱) لایحه قانونی تجدید قرارداد و اجاره املاک و اموال موقوفه و

تجدید انتخاب متولیان و امناء و نظار اماکن متبرکه مذهبی و مساجد، به منظور جلوگیری از هرگونه تضییع حق در موقوفات کشور، کلیه اسناد و قراردادهای منعقد شده فیما بین اوقاف و مستأجرین در موقوفات عامه از تاریخ تصویب این قانون فسخ و به این قبیل مستأجرین و کسانی که املاک موقوفه را متصرف می‌باشند اخطار می‌شود که در ظرف ۳ ماه از تاریخ تصویب این لایحه جهت روشن شدن وضعیت و تنظیم اسناد جدید اجاره به اداره اوقاف محل وقوع ملک مراجعه کنند. در صورت عدم مراجعه، اداره اوقاف از ادامه تصرف آن‌ها جلوگیری کرده و با خلع ید، آن را به متقاضیان جدید واگذار می‌کند.

۲- سازمان اوقاف وقتی مجاز به درخواست خلع ید از ملک می‌باشد که نسبت به تکلیف قانونی مذکور بر صدور اخطاریه اقدام نموده باشد.

۳- تصمیمات متخذه از طرف سازمان اوقاف نسبت به اجرای مفاد این لایحه قانونی، قطعی و لازم‌الاجرا است.

● ماده ۱۸- وجوه حاصل از ضبط سپرده‌های مزایده موقوفات و اماکن مذهبی به حساب همان موقوفه یا مکان مذهبی واریز خواهد شد.

● ماده ۱۹- مخارج هر موقوفه به شرح زیر است.

الف- هزینه‌های مربوط به حفظ عین و بقاع موقوفه و فراهم نمودن موجبات آبادانی رقبات آن.

ب- تعمیرات جاری و هزینه‌های مربوط به بهره‌برداری از آن.

ج- مالیات و عوارض و حق التولیه و حق النظاره و مخارج ثبتی و محاکماتی در صورت شمول.

د- مصارف مقرر در وقف‌نامه و یا سیره جاریه.

□ تبصره ۱- اعتبارات بند (ج) به وسیله متولی به مصرف می‌رسد ولی در مورد مصرف اعتبارات

بندهای الف، ب و د اطلاع اداره حج و اوقاف و امور خیریه لازم است، مگر در موقوفات منصوص التولیه در صورتی که مظنه تعدی و تفریط متولی نباشد.

□ تبصره ۲- آن قسمت از مخارج بند (د) که تحصیل اسناد هزینه مقدور نباشد گواهی لازم با ذکر علت، نوع و مشخصات هزینه با امضای مسؤول اداره محل و متولی و متصدیان امور مالی حسب مورد تنظیم خواهد شد.

۱- حق التولیه، سهمی است از منافع موقوفه که معمولاً واقف برای حق الزحمه متولی قرار می‌دهد، ولو این که واقف و متولی یک نفر باشند. جایز است واقف از منافع موقوفه سهمی برای عمل متولی قرار دهد و اگر حق التولیه معین نشده باشد، متولی مستحق اجرت‌المثل است.

۲- چنان چه میزان حق التولیه و حق‌النظاره در وقف‌نامه معین نشده باشد و یا در صورت فقدان کلی وقف‌نامه، حق التولیه به میزان اجرت‌المثل معادل ده درصد (۱۰٪) درآمد خالص ماهیانه و حق‌النظاره به میزان اجرت‌المثل معادل پنج درصد (۵٪) همان درآمد خواهد بود.

۳- سیره جاریه، رویه‌ای است مستنبط از نظر واقف که عواید موقوفه فاقد وقف‌نامه بر آن اساس مصرف شده است. احراز این رویه با شعب حقوقی ادارات تحقیق می‌باشد.

۴- «با توجه به این که شورای محترم نگهبان طی شماره ۱۰۹-۱۳۷۴/۳/۱۷ تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۱۹ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب ۶۵/۲/۱۰ را خلاف شرع تشخیص نداده‌اند، لذا با عنایت به اظهار نظر فوق اقدامی در پرونده مقدور نیست و مختومه اعلام می‌شود» (رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۲۸ مرداد ۱۳۷۴، کلاسه پرونده ۷۳/۱۹۷، شماره دادنامه ۸۸/۷۴).

- ماده ۲۰- (اصلاحی ۱۳۸۲/۸/۴) در موقوفاتی که دارای متولی منصوص و قادر به انجام وظایف شرعی و قانونی نمی‌باشند، متولی موظف است بودجه فردی موقوفات و اماکن مذهبی که حاوی مشخصات رقبات و ریز ارقام در آمد و هزینه، موجودی، بدهی و مطالبات می‌باشد را حداکثر در سه ماهه آخر هر سال برای سال آتی، طبق مدلول وقف‌نامه و مطابق نمونه‌ای که سازمان معین می‌نماید، در پنج نسخه به اختلاف مورد، به شرح زیر تنظیم نماید:
 - الف- ادارات اوقاف و امور خیریه، بودجه موقوفات متصرفی را ظرف مدت یک ماه از تاریخ تنظیم به اداره کل اوقاف و امور خیریه استان مربوط ارسال می‌نمایند تا در صورتی که طبق مقررات و مدلول وقف‌نامه یا سیره جاریه تنظیم شده باشد، تأیید و در غیر این صورت جهت رفع نقص اعاده نماید.
 - ب- موقوفاتی که متولیان آن‌ها در مظان تعدی و تفریط قرار دارند و با رعایت طرح توجیهی شماره ۱۲۰/۵۹۳۱ مورخ ۱۳۶۹/۷/۲۳ و مجوز مورخ ۱۳۶۹/۸/۷ مقام معظم رهبری با نظارت سازمان اوقاف و امور خیریه اداره می‌شوند متولی مربوط بودجه تنظیمی را ظرف یک ماه برای بررسی و تأیید به اداره اوقاف و امور خیریه محل تسلیم می‌نماید.

□ تبصره ۱- (اصلاحی ۱۳۸۲/۸/۴) یک نسخه از بودجه‌های تأیید شده در موقوفات غیر متصرفی- موضوع بند (ب)- به متولی و در موقوفات متصرفی به حسابداری و یک نسخه به اداره اوقاف و امور خیریه محل و یک نسخه به اداره کل اوقاف و امور خیریه استان مربوط و یک نسخه به اداره تحقیق مربوط و یک نسخه به سازمان ارسال خواهد شد و سازمان نیز به نوبه خود بودجه‌های واصله را مورد رسیدگی قرار داده و انطباق و یا عدم انطباق آن را با وقف‌نامه و مقررات و دستورالعمل‌های صادره به اداره اوقاف و امور خیریه محل اعلام می‌دارد.

□ تبصره ۲- (اصلاحی ۱۳۸۲/۸/۴) موقوفاتی که دارای متولی منصوص و قادر به انجام وظایف شرعی و قانونی هستند از تسلیم بودجه به ترتیب یادشده مستثنی می‌باشند، مگر آن که طبق نظر شعب تحقیق و حکم دادگاه فاقد شرایط مذکور یا مشمول بند (ب) این ماده شوند.

این متولیان در هر حال به منظور تنظیم امور مالیاتی طبق قانون مالیات‌های مستقیم و آیین‌نامه و ضوابط مربوط جهت اخذ گواهی و مفاصا حساب عملکرد سالیانه موقوفه اقدام خواهند کرد.

□ تبصره ۳- (اصلاحی ۱۳۸۲/۸/۴) موقوفات و اماکنی که از طرف سازمان دارای امنای منصوب هستند در حکم متصرفی بوده و امنای مذکور در تنظیم بودجه با ادارات حج و اوقاف و امور خیریه همکاری خواهند نمود.

۱- با توجه به نظریه فقهاء محترم شورای نگهبان که طی شماره‌های ۸۷۸-۱۳۷۴/۷/۱۸ و ۳۳۹-۱۳۷۴/۳/۸ و ۱۰۸-۱۳۷۴/۳/۸ واصل گردیده مبنی بر این که:

الف) عموم ماده ۲۰ و تبصره ۱ آن، که حتی متولیان منصوص التولیه صحیح‌العمل را نیز به تنظیم و ارسال اوراق بودجه الزام نموده است، به لحاظ آن که در ماده ۷ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه تخلف از عمل به آن را موجب عزل و یا ممنوع‌المداخله شدن و یا ضم امین دانسته است خلاف موازین شرع است.

ب) اطلاق تبصره ۳ ماده ۲۰ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان و اوقاف و امور خیریه نیز به همان شرحی که در نامه مورخ ۱۰۸-۱۳۷۴/۳/۸ این شورا ذکر شده است خلاف شرع است، بنابراین ماده ۲۰ و تبصره‌های ۱ و ۳ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه ابطال می‌گردد (رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۲۹ مهر ۱۳۷۴، کلاسه پرونده ۷۳/۱۹۶، شماره دادنامه ۱۲۷/۷۴). البته لازم به ذکر است، ماده (۲۰) و تبصره‌های (۱)، (۲) و (۳) آیین‌نامه مذکور، در تاریخ ۱۳۸۲/۸/۴ توسط هیأت وزیران اصلاح گردید.

۲- «الف- حسب نظریه شماره ۳۷/۸۰/۳۰/۸۳ مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۹ فقهای محترم شورای نگهبان، ماده ۴ و بند (ب) ماده ۲۰ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۷ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب ۸۲/۸/۴ هیأت وزیران خلاف موازین شرع شناخته نشده است. بنابراین موردی برای ابطال آن‌ها در اجرای قسمت اول ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری وجود ندارد.

ب- با عنایت به وظایف و مسئولیت‌های اداره اوقاف و امور خیریه در خصوص نظارت و کنترل بر امور موقوفات و رعایت و حفظ غبطه و مصلحت موقوف‌علیهم در مواردی که موقوفه فاقد متولی منصوص بوده و یا متولی موقوفه مورد اعتماد و محل وثوق و یا قادر به انجام وظایف شرعی و قانونی نباشد و یا در مظان تعدی و تفریط باشد، مواد ۴ و ۲۰ و بند (ب) ماده ۲۰ آیین‌نامه مورد اعتراض مغایرتی با قانون ندارد» (رای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۵ شهریور ۱۳۸۵، کلاسه پرونده ۸۳/۴۳، ۱۵۳ و ۵۵/۸۵، ۶۵، شماره دادنامه ۳۷۰/۸۵ الی ۳۷۳).

- ماده ۲۱- (اصلاحی ۱۳۸۲/۸/۴) در مورد تعمیر و عمران موقوفات و تأمین و انجام هزینه‌های مورد نیاز به ترتیب زیر اقدام خواهد شد:
 - الف- در موقوفاتی که واقف در صدی از درآمد را برای تعمیر و امور عمرانی پیش‌بینی کرده باشد طبق نیات واقف عمل خواهد شد.
 - ب- در سایر موارد برای انجام تعمیرات و عمران موقوفات با رعایت ماده (۶) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه از درآمد موقوفه هزینه‌های لازم تأمین و پرداخت خواهد شد.
 - ج- ادارات اوقاف و متولیان می‌توانند در صورتی که مغایر وقف‌نامه نباشد از طرق دیگر نظیر اخذ وام نیز برای این منظور استفاده نمایند.

۱- به موجب مصوبه هیأت وزیران به شماره ۱۷۷۹۲ ت ۲۸۶۵۳ هـ مورخ ۱۳۸۲/۸/۴ و به استناد ماده (۱۷) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور

خیریه مصوب ۱۳۶۳، مواد (۴)، (۵)، (۲۰)، (۲۱)، (۲۲)، (۴۷) و (۵۱) آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، موضوع تصویب‌نامه شماره ۹۵۲۷۰ مورخ ۱۳۶۵/۲/۲۲ اصلاح گردید.

۲- موضوع ماده ۲۱ و صدر ماده ۲۲ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰ در جلسه فقهای محترم شورای نگهبان مطرح شد که نظر فقهاء به شرح زیر اعلام گردید: «اطلاق ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرایی که تجویز بلکه الزام به اخذ ۲۰٪ از درآمد موقوفات و ذخیره آن می‌کند نسبت به موردی که فعلاً موقوفه نیاز به تعمیر ندارد و تعمیر آن به واسطه درآمد سال بعد و یا از هر راه دیگر مانند وام گرفتن امکان دارد خلاف شرع است».

۳- «با عنایت به این که ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰ هیأت وزیران به شرح نظریه شماره ۲۰۶۷/۳۰/۸۱ مورخ ۱۳۸۱/۹/۲۵ فقهای محترم شورای نگهبان خلاف شرع شناخته شده است و نظر به این که مفاد ماده ۲۲ آیین‌نامه مزبور ناظر به ماده ۲۱ فوق‌الذکر و تابع مدلول آن می‌باشد، بنابراین به استناد قسمت اول ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری حکم به ابطال دو ماده فوق‌الذکر صادر می‌شود» (رای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، کلاسه پرونده ۱۲۴/۷۹، شماره دادنامه ۳۶۲/۸۱، مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۸).

ابطال مواد ۲۱ و ۲۲ توسط هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در سال ۸۱ سبب گردید تا یک سال بعد، مواد مذکور توسط هیأت وزیران اصلاح گردد.

۴- برابر ماده ۶ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف، صرف درآمد موقوفات به منظور بقا عین آنها بر سایر مصارف مقدم است و متولی موظف است موجبات آبادانی رقبات موقوفه را در جهت بهره‌برداری صحیح از آنها به منظور اجرای نیت واقف فراهم آورد.

● ماده ۲۲- (اصلاحی ۱۳۸۲/۸/۴) در صورتی که منابع مذکور در ماده (۲۱) و عواید یک ساله موقوفه برای تعمیر یا بازسازی آن تکافو نماید متولیان و ادارات اوقاف و امور خیریه و امناء می توانند در آمد دو یا چند سال موقوفه را به اضافه عواید موجود به مصرف برسانند.

□ تبصره (اصلاحی ۱۳۸۲/۸/۴) - حکم این ماده، هم چنین حکم ماده (۲۱) این آیین نامه در مورد اماکن مذهبی اسلامی با رعایت مقررات مربوط به این اماکن نیز جاری است.

به توضیحات مندرج ذیل ماده (۲۱) رجوع شود.

● ماده ۲۳- مطالبات و صرفه جویی های سال های قبل هر موقوفه به عنوان در آمد خالص در بودجه هر سال منظور خواهد شد و چنان چه قبلاً حق التولیه و حق النظاره از این مبلغ دریافت شده باشد، مجدداً احتساب نخواهد شد.

● ماده ۲۴- با توجه به این که حفظ موقوفات از وظایف متولیان است و اموال وقف باید از اموال شخص متولی جدا و متمایز باشد، متولیان موقوفات و امنای اماکن متبرکه مکلفند دفتر مخصوصی برای ثبت در آمد و هزینه موقوفه یا اماکن مزبور تنظیم نمایند و هرگاه در آمد سالانه آن ها بیش از صد هزار ریال باشد، باید با معرفی اداره حج و اوقاف و امور خیریه حساب جداگانه ای به نام موقوفه یا مکان متبرکه در یکی از بانک ها افتتاح و عواید حاصله را به آن حساب واریز و هرگونه پرداخت را از طریق آن انجام دهند.

□ تبصره- در مورد موقوفات و اماکنی که از طرف سازمان برای آن ها امنایی منصوب شده است حساب مذکور با امضای مشترک (امنا و اداره حج و اوقاف و امور خیریه) افتتاح خواهد شد.

● ماده ۲۴ آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه که مقرر داشته است: با توجه به این که حفظ موقوفات از وظایف متولیان است و اموال وقف باید از اموال شخص متولی جدا و متمایز باشد، متولیان موقوفات و امنای اماکن متبرکه مکلفند دفتر مخصوصی برای ثبت در آمد و هزینه موقوفه

یا اماکن مزبور تنظیم نمایند و هرگاه در آمد سالانه آن‌ها بیش از صد هزار ریال باشد، باید با معرفی اداره حج و اوقاف و امور خیریه حساب جداگانه‌ای به نام موقوفه یا مکان متبرکه در یکی از بانک‌ها افتتاح و عواید حاصله را به آن حساب واریز و هرگونه پرداخت را از طریق آن انجام دهند، حسب نظریه شماره ۸۳/۳۰/۷۸۵۱ مورخ ۱۳۸۳/۴/۱۱ فقهای شورای نگهبان خلاف شرع شناخته نشده است و چون مفاد ماده مزبور در جهت تنظیم و تنسيق امور موقوفه و امکان نظارت و کنترل اوقاف بر آن انشاء شده بنابراین مغایرتی هم با قانون ندارد» (رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۸ مرداد ۱۳۸۵، کلاسه پرونده ۸۲/۶۸۸، شماره دادنامه ۲۶۹/۸۵).

● ماده ۲۵- ادارات تحقیق به موجب ماده ۱۴ قانون تشکیل و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مکلفند همه ساله از متولیان و امنای وقف و اماکن مذهبی و مدیران مؤسسات خیریه مشمول و نیز از ادارات حج و اوقاف و امور خیریه صورت حساب در آمد و هزینه موقوفات و اماکن مذهبی و مؤسسات خیریه را مطالبه نمایند.

صورت حساب مزبور باید طبق فصول بودجه فردی سالانه موقوفه یا مکان مذهبی و یا مؤسسه خیریه حداکثر ظرف سه ماه بعد از ابلاغ در قبال اخذ رسید به اداره تحقیق و یا اداره حج و اوقاف و امور خیریه تسلیم شود. در صورتی که صورت حساب به اداره حج و اوقاف و امور خیریه تسلیم شده باشد اداره مزبور موظف است حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز صورت حساب مذکور را به اداره تحقیق مربوطه جهت رسیدگی و صدور و مفاصا حساب ارسال دارند. صورت حساب تسلیمی باید متضمن موارد زیر باشد:

۱- هر رقم از در آمد و هزینه باید حسب مورد دارای مدارک و اسناد هزینه معتبر باشد.

۲- مانده حساب در آمد و هزینه سال قبل باید در صورت حساب سالانه مزبور ملحوظ شود.

□ تبصره- ادارات تحقیق از متولیان منصوصی که در مظان تعدی و تفریط نباشند صورت حساب مطالبه نمی نماید.

وصول عواید حاصله از رقبات و مستغلات مساجد و صرف آن‌ها در جهات مقررهای که در وقف‌نامه تصریح شده است و نگهداری حساب‌های مربوطه و تنظیم بودجه فردی و اخذ مفاصا حساب سالیانه، طبق ضوابط و مقررات معینه و حداکثر ظرف مدت سه ماه انجام خواهد شد و اسناد مربوطه با امضای امین (امام یا نایب) و مهر مسجد اعتباربخشی خواهد شد. بدیهی است که مسئولیت نهایی و قانونی در این ارتباط متوجه امین وقف خواهد بود. شعبه حسابرسی اداره تحقیق اوقاف و امور خیریه موظف است طی مدت یادشده، همکاری لازم را جهت صدور مفاصا حساب داشته باشد (بند چهارم از فصل دوم تفاهم‌نامه ارتقاء همکاری‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد و اداره کل اوقاف و امور خیریه استان تهران، مورخ ۱۳۹۲).

● ماده ۲۶- متولیان موظفند در اجرای ماده ۶ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و تبصره ذیل آن و با رعایت مواد ۲۱ و ۲۲ این آیین‌نامه و استعداد محل در نگهداری و جلوگیری از خرابی و انهدام و در آبادی موقوفه اهتمام نمایند، به طوری که حداقل هر پنج سال افزایش محسوسی در عایدات موقوفه حاصل شود.

● ماده ۲۷- ادارات تحقیق موظفند همه ساله مفاصا حساب عملکرد سال قبل موقوفه را با رعایت ماده ۲۵ این آیین‌نامه صادر و حسب مورد به متولی یا امین و یا اداره حج و اوقاف و امور خیریه مربوطه تسلیم نمایند. در صورتی که عدم صدور مفاصا حساب ناشی از عمل متولی یا امین باشد شعب حسابرسی موارد تخلف را برای رسیدگی در جهت عزل یا ممنوعیت و یا ضم امین به شعب حقوقی تحقیق و برای برکناری امین به اداره حج و اوقاف و امور خیریه مربوطه اعلام خواهند داشت.

□ تبصره- شعب حسابرسی تحقیق اوقاف موظفند در آمد و هزینه کلیه موقوفاتی که استناد

آن‌ها طبق ماده ۲۵ این آیین‌نامه به آن‌ها ارجاع می‌شود پس از تکمیل پرونده‌ها حداکثر ظرف مدت یک ماه رسیدگی و تکلیف آن‌ها را مطابق آیین‌نامه طرز تحقیق و رسیدگی در شعب تحقیق اوقاف روشن نمایند و با متخلفین برابر مقررات رفتار خواهد شد.

۱- شعبه حسابرسی اداره تحقیق اوقاف و امور خیریه، صرفاً اسناد مثبت و هزینه‌کرد را با گزارش‌های مالی مسجد تطبیق خواهد داد و در تصمیمات مدیریتی امام جماعت یا زمین‌های صرف اعتبارات مسجد دخالت نخواهد داشت (تبصره ۳ بند چهارم از فصل دوم، همان).

۲- در مواردی که امکان آرایه فاکتور وجود ندارد، اسناد هزینه انجام شده از محل عواید رقبات، با استفاده از فرم‌های متحدالشکل (به عنوان جایگزین فاکتور) و با مهر مسجد و امضای امین موقوفه به عنوان سند هزینه مثبت، مبنای رسیدگی شعب حسابرسی ادارت تحقیق اوقاف قرار گرفته و بر اساس آن‌ها صدور مفاسد حساب صورت خواهد گرفت.

بدیهی است امین موقوفه بنا به اقتضای امانت در انجام هزینه‌ها صرفه و صلاح وقف را مدنظر قرار داده و تمامی مساعی ممکن را در جهت پیشرفت موقوفه و ارتقای آن مبذول خواهد داشت. رعایت جهات شرعی و اجرای تام و کامل قوانین و مقررات موضوعه در اجاره دادن رقبات و مستغلات مسجد از اهم وظایف امین به شمار می‌رود. در مواردی که ابهام در گردش مالی رقبات مساجد ایجاد شود، با هماهنگی اوقاف، از ظرفیت ایجاد شده برای حسابرسی در ستاد مرکز رسیدگی به امور مساجد به منظور شفاف‌سازی و رفع ابهامات استفاده خواهد شد (بندهای ۵ و ۶ از فصل دوم، همان).

۳- تمدید احکام امانت امین موقوفه (امام جماعت مسجد)، بر اساس اخذ مفاسد حساب سنواتی از شعب حسابرسی ادارات تحقیق اوقاف، با هماهنگی مرکز رسیدگی به امور مساجد صورت خواهد پذیرفت و در صورتی که بر اساس

تدابیر مرکز رسیدگی به امور مساجد، جابه‌جایی امام جماعتی که هم‌زمان امین رقبات مسجد تلقی می‌گردد در دستور کار قرار گیرد، ضمن اطلاع‌رسانی به اوقاف، تمهیدات لازم برای تحویل و تحول اسناد و مدارک، از جمله اخذ مفاسد حساب رقبات و انتقال حساب به امین جدید صورت خواهد گرفت (بند ۷ از فصل دوم، همان).

۴- رقبات مساجدی که در وقف‌نامه ترتیبات خاصی برای تمشیت امور آن‌ها پیش‌بینی شده است از شمول تفاهم‌نامه مذکور خارج می‌باشند (بند ۹ از فصل دوم، همان).

● ماده ۲۸- ادارات تحقیق موظفند همه ساله با ملاحظه بودجه‌ها و صورت حساب‌های ارسالی از طرف متولیان و هیأت‌های امناء و ادارات حج و اوقاف و امور خیریه و مؤسسات مشمول چنان‌چه به موارد تخلف برخورد نمودند مدارک لازم را جمع‌آوری و برابر ماده ۷ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و تبصره‌های مربوطه اقدام نمایند. در خصوص تخلف امناء مراتب توسط اداره حج و اوقاف و امور خیریه محل به سرپرست سازمان گزارش و کسب تکلیف خواهد شد.

هرگاه متولی یا ناظر نسبت به عین یا منافع موقوفه تعدی یا تفریط نماید یا در انجام وظایف مقرر در وقف‌نامه و قانون و آیین‌نامه‌ها و مقررات مربوط مسامحه و اهمال ورزد، با رسیدگی شعبه تحقیق و حکم دادگاه حسب مورد معزول یا ممنوع‌المدخله یا ضم امین خواهد شد (ماده ۷ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه).

● ماده ۲۹- متولیان مکلفند همه ساله مالیات قانونی موقوفه را در صورت شمول پرداخت نمایند و در صورتی که بر اثر تعلل در پرداخت، جریمه‌ای به آن تعلق گیرد باید شخصاً آن را جبران کنند.

● ماده ۳۰- در مواردی که اداره امور موقوفه به حکم ولی فقیه یا قانون با سازمان است کلیه وظایف و مسؤولیت‌های متولی به عهده سازمان خواهد بود.

□ تبصره- هر نوع تخلفی که در مورد موقوفات غیر متصرفی موجب ممنوعیت و یا عزل متولی می‌شود در خصوص موقوفه متصرفی نیز تخلف محسوب و برابر مقررات اقدام خواهد شد.

فروش رقبات موقوفه و نحوه تبدیل آن‌ها، اجاره بیش از ده سال، ترک مزایده در مورد اجاره رقبات مشمول مزایده، صلح و استرداد دعاوی موقوفه، ارجاع اختلاف به داور و انتخاب داور یا داوران و نصب و عزل امنای موقوفات و بقاع متبرکه، از جمله اموری است که تحقق آن مستلزم اجازه سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه که مأذون از قبل ولی فقیه است، خواهد بود.

● ماده ۳۱- وجوه اهدایی به اماکن مذهبی اسلامی که جهت مشخصی برای مصرف آن تعیین نشده است و وجوه حاصل از فروش اموال منقول زاید بر احتیاج این قبیل اماکن با جلب نظر اداره حج و اوقاف و امور خیریه به وسیله هیأت امناء و در مواردی که هیأت امناء وجود نداشته باشد به وسیله ادارات حج و اوقاف و امور خیریه به ترتیبی که در ماده ۵ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و آیین‌نامه آن مشخص است به مصرف خواهد رسید.

۱- پرداخت هرگونه وجهی توسط وزارت خانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی موضوع ماده (۲) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ به دستگاه‌های اجرایی به عنوان کمک یا هدیه اعم از نقدی و غیر نقدی به جزء مواردی که در مقررات قانونی مربوطه تعیین شده است، ممنوع است. با این وجود هدایای اهداء شده به مساجد، مصلاها، حسینیه‌ها، هیأت‌های مذهبی و دارالقرآن‌ها، هدایای خاص تلقی شده و چنانچه اهداءکننده هدف خود را اعلام نکند، با نظر شورای مشارکت مردمی با سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی علیه السلام به مصرف خواهد رسید.

۲- نذور نقدی، وجوه اهدایی و وجوه حاصل از فروش اموال منقول زاید بر احتیاج در امور ذیل مصرف می‌گردد: الف- عمران و آبادی اماکن مذکور. ب- تدارک وسایل رفاه و بهداشت زوار و ساکنان ناحیه. ج- کمک به مدارس علوم دینی. د- خیرات و مبرات مطلقه.

۳- هدایای مستقل، عبارت است از کمک‌های بلاعوضی که از طرف اشخاص به ادارات حج و اوقاف و امور خیریه تقدیم می‌شود.

● ماده ۳۲- (اصلاحی ۱۳۹۱/۳/۲۳) ادارات اوقاف و امور خیریه (در موقوفات متصرفی) و همچنین متولیان موقوفات عام و خاص (در موقوفات تحت تولیت خود) به منظور رعایت غبطه و مصلحت وقف و رفع مظنه تعدی و تفریط، موارد زیر را با رعایت قوانین و مقررات مربوط و با اطلاع و تأیید نماینده ولی فقیه در سازمان، انجام خواهند داد:

۱- فروش رقبات موقوفه و نحوه تبدیل آن‌ها با رعایت موازین شرعی و قانونی

۲- اجاره بیش از ده سال

۳- ترک مزایده در مورد اجاره رقبات مشمول مزایده

۴- صلح و استرداد دعاوی موقوفه

۵- ارجاع اختلاف به داوری و انتخاب داور یا داوران

۶- نصب و عزل امنای موقوفات و بقاع متبرکه

□ تبصره- (اصلاحی ۱۳۹۱/۳/۷) سرپرست سازمان می‌تواند جهت بررسی و اظهارنظر مشورتی در خصوص مشکلات و مسایل فقهی، حقوقی و اوقافی هیأتی مرکب از افراد صاحب نظر را انتخاب و تعیین نماید.

۱- تا پیش از ابطال بندهای یک الی شش ماده (۳۲) توسط هیأت عمومی دیوان

عدالت اداری و اصلاح این ماده در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۳/۷ بنا به پیشنهاد شماره ۹۰/۹۰۷۱۳۰ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۹ سازمان اوقاف و امور خیریه، متن ماده (۳۲) و تبصره آن به شرح ذیل بود: «موارد زیر از جمله اموری است که انجام آن‌ها موقوف به اجازه سرپرست سازمان که مأذون از طرف ولی فقیه است خواهد بود:

- ۱- فروش رقبات موقوفه و نحوه تبدیل آن.
- ۲- اعطای حق تملک اعیان به مستأجر در موقوفاتی که عرصه و اعیاناً وقف است و این امر در مورد باغات موقوفه نیز جاری است.
- ۳- اجاره بیش از ده سال.
- ۴- ترک مزایده در مورد اجاره موقوفه مشمول مزایده.
- ۵- استرداد دعاوی مطروحه در مراجع قضایی.
- ۶- ارجاع اختلافات به داوری و انتخاب داور یا داوران.
- ۷- نصب و عزل امنای موقوفات و بقاع متبرکه.

□ تبصره- جهت بررسی و اظهار نظر مشورتی در خصوص مشکلات و معضلات و مسایل حقوقی و اوقافی، سرپرست سازمان می‌تواند هیأتی به نام هیأت فنی و حقوقی مرکب از افراد صاحب نظر که در سازمان اشتغال داشته باشند را انتخاب و تعیین نماید.

۲- رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال بندهای یک الی شش ماده (۳۲) آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰: «نظر به این که به موجب نامه‌های شماره ۸۸/۳۰/۳۷۵۰۱ و ۸۸/۳۰/۳۷۵۰۰ مورخ ۸۸/۳۰/۳۷۵۰۰ مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۴ شورای نگهبان، اطلاق ماده ۱۲ و بندهای یک الی شش ماده ۳۲ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰ توسط فقهای شورای نگهبان خلاف موازین شرع اعلام شده است، در اجرای ماده ۴۱ قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۸۵، اطلاق ماده ۱۲ و بندهای یک الی شش ماده ۳۲ آیین‌نامه مذکور ابطال می‌شوند» (برای مطالعه بیشتر ر.ک: رأی هیأت عمومی دیوان عدالت

اداری، کلاسه پرونده ۸۷/ ۵۱۲ و ۵۱۱، شماره دادنامه ۲۵۰-۲۴۹، مورخ ۱۳۹۰/۶/۲۱).

۳- به حکم قانون، اداره امور موقوفه و کلیه وظایف و مسئولیت‌های متولی در موارد فوق‌الذکر، با سازمان اوقاف و امور خیریه می‌باشد.

۴- نظرات هیأت فنی و حقوقی سازمان اوقاف و امور خیریه، جنبه مشورتی دارد.

۵- اقدامات امام جماعت مسجد به عنوان امین موقوفه، منحصرأ در خصوص واگذاری به اجاره رقبات و مستغلات مساجد و تنظیم و تجدید اسناد اجاره و تغییر شغل و انتقال مورد اجاره برابر ضوابط و مقررات اوقافی و طی نظریه کارشناس رسمی دادگستری خواهد بود و اسناد تنظیمی با مهر متحدالشکل صادره از مرکز رسیدگی به امور مساجد، با امضای امین (امام جماعت یا نایب) و امضای رییس اداره اوقاف مربوطه به عنوان ناظر، واجد اعتبار خواهد بود. هرگونه واگذاری سرقفلی و یا حق تملک اعیانی و تبدیل به احسن و یا اجاره بیش از سه سال و یا تفکیک و یا تغییر کاربری و دیگر مصادیق موضوع ماده ۹ و ۳۲ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه خارج از اختیارات امین و بدون کسب مجوز اوقاف ممنوع می‌باشد. بدیهی است هرگونه ایجاد تعهد در موارد فوق در فرض وقوع، بلااثر و مردود تلقی شده و آثار آن معطوف به شخص امین خواهد بود (بند ۳ از فصل دوم تفاهم‌نامه ارتقاء همکاری‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد و اداره کل اوقاف و امور خیریه استان تهران، مورخ ۱۳۹۲).

● ماده ۳۳- حق التولیه متولی و یا سازمان در قبالی اعمال تولیت نسبت به موقوفات و همچنین حق‌النظاره ناظر اعم از شخص یا سازمان به میزان مقرر در وقف‌نامه خواهد بود و در صورتی که وقف‌نامه موجود نباشد و یا میزان حق‌التولیه و حق‌النظاره در آن معین نشده باشد حق‌التولیه به مقدار اجرت‌المثل معادل ده درصد در آمد خالص سالیانه و حق‌النظاره به مقدار اجرت‌المثل معادل پنج درصد همان در آمد خواهد بود.

□ تبصره ۱- در موارد استثنایی که در صدهای مندرج در این ماده با توجه به وضعیت موقوفه متناسب و متعارف نباشد با تأیید سرپرست سازمان کسر یا اضافه می‌شود.

□ تبصره ۲- در مواردی که سرپرست سازمان اعمال نظارت اشخاص یا ادارات حج و اوقاف و امور خیریه را در موقوفات غیر متصرفی ضروری تشخیص دهند اجرت المثل حق النظاره را نیز متناسباً تعیین خواهند نمود.

□ تبصره ۳- در آمد خالص موقوفه برابر هشتاد درصد در آمد کل خواهد بود.

با توجه به این که در ماده ۱۱ «قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳» دریافت حق التولیه متولی و یا سازمان در قبال اعمال تولیت نسبت به موقوفات متصرفی و هم چنین حق النظاره و جهات و موارد آن تعیین و تجویز شده است، تبصره ۲ ماده ۳۳ آیین نامه مورد شکایت در حد اختیارات قانونی یاد شده تنظیم و خلاف قانون تشخیص نشد.

● ماده ۳۴- ادارات حج و اوقاف و امور خیریه در اماکن مذهبی اجرت المثل عمل خود بابت اداره امور این اماکن را بر مبنای ده درصد از مجموع در آمد سالیانه اماکن مزبور دریافت می نمایند و حق الزحمه هیأت امناء به موجب آیین نامه ماده ۵ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه تعیین خواهد شد.

□ تبصره- (اصلاحی ۱۳۹۱/۵/۱۵ هیأت وزیران) سازمان عواید حاصل از حق التولیه و حق النظاره و هم چنین هدایای مستقل را مطابق بودجه ای که همه ساله تنظیم و به تصویب هیأت دولت می رساند رأساً مصرف خواهد نمود.

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۵/۱۵ بنا به پیشنهاد شماره ۳۴/۱۹۴۰/۱ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۴ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و به استناد ماده (۱۷) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه- مصوب ۱۳۶۳- تصویب نمود:

در تبصره ماده (۳۴) آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، موضوع تصویب نامه شماره ۹۵۲۷۰ مورخ ۱۳۶۵/۲/۲۲ عبارت «و وجوهی که بابت اداره امور اماکن مذهبی دریافت می دارد» حذف می شود.

● ماده ۳۵- ادارات حج و اوقاف و امور خیریه موظفند همه ماهه تراز عملیات دفتر روزنامه و کل را به انضمام مدارک و گزارش لازم به اداره امور مالی موقوفات جهت بررسی ارسال دارند.

● ماده ۳۶- ثبت معاملات راجع به عین یا منافع موقوفات و بنیادها و مؤسسات خیریه و همچنین ثبت معاملات رقبات مربوط به اماکن متبرکه در دفاتر اسناد رسمی بدون موافقت سازمان ممنوع است و دفاتر اسناد رسمی مکلفند رونوشت اسناد راجع به وقف را ظرف ده روز پس از ثبت به ادارات حج و اوقاف و امور خیریه مربوطه ارسال دارند.

۱- اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آن‌ها و بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشند رسمی است (ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی).

۲- دفتر اسناد رسمی واحدی وابسته به وزارت دادگستری است که برای تنظیم و ثبت اسناد رسمی طبق قوانین و مقررات مربوط تشکیل می‌شود (ماده ۱ قانون دفاتر اسناد رسمی و قانون سردفتران و دفترباران مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۵).

۳- املاکی که فاقد سابقه ثبت بوده مجهول‌المالک نامیده می‌شوند. طبق ماده ۱۱ قانون ثبت، تقاضای ثبت این گونه املاک پس از احراز تصرف مالکانه، طبق فرم چاپی مخصوصی که اظهارنامه نامیده می‌شود انجام می‌پذیرد.

۴- ماده ۳۶ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰ هیأت وزیران حاوی حکم قانونی مندرج در ماده ۱۰ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب مجلس شورای اسلامی می‌باشد.

۵- حکم عام و کلی مندرج در ماده ۳۶ آیین‌نامه به منظور ایجاد نظام مشخص و معینی برای ثبت عین و منافع موقوفات و بنیادها و مؤسسات خیریه وضع شده و متضمن تکالیفی است که از این جهات به عهده دفاتر اسناد رسمی و سازمان حج و اوقاف و امور خیریه محول شده و از نظر مقررات پیش‌بینی شده در ماده مذکور و ایجاد نظم برای تنظیم و نگهداری اسناد هیچ‌گونه تفاوت منطقی بین موقوفاتی که دارای متولی یا فاقد متولی می‌باشند، نیست.

۶- به موجب این ماده دفاتر اسناد رسمی موظفند قبل از ثبت اسناد مربوط به معاملات راجع به عین یا منافع موقوفات، مراتب را از سازمان حج و اوقاف و امور خیریه استعلام نمایند. این ترتیب به این منظور در قانون و آیین‌نامه آمده است که در ثبت اسناد مربوط به موقوفات احکام و محدودیت‌های شرعی و قانونی که ملازمه با امر وقف دارد ملحوظ گردد و نتیجتاً از تبدیل عین یا تضييع منافع موقوفات جلوگیری به عمل آید.

۷- نماینده محترم ولی فقیه و سرپرست سازمان حج و اوقاف و امور خیریه طی نامه شماره ۴۱۰/۲۸۵۴ - ۶۹/۸/۳۰ اعلام داشته‌اند: در خصوص نظارت این سازمان بر اعمال متولیان موقوفات با توجه به ابهامی که در مورد ماده ۳۶ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه برای بعضی از متولیان به وجود آمده است طرحی به منظور توجیه ادارات حج و اوقاف و امور خیریه و رفع ابهام در رابطه با نظارت بر اعمال متولیان در چهار ماده تهیه و به مقام معظم رهبری تقدیم گردید، ایشان آیین‌نامه مزبور را خوب و مفید اعلام و با اجرای آن موافقت فرموده‌اند.

۸- «نظر به مفاد نامه شماره ۱۲۰/۵۹۳۱ مورخ ۶۹/۷/۲۳ نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان حج و اوقاف امور خیریه در مورد نحوه نظارت سازمان مزبور بر اعمال متولیان موقوفاتی که در مظنه تعدی و تفریط می‌باشند و موافقت مقام

معظم رهبری با طرح چهار ماده‌ای پیشنهادی از جمله اذن معظم له در نظارت استصوابی سازمان حج و اوقاف و موقوفات موضوع نامه و طرح فوق‌الذکر، ماده ۳۶ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۶۵/۲/۱۰ در محدوده اذن مقام رهبری مخالف قانون شناخته نمی‌شود» (رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۶ آذر ۱۳۶۹، کلاس پرونده ۶۸/۵۸، شماره دادنامه ۶۹/۲۰۲).

● ماده ۳۷- ادارات ثبت مکلفند رونوشت مصدق اسناد مالکیت موقوفات، مساجد، تکایا، مدارس دینی و کلیه اماکن مذهبی ثبت شده و همچنین اساس‌نامه مؤسسات و بنیادهای خیریه واقع در حوزه عمل خود را به ادارات حج و اوقاف و امور خیریه محل تحویل نمایند.

۱- مستند مالکیت نحوه تملک ملک و مشخصات آخرین مالک و نحوه انتقال ملک به مالک با ذکر شماره سند است که در اسناد مالکیت درج می‌شود. نوع مالکیت نیز یکی از حالت‌های «مفروز، مشاع، عرصه، اعیان و عرصه و اعیان» می‌باشد.

۲- مؤسسات و انجمن‌های خیریه، مؤسساتی هستند غیرتجاری که به منظور تعظیم شعائر اسلامی، امور فرهنگی، بهداشتی، تربیتی و یا هر نوع عمل خیر دیگری تأسیس شده و به ثبت رسیده و یا تشکیل شده‌اند.

● ماده ۳۸- ادارات حج و اوقاف و امور خیریه و متولیان مکلفند اسناد و آگهی‌های ثبتی مربوط به حوزه عمل خود را بررسی و برای حفظ عین و منافع موقوفات هرگونه اقدام لازم را معمول دارند.

حوزه، محدوده عمل یک واحد تشکیلاتی اداره اوقاف و امور خیریه یا شعب تحقیق است که به وسیله سازمان تعیین و ابلاغ می‌شود.

● ماده ۳۹- سازمان مکلف است دفاتر مخصوصی برای ثبت خلاصه اسناد وقف‌نامه‌های هر شهرستان تهیه و تنظیم نماید.

● ماده ۴۰- متولیان و ادارات حج و اوقاف و امور خیریه موظفند نسبت به موقوفات مسلمی که به عنوان ملکیت تقاضای ثبت شده و در مدت قانونی اقدام نگرديده است برابر قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه و آیین‌نامه مربوطه اقدام نمایند.

● ماده ۴۱- متولیان و ادارات حج و اوقاف و امور خیریه می‌توانند با عنایت به ماده ۶ قانون برای احیای حقوق وقف و دفاع از دعاوی مطروحه و مشاوره در امور حقوقی و ثبتی موقوفات، در صورت لزوم وکیل یا وکلای دعاوی واجد شرایط را انتخاب نمایند.

□ تبصره- حق‌الوکاله و حق‌المشاوره با توجه به مصلحت و غبطه موقوفات از محل عواید وقف قابل پرداخت خواهد بود.

۱- نظر به این که ماده (۴۱) آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰ به شرح نظریه مورخ ۱۳۷۵/۳/۲۶ فقهای محترم شورای نگهبان خلاف شرع شناخته نشده است و متضمن وضع قاعده آمره‌ای نیز نمی‌باشد لذا خلاف قانون نیز شناخته نمی‌شود و موردی برای ابطال آن وجود ندارد (رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۹ تیر ۱۳۷۵، کلاس پرونده ۷۴/۱۳۱، شماره دادنامه ۵۸/۷۵).

۲- اصل آزادی دفاع اقتضاء می‌کند که در همه دادگاه‌ها طرفین حق داشته باشند برای خود وکیل انتخاب نمایند (برای مطالعه بیشتر ر.ک: طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران، دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۸۲، ص ۷۶). این اصل در ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی صراحتاً مورد حمایت قرار گرفته است. در قوانین داخلی نیز، اصل سی و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ و ماده ۱۸۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب

۱۳۷۸ حق انتخاب وکیل را به رسمیت شناخته‌اند.

۳- وکالت تعهدی معوض است که بر پایه آن وکیل، متعهد به انجام دادن مورد وکالت و در عوض موکل، متعهد به پرداخت حق الوکاله می‌شود. این التزام، تعهدی قراردادی است، همچنان که در ماده ۶۷۵ قانون مدنی نیز تصریح گردیده است موکل باید تمام مخارجی را که وکیل برای انجام وکالت خود نموده و همچنین اجرت وکالت را پرداخت نماید. مگر این که در عقد وکالت امور دیگر مقرر شده باشد.

۴- همان‌گونه که در مرقومه سازمان اوقاف ذکر شده و ماده (۴۱) آیین‌نامه تصریح دارد متولی و سازمان اوقاف مکلف به انتخاب وکیل نشده‌اند، بلکه عبارت «می‌توانند و در صورت لزوم» که در این ماده آمده، صراحتاً «اختیار» متولی و سازمان را بیان داشته است.

۵- کاربرد وصف «واجد شرایط» برای «وکیل» نه تنها مغایرتی با موازین قانونی و شرعی ندارد بلکه عیناً تذکر و تأکید بر شرایطی است که هر وکیل (بالخصوص وکیل موقوفه که رعایت احتیاط و غبطه و وقف در آن ضروری است) باید دارا باشد. زیرا یکی از شرایطی که در شرع و قانون برای وکیل مقرر است «عقل و کمال» است، که از شرایط عام و در تمامی عقود مفروض است و دیگری وصف امانت است.

۶- اصولاً ماده (۴۱) آیین‌نامه حکمی برای انتخاب وکیل توسط سازمان برای موقوفات دارای متولی پیش‌بینی ننموده است، بلکه به لحاظ آن که هم متولی و هم سازمان در موقوفات حسب مورد مسئولیت‌هایی دارند، لذا آن‌ها را در عرض یکدیگر ذکر و اجازه داده است که وکیل انتخاب نماید. طبعاً هر یک در حدود صلاحیت خود انتخاب وکیل خواهند کرد، چنان که ذکر کلمه «متولیان» نیز موجب نمی‌شود متولی یک موقوفه در موقوفه دیگری دخالت نمایند.

● ماده ۴۲- در اجرای تبصره ماده ۱۰ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه متولیان موظفند ظرف مدت ۲ ماه از تاریخ اجرای قانون رونوشت مصدق اسناد مالکیت و وقفنامه‌های موجود را به ادارات حج و اوقاف و امور خیریه مربوط تسلیم و رسید دریافت دارند و در صورت عدم اقدام، ادارات حج و اوقاف و امور خیریه مکلفند به طریق اطمینان بخشی تکلیف قانونی آنان را ابلاغ و ضرب‌الاجلی که بیش از دو ماه نباشد برای انجام آن تعیین و در صورت استنکاف به دلیل وجود مظنه تعدی و تفریط مراتب را به اداره تحقیق جهت رسیدگی و صدور حکم لازم اعلام دارند.

● ماده ۴۳- ثمن بیع وقف در صورت جواز بیع باید در حساب مخصوصی در بانک تودیع و با جلب موافقت سرپرست سازمان و برطبق ماده ۹۰ قانون مدنی رقبه دیگری به نام همان موقوفه خریداری که عواید آن بر نهج وقفنامه سابق به مصرف خواهد رسید.

□ تبصره- بیع و تبدیل موقوفه طبق مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مدنی با کسب موافقت کتبی سرپرست سازمان امکان‌پذیر خواهد بود و در صورتی که متولیان بر طبق مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مدنی قصد بیع و تبدیل موقوفه را داشته باشند، کسب موافقت سرپرست سازمان ضروری می‌باشد.

در مواردی که بین موقوف‌علیهم تولید اختلاف می‌شود به نحوی که بیم سفک دماء می‌رود یا منجر به خرابی مال موقوفه می‌گردد و همچنین در صورتی که موقوفه خراب شود یا خوف آن باشد که منجر به خرابی گردد به طوری که انتفاع از آن ممکن نباشد و عمران آن متعذر باشد و یا کسی برای عمران آن حاضر نشود، بیع مال موقوفه صحیح است (مواد ۸۸، ۸۹ و ۳۴۹ قانون مدنی).

● ماده ۴۴- سهام اوراق بهاداری که از محل ثمن موقوفات خریداری شده، در حکم عین موقوفه است و قابل انتقال نیست مگر در موارد تبدیل.

□ تبصره- ادارات حج و اوقاف و امور خیریه صورت مشخصات اوراق و سهام موضوع این ماده و

هم‌چنین سایر سهام و اوراق موقوفه را در دفتر مخصوص ثبت و نگهداری خواهند کرد.

● ماده ۴۵- در مواردی که ثمن بیع وقف تکافوی خرید رقبه مستقلى را ننماید سازمان می‌تواند با مشارکت چند موقوفه و نظر متولیان آن‌ها رقبه واحدی خریداری و سهم هر موقوفه را به تناسب سرمایه آن تعیین نماید.

● ماده ۴۶- از تاریخ اجرای این آیین‌نامه احکام امنای موقوفات و اماکن مذهبی که بر مبنای مقررات سابق صادر شده است مورد بررسی و تجدیدنظر قرار گرفته و در صورت رضایت از نحوه خدمات آنان پیشنهاد و انتصاب مجدد بلامانع است.

● ماده ۴۷- (اصلاحی ۱۳۸۲/۸/۴) اداره اثلاث باقیه، محبوسات، نذور، صدقات و سایر اموال موضوع بند (۷) ماده (۱) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه که فاقد متولی یا متصدی بوده یا مجهول التولیه باشد، طبق مفاد بند (۷) و تبصره (۳) ماده (۱) قانون مذکور با اذن ولی فقیه و یا نماینده ایشان اداره امور آن‌ها به ادارات اوقاف و امور خیریه محل وقوع رقبات مذکور محول می‌شود.

□ تبصره- مقررات این آیین‌نامه (در خصوص موقوفات عامه) در مورد محبوسات و اثلاث باقیه نیز تسری دارد.

۱- به موجب مصوبه هیأت وزیران به شماره ۱۷۷۹۲ ت ۲۸۶۵۳ هـ مورخ ۱۳۸۲/۸/۴ و به استناد ماده (۱۷) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳، مواد (۴)، (۵)، (۲۰)، (۲۱)، (۲۲)، (۴۷) و (۵۱) آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، موضوع تصویب‌نامه شماره ۹۵۲۷۰ مورخ ۱۳۶۵/۲/۲۲ اصلاح گردید.

۲- اثلاث باقیه اموال غیرمنقولی است که موصی از محل ثلث دارایی خود برای مصارف در امور خیریه معین می‌کند.

۳- با ابطال ماده (۴۷) آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و تبصره ذیل آن مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰، به موجب رأی شماره ۱۰ مورخ ۱۳۷۲/۲/۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری موضوع پرونده ۱۷۱/۷۱ مستند به نظریه شورای نگهبان، با صدور رأی مزبور سازمان اوقاف سمتی در اداره و دخالت در امور محبوسات ندارد.

۴- اثلاث باقیه، نذورات، محبوسات، صدقات و هر مال دیگری که به منظور امور عام‌المنفعه و خیریه تخصیص یافته باشد، در حکم موقوفات عام است و در نتیجه سازمان اوقاف نسبت به آن‌ها خواه دارای متولی باشند و خواه نباشند، با اذن ولی فقیه حق نظارت دارد (ر.ک: بند ۷ الحاقی ۱۳۷۵/۱۲/۱۲ ماده ۱ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳).

۵- نذر آن است که انسان بر خود واجب کند که کار خیری را برای خداوند به جا آورد، یا کاری را که ترک آن بهتر است برای خدا ترک کند.

۶- شورای نگهبان در خصوص مغایرت ماده ۴۷ آیین‌نامه و تبصره آن با موازین شرعی طی نامه شماره ۴۱۷۹ مورخ ۷۱/۱۲/۱۶ اعلام داشت: «اطلاق ماده ۴۷ آیین‌نامه مذکور از این جهت که به سازمان اوقاف و حج و امور خیریه اجازه دخالت در اثلاث و محبوسات و نذر و صدقات را که دارای متولی منصوصی که به وظیفه خود عمل می‌کند داده است، خلاف موازین شرع شناخته شد».

پس از اعلام نظر اعضای شورای نگهبان موضوع در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مطرح و ماده ۴۷ و تبصره آن، به لحاظ این که اطلاق آن‌ها توسط فقهای شورای نگهبان قانون اساسی خلاف شرع تشخیص گردیده به استناد قانون دیوان عدالت اداری ابطال گردید (برای مطالعه بیشتر ر.ک: رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۴ اردیبهشت تاریخ ۱۳۷۲، کلاسه پرونده ۷۱/۱۷۱، شماره

دادنامه ۱۰/۷۲).

لازم به ذکر است ماده (۴۷) پس از صدور رأی هیأت عمومی دیوان، در تاریخ ۱۳۸۲/۸/۴ توسط هیأت وزیران اصلاح گردید.

● ماده ۴۸- مؤسسات و بنیادها خیریه در صورتی که بخواهند از معافیت‌های مالیاتی مندرج در قانون مالیات‌های مستقیم استفاده نمایند باید قبلاً نظارت سازمان را جلسه نمایند.

● ماده ۴۹- ادارات حج و اوقاف و امور خیریه می‌توانند در امور خیریه و موقوفات از اشخاص حقیقی و حقوقی قبول وصایت، نیابت، وکالت و تولیت نموده و صدقات جاریه و نذرهای آنان را برابر نیات مربوطه عمل نمایند.

۱- وصایت عبارت است از این که موصی کسی را پس از حیات خود، نسبت به اموری که حق تصرف در آنها را در زمان حیاتش دارد، نایب در تصرف کند. هم‌چنان که در قسمت دوم ماده (۸۲۶) قانون مدنی آمده است، در وصیت عهدی، موصی، شخصی را که وصی خوانده می‌شود، مأمور انجام کار (از جمله پرداخت حقوق واجب یا وصول حقوق) یا سرپرستی اطفال خود می‌گرداند. مقنن در ماده (۸۳۴) قانون مدنی اعلام دارد: «در وصیت عهدی، قبول شرط نیست؛ لیکن وصی می‌تواند مادام که موصی زنده است وصایت را رد کند».

۲- در فرهنگ فارسی معین، تولیت به معنی رسیدگی امری را به عهده کسی گذاشتن و نیز به عهده گرفتن املاک موقوفه آمده است.

۳- هر کار خیری که در راه خدا انجام شود و نفع آن به طور مستمر به مردم برسد صدقه جاریه است. یکی از مهم‌ترین مصادیق صدقات جاریه ساختن مسجد است که حتی اگر بانیش بشود، چون مردم از آن استفاده می‌کنند هم‌چنان ثوابش به صدقه‌دهنده می‌رسد.

۴- چنانچه راجع به تولیت موقوفه دعویایی طرح و اقامه شود، رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه حقوقی می‌باشد.

● ماده ۵۰- متولیان و ادارات حج و اوقاف و امور خیریه به منظور بقای عین رقبات و فراهم آوردن موجبات آبادانی آن‌ها می‌توانند با استفاده از وجوه بلامانعی که بدین امر اختصاص داده می‌شود صندوق و یا شرکتی تأسیس نمایند.

□ تبصره- صاحبان سهام این صندوق و یا شرکت اشخاص حقیقی و یا حقوقی خواهند بود که سرمایه آن را تأمین کرده‌اند.

● ماده ۵۱- (اصلاحی ۱۳۸۲/۸/۴) درآمد موقوفات مجهول‌المصرف و موقوفاتی که به صورت مبرات مطلقه وقف شده باشند در صورت نداشتن متولی یا مجهول‌التولیه بودن با رعایت ماده (۸) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه طبق بودجه‌ای که به تصویب سرپرست سازمان برسد توسط سازمان به مصرف خواهد رسید.

□ تبصره ۱- (اصلاحی ۱۳۸۲/۸/۴) رسیدگی به صورت حساب بودجه مذکور و صدور مفاسا حساب سالانه به عهده سازمان خواهد بود.

□ تبصره ۲- (الحاقی ۱۳۸۲/۸/۴) درآمد موقوفات مجهول‌المصرف و مبرات مطلقه که دارای متولی منصوص باشد توسط متولی در مطلق خیرات و مبرات به مصرف خواهد رسید.

● آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۸۳/۶/۱ هیأت وزیران جایگزین مواد ۵۲ الی آخر آیین‌نامه می‌باشد.

۱- به موجب مصوبه هیأت وزیران به شماره ۱۷۷۹۲ ت ۲۸۶۵۳ هـ مورخ ۱۳۸۲/۸/۴ و به استناد ماده (۱۷) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، مصوب ۱۳۶۳، مواد (۴)، (۵)، (۲۰)، (۲۱)، (۲۲)، (۴۷) و (۵۱) آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، موضوع تصویب‌نامه شماره ۹۵۲۷۰ مورخ ۱۳۶۵/۲/۲۲ اصلاح گردید.

۲- موقوفه‌ای که به علت فقدان و یا از بین رفتن قسمتی از وقف‌نامه و یا اجمال و ابهام عبارت وقف‌نامه، نوع مصرف عواید آن مشخص نباشد، مجهول‌المصرف نامیده می‌شود.

۳- در صورتی که واقف مصرف درآمد موقوفه را برای احسان، خیرات و بریات بدون قید و وصف اختصاص داده باشد، به آن مبرات مطلقه می‌گویند.

۴- موقوفه‌ای که به علت نداشتن وقف‌نامه یا به علت عدم ذکر نام یا صفت برای اداره کننده آن، نتوان شخص معینی را به عنوان متولی موقوفه تعیین کرد، مجهول‌التولیه نامیده می‌شود.

۵- درآمد موقوفات مجهول‌المصرف و موقوفاتی که به صیغه مبرات مطلقه وقف شده قابل مصرف در تحقیق و تبلیغ و نشر کتب در زمینه معارف اسلامی و عمران موقوفات می‌باشد که زیر نظر سازمان اوقاف و امور خیریه به مصرف می‌رسد.

۶- در موقوفات خاص چنان‌چه موقوفه متولی نداشته باشد یا مجهول‌التولیه باشد تولید آن مطابق مقررات قانون مدنی با موقوف‌علیهم است، اما در موقوفات عام

چنانچه موقوفه متولی نداشته باشد یا مجهول التولیه باشد به موجب نص بند (۱) ماده یک قانون اوقاف و تبصره آن و مقررات دیگر آن قانون تولیت و اداره آن با سازمان اوقاف خواهد بود.

۷- شورای نگهبان در خصوص ادعای شاکی در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر خلاف شرع بودن ماده ۵۱ فوق‌الذکر آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰، اعلام داشت: «از این جهت که مصرف موقوفات مجهول‌المصرف و موقوفاتی که به صورت مبرات مطلقه وقف شده است را در موقوفاتی که متولی دارند منحصر در خصوص اموری که در این ماده ذکر شده است می‌کند و متولی را ملزم به رعایت خصوص آن موارد می‌نماید، خلاف موازین شرع شناخته شد». هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز به موجب نظریه مورخ ۱۳۷۷/۳/۳ فقهای شورای نگهبان و به استناد قسمت اول ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری، ماده ۵۱ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰ هیأت وزیران را به لحاظ مغایرت آن با احکام شرع به شرح فوق‌الذکر ابطال گردانید (رای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۲۷ تیر ۱۳۷۷، کلاس پرونده ۷۷/۲۰، شماره دادنامه ۷۵/۷۷). لازم به ذکر است ماده مذکور در سال ۱۳۸۲ توسط هیأت وزیران اصلاح گردید.

آیین نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره و اهدایی

« مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰ هیأت وزیران با اصلاحات و الحاقات بعدی

- ماده ۱- (اصلاحی ۱۳۸۲/۸/۴) در مواردی که زمین بلامعارض وقفی، ابتدائاً با اعطای حق تملک اعیان جهت احداث واحد مسکونی و اداری، خدماتی و صنعتی دارای موافقت اصولی به اجاره واگذار می‌شود، مبلغی متناسب با قیمت عادلانه روز زمین که در هر حال نباید از ۳۰٪ قیمت آن کمتر باشد طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری و یا دو نفر خبره محلی به هنگام تنظیم سند اجاره به عنوان پذیره اهدایی علاوه بر مال الاجاره عادلانه روز از متقاضی اعم از شخص حقیقی یا حقوقی دریافت خواهد شد.

□ تبصره- میزان پذیره رقباتی که بدون سند اجاره در اختیار اشخاص است در صورت موافقت متولی و یا اداره حج و اوقاف و امور خیریه با تنظیم سند اجاره و پرداخت اجور معوقه ایام تصرف مشمول این ماده است مشروط بر این که تصرف متصرف قبل از سال ۱۳۶۱ باشد.

۱- اساس دریافت پذیره در واگذاری‌های اولیه و زمینهای بلامعارض موقوفات و

انتقالات بعدی است. در حالی که موقوفات مزروعی که در اختیار زارعین صاحب نسق بوده و می‌باشد، نمی‌تواند زمین بلامعارض تلقی شود و ایجاد آن نیز به صورت ابتدایی نیست و نسل بعد نسل زارعین در این اراضی کشت و زرع می‌کنند و وصول پذیره از آن‌ها مغایر حق ریشه و نسق زراعی و حقوق مکتسبه آن‌ها است و عدم اعطاء حق تملک اعیانی نیز در موقوفات مزروعی به صورت مشروط و مقید به تشخیص مراجع ذی‌صلاح برای کاربری زراعی پیش‌بینی شده است. اداره موقوفات فاقد متولی یکی از وظایف سازمان است و سایر وظایف آن در موارد دیگر قانون و هم‌چنین نظارت بر اعمال متولیان که در مظان تعدی و تفریط قرار دارند در طرح توجیه ادارات اوقاف در خصوص نظارت بر اعمال متولیان موقوفات که طی شماره ۱/۳۵۰۳ مورخ ۱۳۶۹/۸/۱۴ به تصویب مقام معظم رهبری رسیده، پیش‌بینی شده است.

۲- با توجه به اعلام نظر فقهای شورای نگهبان طی شماره‌های ۱۰۷-۱۳۷۴/۳/۸ و ۸۴۹-۱۳۷۴/۷/۱۸، اطلاق ماده ۱ آیین‌نامه نحوه ترتیب وصول پذیره و اهدایی که مقدار پذیره را در ۳۰٪ قیمت عادلانه روز زمین معین نموده است در مواردی که پذیره متعارف بیش از آن باشد خلاف موازین شرعی است و باید تعیین آن به نظر دو نفر خبره مورد وثوق واگذار گردد...» (برای مطالعه بیشتر ر.ک: رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۲۹ مهر ۱۳۷۴، کلاسه پرونده ۷۳/۱۹۵، شماره دادنامه ۱۲۶/۷۴). از این‌رو ماده (۱) آیین‌نامه نحوه ترتیب وصول پذیره و اهدایی در سال ۱۳۸۲ توسط هیأت وزیران اصلاح گردید.

● ماده ۲- مستأجر عرصه‌ای که حق تملک اعیان داشته و احداث اعیان نموده است چنان‌چه بخواهد مورد اجاره را به غیر انتقال دهد ۱۵٪ مابه‌التفاوت ارزش فعلی عرصه موقوفه نسبت به ارزش زمان ایجار را می‌باید به عنوان پذیره انتقالی به هنگام تنظیم سند اجاره به نفع موقوفه پرداخت نماید این ترتیب در نقل و انتقالات بعدی نیز رعایت خواهد شد بدیهی است قیمت عرصه به نحو مندرج در ماده ۱ محاسبه خواهد شد.

□ تبصره - چنانچه مستأجر در یک قطعه زمین موقوفه واحدهای متعددی احداث نماید در موقع انتقال قیمت عرصه هر واحد طبق قانون تملک آپارتمان‌ها تعیین و پذیره انتقالی بر اساس آن محاسبه و دریافت خواهد شد.

۱- موضوع خلاف شرع بودن ماده ۲ آیین‌نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره و اهدایی مصوب ۶۵/۲/۱۰ هیأت وزیران، (موضوع ماده ۱۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه) در جلسه مورخ ۱۳۸۰/۸/۳ فقهای شورای نگهبان مطرح شد که نظر فقهاء به شرح زیر اعلام گردید: «در صورتی که ضمن عقد اجاره از ناحیه سازمان اوقاف شرط شده باشد که ۱۵٪ تفاوت را هنگام اجاره دادن به غیر پردازد همان طور که در توضیح سازمان اوقاف آمده است گرفتن این مقدار خلاف شرع نیست».

۲- «با عنایت به این که ماده ۲ آیین‌نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره و اهدایی به شرح نظریه مورخ ۸۰/۸/۳ فقهای محترم شورای نگهبان خلاف شرع شناخته شده است، موردی برای ابطال ماده مذکور بر اساس اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قسمت اول ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری وجود ندارد» (رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۱۶ تیر ۱۳۸۱، کلاسه پرونده ۸۰/۱۴۶، شماره دادنامه ۱۳۰/۸۱).

● ماده ۳- در ایجار رقبات بلامعارض موقوفه جهت استفاده به عنوان محل کسب صد در صد سرقفلی در صورت تعلق برابر نظر کارشناس یا خبره محلی از طریق مزایده به هنگام تنظیم سند اجاره به نفع موقوفه وصول خواهد شد.

● ماده ۴- هرگاه مستأجر بخواهد واحد تجاری را که عرصه و اعیان آن وقف است به غیر انتقال دهد باید با کسب موافقت متولی و اداره حج و اوقاف و امور خیریه ۱۰٪ کل سرقفلی محل را که کارشناس یا خبره محلی تعیین می‌کند به هنگام تنظیم سند اجاره به موقوفه پردازد و در صورتی که قبلاً سرقفلی به موقوفه

پرداخت کرده باشد ۱۰٪ مزبور نسبت به مابه‌التفاوت سرقفلی فعلی محاسبه و دریافت می‌شود.

● ماده ۵- در صورتی که مستأجر در زمینی که برای سکونت اجاره نموده و برخلاف شرط سند اقدام به احداث محل کسب نموده باشد، در موقع انتقال ملک و یا ایجار محل کسب باید ۵۰٪ سرقفلی را برابر نظر کارشناس به موقوفه پرداخت نماید.

«نظر به حکم مقرر در ماده ۱۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳ مبنی بر اختصاص عواید حاصل از محل پذیره و اهدایی و اجاره و استیجار موقوفات به موقوفه مورد اجاره و این که سرقفلی حاصل از احداث بنای تجاری در زمین مسکونی موقوفه بر خلاف شرط مندرج در سند اجاره از جمله عواید حاصل از اجاره زمین موقوفه می‌باشد و علی‌القاعده مقتضای شرط ضمن‌العقد و لزوم رعایت غبطه و صرفه موقوفه آن است که بخشی از سرقفلی حاصل در سهم ملک موقوفه مورد اجاره قرار گیرد، ماده ۵ آیین‌نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره اهدایی که به تجویز ماده ۱۳ قانون فوق‌الاشعار تصویب شده است، مغایرتی با قانون ندارد». (رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۳ خرداد ۱۳۸۳، کلاسه پرونده ۸۱/۴۰۸، شماره دادنامه ۶۸/۸۳).

● ماده ۶- (اصلاحی ۱۳۸۴/۴/۲۹) در انتقالات ناشی از ارث، طبقه اول ارثی از پرداخت پذیره انتقال معاف می‌باشند.

● ماده ۷- (اصلاحی ۱۳۸۲/۸/۴) در صورتی که مورد استفاده از زمین منطبق با نیات واقف نباشد کلیه وزارت‌خانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و مؤسسات عمومی غیردولتی نظیر شهرداری‌ها و نیز نهادهای انقلابی مشمول پرداخت پذیره طبق این آیین‌نامه خواهند بود.

«با توجه به اعلام نظر فقهای شورای نگهبان که طی شماره‌های ۱۰۷-۱۳۷۴/۳/۸ و ۸۷۹-۱۳۷۴/۷/۱۸ واصل گردیده مبنی بر این که: اطلاق ماده ۱ آیین‌نامه نحوه

ترتیب وصول پذیره و اهدایی که مقدار پذیره را در ۳۰٪ قیمت عادلانه روز زمین معین نموده است، در مواردی که پذیره متعارف بیش از آن باشد خلاف موازین شرعی است و باید تعیین آن به نظر دو نفر خبره مورد وثوق واگذار گردد و اطلاق ماده ۷ آیین‌نامه که موارد مذکوره را از پرداخت پذیره معاف نموده است، در جاهایی که آن موارد جزء مصرف عواید موقوفه نباشد، خلاف موازین شرع شناخته شد. اشکال ماده ۱۳ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف ناشی از ماده ۷ آیین‌نامه نحوه ترتیب وصول پذیره و اهدایی است و با اصلاح آن ماده رفع اشکال از ماده ۱۳ نیز خواهد شد. بنابراین مستنداً به شماره ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ماده ۷ آیین‌نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره و اهدایی و ماده ۱۳ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه ابطال می‌گردد» (رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۲۹ مهر ۱۳۷۴، کلاسه پرونده ۷۳/۱۹۵، شماره دادنامه ۱۲۶/۷۴). (البته لازم به ذکر است ماده (۷) آیین‌نامه مذکور در سال ۱۳۸۲ توسط هیأت وزیران اصلاح گردید.

● ماده ۸- اعطای حق تملک اعیانی در مورد اراضی موقوفه‌ای که بنا به تشخیص مراجع ذی‌صلاح کاربری زارعی دارد ممنوع بوده و در ایجار آن‌ها پذیره دریافت نخواهد شد.

طبق ماده ۱۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳، وجوهی که از محل پذیره و اهدایی حاصل از اجاره و استیجاره رقبات دریافت می‌گردد از عواید همان موقوفات محسوب و به مصارف مقرر خواهد رسید». نظر به این که حکم مقنن مصرح در الزام اشخاص به پرداخت پذیره و اهدایی بابت اجاره اراضی موقوفه با کاربری کشاورزی نیست، بنابراین ماده ۸ آیین‌نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره و اهدایی مصوب هیأت وزیران که به تجویز تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون فوق‌الذکر به تصویب رسیده و مقرر داشته «اعطای حق تملک اعیانی در مورد اراضی موقوفه‌ای که بنا به تشخیص مراجع ذی‌صلاح کاربری زارعی دارد ممنوع بوده و در ایجار آن‌ها پذیره دریافت نخواهد شد»، مغایرتی با

قانون ندارد و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع ماده مزبور نمی‌باشد (ر.ک: رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، کلاسه پرونده ۸۴/۸۶۷، شماره دادنامه ۸۶/۱۰۵۵، مورخ ۲۷ آذر ۱۳۸۶).

● ماده ۹- در مواردی که در میزان نحوه و ترتیب وصول پذیره و سرقفلی و یا تغییر نحوه استفاده از موارد اجاره ابهامی و یا اختلافی به وجود آید نظر سرپرست سازمان ملاک عمل خواهد بود.

● ماده ۱۰- وجوهی که از محل پذیره و سرقفلی حاصل از اجاره و استیجار رقبات موقوفه و یا به عنوان اهدایی دریافت می‌گردد جزو عواید همان موقوفه محسوب و علی‌الاقرفه‌الواقف به مصرف می‌رسد و در صورتی که از عواید مذکور پس از وضع مخارج ضروری و اجرای نظر واقف مبلغ متناهی باقی بماند که بتوان رقبه جدیدی خریداری و یا اقدام به احداث بنا در قسمتی از اراضی آن نمود، به منظور استمرار و بقای موقوفه و تأمین نظر واقف و تضمین بیشتر آن برای سال‌های آینده با رعایت صلاح و صرفه وقف و با تحصیل مجوز از سرپرست سازمان عمل خواهد شد.

□ تبصره- (به موجب رأی شماره ۲۸۶ مورخ ۱۳۸۶/۴/۳۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، ابطال گردید) پذیره‌های مأخوذه در موقع ایجار موقوفات خاص متعلق به کلیه بطون است و می‌باید جهت استفاده آنان سرمایه‌گذاری شود.

۱- در رأی شماره ۳۵۶۱ مورخ ۴۲/۱۲/۲۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور آمده است «هرگاه یکی از نسل موجود با داشتن فرزند فوت شود فرزند او با باقی ماندگان نسل در انتفاع از مورد وقف و یا در امر تولیت و وصایت نمی‌تواند شرکت نماید و مادام که چند نفر حتی یک نفر هم از نسل مقدم باقی است، نوبت نسل بعد نخواهد رسید».

۲- تبصره ذیل ماده (۱۰)، اصل ۲۲ قانون اساسی را نقض کرده بود. زیرا حسب اجماع مسلمین در موقوفات خاصه عواید، ملک طلق موقوف علیهم است. اما این تبصره مالکیت انحصاری نسل مقدم بر پذیره را مورد تعرض قرار داده بود.

۳- تبصره فوق الذکر با ماده ۹۵۶ قانون مدنی نیز مغایرت داشت. زیرا ماده ۹۵۶ مزبور شروع اهلیت برای دارا شدن حقوق را به تولد هر انسانی به صورت زنده مشروط و اهلیت برای دارا شدن را با مرگ هر انسانی تمام شده و منتفی می‌داند. ولی قید موکد «کلیه بطون» در تبصره مورد بحث شامل بطن‌های در گذشته نیز می‌گردید.

از سوی دیگر این تبصره با ماده ۳۰ قانون مدنی نیز در مغایرت بود. زیرا ماده ۳۰ قانون مدنی بر اساس قاعده تسلیط تصویب شده و می‌گوید «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه‌گونه تصرف و انتفاع دارد» ولی تبصره ماده ۱۰ آیین‌نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره و اهدایی حق تصرف مالکین را محدود به سرمایه‌گذاری کرده بود.

۴- «به شرح نظریه شماره ۸۶/۳۰/۲۰۹۷۷ مورخ ۸۶/۱/۳۰ فقهای شورای نگهبان، اطلاق تبصره ماده ۱۰ آیین‌نامه نحوه و ترتیب پذیره و اهدایی در مواردی که واقف نظری نسبت به اخذ پذیره نداشته و یا نظر به عدم اخذ پذیره داشته و هم‌چنین اطلاق تبصره ماده مزبور نسبت به لزوم سرمایه‌گذاری خلاف موازین شرع شناخته شده است. بنابراین مستنداً به اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده یک و سایر مقررات قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ در باب مقررات دولتی که توسط شورای نگهبان خلاف احکام شرع شناخته می‌شود، حکم به ابطال تبصره ماده ۱۰ آیین‌نامه نحوه و ترتیب پذیره و اهدایی موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۳۰۷۸ مورخ ۱۳۶۵/۲/۲۲ هیأت وزیران صادر می‌شود» (رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۳۱ تیر ۱۳۸۶، کلاس پرونده ۲۳۱، ۸۵/۸۶، شماره دادنامه ۲۸۶/۸۶، ۲۸۷).

● ماده ۱۱- ادارات اوقاف و متولیان باید حتی الامکان قبل از ایجار اراضی موقوفه بررسی لازم را معمول تا در صورتی که زمین وقفی جهت ایجاد مسکن، کارگاه و یا واحدهای صنعتی مناسب و مفید باشد با هماهنگی ادارات ذی ربط و با استفاده از منابع مالی ممکن و یا مشارکت بانکها رأساً اقدام به احداث ساختمان نموده و با توجه به نحوه سرمایه گذاری مورد بهره برداری قرار گیرد. بدیهی است در صورت عدم امکانات لازم برای اجرای این ماده برابر مفاد آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و سایر مواد آیین نامه اقدام شود.

□ تبصره- اراضی موقوفه ای که برای ساختمان واحدهای تجاری اعم از پاساژ و غیره متناسب باشد می باید توسط متصدیان امر وقف نسبت به احداث آنها رأساً اقدام و سپس از طریق نشر آگهی مزایده به اجاره واگذار شود.

آیین نامه نحوه انتخاب و برکناری، شرایط و حدود اختیارات و وظایف امین یا هیأت امنای اماکن مذهبی و موقوفات « مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰ هیأت وزیران با اصلاحات بعدی

- ماده ۱- سازمان حج و اوقاف و امور خیریه می تواند به منظور حسن اداره اماکن مذهبی اسلامی از قبیل بقاع متبرکه و امثال آن و مؤسسات و انجمن های خیریه ای که اداره آن ها به سازمان محول شده یا بشود و هم چنین برای موقوفاتی که متولی ندارد بر عایت مفاد این آیین نامه در هر مورد هیأت امنایی انتخاب نماید.
- ماده ۲- امین یا امناء با توجه به خصوصیات و اقتضای مورد در موقوفات فاقد متولی از دو تا پنج نفر و در اماکن متبرکه که از سه تا پنج نفر می باشند که از بین افراد معروف به امانت و متدین و متعهد محلی که حداقل دارای سواد خواندن و نوشتن بوده و توانایی انجام کار را داشته و حداقل ۲۵ سال سن باشند برای مدت سه سال انتخاب و با حکم سازمان حج و اوقاف و امور خیریه منصوب و تجدید انتخاب آن ها بلامانع می باشد. نحوه تأیید صلاحیت افراد مزبور [به]

وسیله سرپرست سازمان حج و اوقاف و امور خیریه تعیین خواهد شد.

● ماده ۳- تصمیمات امنای موقوفات و اماکن مذهبی که با اکثریت آراء اتخاذ شده باشد پس از تأیید اداره مربوط قابل اجرا است.

● ماده ۴- امناء در امور محوله دارای مسئولیت مشترک بوده و اعضای هیأت‌های امنای اماکن مذهبی در اولین جلسه از بین خود یک نفر به عنوان رییس، یک نفر مسئول امور مالی و یک نفر منشی انتخاب نموده و به اداره حج و اوقاف و امور خیریه محل معرفی خواهند نمود.

● ماده ۵- غیبت بدون عذر موجه هر عضو بیش از سه جلسه متوالی یا پنج جلسه متناوب در یک سال به عنوان کناره‌گیری از عضویت تلقی و در صورت ابراز عدم علاقه و یا اقداماتی که موافق با مصالح مورد امانت نباشد به حکم سازمان حج و اوقاف و امور خیریه از این سمت عزل خواهد گردید.

□ تبصره- سازمان به موجب پیشنهاد اداره حج و اوقاف و امور خیریه محل می‌تواند پس از فوت یا عزل و یا کناره‌گیری هر یک از امنا، امین دیگری را طبق مقررات این آیین‌نامه انتخاب نماید.

● ماده ۶- هرگاه امینی در وظایف خود نسبت به اماکن مذهبی مرتکب تخلف شود بنا به تقاضای رییس اداره حج و اوقاف و امور خیریه یا قائم مقام او موضوع جهت رسیدگی در جلسه هیأت امناء مطرح و گزارش آن برای اتخاذ تصمیم به سازمان حج و اوقاف و امور خیریه فرستاده خواهد شد.

□ تبصره- در صورت تشخیص خیانت اکثریت اعضای هیأت امناء، اداره حج و اوقاف و امور خیریه موظف است علیه آنان در دادسری محل اعلام جرم نموده و مراتب را به سازمان حج و اوقاف و امور خیریه گزارش دهد. اعضای مذکور بلافاصله با ابلاغ کتبی سازمان حج و اوقاف و امور خیریه تا تعیین تکلیف آن‌ها از دخالت در مورد امانت ممنوع بوده و مکلفند فوراً حساب‌ها و

دفاتر مربوطه را به اداره حج و اوقاف و امور خیریه تسلیم دارند.

● ماده ۷- وظایف امین و هیأت امناء به قرار زیر است:

الف- مراقبت کامل در حفظ مورد امانت.

ب- نگهداری اموال منقول و ثبت آنها با مشخصات کامل در دفاتر مربوطه.

ج- انجام تعمیرات لازم اماکن مذهبی و رسیدگی مرتب به وضع آنها.

د- نوسازی و احداث تأسیسات عمومی برای تأمین رفاه زوار و مراجعه کنندگان و ساکنان ناحیه.

ه- تهیه طرح و برنامه‌های عمرانی و اتخاذ طرقی که مؤثر در پیشرفت کارهای اماکن مذهبی باشد.

و- طرح دعوی و دفاع از حقوق اماکن مذهبی و تعقیب دعاوی مطروحه له و علیه آنها و در صورت لزوم انتخاب وکیل برای انجام امور مذکوره.

ز- به ثبت رسانیدن اعیان و اموال غیرمنقول اماکن مذهبی و اخذ سند مالکیت به نام اماکن مذکوره.

ح- جمع‌آوری در آمد و نذور نقدی و جنسی و نگهداری وجوه اماکن مذکور در حساب مخصوص در یکی از بانک‌ها.

ط- پرداخت مقرری‌های مصوب به خدام و کسانی که به نحوی از انحاء خدمت آنان در اماکن مزبور لازم باشد.

ی- پرداخت هزینه مربوط به بهای برق و آب و مکالمات تلفنی و سایر هزینه‌های ضروری و متعارف.

ک- اقدام مؤثر برای جلب کمک‌های علاقمندان جهت عمران، آبادی و توسعه اماکن مذهبی.

□ تبصره ۱- صورت حساب و اسناد خرج باید مرتباً تنظیم و به وسیله رییس هیأت امناء نگهداری شود.

□ تبصره ۲- در اماکن مذهبی که جزو آثار باستانی است هر نوع تعمیر و مرمت با اطلاع قبلی و نظارت سازمان میراث فرهنگی کشور صورت خواهد گرفت.

□ تبصره ۳- امین یا هیأت امناء موظفند پس از انجام هزینه‌های عمرانی و ضروری مندرج در شرح وظایف خود مازاد درآمد اماکن مذهبی را که جهت مشخصی برای مصرف آن تعیین نشده است با رعایت ماده ۵ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و برابر بودجه مصوبه به مصرف برسانند.

۱- چنانچه موقوفات فاقد متولی منصوص باشند و اداره آن به عهده سازمان اوقاف باشد، هیأت امنای منتخب سازمان مذکور می‌توانند دعوی تخلیه عین مستأجره را علیه مستأجر به ویژه در جایی که قرارداد اجاره فیما بین هیأت امناء با مستأجر منعقد شده باشد، طرح نمایند (برای مطالعه بیشتر ر.ک: نظریه ۷/۱۹۰۲- مستأجره کلی حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۲- مصارف مالی مساجد عبارت است از کلیه مخارج مسجد اعم از هزینه‌های جاری مسجد، تعمیرات و بازسازی، توسعه فضاهای مسجد، خرید زمین و املاک برای الحاق به مسجد، حق الزحمه خادم، حق‌القدم امام جماعت مسجد و دیگر هزینه‌هایی که با برنامه‌های مسجد ارتباط مستقیم دارد.

۳- بودجه مسجد شامل منابع مالی است که از طریق کمک‌های نقدی و غیر نقدی مردمی، هدایا، کمک‌های دولت و دستگاه اجرایی، کمک نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی، سازمان‌ها و مؤسسات بخش خصوصی، درآمد رقبات و موقوفات مسجد، درآمد برگزاری مراسم در مسجد و سایر منابع کسب می‌شود. هم‌چنین شامل مخارج و هزینه‌های مسجد که متشکل از هزینه‌های جاری، برنامه‌ای (فرهنگی)، سرمایه‌ای و عمرانی و... است که برای یک سال مالی پیش‌بینی می‌گردد.

۴- بودجه سالانه مسجد از ابتدای دی ماه الی ۱۵ اسفندماه سال قبل برآورد و

توسط هیأت امناء مسجد تصویب و به تأیید امام جماعت می‌رسد. در صورت نیاز، هیأت امناء می‌تواند در طی سال بر حسب شرایط نسبت به منابع و مصارف مالی مسجد تجدیدنظر نموده و بودجه را اصلاح نموده، به تأیید امام جماعت برساند.

۵- به منظور تمرکز منابع و مصارف مالی مسجد لازم است حساب بانکی در یکی از بانک‌های معتبر (ترجیحاً نزدیک‌ترین بانک به مسجد) به نام مسجد با امضای امام جماعت و یکی از اعضای هیأت امناء و مسئول امور مالی مسجد افتتاح و کلیه منابع مالی مسجد به حساب مذکور واریز شود. هم‌چنین کلیه مصارف و هزینه‌ها ترجیحاً از طریق حساب بانکی پرداخت شود.

۶- برداشت از حساب بانکی با امضای ثابت امام جماعت، مهر مسجد و یکی دیگر از صاحبان امضاء مجاز است. هم‌چنین قراردادهای و اوراق بهادار مسجد، با امضای امام جماعت و مهر مسجد و یکی از اعضای هیأت امناء یا مسئول امور مالی معتبر است.

۷- تعیین صاحبان امضای حساب‌های بانکی از اختیارات امام جماعت می‌باشد. افتتاح حساب با یک امضاء و یا تفویض یا اعطای حق دو امضاء به یک نفر مجاز نمی‌باشد.

۸- هزینه‌های مسجد شامل هزینه‌های جاری، برنامه‌های (فرهنگی، تبلیغی، آموزشی)، سرمایه‌ای و عمرانی خواهد بود.

۹- انجام کلیه هزینه‌ها، عقد قراردادهای، معاملات و تصمیمات مالی با اهمیت، متناسب با حجم فعالیت‌ها و توان مالی مسجد پس از تصویب هیأت امناء و موافقت امام جماعت صورت خواهد پذیرفت.

۱۰- کلیه پرداخت‌های مسجد به وسیله چک انجام می‌شود، مگر بخشی از

هزینه‌های جزیی که میزان آن توسط امام جماعت مشخص و به صورت نقدی از محل تنخواه گردان پرداخت می‌شود.

۱۱- تنخواه گردان عبارت است از وجهی که در صورت نیاز برای انجام پاره‌ای از هزینه‌های جزیی در اختیار یکی از اعضای هیأت امناء، مسئول امور مالی و یا فردی به تشخیص امام جماعت قرار می‌گیرد تا به تدریج هزینه‌های انجام شده را در قبال اخذ رسید پرداخت نماید.

۱۲- سال مالی مسجد عبارت است از یک سال شمسی که از اول فروردین ماه آغاز و در پایان اسفندماه خاتمه می‌یابد.

۱۳- مسئول امور مالی، مسئولیت حسن جریان، نظارت برگردش کار، صحت پرداخت‌ها و مطابقت آن با مقررات مربوطه را بر عهده دارد و در مقابل امام جماعت مسئول است. مسئول امور مالی از بین اعضای هیأت امناء و یا فرد دیگری که آشنایی با امور مالی داشته باشد از سوی امام جماعت منصوب می‌شود و انجام وظایف زیر را به عهده خواهد داشت:

الف- اداره امور مالی، تنظیم و ثبت حساب‌ها و اسناد مالی مسجد

ب- حفظ اسناد و دفاتر مالی

ج- نگهداری و تحویل وجوه، نقدینه‌ها، سپرده‌ها و اوراق بهادار

د- وصول درآمدها و انجام هزینه‌ها با رعایت مقررات مربوطه

ه- کنترل و ثبت حساب موجودی اموال و انبار

و- مسئولیت حفظ و نگهداری اسناد مالکیت غیر منقول و سایر اموالی که دارای

سند مالکیت می‌باشند و تضمین نامه‌ها و اوراق بهادار متعلق به مسجد

ز- سایر وظایفی که به موجب این آیین‌نامه و سایر مقررات مربوطه به عهده امور

مالی مسجد واگذار می‌شود.

۱۴- کلیه فعالیت‌های مالی مسجد در دفاتر یا نرم افزار مالی ثبت می‌شود.

۱۵- مسئول امور مالی مسجد موظف است بیلان و گزارش مالی را در دوره‌های ماهیانه، سه‌ماهه، شش‌ماهه و سالیانه تهیه و به امام جماعت و هیأت امنای مسجد ارایه نماید. گزارش مالی سالیانه مسجد حداکثر تا پایان اردیبهشت ماه سال بعد به هیأت امناء و امام جماعت مسجد ارایه و مورد تصویب قرار می‌گیرد.

۱۶- شایسته است امام جماعت بیلان و گزارش مالی سالیانه مسجد را به مرکز رسیدگی به امور مساجد منعکس نماید.

۱۷- جهت جلب اعتماد مردم و افزایش میزان کمک‌های آنان، بیلان و گزارش مالی دوره‌ای و سالیانه بنا به تشخیص امام جماعت به اطلاع نمازگزاران رسانده می‌شود.

۱۸- مرکز رسیدگی به امور مساجد در حد امکانات خود نسبت به ارایه مشاوره به امام جماعت و هیأت امناء جهت استقرار نظام مالی و ثبت حساب‌های مالی در دفاتر، تهیه گزارش‌های مالی و همچنین ارایه آموزش‌های لازم به مسئول امور مالی یا یکی از اعضای هیأت امناء جهت انجام امور مالی، مساعدت و کمک خواهد نمود.

۱۹- بنا به درخواست امام جماعت، اعضای هیأت امنای مسجد و یا عنداللزوم به تشخیص مرکز رسیدگی به امور مساجد، نسبت به انجام حسابرسی از عملکرد مالی مسجد توسط مرکز اقدام خواهد شد.

۲۰- امام جماعت یا هیأت امنای مسجد حداقل هر سال یک بار گزارشی از منابع مالی و مخارج مسجد را که توسط فرد یا افراد ذی‌ربط مورد رسیدگی قرار گرفته

است در یکی از جلسات مسجد که حداکثر نمازگزاران در آن حضور دارند (مانند مراسم عید فطر) به سمع و نظر مردم می‌رسانند و برنامه‌های آتی مسجد را به اطلاع مردم رسانده تا در صورت لزوم مردم نسبت به تقبل بخشی از هزینه‌ها و مخارج اقدام کنند. (آیین‌نامه مالی مساجد مشتمل بر ۱۴ ماده و ۱۱ تبصره در سال ۱۳۹۲ به تصویب رییس مرکز رسیدگی به امور مساجد رسید).

● ماده ۸- (اصلاحی ۱۳۹۱/۸/۲۱) در صورتی که برای اماکن مذهبی امین یا هیأت امناء انتخاب شده باشد می‌توان از محل وجوه موضوع ماده (۳۴) آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه، متناسب با نحوه عملکرد امین یا هیأت امنای اماکن مذهبی و درآمد سالانه این اماکن، حق‌الزحمه‌ای به عنوان پاداش حسن امانت‌داری پرداخت نمود. میزان، نحوه و شرایط این پاداش سالانه، مشروط بر این که مجموع پرداختی از نصف مجموع دریافتی اداره حج و اوقاف و امور خیریه از همان مکان تجاوز ننماید، مطابق دستورالعملی خواهد بود که با پیشنهاد نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه به تصویب وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خواهد رسید.

۱- هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۸/۲۱ بنا به پیشنهاد شماره ۱/۵۶۰۴۹ مورخ ۱۳۹۱/۴/۲۹ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و به استناد تبصره (۱) ماده (۵) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳، ماده (۸) آیین‌نامه نحوه انتخاب و برکناری، شرایط و حدود اختیارات و وظایف امین یا هیأت امنای اماکن مذهبی و موقوفات، موضوع تصویب‌نامه شماره ۹۵۲۷۰ مورخ ۱۳۶۵/۲/۲۲ را اصلاح نمود.

۲- این ماده تا پیش از اصلاح توسط هیأت وزیران بدین شرح بود: «در صورتی که برای اماکن مذهبی امین یا هیأت امناء انتخاب شده باشد می‌توان از محل وجوه موضوع ماده ۳۴ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج

و اوقاف و امور خیریه به امین و هر یک از اعضای هیأت امناء سالیانه حداکثر تا مبلغ سیصد هزار ریال به عنوان پاداش پرداخت نمود، مشروط بر این که مجموع پرداختی از نصف مجموع دریافتی اداره حج و اوقاف و امور خیریه از همان مکان تجاوز ننماید».

- ماده ۹- امین یا هیأت امناء موظفند در سه ماهه آخر هر سال، بودجه و برنامه اقدامات مربوط به مکان مذهبی را برای سال بعد تنظیم و پس از تأیید به اداره حج و اوقاف و امور خیریه محل تسلیم تا برای تصویب به اداره کل استان مربوط ارسال شود. هرگونه تغییرات بعدی در فصول و ارقام و بودجه یا برنامه و طرح‌های مصوب یا اصلاح آن‌ها نیز باید به تأیید اداره حج و اوقاف و امور خیریه و تصویب اداره کل استان مربوطه برسد.

- ماده ۱۰- امین یا هیأت امناء موظفند در فروردین ماه هر سال صورت هزینه و درآمدهای سال قبل را همراه اسناد مثبت و یک نسخه از بودجه مصوب برای رسیدگی و صدور مفصلاً حساب به اداره حج و اوقاف و امور خیریه محل تسلیم دارند.

□ تبصره- چنانچه صورت هزینه و درآمدها ناقص باشد اداره حج و اوقاف و امور خیریه آن را برای تکمیل عودت داده تا پس از رفع نقص جهت اخذ مفصلاً حساب از اداره تحقیق اقدام کند.

- ماده ۱۱- امین یا هیأت امناء موظفند عواید و هزینه‌های مربوطه را در دفاتر ممهور و شماره‌گذاری شده‌ای که از طرف اداره حج و اوقاف و امور خیریه محل در اختیار آن‌ها گذاشته می‌شود به طور مرتب و روشن ثبت نمایند.

- ماده ۱۲- ایجاد مستحقات لازم برای سکونت و ایجاد تأسیسات عمومی از قبیل وضوخانه، لوله‌کشی آب، برق، راه و مراقبت در امر بهداشت از اهم وظایف امین یا هیأت امناء می‌باشد، پس از آن که تأسیسات مذکور به قدر کفاف به وجود آمد

عایدات اماکن مذهبی صرف تعمیر و نگهداری آن‌ها و ایجاد این قبیل تأسیسات برای ساکنان آبادی‌های مجاور مذکور خواهد شد.

● ماده ۱۳- امین و هیأت امناء و خدمه و کارکنان مجاز نیستند شخصاً وجه و یا جنسی به عنوان نذور و یا اهدایی و غیره دریافت دارند، لذا امین و هیأت امناء موظفند صندوق و یا محفظه‌های فلزی قابل اطمینانی که مهمور به مهر مشخص باشد در محل نصب و در اوقات معینی با حضور نماینده اداره حج و اوقاف و امور خیریه آن‌ها را باز و موجودی را با تنظیم صورت جلسه به حساب بانکی منتقل نمایند. برای نذور جنسی امین یا هیأت امناء قبوضی در دو رنگ سفید و آبی با شماره متوالی چاپ و مشخصات کامل این قبیل هدایا را در آن‌ها نوشته، نسخه سفید را به اهدا کننده تسلیم و نسخه آبی را نگهداری خواهند نمود.

□ تبصره- مسئولیت نگهداری کلیه صندوق نذور و ضریح و مهر امین و هیأت امناء و قبوض و اسناد و دفاتر به عهده هیأت امناء و امین خواهد بود.

● ماده ۱۴- برای آن که حساب دریافت و پرداخت‌های اماکن مذهبی اسلامی بر مبنای روشنی استوار شود برای کلیه این قبیل اماکن متبرکه با معرفی اداره حج و اوقاف و امور خیریه محل حسابی از طرف امناء نزد یکی از بانک‌ها افتتاح تا درآمدها کلاً در آن حساب متمرکز و پرداخت‌ها نیز به وسیله چک صورت گیرد، چک‌های صادره عموماً با دو امضای امین یا رئیس هیأت امناء و حسب مورد نماینده اداره حج و اوقاف و امور خیریه خواهد بود و در صورتی که رئیس هیأت امناء به عللی در محل نباشد عضو دیگری از هیأت امناء به جای او تعیین و معرفی خواهد شد.

□ تبصره- امین و هیأت امناء موظفند صورت درآمد و مخارج هر ساله را همراه با اقدامات انجام شده در آخر سال با امضای امین و کلیه اعضای هیأت امناء حسب مورد و رئیس اداره حج و اوقاف و امور خیریه برای اطلاع عامه منتشر سازند.

● ماده ۱۵- در مواردی که فروش هدایای جنسی و اموال منقول زاید بر احتیاج یا غیر قابل استفاده اماکن مذهبی لازم باشد باید علت فروش با مشخصات کامل اشیا از طرف امین یا هیأت امناء صورت جلسه شود و پس از تأیید کتبی آن از طرف اداره حج و اوقاف و امور خیریه محل به طریق مزایده حضوری در معرض فروش قرار گیرد.

اشیایی که احتیاج به اظهار نظر کارشناس دارد باید قبلاً نظر کارشناس یا خبره محلی نسبت به فروش و بهای آن‌ها جلب شود. ولی فروش اشیای باستانی باید به تصویب سازمان میراث فرهنگی کشور برسد.

□ تبصره ۱- کمیسیون مزایده از امین یا رییس هیأت امناء و صندوقدار یا یکی از اعضای هیأت امناء به انتخاب خود هیأت و نماینده اداره حج و اوقاف و امور خیریه تشکیل می‌شود و اختیارات آن مانند اختیارات کمیسیون مزایده موضوع آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه خواهد بود.

□ تبصره ۲- بهای فروش اشیای مذکور و سپرده‌های ضبطی مربوط به آن‌ها باید جزو عواید به حساب مکان مذهبی در بانک منظور گردد.

سازمان میراث فرهنگی به سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تغییر نام یافت.

● ماده ۱۶- نوسازی اماکن مذهبی و تعمیرات و خرید اموال و اثاثیه آن‌ها از طریق مناقصه و یا استعلام بهاء صورت خواهد گرفت، مگر آن که مقتضیاتی موجب ترک مناقصه شود و اداره حج و اوقاف و امور خیریه محل آن را تأیید نماید.

□ تبصره- در صورتی که مبلغ هزینه‌های این ماده بیش از ده میلیون ریال باشد کسب نظر اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه استان مربوطه ضروری است.

● ماده ۱۷- در مواردی که اماکن مذهبی دارای موقوفاتی باشند که تمام یا قسمتی از درآمد آن‌ها باید در محل به مصرف برسد، می‌توان متولی موقوفه را به عنوان

یکی از اعضای هیأت امناء انتخاب و مصرف قسمت مذکور از درآمد موقوفه که اختصاص به اماکن مذهبی مزبور دارد با نظارت هیأت امناء صورت خواهد گرفت.

● ماده ۱۸- امین یا هیأت امنایی که برای موقوفاتی فاقد متولی انتخاب می‌شوند موظفند بر طبق مقرراتی که قانوناً بر عهده متولی و حسب مفاد وقفنامه و در صورت فقدان وقفنامه طبق سیره جاریه انجام وظیفه نمایند. حدود اختیارات و مسئولیت‌های آن‌ها علاوه بر مقررات این آیین‌نامه به نحوی است که در قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و آیین‌نامه‌های مربوطه برای متولی در نظر گرفته شده است.

● ماده ۱۹- حق الزحمه امین یا هیأت امناء موقوفه با در نظر گرفتن عواید و میزان کار به وسیله سازمان تعیین می‌شود و در هیچ مورد مجموع پرداختی نباید از نصف حق‌التولیه مقرر در وقفنامه تجاوز نماید.

● ماده ۲۰- سازمان در کلیه اعمال امین یا هیأت‌های امناء نظارت داشته و موظف است که در حسن انجام وظایف آنان مراقبت کامل نماید.

۱- احاله اداره بخشی از امور رقبات مساجد به ائمه جماعات به عنوان امین موقوفه جهت حفظ و نگهداری ساختمان و مستحذات مسجد و مدیریت رقبات و مستغلات واقع در پلاک مساجد و وصول عواید و منافع و صرف آن‌ها مطابق وقفنامه و ضوابط مربوطه، کاهش میزان تصدی‌گری واحدهای اجرایی اوقاف در رقبات تحت پلاک مساجد و تسریع در امر تنسيق روابط استیجاری مربوط به مستغلات احدائی در پلاک مساجد از مهم‌ترین اهداف تفاهم‌نامه ارتقای همکاری‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد و اداره کل اوقاف و امور خیریه استان تهران در سال ۹۲ می‌باشد.

۲- افتتاح حساب جاری مشترک با تصریح بر نام موقوفه و مسجد ذی‌ربط در یکی از بانک‌های واقع در محدوده همان مسجد با امضای ثابت امام جماعت و رییس اوقاف منطقه خواهد بود (بند ۲ از فصل دوم تفاهم‌نامه مرکز رسیدگی به امور

مساجد و اداره کل اوقاف و امور خیریه استان تهران، مورخ ۱۳۹۲).

۳- هرگونه واگذاری سرقفلی، یا حق تملک اعیانی و تبدیل به احسن، یا اجاره بیش از سه سال، یا تفکیک و تغییر کاربری و دیگر مصادیق موضوع ماده (۹) و (۳۲) آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه خارج از اختیارات امین (امام جماعت مسجد در موقوفات بدون متولی منصوص) بوده و بدون کسب مجوز اوقاف ممنوع است (تبصره بند ۳ از فصل دوم، همان).

۴- تمدید احکام امانت (تجدید دوره تصدی امین) بر اساس اخذ مفاصا حساب سنواتی از شعب حسابرسی ادارات تحقیق اوقاف، با هماهنگی مرکز رسیدگی به امور مساجد انجام می‌پذیرد. در صورتی که بر اساس تدابیر مرکز رسیدگی به امور مساجد، جابه‌جایی امام جماعتی که هم‌زمان امین رقبات مسجد می‌باشد در دستور کار قرار گیرد، ضمن اطلاع‌رسانی به اوقاف، تمهیدات لازم برای تحویل و تحول اسناد و مدارک، از جمله اخذ مفاصا حساب رقبات و انتقال حساب به امین جدید انجام می‌پذیرد (بند ۷ و تبصره آن از فصل دوم، همان).

۵- تمامی وظایف امین (امام یا نایب وی) قائم به شخص بوده و تحت هیچ عنوان قابل تفویض به شخص حقیقی یا حقوقی دیگر حتی در قالب وکالت نمی‌باشد (بند ۸ از فصل دوم، همان).

۶- رقبات مساجدی که در وقف‌نامه ترتیبات خاصی برای تمشیت امور آن‌ها پیش‌بینی شده است از شمول تفاهم‌نامه مذکور خارج می‌باشند (بند ۹ از فصل دوم، همان).

۷- مدت اجرای تفاهم‌نامه مذکور از زمان انعقاد نامحدود بوده و تنها با اجماع نمایندگان ولی فقیه در مرکز رسیدگی به امور مساجد و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه امکان اصلاح یا لغو کلی را خواهد داشت (بند ۱۶ از فصل دوم، همان).

آیین‌نامه کیفیت تحقیق در شعب تحقیق سازمان اوقاف و امور خیریه

« مصوب ۱۳۶۵/۹/۳۰ هیأت وزیران با اصلاحات بعدی

- ماده ۱- شعب تحقیق شامل دو قسمت حقوقی و حسابرسی است و هر شعبه مرکب از یک رییس و دو محقق می‌باشد. در هر حوزه تحقیق رییس شعبه حقوقی ریاست هیأت تحقیق آن حوزه را به عهده خواهد داشت جز در تهران که ترکیب و اداره هیأت‌های تحقیق به ترتیب مقرر در تشکیلات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه خواهد بود.

□ تبصره- شرکت هر یک از محققین هر شعبه در رسیدگی با تصمیم رییس شعبه است.

عنوان آیین‌نامه کیفیت تحقیق در شعب تحقیق سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، موضوع تصویب‌نامه شماره ۹۳۳۶۶ مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۱۸ به «آیین‌نامه کیفیت تحقیق در شعب تحقیق سازمان اوقاف و امور خیریه» اصلاح شد (مصوبه هیأت وزیران مورخ ۱۳۸۲/۸/۴).

● ماده ۲- شعبه صالحه برای رسیدگی به درآمد و هزینه موقوفات و مؤسسات خیریه مشمول قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و آیین‌نامه اجرایی آن شعبه محل مصرف عواید موقوفه و محل ثبت مؤسسه است و چنان‌چه محل مصرف عواید یا منطقه فعالیت و عملیات مؤسسه در حوزه‌های مختلف باشد تعیین شعبه رسیدگی‌کننده با سرپرست سازمان خواهد بود. بدیهی است در صورت لزوم شعبه مربوطه می‌تواند به سایر شعب حسابرسی نیابت دهد و شعب حقوقی به امور مربوط به حوزه هر یک از آنها رسیدگی خواهد نمود.

● ماده ۳- رؤسای شعب حقوقی از بین مستخدمین لیسانسیه حقوق یا الهیات که سابقه خدمات اوقافی یا قضایی آنها کمتر از پنج سال نباشد انتخاب می‌شوند مشروط بر این که سابقه محکومیت اداری یا انتظامی از درجه انفصال موقت به بالا نداشته باشند.

محققین شعب حقوقی نیز باید واجد شرایط مذکور باشند مگر شرط مدت خدمات اوقافی یا قضایی که حداقل سه سال سابقه خدمات کافی خواهد بود.

● ماده ۴- رؤسای شعب حسابرسی از بین مستخدمین لیسانسیه مطلع در امر حساب‌داری با داشتن حداقل ۵ سال سابقه خدمت اوقافی انتخاب خواهند شد مشروط بر این که محکومیت اداری از درجه انفصال موقت به بالا نداشته باشند. محققین شعب حسابرسی باید دارای شرایط مذکور باشند ولی داشتن حداقل سه سال سابقه خدمت اوقافی کافی خواهد بود.

□ تبصره- سرپرست سازمان حج و اوقاف و امور خیریه در صورت ضرورت می‌تواند از بین افراد مطلع که در امور حقوقی و حسابداری تجربیاتی دارند فردی را به عنوان محقق حقوقی یا حسابرس انتخاب و شاغلین فعلی ادارات و شعب تحقیق را نیز ابقا نماید.

● ماده ۵- رییس دبیرخانه اداره کل تحقیق و مسئول دبیرخانه ادارات تحقیق

استان‌ها از بین کارمندان دیپلمه و یا سایر مستخدمین واجد شرایطی که حداقل سه سال سابقه خدمت در امور اوقافی داشته باشند انتخاب می‌گردند.

□ تبصره ۱- سازمان حج و اوقاف و امور خیریه می‌تواند به تعداد لازم شعب تحقیق در مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها تشکیل دهد و محدوده فعالیت آن‌ها را به عنوان (حوزه تحقیق) معین نموده و عنداللزوم تغییر دهد.

□ تبصره ۲- شعب تحقیق در صورت ضرورت می‌توانند با کسب موافقت اداره کل تحقیق موقتاً از وجود محققین یک شعبه در شعبه دیگر استفاده نمایند.

● ماده ۶- وظایف ادارات و شعب تحقیق به شرح ذیل است:

الف- وظایف شعب حقوقی:

۱- تحقیق و رسیدگی و اعلام نظر در مورد تشخیص متولی و ناظر و موقوف علیهم موقوفات.

۲- تحقیق و رسیدگی و اعلام نظر در مورد وقفیت املاک و تشخیص موقوفات عام از خاص.

۳- تشخیص موقوفات مجهول التولیه یا بدون متولی.

۴- رسیدگی و اظهار نظر در مورد تطبیق مصارف در آمد موقوفات با مفاد وقف‌نامه یا سایر اسناد مربوطه در صورت ابهام و یا بروز اختلاف.

۵- تحقیق و رسیدگی در مورد تعدی و تفریط یا مسامحه و اهمال متولیان و امناء و نظار و مدیران مؤسسات خیریه از انجام وظایف یا استتکاف از اجرای مقررات اوقافی در امور موقوفه و مؤسسات خیریه و تنظیم گزارش و ارسال به دادگاه و در صورت احراز تعدی و تفریط و تخلف، اعلام جرم و انعکاس موضوع به دادسرا.

۶- رسیدگی و اظهار نظر در مورد مصرف در آمد موقوفات متعذرالمصرف و موقوفاتی که عواید آن‌ها به علت قلت ولو با پس‌انداز چند سال برای اجرای نظر واقف کافی نیست یا به علت کثرت عواید زاید بر مصارف متعارف باشد بر طبق تبصره ماده ۸ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه.

۷- رسیدگی و صدور گواهی مصرف نسبت به موقوفاتی که فاقد وقفنامه یا مدارک وقفیت معتبر بوده و در سنوات گذشته بر مبنای سیره جاریه عمل شده است.

ب- وظایف شعب حسابرسی:

- ۱- رسیدگی به درآمد و هزینه موقوفات و بقاع و اماکن متبرکه اسلامی و مؤسسات و انجمن‌های خیریه‌ای که به موجب قانون و آیین‌نامه‌های مربوطه اداره امور آن‌ها به عهده سازمان حج و اوقاف و امور خیریه محول شده یا می‌شود.
- ۲- تطبیق اسناد هزینه و درآمد موقوفات با مفاد وقفنامه یا سایر اسناد مربوطه.
- ۳- صدور مفصلاً حساب برای اسناد درآمد و هزینه‌هایی که به موجب بند ۱ وظایف شعب حسابرسی از طریق ادارات اوقاف به ادارات تحقیق ارسال می‌شود.
- ۴- تطبیق رقبات مندرج در بودجه با وقفنامه و یا سایر مدارک معتبر.
- ۵- تطبیق درآمد رقبات مندرج در بودجه با مدارک تعیین‌کننده درآمد.

- ماده ۷- شعب تحقیق بنا به درخواست اشخاص یا ادارات حج و اوقاف امور خیریه نسبت به موارد مذکور در ماده ششم رسیدگی و اظهار نظر می‌نماید. هرگاه در موارد مذکور اشخاص مستقیماً به دادگاه مدنی خاص دادخواست تسلیم کرده باشند دادگاه می‌تواند مراتب را به اداره حج و اوقاف و امور خیریه و به نزدیک‌ترین شعبه تحقیق ارجاع نموده تا شعبه مذکور براساس این آیین‌نامه به موضوع رسیدگی و نتیجه را به دادگاه ارجاع‌کننده اعلام می‌نمایند.
- تبصره- ادارات حج و اوقاف و امور خیریه باید ظرف مدت سه روز از تاریخ وصول درخواست و ضمائم، مدارک را به اداره تحقیق مربوطه بفرستند.

● ماده ۸- وظایف دبیرخانه ادارات تحقیق:

- ۱- ثبت درخواست واصله و تسلیم رسید به متقاضی با ذکر شماره ثبت آن.

۲- اگر درخواست از لحاظ طرز تنظیم و یا ضمایم آن ناقص باشد دبیرخانه مراتب را ظرف سه روز پس از وصول جهت رفع نقص به درخواست کننده یا وکیل او اخطار خواهد کرد تا ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه با رعایت مسافت رفع نقص کند و الا تا رفع نقص رسیدگی به درخواست متوقف خواهد شد.

۳- پس از آن که درخواست کامل تشخیص داده شد دبیرخانه نسخه‌ای از آن را با ضمایم در پرونده مخصوص که ترتیب می‌دهد بایگانی و نسخه‌های دیگر را با پیوست‌ها به طرف ابلاغ می‌نماید که ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ دریافت با رعایت مسافت طبق قانون آیین دادرسی مدنی پاسخ کتبی خود را با مدارک مربوط به تعداد تقاضاکنندگان و با یک نسخه اضافی به اداره تحقیق ارسال دارند.

● ماده ۹- شعب تحقیق در صورتی که رسیدگی به درخواست را خارج از وظایف خود بدانند ضمن تعیین مرجع صالح عدم صلاحیت خود را اعلام خواهند نمود.

□ تبصره ۱- در صورتی که ادارات حج و اوقاف و امور خیریه و اشخاص ذی نفع در مهلت مقرر از پرونده‌های حقوقی رفع نقص نمایند شعب حقوقی می‌توانند پرونده مربوطه را از نوبت رسیدگی خارج نمایند. رسیدگی مجدد منوط به تسلیم درخواست جدید و رفع نقص خواهد بود.

□ تبصره ۲- چنانچه ادارات حج و اوقاف و امور خیریه و اشخاص ذی نفع نسبت به پرونده‌های حسابرسی در مهلت مقرر رفع نقص نمایند شعب حسابرسی پرونده مربوطه را از نوبت رسیدگی خارج نموده در خصوص موقوفات متصرفی مراتب را جهت کسب تکلیف به سازمان مرکزی گزارش می‌نمایند و در مورد موقوفات غیر متصرفی برابر ماده ۲۵ آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه عمل خواهند نمود.

● ماده ۱۰- اگر محل اقامت کسی که شعب تحقیق برای او اخطاریه و دعوت نامه می‌فرستند معلوم نباشد و یا به هر صورت ابلاغ مقدور نشود در صورت لزوم شعب تحقیق می‌توانند به تقاضا و به هزینه متقاضی موضوع و اوقات رسیدگی را

یکبار به وسیله نشر آگهی در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی به طرف ابلاغ نمایند. هرگاه اخطار شونده در مهلت مقرر پاسخ ندهد یا در جلسه رسیدگی حاضر نشود شعب تحقیق به موضوع رسیدگی و اعلام نظر می‌نمایند.

□ تبصره - در صورت تجدید جلسه نیازی به تجدید آگهی نخواهد بود.

● ماده ۱۱- در مواردی که نام اداره حج و اوقاف و امور خیریه در درخواست قید نشده باشد شعب تحقیق موظفند که در خواست و ضمایم آن و وقت رسیدگی و پاسخ را از طریق دبیرخانه تحقیق به اداره حج و اوقاف و امور خیریه مربوطه ابلاغ کنند تا نماینده خود را به شعبه تحقیق اعزام دارد و یا نظر مشروح و مستدل خود را به صورت لایحه ارسال نماید.

● ماده ۱۲- شعب تحقیق می‌توانند به تقاضای طرفین قرار استماع شهادت شهود و تحقیقات محلی و ارجاع امر به کارشناس و هر نوع تحقیقات دیگری را که برای روشن شدن موضوع لازم بدانند صادر و اجراء نمایند مخارج اجرای قرار به عهده متقاضی است و در صورتی که شعبه تحقیق استماع شهادت شهود و تحقیقات محلی و ارجاع به کارشناس و هر نوع تحقیقات دیگری را لازم بدانند مخارج به عهده طرفین است.

□ تبصره ۱- عدم تودیع دست‌مزد کارشناس و یا عدم تهیه وسایل اجرای قرار موجب خروج این موارد از عداد دلایل متقاضی خواهد شد.

□ تبصره ۲- تعیین مدت تودیع دست‌مزد کارشناس حسب مورد به عهده شعبه خواهد بود.

● ماده ۱۳- شعب تحقیق می‌توانند تحقیق در هر امری را که لازم بدانند به شعب تحقیق حوزة دیگر نیابت داده و در صورت نبودن شعبه تحقیق به اداره حج و اوقاف و امور خیریه محل محول کنند. در این صورت شعب و ادارات مزبور مکلفند

مورد نیابت را انجام و نتیجه را با مدارک و مستندات مربوطه به شعبه ارجاع کننده ارسال دارند.

- ماده ۱۴- شعب تحقیق پس از آماده شدن پرونده برای اظهار نظر ظرف ده روز مبادرت به صدور نظریه می نمایند تصمیمات و نظرات شعب تحقیق در کلیه موارد باید موجه و مدلل باشد و ظرف پنج روز به طرفین ابلاغ شود.

- ماده ۱۵- رسیدگی در شعب تحقیق به وسیله رییس و یکی از محققان خواهد بود و نظریه آن دو در صورت توافق مناسبت اعتبار می باشد در هر مورد که اختلاف نظر حاصل شود محقق دیگر همان شعبه برای مشاوره در موضوع اختلاف ضمیمه خواهد شد و تصمیمات و نظریه اکثریت ملاک عمل خواهد بود. در صورت غیبت رییس شعبه رسیدگی به موضوع به عهده محققین خواهد بود و عضو ارشد به جای رییس شعبه انجام وظیفه خواهد کرد.

- ماده ۱۶- ادارات حج و اوقاف و امور خیریه و اشخاص ذی نفع در صورتی که اعتراض داشته باشند می توانند پس از ابلاغ نظر شعبه تحقیق اعتراض خود را در دادگاه های دادگستری طرح نمایند.

سازمان اوقاف و امور خیریه و نیز اشخاص ذی نفع که آرای تحقیق را به ضرر خود تشخیص می دهند، می توانند در دادگاه های دادگستری اقامه دعوی کنند. چنین دعوایی که به طرفیت متولی موقوفه، ادارات اوقاف و یا اشخاص طرح می گردد، تابع قواعد عمومی راجع به دعوای حقوقی است و ملازمه با محل استقرار شعب تحقیق صادر کننده رأی ندارد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور، به شماره ۶۱۲- ۱۳۷۵/۱۰/۱۸).

- ماده ۱۷- قرار تحقیق محلی و استماع شهادت شهود و تعیین خیره و اعطاء نیابت به شعب تحقیق یا ادارات حوزه دیگر قابل اعتراض نیست. ادارات حج و اوقاف و امور خیریه و اشخاص ذی نفع باید تسهیلات لازم برای اجراء قرار را فراهم کنند.

● ماده ۱۸- رسیدگی به درآمد موقوفه قبل از ارسال صورت حساب طبق بودجه ارسالی خواهد بود.

□ تبصره- بودجه‌ای که در سه ماهه آخر سال تنظیم شده و یا بودجه اصلاحی که احتمالاً در طی سال تنظیم می‌گردد همراه با مدارک و کیفیت مصرف و با سایر مدارک تأییدکننده درآمداعم از (اسناد اجاره، قراردادها، صورت جلسه، استشهادیه و نظریه کارشناس یا خبره محلی در مورد پذیره و مال الاجاره) جهت رسیدگی و محاسبه در اختیار محققین حسابرسی شعبه‌ای که پرونده در آن مفتوح است قرار می‌گیرد.

● ماده ۱۹- پرونده حسابرسی موقوفه در اول سال مفتوح و پس از وصول صورت حساب و رسیدگی و صدور مفاسا حساب مختومه می‌گردد.

□ تبصره- رسیدگی به عواید و اسناد هزینه موقوفه بایستی در یک شعبه انجام پذیرد.

● ماده ۲۰- شعب حسابرسی تحقیق مکلفند به صورت حساب‌های واصله رسیدگی و در صورت داشتن نقص ظرف مدت ده روز به ادارات حج و اوقاف و امور خیریه و اشخاص ذی‌نفع اخطار کنند که در مهلت مقرر رفع نقص نمایند.

● ماده ۲۱- صورت حساب هر سال در سه‌ماهه اول سال بعد، ارسال و پس از رفع نقص حداکثر در مدت یک ماه رسیدگی و مفاسا حساب صادر خواهد شد.

● ماده ۲۲- عواید موقوفه از محل (اجاره، پذیره، سرقفلی، اهدایی، نذور و فروش اموال... و غیره) در مفاسا حساب بایستی به تفکیک و براساس بودجه‌های تنظیمی به اضافه موجودی آخر سال اعم از وصولی (موجودی نقدی) و لا وصولی قید گردد.

□ تبصره- موجودی اول سال ۱۳۶۳ موقوفات براساس مفاسا حساب‌های صادره برای سال ۱۳۶۲ ملاک عمل بوده و چنانچه مفاسا حساب صادر نشده و یا موجودی مفاسا حساب صادره متضمن لا وصولی‌ها نبوده و یا مورد اعتراض اداره حج و اوقاف و امور خیریه مربوطه

قرار گرفته باشد شعبه رسیدگی کننده مکلف است به وضع مالی گذشته موقوفه رسیدگی و برای تسریع در امر حسابرسی با مفتوح نگه داشتن حساب‌های قبلی موجودی اول سال ۱۳۶۳ اعم از موجودی نقدی و لا وصولی‌ها را طی صورت جلسه‌ای با امضای متولی و ناظر (در صورت داشتن متولی و ناظر) و حسابدار و رییس اداره با استفاده از دفتر معین و تعیین لا وصولی‌ها بر اسناد و قرار دادهای اجاره مشخص نمایند.

- ماده ۲۳- صدور مفاصا حسابی که به موجب آن موقوفه بدهکار شود ممنوع است مگر در مواردی که با توجه به تبصره ذیل ماده ۶ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و طبق نظر کارشناس در امور عمرانی، ثبتی و یا محاکماتی باشد بدیهی است در این صورت ضمن رسیدگی به کلیه هزینه‌های انجام شده مبلغ بدهی در توضیحات زیر مفاصا حساب منعکس و سنوات بعد مبلغ بدهی یا قسمتی از آن تصفیه می‌گردد.

- ماده ۲۴- ادارات تحقیق موظفند برنامه منظمی برای رسیدگی به امور حسابرسی شهرستان‌های تابع حوزه مورد عمل خود تنظیم و به ادارات اوقاف شهرستان‌ها ابلاغ نمایند. بر طبق این برنامه شعب حسابرسی در مدت معینی از سال متناسب با حجم کار در هر یک از شهرستان‌ها در همان شهرستان تشکیل خواهد شد و شعبه مربوطه به حساب موقوفات آن شهرستان مطابق مقررات رسیدگی خواهد نمود.

- ماده ۲۵- هرگاه ادارات حج و اوقاف و امور خیریه و اشخاص ذی‌نفع در مهلت مقرر اقدام به رفع نقص از اسناد هزینه ارسالی نکنند شعب حسابرسی تحقیق به آن قسمت از اسناد هزینه که متکی به مدارک قابل قبول باشد رسیدگی و به هزینه قطعی منظور نموده و مفاصا حساب صادر خواهند نمود و بقیه وجوه اسناد رفع نقص نشده و مردودی را با ذکر دلیلی جزو موجودی موقوفه منظور می‌نمایند.

□ تبصره- ادارات تحقیق موظفند کتباً استرداد وجوهی را که در مفاصا حساب صادره مردود اعلام شده است به اداره حج و اوقاف و امور خیریه محل و اشخاص ذی نفع ابلاغ نمایند در صورتی که وجوه مذکور تا یک ماه پس از قطعیت مفاصا حساب تحقیق مسترد نشود مراتب از طریق اداره کل تحقیق جهت تعقیب قانونی به سازمان اعلام خواهد شد.

● ماده ۲۶- پس از رسیدگی به صورت حساب و صدور مفاصا حساب کلیه اسنادی که به حساب پذیرفته شده با مهر (رسیدگی و به حساب پذیرفته شد) ممهور و توسط شعبه مربوطه در پرونده ضبط می شود و آن قسمت از اسناد هزینه که مردود می شود بایستی به مهر (رسیدگی و مردود گردید) ممهور و در پرونده مربوطه نگهداری شود.

□ تبصره- در صورتی که صاحبان اسناد استرداد اصول اسناد را تقاضا کنند پس از مهر کردن آنها به شرح ماده فوق فتوکپی اسناد با هزینه متقاضی تهیه و بایگانی گردیده و اصول اسناد در قبال اخذ رسید مسترد می شود.

● ماده ۲۷- صورت حساب موقوفات متصرفی که در آمد آنها تا پانصد هزار ریال است به وسیله شعب حسابرسی تحقیق محل رسیدگی خواهد شد و بیشتر از مبلغ مذکور در شعب حسابرسی مرکز مورد رسیدگی قرار می گیرد.

● ماده ۲۸- ادارات تحقیق مکلفند دفاتر مخصوصی برای ثبت موقوفات حوزه مورد عمل خود تنظیم نمایند و بر مبنای آن صورت حساب هایی را که ظرف مهلت مقرر در این آیین نامه و قانون مربوط نرسیده باشد با صدور اخطار ده روز مطالبه کنند و در صورت عدم ارسال صورت حساب موقوفات متصرفی به اداره تحقیق در ظرف مدت سه ماهه اول سال بعد، اداره تحقیق موظف است موضوع را جهت اتخاذ تصمیم به سرپرست سازمان حج و اوقاف و امور خیریه اعلام نماید.

● ماده ۲۹- (اصلاحی ۱۳۸۲/۸/۴) اجرای نظریه های شعب تحقیق در موارد تعدی

یا تفریط و مسامحه و اهمال متولی یا ناظر، موضوع ماده (۷) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه منوط به تأیید و صدور حکم قطعی دادگاه است.

□ تبصره ۱- (اصلاحی ۱۳۸۲/۸/۴) سایر نظرات و مفاصا حساب‌های صادره و تصمیمات شعب تحقیق در محدوده وظایف قانونی آن‌ها، برای شعب دیگر و ادارات اوقاف و امور خیریه و اشخاص ذی نفع قابل اجرا است، مگر این که از مراجع ذی صلاح قضایی دستور توقف موقت اجرای حکم قطعی مبنی بر الغا یا تصحیح یا تغییر آن‌ها صادر شود.

□ تبصره ۲- (الحاقی ۱۳۸۲/۸/۴) تصمیمات و نظریه‌های شعب تحقیق در سایر امور و موضوعات ماده (۷) قانون یادشده، مذکور در این ماده، در مواردی که به نظر نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه از نظر موازین شرعی مواجه با اشکال باشد، به درخواست وی به شعبه تحقیق دیگری جهت رسیدگی مجدد ارجاع می‌شود تا نسبت به اصلاح آن اقدام نمایند.

۱- «الف) با توجه به مفاد نامه شماره ۹۰/۳۰/۴۲۱۰۷-۱۳۹۰/۲/۷ قائم مقام دبیر شورای نگهبان مبنی بر این که فقهای شورای نگهبان تبصره‌های ۲ و ۱ ماده ۲۹ آیین‌نامه کیفیت تحقیق در شعب تحقیق موضوع تصویب‌نامه شماره ۴۴۰۶۵/ت ۲۹۳۶۴ هـ- ۱۳۸۲/۸/۷ هیأت وزیران را خلاف موازین شرع تشخیص نداده‌اند، در اجرای ماده ۴۱ قانون دیوان عدالت اداری موجهی برای ابطال مصوبه از این حیث وجود ندارد. ب) با عنایت به این که در تبصره یک ماده ۲۹ اصلاحی آیین‌نامه کیفیت تحقیق در شعب تحقیق سازمان اوقاف و امور خیریه، سایر نظرها و مفاصا حساب‌های صادر شده و تصمیمات شعب تحقیق در محدوده وظایف قانونی آن‌ها برای شعب دیگر تحقیق و ادارات اوقاف و امور خیریه و اشخاص ذی نفع قابل اجرا اعلام شده است و در صورت صدور دستور توقف موقت اجرای حکم قطعی از مراجع قضایی مبنی بر الغاء یا تصحیح یا تغییر آن‌ها غیر قابل اجرا خواهد بود، بنابراین تبصره یک ماده ۲۹ آیین‌نامه مذکور خلاف قوانین و مقررات مورد استناد شاکی نیست و خارج از حدود اختیارات مرجع وضع نیز تشخیص نمی‌شود. ج) نظر

به این که تبصره ذیل ماده ۱۵ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب سال ۱۳۶۳/۱۰/۲، به ادارات اوقاف و اشخاص ذی نفع اجازه داده است در صورتی که به نظر شعبه تحقیق اعتراض داشته باشند، مراتب را در دادگاه‌های دادگستری طرح کنند و تبصره ۲ ماده ۲۹ آیین‌نامه معترض‌به نیز ناظر به ایجاد ممنوعیت برای اشخاص و ادارات اوقاف در اعلام شکایت به مرجع قضایی از تصمیم شعبه تحقیق مرجع‌الیه نیست، لذا از این جهت مغایرتی با قانون ندارد و قابل ابطال به نظر نمی‌رسد (رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، کلاسه پرونده ۸۷/۶۵۲، شماره دادنامه ۵۳۷، مورخ ۱۳۹۱/۸/۱).

۲- «مطابق ماده ۷ قانون تشکیلات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، با عزل یا ممنوع‌المداخله شدن متولی ضم‌امین منوط به حکم قطعی دادگاه است. بنابراین مدلول ماده ۲۹ آیین‌نامه کیفیت تحقیق در شعب تحقیق سازمان اوقاف و امور خیریه که مفهوم قابلیت اجرای مطلق تصمیمات و نظرات شعب تحقیق حتی در موارد مصرح در ماده ۷ قانون مزبور قبل از صدور رأی قطعی دادگاه می‌باشد، مخالف قانون مزبور تشخیص و مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد» (رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۴ مرداد ۱۳۷۶، کلاسه پرونده ۷۴/۱۳۹، شماره دادنامه ۴۷/۷۶).

لازم به ذکر است ماده (۲۹) آیین‌نامه فوق‌الذکر در تاریخ ۱۳۸۲/۸/۴، توسط هیأت وزیران اصلاح گردید.

- ماده ۳۰- هرگاه در تنظیم نظریه یا مفاسا حساب سهو قلم یا اشتباهات دیگری رخ دهد شعب صادرکننده نظریه یا مفاسا حساب رأساً و یا بنا به درخواست طرفین می‌توانند نظریه و یا مفاسا حساب رأساً و یا بنا به درخواست طرفین می‌توانند نظریه و یا مفاسا حساب را تصحیح و اصلاحیه صادر کنند. اصلاحیه در زیر و یا پشت نسخه اصلی نظریه و یا در برگ دیگری که ضمیمه آن می‌شود نوشته و امضاء خواهد شد به هر صورت صدور اصلاحیه در حواشی کلیه نسخ

موجود در پرونده و دفتر نظریات و قرارها باید توسط مسئول دبیرخانه تحقیق قید و امضاء و رونوشت نظریه اصلاحی به طرفین ابلاغ شود و تابع مقررات اصل نظریه می‌باشد [باشد]. دادن رونوشت نظریه بدون قید وجود اصلاحیه و ضمیمه بودن آن ممنوع است.

ماده (۳۰) آیین‌نامه کیفیت تحقیق در شعب تحقیق سازمان اوقاف به بیان‌های مختلفی در کتب قوانین نگارش شده است. به نظر می‌رسد متن فوق، مراد اصلی تصویب‌کنندگان باشد.

● ماده ۳۱- اوراق و اخطاریه‌هایی که در مورد تصمیمات شعب ادارات تحقیق و از طرف آنان صادر می‌شود به وسیله مأمورین اوقاف یا مأمورین انتظامی ابلاغ خواهد شد.

● ماده ۳۲- اداره کل تحقیق به اموری که از طرف سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و ادارات تحقیق استان‌ها ارجاع شود در هیأتی مرکب از مدیر کل تحقیق یا معاون وی و رییس شعبه حقوقی و یکی از رؤسای شعب حسابرسی مرکزی رسیدگی کرده نظریه مشورتی خواهد داد.

● ماده ۳۳- مواردی که در این آیین‌نامه پیش‌بینی نشده در حدود صلاحیت قانونی شعب تحقیق بر طبق مقررات قانون آیین دادرسی مدنی و متون فقهی فقهاء عمل خواهد شد.

آیین نامه مستثنی شدن خدام و کارکنان بقاع متبرکه، مساجد،
حسینیه ها، تکایا، مدارس علوم دینی موقوفه و موقوفات عام
غیر تولیدی از شمول موادی از قانون کار
« مصوب ۱۳۷۱/۱۱/۲۶ هیأت وزیران

- ماده ۱- موارد استثناء، مواد ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۱، ۳۲، ۴۱، ۵۱ و ۵۸ قانون کار تعیین می شود.
- ماده ۲- مدت فعالیت از شمول مواد یاد شده در ماده یک برای مدت (۵) سال تعیین می شود.
- ماده ۳- (اصلاحی ۱۳۸۹/ ۸/۱۱) معافیت یاد شده فقط اماکن مذهبی را که پنج نفر یا کمتر خدام دارند شامل می شود.
- ماده ۴- روابط کار بین طرفین در زمینه مواد مستثنی شده بر اساس دستورالعملی است که سازمان اوقاف و امور خیریه تهیه می کند و به تصویب نماینده ولی فقیه در سازمان می رسد.

● ماده ۵- تصویب نامه شماره ۵۷۸۰۸/ت ۳۱۳ هـ- مورخ ۱۳۷۲/۱۱/۱۸ لغو می شود.

۱- قراردادهای کار در بقاع متبرکه، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا و مدارس علوم دینی و موقوفات عام غیرتولیدی به صورت موردی بین هیأت امناء، متولی و یا اداره اوقاف و امور خیریه به عنوان کارفرما و کارکنان و خدام آنها به عنوان کارگر منعقد می شود. در موقوفات عام غیرتولیدی، متولی و در صورت متصرفی بودن، هیأت امناء و اداره اوقاف و امور خیریه مربوطه کارفرمای قرارداد خواهند بود (بند ۱ دستورالعمل موضوع ماده واحده مستثنی شدن خدام و کارکنان اماکن مذهبی و... از بعضی از مواد قانون کار، صادره از سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۷۴/۱۱/۲۵).

۲- آیین نامه مستثنی شدن خدام و کارکنان بقاع متبرکه، مسجد، حسینیه‌ها، تکایا، مدارس علوم دینی موقوفه و موقوفات عام غیرتولیدی از شمول موادی از قانون کار، بارها تمدید شده است.

آخرین مرتبه آیین نامه مذکور موضوع تصویب نامه شماره ۱۵۸۷۹۴/ت ۳۵۷۹۴ ک مورخ ۱۳۸۵/۱۲/۱ به موجب تصویب نامه شماره ۱۶۰۲۳۰/ت ۴۵۵۰۲ ک مورخ ۱۳۸۹/۸/۱۶ از تاریخ انقضاء اعتبار به مدت پنج سال تمدید شده است.

۳- موارد مستثنی شده از قانون کار عبارتند از:

اگر قرارداد برای مدت موقت یا کار معین منعقد باشد، هیچ یک به تنهایی حق فسخ ندارند (ماده ۲۵ قانون کار). هر نوع تغییر عمده در شرایط کار برخلاف عرف معمول کارگاه یا محل کار، پس از موافقت اداره کار و امور اجتماعی محل قابل اجراء خواهد بود (ماده ۲۶).

هرگاه کارگر قصور ورزد و یا آیین نامه‌های انضباطی کارگاه را نقض کند، کارفرما حق دارد پس از موافقت شورای اسلامی کار، علاوه بر مطالبات حقوق معوقه نسبت به هر سال سابقه کار معادل یک ماه آخرین حقوق کارگر را به عنوان «حق سنوات» به وی پرداخته و قرارداد کار را فسخ نماید (ماده ۲۷). در صورت از کارافتادگی کلی و

یا بازنشستگی کارگر، کارفرما بر اساس آخرین مزد کارگر به نسبت هر سال سابقه خدمت حقوقی به میزان ۳۰ روز مزد پرداخت می‌کند (ماده ۳۱). اگر خاتمه قرارداد کار، در نتیجه کاهش توانایی‌های جسمی و فکری ناشی از کار کارگر باشد، کارفرما مکلف است به نسبت هر سال سابقه، معادل دو ماه آخرین حقوق به وی پرداخت نماید (ماده ۳۲). شورای عالی کار همه ساله میزان حداقل مزد کارگران را تعیین می‌کند (ماده ۴۱). ساعت کار کارگران در شبانه روز نباید از ۸ ساعت تجاوز کند (ماده ۵۱). برای هر ساعت کار در شب تنها به کارگران غیرنوبتی ۰/۰۳۵ اضافه بر مزد ساعت کار عادی تعلق می‌گیرد (ماده ۵۸).

۴- عبارات «بقاع متبرکه، مساجد، حسینیه‌ها و تکایا» مذکور در آیین‌نامه فوق‌الاشاره، ناظر بر اماکن مذهبی اسلامی می‌باشد و در خصوص اقلیت‌ها مصداق ندارد (نظریه ۱۴۶۷۵ - ۱۳۸۰/۶/۱۴ اداره حقوقی ریاست جمهوری).

۵- با عنایت به اطلاق عبارات «مدارس علوم دینی موقوفه و موقوفات عام غیرتولیدی» مذکور در آیین‌نامه و شمول آن به مدارس علوم دینی موقوفه و موقوفات عام غیرتولیدی اقلیت‌های مذهبی، خدام اماکن مذکور نیز مشمول آیین‌نامه قرار می‌گیرند (نظریه ۱۴۶۷۵ - ۱۳۸۰/۶/۱۴ اداره حقوقی ریاست جمهوری).

آیین‌نامه اجرایی بند (۳) از ماده (۲۴) قانون مالیات‌های مستقیم

« مصوب ۱۳۶۶ مصوب ۱۳۷۲/۱۲/۲۴ هیأت وزیران

- ماده ۱- استفاده از معافیت مالیاتی نسبت به اموالی که برای سازمان‌های مذکور در بندهای (۱)، (۲) و (۴) ماده (۲) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ که از این پس به اختصار قانون نامیده می‌شود، یا امور مندرج در بند (۳) ماده مزبور مورد وقف یا حبس یا نذر واقع گردد یا به موجب وصیت‌نامه قطعی شده مورد وصیت واقع شده است موقوف به رعایت مقررات زیر خواهد بود:
 - الف- در صورتی که وقف یا حبس یا نذر یا وصیت برای سازمان‌ها و مؤسسات مندرج در بندهای (۱)، (۲) و (۴) ماده (۲) قانون باشد گواهی لازم مبنی بر اینکه مال در اختیار آن‌ها قرار گرفته است، حسب مورد باید به امضای بالاترین مقام اجرایی از سازمان‌ها مؤسسات مذکور اخذ و به ضمیمه یک نسخه از تصویر یا رونوشت مصدق وقف‌نامه یا حبس‌نامه یا نذرنامه یا وصیت‌نامه به اداره امور اقتصادی و دارایی محل تسلیم شود.
 - ب- در صورتی که وقف یا حبس یا نذر یا وصیت برای انجام امور مندرج در

بند (۳) ماده (۲) قانون باشد باید گواهی لازم از مراجع صلاحیت‌دار دولتی یا شهرداری مربوط یا مرجع مورد قبول دولت مبنی بر اعمال نظارت، اخذ و به انضمام نسخه‌ای از تصویر یا رونوشت مصدق وقف‌نامه یا حبس‌نامه یا نذرنامه یا وصیت‌نامه معتبر به اداره امور اقتصادی و دارایی محل تسلیم شود.

«با توجه به نظریه فقهای شورای نگهبان به شرح بین‌الهللین (دریافت مالیات بر رقبات موقوفات عام و خاص خلاف شرع انور است، اما مالیات بر درآمد اشکالی ندارد)، به استناد قسمت اول ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری تصمیم شماره ۳۰/۴/۳۴۴۲ مورخ ۶۹/۲/۴ هیأت عمومی شورای عالی [مالیاتی] ابطال می‌گردد (رای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۲ تیر ۱۳۷۵، کلاسه پرونده ۷۴/۷۷، شماره دادنامه ۵۶/۷۵).

- ماده ۲- حق نظارت دولت یا شهرداری یا مراجعی که مورد قبول دولت واقع می‌شوند به یکی از جهات زیر حاصل خواهد شد:
 - الف- به موجب قانون ایجاد شده یا بشود.
 - ب- مستند به وقف‌نامه یا حبس‌نامه یا نذرنامه یا وصیت‌نامه معتبر باشد.
 - ج- از طرف متصدی امور وقف، حبس، نذر و یا وصی داده شود.
 - د- انجام امور مندرج در بند (۳) ماده (۲) قانون به یکی از سازمان‌ها و مؤسسات مذکور در بندهای (۱) و (۲) ماده مزبور محول شده باشد.
- ماده ۳- اداره امور اقتصادی و دارایی محل مکلف است ظرف سی روز پس از دریافت گواهی‌نامه موضوع بندهای الف و ب ماده (۱) این آیین‌نامه گواهی معافیت مالیاتی مقرر در ماده (۲۴) قانون مالیات‌های مستقیم را صادر و به متقاضی تسلیم کند.
- تبصره- معافیت مزبور مانع از اجرای تبصره (۳) ماده (۳۲) قانون مالیات‌های مستقیم و مطالبه مالیات متعلقه نخواهد بود.

آیین‌نامه اجرایی قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه

« مصوب ۱۳۷۴/۲/۳ هیأت وزیران با اصلاحات و الحاقات بعدی

● ماده ۱- تعاریف و اصطلاحات:

- ۱- مصلحت وقف: تأمین نظر واقف و منافع موقوف علیهم با رعایت غبطه موقوفه.
- ۲- متصرف: حسب مورد زارعان صاحب نسق یا قایم مقام قانونی آنان، مالکان اعیان و اشخاصی که به گونه‌ای عرصه و یا عرصه و اعیان موقوفه تبدیل یا فروخته شده را در ید و اختیار دارند.
- ۳- حقوق مکتسب متصرف: هر نوع حقی که برای متصرف تحت شرایط قانونی معینی حاصل شده باشد، از قبیل مالکیت اعیان، تحجیر، حقوق کسب و پیشه، حق نسق زارعه، حفر چاه، غرس اشجار و مانند آن.
- ۴- مجوز شرعی: مجوزی که براساس ضوابط شرع مقدس اسلام در مورد تبدیل یا فروش اموال موقوفه توسط مجتهد جامع‌الشرایط صادر شده باشد.

۵- زارع صاحب نسق: کسی است که مالک زمین نیست و با دارا بودن یک یا چند عامل زراعتی شخصاً یا با کمک خانواده خود در اراضی موقوفه زراعت می‌نماید و مقداری از محصول را به صورت نقدی یا جنسی به عنوان اجاره‌بها به موقوفه می‌دهد و نسق مورد زراعت وی مشمول قوانین اصلاحات ارضی بوده است.

۶- زراعت: تولید محصول به وسیله عملیات زراعتی یا باغ‌داری.

۷- مرتع: زمینی است اعم از کوه و دامنه یا زمینی مسطح که در آن نباتات علوفه‌ای به طور طبیعی روییده و در هر هکتار آن حداقل تعلیف سه رأس گوسفند یا معادل آن از انواع دام‌های دیگر، در یک فصل چرا امکان پذیر باشد.

۸- بیشه یا قلمستان: زمینی است که در آن درختان غیر مثمر به وسیله اشخاص غرس شده و تعداد درخت در هر هکتار آن از هزار اصله تجاوز نماید.

۹- باغ: زمینی است که در آن درختان مثمر یا مو به وسیله اشخاص غرس شده و عرفاً باغ شناخته شود.

۱- با حدوث تخلفات مستأجر و انقضای مدت اجاره، تخلیه ملک از طرف اداره اوقاف قابل پذیرش است. ولی اداره اوقاف حقی نسبت به مطالبه سرقفلی ناشی از تخلف مستأجر کل ندارد. زیرا حق کسب و پیشه مقرر در قانون روابط موجر و مستأجر از آن مستأجر است نه موجر (نظریه شماره ۷/۲۲۳۹ - ۱۶/۴/۱۳۷۸ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۲- در صورتی که مستأجر طبق مفاد قرارداد در مورد اجاره احداث بنا نموده و تخلفی نیز از شرایط مندرج در قرارداد نکرده باشد، پذیرش دعوی خلع ید یا تخلیه توجیه قانونی ندارد (نظریه شماره ۷/۶۲۰۹ - ۹/۹/۱۳۷۷ اداره کل حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه).

۳- «الف- به موجب نظریه شماره ۸۲/۳۰/۳۵۰۱ مورخ ۸۲/۴/۱۴ فقهای شورای نگهبان بند (۴) ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب

و اراضی موقوفه مصوب ۷۴/۲/۳ هیأت وزیران مغایر با موازین شرع شناخته نشد. ب- نظر به این که حسب قواعد فقهی و قانون مدنی تحقق وقف موکول به حبس عین و تسبیل منفعت و تأیید عین موقوفه است که تنها در صورت سلب منفعت یا بیم سفک دماء بین موقوف علیهم بیع وقف جایز خواهد بود، احراز شرایط بیع وقف منوط به جواز شرعی است و به موجب ماده واحده قانون ابطال اسناد فروش رقبات آب و اراضی موقوفه از تاریخ تصویب قانون مذکور کلیه موقوفاتی که بدون مجوز شرعی به فروش رسیده یا به صورتی به ملکیت درآمده باشد به وقفیت خود برمی گردد و اسناد مالکیت صادر شده باطل و از درجه اعتبار ساقط می شود. لذا از آن جایی که تشخیص تحقق شرایط فروش وقف منوط به نظر فردی آگاه به مسایل شرعی و آشنا به ضوابط مربوطه می باشد که حسب مورد وجود مجوز را احراز نماید، بنابراین بند ۴ ماده ۱ آیین نامه اجرایی قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه که بر اساس صدور مجوز شرعی توسط مجتهد جامع الشرایط تنظیم شده خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص نگردید». (رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۴ بهمن ۱۳۸۳، کلاسه پرونده ۸۱/۳۴۴، شماره دادنامه ۵۵۶/۸۳).

● ماده ۲ - (اصلاحی ۱۳۸۱/۱۲/۲۸) ادارات اوقاف و امور خیریه و متولیان موقوفات مکلفند با توجه به سوابق ثبتی، موقوفات عامه ای را که به فروش رسیده یا به صورتی به ملکیت اشخاص درآمده است، صورت برداری و همراه با مستندات و دلایل به سازمان اوقاف و امور خیریه ارسال نمایند. سازمان اوقاف ضمن مطلع نمودن متصرف یا متصرفین این موقوفات و یا اشخاص ذی نفع دیگر، موضوع را به کمیسیون مرکب از سه نفر فقیه صاحب نظر که با انتخاب و زیر نظر نماینده ولی فقیه در سازمان یاد شده تشکیل می شود ارجاع می کند، کمیسیون مذکور نظر خود را در مورد جواز شرعی فروش یا تبدیل رقبات، با توجه به اسناد و مدارک ارایه شده اداره اوقاف و متولی ذی ربط و همچنین اشخاص ذی نفع در موقوفه اعلام می نماید. در صورتی که تبدیل و فروش رقبه موقوفه به نظر

کمیسیون با مجوز شرعی انجام شده باشد معامله تأیید می‌شود و در غیر این صورت نظر نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه دایر بر بطلان سند فروش یا تبدیل موقوفه همزمان به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و متصرف یا متصرفین و یا اشخاص ذی نفع در موقوفه ابلاغ می‌شود. ادارات ثبت بر اساس این تصمیم نسبت به بطلان سند در سوابق ثبتی و دفاتر مربوط ثبت و صدور سند جدید به نام موقوفه اقدام خواهند نمود.

۱- در خصوص ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون ابطال اسناد فروش رقبات موقوفه، توجه به چند نکته ضروری است:

الف) ادارات اوقاف با توجه به سوابق ثبتی از موقوفات عامه‌ای که به فروش رفته صورت‌برداری می‌کنند.

ب) مستندات به دست آمده را با دلایل به سازمان متبوع ارسال می‌دارند.

ج) سازمان اوقاف موضوع را به کمیسیونی مرکب از فقهای صاحب نظر که تحت نظر نماینده ولی فقیه تشکیل می‌شود ارجاع می‌دهد.

د) کمیسیون اگر تشخیص داد که تبدیل و فروش با مجوز شرعی انجام شده معامله را تأیید می‌کند تا از شمول اسناد ابطال شده شرعی و قانونی خارج گردد.
ه) در غیر این صورت برای بطلان سند اقدام می‌گردد.

و) به جهت رعایت حال و عدم تضرر متصرفین و صاحبان غیرشرعی موقوفات که به حکم قانون اسناد آنها باطل گردیده تبصره ۳ ماده واحده، آنان را برای دریافت خسارت وارده راهنمایی کرده که به فروشنده مراجعه کنند.

۲- موضوع ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون ابطال اسناد فروش رقبات و آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۷۴/۴/۳ هیأت وزیران در جلسه فقهای شورای نگهبان مطرح شد که مغایر با موازین شرع شناخته نگردد.

۳- «نظر به این که مفاد ماده مذکور با عنایت به ماده واحده قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه و تبصره‌های آن در مقام تبیین حکم قانون‌گذار به تصویب رسیده و متضمن وضع قاعده آمره مستقلی نیست، بنابراین ماده ۲ آیین‌نامه فوق‌الذکر مغایر قانون و خارج از حدود اختیار قوه مجریه در وضع نظامات دولتی نمی‌باشد» (رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۲۱ اسفند ۱۳۷۹، کلاس پرونده ۷۹/۱۰۷، شماره دادنامه ۷۹/۳۹۶).

۴- چنان‌چه در خصوص رقبه‌ای که به عنوان ملک ثبت شده و سابقه فروش وقفی نداشته ادعای وقفیت گردد، موضوع از شمول قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه و نیز صلاحیت کمیسیون ماده (۲) فصل دوم آیین‌نامه موصوف خارج و رسیدگی به دعوی وقفیت در صلاحیت دادگاه حقوقی خواهد بود.

۵- از تاریخ تصویب قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه، کلیه موقوفات عام که بدون مجوز شرعی به فروش رسیده یا به صورتی به ملکیت در آمده باشد به وقفیت خود بر می‌گردد.

۶- «نظر به این که کمیسیون بند (ب) ماده (۲) آیین‌نامه قانون ابطال اسناد فروش رقبات آب و اراضی موقوفه صرفاً به منظور تشخیص مصادیق مورد نظر قانون‌گذار تشکیل و جنبه کارشناسی دارد و حسب قسمت اخیر بند مزبور، تعیین تکلیف قطعی نسبت به موضوع با دادگاه مدنی خاص می‌باشد و ماده ۱۰ آیین‌نامه نیز در مقام تبیین حکم کلی ماده واحده است، علی‌هذا به اتفاق آراء موارد فوق، مخالف و مغایر با قانون، تشخیص نگردد» (رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ

۲۳ فروردین ۱۳۶۹، کلاسسه پرونده ۱۳۶۶/۸۸، شماره دادنامه ۶/۶۹.

- ماده ۳ - (اصلاحی ۱۳۸۰/۸/۲) پس از ابطال انتقالات بعد از وقف، اداره اوقاف و امور خیریه یا متولی با رعایت تبصره (۴) ماده واحده قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه، متصرف را برای تنظیم سند اجاره دعوت می نماید و در صورتی که متصرف ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ رؤیت نامه اوقاف برای تنظیم سند اجاره مراجعه ننماید به شرح زیر اقدام خواهند نمود:
 - ۱- از متصرف قبلی با رعایت حقوق مکتسب او خلع ید شده و موقوفه با در نظر گرفتن صرفه و صلاح وقف به داوطلبان دیگر اجاره داده خواهد شد.
 - ۲- در صورتی که در مورد میزان حقوق مکتسب قبلی بین او و اداره اوقاف و امور خیریه یا متولی اختلافی به وجود آید از طریق مراجع قضایی تعیین تکلیف خواهد شد. دادگاه‌ها این گونه موارد را خارج از نوبت رسیدگی و به صدور حکم مبادرت می نمایند.

□ تبصره - (الحاقی ۱۳۸۰/۸/۲) در مواردی که در اجرای این قانون از زارعان صاحب نسق خلع ید می گردد [اگر دد] در صورت تقاضای زارعان، وزارت جهاد کشاورزی مکلف است از اراضی مستعد کشاورزی موجود در منطقه و در صورت نبودن اراضی قابل واگذاری در منطقه، از اراضی سایر مناطق، با رعایت قوانین و مقررات جاری نسبت به واگذاری اراضی به آنان با رعایت اولویت اقدام نمایند.

۱- نظر به این که ماده ۳ «آیین نامه اجرایی قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۷۴/۲/۳» در راستای تبصره ۶ و با رعایت تبصره ۴ «ماده واحده قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۷۱/۱۱/۲۵» تصویب شده است و متضمن حکمی فراتر از قانون مذکور نیست، بنابراین مخالفتی با قانون ندارد و موجبی برای ابطال آن به نظر نمی رسد (ر.ک: رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، کلاسسه پرونده ۵۵۷/۸۸، شماره دادنامه ۲۴۳، مورخ ۱۳۹۰/۰۶/۰۷).

۲- «با توجه به ماده واحده قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مبتنی بر ابطال اسناد مالکیت کلیه موقوفات عام که بدون مجوز شرعی به فروش رسیده است و تثبیت وقفیت آن‌ها و با عنایت به حکم مندرج در تبصره‌های یک و سه ماده واحده مزبور مشعر بر تجویز واگذاری موقوفه به عنوان اجاره و لزوم مراعات حقوق مکتسب قانونی اشخاص و تأیید استحقاق اشخاص به دریافت خسارت از فروشندگان زمین یا خانه موقوفه که سند مالکیت آن‌ها ابطال شده است، تبصره ماده ۳ آیین‌نامه ابطال اسناد و فروش رقبات آب و اراضی موقوفه در خصوص تنظیم سند اجاره با مالکین اعیانی مغایر قانون شناخته نمی‌شود» (رای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۷۲، کلاسه پرونده ۷۱/۲۰۲، شماره دادنامه ۳۲/۷۲).

لازم به ذکر است تبصره آیین‌نامه مذکور در تاریخ ۱۳۸۰/۸/۲ به ماده (۳) ملحق گردید.

۳- «بند یک ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه در خصوص خلع ید متصرف رقبه موقوفه در صورت امتناع از تنظیم اجاره‌نامه با رعایت مقررات قانون مربوط مغایرتی با قانون ندارد» (رای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۲۰ شهریور ۱۳۷۸، کلاسه پرونده ۷۷/۱۴۱، شماره دادنامه ۲۵۶/۷۸).

- ماده ۴- موقوفات مشمول این آیین‌نامه که به نحوی از انحاء در رهن یا وثیقه یا تأمین و بازداشت اشخاص ثالث قرار گرفته به تبع ابطال اسناد مالکیت، آزاد خواهد شد. ادارات اوقاف هنگام تنظیم سند اجاره با استعلام از اداره ثبت محل، مراتب را به اطلاع اشخاص ذی‌نفع خواهند رساند تا نسبت به استیفای حقوق خود از سایر اموال متعهد اقدام نمایند.

- ماده ۵- در مورد موقوفات مزروعی مشمول قانون اجازه تبدیل به احسن و

واگذاری دهات و مزارع موقوفه عام مصوب ۱۳۵۰ و سایر مراحل اصلاحات ارضی به ترتیب زیر عمل خواهد شد:

الف- در صورتی که موقوفات یاد شده به دولت (وزارت کشاورزی) واگذار شده ولی تاکنون اسناد فروش آن به زارعان، تنظیم نشده نمایندگان اداره اوقاف و امور خیریه و اداره کشاورزی محل و متولیان مربوط در دفترخانه اسناد رسمی حاضر و بطلان سند را در دفاتر و هامش سند قید و به وسیله دفترخانه یاد شده موضوع به اداره ثبت محل برای اصلاح اسناد اعلام خواهد شد.

ب- (اصلاحی ۱۳۸۱/۱۲/۲۸) هرگاه موقوفه مزروعی پس از انتقال به دولت با تنظیم سند رسمی به زارعان مربوط واگذار شده باشد، برای ابطال اسناد یا تأیید فروش آن به همان ترتیبی که در این آیین نامه آمده است عمل خواهد شد.

● ماده ۶- (اصلاحی ۱۳۸۰/۸/۲) پس از انجام موارد مندرج در بندهای «الف» و «ب» ماده (۵)، ادارات اوقاف نسبت به موقوفات تصرف شده و متولیان نسبت به موقوفات تحت تولیت خود مطابق مفاد این آیین نامه با متصرفان و زارعان سند اجاره تنظیم می نمایند. مبلغ اجاره بها متناسب با مورد اجاره و با رعایت ارزش حقوق اکتسابی متصرفان و زارعان طبق نظر کارشناس رسمی یا خبره محلی تعیین می شود.

□ تبصره ۱- چنان چه بعضی از زارعان صاحب نسق به علت فوت یا انتقال یا بنا به علل دیگری در حال حاضر در اراضی یاد شده زارعت ننمایند با وراثت قانونی یا متصرفان فعلی رقبه قرارداد اجاره تنظیم خواهد شد. در تنظیم اسناد اجاره با این گونه متصرفان مفاد بند (۳) از ماده (۱) این آیین نامه مجری خواهد بود.

□ تبصره ۲- (اصلاحی ۱۳۷۵/۶/۴) اگر زارعان صاحب نسق در این گونه اراضی چاه حفر نموده باشند، موقوفه در صورت امکان نسبت به خرید آن اقدام می نماید و در این صورت اجاره بهای زمین بر اساس اراضی آبی تعیین خواهد شد در غیر این صورت کارشناس رسمی یا خبره

محلّی در موقع تعیین اجاره بها، موضوع مالکیت چاه و عرف محل را ملحوظ خواهد داشت.

□ تبصره ۳- در صورتی که زارعان صاحب نسق بخشی از اراضی نسق زراعتی خود یا تمامی آن را به باغ یا قلمستان و بیشه تبدیل نموده باشند اداره اوقاف یا متولی بایستی با توجه به تعاریف ذکر شده در ماده (۱) این آیین نامه نسبت به عرصه با آنان سند اجاره تنظیم نمایند.

□ تبصره ۴- (اصلاحی ۱۳۸۰/۸/۲) در صورتی که موقوفات مزروعی موضوع این آیین نامه در محدوده خدمات شهری قرار گرفته و کاربری زراعی آن تغییر یافته یا قابل تغییر باشد قبل از هرگونه اقدام در مورد تفکیک و واگذاری آن اراضی باید حقوق مکتسبه زارعان صاحب نسق با نظر کارشناس مرضی الطرفین و یا کارشناسان منتخب ادارات اوقاف و یا متولیان (حسب مورد) و زارع صاحب نسق به وسیله ادارات اوقاف و امور خیریه و یا متولیان شناسایی و به نحو مناسبی تأمین و تأدیه گردد. در صورت عدم توافق و تراضی در شناسایی و تقویم حقوق مکتسبه، به درخواست هر یک از طرفین، موضوع توسط مراجع قضایی ذی صلاح مورد رسیدگی قرار گرفته و حقوق مکتسبه زارعان برابر نظر دادگاه پرداخت می شود. ادارات اوقاف و متولیان مکلفند در واگذاری اراضی تغییر کاربری داده شده، در صورت تقاضای زارع صاحب به هر یک از افراد صاحب نسق برای اجاره یک قطعه از حداقل تفکیکی از همان اراضی اولویت قابل شوند.

«حکم مقرر در تبصره های ماده واحده قانون ابطال اسناد و فروش رقبات آب و اراضی موقوفه علی ذی صلاح الاطلاق مفید تثبیت حق اولویت متصرفین اموال غیر منقول موقوفه در انعقاد عقد اجاره با رعایت صرفه و صلاح وقف است. بنابراین تبصره ۴ ماده ۶ آیین نامه اجرایی قانون مذکور به لحاظ عدم ذکر حق اولویت مذکور، مفهوم نفی حق مکتسب قانونی مزبور در صورت تغییر کاربری ملک است، خلاف قانون تشخیص و به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می شود» (رای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ سوم آبان ۱۳۷۶، کلاس پرونده ۷۵/۲۵۴، شماره دادنامه ۱۰۰/۷۶). لازم به ذکر است ماده ۶ آیین نامه اجرایی قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه و تبصره های آن، در

تاریخ ۱۳۸۰/۸/۲، توسط هیأت وزیران اصلاح گردید.

● ماده ۷- کلیه اعیانی و مستحدثاتی که زارعان صاحب نسق احداث نموده باشند متعلق به زارعان آنها خواهد بود و سند اجاره فقط نسبت به عرصه به شرط رعایت کاربری زمین با آنان تنظیم خواهد شد.

□ تبصره ۱- چنانچه در اجرای قوانین مختلف اراضی زارعان در اختیار اشخاص حقیقی یا حقوقی قرار گرفته و در این گونه اراضی مستحدثاتی ایجاد کرده باشند مستحدثات یاد شده متعلق به اشخاص یاد شده بوده و نسبت به عرصه با آنان سند اجاره تنظیم خواهد شد.

□ تبصره ۲- در صورتی که مستحدثاتی متعلق به موقوفه بوده و در اجرای قانون اجازه تبدیل به احسن و واگذاری دهات و مزارع موقوفه عام به زارعین صاحب نسق یا سایر قوانین مربوط به مراحل مختلف اصلاحات ارضی به زارعان صاحب نسق واگذار شده باشد (نظیر منازل مسکونی زارعان و محوطه مربوط به آن) و در حال حاضر نیز قابل بهره‌برداری باشد، حفظ و حراست آن به عهده متصرفان بوده و وجهی به عنوان اجاره بهای این گونه رقبات (عرصه و اعیان) بارعایت عرف محل دریافت نخواهد شد.

□ تبصره ۳- کلیه مستحدثاتی که در دهات و مزارع موقوفه توسط خوش نشین ها و یا اشخاص غیر احداث شده و با تأیید معتمدان محل، اعیان متعلق به آنان شناخته شده باشد سند اجاره بر اساس نظر کارشناس رسمی دادگستری یا خبره محلی فقط در مورد عرصه با صاحبان اعیان تنظیم خواهد شد.

□ تبصره ۴- (الحاقی ۱۳۸۰/۸/۲) به منظور ترویج فرهنگ احیاء و بهره‌وری از موقوفات و تشویق زارعان به ادامه کشت و زرع بر روی اراضی موقوفه و تسهیل عملیات زراعی آنان، بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی- اعتباری، بارعایت مقررات مربوط تریبی اتخاذ نمایند تا تسهیلات مالی لازم به زارعان صاحب نسق موقوفات اعطاء گردد. به نحوی که اعطای تسهیلات بانکی به این زارعان بدون توثیق و تهرین عرصه و صرفاً با استفاده از سند اعیانی، اخذ سفته، تضمین‌های زنجیرهای زارعان از یکدیگر و یا توثیق منافع واگذار شده از طریق

اجاره و حقوق مکتسبه متر تب بر آن امکان پذیر باشد. در مواردی که بانک‌ها بابت تسهیلات اعطایی به زارعان با توثیق سند اعیانی و حقوق مکتسبه نظر به تأمین مطالبات الوصول خود از محل منفعت اعیانی و حقوق مکتسبه مرتبط با اراضی موقوفه داشته باشند، ادارات اوقاف و متولیان، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری یا اشخاصی که توسط آنان معرفی می‌شوند را در اسناد اجاره جایگزین زارع بدهکار می‌نمایند.

□ تبصره ۵ - (الحاقی ۱۳۸۰/۸/۲ و اصلاحی ۱۳۸۲/۱۲/۲۰) به منظور رفاه زارعان صاحب نسق و فراهم نمودن زمینه فعالیت بیشتر در اراضی موقوفه، ادارات اوقاف و امور خیریه و متولیان حسب مورد، در صورتی که واقف ترتیب دیگری برای اداره موقوفه معین نکرده باشد، می‌توانند مدت اجاره زارعان را ده سال معین نمایند و در ضمن عقد اجاره شرط نمایند که در پایان مدت مزبور عقد اجاره با زارع مزبور و یا قائم مقام قانونی وی بر اساس اجاره‌بهای که با نظر کارشناس رسمی و یا خبره محلی بادر نظر گرفتن حقوق مکتسبه زارع تعیین می‌گردد، تجدید خواهد شد. در موارد خاص آن‌گاه که مصلحت وقف یا شرایط خاص دیگر اقتضا نکند افزایش مدت اجاره موقوفه برای بیش از ده سال با جلب نظر ریاست سازمان اوقاف و امور خیریه امکان پذیر می‌باشد.

● ماده ۸ - (به موجب رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۸۴۳ مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۱ ابطال گردید) احداث هرگونه اعیانی و باغ در اراضی نسق زارعان موقوفه توسط این زارعان با اخذ مجوز از سایر مراجع قانونی ذی‌ربط و بدون پرداخت پذیره مجاز می‌باشد. مستأجرین می‌توانند نسبت به ثبت اعیان‌هایی مستحدث از طریق ادارات ثبت اسناد و املاک اقدام نمایند و سند مالکیت دریافت دارند. ایجاد، توثیق و ترهین این‌گونه اعیان‌ها مجاز بوده و نیاز به اعلام موافقت جداگانه ادارات اوقاف و امور خیریه و یا متولیان ندارد.

۱- اگرچه ماده (۸) آیین‌نامه اجرایی قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه در تاریخ ۱۳۸۰/۸/۲ اصلاح گردید و احداث هرگونه اعیانی و باغ در اراضی

موقوفه توسط زارعان را بدون پرداخت پذیره مجاز دانست، لیکن این ماده نیز بر خلاف حقوق شرعی و قانونی موقوفات تلقی و با رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در اسفند ۸۴ ابطال گردید. زیرا، مطابق ماده ۱۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه، وجوه حاصله از محل پذیره و اهدایی نظیر اجاره‌بهای رقبات، موقوفات از عواید هر موقوفه محسوب می‌گردد که بایستی به مصارف مقرر در وقفنامه برسد. بنابراین ماده ۸ آیین‌نامه هیأت وزیران که معافیت از پرداخت پذیره را برای زارعان مجاز میدانست و حتی به آن‌ها حق داده بود که نسبت به اعیانی‌های مستحده بدون اجازه متولی سند مالکیت دریافت و آن‌ها را در توثیق و ترهین قرار دهند مغایر ماده ۱۳ قانون مذکور بود.

۲- شورای نگهبان در خصوص ادعای مغایرت ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفات طی نامه شماره ۱۴۵۶۶/۳۰ مورخ ۱۳۸۴/۱۱/۲۵ اعلام داشت، ماده مذکور خلاف موازین شرع دانسته شد. زیرا با توجه به این که احداث و ایجاد اعیان مذکوره در این گونه اراضی خارج از محدوده اجاره است، فلذا انجام آن بدون کسب اجازه از اداره اوقاف یا متولیان آن‌ها خلاف موازین شرع می‌باشد، بالتبع نپرداختن پذیره اراضی (اصلاحیه ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی) نیز خلاف موازین شرع است.

۳- «... ب- به شرح نظریه شماره ۳۰/۱۴۵۶۶ مورخ ۱۳۸۴/۱۱/۲۵ فقهای محترم شورای نگهبان ماده ۸ تصویب‌نامه شماره ۳۷۱۲۷/ت ۲۲۹۰۵ مورخ ۱۳۸۰/۸/۱۳ هیأت وزیران خلاف احکام شرع شناخته شده است. بنابراین به استناد قسمت اول ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ماده مزبور ابطال می‌شود (رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ، ۲۱ اسفند ۱۳۸۴، کلاس پرونده ۸۰/۴۷۰، ۸۳/۶۳۵ و ۷۵۱، ۸۴/۵۱، شماره دادنامه ۸۴/۴۳ الی ۸۴۶).

● ماده ۹- هرگاه در تشخیص زارع صاحب نسق اختلافی به وجود آید، فرم‌ها و

اسناد و صورت جلسات تنظیمی در اجرای قوانین اصلاحات اراضی ملاک عمل خواهد بود.

● ماده ۱۰ - (الحاقی ۱۳۷۸/۲/۱۵) چنان چه تمام یا بخشی از اراضی قابل واگذاری واقع در حریم روستاهای موقوفات عامه در اجرای ماده (۵۶) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع - مصوب ۱۳۴۶ - به عنوان انفال، منابع ملی اعلام شده باشد، می‌باید حق بهره‌برداری آن توسط سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور به سازمان اوقاف و امور خیریه و متولیان واگذار شود.

□ تبصره ۱ - اراضی مذکور در حکم موقوفه بوده و در حدود محدوده و حریم روستای موقوفه و بنا به درخواست سازمان اوقاف و امور خیریه واگذار خواهد شد.

□ تبصره ۲ - هرگونه تغییر کاربری در این اراضی منوط به موافقت سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور و نیز اخذ مجوز از سایر مراجع قانونی ذی ربط خواهد بود.

□ تبصره ۳ - سازمان‌های یاد شده مکلفند ظرف حداکثر دو سال نقل و انتقال زمین‌های موضوع این ماده را محقق نمایند.

□ تبصره ۴ - چنان چه این گونه اراضی از طریق دولت به اشخاص حقیقی یا حقوقی به صورت اجاره یا فروش واگذار گردیده باشد اسناد تنظیمی با اطلاع دستگاه اجرایی مربوط اصلاح و با متصرف نسبت به عرصه سند اجاره تنظیم خواهد شد. کلیه مستحقاتی که در این اراضی توسط متصرفین احداث شده باشد متعلق به آنان خواهد بود.

۱ - «با توجه به رأی شماره ۶ مورخ ۶۹/۱/۲۳ هیأت عمومی، که بر اساس مفاد آن، ماده ۱۰ آیین‌نامه در مقام تبیین حکم کلی ماده واحده بوده و مخالف و مغایر با قانون تشخیص نگر دیده، لذا موجبی برای طرح مجدد نمی‌باشد» (رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۲۹ خرداد ۱۳۶۹، کلاس پرونده ۶۸/۱، شماره دادنامه ۸۳/۶۹).

۲- سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور به سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور تغییر نام یافته است.

● ماده ۱۱- در مورد زارعان و متصرفان و صاحبان اعیانی و انتقال گیرندگان موقوفات عام- موضوع مواد (۵ و ۹) این آیین‌نامه- در صورت خودداری از تنظیم سند اجاره طبق ماده (۳) عمل خواهد شد.

با مصوبه ۱۳۷۸/۲/۱۵ هیأت وزیران متنی به عنوان ماده (۱۰) به آیین‌نامه اجرایی قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه ۱۳۷۴/۲/۳ اضافه گردید و شماره ماده (۱۰) آن به (۱۱) و شماره‌های بعدی الی آخر به همین ترتیب تغییر یافت.

● ماده ۱۲- وجوه حاصل از فروش موقوفات مزروعی که در حساب شماره (۵۵۵۷) بانک تعاون کشاورزی تودیع شده و اهدایی دولت به موقوفه تلقی شده به نسبت دستور پرداخت‌های وصولی مربوط به هر موقوفه به حساب همان موقوفه منظور و واریز خواهد شد تا در صورت لزوم صرف عمران و آبادی موقوفه شود.

● ماده ۱۳- به منظور رسیدگی به حساب بدهی معوق زارعان، از تاریخ فروش تا تاریخ تنظیم سند اجاره جدید با توجه به مفاد تبصره (۱) ماده (۶) این آیین‌نامه اجاره‌بها تعیین و تا میزان پرداخت‌های زارعان به حساب دولت با ارائه مدارک پرداخت اقساطی آنان تهاتر و در صورتی که زارعان بدهکار شوند مابه‌التفاوت محاسبه و به صورت نقد یا اقساط از آنان وصول و به حساب موقوفه واریز خواهد شد.

● ماده ۱۴- کلیه مقررات این آیین‌نامه در مورد آب‌های موقوفه که عواید آن‌ها به مصارف عام می‌رسد نیز مجری است.

● ماده ۱۵- در مواردی که جهت مورد نظر واقف تغییر یافته باشد به صورت اصلی

بازگردانده می‌شود مگر این که بازگرداندن آن به وضع اول موجب عسر و حرج و قلت درآمد و امثال آن باشد که در این صورت ابقای آن به صورت فعلی با اجازه ولی فقیه یا نماینده ایشان در سازمان اوقاف و امور خیریه بلاشکال خواهد بود.

● ماده ۱۶- در مورد ابلاغ نظرات کمیسیون موضوع ماده (۲) و اخطارها و دعوت‌نامه‌هایی که ادارات اوقاف و امور خیریه در اجرای این آیین‌نامه صادر و ارسال می‌نمایند مقررات مربوط به ابلاغ تصمیمات شعب تحقیق اوقاف «مواد (۱۰) و (۲۹) و (۳۱)» آیین‌نامه کیفیت تحقیق در شعب تحقیق سازمان حج و اوقاف و امور خیریه- موضوع تصویب‌نامه شماره ۹۳۳۶۶ مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۱۸- رعایت خواهد شد.

● ماده ۱۷- مقررات این آیین‌نامه شامل موقوفات آستان قدس رضوی و حضرت معصومه و حضرت احمد بن موسی (علیه السلام) و سایر موقوفاتی که متولیان آن‌ها منصوب از طرف ولی فقیه باشند نیز می‌شود. متولیان و امنای این موقوفات راساً امور اجرایی را طبق ماده واحده قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه و این آیین‌نامه به عهده خواهند داشت.

□ تبصره- متولیان موقوفات یاد شده می‌توانند در تشکیل کمیسیون موضوع ماده (۲) این آیین‌نامه تنها برای موقوفات تحت تولیت خود اقدام نمایند.

● ماده ۱۸- از تاریخ تصویب این آیین‌نامه کلیه مصوبات هیأت دولت که مغایر با این آیین‌نامه است ملغی می‌باشد.

همکاری دستگاه‌های اجرایی در طرح جامع ملی و مذهبی شناسنامه مساجد با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

« مصوب ۱۳۷۵/۳/۲۷ رییس جمهور

- نظر به این که قرار است طرح جامع ملی و مذهبی شناسنامه مساجد در تیرماه سال جاری توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری مرکز آمار ایران اجراء گردد، علی‌هذا با توجه به اهمیت طرح، مقتضی است کلیه دستگاه‌های اجرایی در جهت کمک به تجهیز امکانات و سایر اموری که موجب تسریع در انجام این امر می‌شود نهایت مساعدت و همکاری لازم را با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (ستادهای اجرایی طرح) معمول دارند.

آیین نامه سامان دهی، بهسازی و عمران مساجد کشور

« مصوب ۱۳۷۶/۴/۸ هیأت وزیران

● ماده ۱- وزارت راه و ترابری، سازمان‌ها و شرکت‌های تابعه آن مکلفند، در قالب طرح‌های مصوب در دست اجرای خود، مشتمل بر کلیه راه‌ها، پایانه‌ها، پایانه‌های مرزی، فرودگاه‌ها، بنادر و ایستگاه‌های راه آهن، احداث مسجد یا نمازخانه مناسب را پیش‌بینی و در راه‌های موجود با استفاده از اعتبارات فصل راه و ترابری و سایر اعتباراتی که تأمین خواهد شد، ترجیحاً در قالب مجتمع‌های خدمات رفاهی، نسبت به احداث مسجد یا نمازخانه مناسب اقدام نمایند.

در تاریخ ۳۱ خرداد ۱۳۹۰، با رأی مجلس شورای اسلامی و سپس تأیید شورای نگهبان، وزارت راه و شهرسازی، از ادغام دو وزارتخانه راه و ترابری و مسکن و شهرسازی به وجود آمد.

● ماده ۲- سازمان حمل و نقل پایانه‌های کشور موظف است، طرح جامع احداث مساجد یا نمازخانه‌های بین راهی اعم از مکان یابی، طراحی و ساخت را با

هماهنگی سازمان تبلیغات اسلامی (صندوق عمران مساجد) تهیه نماید.

□ تبصره ۱- کلیه دستگاه‌های دولتی و غیردولتی و اشخاص حقیقی و حقوقی، در صورت تمایل به ساخت مساجد یا نماز خانه بین راهی، موظف به رعایت طرح مذکور می‌باشند.

□ تبصره ۲- اداره، تعمیر و نگهداری مساجد موضوع این ماده به عهده وزارت راه و ترابری و سازمان‌ها و شرکت‌های تابعه آن می‌باشد.

برابر مصوبه شماره ۷۴۰۲۲/۱۹۰۱ مورخ ۱۳۸۲/۸/۲۲ شورای عالی اداری، کلیه وظایف، نیروی انسانی، تجهیزات، تعهدات و اعتبارات «معاونت راهداری وزارت راه و ترابری» به سازمان حمل و نقل و پایانه‌های کشور منتقل و معاونت مذکور از تشکیلات «وزارت راه و ترابری» حذف گردید و نام سازمان به «سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای» تغییر یافت.

● ماده ۳- وزارت خانه‌های مسکن و شهرسازی و کشور مکلفند، به ترتیب در طرح‌های جامع و هادی شهرها، فضاهای مناسب را جهت احداث مساجد یا نمازخانه و امکانات جنبی آن پیش‌بینی کنند. زمین‌های واگذاری از طریق وزارت خانه‌های مسکن و شهرسازی و جهاد سازندگی و شهرداری‌ها با اجازه دولت رایگان خواهد بود.

□ تبصره ۱- واگذاری زمین رایگان برای احداث مسجد توسط شهرداری‌ها با اجازه شوراهای شهر یا وزارت کشور به قائم مقامی از شورای شهر خواهد بود.

□ تبصره ۲- وزارت جهاد سازندگی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی موظفند در طرح‌های هادی روستاها، زمین مناسب را برای احداث مسجد یا نمازخانه پیش‌بینی نمایند.

۱- طرح جامع شهری (Plan Master) را می‌توان سیستمی دانست که خط مشی اصولی و کلی سیاست‌های شهری را تعیین می‌کند. طرح جامع شهر، عبارت است از طرح بلندمدتی که در آن نحوه استفاده از اراضی و منطقه‌بندی مربوط به حوزه‌های مسکونی، صنعتی، خدماتی، اداری و...، تأسیسات و تجهیزات شهری

و نیازمندی‌های عمومی شهری، خطوط کلی ارتباطی و سطح لازم برای ایجاد تأسیسات، تجهیزات و تعیین محدوده‌های نوسازی، بهسازی و... تعیین می‌شود. به عبارت دیگر طرح جامع شهری را می‌توان سیستمی دانست که خط مشی اصولی و کلی سیاست‌های شهری را تعیین کرده و اغلب در مورد شهرهای بزرگ و شهرهایی که بیش از ۲۵۰۰۰ نفر جمعیت دارند تهیه می‌گردد.

۲- طرح هادی روستا طرحی است که ضمن سامان‌دهی و اصلاح بافت موجود، میزان و مکان گسترش آبی و نحوه استفاده از زمین برای عملکردهای مختلف از قبیل مسکونی، تولیدی، تجاری و کشاورزی و تأسیسات و تجهیزات و نیازمندی‌های عمومی روستا را برحسب مورد در قالب مصوبات طرح‌های سامان‌دهی فضا و سکونت‌گاه‌های روستایی یا طرح‌های جامع ناحیه‌ای تعیین می‌نماید.

۳- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۱ فروردین سال ۱۳۵۸ به فرمان امام خمینی رضی الله عنه به منظور تأمین مسکن محرومان و متولی توسعه و عمران روستاهای کشور و ساخت واحدهای مسکونی شهرها تشکیل گردید. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در زمره نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی است که زیر نظر مقام ولایت فقیه قرار دارد (ر.ک: قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۹).

۴- «در راستای اصلاح و بهسازی تشکیلات دولت و به منظور فراهم آوردن موجبات توسعه پایدار کشاورزی و منابع طبیعی... وزارتخانه‌های کشاورزی و جهاد سازندگی ادغام و وزارت جهاد کشاورزی با کلیه اختیارات و وظایف که وزارتخانه‌های مذکور به موجب قوانین و مقررات دارا بوده‌اند تشکیل می‌گردد» (قانون تشکیل وزارت جهاد کشاورزی مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی).

● ماده ۴ - کلیه دستگاه‌های ارایه دهنده خدمات شهری موظفند، مجوز احداث و راه‌اندازی آن قسمت از واحدهای خدماتی متعلق به مساجد از قبیل (مرکز فرهنگی هنری، کتابخانه، خانه روحانی) را که درآمدهای آن به طور مستقیم صرف هزینه‌های جاری و عمرانی مسجد می‌شود، بدون اخذ وجه صادر نمایند. در مورد شهرداری‌ها عدم دریافت هزینه‌های صدور مجوز به تشخیص شورای شهر خواهد بود.

۱- در صورت تمایل شهرداری تهران می‌تواند نسبت به اعمال حمایت‌های مالی، پشتیبانی، خدماتی و تجهیزاتی در ایجاد و مرمت، بازسازی، نوسازی و بهینه‌سازی مساجد و نمازخانه‌های عمومی در شهر تهران و تمهید زمینه‌های لازم با رعایت اصل توزیع عادلانه در مقیاس‌های جغرافیایی مختلف از طریق دستورالعمل‌های مشخص اقدام ورزد (بند ج ماده ۱ مصوبه «چگونگی مشارکت شهرداری تهران در سامان‌دهی وضعیت مساجد در شهر تهران» مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۱ شورای اسلامی شهر تهران).

۲- شهرداری تهران می‌تواند در صورت لزوم نسبت به ساخت مساجد در مناطق شهری که با کمبود فضاهای مذکور مواجه هستند و یا مشارکت دیگر دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و بخش‌های غیر دولتی اقدام نماید (تبصره یک ماده ۳ مصوبه «چگونگی مشارکت شهرداری تهران در سامان‌دهی وضعیت مساجد در شهر تهران» مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۱ شورای اسلامی شهر تهران).

● ماده ۵- کلیه دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط موظفند، نسبت به احداث و نگهداری مساجد یا نمازخانه در دانشگاه‌ها، پادگان‌ها، شهرک‌ها و مجتمع‌های بزرگ صنعتی، کشاورزی و تولیدی، خدماتی، مجموعه‌های رفاهی، مجموعه‌های ورزشی و پارک‌ها- حسب مورد- اقدام نمایند.

کلیه وزارت‌خانه‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر و یا تصریح نام است از قبیل شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی، بانک‌ها و بیمه‌های دولتی، دستگاه اجرایی نامیده می‌شوند (ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری).

● ماده ۶- وزارت مسکن و شهرسازی مجاز است، در شهرهای جدید از طریق شرکت عمران شهرهای جدید و در پروژه‌های آماده‌سازی بزرگ از طریق سازمان ملی زمین و مسکن و با بهره‌گیری از شیوه مشارکت و تأمین بخشی از منابع ربالی مورد نیاز (که در بودجه سنواتی آن پیش‌بینی می‌شود) نسبت به احداث مسجد اقدام نماید.

□ تبصره ۱- هزینه‌های انجام‌شده از درآمدهای مشمول مالیات شرکت عمران شهرهای جدید و سازمان ملی زمین و مسکن کسر می‌شود.

□ تبصره ۲- تجهیز و نگهداری این مساجد بر عهده هیأت‌های امنا، سازمان تبلیغات اسلامی (صندوق عمران مساجد، مراکز رسیدگی به امور مساجد) و سازمان اوقاف و امور خیریه- حسب مورد- می‌باشد.

۱- مرکز رسیدگی به امور مساجد در زمره نهادها و مراکز وابسته و مرتبط با دفتر مقام معظم رهبری می‌باشد.

۲- اعضای هیأت امناء مسجد، ماهیتاً معاونین و بازوان اجرایی مدیر مسجد (امام جماعت) محسوب گردیده و به منظور تقسیم کار و سازمان‌دهی اداره صحیح مسجد، هر یک مسئول انجام بخشی از امور مسجد خواهند بود.

۳- اعضای هیأت امنای مسجد، از میان نمازگزاران، غالباً توسط مدیر مسجد انتخاب و جهت تأیید صلاحیت و صدور حکم رسمی به «مرکز رسیدگی به امور مساجد»

معرفی می‌شوند.

اعضای هیأت امناء در مقابل امام جماعت، نمازگزاران و متولی، پاسخ‌گوی مسایل حوزه مأموریت خود می‌باشند.

● ماده ۷- وزارتخانه‌های نفت، نیرو و پست و تلگراف و تلفن و شرکت‌های تابعه آن‌ها موظفند حق انشعاب آب، برق، گاز و هزینه مراسلات مساجد را به استثنای مراکز تجاری مربوط به صورت رایگان و هزینه مصرف مساجد را با نازل‌ترین تعرفه محاسبه کنند.

در سال ۱۳۸۲ همزمان با تصویب لایحه تغییر وظایف و نام وزارت پست و تلگراف و تلفن به «وزارت ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات» توسط مجلس شورای اسلامی و با توجه به تغییر ساختار شرکت مخابرات ایران، مجموعه قوانین و وظایف و اختیارات جدید این وزارتخانه تدوین و تصویب شد.

● ماده ۸- وزارت جهاد سازندگی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و سازمان اوقاف و امور خیریه موظفند، با استفاده از اعتبارات پیش‌بینی شده در بودجه‌های سنواتی و امکانات فنی و تجهیزات خود و کمک‌های مردمی با هماهنگی سازمان تبلیغات اسلامی (صندوق عمران مساجد) نسبت به ساخت، بازسازی و زیباسازی مساجد در مناطق مرزی و روستایی حسب مورد اقدام کنند.

□ تبصره - تعیین نقاط مورد نیاز ساخت مسجد به تشخیص کمیته‌ای مرکب از نمایندگان وزارت جهاد سازندگی و سازمان تبلیغات اسلامی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و امام جمعه و فرماندار خواهد بود.

● ماده ۹- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است، با استفاده از اعتبارات پیش‌بینی شده در بودجه سالانه خود، برای تکمیل و تعمیر و تجهیز مساجد کمک نماید.

● ماده ۱۰- سازمان تبلیغات اسلامی (صندوق عمران مساجد) و وزارت مسکن و شهرسازی (سازمان زمین و مسکن) موظفند، ضوابط لازم‌الرعایه در مکان‌یابی، طراحی و به‌طور کلی الگوی ساخت، تعمیر و زیباسازی مساجد را تهیه و به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری برسانند. کلیه دستگاه‌های مذکور در این تصویب‌نامه و سایر دستگاه‌های صادر کننده مجوز ساخت مساجد، ملزم به رعایت مفاد آن می‌باشند.

□ تبصره- خدمات تحقیق و مطالعه فنی مورد نیاز جهت اجرای بند فوق براساس توافق فیما بین صندوق عمران مساجد و سازمان ملی زمین و مسکن انجام خواهد شد.

به موجب ماده (۱) قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران (مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۲۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی)، برای هماهنگ کردن برنامه‌های شهرسازی به منظور ایجاد محیط زیست بهتر برای مردم همچنین به منظور اعتلای هنر معماری ایران و رعایت سبک‌های مختلف معماری سنتی و ملی و آرایه ضوابط و جنبه‌های اصیل آن با در نظر گرفتن روش‌های نوین علمی و فنی و در نتیجه یافتن شیوه‌های اصولی و مناسب ساختمانی در مناطق مختلف کشور با توجه به شرایط اقلیمی و طرز زندگی و مقتضیات محلی، شورای عالی شهرسازی و معماری ایران تأسیس می‌شود.

● ماده ۱۱- سازمان میراث فرهنگی کشور موظف است، نسبت به حفظ، احیا و مرمت مساجد قدیمی ثبت شده که جزء میراث فرهنگی کشور هستند، از محل اعتبارات پیش‌بینی شده در ردیف خاصی به این منظور، با اولویت ویژه اقدام نماید. در جلسه علنی ۲۳ دی ماه سال ۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی، سازمان‌های میراث فرهنگی ایران گردی و جهان‌گردی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتزع و بعد از ادغام آن‌ها سازمان میراث فرهنگی و گردشگری با کلیه اختیارات زیر نظر ریاست جمهوری تشکیل گردید. هم‌چنین با تصویب شورای عالی اداری در یکصد و سی‌امین جلسه مورخ ۱۳۸۵/۱/۱۶، به منظور تقویت و توسعه صنایع دستی کشور و ایجاد هماهنگی با سیاست‌های توسعه صنعت گردشگری سازمان

صنایع دستی ایران با تمام وظایف، اختیارات، مسئولیت‌های قانونی، دارایی‌ها، تعهدات، اعتبارات، امکانات و نیروی انسانی از وزارت صنایع و معادن منتزع و در سازمان میراث فرهنگی و گردشگری ادغام شد و نام آن به سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تغییر یافت.

● ماده ۱۲- سازمان تبلیغات اسلامی (صندوق عمران مساجد) موظف است، با همکاری سازمان تأمین اجتماعی نسبت به تهیه طرح تأمین اجتماعی خادمان مساجد اقدام و برای بررسی‌های بعدی به دولت ارایه کند.

۱- سازمان تبلیغات اسلامی نهادی است دینی و فرهنگی است که دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده و در اجرای فرمان حضرت امام خمینی رضی الله عنه در سال ۱۳۵۸ تأسیس گردید.

۲- خادم مسجد مسئول انجام امور خدماتی مسجد می‌باشد. در مساجد استان تهران خادم عمدتاً پس از معرفی توسط امام جماعت به مرکز رسیدگی به امور مساجد (و تأیید مرکز) به رسمیت شناخته خواهند شد.

● ماده ۱۳- سازمان برنامه و بودجه موظف است، نسبت به پیش‌بینی اعتبار لازم در بودجه‌های سنواتی کشور به منظور کمک به مساجد اقدام کند و موارد یاد شده در این تصویب‌نامه را در موافقت‌نامه‌های مبادله شده با دستگاه‌های اجرایی منظور کند.

از اساس نامه مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری

« مصوب ۱۳۷۸/۱۱/۱۳ هیأت وزیران

فصل اول - کلیات

- ماده ۱- به منظور هماهنگ کردن، متمرکز ساختن و اجرای برنامه‌های مطالعاتی و تحقیقاتی در زمینه شهرسازی و معماری در کشور و تهیه ضوابط، معیارها و آیین‌نامه‌های مربوط، به ویژه در زمینه شهرسازی و معماری اسلامی-ایرانی، هم‌چنین انجام راهنمایی‌های لازم در تهیه و اجرای طرح‌های شهرسازی و معماری متناسب با نیازهای کشور، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری که در این اساس نامه به اختصار «مرکز» نامیده می‌شود، وابسته به وزارت مسکن و شهرسازی تأسیس می‌شود.

...

- ماده ۳- وظایف مرکز به شرح زیر است:

...

ت- تحقیق و بررسی در زمینه معماری مسجد و جایگاه آن در شهرسازی اسلامی و انجام اقدامات لازم در خصوص طراحی مناسب برای مساجد و تحول اساسی در این امر.

۱- هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۱۳ بنا به پیشنهاد شماره ۷۲۱۰/۱۰۰۰/۱ مورخ ۱۳۷۷/۶/۳۱ وزارت مسکن و شهرسازی و تأیید سازمان امور استخدامی کشور و به استناد ماده واحده قانون اجازه تصویب اساس نامه مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری اسلامی- مصوب ۱۳۷۶- اساس نامه مرکز یادشده را تصویب نمود. همچنین این اساس نامه به موجب نامه شماره ۷۸/۲۱/۶۳۲۳ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۱۰ شورای محترم نگهبان، به تأیید شورای یاد شده رسیده است.

۲- اصلاح این اساس نامه با پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی و تأیید سازمان امور اداری و استخدامی کشور و تصویب هیأت دولت امکان پذیر می باشد.

از آیین نامه اجرایی موضوع تبصره (۳) ماده (۱۳۹) اصلاحی قانون
مالیات های مستقیم، مصوب ۱۳۸۰
« مصوب ۱۳۸۱/۱۱/۳۰ هیأت وزیران

فصل اول - معافیت موضوع بند (الف) ماده (۱۳۹)

● ماده ۱- معافیت مالیاتی موضوع بند (الف) ماده (۱۳۹) صرفاً در مورد بقاع موصوف که فهرست آنها توسط سازمان اوقاف و امور خیریه به سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می شود، جاری خواهد بود. تشخیص سایر بقاع متبرکه، بر عهده سازمان یادشده می باشد.

«با توجه به نظریه فقهای محترم شورای نگهبان به شرح بین‌الیهالین (دریافت مالیات بر رقبات موقوفات عام و خاص خلاف شرع انور است، اما مالیات بر درآمد اشکالی ندارد)، به استناد قسمت اول ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری تصمیم شماره ۳۰/۴/۳۴۴۲ مورخ ۶۹/۲/۴ هیأت عمومی شورای عالی [مالیاتی] ابطال می گردد» (رای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۲ تیر ۱۳۷۵، کلاسه

پرونده ۷۴/۷۷، شماره دادنامه ۵۶/۷۵).

فصل دوم - معافیت موضوع بند (د) ماده (۱۳۹)

● ماده ۲- مدارسی که قبلاً طبق تشخیص شورای مدیریت حوزه علمیه قم از جمله مدارس علوم اسلامی شناخته شده یا بعداً شناخته شوند، نسبت به کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی از پرداخت مالیات معاف می‌باشند.

□ تبصره ۱- استفاده از معافیت مالیاتی مزبور برای هر سال، منوط به تأیید شورای مدیریت حوزه علمیه قم مبنی بر تداوم فعالیت مدرسه در زمره علوم اسلامی است که باید حداکثر تا پایان تیرماه سال بعد به اداره امور مالیاتی مربوط تسلیم گردد.

□ تبصره ۲- موقوفات متعلق به مدارس یاد شده جهت استفاده از معافیت مالیاتی موقوفات عام می‌باید به شرح فصل پنجم این آیین‌نامه مورد نظارت شعب تحقیق سازمان اوقاف و امور خیریه واقع شوند و شرط معافیت در آمد موقوفات موصوف نیز ارایه تأییدیه به سازمان اوقاف و امور خیریه مبنی بر صرف در آمد مربوط در امور مذکور در بند (ح) ماده (۱۳۹) اصلاحی وفق ماده (۸) این آیین‌نامه خواهد بود.

فصل سوم - معافیت موضوع بند (ه) ماده (۱۳۹)

● ماده ۳- نهادهایی که طبق نظر هیأت وزیران جزء نهادهای انقلاب اسلامی شناخته شده یا بشوند، نسبت به کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی از پرداخت مالیات معاف می‌باشند.

به نظر می‌رسد با توجه به پاسخ استعلام سامانه شناسه ملی اشخاص حقوقی کشور (سازمان ثبت اسناد و املاک کشور) مورخ ۱۳۹۱/۸/۲۸، که در آن تاریخ مجوز ثبت مرکز رسیدگی به امور مساجد را ۱۳۵۷/۱۱/۲۲ (تاریخ پیروزی انقلاب اسلامی) و مرجع تأسیس را فرمان رهبری قلمداد کرده‌اند، بتوان این مرکز را تحت شرایط و ضوابطی در زمره نهادهای انقلاب اسلامی تلقی نمود.

فصل چهارم - معافیت موضوع بند (و) ماده (۱۳۹)

- ماده ۴ - آن قسمت از درآمد صندوق عمران موقوفات کشور که به مصرف عمران موقوفات کشور برسد، از پرداخت مالیات معاف است، مشروط بر این که هر سال گواهی لازم مبنی بر صرف درآمد صندوق در امور یاد شده توسط سازمان اوقاف و امور خیریه صادر و حداکثر تا پایان تیرماه سال بعد به سازمان امور مالیاتی کشور تسلیم گردد.

فصل پنجم - معافیت موضوع بند (ح) ماده (۱۳۹)

- ماده ۵ - آن قسمت از درآمد موقوفات عام که طبق موازین شرعی و برابر مفاد وقفنامه‌های مربوط به مصرف امور مذکور در بند (ح) ماده (۱۳۹) می‌رسد از پرداخت مالیات معاف است مشروط بر این که:
الف - صورت حساب درآمد و هزینه هر سال مالی موقوفه متکی به اسناد و مدارک قابل قبول، حداکثر تا ۴ ماه پس از پایان سال مالی به اداره اوقاف و امور خیریه مربوط تسلیم شود.
ب - ادارات اوقاف و امور خیریه مربوطه نسخه‌ای از صورت حساب مزبور را به انضمام تأییدیه لازم مبنی بر صرف کل یا بعض درآمد موقوفه در امور مندرج در بند (ح) ماده (۱۳۹) اصلاحی - مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ - قانون مالیات‌های مستقیم (با ذکر دقیق مبالغ کل درآمد و رقم صرف شده در امور مزبور) ظرف شش ماه از تاریخ وصول صورت حساب به اداره امور مالیاتی محل موقوفه تسلیم نماید.

□ تبصره - موقوفاتی که متولی منصوص التولیه دارند نیز جهت برخورداری از معافیت مالیاتی ملزم به رعایت مقررات قانون مالیات‌های مستقیم و ضوابط مقرر در این آیین‌نامه خواهند بود.

فصل ششم - معافیت موضوع بند (ط) ماده (۱۳۹)

- ماده ۶- مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه در صورتی می‌توانند از معافیت مالیاتی موضوع این بند استفاده نمایند که واجد شرایط زیر باشند:
 - الف- مؤسسه رسماً تحت یکی از عناوین فوق به ثبت رسیده و غیر انتفاعی بودن آن نیز در اساس‌نامه تصریح شده باشد.
 - ب- کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیرنقدی آن‌ها به موجب اساس‌نامه به مصارف امور یاد شده در بند (ح) ماده (۱۳۹) اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم- مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷- برسد و این امر توسط سازمان امور مالیاتی کشور طبق مواد (۷) الی (۹) این آیین‌نامه تأیید شود.
 - ج- اساس‌نامه آن‌ها صریحاً متضمن این موضوع باشد که مؤسسان و وابستگان طبقات اول و دوم آنان، موضوع ماده (۱۸) این قانون و هیأت‌امناء و مدیران آن‌ها مبادرت به انجام معامله با مؤسسه ننمایند.
 - د- اساس‌نامه مؤسسه صریحاً حاکی از این باشد که مؤسسان یا صاحبان سرمایه حق هیچ‌گونه برداشت و یا تخصیص از محل کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیرنقدی را ندارند و بعد از انحلال، دارایی مؤسسه به سازمان بهزیستی کشور یا یکی از مؤسسات دولتی و یا مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه دیگر واگذار گردد.
 - ه- بر درآمد و هزینه آن‌ها به شرح مواد (۷) الی (۹) این آیین‌نامه نظارت شود.
- ماده ۷- نظارت بر درآمد و هزینه مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه موضوع بند (ط) ماده (۱۳۹) اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم، ولو این که دارای مال موقوفه باشند به ترتیب زیر اعمال خواهد شد:
 - الف- مرجع نظارت بر درآمد و هزینه مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه سازمان امور مالیاتی کشور است که می‌تواند این اختیار را به ادارات امور مالیاتی ذی‌ربط و در موارد یادشده در بند (۳) ماده (۱) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه- مصوب ۱۳۶۳- به سازمان مزبور تفویض نماید.

ب- نظارت بر درآمد و هزینه مؤسسات عام‌المنفعه‌ای که دارای مال موقوفه می‌باشند و یا اداره آن‌ها به موجب قانون یا آیین‌نامه مربوط به سازمان اوقاف و امور خیریه محول شده است، با سازمان یادشده خواهد بود.

پ- مراجع ناظری که قبلاً موافق آیین‌نامه اجرایی موضوع تبصره (۴) ماده (۲) قانون مالیات‌های مستقیم- مصوب ۱۳۶۶- و اصلاحیه مورخ ۱۳۷۱/۲/۷ آن، امر نظارت بر درآمد و هزینه مؤسسات عام‌المنفعه به آنان تفویض گردیده است، نظارت آن‌ها بر مؤسسات یادشده با رعایت مقررات ماده (۱۳۹) اصلاحی- مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷- و مفاد این آیین‌نامه کماکان معتبر بوده و اساس‌نامه این قبیل مؤسسات نیازی به اصلاح مجدد و تطبیق با این آیین‌نامه نخواهد داشت.

● ماده ۸- مؤسسات نام‌برده موظفند ظرف یک ماه از تاریخ ثبت اساس‌نامه، تصویر یا رونوشت مصدق آن را به اداره امور مالیاتی محل تسلیم و ظرف همین مدت در یکی از بانک‌های محل، حساب جاری به نام مؤسسه افتتاح و کلیه وجوه نقدی و درآمد خود را به حساب‌های بانکی منتقل نمایند و کلیه هزینه‌های مؤسسه را از طریق آن حساب‌ها انجام دهند.

● ماده ۹- مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه مکلفند صورت حساب درآمد و هزینه سالانه خود را که متکی به اسناد و مدارک قابل قبول باشد، حداکثر تا چهارماه بعد از پایان سال مالی مؤسسه به مرجع ناظر مربوط تسلیم نمایند. مرجع ناظر مؤسسه نیز باید ظرف چهارماه از تاریخ وصول صورت حساب، نتیجه رسیدگی را در مورد صورت حساب درآمد و هزینه و رعایت مقررات قانون و آیین‌نامه اجرایی ماده (۱۳۹) قانون اعلام و در صورت تأیید، گواهی لازم را جهت اقدام قانونی به اداره امور مالیاتی مربوط تسلیم نماید.

فصل هشتم - معافیت موضوع بند (ک) ماده (۱۳۹)

- ماده ۱۱ - انجمن‌ها و هیأت‌های مذهبی مربوط به اقلیت‌های دینی مذکور در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جهت استفاده از معافیت مقرر مکلفند گواهی لازم مبنی بر رسمیت خود را از وزارت کشور اخذ و به اداره امور مالیاتی ذی‌ربط تسلیم نمایند.

فصل یازدهم - مقررات عمومی

- ماده ۱۵ - اشخاص موضوع ماده (۱۳۹) اصلاحی مکلف به انجام سایر تکالیف مربوط از جمله تسلیم به موقع اظهارنامه و ترازنامه و حساب سود و زیان و کسر و پرداخت مالیات اشخاص ثالث طبق قانون مالیات‌های مستقیم خواهند بود.
- ماده ۱۶ - عدم رعایت شرایط و ترتیبات مقرر در قانون مالیات‌های مستقیم و این آیین‌نامه از سوی اشخاص موضوع بندهای ماده (۱۳۹) اصلاحی قانون یادشده، در هر سال مالی موجب محرومیت از معافیت مقرر در آن سال خواهد شد.
- ماده ۱۷ - (الحاقی ۱۳۸۹/۸/۲) آن قسمت از درآمد موقوفات عام که مطابق فصل پنجم این آیین‌نامه در دوره مالی مربوط به تحصیل درآمد به مصرف نرسیده باشد، حداکثر ظرف یک سال پس از انقضای سال مالی تحصیل درآمد نیز می‌تواند مصرف گردد، در غیر این صورت مانده مصرف نشده طبق مقررات مربوط مشمول مالیات خواهد بود. مگر اینکه قبل از انقضای مدت یادشده، لزوم نگهداری برای یک سال دیگر حسب مورد به تأیید سازمان اوقاف و امور خیریه رسیده و مراتب به اداره امور مالیاتی ذی‌ربط و یا سازمان امور مالیاتی کشور اعلام شده باشد.
- تبصره ۱ - (الحاقی ۱۳۸۹/۸/۲) تاریخ انقضای یک سال یا مدت تمدیدی بر حسب مورد، تاریخ سررسید پرداخت مالیات و مبدأ مرور زمان برای مطالبه مالیات خواهد بود.

□ تبصره ۲- (الحاقی ۱۳۸۹/۸/۲) مانده مصرف نشده در آمد یادشده به درآمد مشمول مالیات عملکرد آخرین سال تمدید شده اضافه و مبنای محاسبه مالیات قرار گیرد.

● ماده ۱۸- (اصلاحی ۱۳۸۹/۸/۲) در مورد موقوفات عام به طور کلی و مؤسسات عام‌المنفعه‌ای که اداره امور آن‌ها به سازمان اوقاف و امور خیریه محول شده یا بشود در صورتی که فاقد متولی و یا امین یا مدیر باشند، مسئولیت انجام تکالیف مقرر در این آیین‌نامه و قانون مالیات‌های مستقیم در ارتباط با اشخاص مذکور به عهده اداره اوقاف و امور خیریه مربوط خواهد بود.

● ماده ۱۹- (اصلاحی ۱۳۸۹/۸/۲) مفاد این آیین‌نامه نسبت به اشخاص مذکور در ماده (۱۳۹) اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم- مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷- که سال مالی آن‌ها از ۱۳۸۱/۱/۱ به بعد شروع می‌شود جاری خواهد بود.

۱- رییس مجلس شورای اسلامی ماده (۱۷) الحاقی به آیین‌نامه مذکور را در تاریخ ۱۳۹۰/۸/۱۵ خلاف قانون تشخیص دادند: به موجب بند «ح» ماده (۶۴) قانون اصلاح موادی از قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۰، بدون هرگونه محدودیت‌های زمانی «آن قسمت از درآمد موقوفات عام که طبق موازین شرعی به مصرف اموری از قبیل تبلیغات اسلامی، تحقیقات فرهنگی... و حوادث غیرمترقبه... برسد، مشروط بر این که درآمد و هزینه‌های مزبور به تأیید سازمان اوقاف و امور خیریه برسد، از پرداخت مالیات معاف است». علی‌هذا، ماده (۱۷) الحاقی به آیین‌نامه که با تعیین ضرب‌الاجل یک‌ساله، برخوردار شدن آن قسمت از وجوه مصرف نشده مربوط به درآمدهای حاصل از موقوفات عام را از معافیت‌های مالیاتی، مقید به زمان نموده است، مغایر با قانون می‌باشد (نظریه شماره ۵۱۰۱۰ هـ/ب مورخ ۱۳۹۰/۸/۱۵ رییس مجلس شورای اسلامی).

۲- تبصره‌های (۱) و (۲) ماده (۱۷) الحاقی به آیین‌نامه مذکور نیز به جهت ایراد

فوق (مقید به زمان نمودن برخورداری آن قسمت از وجوه مصرف نشده مربوط به درآمدهای حاصل از موقوفات عام از معافیت‌های مالیاتی) مغایر با قانون تشخیص داده شد (ر.ک: نظریه شماره ۵۱۰۱۰ هـ/ب مورخ ۱۳۹۰/۸/۱۵ رییس مجلس شورای اسلامی).

تلقى شدن کمک‌های اشخاص حقیقی و حقوقی برای احداث
مساجد، مصلاها و مدارس علمیه به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی
« مصوب ۱۳۸۷/۷/۲۳ هیأت وزیران

- کمک‌های اشخاص حقیقی و حقوقی برای احداث مساجد، مصلاها و مدارس علمیه به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی تلقی می‌شود.
(الحاقی ۱۳۸۷/۹/۵) ادارات اوقات و امور خیریه تنها مرجع تأیید اسناد هزینه کمک اشخاص حقیقی و حقوقی برای احداث مساجد می‌باشند.

از اساس نامه سازمان تبلیغات اسلامی

« مصوب ۱۳۸۷/۸/۱۵ شورای عالی اداری

● ماده ۱ - نام

سازمان تبلیغات اسلامی نهادی است برخاسته از متن انقلاب اسلامی که در اجرای فرمان حضرت امام خمینی ره در سال ۱۳۵۸ تأسیس گردید و از این پس در اساس نامه به اختصار «سازمان» نامیده می‌شود.

...

● ماده ۶- وظایف سازمان

...

۱۵- کمک به تأسیس، توسعه و تجهیز کتابخانه‌های مساجد، حسینیه‌ها، مدارس و مراکز آموزش عالی، تحقیقاتی و نیز مراکز اسلامی و فرهنگی در راستای توسعه تبلیغات اسلامی در آن‌ها.

از آیین نامه اجرایی قانون سامان دهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن

« مصوب ۱۳۸۷/۸/۲۰ هیأت وزیران با اصلاحات بعدی

فصل اول - تعاریف

- ماده ۱- اصطلاحات مندرج در این آیین نامه در معانی مشروح زیر به کار می روند:
 - ۱- فاقدین مسکن: افراد سرپرست خانواری که خود و افراد تحت تکفل آنان از تاریخ ۱۳۸۴/۱/۱ (تاریخ اجرای قانون برنامه چهارم توسعه) فاقد زمین مسکونی یا واحد مسکونی بوده و از تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۲۲ از هیچ یک از امکانات دولتی یا امکانات نهادهای عمومی غیردولتی مربوط به تأمین مسکن شامل زمین، واحد مسکونی و یا تسهیلات یارانه‌ای خرید و یا ساخت واحد مسکونی استفاده نکرده باشند.

۲- متقاضیان واجد شرایط: متقاضیانی هستند که حائز شرایط زیر باشند:

- الف- فاقدین مسکن طبق تعریف مندرج در بند (۱) این ماده.
- ب- متأهل و یا سرپرست خانوار.
- ج- دارای حداقل پنج سال سابقه سکونت در شهر مورد تقاضا.

...

□ تبصره ۲ - (اصلاحی ۱۳۹۰/۱۱/۲۴) سابقه سکونت برای مهاجرین از کلان شهرها به سایر شهرهای کشور به یک سال کاهش می یابد، برای کارمندان دولت که به استناد حکم دستگاه ذی ربط منتقل می شوند (به استثناء استان تهران) این سابقه ملاک عمل نخواهد بود. شرط سابقه سکونت برای روحانیون با تأیید مرکز مدیریت حوزه های علمیه، نیروهای نظامی و انتظامی با تأیید فرماندهی استان مربوط یا حکم انتقال، الزامی نمی باشد.

...

۶- آماده سازی زمین: فعالیت هایی که به منظور بهره برداری از اراضی خام برای آماده سازی جهت احداث و بهره برداری ضروری می باشد که شامل تسطیح زمین، اجرای جوی، جدول، زیرسازی و آسفالت معابر، شبکه های تأسیسات زیربنایی و احداث مساجد است.

از اساس نامه سازمان ملی زمین و مسکن

« مصوب ۱۳۸۷/۹/۲۴ هیأت وزیران

فصل پنجم - سایر مقررات:

- ماده ۲۱- سازمان از نظر سیاست‌ها، برنامه‌های بخشی و سایر فعالیت‌های اجرایی تابع ضوابط و مقررات وزارت مسکن و شهرسازی است.
- ماده ۲۲- سازمان از پرداخت هرگونه حق تمبیر و هزینه‌های ثبتی و معاملاتی بابت آماده‌سازی، افراز و تفکیک و فروش راجع به اراضی و املاک معاف می‌باشد.
- تبصره- سرمایه‌گذاری از منابع داخلی سازمان برای ایجاد تأسیسات روبنایی در آماده‌سازی اراضی و احداث مساجد و فضاهای آموزشی، خدماتی و فرهنگی به عنوان پیش پرداخت مالیاتی سازمان منظور می‌گردد.

از آیین نامه شوراهای حل اختلاف

« مصوب ۱۳۸۸/۱/۱۶ رییس قوه قضاییه

فصل دوم - تشکیلات شورا:

...

- ماده ۴- ابقاء شوراهای موجود و در صورت نیاز تشکیل شورای جدید، یا انحلال آنها با پیشنهاد رییس حوزه قضایی و موافقت رییس کل دادگستری استان تا سقف اعتبارات موجود ممکن خواهد بود. رییس کل دادگستری استان می تواند حسب ضرورت شوراهای تخصصی را با لحاظ نوع جرایم و دعوی تشکیل دهد.
- تبصره - به منظور استفاده از فضاهای عمومی، تشکیل شوراها به صورت سیار یا دائم در مساجد، مدارس، حوزه های علمیه، اماکن فرهنگی و مانند آن به پیشنهاد رییس شوراهای استان و موافقت رییس کل دادگستری استان و هماهنگی با مقامات ذی ربط مزبور انجام خواهد شد.

۱- شوراهای حل اختلاف که در اجرای ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه تأسیس شده بود، به موجب ماده (۱۳۴) قانون برنامه چهارم نیز تنفیذ شد و بالاخره در میان نظرات موافق و مخالف، قوه قضاییه لایحه قانونی استمرار کار این شوراهار را تحت عنوان «لایحه شوراهای حل اختلاف و قاضی تحکیم» به مجلس شورای اسلامی تسلیم کرد و مجلس شورای اسلامی سرانجام در تاریخ ۱۳۸۷/۴/۱۸ قانون مربوطه را تحت عنوان «قانون شوراهای حل اختلاف» به تصویب رسانید.

۲- هدف از تأسیس شورای حل اختلاف آن گونه که در ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم آمده بود: «کاهش مراجعات مردم به محاکم قضایی... رفع اختلافات محلی و نیز حل و فصل اموری که ماهیت قضایی ندارد و یا ماهیت قضایی آن از پیچیدگی کمتری برخوردار است...». بوده است. در واقع، هرچند شوراهای حل اختلاف به عنوان یک کار سنتی و غیربرنامه‌ریزی شده و حرکت خودجوش در میان طوایف و ایلات و عشایر مسبوق به سابقه بوده است، اما قانون‌مند و با سازوکار مصوب نبوده است.

بدین دلیل مسئولین ذی‌ربط احساس کرده بودند که باید سازوکارهایی برای جلوگیری از ورود انبوه پرونده‌ها به محاکم پیش‌بینی شود و امور قضایی ساده‌تر که قابل حل و فصل توسط ریش‌سفیدان و کدخدایان است به آنان سپرده شود. اما به هر حال روشن بود که شوراهای حل اختلاف بدون قانون مصوب مجلس نمی‌توانست به کار و حیات خود ادامه دهند و این بود که قوه قضاییه لایحه شوراهای حل اختلاف را به مجلس تقدیم کرد.

۳- در نهایت و پس از سپری شدن ۷ سال از اجرای آیین‌نامه اجرایی شوراهای حل اختلاف؛ اجرای آزمایشی «قانون شوراهای حل اختلاف» مورخ ۱۳۸۷/۲/۲۹ به مدت ۵ سال مورد موافقت مجلس محترم شورای اسلامی قرار گرفت و در تاریخ ۱۳۸۷/۵/۱۶ نیز مورد تأیید شورای محترم نگهبان و نهایتاً مورخ ۱۳۸۷/۶/۷ در روزنامه رسمی شماره ۱۸۴۹۵ منتشر شد.

۴- مطابق تبصره ماده (۴) آیین‌نامه فوق، امکان تشکیل شورای حل اختلاف به صورت سیار و یا دایم در مساجد کشور وجود دارد. در مرکز رسیدگی به امور مساجد استان تهران نیز با دستور رییس مرکز امور شوراهاى حل اختلاف کشور مورخ ۱۳۹۲/۹/۴، یک شعبه تخصصی جهت رسیدگی به پرونده‌های حقوقی در حوزه مساجد دایر گردید.

تعیین سازمان اوقاف و امور خیریه به عنوان متولی و مسئول پیگیری امور مربوط به سامان دهی ساخت و ساز، احیاء، تعمیر و تجهیز مساجد
« مصوب ۱۳۸۸/۲/۲۰ هیأت وزیران

- در راستای تحقق روند اجرایی ماده (۱۰۷) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳ - سازمان اوقاف و امور خیریه به عنوان مسئول پیگیری امور مربوط به سامان دهی ساخت و ساز، احیاء، تعمیر و تجهیز مساجد از طریق مشارکت های مردمی و شوراهای اسلامی شهری و روستایی تعیین می شود.

اختصاص یک درصد از بودجه سالانه سازمان ملی زمین و مسکن برای احداث مقاوم‌سازی و مرمت مساجد « مصوب ۱۳۸۹/۱/۱۵ هیأت وزیران

- هیأت مدیره سازمان ملی زمین و مسکن می‌تواند هر ساله تا سقف یک درصد (۱٪) از بودجه سالانه سازمان را برای احداث، مقاوم‌سازی و مرمت مساجد در خارج از پروژه‌های آماده‌سازی، در شهرها و بر اساس تشخیص وزیر مسکن و شهرسازی در چارچوب مقررات مالی مربوطه هزینه نماید.

از آیین‌نامه اجرایی قانونی الحاق موادی به قانون سامان‌دهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن مصوب ۱۳۸۸ « مصوب ۱۳۹۰/۴/۲۷ وزیران عضو کارگروه مسکن

● ماده ۸- در صورتی که متصرف طبق سوابق ثبتی قادر به ارایه مدارک دال بر مالکیت نباشد یا در مالکیت و تصرف اشخاص و یا در حدود اختلاف باشد، موضوع به دو کارشناس امور ثبتی (نماینده و نقشه‌بردار) و حسب مورد دو کارشناس سازمان راه و شهرسازی (برای شهرها) و دو کارشناس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (برای روستاها) ارجاع می‌گردد تا با تحقیقات محلی و ملاحظه مدارک به موضوع رسیدگی و نظریه مستدل خود را به هیأت اعلام نمایند. هیأت پس از وصول نظریه کارشناسی با توجه به جمیع جهات رأی مقتضی صادر می‌نماید. رأی صادره به ذی‌نفع یا طرفین حسب مورد ابلاغ می‌گردد تا در صورت عدم وصول اعتراض ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ، نسبت به اجرای آن اقدام شود.

...

□ تبصره - در صورتی که عرصه تصرف شده موقوفه باشد و متصرف دارای اجاره‌نامه از متولی یا اداره اوقاف باشد، سند مالکیت اعیان به نام او صادر و در غیر این صورت قبلاً مراتب به متولی یا اداره اوقاف حسب مورد اعلام تا پس از تنظیم اجاره‌نامه نسبت به عملیات نقشه‌برداری و صدور سند مالکیت اعیان اقدام گردد.

از آیین نامه مالی، معاملاتی، اداری و استخدامی صندوق توسعه ملی « مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷ هیأت وزیران

- ماده ۳۲- کمیسیون معاملات می تواند اجناس و اثاثیه ای را که زاید تشخیص می دهد و فروش آن را مقتضی نمی داند پس از اخذ مجوز از رییس هیأت عامل با رعایت ضوابط و مقررات، به دستگاه های دولتی، مؤسسات وابسته به دولت، بنگاه های خیریه، مساجد، مدارس و واحدهای بهزیستی به صورت بلاعوض واگذار نماید.

تعیین بسته اجرایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

(۱۳۹۴-۱۳۹۰)

« موضوع ماده (۲۱۷) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۱/۱۱/۲۹ هیأت وزیران

« مقدمه

فرهنگ، کلی‌ترین بینش و نگرشی است که انسان نسبت به جهان دارد. این بینش و نگرش همان معنایی است که جامعه برای هستی و انسان قایل بوده و به اندازه‌ای کلی و جهان‌شمول است که همه ارزش‌ها و روش‌های فرد و اجتماع را دربر می‌گیرد و گاه حتی می‌توان آن را مترادف با جهان‌بینی به کار برد. جهان‌بینی هر قوم در شکل و محتوای بسیاری از جنبه‌های محسوس زندگی آن قوم اثر قابل توجهی دارد، جهانی که مردم می‌سازند و در آن زندگی می‌کنند، تا حد زیادی تحت تأثیر جهان‌بینی آنان است. به عبارت دیگر، فرهنگ یک قوم، در وجوه مختلف زندگی آنان از قبیل صنعت، اقتصاد، مدیریت، شهرسازی، معماری و هنر، تجلی می‌کند و به منزله روحی است که در کالبد تمدن آن

قوم جریبان دارد. فرهنگ به عنوان بستر و زیرساخت توسعه بر سایر عرصه‌ها (سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و...) تأثیر می‌گذارد و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد. با این نگرش، وظایف بخش فرهنگ را از دو جنبه می‌توان مورد بررسی قرار داد. جنبه اول وظیفه و رسالتی است که این بخش در توسعه عمومی کشور یا به عبارت دیگر در فرهنگ توسعه برعهده دارد. در این رویکرد مهمترین رسالت بخش فرهنگ به ایجاد زیرساخت‌ها و فراهم کردن بسترهای مناسب با استفاده از ظرفیت نهادی بخش فرهنگ برای تحقق رشد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و... معطوف است. جنبه دوم وظایف بخش فرهنگ به توسعه فرهنگی معطوف است. این جنبه به تأمین حقوق فرهنگی مردم به معنای حق دسترسی عادلانه افراد به کالاها و خدمات فرهنگی اشاره دارد. تأمین نیازهای فرهنگی امری اجتناب‌ناپذیر برای دستگاه‌های فرهنگی تلقی می‌شود. علاوه بر آن، برنامه‌ریزی در مورد ماهیت و محتوای فعالیت‌ها و خدمات فرهنگی که عموماً از طریق ابزارهای فرهنگی حاصل می‌شود زمینه دیگری است که در تدوین برنامه‌های توسعه فرهنگی نباید از آن غافل شد.

« فرهنگ در سند چشم‌انداز

فرهنگ ایران اسلامی از کهن‌ترین و اصیل‌ترین فرهنگ‌های جهانی به‌شمار می‌رود که زیر لوای پرچم اسلام غنای بیشتری نیز یافته است، لذا سیاست‌گذاران و مسئولان کشور، همواره در تدوین و تعیین اهداف و سیاست‌های کلان و بلندمدت جایگاه ویژه‌ای برای فرهنگ قایل بوده و فرهنگ را از ارکان اساسی جامعه محسوب می‌کنند.

این رویکرد تا جایی پیش رفته که روح حاکم بر اهداف چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر فرهنگ و مؤلفه‌های هویت‌بخش آن است. خصوصاً هویت اسلامی مورد تأکید قرار گرفته تا حدی که در اولین بند از هشت بند سند چشم‌انداز بر فرهنگ و عناصر آن و به ویژه فرهنگ عمومی جامعه تأکید شده و در بندهای دیگر نیز به مناسبت موضوع، به فرهنگ نیز اشاره شده

است. در بند اول در افق چشم‌انداز بیست ساله ویژگی‌های جامعه ایرانی به شرح زیر بیان شده است:

- توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، تأکید بر مردم سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی.

در بند دیگری نیز آمده است:

- فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن.

« سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه در امور فرهنگی

سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه در امور فرهنگی نیز بر موضوعات زیر تأکید دارد:

- تکمیل و اجرای طرح مهندسی فرهنگی کشور و تهیه پیوست فرهنگی برای طرح‌های مهم

- زنده و نمایان نگه‌داشتن اندیشه دینی و سیاسی حضرت امام خمینی علیه السلام و برجسته کردن نقش آن به عنوان یک معیار اساسی در تمام سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها

- تقویت قانون‌گرایی، انضباط اجتماعی، وجدان کاری، خودباوری، روحیه کار جمعی، ابتکار، درست‌کاری، قناعت، پرهیز از اسراف و اهتمام به ارتقاء کیفیت در تولید

- مقابله با جریانات انحرافی در حوزه دین و زدودن خرافات و موهومات

- استفاده بهینه از فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای تحقق اهداف فرهنگی نظام

- ایجاد درک مشترک از چشم‌انداز بیست ساله و تقویت باور و عزم ملی برای تحقق آن

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان‌های وابسته به آن، بزرگترین دستگاه

فرهنگی دولتی کشور به حساب می‌آیند. این وزارت‌خانه به عنوان متولی اصلی بخش فرهنگ کشور، به دلیل تغییر و تحول در فرهنگ جاری و نیز نیازهای فرهنگی کشور، خود نیز از ابتدای تأسیس تاکنون دچار تغییر و تحولات وسیعی شده است

« اهداف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی عبارتند از:

- ۱- رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا
- ۲- استقلال فرهنگی و مصونیت جامعه از نفوذ فرهنگ اجانب
- ۳- اعتلای آگاهی‌های عمومی در زمینه‌های مختلف و شکوفایی استعدادها و روحیه تحقق و تتبع و ابتکار
- ۴- رواج فرهنگ و هنر اسلامی
- ۵- آگاهی جهانیان نسبت به مبانی و اهداف انقلاب اسلامی
- ۶- گسترش مناسبات فرهنگی با ملل و اقوام مختلف به خصوص مسلمانان و مستضعفان جهان
- ۷- فراهم آمدن زمینه‌های وحدت میان مسلمین در ادامه با توجه به اهداف و شرح وظایف در نظر گرفته شده در قوانین جاری کشور و قانون برنامه پنجم توسعه برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دستگاه‌های تابعه آن، به تشریح مسایل اساسی دستگاه اجرایی در طول سال‌های برنامه پنجم و راهبردهای اصلی آن دستگاه، به تفکیک حوزه‌های گوناگون فرهنگی خواهیم پرداخت.

« حوزه اوقاف و امور خیریه

- ۱- تثبیت مالکیت موقوفات از طریق ثبت و سنددار کردن موقوفات کشور
- ۲- نبود برنامه‌ریزی برای احیاء توسعه، عمران و بهره‌برداری بهینه از سرمایه و دارایی موقوفات
- ۳- نبود اشراف اطلاعاتی بر موقوفات و رقبات و بقاع متبرکه کشور، به منظور تبدیل بقاع به قطب فرهنگی، حفظ و تثبیت مالکیت، حسابرسی، کنترل درآمد و هزینه و بهره‌برداری از سرمایه و دارایی موقوفات و رقبات

...

« حوزه مساجد

- ۱- فقدان آمار جدید و دقیق از تعداد مساجد و اماکن مذهبی
- ۲- عدم وجود یک سازمان مرکزی متولی امور مساجد کشور
- ۳- عدم وجود ردیف بودجه مستقل برای کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد
- ۴- عدم توجه به پیوست مسجد در پروژه‌های مهم
- ۵- عدم دسترسی آسان به مسجد (پراکندگی موجود نامناسب می‌باشد)
- ۶- کمبود مسجد در برخی از روستاها، شهرک‌ها و...
- ۷- عدم وجود پرتال یا شبکه مجازی مساجد
- ۸- عدم توجه به مسأله بیمه فعالان مساجد (کتاب‌داران، مسئولان کانون‌ها و...)
- ۹- عدم ارتباط مساجد داخل کشور با مساجد خارج کشور

« راهبردهای اصلی بخش فرهنگ

...

حوزه اوقاف و امور خیریه

- ۱- شناسایی، تثبیت مالکیت و حفظ و نگهداری اسناد وقفی
- ۲- سنددار کردن موقوفات کشور
- ۳- استیفای حقوق موقوفات با بسیج همگانی، حقوقی، ثبتی و هیأت فقهی

۴- استقرار سامانه جامع اطلاعات اوقافی

۵- ایجاد زمینه لازم برای تبدیل بقاع متبرکه به قطب فرهنگی و زمینه‌سازی برای تقویت حضور مردم در بقاع متبرکه

...

حوزه مساجد

۱- توجه به مساجد به عنوان یک مرکز مهم در تصمیم‌گیری‌های فرهنگی و اجتماعی و تربیتی

۲- تخصیص بودجه مناسب جهت انجام فعالیت‌های کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد

۳- تجمیع فعالیت‌های موازی سازمان‌ها و نهادها و دستگاه‌ها در یک سازمان یا شورای مرکزی تحت اشراف مقام معظم رهبری

۴- در نظر گرفتن مساجد به عنوان پیوست فرهنگی طرح‌های مهم فرهنگی و اجتماعی

۵- ضرورت مشارکت دستگاه‌های مرتبط با مسجد در انجام فعالیت‌های فرهنگی سیاست‌های اجرایی بخش فرهنگ

...

حوزه اوقاف و امور خیریه

۱- سامان‌دهی و حفظ و نگهداری مناسب اسناد

۲- در اولویت قرار دادن برنامه‌سنددار کردن کلیه موقوفات و رقبات کشور در برنامه‌های سازمان

۳- بسیج همگانی حقوقی و ثبتی برای شناسایی و خلع ید متصرفین غیرقانونی موقوفات و رقبات کشور با اولویت پرونده‌های ملی و مهم استانی

۴- بسیج امکانات و منابع به منظور استقرار و پیاده‌سازی سامانه جامع اطلاعات اوقافی و فعال نمودن زیرسیستم‌های آن حسب اولویت

۵- تقویت و توسعه برنامه عمران و آبادانی بقاع متبرکه

حوزه مساجد

- ۱- ترویج و توسعه فعالیت‌های قرآنی در مساجد
- ۲- حمایت از تأسیس کانون‌های جدید در مساجد و پشتیبانی از کانون‌های موجود
- ۳- حمایت از تأسیس کتابخانه‌های جدید در مساجد و پشتیبانی از کتابخانه‌های موجود
- ۴- آموزش ائمه جماعات (مهارت‌های تبلیغ)
- ۵- آموزش اعضای کانون‌ها
- ۶- آموزش کتاب‌داران
- ۷- انجام پژوهش‌های مسجد محور
- ۸- ایجاد شبکه اجتماعی اعضای کانون‌ها یا پورتال
- ۹- بیمه فعالان کانون‌ها
- ۱۰- بیمه کتاب‌داران
- ۱۱- برگزاری جشنواره‌های مختلف با رویکرد هنری - دینی
- ۱۲- آمارگیری مساجد و سایر مراکز مذهبی
- ۱۳- تأمین بودجه مورد نیاز ساخت کانون‌ها و کتابخانه‌ها در جوار مساجد به ویژه مناطق محروم و مرزی

...

به منظور اجرایی کردن اهداف مندرج در سند چشم‌انداز، سیاست‌ها و قانون برنامه پنج‌ساله پنجم در حوزه فرهنگ و ارشاد، بسته اجرایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با رویکرد مسأله محوری، شامل چهارده بسته اجرایی فرعی به شرح زیر می‌باشد:

...

بسته اجرایی فرعی ۱۱: حفظ، شناسایی و سامان‌دهی موقوفات و رقبات کشور

...

بسته اجرایی فرعی ۱۴: ارتقاء کارکرد فرهنگی و هنری مساجد

جدول ۱- برنامه‌های عملیاتی و برش سالانه اهداف کمی برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران بسته اجرایی فرعی ۱: حفظ، شناسایی و سامان‌دهی موقوفات و رقیبات کشور

| ردیف | اهداف کمی برنامه عملیاتی | | اهداف کمی برنامه عملیاتی | | اهداف کمی برنامه عملیاتی | | اهداف کمی برنامه عملیاتی | | برنامه‌های عملیاتی |
|------|---|------|--------------------------|------|--------------------------|------|--------------------------|--------|---|
| | سال پایه | ۱۳۸۹ | سال پایه | ۱۳۸۹ | سال پایه | ۱۳۸۹ | سال پایه | ۱۳۸۹ | |
| ۱ | جمع‌آوری و بهینه‌سازی اسناد وقفی ارزشمند | ۱۳۹۰ | ۱۳۹۱ | ۱۳۹۲ | ۱۳۹۳ | ۱۳۹۴ | جمع کل | ۲۰۰۶۱۰ | جمع‌آوری و بهینه‌سازی اسناد وقفی ارزشمند |
| ۲ | شناسایی و انجام مراحل ثبتی و اخذ سند مالکیت موقوفات | ۱۳۹۰ | ۱۳۹۱ | ۱۳۹۲ | ۱۳۹۳ | ۱۳۹۴ | جمع کل | ۱۶۵۱۸۵ | شناسایی و انجام مراحل ثبتی و اخذ سند مالکیت موقوفات |
| ۳ | پیگیری دعاوی حقوقی موقوفات | ۱۳۹۰ | ۱۳۹۱ | ۱۳۹۲ | ۱۳۹۳ | ۱۳۹۴ | جمع کل | ۳۲۶۶۲ | پیگیری دعاوی حقوقی موقوفات |
| ۴ | ایجاد و پشتیبانی از سیستم | ۱۳۹۰ | ۱۳۹۱ | ۱۳۹۲ | ۱۳۹۳ | ۱۳۹۴ | جمع کل | ۴۳ | ایجاد و پشتیبانی از سیستم |
| ۵ | احداث و بازسازی بقاع متبرکه | ۱۳۹۰ | ۱۳۹۱ | ۱۳۹۲ | ۱۳۹۳ | ۱۳۹۴ | جمع کل | ۶۰۰۳ | احداث و بازسازی بقاع متبرکه |

| ردیف | برنامه‌های عملیاتی | اهداف کمی برنامه عملیاتی تا پایان سال‌های برنامه | اهداف کیفی برنامه پنجم |
|------|---|---|---|
| ۱ | تعمیر، مرمت و مقاوم‌سازی بفاز متری که | افزایش ۳۰ درصدی کمک به تعمیر، مرمت و مقاوم‌سازی بفاز متری که | ۱۶۶۹۴ ۵۲۷۲ ۴۰۵۶ ۳۱۲۰ ۲۴۰۰ ۱۸۴۶ ۱۴۲۰ |
| ۲ | حمایت از برنامه امور اهل سنت | افزایش ۱۵ درصدی حمایت از روحانیون و طلاب مدارس علوم دینی اهل سنت | ۱۷۵۲۸۹ ۴۵۳۷۱ ۲۹۵۲۰ ۲۴۳۸۲ ۲۹۸۹۸ ۲۵۹۹۸ ۲۲۳۰۷ |
| ۳ | تربیت حافظان و قاریان قرآن کریم | افزایش ۱۵ درصدی تربیت حافظان و قاریان قرآن کریم | ۱۱۸۲۹۹۲ ۳۰۶۷۲۴ ۲۶۶۷۳۴ ۲۳۱۹۳۳ ۲۰۱۶۸۹ ۱۷۵۲۸۲ ۱۵۲۵۰۶ |
| ۴ | برگزاری مسابقات بین‌المللی قرآن کریم | افزایش سطح کیفی مسابقات نفرین‌المللی قرآن کریم | ۵ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ |
| ۵ | برگزاری مسابقات قرآنی و دینی (شهرستانی، استانی و کشوری) | افزایش ۳۰ درصدی متسابقین قرآنی کشور | ۱۷۸۵۹۸۴ ۴۹۷۶۶۴ ۴۱۴۷۲۰ ۳۴۵۵۰۰ ۲۸۸۰۰۰ ۲۴۰۰۰۰ ۲۰۰۰۰۰ |
| ۶ | برنامه دانشگاه علوم و معارف قرآن | افزایش ۱۵ درصدی سطح کیفی ارائه خدمات به اساتید، اعضای هیات علمی و دانشجویان دانشکده‌های علوم قرآنی | ۲۳۵۱۷ ۶۱۰۰ ۵۳۰۵ ۴۶۱۳ ۴۰۱۱ ۴۴۸۸ ۴۰۳۳ |

بسته اجرایی فرعی ۱۴: ارتقاء کارکرد فرهنگی هنری مساجد

| اهداف کمی برنامه پنجم | | اهداف کمی برنامه عملیاتی تا پایان سال‌های برنامه | | برنامه‌های عملیاتی | | ردیف |
|-----------------------|-------|--|--------|--------------------|-------|--|
| جمع کل | ۱۳۹۴ | ۱۳۹۳ | ۱۳۹۲ | ۱۳۹۱ | ۱۳۹۰ | سال پایه ۱۳۸۹ |
| ۲۰۳۶۷ | ۱۰۰۰ | ۱۵۰۰ | ۲۰۰۰ | ۲۵۰۰ | ۲۹۷۳ | تأسیس ۹۹۷۳ کانون طی پنج سال برنامه |
| ۴۰۷۳/۴ | ۲۰۰ | ۳۰۰ | ۴۰۰ | ۵۰۰ | ۵۹۴/۶ | افزایش ۱۹۹۴۰۰ نفر به تعداد اعضای کانون‌ها |
| ۶۰۰۰ | ۵۵۰ | ۴۹۰ | ۴۵۰ | ۴۱۰ | ۲۶۶ | تأسیس ۲۱۶۶ باب کتابخانه مخزن‌دار |
| ۱۰۰۰۰ | ۱۰۰۰ | ۱۰۰۰ | ۱۰۰۰ | ۱۰۰۰ | ۱۰۰۰ | تأسیس ۵۰۰۰ کتابخانه باز |
| ۱۶۴۹/۶ | ۱۴۹/۹ | ۱۳۶/۳ | ۱۳۳/۹ | ۱۱۲/۶ | ۲۰۸/۸ | افزایش ۷۳۱۵۰۰ نفر به اعضای موجود کتابخانه‌ها |
| ۱۸۹۳۴/۹ | ۱۷۲/۳ | ۱۵۶۴/۹ | ۱۴۲۲/۶ | ۱۲۹۳/۳ | ۵۹۹/۹ | افزایش ۶۶۰۲۰۰ نسخه به کتاب‌های موجود کتابخانه‌ها |
| | | | | | | توسعه کمی کتابخانه‌های (گسترش فرهنگ مطالعه) |
| | | | | | | توسعه کمی کانون‌های فرهنگی، هنری مساجد |

| اهداف کمی برنامه پنجم | | | | | | | اهداف کمی برنامه عملیاتی تا پایان سال‌های برنامه | برنامه‌های عملیاتی | ت.ق. |
|-----------------------|-------|-------|-------|-------|-------|--------|---|---|------|
| ۱۴۰۰ | ۱۵۰ | ۱۵۰ | ۱۷۸ | ۲۰۰ | ۲۰۰ | ۵۳۲ | ت.ق. تأسیس ۸۷۸ باب خانه نور | | |
| ۲۵۴۵۰۰ | ۵۰۰۰۰ | ۵۰۰۰۰ | ۵۰۰۰۰ | ۶۱۱۰۰ | ۸۸۹۰۰ | ۵۴۵۰۰ | خرید و چاپ ۳۰۰۰۰۰ جلد قرآن | سهامان دهی و توسعه آموزش‌های قرآنی | ۳ |
| ۲۵۰۰۰۰ | ۲۰۰۰۰ | ۲۰۰۰۰ | ۲۰۰۰۰ | ۲۰۰۰۰ | ۲۰۰۰۰ | ۲۵۰۰۰۰ | افزایش ۱۰۰۰۰ باب مسجد به طرح تلاوت نور | | |
| ۸۰۰۰۰ | ۲۵۰ | ۲۵۰ | ۲۵۰ | ۲۵۰ | ۲۰۰۰۰ | ۵۰۰۰۰ | ت.ق. افزایش ۳۰۰۰۰ باب مسجد به طرح تفسیر قرآن | | |
| ۲۰۳۶۷ | ۱۰۰۰۰ | ۱۵۰۰ | ۲۰۰ | ۲۵۰۰ | ۲۹۷۳ | ۱۰۳۹۴ | ت.ق. افزایش ۹۹۷۳ پایگاه اوقات فراغت به پایگاه‌های موجود | | |
| ۱۳۱۵ | ۲۲۰ | ۱۷۰ | ۱۳۰ | ۸۵ | ۶۰ | ۵۵۰ | عنوان شناسایی و حمایت از ۶۶۵ عنوان نشریه تجربی | تقویت و ارتقای فعالیت‌های فرهنگی و هنری | ۴ |
| ۱۸ | ۳ | ۳ | ۳ | ۲ | ۴ | ۳ | عنوان جشنواره بزرگ جوانان مساجد | | |

| اهداف کمی برنامه پنجم | | | | | | | | اهداف کمی برنامه عملیاتی تا پایان سال‌های برنامه | | برنامه‌های عملیاتی | | ردیف |
|-----------------------|--------|--------|--------|--------|-------|-------|-------|--|-------|--|---------------------------------------|------|
| ۳۶ | ۵ | ۵ | ۵ | ۵ | ۵ | ۸ | ۸ | ۵ | ۸ | اهداف کمی برنامه عملیاتی تا پایان سال‌های برنامه | برنامه‌های عملیاتی | ۳ |
| ۶ | ۱ | ۱ | ۱ | ۲ | ۲ | ۱ | ۰ | ۱ | ۰ | برگزاری ۲۸ دوره آموزشی و پژوهشی | توسعه کمی فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی | ۵ |
| ۲۷ | ۵ | ۵ | ۱۰ | ۳ | ۲ | ۲ | ۲ | ۱ | ۲ | چاپ ۲۵ عنوان کتاب | توسعه کمی فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی | ۵ |
| ۱۹۰۰ | ۳۰۰ | ۳۰۰ | ۳۰۰ | ۳۰۰ | ۴۰۰ | ۳۰۰ | ۳۰۰ | ۳۰۰ | ۳۰۰ | راه‌اندازی ۱۶۰۰ هسته پژوهشی | | |
| ۹۵۹ | ۳۳۵ | ۲۱۰ | ۱۹۰ | ۱۷۰ | ۱۵۴ | - | - | ۱۷۰ | - | تأسیس ۹۵۹ باب مرکز دیجیتال | توسعه مراکز فعالیت‌های فرهنگی دیجیتال | ۶ |
| ۱۶۰۳۲ | ۱۰۰۰۰ | ۵۰۰۰ | ۱۰۰۰ | ۳۲ | - | - | - | ۳۲ | - | افزایش ۱۶۰۳۲ پورتال مسجد و کلون | | |
| ۶۱۵۰۰۰ | ۱۱۵۰۰۰ | ۱۱۰۰۰۰ | ۱۰۵۰۰۰ | ۱۰۰۰۰۰ | ۹۵۰۰۰ | ۹۵۰۰۰ | ۹۰۰۰۰ | ۱۰۰۰۰۰ | ۹۵۰۰۰ | تولید و انتشار ۵۲۵۰۰ عنوان خبر و گزارش‌های خبری | تقویت اطلاع رسانی - خبرگزاری شبستان | ۷ |

مصوبه مجوز بخشودگی مساجد و اماکن مقدسه اسلامی و معابد اقلیت‌های مذهبی و مدارس طلاب علوم دینی از پرداخت عوارض ساختمانی مالکانه و نوسازی

« مصوب نود و نهمین جلسه شورای اسلامی شهر تهران، مورخ ۱۳۸۳/۷/۱۴

● ماده واحده:

مساجد، بقاع متبرکه، مدارس علوم دینی و اماکن موقوفه مذهبی اسلامی از قبیل حسینییه، مهدیه، فاطمیه، رضویه و موقوفات و مستغلات داخل این‌گونه اماکن تا ده درصد (۱۰٪) مساحت زیربنا و تا حداکثر دویست (۲۰۰) متر مربع و املاک و مستغلات موقوفه وابسته (خارج) آن‌ها جمعاً تا دویست (۲۰۰) متر مربع و هم‌چنین معابد و اماکن مقدسه اقلیت‌های دینی رسمی کشور (مسیحی - زرتشتی، کلیمی) از پرداخت عوارض ساختمانی و نوسازی مالکانه معاف می‌باشند و شهرداری تهران موظف است معادل عوارض مترتبه را محاسبه و در ردیف کمک به اشخاص حقیقی و حقوقی (مواد ۱۶ و ۱۷) مصوبه بودجه سال ۱۳۸۳ شهرداری تهران منظور نماید.

□ تبصره - احراز موقوفه بودن موارد فوق‌الذکر منوط به گواهی و تأیید کتبی سازمان اوقاف و

امور خیریه می‌باشد.

مصوبه چگونگی مشارکت شهرداری تهران در سامان‌دهی وضعیت مساجد در شهر تهران

« مصوب یکصد و شانزدهمین جلسه شورای اسلامی شهر تهران مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۱

● ماده اول - با توجه به اهمیت فوق‌العاده مسجد به عنوان پایگاه حرکت‌های مذهبی، عقیدتی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در فرهنگ اسلامی و به منظور حفظ قداست این اماکن مقدس و ایجاد، بازسازی، نوسازی و بهسازی آن‌ها با مشارکت بخش‌های مختلف عمومی و غیردولتی، شهرداری تهران موظف است در اجرای مفاد ماده یکصد و شصت و سوم (۱۶۳) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران و همچنین بندهای بیست و یکم (۲۱) و بیست و دوم (۲۲) ماده پنجاه و پنجم (۵۵) قانون شهرداری، اقداماتی را به شرح ذیل به منظور کمک و مشارکت در سامان‌دهی وضعیت مساجد در شهر تهران و حریم آن اعمال نماید.

الف - مطالعه و مکان‌سنجی جهت ایجاد مساجد یا نمازخانه‌های عمومی در محلات مختلف شهر تهران و حریم آن و خصوصاً در بوستان‌های موجود یا در حال احداث و نیز در کلیه پایانه‌های شهری و معابر اصلی ورود و خروج شهر بر اساس ضوابط و مقررات موضوعه.

ب- پیش‌بینی و تأمین اراضی و فضاهای مناسب جهت احداث مساجد و پایگاه‌های بسیج مرتبط با آن و نیز نمازخانه‌های عمومی در طرح‌های جامع و تفصیلی مناطق شهری تهران بر اساس نیازسنجی‌های جمعیتی و امکان‌سنجی‌های لازم.

ج- در صورت تمایل شهرداری تهران می‌تواند نسبت به اعمال حمایت‌های مالی، پشتیبانی، خدماتی و تجهیزاتی در ایجاد و مرمت، بازسازی، نوسازی و بهینه‌سازی مساجد و نمازخانه‌های عمومی در شهر تهران و تمهید زمینه‌های لازم با رعایت اصل توزیع عادلانه در مقیاس‌های جغرافیایی مختلف از طریق دستورالعمل‌های مشخص اقدام ورزد.

● ماده دوم - مراحل اجراء:

به منظور حسن اجرای این مصوبه و ایجاد هماهنگی بین حوزه‌های اجرایی شهرداری و دیگر دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و همچنین ایجاد وحدت رویه و تسهیل و تسریع اقدامات لازم، شهرداری تهران موظف است نسبت به تشکیل کمیته اجرایی سامان‌دهی مساجد و نمازخانه‌های عمومی شهر تهران با مشارکت حوزه‌های اجرایی مرتبط در شهرداری تهران اقدام نماید.

□ تبصره اول - کمیته مزبور موظف است علاوه بر وظایف مطروحه نسبت به تشکیل کارگروهی تخصصی متشکل از کارشناسان امور فرهنگی، شهرسازی و معماری و همچنین دیگر کارشناسان مراجع ذی‌ربط به منظور بررسی و تصویب کلیه طرح‌های مرتبط با مشارکت شهرداری تهران در ساخت‌وساز و توسعه مساجد و نمازخانه‌های عمومی موضوع این مصوبه بالحاظ شاخص‌های معماری و شهرسازی لازم به منظور هویت اسلامی و ایرانی فضاهای فوق اقدام نماید.

□ تبصره دوم - کمیته مزبور موظف است نسبت به تهیه کلیه دستورالعمل‌های اجرایی لازم در مورد حفظ و ارتقاء سطح بهداشت، نظافت، پاکیزگی و زیبایی مسجد و نمازخانه‌های عمومی شهر تهران با هماهنگی دیگر دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط اقدام نماید.

□ تبصره سوم - کلیه مناطق و واحدها و مؤسسات و شرکت‌های تابعه شهرداری تهران از زمان

ابلاغ این مصوبه موظف به انجام هماهنگی و همکاری با کمیته مزبور خواهند بود.

□ تبصره چهارم - شهرداری تهران موظف است در اجرای این مصوبه هماهنگی لازم را با دیگر دستگاه‌های اجرایی ذی ربط اعمال نماید.

● ماده سوم - نظارت و هماهنگی به منظور ارزش‌یابی و نظارت بر حسن اجرای این مصوبه و هماهنگی با سایر نهادها و دستگاه‌های اجرایی ذی ربط در شهر تهران، شورای اسلامی شهر تهران موظف است نسبت به تشکیل «ستاد نظارت و هماهنگی سامان‌دهی مساجد و نمازخانه‌های عمومی در تهران» با حضور نمایندگان تام‌الاختیار

۱- سازمان اوقاف و امور خیریه

۲- مرکز رسیدگی به امور مساجد استان تهران

۳- اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران

۴- شهرداری تهران

۵- نماینده شورای اسلامی شهر تهران

و عنداللزوم سایر نمایندگان دستگاه‌های اجرایی ذی ربط اقدام نماید.

□ تبصره - شهرداری تهران موظف است از تاریخ ابلاغ این مصوبه و حداکثر ظرف مدت دو ماه با استفاده از دستورالعمل پیشنهادی نسبت به تهیه و تدوین کلیه آیین‌نامه‌های اجرایی لازم به منظور حسن اجرای این مصوبه اقدام و جهت تصویب به شورای اسلامی شهر تهران ارایه نماید.

□ تبصره یکم - شهرداری تهران می‌تواند در صورت لزوم نسبت به ساخت مساجد در مناطق شهری که با کمبود فضاهای مذکور مواجه هستند و یا مشارکت دیگر دستگاه‌های اجرایی ذی ربط و بخش‌های غیر دولتی اقدام نماید.

□ تبصره دوم - شهرداری تهران موظف است با اولویت‌بندی لازم اعتبارات مورد نیاز را برآورد نموده و در بودجه سال ۱۳۸۴ و بودجه‌های سالیانه خود پیش‌بینی و به شورای اسلامی شهر

تهران جهت تصویب پیشنهاد نماید.

د- جذب و جلب مشارکت‌ها اعم از عمومی و غیردولتی در ایجاد، توسعه، بازسازی و نوسازی مساجد و نمازخانه‌های عمومی در صورت هماهنگی با طرح‌های جامع شهری و با ارایه تسهیلات تشویقی از طریق ذیل:

۱- لغو عوارض ساختمان و نوسازی مالکانه از بخش عمومی و غیر دولتی جهت احداث، توسعه و یا نوسازی مساجد و نمازخانه‌های عمومی بر اساس ضوابط و مقررات موضوعه.

۲- مشارکت از طریق واگذاری اراضی متعلق به شهرداری تهران به متقاضیان مذکور جهت احداث مساجد و نمازخانه‌های عمومی بر اساس مقررات و ضوابط موضوعه (در صورت تمایل شهرداری تهران)

□ تبصره - مستغلات داخل حریم مساجد تا ده درصد (۱۰٪) مساحت زیربنا و حداکثر تا دویست (۲۰۰) متر مربع و املاک و مستغلات موقوفه وابسته به مساجد واقع در خارج از حریم آن‌ها جمعاً تا دویست (۲۰۰) متر مربع مشمول تسهیلات مذکور خواهند بود

۱- طرح «چگونگی مشارکت شهرداری تهران در سامان‌دهی وضعیت مساجد» با امضای هفت نفر از اعضای شورای اسلامی شهر تهران شامل آقایان: رسول خادم، حبیب کاشانی، عباس شیبانی، حمزه شکیب، مسعود زریبافان، حسن بیادی و محمود خسروی وفا با قید یک فوریت ارایه گردیده بود. یک فوریت طرح در ردیف اول دستور یکصد و سیزدهمین جلسه علنی - فوق‌العاده شورا به تاریخ ۸۳/۹/۱۵ قرار گرفت و به اتفاق آراء (سیزده رأی) تصویب گردید.

۲- تصویب طرح در یکصد و شانزدهمین جلسه علنی - فوق‌العاده شورا به تاریخ ۸۳/۱۰/۱ مورد بررسی قرار گرفت که پس از قرائت و استماع گزارش کمیسیون اصلی و توضیحات ارایه شده، کفایت مذاکرات اعلام و با لحاظ موارد اصلاحی و پیشنهادی، مفاد آن مشتمل بر سه ماده و هشت تبصره به اتفاق آراء (پانزده رأی) به تصویب رسید.

مصوبات جلسات ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور

« سال‌های ۱۳۸۶ الی ۱۳۸۸

- ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور برابر آیین‌نامه مصوب مورخ ۸۳/۱۰/۲۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی دارای ۱۶ عضو می‌باشد که بر اساس احکام صادره از سوی رییس محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی به عضویت ستاد منصوب می‌شوند.
به منظور حسن اداره جلسات و تنظیم برنامه‌ها و انجام وظایف محوله، ستاد شیوه‌نامه اجرایی مربوط به جلسات را به شرح ذیل تعیین می‌نماید:
- ماده ۱- اداره جلسات ستاد بر عهده وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌باشد.
- تبصره- در صورت عدم حضور رییس، دبیر ستاد مسئولیت اداره جلسات را بر عهده خواهد داشت.

- ماده ۲- جلسات ستاد با حضور حداقل دو سوم اعضاء رسمیت یافته و اعتبار مصوبات ستاد با اکثریت حاضر در جلسه خواهد بود.
- ماده ۳- دبیر ستاد می تواند در موارد ضروری، فرد یا افرادی را بر حسب مورد با هماهنگی رییس و بدون داشتن حق رأی به جلسات دعوت نماید.
- ماده ۴- جلسات ستاد هر یک ماه یکبار تشکیل خواهد شد.
- تبصره ۱- جلسات فوق العاده بنا به دعوت رییس و دبیر ستاد و یا به تقاضای پنج نفر از اعضاء تشکیل خواهد شد.
- ماده ۵- نحوه تعیین دستور جلسات به شرح ذیل است:
 - ۱- ۵- موضوعات قابل طرح به وسیله هر یک از اعضاء کتباً به دبیرخانه ستاد پیشنهاد می گردد.
 - ۲- ۵- دبیرخانه موظف است فهرست موضوعات پیشنهادی را به رؤیت ریاست ستاد و بعد از کسب نظر کارشناسی موضوع در ستاد مطرح و ستاد می تواند در راستای عمل به وظایف مربوطه تشکیل به کارگروه تخصصی نماید.
 - ۳- ۵- کارگروه باید موضوعات منتخب را بعد از مطالعه به ترتیب طبقه بندی نموده و آن را برای ارایه در جلسات ستاد آماده سازد.
 - ۴- ۵- مواردی که قرار است در دستور جلسات مورد بحث قرار بگیرند باید حداقل یک هفته قبل از تشکیل جلسه همراه با تعیین تاریخ جلسه به وسیله دبیرخانه برای کلیه اعضاء ارسال گردد.
- تبصره ۲: اکثریت اعضاء ستاد در صورت نیاز می توانند موضوعی را برای قرار گرفتن در دستور کار مشخص و به دبیرخانه اعلام نمایند و در این صورت دبیرخانه موظف است خارج از اولویت های تعیین شده در دستور جلسه قرار دهد.

- ماده ۶- طرح مجدد هر موضوع یا مصوبه در صورت پیشنهاد اکثریت اعضا ستاد و موافقت رییس یا دبیر ستاد ممکن خواهد بود.
- ماده ۷- اعضا موظفند در کلیه جلسات ستاد شخصاً شرکت نمایند و در صورت عدم امکان حضور لازم است مراتب را حداقل سه روز قبل از تاریخ جلسه به اطلاع دبیرخانه برسانند.
- ماده ۸- دبیرخانه موظف است صورت جلسات مربوطه را برای کلیه اعضا ستاد و روسای دستگاه‌های مربوطه ارسال نماید.
- تبصره ۳: دبیرخانه می‌تواند برای انجام وظایف خود از وجود یک یا دو منشی در جلسات ستاد استفاده نماید.
- ماده ۹- دبیرخانه موظف است مصوبات را از طریق دستگاه‌های عضو پیگیری نموده و در صورت عدم اجرا، موضوع را به ستاد منعکس نموده و بعد از اتخاذ تصمیمات در جلسات ستاد، نتیجه به دستگاه‌های مربوطه اعلام گردد.
- ماده ۱۰- دبیر موظف است مصوباتی را که انتشار آن‌ها به نظر ستاد برای عموم لازم است، از طریق رسانه‌های عمومی به اطلاع مردم برساند.

« شرح مصوبات ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور (سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۸) »

الف- مقرر شد تقویم سالیانه برنامه‌های فرهنگی، مذهبی و مناسبت‌ها در مساجد بر اساس ایام کل سال (۳۶۵ روز) تنظیم و تدوین گردد (جلسه هفدهم، مورخ ۸۶/۵/۱).

ب- در تنظیم تقویم برنامه‌های سالیانه مساجد باید نوع، مناسبت‌ها و نحوه اجرای

برنامه به صورت محلی، شهرستانی، استانی، کشوری، مراکز آموزشی و تفریحی مد نظر قرار گیرد و به صورت پیوست‌های کامل و واضح به دبیرخانه ستاد ارایه گردد. (جلسه هفدهم، مورخ ۸۶/۵/۱).

ج- مقرر شد سازمان‌های اوقاف و امور خیریه، تبلیغات اسلامی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هر کدام دو نفر کارشناس جهت کمک به کارگروه فرهنگی و امور فرهنگی معرفی نمایند. (جلسه مورخ ۸۶/۵/۱۵).

د- کلیات طرح اوقات فراغت به شرح ذیل به تصویب رسید:
«به منظور هماهنگی [در] اجرای طرح‌های اوقات فراغت در مساجد، ستاد هماهنگی طرح اوقات فراغت در مساجد تشکیل می‌شود» (جلسه هفدهم ۸۶/۵/۱۵).
ه- اعضاء ستاد هماهنگی طرح اوقات توسط اعضاء ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد به شرح ذیل انتخاب شدند:

۱- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

۲- سازمان تبلیغات اسلامی

۳- سازمان صدا و سیما

۴- مرکز رسیدگی به امور مساجد (فقط در استان تهران)

۵- سازمان اوقاف و امور خیریه

۶- شهرداری تهران (فقط در تهران) (جلسه هفدهم، مورخ ۸۶/۵/۱۵).

و- مقرر شد برای ستاد طرح اوقات فراغت در مساجد، دبیرخانه مرکزی و کمیته نظارت بر عملکرد دستگاه‌های عضو تشکیل گردد (جلسه هجدهم، مورخ ۸۶/۵/۱۵).

ز- مقرر شد توسط دبیرخانه ستاد نسبت به اخذ مصوبه استانداری تهران در خصوص دستگاه‌های ذی‌صلاح در صدور مجوز ساخت و ساز مساجد شهر تهران پیگیری لازم به عمل آید (جلسه بیستم، مورخ ۸۶/۷/۱۶).

ح- مقرر شد فضای مساجد کشور به گونه‌ای مهیا شود که برنامه‌های مذهبی و قرآنی آن‌ها در تمام ایام سال انجام شود و تنها به ماه مبارک رمضان و یا مناسبت‌های خاص و اعیاد اسلامی اکتفا نگردد (جلسه بیست و یکم، مورخ ۸۶/۷/۳۰).

ط- مقرر شد طرح‌های خادمان قرآن در مساجد و جشنواره مساجد قرآنی در یک طرح واحد تحت عنوان «مسجد محوری با رویکرد زندگی قرآنی» تجمیع و ادغام گردند (جلسه بیست و دوم، مورخ ۸۶/۸/۲۲).

ی- مقرر شد به منظور عملیاتی نمودن طرح فوق ستادی با مسئولیت و محوریت کانون‌های فرهنگی هنری مساجد و مشارکت دستگاه‌های ذی‌ربط شامل: سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان اوقاف و امور خیریه، نیروی مقاومت بسیج، مرکز رسیدگی به امور مساجد، سازمان صدا و سیما و سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تشکیل گردد (جلسه بیست و دوم، مورخ ۸۶/۸/۲۸).

ک- مقرر شد در رابطه با پیشنهاد دبیر شورای امنیت کشور مبنی بر اتخاذ تدابیر لازم برای پیوند و تعاملات لازم میان برادران اهل سنت و شیعیان، سرپرست کارگروه فرهنگی ستاد با هماهنگی مرکز رسیدگی به امور مساجد، سازوکارهای لازم به منظور فراهم نمودن پنج وقت اقامه نماز جماعت در مساجد مناطق خاصی از تهران پیش‌بینی و در جلسه آتی ستاد مطرح تا مورد بررسی و تصویب قرار گیرد (جلسه بیست و سوم، مورخ ۸۶/۱۱/۲۹).

ل- مقرر شد به منظور تقاطع‌گیری اعتبارات تخصیصی هر یک از دستگاه‌های عضو ستاد در مقوله کمک به مساجد کارگروهی متشکل از نمایندگان وزارت کشور، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت مسکن و شهرسازی [وزارت راه و شهرسازی]، کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد و سازمان اوقاف و امور خیریه وضعیت میزان

اعتبارات اختصاصی هر یک از دستگاه‌ها را به طور شفاف احصاء و به ستاد ارایه نماید (جلسه بیست و نهم، مورخ ۸۷/۷/۲۹).

م- مقرر شد با توجه به اعلام آمادگی شهرداری محترم تهران با احداث ۵۰۰ نمازخانه در سطح بزرگ‌راه‌ها و خیابان‌های اصلی شهر تهران اولاً: عنوان نمازخانه‌های مورد نظر به مسجد تغییر نام و ثانیاً: هنگام طراحی و احداث، نماد مسجد اعم از: مناره، گنبد و سبک معماری مربوط به آن رعایت گردد (جلسه سی و چهارم، مورخ ۸۸/۱/۱۷).

ن- مقرر شد هنگام طراحی و احداث بیمارستان‌های دولتی و خصوصی مکانی با کاربری مسجد پیش‌بینی و موضوع از طریق نماینده محترم بهداشت، درمان و آموزش پزشکی پیگیری گردد (جلسه سی و چهارم، مورخ ۸۸/۱/۱۷).

آیین نامه ستاد سامان دهی مساجد استان تهران

« مصوب ۱۳۹۰/۸/۷

- شورای سیاست گذاری مرکز رسیدگی به امور مساجد شورای سیاست گذاری مرکز رسیدگی به امور مساجد در یکصد و چهل و پنجمین جلسه خود (مورخ ۹۰/۸/۷) بنا به پیشنهاد مرکز و به استناد بند (ب) از راهبردهای ذیل اهداف مربوط به امور اجتماعی و بندهای (الف) و (ب) از راهبردهای ذیل اهداف مربوط به امور مدیریت کلان چشم انداز مساجد در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی مصوب نمود:
نظر به اهمیت و جایگاه بی بدیل مساجد در تحقق چشم انداز کلان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و انتقال از وضعیت موجود مساجد به وضعیت مطلوب با مؤلفه های: نهادی دینی، فعال، اثرگذار و مسئولیت پذیر در صحنه تعاملات فرهنگی و برخوردار از روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، توانا، پویا، کارآمد و توانمند در ترویج، آموزش و تبلیغ فرهنگ اسلامی با بهره مندی از حضور و مشارکت مردم و دستگاه های مرتبط و مسئول و ارتقاء بخش هویت اسلامی، انقلابی و وحدت ملی، ستاد سامان دهی مساجد استان تهران در مرکز رسیدگی

به امور مساجد تشکیل خواهد شد.

« الف) اهداف:

- ۱) تحقق منویات رهبر فرزانه انقلاب در خصوص ایجاد زمینه‌های هماهنگی، تعامل، هم‌افزایی و ارتقای سطح کیفی فعالیت دستگاه‌های جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی
- ۲) نظام‌مند نمودن تعامل مساجد با سایر نهادهای فرهنگی - اجتماعی
- ۳) تحقق راهبرد تمرکز در هدف‌گذاری و سیاست‌گذاری و اجرای غیر متمرکز، توأم با نظارت و ارزیابی

« ب) وظایف:

- ۱) ایجاد بستر مناسب و الگویی در جهت تحقق اهداف عالی رهبر فرزانه انقلاب در خصوص تاسیس مرکز رسیدگی به امور مساجد و انتقال این‌الگو به سایر استان‌ها
- ۲) بررسی و تصویب اقدامات اجرایی هماهنگ در ارتباط با مساجد استان تهران
- ۳) نظارت و ارزیابی در خصوص وظایف مترتب بر هر یک از اعضای حقوقی ستاد
- ۴) ارائه پیشنهادها و اصلاحی در ارتباط با سیاست‌ها، راهبردها و برنامه‌های دستگاه‌های عضو
- ۵) سامان‌دهی مسایل و مشکلات ناشی از فقدان متولی خاص یا ناشی از توکل و تزامم متولیان متکثر
- ۶) انسجام‌بخشی به اعتبارات، تلاش‌ها و خدمات دستگاه‌های مرتبط با مساجد استان در جهت هم‌افزایی و جلوگیری از موازی‌کاری‌ها
- ۷) بررسی ماموریت و برنامه‌های دستگاه‌های مرتبط با مساجد در استان تهران به منظور بهینه‌سازی وظایف و حذف موازی‌کاری‌ها در قبال مساجد و افزایش مشارکت
- ۸) شناسایی و تشویق دستگاه‌های برتر استان در زمینه ارائه خدمات به مساجد به صورت سالیانه و معرفی دستگاه‌های ضعیف به شورای فرهنگی دفتر مقام معظم رهبری

« (ج) اعضای ستاد:

- ۱) رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد استان (به عنوان رئیس ستاد)
 - ۲) مدیرکل سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران
 - ۳) مدیرکل سازمان تبلیغات اسلامی استان تهران
 - ۴) مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران
 - ۵) رئیس دبیرخانه شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه استان
 - ۶) مدیرکل اطلاعات استان تهران یا معاون مربوطه
 - ۷) فرمانده نیروی مقاومت بسیج در استان تهران
 - ۸) نماینده تام‌الاختیار استاندار تهران
 - ۹) نماینده تام‌الاختیار شهردار تهران
- تبصره ۱- جلسات ستاد با حضور دو سوم اعضا رسمیت یافته و تصمیمات آن با اکثریت آرای اعضای حاضر معتبر است.

□ تبصره ۲- رئیس ستاد در موارد مقتضی می‌تواند از نمایندگان سایر دستگاه‌های ذی‌ربط جهت حضور در جلسات ستاد و تصمیم‌گیری‌ها دعوت نماید.

□ تبصره ۳- با هدف حفظ میزان اثربخشی و قدرت تصمیم‌گیری ستاد، اعضاء شخصاً در جلسه حضور خواهند داشت.

« (د) دبیرخانه ستاد:

دبیرخانه ستاد زیر نظر رئیس ستاد فعالیت خواهد نمود و وظایف زیر را بر عهده خواهد داشت:

- ۱) تمهید مقدمات تشکیل جلسات ستاد
- ۲) ابلاغ و پیگیری اجرای مصوبات
- ۳) ثبت، ضبط و بایگانی اسناد و نتایج جلسات

« هـ) زمان بندی جلسات ستاد:

● جلسات ستاد حداقل ماهی یک بار و طبق برنامه زمان بندی شده سالانه که از قبل تصویب می گردد برگزار می شود.

□ تبصره ۴- جلسات فوق العاده بنا به تشخیص رییس ستاد یا پیشنهاد یک سوم اعضا برگزار می گردد.

این آیین نامه مشتمل بر ۵ بند و ۴ تبصره در تاریخ ۹۰/۸/۷ با اکثریت آراء به تصویب رسید.

بخشنامه اهمیت نماز و ضرورت تنظیم برنامه‌های ملاقات عمومی
توسط مدیران و مسئولان در مساجد جهت رسیدگی به مشکلات
مردم بخشنامه

« مورخ ۱۳۸۳/۹/۵ رییس قوه قضاییه

الله الله فی الصلوه فانها عمود دینکم؛

امیر المؤمنین علی (علیه السلام)

نماز؛ نیاز روح و شکوه نیایش، عالی‌ترین و شکوه‌مندترین ارتباط بی‌نهایت کوچک آفریده با بی‌نهایت بزرگ آفریدگار، مجموعه حقایق و معارفی است که بشر در گذرگاه حیات می‌آموزد تا با نیروی ایمان به اوج انسانیت عروج کند. کوشش در راه احیای روح نماز و فرهنگ مترقی آن در همه شوون زندگی فردی و اجتماعی از جمله ویژگی‌های ممتاز و سازنده نماز است. در پرتو اقامه این فریضه الهی، حریم، حدود و روح نماز را پاس بداریم و با حضور در فضای عطر آگین، روحانی و معنوی مساجد و جمع نمازگزاران پاک‌نهاد به یاری بندگان خدا

بشتابیم. رفع گرفتاری‌ها و حل مشکلات مردم و تلاش برای بهره‌مندی آنان از عدالت در سایه‌سار رحمت و غفران پروردگار، از جمله فرامین نماز است که باید مورد توجه همکاران محترم قرار گیرد و در اجرای آن کوشش نمایند. مسئولان و مدیران دادگستری‌ها و رؤسای سازمان‌های تابعه در جهت افزایش اعتماد جامعه به قوه قضاییه به عنوان یکی از هدف‌های کلان برنامه توسعه قضایی، با تنظیم برنامه ملاقات‌های عمومی در مساجد، اظهارات مردم را استماع و ضمن ارشاد و راهنمایی، نسبت به رفع مشکلات و گرفتاری‌های آنان اقدام و پیگیری‌های لازم را معمول دارند. توفیق همکاران در اقامه فریضه نماز، تعاون اجتماعی و مساعدت به بندگان خدا را از حضرتش مسألت دارم.

دستور العمل مربوط به تعاریف و اصطلاحات مندرج در آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه

« مصوب ۱۳۶۵/۳/۲۷ سرپرست سازمان حج و اوقاف و امور خیریه

- ۱- منظور از کلمه سازمان در آیین نامه مصوب و این دستور العمل، سازمان حج و اوقاف و امور خیریه است.
- ۲- وقف عام: وقفی است که در جهت و مصلحت عمومی و یا عناوین عامه باشد. مانند وقف بر مساجد، مدارس، تعزیه داری، اطعام، دارو و درمان، کمک به فقرا، یتام و غیره.
- موقوفاتی که [به] وسیله اقلیت های دینی برای معابد و امور عام المنفعه اختصاص یافته وقف عام تلقی می شود.
- ۳- وقف خاص: وقفی است برای شخص یا اشخاص معین و محصور، مانند وقف بر اولاد و احفاد
- ۴- موقوفات متصرفی: موقوفاتی است که به موجب قانون و با رعایت آیین نامه

- اداره آن‌ها به عهده سازمان حج و اوقاف و امور خیریه می‌باشد.
- ۵- نظارت استصوابی و اطلاعی: نظارت استصوابی آن است که اقدامات متولی با تصویب قبلی ناظر صورت گیرد. نظارت اطلاعی آن است که اقدامات متولی فقط به اطلاع ناظر برسد و در مواردی که طبق قانون و آیین‌نامه نظارت سازمان پیش‌بینی شده این نظارت استصوابی است.
- ۶- اماکن مذهبی اسلامی: به اماکنی اطلاق می‌شود که برای عبادت یا زیارت یا انجام مراسم مذهبی ایجاد شده یا اختصاص یافته و جنبه استفاده شخصی نداشته باشد.
- ۷- مؤسسات و انجمن‌های خیریه: مؤسساتی است غیر تجاری که برای تعظیم شعائر اسلامی، امور فرهنگی، بهداشتی، تربیتی، معاونت‌های عمومی و یا هر نوع عمل خیر دیگری تأسیس شده و به ثبت رسیده و یا تشکیل شود.
- ۸- صلاحیت: عبارت از شرایطی است که متولیان، امناء و یا نظار باید براساس مفاد وقف‌نامه و قانون، داشته باشند.
- ۹- گورستان متروکه موقوفه: گورستانی است که در حال حاضر میت در آن دفن نمی‌شود و به موجب اسناد و مدارک ثبتی و یا وقف‌نامه یا احکام صادره از محاکم و یا شیاع محلی، موقوفه باشد.
- ۱۰- متولی: شخصی است که به استناد مفاد وقف‌نامه با تشخیص شعب تحقیق و یا حکم دادگاه جهت اداره امور موقوفه تعیین شده یا بشود.
- ۱۱- نایب‌التولیه: شخصی است که از طرف متولی به استناد متن وقف‌نامه و یا براساس موازین شرعی و قانونی برای اداره امور موقوفه تعیین می‌شود. مدت و حدود اختیارات نایب‌التولیه به وسیله متولی معین می‌گردد.
- ۱۲- ممنوع‌المداخله: در صورتی که متولی یا ناظر به موجب قانون و یا رسیدگی شعبه تحقیق و حکم دادگاه از دخالت یا نظارت در امور موقوفه منع گردد، تا زمان حصول برائت، ممنوع‌المداخله نامیده می‌شود.
- ۱۳- ضم‌امین: در مواردی که به موجب رأی دادگاه اداره موقوفه می‌باید با دخالت شخص دیگری علاوه بر متولی باشد، این عمل ضم‌امین و شخص تعیین شده،

امین منضم نامیده می‌شود.

۱۴- معزول: در صورتی که به موجب رسیدگی شعبه تحقیق و رأی دادگاه، متولی یا ناظر از سمت تولیت یا نظارت برکنار گردد، معزول نامیده می‌شود.

۱۵- بودجه: پیش‌بینی در آمد و هزینه موقوفه یا مکان مذهبی یا مؤسسه خیریه است که براساس اسناد و مدارک اجاره، وقف‌نامه، اساس‌نامه و غیره در فرم مخصوص برای یک سال مالی تنظیم می‌شود.

۱۶- صورت حساب: صورت در آمد و هزینه براساس اسناد و مدارک مثبت.

۱۷- مفاصا حساب: گواهی مبنی بر تفریق در آمد و هزینه موقوفه یا مکان مذهبی یا مؤسسه خیریه با رعایت بودجه سالیانه می‌باشد.

۱۸- رقبه: عبارت است از یک واحد ملکی غیر منقول. هر موقوفه یا مکان مذهبی ممکن است دارای یک یا چند رقبه باشد.

۱۹- مبرات مطلقه: آن است که واقف مصرف در آمد را برای احسان، خیرات و بریات بدون قید و وصف، اختصاص داده باشد.

۲۰- مجهول‌المصرف: موقوفه‌ای است که به علت فقدان و یا از بین رفتن قسمتی از وقف‌نامه و یا اجمال و ابهام عبارات وقف‌نامه، نوع مصرف عواید آن، مشخص نباشد.

۲۱- مجهول‌التولیه: موقوفه‌ای است که به علت نداشتن وقف‌نامه و یا به علت عدم ذکر نام یا صفت برای اداره کننده، نتوان شخص معینی را به عنوان متولی موقوفه تعیین کرد.

۲۲- سیره جاریه: رویه‌ای است مستنبط از نظر واقف که عواید موقوفه فاقد وقف‌نامه بر آن اساس مصرف می‌شده است. احراز این رویه با شعب حقوقی ادارات تحقیق می‌باشد.

۲۳- پذیره: وجهی است که به هنگام ایجار اراضی موقوفه با اعطای حق تملک اعیان به مستأجر، به عنوان پذیره ابتدایی و یا به هنگام انتقال رقبات به عنوان پذیره انتقالی، حسب مورد، به نفع موقوفه با رعایت آیین‌نامه مربوط دریافت خواهد شد.

۲۴- اهدایی: وجهی است که به هنگام استیجار قانونی، به موقوفه تقدیم می‌گردد.

۲۵- هدایای مستقل: عبارت است از کمک‌های بلاعوضی است که از طرف اشخاص به ادارات حج و اوقاف و امور خیریه تقدیم می‌شود.

۲۶- تعدی: عبارت است از تجاوز متولی یا ناظر یا امین موقوفه یا اماکن مذهبی از حدود قانون یا اذن و یا متعارف نسبت به موقوفه و اماکن مذهبی و یا حقوق آن‌ها.

۲۷- تفریط: عبارت است از ترک عملی از سوی متولی یا ناظر و یا امین که به موجب وظایف معین و یا قانون و یا متعارف برای حفظ عین و یا منافع موقوفه و اماکن مذهبی لازم است.

۲۸- مظنه تعدی و تفریط: وجود قراین و شواهدی است بر امکان تجاوز یا ترک عمل توسط متولی یا امین که تضييع حقوقی را احتمالاً نشان دهد. اعلامات افراد موثق و وجود شکایات موجه و مستمر و بی‌توجهی به تذکرات ادارات حج و اوقاف و امور خیریه یا عدم تنظیم بودجه (موضوع ماد ۲۰ آیین‌نامه) می‌تواند از جمله این قراین و شواهد تلقی گردد. در موارد مذکور در این بند، ادارات حج و اوقاف و امور خیریه بایستی مراتب را مشروحاً به سازمان مرکزی گزارش و کسب تکلیف نمایند.

۲۹- بطون لاحق: به کسانی اطلاق می‌شود که بعد از موقوف‌علیهم فعلی، طبق مفاد وقف‌نامه، مصداق موقوف‌علیهم قرار خواهند گرفت.

۳۰- حوزه: محدوده عمل یک واحد تشکیلاتی اداره حج و اوقاف و امور خیریه یا شعب تحقیق است که به وسیله سازمان تعیین و ابلاغ می‌شود.

۳۱- اجرت‌المثل: عبارت است از حق‌التصدی که در قبال اداره امور بقاع متبرکه طبق ماده ۳۴ آیین‌نامه اجرایی قانون برای ادارات حج و اوقاف و امور خیریه تعیین می‌گردد.

به منظور آن که اصطلاحات به کار برده شده در آیین‌نامه و مقررات مورد عمل برای سازمان حج و اوقاف و امور و کارکنان ذی‌ربط موجب اختلاف در برداشت و

تفاوت استنباط نشده و ایجاد ابهام و اشکال ننماید، نماینده ولی فقیه و سرپرست وقت سازمان اوقاف و امور خیریه در تاریخ ۱۳۶۵/۳/۲۷، با توجه به ماده (۷۰) آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰ هیأت وزیران، تعاریف فوق را در قالب دستورالعمل تهیه و به ادارات و مسئولین مربوطه ابلاغ نمودند.

دستورالعمل آیین نامه مستثنی شدن خدام و کارکنان بقاع متبرکه، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، مدارس علوم دینی موقوفه و موقوفات عام غیر تولیدی از شمول موادی از قانون کار

« مصوب ۱۳۷۴/۱۱/۲۵ سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه

- ۱- قراردادهای کار در بقاع متبرکه، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا و مدارس علوم دینی و موقوفات عام غیر تولیدی به صورت موردی بین هیأت امناء، متولی و یا اداره اوقاف و امور خیریه به عنوان کارفرما و کارکنان خدام آنها به عنوان کارگر منعقد می‌شود. در موقوفات عام غیر تولیدی، متولی و در صورت متصرفی بودن، هیأت امناء و اداره اوقاف و امور خیریه مربوطه کارفرمای قرارداد خواهند بود.
- ۲- در صورتی که کارفرما قصور و یا تخلفی از ناحیه کارگر مشاهده کند حق دارد به خدمت او خاتمه دهد و در این صورت کارگر حق مطالبه هرگونه وجهی را از خود اسقاط و سلب می‌نماید.
- ۳- هرگاه کارفرما قبل از انقضای مدت قرارداد نیاز به ادامه کار کارگر نداشته

باشد می تواند مراتب را به وی ابلاغ و با پرداخت یک ماه دستمزد به ازای هر سال اشتغال به کار او خاتمه دهد.

۴- هرگاه کارگر قبل از انقضای مدت قرارداد مایل به ادامه کار نباشد بایستی یک ماه قبل مراتب را کتباً به کارفرما اعلام نماید، در غیر این صورت ترک کار تلقی و قرارداد کار منفسخ است. بدیهی است هرگاه کارگر یک ماه قبل از انقضای مدت قرارداد عدم تمایل خود را به ادامه کار اعلام نماید، با وی برابر بند ۳ دستورالعمل رفتار خواهد شد.

۵- با توجه به مفاد تصویب نامه در پایان مدت قرارداد یا خاتمه کار معین طبق ماده ۲۴ قانون کار عمل خواهد شد.

۶- میزان دستمزد با توجه به نوع کار و نحوه اجرای آن از سوی کارفرما پیشنهاد و پس از تأیید اداره کل اوقاف و امور خیریه استان مربوطه قابل پرداخت خواهد بود.

۱- به نظر می رسد بند (۲) دستورالعمل مذکور که حق مطالبه هرگونه وجهی را از کارگر ساقط و سلب می کند، با ماده ۹۵۹ قانون مدنی که اشعار می دهد: «هیچ کس نمی تواند به طور کلی حق تمتع و یا حق اجرای تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند» در تعارض قرار دارد

۲- به توضیحات ذیل آیین نامه مستثنی شدن خدام و کارکنان بقاع متبرکه، مساجد و... از شمول بعضی از مواد قانون کار مصوب ۱۳۷۱/۱۱/۲۶ هیأت وزیران، مندرج در همین مجموعه رجوع کنید.

دستور العمل و وظایف پیشنهادی کارگروه تخصصی ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد

« مصوب ۱۳۸۵/۲/۱۸ ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد

« مقدمه

در راستای تحقق وظایف مندرج در ماده (۲) آیین نامه ستاد پشتیبانی مصوب جلسه ۵۵۳ مورخ ۸۳/۱۰/۲۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی و شیوه نامه اجرایی مورخ ۸۵/۲/۱۱ ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد، کارگروه های تخصصی زیر نظر ستاد تشکیل می گردد.

● ماده ۱- عنوان کارگروه ها

کارگروه های تخصصی بر سه محور اصلی تحت عنوان کارگروه تخصصی هماهنگی و امور فرهنگی، کارگروه تخصصی پشتیبانی و عمران مساجد و کارگروه تخصصی امور حقوقی و نیروی انسانی تشکیل می گردد.

● ماده ۲- وظایف کارگروه‌ها

شرح وظایف کارگروه‌ها به شرح ذیل تعیین می‌گردد:

۱-۲- کارگروه تخصصی هماهنگی و امور فرهنگی

۱-۱-۲- شناسایی و اولویت‌بندی مسایل و موضوعات فرهنگی قابل طرح در جلسات ستاد.

۲-۱-۲- تهیه و تنظیم طرح‌های توجیهی با ماهیت فرهنگی در راستای تحقق مأموریت‌های محوله کارگروه.

۳-۱-۲- تهیه طرح‌هایی که عامل افزایش انگیزه و فرهنگ‌سازی در بین عموم مردم [است]، جهت کمک‌های مادی و معنوی به مساجد.

۴-۱-۲- بررسی و ارزیابی راه‌های افزایش وفاق و همدلی بین فعالان عرصه مساجد و مردم با محوریت ائمه جماعات در تحقق این مهم.

۵-۱-۲- مطالعه و ارزیابی راهکارهای مناسب در راستای افزایش اثربخشی مراسم اعیاد و وفیات و مناسبت‌های رسمی در مساجد.

۶-۱-۲- بحث و بررسی پیرامون ایجاد و توسعه ارتباطات و گسترش بانک‌های اطلاعات مساجد و یکسان‌سازی اطلاعات با هدف به‌هنگام‌سازی آن.

۷-۱-۲- ارزیابی روش‌های موثر و کارآمد با استفاده از دیدگاه‌ها و فعالیت‌های علمی و کارشناسانه (پایان‌نامه‌های دانشجویی و...) در راستای تبیین جایگاه مساجد با حضور شخصیت‌های صاحب نظر.

۸-۱-۲- بررسی و ارزیابی طرح‌های مناسب با هدف افزایش ارتباطات جوانان دانش‌آموز، دانش‌جویان، نخبگان جوان و... با مساجد.

۹-۱-۲- بررسی راه‌های افزایش حضور نخبگان جامعه، اندیشمندان، محققان، نویسندگان و... در فعالیت‌های مساجد.

۱۰-۱-۲- ارزیابی راهکارهای مناسب و نظام‌مند جهت برگزاری جشنواره‌ها و مسابقات فرهنگی، هنری و ورزشی ویژه نمازگزاران.

۱۱-۱-۲- تهیه طرح‌های مناسب در راستای غنی‌سازی اوقات فراغت نمازگزاران به ویژه نمازگزاران جوان.

۱۲-۱-۲- طراحی هدف‌مند در راستای فرهنگ‌سازی در بین مردم به منظور احیاء سنت‌های اسلامی (مانند نکوداشت، بهداشت، اعتکاف و...)

۱۳-۱-۲- طراحی شیوه‌های نوین نظرسنجی هدف‌مند از اقصاء مختلف جامعه با هدف آشنایی بیشتر با نظرات آماری جامعه راجع به مساجد.

۲-۲- کارگروه تخصصی پشتیبانی و عمران مساجد

۱-۲-۲- طراحی سازوکارهای لازم در راستای شناسایی و سامان‌دهی مساجد، احداث، تعمیر، تجهیز و نگهداری مساجد.

۲-۲-۲- بررسی و ایجاد سازوکارهای لازم برای حمایت و پشتیبانی از موقوفات مساجد و ارایه شیوه‌های مناسب در راستای ایجاد و افزایش درآمدهای مساجد.

۳-۲-۲- بررسی شیوه‌های نوین در راستای نقش آفرینی نمازگزاران در مواقع بروز حوادث غیر مترقبه.

۴-۲-۲- شناسایی و راه‌های جذب و هدایت کمک‌های مردمی (بازار، اصناف، خیرین، واقفین و...) به مساجد.

۵-۲-۲- تهیه و تنظیم طرح‌هایی در راستای تحقق بهداشت مطلوب مساجد از جمله طرح بهداشت‌یاران مساجد.

۳-۲- کارگروه تخصصی امور حقوقی و نیروی انسانی

۱-۳-۲- تهیه و تدوین پیش‌نویس آیین‌نامه، دستورالعمل‌ها، بخش‌نامه‌های ابلاغی ستاد.

۲-۳-۲- طراحی آموزش‌های توجیهی در راستای تحقق مطلوب اهداف ستاد جهت دست‌اندرکاران امور مساجد.

۳-۲-۲- بررسی موانع و شناسایی راهکارهای موجود در راستای انجام هر چه بهتر وظایف مصوب ستاد.

۴-۳-۲- تهیه و تدوین سیاست‌های تشویقی و حمایتی جهت دست‌اندرکاران امور مساجد.

- ۵-۳-۲- طراحی و سازمان‌دهی امور اداری و رسیدگی به وضعیت پرسنل فعال در امر مساجد.
- ۶-۳-۲- انجام مطالعات کاربردی حقوقی با هدف احقاق حقوق مساجد.
- ۷-۳-۲- بررسی و ارایه راهکارهای حقوقی مناسب جهت تشکیل صندوق‌های قرض‌الحسنه جهت کمک به نمازگزاران مستمند.
- ۸-۳-۲- نظام‌مند کردن کمک‌های نمازگزاران مساجد به نمازگزاران مستمند و مسکین.
- ۹-۳-۲- نظام‌مند کردن ارتباطات مساجد با دیگر دستگاه‌ها و نهادها و تعیین میزان دخالت دیگر دستگاه‌ها در امور مساجد.
- ۱۰-۳-۲- طراحی تشکله‌ها و انجمن‌های مختلف فرهنگی، هنری، ورزشی و غیره با ماهیت حقوقی ویژه نمازگزاران.
- ۱۱-۳-۲- ارایه راهکارهای حقوقی در تعیین میزان تعامل مساجد با فعالیت‌های نهادهای مدنی نظیر احزاب و تشکلهای غیردولتی.
- ۱۲-۳-۲- نظام‌مند کردن جایگاه حقوقی مساجد در ایام برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی، شوراهای و...
- ۱۳-۳-۲- تهیه و تنظیم طرح‌هایی از جمله به کارگیری خادمان افتخاری مساجد.
- ۱۴-۳-۲- ارایه طرح‌های حقوقی مناسب به منظور سامان‌دهی هیأت‌امناء مساجد در راستای مدیریت بهینه مساجد کشور.
- ۱۵-۳-۲- پیگیری بیمه نمودن خادمان زحمت‌کش مساجد.
- ۱۶-۳-۲- ارایه راهکارهای حقوقی جهت معافیت خدمات فرهنگی، پزشکی و تجاری وابسته به مساجد از فعالیت‌های عمومی دولت.

● ماده ۳- اعضاء

اعضای کارگروه‌های تخصصی مرکب از اعضا یا نمایندگان تام‌الاختیار معرفی شده از سوی اعضای ذیل خواهند بود.

- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- وزارت کشور
- وزارت مسکن و شهرسازی
- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
- سازمان تبلیغات اسلامی
- سازمان اوقاف و امور خیریه
- سازمان صدا و سیما
- سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی
- ائمه جماعات
- مرکز رسیدگی به امور مساجد
- شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه
- ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر
- نیروی مقاومت بسیج
- شهرداری تهران

□ تبصره ۱- رییس دبیرخانه ستاد، مسئول برگزاری تشکیل و نظارت بر جلسات کارگروه‌ها می‌باشد و مسئول کارگروه‌ها از میان اعضای کارگروه انتخاب خواهند شد.

□ تبصره ۲- دبیر جلسات کارگروه‌ها توسط دبیرخانه ستاد انتخاب می‌گردد.

□ تبصره ۳- مسئول کارگروه حسب مورد می‌تواند از دیگر افراد صاحب نظر جهت حضور در جلسات بدون داشتن حق رأی دعوت به عمل آورد.

● ماده ۴- رسمیت جلسات

جلسات کارگروه‌ها با حضور اکثریت اعضاء رسمیت می‌یابد.

● ماده ۵- زمان جلسات

جلسات کارگروه‌ها هر دو هفته یکبار تشکیل می‌گردد.

□ تبصره- در صورت ضرورت، جلسات خارج از برنامه زمان بندی شده برگزار خواهد شد.

● ماده ۶- تصویب آیین نامه

این آیین نامه در شش ماده و ۴ تبصره در تاریخ ۸۵/۲/۱۸ به تصویب ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور رسید.

۱- برقراری ارتباط مناسب میان دستگاه‌ها، سازمان‌ها و نهادها برای پشتیبانی از مساجد به منظور افزایش سطح بهره‌وری و کارآیی مساجد، برنامه‌ریزی به منظور جذب حمایت وزارت خانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی برای افزایش مشارکت در رفع مشکلات مساجد کشور و هماهنگی و نظارت بر حسن اجرای وظایف دستگاه‌های ذی ربط، از مهمترین اهداف تشکیل ستاد «پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور» در سال ۸۳ بوده است.

۲- از مهم ترین وظایف ستاد «پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور» می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

الف) تبیین نحوه همکاری و مشارکت وزارت خانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای کشور با مساجد.

ب) هماهنگ سازی فعالیت وزارت خانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای کشور و برنامه‌ریزی به منظور استفاده مناسب از امکانات و توانمندی آن‌ها در تقویت بنیه مساجد کشور.

ج) ارایه پیشنهادهای راهبردی و برنامه‌ریزی مناسب به منظور رفع مشکلات اساسی مساجد در مکان‌یابی، ساخت و ساز، توسعه و تعمیر، نوسازی، بهداشت و تجهیز امکانات و فن آوری‌های روز.

د) تلاش برای تثبیت موقعیت حقوقی مساجد، متولیان، هیأت امناء، ائمه جماعات، خادمین و دست‌اندرکاران امور مساجد.

ه) تدوین روش‌های جذب امکانات و تسهیلات از وزارت خانه‌ها، سازمان‌ها و نهادها به منظور پشتیبانی از مساجد.

و) به موجب توافق‌نامه سازمان اوقاف و امور خیریه با وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و اختصاص بودجه از سوی دولت که به طرح «بیمه خدام مساجد» موسوم گردید، خادمین ثابت مساجد با معرفی سازمان اوقاف، برابر قانون تأمین اجتماعی تحت پوشش بیمه صاحبان حرف و مشاغل قرار گرفتند.

دستور العمل نحوه اداره رقبات و مستغلات مساجد

« مصوب ۱۳۸۶/۹/۲۰ سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه

« فصل اول - کلیات: سابقه و خلاصه موضوع

به موجب بند یک ماده یک قانون تشکیلات و اختیارات سازمان، اداره امور موقوفات عام فاقد متولی یا مجهول التولیه برعهده سازمان می‌باشد و از آن جا که اغلب رقبات موقوفات مساجد فاقد متولی بوده و اداره امور این رقبات برعهده ادارات اوقاف و امور خیریه می‌باشد، با توجه به شمار زیاد این گونه رقبات که موجب تراکم مضاعف وظایف و فعالیت ادارات گردیده و لزوم بازنگری در نحوه اداره آنها را بیش از پیش ضروری ساخته است. بر این اساس به جهت مشارکت مردم در اداره موقوفات و با استناد به ماده یک آیین‌نامه نحوه انتخاب و برکناری، شرایط و حدود اختیارات و وظایف امین، یا هیأت امنای اماکن مذهبی و موقوفات می‌توان برای اداره بخشی از این گونه موقوفات هیأت امناء انتخاب نمود.

...

ب- هدف

استفاده از توان مردمی در اداره موقوفات و مستغلات مساجد و حفظ ساختمان آن

ج- منظور

۱- احاله اداره بخشی از امور رقبات مذکور به هیأت امنای مساجد

۲- کاهش میزان تصدی گری واحدهای اجرایی اوقاف و امور خیریه در رقبات موقوفات مساجد.

« فصل دوم: اجرا

الف- تدبیر

انتخاب و انتصاب افراد متدین محلی برای حفظ و نگهداری ساختمان مساجد و اداره رقبات، مستغلات و وصول عواید و منافع و صرف آن‌ها در چارچوب مفاد وقف‌نامه‌ها و سیره جاریه بر اساس برنامه بودجه سه ساله سازمان.

ب- دستورات اجرایی

۱- ادارات اوقاف و امور خیریه مطابق آیین‌نامه مذکور نسبت به شناسایی و تعیین هیأت امناء برای حفظ و نگهداری ساختمان کلیه مساجد حوزه عمل خود و اداره موقوفات آن‌ها اقدام نمایند. بدیهی است پس از تأیید اعضای هیأت توسط کمیسیون تشخیص صلاحیت استان، احکام امانت از سازمان مرکزی صادر خواهد شد.

۲- ترکیب هر هیأت امناء متشکل از سه تا پنج نفر از بین افراد معروف به امانت و متدین و معتمد محل امام جماعت مساجد با توجه به ماده ۲ آیین‌نامه مذکور خواهد بود.

□ تبصره ۱- اعضای هیأت امناء در اولین جلسه از بین خود یک نفر به عنوان رییس، یک نفر مسئول امور مالی و یک نفر منشی انتخاب و طی صورت جلسه مراتب را به اداره اوقاف و امور خیریه محل اعلام خواهند نمود.

□ تبصره ۲- مساجدی که دارای امام جماعت دائم و راتب هستند، مسئولیت هیأت امناء بدون ملاحظه مفاد تبصره ۱ بند ب با امام جماعت خواهد بود.

□ تبصره ۳- مساجدی که بیش از یک نفر امام جماعت دائم یا راتب در یک وقت و یا در اوقات سه گانه دارند، مسئولیت هیأت امناء با امام جماعتی که جنبه محوری دارد می باشد.

۳- با معرفی اداره اوقاف و امور خیریه محل یک فقره حساب جاری به نام موقوفات مسجد (با درج نام مسجد) در نزد یکی از شعب بانک ملت یا تجارت با دو امضای رییس هیأت امناء، مسئول امور مالی هیأت امناء و نماینده اداره اوقاف و امور خیریه محل افتتاح گردد.

۴- انجام امور اوقافی رقبات و مستغلات مسجد شامل واگذاری آن ها به اجاره و تنظیم و تجدید اسناد اجاره برابر مقررات مربوط در اداره اوقاف و امور خیریه محل و به امانت هیأت امناء صورت گیرد.

۵- وصول و هزینه نمودن عواید کلیه رقبات و مستغلات و نگهداری حساب آن از طریق حساب جاری مذکور، تنظیم بودجه فردی و اخذ مفاصاً حساب به وسیله هیأت امنای همان مسجد انجام می گردد.

بدیهی است حق التولیه متعلقه باید در طی سال برداشت و به حساب مربوط واریز و درخواست پاداش هیأت امناء نیز به روال سابق به اداره کل امور مالی سازمان ارسال گردد.

□ تبصره - هزینه عواید مذکور در چارچوب برنامه سه ساله امکان پذیر می باشد.

۶- اسناد هزینه‌های صورت گرفته از محل عواید مذکور و در صورت عدم امکان فهرست آن‌ها پس از مهر و امضای تمام اعضای هیأت امناء به عنوان سند هزینه مثبتانه مورد رسیدگی شعب حسابرسی ادارات تحقیق هنگام صدور مفاصاً حساب خواهد بود.

۷- شایسته است هیأت امنای مورد نظر در انجام هزینه صرفه و صلاح و اولویت مصالح موقوفه و مسجد را لحاظ و جهت پیشرفت و ارتقای آن‌ها تدبیر و تلاش لازم مبذول نمایند.

۸- کلیه کارهای عمرانی و تعمیراتی در مسجد و رقبات آن که از محل درآمدهای مذکور صورت می‌گیرد باید به تأیید دفتر فنی اداره کل اوقاف و امور خیریه استان برسد.

۹- تصمیمات هیأت امنای مساجد که با اکثریت آرا اتخاذ شده باشد پس از تأیید اداره اوقاف و امور خیریه محل قابل اجراست.

۱۰- این دستورالعمل شامل مساجد بین راهی و هم‌چنین مساجدی که جنبه زیارت‌گاهی دارند نمی‌شود و کماکان وفق مقررات و دستورالعمل‌های صادره از سوی سازمان اوقاف و امور خیریه اداره می‌شود.

ج- دستورات هماهنگی

۱- پس از صدور احکام هیأت امناء و افتتاح حساب جاری مسجد، ادارات اوقاف و امور خیریه موظفند موجودی موقوفه مسجد و سایر اسناد مورد نیاز را با تنظیم صورت جلسه تحویل و تحول نمایند.

۲- کلیه واریزی‌ها و پرداخت‌ها صرفاً باید از طریق حساب جاری مفتوحه صورت گیرد.

۳- انجام وصول عواید و هزینه آن باید صرفاً طبق بودجه فردی مصوب سالانه صورت گیرد.

۴- ادارات اوقاف و امور خیریه موظفند پس از صدور احکام امانت در اولین جلسه هیأت امناء را نسبت به وظایف و حدود اختیارات در چارچوب آیین‌نامه مربوطه و این دستورالعمل توجیه نمایند.

این دستورالعمل به منظور حفظ و نگهداری بهینه ساختمان مسجد و رقبات آن و تسریع در وصول عواید رقبات و صرف به موقع آن‌ها در جهت اجرای نیت واقف، نشر و تبلیغ فرهنگ اسلامی و هم‌چنین سپردن انجام این امور به معتمدین و متدینین مسئولیت‌پذیر محلی با هدایت و رهبری امام جماعت مسجد توسط نماینده ولی فقیه و سرپرست وقت سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران در تاریخ ۱۳۸۴/۹/۲۰ صادر و به موجب نامه شماره ۲۲۵۲۶-۱۱ مورخ ۱۳۸۶/۹/۲۴ به کلیه واحدهای اوقافی سراسر کشور ابلاغ گردید.

طرح «حمایت از احداث، تجهیز، نوسازی و مدیریت مساجد کشور و پیگیری امور نماز خانه‌ها»

« تصویب یک فوریت طرح مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۸ مجلس شورای اسلامی

- ماده ۱- در این قانون منظور از «مسجد» هر مسجد، اعم از فعال یا غیر فعال است.
- محل اقامه نماز در نمازخانه‌های بین راهی و اماکنی از قبیل ادارات، بوستان‌ها و مجتمع‌های تجاری که برای خواندن نماز تعیین می‌گردد، «نمازخانه» است.
- ماده ۲- نام سازمان اوقاف و امور خیریه به سازمان اوقاف، مساجد و امور خیریه تغییر می‌یابد. این سازمان مسئولیت حمایت از اقدامات نگهداری، احداث، تجهیز، نوسازی و مدیریت مساجد کشور و پیگیری امور نمازخانه‌ها را برعهده دارد و این مسئولیت به وظایف سازمان مذکور افزوده می‌شود.
- ماده ۳- به منظور ایجاد هماهنگی در امور مساجد و نمازخانه‌های کشور و اجرای

احکام حمایتی این قانون، در سازمان اوقاف و امور خیریه، معاونتی به نام «معاونت امور مساجد کشور» که از این پس «معاونت» نامیده می‌شود تأسیس می‌گردد. وظایف، اختیارات، نمودار سازمانی و نحوه عمل این قانون توسط رییس سازمان اوقاف و امور خیریه، رییس سازمان تبلیغات اسلامی و وزیر ارشاد اسلامی تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ تشکیل این معاونت، وظایف مشابه در کلیه دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و نیروی انسانی و امکانات مربوط به آن‌ها به معاونت منتقل می‌شود.

- ماده ۴- معاونت مکلف است با پژوهش مستمر و پس از تعیین شاخص‌های جمعیتی مربوط و بر اساس پراکندگی جمعیت شهرها و روستاهای کشور، مساجد و نمازخانه‌های مورد نیاز و مساحت آن‌ها را تعیین کرده، جانمایی و احداث آن‌ها را پیگیری نماید. در مواردی که نیاز به تغییر کاربری باشد، استانداری و کمیسیون ذی‌ربط موظفند پس از اعلام معاونت در استان، با قید فوریت، نسبت به تغییر کاربری اقدام نمایند.

هم‌چنین معاونت موظف است با همکاری نهادها و دستگاه‌های ذی‌ربط طرح‌های مختلف را برای ساخت مساجد و نمازخانه‌های جدید کشور تهیه کند. این طرح‌ها باید دارای تنوع و قابلیت تطابق با مناطق مختلف کشور و مساحت‌های متناسب با اراضی تخصیصی به مسجد و نمازخانه را داشته و شاخصه‌های معماری ایرانی و اسلامی در آن رعایت شده باشد.

- ماده ۵- احکام این قانون، نافعی وظایف هیأت امناء و دستگاه‌های اجرایی نیست. دستگاه‌های اجرایی که در اماکن تحت پوشش خود مسجد یا نمازخانه دارند، مکلف به نگهداری، نوسازی، تکمیل و تجهیز آن با هزینه خود بوده و در موارد نیاز مکلف به احداث آن می‌باشند. هم‌چنین مالکان اماکن تجاری، اداری و خدماتی جدید الاحداث موظفند نمازخانه مناسبی را در اماکن مذکور احداث نمایند. تأیید نقشه مجتمع‌های مذکور منوط به پیش‌بینی محل مناسب برای نمازخانه بر اساس دستورالعمل معاونت است. کلیه دستگاه‌های اجرایی، مراکز آموزشی،

بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، مجموعه‌های ورزشی، مجتمع‌های رفاهی، تفریحی و مجتمع‌های تجاری اعم از دولتی یا غیر دولتی، موظفند نسبت به احداث یا اختصاص و نگهداری فضای کافی و مناسب برای مسجد یا نمازخانه اقدام نمایند.

● ماده ۶- وزارت راه و شهرسازی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و شهرداری‌ها موظفند در طراحی و اجرای طرح‌های جامع تفصیلی شهری، هادی روستایی، شهرک‌ها و شهرهای جدیدالاحداث، اراضی مناسبی را برای احداث مسجد و خانه عالم پیش‌بینی و پس از آماده‌سازی، بدون دریافت هزینه و قیمت زمین، با نظارت معاونت در اختیار متقاضیان احداث مساجد قرار دهند. هم‌چنین موظفند پس از اعلام نیاز توسط نمایندگان اهالی محل و تأیید معاونت استان زمین مورد نیاز برای احداث مسجد، فضای جانبی و توسعه مسجد به صورت رایگان تأمین کنند. وزارت‌خانه‌های راه و ترابری و نفت موظفند نسبت به احداث مسجد و نمازخانه در پایانه‌های مسافری و جایگاه‌های عرضه سوخت بین شهری و هم‌چنین نگهداری و مدیریت مساجد و نمازخانه‌های مذکور از طریق بخش غیر دولتی اقدام نمایند. سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور و شهرداری‌ها موظفند نسبت به احداث یا اختصاص فضای کافی و مناسب برای مسجد یا نمازخانه در پارک‌های ملی و بوستان‌های شهری اقدام نمایند. هم‌چنین به شهرداری‌ها و دهیاری‌ها و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و یا سایر دستگاه‌های اجرایی اجازه داده می‌شود در صورت نیاز به احداث مسجد یا نمازخانه یا توسعه آن، مقدار زمین لازم را به صورت رایگان در اختیار هیأت امنای مورد تأیید معاونت قرار دهند.

● ماده ۷- به منظور ارتقاء کارکرد فرهنگی و هنری مساجد، برقراری عدالت فرهنگی و ترویج فرهنگ اسلامی و جذب جوانان و نوجوانان به مساجد، معاونت مکلف است با رعایت موازین اسلامی ترتیبی اتخاذ نماید تا پایان هر برنامه پنج‌ساله، حداقل یک چهارم مساجد شهری و روستاهای بالای هزار نفر جمعیت از کانون فرهنگی و هنری برخوردار باشند.

● ماده ۸- هر مسجد واقع در شهر و روستا توسط هیأت امنایی مرکب از: امام جماعت، متولی منصوص و در صورت عدم وجود نماینده سازمان اوقاف و امور خیریه، مسئول بسیج مسجد، مسئول انجمن اسلامی و مسئول کانون فرهنگی مسجد در صورت وجود و حداقل سه نفر نماینده نمازگزاران با تأیید امام جماعت مسجد اداره خواهد شد.

● ماده ۹- هیأت امناء به ویژه دارای اختیارات زیر است:

الف- نمایندگی مسجد در برابر معاونت، کلیه مؤسسات، ادارات و دستگاه‌های دولتی و غیردولتی، بانک‌ها و شهرداری‌ها و هماهنگ‌کننده امور کانون، بسیج، انجمن و سایر تشکل‌های ثابت مساجد

ب- مراقبت از مسجد و اموال آن و انجام تعمیرات لازم برای حفظ آن‌ها و حفظ پاکیزگی و آراستگی مسجد، نگهداری اموال منقول مسجد و ثبت آن‌ها با مشخصات کامل در دفتر اموال مسجد

پ- طرح دعوی و دفاع از حقوق مسجد و تعقیب دعاوی مطروح‌له و علیه مسجد و در صورت لزوم، انتخاب وکیل برای انجام امور مذکور

ت- به ثبت رساندن اعیان و اموال غیر منقول مسجد و اخذ سند مالکیت به نام مسجد

ث- تعیین محلی برای حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، آثار معنوی، مفاخر و نخبگان محل و ایجاد دفتر یادبود

ج- استفاده از فن‌آوری‌های جدید برای توسعه فعالیت‌های مسجد

چ- نگهداری درآمدها، کمک‌های نقدی، نذورات نقدی و جنسی و عواید مسجد در حساب مخصوص در یکی از بانک‌ها و ثبت در دفتر مالی مسجد و نگهداری آن‌ها

ح- پرداخت حقوق و دستمزد به خادمان مسجد و کسانی که خدمت آنان در

مسجد لازم است

خ- پرداخت هزینه‌های ضروری، متعارف و جاری مسجد

د- تصمیم‌گیری درباره نحوه خرج بودجه تخصیصی و درآمدهای مسجد

ذ- تهیهه بیلان عملکرد و ارایه صورت حساب و اسناد درآمد و هزینه مسجد به معاونت با امضای رییس هیأت امناء و نگهداری اسناد مذکور

● ماده ۱۰- تأمین مالی مساجد از طریق زیر صورت می گیرد:

۱- کمک اشخاص حقیقی و حقوقی

۲- کمک های شهرداری ها، نهادهای عام المنفعه و سایر مؤسسات و دستگاه های اجرایی

۳- بودجه تخصیصی از سوی سازمان اوقاف و امور خیریه مندرج در ردیف یا ردیف های مستقل در بودجه سنواتی و از محل موقوفات بر اساس موازین شرعی و تأیید سازمان

۴- درآمدهای اختصاصی مسجد

● ماده ۱۱- هرگاه حسب تأیید هیأت امنای مسجد، فعالیت فرهنگی و تبلیغی توسط مسجد صورت گیرد، کلیه درآمد ناشی از این فعالیت ها باید به مصارف مذکور در این قانون برسد. همچنین مساجد می توانند موقوفات و مستغلات خود را بنابر تصویب هیأت امناء به اجاره واگذار کنند یا برابر موازین شرعی و قانونی انتقال دهند.

● ماده ۱۲- در مواردی که درآمد مسجد بیش از هزینه های آن باشد، بنابر تصمیم هیأت امناء می تواند به ترتیب مصروف کمک به ایتمام، خانواده های بی سرپرست و خانواده های بدسرپرست حوزه مرتبط با مسجد و یا فعالیت های مذهبی و فرهنگی مسجد شود.

● ماده ۱۳- خانه عالم و خادم هر مسجد و یا هر دو می تواند در فضای متعلق به مسجد باشد که حسب مورد، یا از فضاهای موجود مسجد به این امر اختصاص می یابد یا در صورت امکان ساخته می شود. در صورت احداث در خارج از فضای مسجد نیز جزء اموال مسجد بوده و تنها برای همین موارد قابل استفاده است.

- ماده ۱۴ - چنانچه مودیان مالیاتی با هماهنگی معاونت، اقدام به ساخت، تجهیز یا نوسازی مساجد کنند، هزینه‌های انجام شده به عنوان [هزینه] قابل قبول مالیاتی آنان منظور می‌شود.
- ماده ۱۵ - هرگاه با توجه به نقشه استقرار مساجد کشور، همه یا بخشی از اهالی محل یا یکی از آنان مایل به ساخت مسجد یا نمازخانه باشد، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مجازند ضمن هماهنگی با معاونت، وام‌هایی با کارمزد حداقل در اختیار آن‌ها قرار دهند.
- ماده ۱۶ - معاونت مکلف است در خصوص وظایف شغلی و نگهداری مساجد، اقدامات لازم را برای آموزش خادمان مسجد به عمل آورده، در صورتی که خادمان مشمول بیمه تأمین اجتماعی نباشند، آنان را برای بیمه شدن برابر ضوابط مربوطه به سازمان تأمین اجتماعی معرفی کند.
- ماده ۱۷ - انشعاب و هزینه آب، برق و گاز مصرفی مساجد رایگان است. این حکم شامل اماکن موضوع ماده ۹ نمی‌شود.
- ماده ۱۸ - در مواردی که نیاز به احداث مسجد یا نمازخانه جدید باشد، موضوع باید به معاونت پیشنهاد و در صورت تأیید اقدام حمایتی لازم صورت می‌گیرد.
- ماده ۱۹ - چنانچه ساختمان مسجد و متعلقات آن در طرح توسعه شهری قرار گیرد شهرداری مکلف است از زمین‌های در اختیار خود، نزدیک‌ترین محل را در اختیار هیأت امنای مسجد قرار داده، اقدامات و مساعدت‌های لازم را برای احداث مسجد جدید به عمل آورد و در صورت عدم وجود زمین مکلف است نسبت به خرید و واگذاری زمین معوض اقدام کند.
- ماده ۲۰ - در مورد مساجدی که جزء میراث فرهنگی و آثار ملی ثبت شده هستند، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری موظف است برای تعمیر، بازسازی،

تجهیز و نوسازی آن اقدام نماید. در غیر این صورت می‌تواند با اطلاع و نظارت سازمان یادشده در این موارد نیز اقدام کند.

● ماده ۲۱- کلیه اقداماتی که در جهت ساخت، تجهیز یا نوسازی مساجد کشور انجام می‌گیرد از پرداخت عوارض قانونی مربوط به شهرداری‌ها و غیره معافند.

● ماده ۲۲- معاونت علاوه بر تکالیفی که برعهده دارد، مسئول نظارت بر اجرای این قانون و ایجاد هماهنگی با دیگر دستگاه‌های ذی‌ربط است.

● ماده ۲۳- کلیه قوانین و مقرراتی که با این قانون مغایرت دارد، از تاریخ تصویب این قانون لغو می‌گردد.

۱- طرح مذکور که از طرف کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی تهیه گردیده و به امضای ۸۰ نفر از نمایندگان رسیده بود، در جلسه علنی شماره ۸۸ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۸ به صورت یک فوریت اعلام وصول گردید که با ۱۲۳ رأی موافق، ۱۱ رأی مخالف و ۹ رأی ممتنع از مجموع ۱۹۷ نماینده حاضر در صحن مجلس، یک فوریت طرح به تصویب رسید. اگرچه طرح مذکور تا تصویب نهایی مجلس و تأیید شورای نگهبان راه دشواری را پیش‌رو دارد، اما به سبب اهمیت این طرح، در ادامه به تحلیل حقوقی آن خواهیم پرداخت.

۲- نظر اداره کل تدوین قوانین در اجرای بندهای (۲) و (۴) ماده (۴) قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۱۳۸۹/۳/۲۵ در خصوص طرح مذکور به شرح ذیل می‌باشد:

الف- طرح تقدیمی با قانون اساسی مغایرت دارد.

ب- با قانون برنامه مغایرت دارد.

ج- اصل ۷۵ قانون اساسی رعایت نشده است.

۳- نظر به این که مطابق بند ب ماده (۶) قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه، تایید نقشه مجتمع‌های مذکور در بند مرقوم، براساس دستورالعمل ابلاغی شورای عالی معماری و شهرسازی می‌باشد، لذا ماده ۵ طرح، از جهت تغییر «دستورالعمل ابلاغی شورای عالی معماری و شهرسازی» به «دستورالعمل ابلاغی معاونت امور مساجد کشور» مغایر با قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

۴- نظر به اینکه در بند الف ماده ۶ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، دستگاه‌های مذکور در این بند، مکلف شده‌اند «با حفظ مالکیت عمومی و دولتی» اراضی مناسبی را در اختیار متقاضیان احداث مساجد قرار دهند، لذا ماده ۶ طرح از جهت عدم تصریح به عبارت «با حفظ مالکیت عمومی و دولتی» مغایر با قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

۵- با عنایت به اینکه مطابق بند (و) ماده ۶ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف شده است ترتیبی اتخاذ نماید که حداقل یک چهارم مساجد شهری و روستاهای بالای ۱۰۰۰ نفر جمعیت، از کانون فرهنگی و هنری برخوردار باشند، لذا ماده ۷ طرح از جهت جایگزین نمودن معاونت امور مساجد کشور به جای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مغایر با قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

۶- طرح دارای بار مالی است و باید طریق تأمین هزینه جدید معلوم گردد و با اصل ۷۵ قانون اساسی مغایرت دارد.

۷- با عنایت به اینکه در ماده ۲ طرح، نام سازمان اوقاف و امور خیریه به «سازمان اوقاف، مساجد و امور خیریه» تغییر داده شده است، لذا استفاده از نام قبلی سازمان در مواد بعدی طرح محل ایراد است.

۸- عبارت «این حکم شامل اماکن موضوع ماده ۹ نمی‌شود» مذکور در ماده ۱۷ طرح، با توجه به اینکه در ماده ۹ اماکنی ذکر نشده است ایراد دارد.

۹- امروزه ده‌ها دستگاه اداری و اجرایی و نهاد دولتی و غیردولتی در عرصه مساجد، سیاست‌ها و تصمیمات مجزا، پراکنده و بعضاً متشابه دارند که در پاره‌ای موارد به یک چالش و آسیب جدی تبدیل شده است.

انجام موازی کاری در حوزه مدیریت و اداره مساجد، علاوه بر اتلاف منابع مالی و سرمایه انسانی، تقابل وظایف و کاهش بازدهی کلی را در پی دارد. تصویب یک فوریت طرح پیشنهادی نمایندگان مجلس شورای اسلامی با عنوان «حمایت از احداث، تجهیز، نوسازی و مدیریت مساجد کشور و پیگیری امور نمازخانه‌ها» در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۱۸، اگرچه نشان از دقت نظر نمایندگان مجلس در خصوص نقش و جایگاه مساجد در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران دارد، لیکن تلاش جهت «یک‌پارچه‌سازی مدیریت اداری مساجد» و تجمیع وظایف و اختیارات متولیان امر مساجد درون معاونت سازمان اوقاف و امور خیریه محل درنگ است! چرا که «انتقال نیروی انسانی، امکانات و وظایف مشابه در کلیه دستگاه‌های اجرایی فعال در حوزه مساجد» به معاونت یک سازمان، راهکار خردمندانه‌ای جهت برون‌رفت از مشکلات مدیریتی مساجد نیست و علاوه بر این که افزایش دامنه اختیارات و متورم ساختن سازمان اوقاف، احتمال سوء جریان اداری را در پی حجم بالای فعالیت‌ها و عدم نظارت و کنترل اداری افزایش می‌دهد، خارج از توان تشکیلاتی سازمان مذکور است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: صداقتی، کیوان، تأملی بر طرح حمایت از احداث، تجهیز، نوسازی و مدیریت مساجد کشور: مسجد را زیرمجموعه سازمان اوقاف نکنید، روزنامه کیهان، شماره ۲۰۶۵۵، سه‌شنبه ۱۲ آذرماه ۱۳۹۲، ص ۶).

۱۰- برابر ماده (۸) طرح پیشنهادی، «هر مسجد... توسط هیأت امنایی مرکب از امام جماعت، متولی مخصوص... نماینده سازمان اوقاف و امور خیریه، مسئول بسیج

مسجد، مسئول انجمن اسلامی و مسئول کانون فرهنگی مسجد... اداره خواهد شد». اگرچه فلسفه طرح مذکور اجتناب از موازی کاری در حوزه مساجد است، اما ورود مسئولین فوق در اداره و مدیریت مساجد، تعدد اشخاص و مراکز تصمیم‌گیری را موجب شده و تنزل جایگاه مسجد به دستگاهی اجرایی و کارمند محور را در پی خواهد داشت. بنابراین بایستی سازوکاری اتخاذ گردد که نه تنها به مردمی بودن مساجد خدشه وارد شود، بلکه اداره مردمی مسجد نهادینه و قانونمند گردد (صداقتی، کیوان، همان، ص ۶).

۱۱- بند ۴ ماده (۱۰) طرح پیشنهادی، یکی از طرق تأمین مالی مسجد را «درآمدهای اختصاصی» مسجد ذکر کرده است. با عنایت به این که درآمد اختصاصی در برابر درآمد عمومی به کار می‌رود که تنها برای دستگاه‌های اجرایی موضوعیت دارد، این بند دارای اشکال بوده و در تعارض با ماده (۱۴) قانون محاسبات عمومی کشور است.^۱ هم‌چنین قانون‌گذاری در خصوص نحوه صرف درآمدهای مساجد، با توجه به این که مساجد نهادی مستقل از دولت می‌باشند، موضوعیت ندارد و تحدید‌کننده اختیارات مدیران اداری و اجرایی مساجد (امام جماعت و هیأت امناء) است (صداقتی، کیوان، همان، ص ۶).

۱۲- به موجب ماده (۱۴) طرح، هزینه‌های انجام شده توسط مودیان مالیاتی در ساخت، تجهیز و نوسازی مساجد، به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی منظور می‌گردد. در حالی که چگونگی هزینه کرد مالیات در صلاحیت دولت بوده و از آن جایی که این ماده طریقه جبران آن را پیش‌بینی نکرده است در تعارض با اصل (۷۵) قانون اساسی قرار دارد (صداقتی، کیوان، همان، ص ۶).

۱۳- پیشنهاد نمایندگان در بند ح ماده (۹) مبنی بر «پرداخت حقوق و دستمزد به خادمان مسجد و کسانی که خدمت آنان در مسجد لازم است»، علاوه بر این که

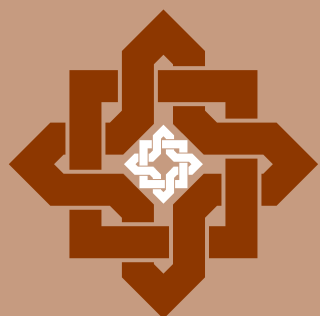
۱. درآمد اختصاصی عبارتست از درآمدهایی که به موجب قانون برای مصرف یا مصارف خاص در بودجه کل کشور تحت عنوان درآمد اختصاصی منظور می‌گردد.

حاکمی از عدم آشنایی تنظیم‌کنندگان پیش‌نویس طرح با انجام فعالیت‌های تبرعی و فی سبیل‌الله توسط برخی از نمازگزاران مساجد است، منجر به تحمیل هزینه‌های گزاف بر ذمه نهادهای متولی اداره مسجد می‌گردد. وانگهی خادمین ثابت مساجد با معرفی سازمان اوقاف مطابق نرخ حق بیمه مندرج در ماده (۲۸) قانون تأمین اجتماعی، می‌توانند تحت پوشش بیمه صاحبان حرف و مشاغل آزاد این سازمان قرار گیرند و از حمایت‌های بازنشستگی، از کارافتادگی، فوت و درمان بهره‌مند شوند (صداقتی، کیوان، همان، ص ۶).

۱۴- اگرچه طرح پیشنهادی نمایندگان در صورت تصویب می‌تواند ناسخ قوانین قبلی بوده و ضرورتی جهت مطابقت قوانین پارلمان با مصوبات هیأت وزیران به لحاظ اصل سلسله مراتب هنجارهای حقوقی وجود ندارد، لیکن قطعاً تدوین و تصویب موادی که در حال حاضر لازم‌الاجرا است مبتنی بر اصول، مصالح و معیارهایی بوده که نادیده انگاشتن آن‌ها می‌تواند در آینده مساجد کشور را با چالش‌های جدی مواجه نماید. به عنوان نمونه در تبصره ماده (۳) آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰ آمده است: «... ادارات حج و اوقاف و امور خیریه در شؤون داخلی مساجد از قبیل تعیین امام جماعت و انجام مراسم مذهبی دخالت نخواهند کرد.» در حالی که علی‌رغم تولیت بردار نبودن شبستان مساجد، به موجب این طرح تمامی اختیارات مذکور به معاونت امور مساجد سازمان اوقاف و امور خیریه واگذار می‌گردد (صداقتی، کیوان، همان، ص ۶).

۱۵- طرح مذکور به لحاظ مشکلات ساختاری، اداری و مدیریتی، وجود مغایرت‌های قانونی از جمله مغایرت با قانون اساسی، قانون برنامه پنجم توسعه، قانون بودجه، ورود به برخی اختیارات و وظایف دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و غیر دولتی، تجاوز به حدود صلاحیت‌ها و اختیارات ولی فقیه و... از قابلیت لازم جهت تصویب در مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان برخوردار نمی‌باشد.

در شرایط کنونی، ضرورت مطالعه و پژوهش از منظر حقوق اداری در باب جایگاه مسجد، جهت سامان‌دهی و ایجاد ساختاری هماهنگ‌کننده فی‌مابین دستگاه‌های متولی مدیریت و اداره مساجد بیش از پیش احساس می‌گردد (صداقتی، کیوان، همان، ص ۶).



فصل چهارم: آرای قضایی

الف - آرای هیأت عمومی دیوان عالی کشور

- ۱. وقف صرفاً با شهادت شهود قابل اثبات نیست.

رأی وحدت رویه شماره ۳۹۲۵ مورخ ۱۳۳۷/۱/۱۵

چون به موجب صریح ماده (۱۳۰۶) قانون مدنی، عقد وقف صرفاً به وسیله شهادت شهود قابل اثبات نیست، از این رو نظر شعبه چهارم دیوان عالی کشور صحیح و منطبق با ماده مزبور بوده است. بدیهی است که غاصبیت ید متصرف به عنوان مالکیت یا سبق تصرف وقف به وسیله شهادت شهود قابل اثبات است. این رأی به موجب ماده واحده مصوب ۱۳۲۸/۴/۷ کمیسیون قوانین دادگستری مجلس شورای ملی لازم‌الاتباع می‌باشد.^۱

- ۲. مستفاد از صرف عبارت نسل بعد نسل یا طبقه بعد طبقه در مورد وقف، تولیت و وصایت ترتیب است نه تشریک.

رأی وحدت رویه ۳۵۶۱ مورخ ۱۳۴۲/۱۲/۲۹

۱. این ماده به موجب قانون اصلاحی ۱۳۷۰/۸/۱۴ حذف شد.

نظریه آرای صادره از شعب اول و ششم دیوان عالی کشور از یک طرف و شعبه دهم دیوان مزبور از طرف دیگر از حیث اختلاف در مقتضای عبارت نسل بعد نسل مندرج در وقف‌نامه و وصیت‌نامه‌ها که موضوع از لحاظ قانون مربوط به وحدت رویه در هیأت عمومی دیوان عالی کشور مطرح و چنین رأی داده می‌شود: «مستفاد از صرف عبارت نسل بعد نسل در مورد وقف و تولیت و وصایت ترتیب است نه تشریح از این قرار که هرگاه یکی از نسل موجود با داشتن فرزند فوت شود فرزند او با باقی‌ماندگان نسل در انتفاع از مورد وقف یا در امر تولیت و وصایت نمی‌تواند شرکت نماید و مادام که چند نفر حتی یک نفر هم از نسل مقدم وجود داشته باشد نوبت به نسل بعد نخواهد رسید و هم‌چنین است در مورد عبارت طبقاً بعد طبقه. و بنابراین رأی شعبه اول و ششم موضوعاً صحیح است و این رأی به موجب ماده واحده قانون وحدت رویه مصوب تیرماه ۱۳۲۸ در نظایر مورد متبع و لازم‌الاجرا است».

- ۳. دعوی ادارات اوقاف و اشخاص ذی‌نفع علیه آرای شعب تحقیق در دادگاه‌های عمومی دادگستری، ملازمه‌ای با محل استقرار شعب تحقیق سازمان اوقاف و امور خیریه ندارد.

رأی وحدت رویه ۶۱۲ دیوان عالی کشور، مورخ ۱۳۷۵/۱۰/۱۸

به موجب ماده ۱۶ آیین‌نامه قانونی کیفیت تحقیق در شعب تحقیق سازمان حج و اوقاف مصوب ۱۳۶۵/۹/۳۰، ادارات حج و اوقاف و امور خیریه و هم‌چنین اشخاص ذی‌نفع که آرای هیأت تحقیق را به ضرر خود تشخیص می‌دهند می‌توانند در دادگاه‌های دادگستری اقامه دعوی نمایند و چنین دعوایی که به طرفیت متولی موقوفه و یا ادارات اوقاف و یا اشخاص، طرح می‌گردد، تابع قواعد عمومی راجع به دعاوی حقوقی است و ملازمه با محل استقرار شعب تحقیق صادر کننده رأی ندارد و چون موقوفات مربوط به دعاوی مطروحه در حوزه قضایی تویسرکان واقع‌اند رسیدگی به آن در صلاحیت محاکم همان محل است. لذا رأی شعبه سی‌ام دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان

عالی کشور صحیح تشخیص و مورد تأیید می‌باشد. این رأی به استناد ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

ب- آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

- ۱. وفق موازین شرعی، کسب نظر کمیسیون مرکب از افراد صاحب نظر در سازمان اوقاف در خصوص تشخیص فروش یا تبدیل موقوفات به ملکیت الزامی است.

تاریخ: ۱۳۶۹/۱/۲۳

کلاسه پرونده: ۸۸/۱۳۶۶

شماره دادنامه: ۶۹/۶

مستندات رأی: مواد ۲ و ۱۰ آیین نامه قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۶۳/۹/۷

« رأی هیأت عمومی

نظر به این که کمیسیون بند (ب) ماده (۲) آیین نامه قانون ابطال اسناد فروش رقبات آب و اراضی موقوفه صرفاً به منظور تشخیص مصادیق مورد نظر قانون گذار تشکیل و جنبه کارشناسی دارد و حسب قسمت اخیر بند مزبور، تعیین تکلیف قطعی نسبت به موضوع با دادگاه مدنی خاص می باشد و ماده ۱۰ آیین نامه نیز در مقام تبیین حکم کلی ماده واحده است، علی هذا به اتفاق آراء موارد فوق، مخالف و مغایر با قانون، تشخیص نگردید.

رییس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

سید ابوالفضل موسوی تبریزی

- ۲. تسلیم نسخه‌ای از دادخواست به ادارات سازمان اوقاف هنگام طرح هرگونه دعوی توسط متولی و نیز آگاهی ادارات اوقاف از مخارج و مصارف اعتبارات هر موقوفه— به جز موقوفات منصوص التولیه— الزامی است.

تاریخ: ۱۳۶۹/۳/۲۲

کلاس پرونده: ۷۶/۶۵

شماره دادنامه: ۶۹/۷۳

مستندات رأی: مواد ۹، تبصره ۱ ماده ۱۰ و تبصره ۱ ماده ۱۹ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰

« رأی هیأت عمومی

در خصوص شکایت مبنی بر مغایرت ماده ۹ و تبصره یک ماده ۱۰ و تبصره یک ماده ۱۹ آیین‌نامه اجرایی اختیارات سازمان حج و اوقاف، با موازین شرعی با توجه به نظریه فقهای محترم شورای نگهبان در نامه شماره ۲۵۵-۶۹/۳/۲۶ دایر به این که: «... ماده ۹ و تبصره یک ماده ۱۰ و تبصره یک ماده ۱۹ آیین‌نامه اجرایی اختیارات سازمان حج و اوقاف مصوب ۶۵/۲/۱۰ مندرج در نامه مزبور مغایر با موازین شرع، شناخته نشد،» لذا شکایت رد می‌گردد. و اما در مورد مغایرت ماده ۳۰ آیین‌نامه فوق‌الذکر با موازین شرعی، با توجه به رأی شماره ۱۰۸-۶۷/۱۱/۳ هیأت عمومی مبنی بر عدم مغایرت ماده ۳۰ آیین‌نامه با موازین شرع و قانون، موضوع منتفی است.

رییس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

سید ابوالفضل موسوی تبریزی

- ۳. موافقت سازمان اوقاف با ثبت معاملات راجع به عین یا منافع موقوفات و ثبت معاملات رقبات در دفاتر اسناد رسمی، اعم از دارای متولی یا فاقد متولی الزامی است.

تاریخ: ۱۳۶۹/۹/۶

کلاس پرونده: ۵۸/۶۸

شماره دادنامه: ۶۹/۲۰۲

مستندات رأی: مواد ۹ و ۱۰ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲- ماده ۳۶ آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰

« رأی هیأت عمومی

نظر به مفاد نامه شماره ۱۲۰/۵۹۳۱ مورخ ۶۹/۷/۲۳ نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان حج و اوقاف امور خیریه به عنوان مقام معظم رهبری در مورد نحوه نظارت سازمان مزبور بر اعمال متولیان موقوفاتی که در مظنه تعدی و تفریط می باشند و موافقت مقام معظم رهبری با طرح چهار ماده ای پیشنهادی از جمله اذن معظم له در نظارت استصوابی سازمان حج و اوقاف و موقوفات موضوع نامه و طرح فوق الذکر ماده ۳۶ آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۶۵/۲/۱۰ در محدوده اذن مقام رهبری مخالف قانون شناخته نمی شود.

رییس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

سیدابوالفضل موسوی تبریزی

- ۴. اخذ درصدی از سرقفلی واحد تجاری موقوفه، شرط تجدید اجاره و یا قبول انتقال مورد اجاره از طرف سازمان اوقاف به عنوان موجر است.

تاریخ: ۱۳۷۱/۶/۱۴

کلاس پرونده: ۲۸/۷۱

شماره دادنامه: ۷۱/۱۱۳

مستندات رأی: بخشنامه شماره ۴۲۰/۸۸۱ مورخ ۱۳۶۸/۲/۲۵ سازمان حج و اوقاف و امور خیریه- دستورالعمل شماره ۴۲۰/۳۱/۷۱۷۴/ف مورخ ۱۳۶۹/۱۱/۳۰ سازمان حج و اوقاف و امور خیریه

« رأی هیأت عمومی

رسیدگی به اختلافات ناشی از روابط موجر و مستأجر نسبت به املاک استیجاری در صلاحیت دادگاه‌های حقوقی است. لکن مطالبه درصد سرقفلی واحد تجاری موقوفه که در بخشنامه مورد شکایت شرط تجدید اجاره با انتقال از طرف اداره حج و امور خیریه (موجر) تعیین شده مخالف قانون نبوده و طبق نظریه شورای محترم نگهبان خلاف شرع نیز تشخیص داده نشد.

رییس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

محمد رضا عباسی فرد

- ۵. عدم تعلق مال موقوفه به عنوان حق دولت و عدم احتساب در آمد موقوفه در زمره بودجه عمومی از موجبات عدم شناسایی سازمان اوقاف به عنوان واحد دولتی بالاصاله و حافظ منافع و حقوق دولت می باشد.

تاریخ: ۱۳۷۱/۷/۲۵

کلاس پرونده: ۱۰۰/۷۱

شماره دادنامه: ۷۱/۱۵۵

مستندات رأی: رأی وحدت رویه شماره ۳۹-۳۸-۳۷ مورخ ۱۳۶۸/۷/۱۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

« رأی هیأت عمومی

هر چند سازمان اوقاف در عداد واحدهای دولتی قرار دارد و مطابق مقررات و رأی شماره ۳۷-۳۸-۳۹ مورخ ۶۸/۷/۱۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که در مقام ایجاد وحدت رویه صادر شده رسیدگی به شکایات و اعتراضات واحدهای دولتی جز نسبت به مصوبات و نظامات دولتی از قلمرو صلاحیت دیوان خارج است لیکن حکم مذکور ناظر به مواردی است که واحد دولتی بالاصاله و در مقام حفظ حقوق دولت مبادرت به تقدیم دادخواست کند در حالی که به موجب احکام و مقررات قانون مدنی در باب ماهیت حقوقی عقد وقف و نتایج و آثار مترتب بر آن مال موقوفه متعلق حق دولت نیست و در آمد و عواید آن جزو بودجه عمومی دولت محسوب نمی شود و سازمان اوقاف در اداره امور موقوفات در واقع و نفس الامر مجری نیات و اهداف واقف و حافظ منافع و حقوق موقوف علیهم است و به نیابت و نمایندگی قانونی آنان عهده دار تولیت و اداره امور موقوفات می باشد و تبعاً در صورت تضییع حقوق آنها می تواند به نمایندگی قانونی موقوف علیهم حسب مورد به مراجع قضایی و از جمله دیوان عدالت اداری شکایت کند. بنابراین دادنامه شماره ۱۲۰۹ مورخ ۶۵/۷/۲۳ شعبه اول دیوان که متضمن این معنی است موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می شود. این

رأی به استناد قسمت آخر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
محمد رضا عباسی فرد

- ۶. تنظیم سند اجاره با مالک اعیانی در خصوص اعیانی موجود در موقوفاتی که ملک اشخاص می‌باشد، با رعایت حقوق مکتسبه و تأیید استحقاق اشخاص به دریافت خسارت از فروشندگان زمین یا خانه موقوفه که سند مالکیت آنان ابطال شده است خواهد بود.

تاریخ: ۱۳۷۲/۲/۲۵

کلاس پرونده: ۲۰۲/۷۱

شماره دادنامه: ۷۲/۳۲

مستندات رأی: تبصره ماده ۳ قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۶۳/۹/۷

« رأی هیأت عمومی

با توجه به ماده واحده قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مبتنی بر ابطال اسناد مالکیت کلیه موقوفات عام که بدون مجوز شرعی به فروش رسیده است و تثبیت وقفیت آنها و با عنایت به حکم مندرج در تبصره‌های یک و سه ماده واحده مزبور مشعر بر تجویز واگذاری موقوفه به عنوان اجاره و لزوم مراعات حقوق مکتسب قانونی اشخاص و تأیید استحقاق اشخاص به دریافت خسارت از فروشندگان زمین یا خانه موقوفه که سند مالکیت آنها ابطال شده است، تبصره ماده ۳ آیین‌نامه ابطال اسناد و فروش رقبات آب و اراضی موقوفه در خصوص تنظیم سند اجاره با مالکین اعیانی مغایر قانون شناخته نمی‌شود.

- ۷. اجاره‌نامه و میزان اجاره‌بهای عادلانه روز فیما بین سازمان اوقاف و مستأجرین در موقوفات عام به موجب آیین‌نامه اجرایی مربوطه و دستورالعمل تنظیم اسناد اجاره رقبات و موقوفات می‌باشد.

تاریخ: ۱۳۷۲/۱۱/۹

کلاس پرونده: ۱۹۷/۷۱

شماره دادنامه: ۷۲/۱۹۲

مستندات رأی: ماده ۱ لایحه قانونی تجدید قرارداد و اجاره املاک و امواب موقوفه و تجدید انتخاب متولیان و امناء و نظار اماکن متبرکه مذهبی و مساجد مصوب ۱۳۵۸/۲/۲۵ - بخشنامه شماره ۷۷۷۷ مورخ ۱۳۶۷/۱۱/۳۰ سازمان حج و اوقاف و امور خیریه

« رأی هیأت عمومی

با توجه به ماده یک لایحه قانونی تجدید قرارداد و اجاره املاک و اموال موقوفه و تجدید انتخاب متولیان و امناء و نظار اماکن متبرکه مذهبی و مساجد مصوب ۵۸/۲/۲۵ که به موجب آن کلیه اجاره‌نامه‌های رسمی و عادی منعقد بین اوقاف و مستأجرین در موقوفات عامه نظیر املاک مزروعی و باغات و اراضی و مستغلات و مستحدثات شهری و روستایی فسخ شده و ترتیب تنظیم اجاره‌نامه و میزان اجاره‌بهای عادلانه روز به کیفیت مقرر در آیین‌نامه اجرایی مربوط موقوف گردیده و عنایت به این که هدف مقنن وضع قواعد و مقررات خاص درباره موقوفات استیجاری بوده است، مصوبات مورد اعتراض مغایر قانون شناخته نمی‌شود و چون بخشنامه شماره ۷۷۷۷ مورخ ۶۷/۱۱/۳۰ حسب نظریه مورخ ۱۳۷۲/۱۰/۲۲ فقهای محترم شورای نگهبان مخالف موازین احکام شرع شناخته نشده تقاضای ابطال آن‌ها مردود است.

- ۸. مداخله سازمان اوقاف در امور موقوفه دارای متولی خاص و مورد وثوق و قادر بر انجام تکالیف شرعی خلاف موازین شرعی است.

تاریخ: ۱۳۷۳/۸/۷

کلاس پرونده: ۱۹۹/۷۲

شماره دادنامه: ۷۳/۸۹

مستندات رأی: مواد ۴ و ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰

« رأی هیأت عمومی

به شرح نظریه شماره ۶۶۹۱ مورخ ۱۳۷۳/۷/۲۲ فقهای محترم شورای نگهبان مقررات مواد ۴ و ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۶۵/۲/۱۰ هیأت وزیران در خصوص جواز مداخله سازمان حج و اوقاف در امور موقوفه دارای متولی خاص و محل وثوق و اعتماد و قادر بر انجام وظیفه شرعی مربوط خلاف موازین شرع شناخته شده است. لذا به استناد ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۶۰/۱۱/۴ مواد فوق‌الذکر ابطال می‌شود.

قائم‌مقام دیوان عدالت اداری

حسین محقق قمی

- ۹. دیوان عدالت اداری در رسیدگی به شکایات سازمان اوقاف به قائم‌مقامی از موقوف علیهم و سایر اشخاص حقوقی حقوق خصوصی ذی صلاح است.

تاریخ: ۱۳۷۳/۱۲/۶

کلاس پرونده: ۱۹۷/۷۳

شماره دادنامه: ۷۳/۱۴۷

مستندات رأی: -----

« رأی هیأت عمومی

چون به شرح دادنامه شماره ۱۵۵ مورخ ۷۱/۷/۲۵ هیأت عمومی دیوان که در مقام ایجاد وحدت رویه انشاء شده و برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط لازم‌الاتباع است، تصمیمات و اقدامات سازمان اوقاف و امور خیریه در زمینه حفظ و اداره مال موقوفه به لحاظ تعلق آن به موقوف علیهم بر اساس نیت واقف در واقع و نفس الامر به نمایندگی از طرف شخص حقیقی یا حقوقی حقوق خصوصی صورت می‌گیرد و از انواع وظایف و مسئولیت‌های دولتی سازمان مذکور محسوب نمی‌شود، رسیدگی به شکایت و اعتراض آن سازمان به قائم‌مقامی اشخاص مذکور در صورت انطباق با شقوق ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری در صلاحیت دیوان قرار دارد. لذا دادنامه شماره ۵۸۹ مورخ ۱۳۷۳/۷/۱۹ شعبه ۱۹ دیوان در پرونده کلاس ۵۸۱/۷۳/۱۹ به استناد تبصره ۲ الحاقی به ماده ۱۸ قانون دیوان عدالت اداری نقض می‌شود.

- ۱۰. سازمان اوقاف بایستی از هزینه‌های مربوط به حفظ عین موقوفه، آبادانی رقبات، تعمیرات جاری و مصارف مقرر در وقفنامه و سیره جاریه توسط متولی اطلاع یابد.

تاریخ: ۱۳۷۴/۵/۲۸

کلاس پرونده: ۱۹۷/۷۳

شماره دادنامه: ۷۴/۸۸

مستندات رأی: تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۱۹ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰

« رأی هیأت عمومی

با توجه به این که شورای محترم نگهبان طی شماره ۱۰۹-۱۳۷۴/۳/۱۷ تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۱۹ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰ را خلاف شرع تشخیص نداده‌اند، لذا با عنایت به اظهارنظر فوق اقدامی در پرونده مقدور نیست و مختومه اعلام می‌شود.

رییس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

اسماعیل فردوسی پور

- ۱۱. تعیین ۳۰٪ قیمت عادلانه روز زمین به عنوان مقدار پذیره، در مواردی که میزان پذیره متعارف بیش از آن باشد، خلاف موازین شرعی است.

تاریخ: ۱۳۷۴/۷/۲۹

کلاس پرونده: ۱۹۵/۷۳

شماره دادنامه: ۷۴/۱۲۶

مستندات رأی: مواد ۱ و ۷ آیین نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره و اهدایی مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰ - ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰

« رأی هیأت عمومی

با توجه به اعلام نظر فقهای محترم شورای نگهبان که طی شماره‌های ۱۰۷- ۱۳۷۴/۳/۸ و ۸۷۹- ۱۳۷۴/۷/۱۸ واصل گردیده مبنی بر این که: اطلاق ماده ۱ آیین نامه نحوه ترتیب وصول پذیره و اهدایی که مقدار پذیره را در ۳۰٪ قیمت عادلانه روز زمین معین نموده است، در مواردی که پذیره متعارف بیش از آن باشد خلاف موازین شرعی است و باید تعیین آن به نظر دو نفر خبره مورد وثوق واگذار گردد و اطلاق ماده ۷ آیین نامه که موارد مذکوره را از پرداخت پذیره معاف نموده است، در جاهایی که آن موارد جزء مصرف عواید موقوفه نباشد، خلاف موازین شرع شناخته شد. اشکال ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف ناشی از ماده ۷ آیین نامه نحوه ترتیب وصول پذیره و اهدایی است و با اصلاح آن ماده رفع اشکال از ماده ۱۳ نیز خواهد شد.

بنابراین مستنداً به شماره ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ماده ۷ آیین نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره و اهدایی و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه ابطال می‌گردد.

رییس هیأت دیوان عدالت اداری

اسماعیل فردوسی پور

- ۱۲. التزام متولیان منصوص التولیه صحیح العمل، به تنظیم و ارسال اوراق بودجه به ادارت کل اوقاف و امور خیریه استان‌های مربوطه، خلاف موازین شرعی است.

تاریخ: ۱۳۷۴/۷/۲۹

کلاس پرونده: ۱۹۶/۷۳

شماره دادنامه: ۷۴/۱۲۸

مستندات رأی: ماده ۷ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲ - تبصره‌های ۱ و ۳ ماده ۲۰ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰

« رأی هیأت عمومی

با توجه به نظریه فقهاء محترم شورای نگهبان که طی شماره‌های ۸۷۸ - ۱۳۷۴/۷/۱۸ و ۳۳۹ - ۱۳۷۴/۳/۸ و ۱۰۸ - ۱۳۷۴/۳/۸ واصل گردیده مبنی بر این که:

۱. عموم ماده ۲۰ و تبصره ۱ آنکه حتی متولیان منصوص التولیه صحیح‌العمل را نیز به تنظیم و ارسال اوراق بودجه الزام نموده است، به لحاظ آنکه در ماده ۷ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه تخلف از عمل به آن را موجب عزل و یا ممنوع‌المداخله شدن و یا ضم امین دانسته است خلاف موازین شرع است.
۲. اطلاق تبصره ۳ ماده ۲۰ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه نیز به همان شرحی که در نامه مورخ ۱۰۸ - ۱۳۷۴/۳/۸ این شورا ذکر شده است خلاف شرع است. بنابراین ماده ۲۰ و تبصره‌های ۱ و ۳ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه ابطال می‌گردد.

رییس هیأت دیوان عدالت اداری

اسماعیل فردوسی پور

- ۱۳. متولی و ادارات اوقاف و امور خیریه در انتخاب وکیل یا وکلای واجدالشرايط جهت احیای حقوق موقوفه مجاز می‌باشند.

تاریخ: ۱۳۷۵/۴/۹

کلاس پرونده: ۱۳۱/۷۴

شماره دادنامه: ۷۵/۵۸

مستندات رأی: ماده ۴۱ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰

« رأی هیأت عمومی

نظر به این که ماده ۴۱ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰ به شرح نظریه مورخ ۱۳۷۵/۳/۲۶ فقهای محترم شورای نگهبان خلاف شرع شناخته نشده است و متضمن وضع قاعده آمره‌ای نیز نمی‌باشد. لذا خلاف قانون نیز شناخته نمی‌شود و موردی برای ابطال آن وجود ندارد.

رییس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
اسماعیل فردوسی‌پور

- ۱۴. شعب تحقیق سازمان اوقاف حق عز، ممنوع‌المداخله کردن و یا ضم امین را نداشته و موارد مذکور تنها در صلاحیت دادگاه‌های عمومی است.

تاریخ: ۱۳۷۶/۵/۴

کلاس پرونده: ۱۳۹/۷۴

شماره دادنامه: ۷۶/۴۷

مستندات رأی: ماده ۷ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲ - ماده ۲۹ آیین‌نامه کیفیت تحقیق در شعب تحقیق سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۹/۳۰

« رأی هیأت عمومی

مطابق ماده ۷ قانون تشکیلات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، با عزل یا ممنوع‌المداخله شدن متولی، ضم امین منوط به حکم قطعی دادگاه است. بنابراین مدلول ماده ۲۹ آیین‌نامه کیفیت تحقیق در شعب تحقیق سازمان اوقاف و امور خیریه که مفهوم قابلیت اجرای مطلق تصمیمات و نظرات شعب تحقیق حتی در موارد مصرح در ماده ۷ قانون مزبور قبل از صدور رأی قطعی دادگاه می‌باشد، مخالف قانون مزبور تشخیص و مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.

رییس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

سید ابوالفضل موسوی تبریزی

- ۱۵. رعایت حق اولویت متصرفین اموال غیر منقول موقوفه در انعقاد عقد اجاره با لحاظ صرفه و صلاح وقف ضروری است.

تاریخ: ۱۳۷۶/۸/۳

کلاس پرونده: ۲۵۴/۷۵

شماره دادنامه: ۷۶/۱۰۰

مستندات رأی: تبصره ۴ ماده ۶ آیین‌نامه قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۶۳/۹/۷

« رأی هیأت عمومی

حکم مقرر در تبصره‌های ماده واحده قانون ابطال اسناد و فروش رقبات آب و اراضی موقوفه علی‌الاطلاق مفید تثبیت حق اولویت متصرفین اموال غیر منقول موقوفه در انعقاد عقد اجاره با رعایت صرفه و صلاح وقف است. بنابراین تبصره ۴ ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور به لحاظ عدم ذکر حق اولویت مذکور، مفهوم نفی حق مکتسب قانونی مزبور در صورت تغییر کاربری ملک است، خلاف قانون تشخیص و به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌شود.

رییس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

سید ابوالفضل موسوی تبریزی

- ۱۶. التزام متولی به مصرف درآمد موقوفات مجهول‌المصرف و موقوفاتی که به صورت مبرات مطلقه وقف گردیده‌اند، منحصرأً به موارد خاص، خلاف موازین شرعی است.

تاریخ: ۱۳۷۷/۴/۲۷

کلاس پرونده: ۲۰/۷۷

شماره دادنامه: ۷۷/۷۵

مستندات رأی: ماده ۵۱ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰

« رأی هیأت عمومی

به موجب نظریه مورخ ۱۳۷۷/۳/۳ فقهاء محترم شورای نگهبان «ماده ۵۱ فوق‌الذکر از این جهت که مصرف موقوفات مجهول‌المصرف و موقوفاتی که به صورت مبرات مطلقه وقف شده است را در موقوفاتی که متولی دارند منحصر در خصوص اموری که در این ماده ذکر شده است می‌کند و متولی را ملزم به رعایت خصوص آن موارد می‌نماید، خلاف موازین شرع شناخته شد». بنابراین به استناد قسمت اول ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری، ماده ۵۱ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰ هیأت وزیران به لحاظ مغایرت آن با احکام شرع به شرح فوق‌الذکر ابطال می‌شود.

رییس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

سیدابوالفضل موسوی تبریزی

- ۱۷. خلع ید متصرف رقبه موقوفه در صورت امتناع از تنظیم اجاره‌نامه، خلاف موازین شرعی نمی‌باشد.

تاریخ: ۱۳۷۸/۶/۲۰

کلاس پرونده: ۱۴۱/۷۷

شماره دادنامه: ۷۸/۲۵۶

مستندات رأی: بند ۱ ماده ۳ آیین‌نامه قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۶۳/۹/۷

« رأی هیأت عمومی

بند یک ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه در خصوص خلع ید متصرف رقبه موقوفه در صورت امتناع از تنظیم اجاره‌نامه با رعایت مقررات قانون مربوط مغایرتی با قانون ندارد.

- ۱۸. لزوم انجام مطلق تکالیف قانونی در زمان معین، در باب تعلق مالیات بر درآمد موقوفات عام در صورت عدم تسلیم صورت حساب درآمد و هزینه‌های موقوفه تا پایان خرداد ماه سال بعد، با شرایط مندرج در قانون مالیات‌های مستقیم در خصوص معافیت موقوفات عام از پرداخت مالیات مغایرت ندارد.

تاریخ: ۱۳۷۹/۹/۶

کلاس پرونده: ۲۸۹/۷۸

شماره دادنامه: ۷۹/۲۵۶

مستندات رأی: ماده ۵ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶- ماده ۹ آیین‌نامه اجرایی قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۸

« رأی هیأت عمومی

با عنایت به تبصره ۵ ماده ۲ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفند ۱۳۶۶ که مقرر داشته است «در هر سال مالی که شرایط و ترتیبات مقرر در این ماده و آیین‌نامه اجرایی آن رعایت نشود، معافیت مالیات مقرر نسبت به اشخاص مذکور در بندهای ۳ و ۴ و ۵ این ماده برای آن سال جاری نبوده و درآمدهای سال مزبور آن‌ها طبق مقررات مربوط مشمول مالیات خواهد بود» و لزوم انجام مطلق تکالیف قانونی در ظرف زمان معین، ماده ۹ آیین‌نامه اجرایی بند ۳ ماده ۲ قانون مالیات‌های مستقیم در باب تعلق مالیات به درآمد موقوفات عام در صورت عدم تسلیم صورت حساب درآمد و هزینه‌های موقوفه تا پایان خرداد ماه سال بعد مغایرتی با قانون ندارد.

- ۱۹. سند فروش یا تبدیل موقوفه در خصوص رقبه موقوفاتی که بدون مجوز شرعی معامله شده‌اند، مطابق نظر رییس سازمان اوقاف باطل می‌گردد.

تاریخ: ۱۳۷۹/۱۲/۲۱

کلاس پرونده: ۱۰۷/۷۹

شماره دادنامه: ۷۹/۳۹۶

مستندات رأی: ماده ۲ آیین‌نامه قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مصوب ۷/۹/۱۳۶۳

« رأی هیأت عمومی

طبق ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه، ادارات اوقاف و امور خیریه و متولیان موقوفات مکلفند با توجه به سوابق ثبتی، موقوفات عامه‌ای را که به فروش رسیده یا به صورتی به ملکیت اشخاص درآمده باشد صورت‌برداری و همراه با مستندات و دلایل به سازمان اوقاف و امور خیریه ارسال نمایند. سازمان اوقاف و امور خیریه موضوع را به کمیسیون مرکب از فقهای صاحب نظر که با انتخاب و زیر نظر نماینده ولی فقیه در سازمان یاد شده تشکیل می‌شود ارجاع می‌کند. کمیسیون مذکور نظر خود را در مورد جواز شرعی فروش یا تبدیل رقبات اعلام می‌نماید. در صورتی که تبدیل و فروش رقبه موقوفه به نظر کمیسیون با مجوز شرعی انجام شده باشد، معامله تأیید می‌شود و در غیر این صورت نظر نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه دایر بر بطلان سند در سوابق ثبتی و دفاتر مربوط ثبت و صدور سند جدید به نام موقوفه اعلام نمایند. نظر به این که مفاد ماده مذکور با عنایت به ماده واحده قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه و تبصره‌های آن در مقام تبیین حکم قانون‌گذار به تصویب رسیده و متضمن وضع قاعده آمره مستقلی نیست، بنابراین ماده ۲ آیین‌نامه فوق‌الذکر مغایر قانون و خارج از حدود اختیار قوه مجریه در وضع نظامات دولتی نمی‌باشد.

- ۲۰. مساجد و تکایا در زمره کارگاه‌های کوچک مندرج در ماده (۱۹۱) قانون کار بوده و خدام و کارکنان مساجد که به صورت تبرعی خدمت نمی‌کنند، مشمول قانون کار می‌باشند.

تاریخ: ۱۳۸۱/۳/۱۹

کلاس پرونده: ۱۹۱/۷۸

شماره دادنامه: ۸۱/۹۶

مستندات رأی: مواد ۲ و ۱۹۱ قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹ - مصوبه شماره ۷۲۰۵۲/ت ۴۳۲ هـ مورخ ۱۳۷۳/۱۱/۳۰ هیأت وزیران

« رأی هیأت عمومی

الف) طبق ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری اعتراض نسبت به آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌ها و سایر نظامات دولتی از جهات مذکور در این ماده قابل رسیدگی و امعان نظر در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است. نظر به این که نظریه شماره ۱۲۶۹۹/ت مورخ ۱۳۷۸/۴/۱۳ مدیرکل بهره‌وری و مزد وزارت کار و امور اجتماعی صرفاً اظهار نظر در قبال استعلام به عمل آمده از ناحیه مؤسسه خیریه تعلیماتی و تحقیقات علمی حسینییه ارشاد بوده و متضمن ایجاد قاعده و دستورالعملی که عنوان بخشنامه را دارا باشد نیست، علی‌هذا از مصادیق ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری تشخیص نگردید.

ب) مصوبه شماره ۷۲۰۵۲/ت ۴۳۲ هـ - مورخ ۱۳۷۳/۱۱/۳۰ هیأت وزیران با عنایت به اختیارات حاصله از ماده ۱۹۱ قانون کار خلاف قانون تشخیص داده نشد.

- ۲۱. اخذ ۱۵٪ مابه‌التفاوت توسط سازمان اوقاف به هنگام انتقال مورد اجاره به غیر از مستأجر عرصه‌ای که احداث اعیان نموده، مغایر موازین شرعی نمی‌باشد.

تاریخ: ۱۳۸۱/۴/۱۶

کلاس پرونده: ۱۴۶/۸۰

شماره دادنامه: ۸۱/۱۳۰

مستندات رأی: اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸-
ماده ۲ آیین‌نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره و هدایی مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰

« رأی هیأت عمومی

با عنایت به این که ماده ۲ آیین‌نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره و هدایی به شرح نظریه مورخ ۸۰/۸/۳ فقهای محترم شورای نگهبان خلاف شرع شناخته نشده است موردی برای ابطال ماده مذکور بر اساس اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قسمت اول ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری وجود ندارد.

- ۲۲. تجویز، الزام به اخذ، یا ذخیره ۲۰٪ از درآمد موقوفه نسبت به موقوفاتی که نیاز به تعمیر ندارند، یا تعمیر آنان از طرق دیگر امکان پذیر است، خلاف موازین شرعی می باشد.

تاریخ: ۱۳۸۱/۱۰/۸

کلاس پرونده: ۱۲۴/۷۹

شماره دادنامه: ۸۱/۳۶۲

مستندات رأی: مواد ۲۱ و ۲۲ آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰

« رأی هیأت عمومی

با عنایت به اینکه ماده ۲۱ آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰ هیأت وزیران به شرح نظریه شماره ۸۱/۳۰۶۷ مورخ ۱۳۸۱/۹/۲۵ فقهای محترم شورای نگهبان خلاف شرع شناخته شده است و نظر به اینکه مفاد ماده ۲۲ آیین نامه مزبور ناظر به ماده ۲۱ فوق الذکر و تابع مدلول آن می باشد، بنابراین به استناد قسمت اول ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری حکم به ابطال دو ماده فوق الذکر صادر می شود.

- ۲۳. عواید حاصل از محل پذیره، اهدایی، اجاره و استیجار موقوفات، به موقوفه مورد اجاره اختصاص می‌یابد.

تاریخ: ۱۳۸۳/۳/۳

کلاس پرونده: ۴۰۸/۸۱

شماره دادنامه: ۸۳/۶۸

مستندات رأی: ماده ۱۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲ - ماده ۵ آیین‌نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره و اهدایی مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰

« رأی هیأت عمومی

نظر به حکم مقرر در ماده ۱۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳ مبنی بر اختصاص عواید حاصل از محل پذیره و اهدایی و اجاره و استیجار موقوفات به موقوفه مورد اجاره و اینکه سرقفلی حاصل از احداث بنای تجاری در زمین مسکونی موقوفه بر خلاف شرط مندرج در سند اجاره از جمله عواید حاصل از اجاره زمین موقوفه می‌باشد و علی‌القاعده مقتضای شرط ضمن‌العقد و لزوم رعایت غبطه و صرفه موقوفه آن است که بخشی از سرقفلی حاصل در سهم ملک موقوفه مورد اجاره قرار گیرد، ماده ۵ آیین‌نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره اهدایی که به تجویز ماده ۱۳ قانون فوق‌الاشعار تصویب شده است، مغایرتی با قانون ندارد.

- ۲۴. تشخیص تحقق شرایط فروش موقوفه، منوط به صدور مجوز شرعی توسط مجتهد جامع‌الشرایط در سازمان اوقاف می‌باشد.

تاریخ: ۱۳۸۳/۱۱/۴

کلاس پرونده: ۳۴۴/۸۱

شماره دادنامه: ۸۳/۵۵۶

مستندات رأی: بند ۴ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۷۴/۲/۳

« رأی هیأت عمومی

الف- به موجب نظریه شماره ۱/۳۵۰/۳۰/۸۲ مورخ ۸۲/۴/۱۴ فقهای محترم شورای نگهبان بند (۴) ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مصوب ۷۴/۲/۳ هیأت وزیران مغایر با موازین شرع شناخته نشد. ب- نظر به اینکه حسب قواعد فقهی و قانون مدنی تحقق وقف موکول به حبس عین و تسبیل منفعت و تأیید عین موقوفه است که تنها در صورت سلب منفعت یا بیم سفک دماء بین موقوف‌علیهم بیع وقف جایز خواهد بود. احراز شرایط بیع وقف منوط به جواز شرعی است و به موجب ماده واحده قانون ابطال اسناد فروش رقبات آب و اراضی موقوفه از تاریخ تصویب قانون مذکور کلیه موقوفاتی که بدون مجوز شرعی به فروش رسیده یا به صورتی به ملکیت درآمده باشد به وقفیت خود برمی‌گردد و اسناد مالکیت صادر شده باطل و از درجه اعتبار ساقط می‌شود. لذا از آنجایی که تشخیص تحقق شرایط فروش وقف منوط به نظر فردی آگاه به مسایل شرعی و آشنا به ضوابط مربوطه می‌باشد که حسب مورد وجود مجوز را احراز نماید، بنابراین بند ۴ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه که بر اساس صدور مجوز شرعی توسط مجتهد جامع‌الشرایط تنظیم شده خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص نگردید.

- ۲۵. احداث اعیانی توسط زارعان صاحب نسق بدون کسب اجازه از سازمان اوقاف و عدم پرداخت پذیره اراضی، خلاف موازین شرعی است.

تاریخ: ۱۳۸۴/۱۲/۲۱

کلاس پرونده: ۸۰/۴۷۰، ۸۳/۶۳۵ و ۷۵۱، ۸۴/۵۱

شماره دادنامه: ۸۴/۸۴۳ الی ۸۴۶

مستندات رأی: تصویب نامه شماره ۳۷۱۲۷/ت ۲۲۹۰۵ ه مورخ ۱۳۸۰/۸/۳ هیأت وزیران

« رأی هیأت عمومی

الف- به شرح لایحه جوابیه شماره ۱۸۹۵۵ مورخ ۱۳۸۴/۵/۲۹ معاون دفتر امور حقوقی دولت، ماده ۲، بند (ب) ماده ۵ و هم چنین تبصره ۵ ماده ۷ تصویب نامه مورد اعتراض به شرح تصویب نامه های شماره ۶۷۴۴۷/ت ۲۸۳۰۲ ه مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۲۸ و ۶۹۶۲۶/ت ۳۰۲۶۸ ه مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۲۳ هیأت وزیران اصلاح شده و با این کیفیت موضوع اعتراض منتفی گردیده است. بنابراین موردی برای رسیدگی و اتخاذ تصمیم در این خصوص وجود ندارد.

ب- به شرح نظریه شماره ۳۰/۱۴۵۶۶ مورخ ۱۳۸۴/۱۱/۲۵ فقهای محترم شورای نگهبان ماده ۸ تصویب نامه شماره ۳۷۱۲۷/ت ۲۲۹۰۵ ه مورخ ۱۳۸۰/۸/۱۳ هیأت وزیران خلاف احکام شرع شناخته شده است. بنابراین به استناد قسمت اول ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ماده مزبور ابطال می شود.

- ۲۶. متولیان موقوفات مکلف به تنظیم دفتر مخصوص جهت ثبت درآمد و هزینه موقوفه و افتتاح حساب جداگانه به نام موقوفه در موارد خاص می‌باشند.

تاریخ: ۱۳۸۵/۵/۸

کلاس پرونده: ۶۸۸/۸۲

شماره دادنامه: ۸۵/۲۶۹

مستندات رأی: ماده ۲۴ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰

« رأی هیأت عمومی

ماده ۲۴ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه که مقرر داشته است «با توجه به این که حفظ موقوفات از وظایف متولیان است و اموال وقف باید از اموال شخص متولی جدا و متمایز باشد، متولیان موقوفات و امنای اماکن متبرکه مکلفند دفتر مخصوصی برای ثبت درآمد و هزینه موقوفه یا اماکن مزبور تنظیم نمایند و هرگاه درآمد سالانه آن‌ها بیش از صد هزار ریال باشد، باید با معرفی اداره حج و اوقاف و امور خیریه حساب جداگانه‌ای به نام موقوفه یا مکان متبرکه در یکی از بانک‌ها افتتاح و عواید حاصله را به آن حساب واریز و هرگونه پرداخت را از طریق آن انجام دهند». حسب نظریه شماره ۸۳/۳۰/۷۸۵۱ مورخ ۱۳۸۳/۴/۱۱ فقهاء محترم شورای نگهبان خلاف شرع شناخته نشده است و چون مفاد ماده مزبور در جهت تنظیم و تنسيق امور موقوفه و امکان نظارت و کنترل اوقاف بر آن انشاء شده بنابراین مغایرتی هم با قانون ندارد.

رییس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

علی رازینی

- ۲۷. سازمان اوقاف مکلف به نظارت بر امور موقوفات، متولیان ناتوان در انجام وظایف شرعی و قانونی و رعایت مصلحت و غبطه موقوف‌علیهم در موقوفات فاقد متولی است.

تاریخ: ۱۳۸۵/۶/۵

کلاسه پرونده: ۸۳/۴۳، ۱۵۳ و ۸۵/۵۵، ۶۵

شماره دادنامه: ۸۵/۳۷۰ الی ۳۷۳

مستندات رأی: مواد ۴ و ۲۰ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰

« رأی هیأت عمومی

الف- حسب نظریه شماره ۸۳/۳۰/۸۰۳۷ مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۹ فقهای محترم شورای نگهبان، ماده ۴ و بند (ب) ماده ۲۰ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۷ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب ۸۲/۸/۴ هیأت وزیران خلاف موازین شرع شناخته نشده است. بنابراین موردی برای ابطال آن‌ها در اجرای قسمت اول ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری وجود ندارد.

ب- با عنایت به وظایف و مسئولیت‌های اداره اوقاف و امور خیریه در خصوص نظارت و کنترل بر امور موقوفات و رعایت و حفظ غبطه و مصلحت موقوف‌علیهم در مواردی که موقوفه فاقد متولی منصوص بوده و یا متولی موقوفه مورد اعتماد و محل وثوق و یا قادر به انجام وظایف شرعی و قانونی نباشد و یا در مظان تعدی و تفریط باشد، مواد ۴ و ۲۰ و بند (ب) ماده ۲۰ آیین‌نامه مورد اعتراض مغایرتی با قانون ندارد.

معاون قضایی دیوان عدالت اداری

مقدسی فرد

- ۲۸. اطلاق سرمایه‌گذاری پذیره‌های مأخوذه در موقع ایجار موقوفات خاص جهت استفاده کلیه بطون و در مواردی که واقف نظر به عدم اخذ پذیره داشته باشد، خلاف موازین شرعی است.

تاریخ: ۱۳۸۶/۴/۳۱

کلاس پرونده: ۲۳۱، ۸۶/۸۵

شماره دادنامه: ۸۶/۲۸۶، ۲۸۷

مستندات رأی: اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸-
تبصره ماده ۱۰ آیین‌نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره و هدایی مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰

« رأی هیأت عمومی

به شرح نظریه شماره ۹۷۷/۲۰/۳۰/۸۶ مورخ ۸۶/۱/۳۰ فقهای محترم شورای نگهبان، اطلاق تبصره ماده ۱۰ آیین‌نامه نحوه و ترتیب پذیره و هدایی در مواردی که واقف نظری نسبت به اخذ پذیره نداشته و یا نظر به عدم اخذ پذیره داشته و هم‌چنین اطلاق تبصره ماده مزبور نسبت به لزوم سرمایه‌گذاری خلاف موازین شرع شناخته شده است. بنابراین مستنداً به اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده یک و سایر مقررات قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ در باب مقررات دولتی که توسط شورای نگهبان خلاف احکام شرع شناخته می‌شود، حکم به ابطال تبصره ماده ۱۰ آیین‌نامه نحوه و ترتیب پذیره و هدایی موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۳۰۷۸ مورخ ۱۳۶۵/۲/۲۲ هیأت وزیران صادر می‌شود.

معاون قضایی دیوان عدالت اداری

مقدسی فرد

- ۲۹. پس از ابطال انتقالات بعد از وقف، متصرف باید ظرف ۳۰ روز از تاریخ رؤیت دعوت‌نامه اوقاف، جهت تنظیم سند اجاره مراجعه نماید.

تاریخ: ۱۳۹۰/۶/۷

کلاس پرونده: ۵۵۷/۸۸

شماره دادنامه: ۲۴۳

مستندات رأی: قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۷۱/۱۱/۲۵- ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مصوب ۳/۲/۱۳۷۴

« رأی هیأت عمومی

نظر به این که ماده ۳ «آیین‌نامه اجرایی قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مصوب ۳/۲/۱۳۷۴» در راستای تبصره ۶ و با رعایت تبصره ۴ «ماده واحده قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۷۱/۱۱/۲۵» تصویب شده است و متضمن حکمی فراتر از قانون مذکور نیست، بنابراین مخالفتی با قانون ندارد و موجبی برای ابطال آن به نظر نمی‌رسد.

رییس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

محمدجعفر منتظری

- ۳۰. تعیین اجرت المثل حق النظاره و تشخیص ضرورت نظارت اشخاص یا ادارات اوقاف در موقوفات غیر متصرفی با سرپرست سازمان اوقاف است.

تاریخ: ۱۳۹۰/۶/۲۱

کلاس پرونده: ۵۱۱ - ۵۱۲/۸۷

شماره دادنامه: ۲۴۹ - ۲۵۰

مستندات رأی: ماده ۱۱ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲ - تبصره ۲ ماده ۳۲ آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰

« رأی هیأت عمومی

الف- نظر به این که به موجب نامه های شماره ۸۸/۳۰/۳۷۵۰۰ و ۸۸/۳۰/۳۷۵۰۱ مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۴ شورای نگهبان، اطلاق ماده ۱۲ و بندهای یک الی شش ماده ۳۲ آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰ توسط فقهای شورای نگهبان خلاف موازین شرع اعلام شده است، در اجرای ماده ۴۱ قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۸۵، اطلاق ماده ۱۲ و بندهای یک الی شش ماده ۳۲ آیین نامه مذکور ابطال می شوند.

ب- با توجه به این که در ماده ۱۱ «قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳» دریافت حق التولیه متولی و یا سازمان در قبال اعمال تولیت نسبت به موقوفات متصرفی و هم چنین حق النظاره و جهات و موارد آن تعیین و تجویز شده است، تبصره ۲ ماده ۳۳ آیین نامه مورد شکایت در حد اختیارات قانونی یاد شده تنظیم و خلاف قانون تشخیص نشد.

رییس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

محمدجعفر منتظری

- ۳۱. صرف همه درآمدها و هزینه‌های موقوفات عام در امور مصرح در بند (ح) ماده ۱۳۹ قانون اصلاح موادی از قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۰، شرط برخورداری موقوفات عام از معافیت مالیاتی است.

تاریخ: ۲ مرداد ۱۳۹۱

کلاس پرونده: ۴۶۰/۸۹

شماره دادنامه: ۲۴۰

مستندات رأی: ماده ۱۳۹ قانون اصلاح موادی از قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱/۲۷ - مواد ۵، ۱۵ و ۱۶ آیین‌نامه اجرایی موضوع تبصره ۳ ماده ۱۳۹ اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۰

« رأی هیأت عمومی

اولاً: با توجه به این که تقاضای ابطال مواد ۵ و ۱۶ از آیین‌نامه اجرایی موضوع تبصره ۳ ماده ۱۳۹ اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۰ موضوع تصویب‌نامه شماره ۵۳۴۵۶/ت ۲۷۲۵۷ هـ - ۱۳۸۱/۱۲/۷ هیأت وزیران، قبلاً در هیأت عمومی مورد رسیدگی قرار گرفته و به موجب دادنامه‌های شماره ۸ - ۱۳۹۰/۱/۲۲ و ۱۳۹۱/۳/۸ - ۱۲۵ حکم به رد تقاضا صادر شده است از این حیث موجبی برای رسیدگی و اتخاذ تصمیم مجدد در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری وجود ندارد. ثانیاً: حکم مقرر در بند ح ماده ۱۳۹ قانون اصلاح موادی از قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ که شرط برخورداری موقوفات عام از معافیت مالیاتی را مصرف شدن درآمد موقوفات عام در امور مصرح در بند ح ماده ۱۳۹ قانون مذکور دانسته است و این درآمدها و هزینه‌ها باید به تأیید سازمان اوقاف و امور خیریه برسد، مؤید این معنی است که همه درآمدها و همه هزینه‌های موقوفات عام علی‌الاطلاق از معافیت برخوردار نیست و لازمه آن این است که درآمدها باید در امور مورد نظر قانون‌گذار هزینه شود. نیل به این مقصود حاصل نمی‌شود جز

از طریق ارائه اظهارنامه مالیاتی و ترازنامه و حساب سود و زیان، تا مشخص شود موقوفه به چه میزان درآمد حاصل کرده است و چه میزان از آن در امور منظور نظر قانون گذار هزینه شده است. مضافاً این که قانون گذار در تبصره ۲ ماده ۱۱۹ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۱/۸ تسلیم اظهارنامه مالیاتی در موعد مقرر را شرط برخورداری از هرگونه معافیت مالیاتی ذکر کرده است. با توجه به مراتب ماده ۱۵ آیین نامه اجرایی مورد اعتراض با قانون مغایرت ندارد و قابل ابطال نیست.

رییس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
محمدجعفر منتظری

- ۳۲. اجرای نظریه‌های شعب تحقیق در موارد تعدی یا تفریط متولی یا ناظر، منوط به صدور حکم قطعی دادگاه می‌باشد.

تاریخ: ۱۳۹۱/۸/۱

کلاس پرونده: ۶۵۲/۸۷

شماره دادنامه: ۵۳۷

مستندات رأی: ماده ۲۹ آیین‌نامه کیفیت تحقیق در شعب تحقیق سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۹/۳۰

« رأی هیأت عمومی

الف- با توجه به مفاد نامه شماره ۱۳۹۰/۲/۷-۹۰/۳۰/۴۲۱۰۷ قائم مقام دبیر شورای نگهبان مبنی بر این که فقهای شورای نگهبان تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۲۹ آیین‌نامه کیفیت تحقیق در شعب تحقیق موضوع تصویب‌نامه شماره ۴۴۰۶۵/ت ۲۹۳۶۴ هـ ۱۳۸۲/۸/۷ هیأت وزیران را خلاف موازین شرع تشخیص نداده‌اند، در اجرای ماده ۴۱ قانون دیوان عدالت اداری موجهی برای ابطال مصوبه از این حیث وجود ندارد.

ب- با عنایت به این که در تبصره یک ماده ۲۹ اصلاحی آیین‌نامه کیفیت تحقیق در شعب تحقیق سازمان اوقاف و امور خیریه، سایر نظرها و مفاصل حساب‌های صادر شده و تصمیمات شعب تحقیق در محدوده وظایف قانونی آن‌ها برای شعب دیگر تحقیق و ادارات اوقاف و امور خیریه و اشخاص ذی‌نفع قابل اجرا اعلام شده است و در صورت صدور دستور توقف موقت اجرای حکم قطعی از مراجع قضایی مبنی بر الغاء یا تصحیح یا تغییر آن‌ها غیر قابل اجرا خواهد بود، بنابراین تبصره یک ماده ۲۹ آیین‌نامه مذکور خلاف قوانین و مقررات مورد استناد شاکی نیست و خارج از حدود اختیارات مرجع وضع نیز تشخیص نمی‌شود.

ج- نظر به این که تبصره ذیل ماده ۱۵ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج

و اوقاف و امور خیریه مصوب سال ۱۳۶۳/۱۰/۲، به ادارات اوقاف و اشخاص ذی نفع اجازه داده است در صورتی که به نظر شعبه تحقیق اعتراض داشته باشند، مراتب را در دادگاه‌های دادگستری طرح کنند و تبصره ۲ ماده ۲۹ آیین‌نامه معترض‌به نیز ناظر به ایجاد ممنوعیت برای اشخاص و ادارات اوقاف در اعلام شکایت به مرجع قضایی از تصمیم شعبه تحقیق مرجوع‌الیه نیست، لذا از این جهت مغایرتی با قانون ندارد و قابل ابطال به نظر نمی‌رسد.

رییس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
محمدجعفر منتظری

- ۳۳. خروج اراضی موقوفات از ید متولی شرعی به عنوان مراتع و منابع طبیعی بدون توجه به دلایل شرعی مبنی بر وقفیت ملک از قبیل ید، بینه، شیاع محلی، اقرار متصرف، سیره جاری عمل به وقف و سابقه ثبتی، خلاف موازین شرعی است.

تاریخ: ۱۳۹۱/۱۰/۲۵

کلاس پرونده: ۸۹/۶۸۲

شماره دادنامه: ۷۸۱

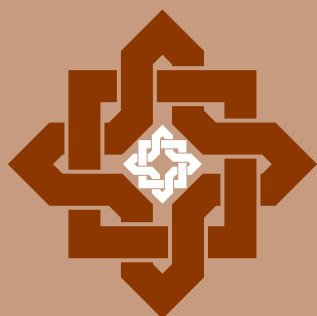
مستندات رأی: ----

« رأی هیأت عمومی

نظر به این که در ماده ۴۱ قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۸۵ مقرر شده است که: «در صورتی که مصوبه به لحاظ مغایرت با موازین شرعی برای رسیدگی مطرح باشد، موضوع جهت اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال می شود. نظر فقهای شورای نگهبان برای هیأت عمومی، لازم الاتباع است» و قائم مقام دبیر شورای نگهبان به موجب نامه شماره ۹۰/۳۰/۴۲۱۲۸ - ۱۳۹۰/۲/۱۰ نظر فقهای شورای نگهبان را به این شرح اعلام کرده است که: «اطلاق مصوبه شامل مواردی می گردد که حجت شرعی از قبیل ید، شیاع، تصرف بلا معارض، بینه و... بر وقفیت باشد، خلاف موازین شرع شناخته شد». بنابراین مستند به ماده قانونی صدرالذکر و در اجرای بند یک ماده ۱۹ و مواد ۲۰ و ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری حکم به ابطال اطلاق مصوبه مورد اعتراض در حدی که فقهای شورای نگهبان اعلام کرده اند از تاریخ تصویب صادر و اعلام می شود.

رییس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

محمدجعفر منتظری



فصل پنجم: استفتائات احکام حقوقی
مسجد از مراجع عظام تقلید

الف) استفتائات احکام حقوقی مسجد از مقام معظم رهبری^۱

س ۳۸۲: در شهر ما دو مسجد مجاور هم وجود دارد که دیوار بین آن‌ها را از هم جدا می‌کند. مدتی پیش تعدادی از مؤمنین برای این که دو مسجد به هم وصل شوند، اقدام به خراب کردن قسمت زیادی از دیوار فاصل بین آن دو نمودند و همین امر باعث شبهه برای بعضی در مورد اقامه نماز در آن دو مسجد شد و هنوز هم این شک برای آنان وجود دارد. امیدواریم راه حل این مشکل را بیان فرمایید.

ج: از میان برداشتن دیواری که بین دو مسجد فاصله انداخته، باعث اشکال در اقامه نماز در دو مسجد نیست.

س ۳۹۰: نماز خواندن در مسجدی که سازندگان آن ادعا می‌کنند که آن را برای خود و قبیله خود ساخته‌اند، چه حکمی دارد؟

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، بخش استفتائات، احکام نماز (مسجد و امام جماعت) و وقف، در:

farsi.Khamenei.ir/treatise - index

ج: مسجد پس از آنکه به عنوان مسجد ساخته شد، اختصاص به قوم و گروه و قبیله و اشخاص خاصی ندارد و همه مسلمانان می‌توانند از آن استفاده نمایند.

س ۳۹۴: آیا استفاده از شبستان مسجد برای رشد فکری، فرهنگی و نظامی (با آموزش‌های نظامی) جوانان جایز است؟ آیا با توجه به کمبود مکان‌های اختصاصی می‌توان این کارها را در ایوان مسجد انجام داد؟

ج: این امور تابع کیفیت وقف صحن مسجد و ایوان آن است و باید از امام جماعت و هیأت امنای مسجد در این باره نظر خواهی شود. البته حضور جوانان در مساجد و برپایی درس‌های دینی زیر نظر امام جماعت و هیأت امنای آن کار خوب و مطلوبی است.

س ۳۹۶: شرکت‌های تعاونی مردمی اقدام به ساختن مناطق مسکونی می‌کنند. ابتدا توافق می‌نمایند که برای آن محله‌ها مکان‌های عمومی مانند مسجد ساخته شود، اکنون که آن واحدها به سهام‌داران شرکت تعاونی تحویل داده شده است، آیا بعضی از آنان می‌توانند هنگام تحویل گرفتن واحد مسکونی از توافق خود عدول کرده و بگویند ما راضی به ساختن مسجد نیستیم؟

ج: اگر شرکت با توافق همه اعضاء اقدام به ساخت مسجد نموده و مسجد هم ساخته شده و وقف گردیده است، عدول بعضی از اعضاء از موافقت اولیه خود اثری ندارد. ولی اگر بعضی از آنان قبل از تحقق وقف شرعی مسجد از موافقت خود عدول کنند، ساخت مسجد با اموال آنان در زمین متعلق به همه اعضاء بدون رضایت آنان جایز نیست، مگر این که در ضمن عقد لازم بر همه آن‌ها شرط شده باشد که بخشی از زمین شرکت برای ساخت مسجد تخصیص یابد و اعضاء این شرط را پذیرفته باشند، در این صورت حق عدول ندارند و عدول آن‌ها هم تأثیری ندارد.

س ۴۰۱: مسجد جامع چه تعریفی دارد؟

ج: مسجد جامع مسجدی است که در شهر برای اجتماع همه اهل شهر بنا شده است، بدون این که اختصاص به گروه و قشر خاصی داشته باشد.

س ۴۰۲: قسمت سر پوشیده‌ای از یک مسجد حدود سی سال است که متروکه و تبدیل به خرابه شده و نماز در آن اقامه نمی‌شود و بخشی از آن به عنوان انبار مورد استفاده قرار می‌گیرد. نیروهای بسیجی که حدود پانزده سال است در این قسمت سقف‌دار مستقر هستند، تعمیراتی را در آن انجام داده‌اند، زیرا وضعیت بسیار نامناسبی داشت و سقف آن هم در معرض ریزش بود. چون برادران بسیجی آگاهی از احکام شرعی مسجد نداشتند و افراد مطلع هم آن‌ها را آگاه نکردند، اقدام به ساختن چند اتاق در این قسمت نمودند که بر اثر آن مبالغ زیادی خرج شد و در حال حاضر کارهای ساختمانی رو به پایان است. امیدواریم حکم شرعی موارد زیر را بیان فرمایید:

۱. بر فرض این که متصدیان این کار و گروه ناظر بر آن جاهل به مسأله باشند، آیا در برابر مخارجی که از بیت‌المال صرف کرده‌اند ضامن هستند و آیا مرتکب گناه شده‌اند؟
۲. با توجه به این که مخارج مزبور از بیت‌المال بوده، آیا اجازه می‌دهید تا زمانی که مسجد به این قسمت احتیاج ندارد و نماز در آن اقامه نمی‌شود، از آن اتاق‌ها با رعایت کامل احکام شرعی مسجد، برای فعالیت‌های آموزشی مانند آموزش قرآن کریم و احکام شرعی و سایر امور مسجد استفاده شود؟ و آیا اقدام به تخریب اتاق‌ها واجب است؟

ج: واجب است که قسمت سرپوشیده مسجد با خراب کردن اتاق‌هایی که در آن ساخته شده است، به حالت قبل برگردد و اگر مخارج احداث اتاق‌ها ناشی از تعدی و تفریط و عمد و تقصیر نباشد، معلوم نیست که کسی ضامن آن باشد و استفاده از قسمت سرپوشیده مسجد برای تشکیل جلسات آموزش قرآن کریم و احکام شرعی و معارف اسلامی و سایر مراسم دینی و مذهبی اگر مزاحمت برای نمازگزاران ایجاد نکند و تحت نظارت امام جماعت مسجد باشد اشکال ندارد و باید امام جماعت و نیروهای بسیجی و سایر مسئولین مسجد با هم همکاری کنند تا حضور نیروهای بسیجی در مسجد استمرار پیدا کند و خللی در انجام وظایف عبادی مانند نماز و

غیر آن هم پیش نیاید.

س ۴۰۳: در طرح توسعه یکی از خیابان‌ها، چند مسجد در مسیر طرح قرار می‌گیرد که باید بعضی از آن‌ها به طور کلی خراب شوند و در بقیه، قسمتی از آن‌ها تخریب گردد تا حرکت وسایط نقلیه به راحتی صورت گیرد. خواهشمند است نظر شریف را بیان فرمایید.
ج: خراب کردن تمام مسجد یا قسمتی از آن جایز نیست، مگر در صورت وجود مصلحتی که اهمیت ندادن و بی‌توجهی به آن ممکن نباشد.

س ۴۰۶: اگر مسجد نیاز به تعمیر داشته باشد، آیا اجازه گرفتن از حاکم شرع یا وکیل او واجب است؟
ج: اگر تعمیر، داوطلبانه و تبرعی (از مال شخصی افراد خیر) باشد، نیازی به اجازه حاکم شرع نیست.

س ۴۰۸: مسجدی حدود بیست سال پیش ساخته شده و به نام مبارک صاحب‌الزمان (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) زینت یافته است، ولی معلوم نیست که این اسم در صیغه وقف مسجد ذکر شده باشد. تغییر اسم مسجد از صاحب‌الزمان (عجل‌الله فرجه الشریف) به مسجد جامع چه حکمی دارد؟
ج: مجرد تغییر اسم مسجد مانعی ندارد.

س ۴۰۹: در مساجدی که از محل نذورات خاص مسجد و تبرعات مؤمنین به برق و سیستم تهویه مجهز شده‌اند، هنگامی که شخصی از اهالی محل فوت می‌کند، برای او مجلس فاتحه در مسجد برگزار می‌شود که در آن از برق و سیستم تهویه مسجد استفاده می‌گردد و برگزار کنندگان مراسم آن هزینه‌ها را نمی‌پردازند. آیا این کار شرعاً جایز است؟
ج: جواز استفاده از امکانات مسجد در اقامه مجالس فواتح برای اموات و امثال آن منوط به کیفیت وقف و نذر آن امکانات برای مسجد است.

س ۴۱۰: در روستایی مسجد نوسازی وجود دارد که در مکان مسجد قبلی بنا شده است. در گوشه‌ای از این مسجد که زمین آن جزء مسجد قبلی است، بر اثر جهل به مسأله، اتاقی برای تهیه چای و مانند آن و کتابخانه‌ای در نیم طبقه قسمتی از شبستان مسجد در داخل شبستان مسجد ساخته شده است. خواهشمندیم نظر خود را در این باره و مسأله تکمیل و کیفیت استفاده از نصف دور داخلی مسجد، بیان فرمایید.

ج: ساختن اتاق مخصوص چای در محل مسجد قبلی صحیح نیست و واجب است آن مکان به حالت مسجد بودن خود برگردد. نیم طبقه داخل شبستان مسجد هم در حکم مسجد است و همه احکام و آثار شرعی آن را دارد، ولی نصب قفسه‌های کتاب و حضور در آن جا برای مطالعه اگر مزاحمتی برای نمازگزاران ایجاد نکند اشکال ندارد.

س ۴۱۱: رأی جناب عالی در مورد مسأله ذیل چیست؟

در یکی از روستاها مسجدی وجود دارد که رو به خرابی است، ولی دلیلی برای خراب کردن آن وجود ندارد، زیرا مانع استمرار جاده نیست. آیا تخریب آن به طور کامل جایز است؟ هم‌چنین این مسجد دارای مقداری ااثیه و اموال است، این‌ها باید به چه کسی داده شوند؟ ج: تخریب و ویران کردن مسجد جایز نیست و به طور کلی خراب کردن مسجد آن را از مسجد بودن خارج نمی‌کند. اثاث و لوازم مسجد اگر مورد استفاده در آن مسجد نباشد، بردن آن به مساجد دیگر برای استفاده از آن‌ها اشکال ندارد.

س ۴۱۳: مکانی وقفی وجود دارد که در آن مسجد، مدرسه علوم دینی و کتابخانه عمومی بنا شده است که همگی آن‌ها الان فعال هستند. این مکان در حال حاضر جزء نقشه مکان‌هایی است که از طرف شهرداری باید خراب شوند. چگونه باید با شهرداری برای تخریب آن و گرفتن امکانات همکاری کرد تا بتوان آن را تبدیل به ساختمان بهتری نمود؟

ج: اگر شهرداری اقدام به تخریب آن و دادن عوض نماید و آن را تحویل دهد، اشکال ندارد، ولی اصل خراب کردن مسجد و مدرسه وقفی فی نفسه جایز نیست، مگر در صورتی که مصلحتِ اهمِ غیر قابل چشم‌پوشی اقتضا کند.

س ۴۱۴: برای توسعه مسجد نیاز به کندن چند درخت از صحن آن است، آیا این عمل با توجه به بزرگ بودن صحن مسجد و وجود درختان زیاد در آن جا جایز است؟
ج: اگر عمل مذکور تغییر و تبدیل وقف شمرده نشود، اشکال ندارد.

س ۴۱۵: زمینی که جزء قسمت سرپوشیده مسجد بوده و بر اثر واقع شدن مسجد در مسیر طرح عمرانی شهرداری، در خیابان افتاده و قسمتی از آن به علت اضطرار تخریب شده، چه حکمی دارد؟
ج: اگر احتمال برگشت آن به حالت اولیه ضعیف باشد، ترتب آثار شرعی مسجد بر آن معلوم نیست.

س ۴۱۷: مدتی است که در یکی از مساجد، نماز جماعت اقامه می‌کنم و اطلاعی از کیفیت وقف مسجد ندارم. با توجه به این که مسجد از جهت هزینه با مشکلاتی روبرو است، آیا اجازه دادن زیرزمین مسجد برای کاری که مناسب با شأن مسجد باشد، جایز است؟
ج: اگر زیرزمین، عنوان مسجد را ندارد و جزء تأسیساتی نیست که مسجد به آن نیاز داشته باشد و وقف آن هم وقف انتفاع نباشد، اشکال ندارد.

س ۴۱۸: هیأت امنای مسجدی که املاکی برای اداره امور خود ندارد، تصمیم گرفته‌اند زیرزمینی را در قسمت سقف‌دار مسجد برای ساختن کارگاه و تأسیسات عمومی برای خدمت به مسجد ایجاد نمایند، آیا این کار جایز است؟
ج: حفر زمین مسجد برای تأسیس کارگاه و مانند آن جایز نیست.

س ۴۲۰: آیا نماز خواندن در مسجدی که توسط کفار ساخته شده، جایز است؟
ج: اشکال ندارد.

س ۴۲۱: اگر کافری داوطلبانه مالی را برای کمک به ساختمان مسجد بدهد و یا کمک دیگری نماید، آیا قبول آن جایز است؟

ج: اشکال ندارد.

س ۴۲۵: حسینیه‌ای در کنار مسجدی قدیمی ساخته شده است، در حال حاضر مسجد قدیم گنجایش نمازگزاران را ندارد، آیا می‌توان حسینیه را در مسجد ادغام کرد و از آن به عنوان مسجد استفاده نمود؟

ج: نماز خواندن در حسینیه اشکال ندارد، ولی اگر حسینیه، به عنوان حسینیه، وقف صحیح شرعی شده، تبدیل آن به مسجد جایز نیست و هم‌چنین ضمیمه کردن آن به مسجد به عنوان مسجد هم جایز نیست.

س ۴۲۶: استفاده از فرش‌ها و اجناس نذر شده برای مرقد یکی از فرزندان ائمه (علیهم‌السلام) در مسجد جامع محله چه حکمی دارد؟

ج: اگر زائد بر نیاز مرقد امامزاده (علیه‌السلام) و زائران آن باشد، اشکال ندارد.

س ۴۲۷: آیا تکایایی که به نام حضرت ابوالفضل (علیه‌السلام) و غیر آن تأسیس می‌شود، حکم مسجد را دارد؟ لطفاً احکام آن را بیان فرمایید.

ج: تکیه‌ها و حسینیه‌ها حکم مسجد را ندارند.

س ۴۵۴: آیا پخش آیات قرآنی قبل از اذان صبح و دعا بعد از آن با صدای بلند به وسیله بلندگوی مسجد و سایر مراکز به طوری که از چند کیلومتر دورتر قابل شنیدن باشد، جایز است؟ با توجه به این که این برنامه گاهی بیشتر از نیم ساعت طول می‌کشد.

ج: پخش اذان به نحو متعارف برای اعلام داخل شدن وقت نماز صبح به وسیله بلندگو اشکال ندارد، ولی پخش آیات قرآنی و دعا و غیر آن از بلندگوی مسجد، اگر موجب اذیت همسایگان شود، توجیه شرعی ندارد و بلکه دارای اشکال است.

س ۵۵۷: آیا جایز است شخصی بدون اجازه امام جماعت راتب مسجد که مورد تأیید مرکز رسیدگی به امور مساجد است، در آن مسجد نماز جماعت اقامه کند؟

ج: اقامه نماز جماعت متوقف بر اجازه امام جماعت راتب مسجد نیست، ولی بهتر است کسی مزاحم امام جماعت راتب مسجد هنگام حضور وی در آن مسجد برای اقامه نماز جماعت نشود و حتی اگر ایجاد مزاحمت برای او موجب برانگیخته شدن فتنه و مانند آن شود، حرام است.

س ۱۵۴۶: شخصی مالک قطعه زمینی بوده که شرکت تعاونی اداره ما مبادرت به تصرف و توزیع آن بین کارمندان اداره نموده است و هم‌چنین از کارمندان هم مبلغی پول گرفته و ادعا می‌کند که آن‌ها را به صاحب زمین داده و رضایت او را جلب کرده است، ولی بعضی از آنان ادعا می‌کنند که به طور مستقیم از مالک شنیده‌اند که راضی نیست، از طرفی در آن زمین، مسجد و خانه‌های مسکونی هم ساخته شده است، با توجه به مطالب مذکور سؤالات زیر را مطرح می‌کنیم:

۱. آیا نسبت به زمین مسجد و استمرار ساخت آن احتیاج به کسب اجازه از صاحب زمین است یا خیر؟

۲. تکلیف کارمندان نسبت به زمین‌هایی که خانه‌های خود را در آن ساخته‌اند چیست؟
ج: اگر ثابت شود که نمایندگان شرکت تعاونی (که مکلف به خرید زمین از مالک بوده‌اند) به طریق صحیح اقدام به معامله کرده و رضایت مالک را تحصیل نموده‌اند، خرید زمین توسط آنان از مالک محکوم به صحت است و هم‌چنین اگر هنگام تقسیم زمین بین کارمندان ادعا کنند که آن را به نحو شرعی از مالک آن گرفته‌اند، تا زمانی که کذب سخن آنان ثابت نشده است، گفته آنان و توزیع زمین توسط آنان حمل بر صحت می‌شود و ترتیب اثر دادن به آن صحیح است و تصرف در آن زمین برای کسانی که از شرکت مذکور گرفته‌اند، اشکال ندارد و هم‌چنین ساخت مسجد در قسمتی از آن زمین با اذن مشتریانی که در آن شریک هستند، اشکال ندارد.

س ۹۳۲: اگر شخصی مالی را که خمس آن داده نشده، به مسجد ببخشد، آیا گرفتن آن مال از او جایز است؟

ج: اگر یقین به وجود خمس در آن مال دارند، گرفتن آن جایز نیست و در صورت دریافت آن، باید نسبت به خمس آن، به ولی امر خمس یا وکیل او مراجعه نمایند.

س ۱۶۴۳: شخصی مغازه‌ای از موقوفات مسجد جامع را به مدت معلومی اجاره کرده است، ولی بعد از انقضاء مدت اجاره، علاوه بر اینکه چند سال است اجاره مغازه را نپرداخته، از تخلیه آن هم خودداری می‌کند و در برابر تخلیه آن چند میلیون مطالبه می‌کند، آیا جایز است این مبلغ از اموال موقوفه مسجد به او پرداخت شود؟

ج: مستأجر بعد از پایان مدت اجاره در عین مستأجره حقی ندارد، بلکه بر او واجب است مغازه را تخلیه نموده و به متولی آن تحویل دهد ولی اگر از نظر قانونی، حقی برای او منظور شده می‌تواند مطالبه کند و پرداخت آن از موقوفات مسجد مانعی ندارد.

س ۱۸۲۸: مبلغی از تبرعات اهالی محل را از هیأت امناء مسجد برای تعمیر مسجد و خرید مواد لازم برای بنایی مانند آهن و غیره، تحویل گرفتیم، ولی در راه همراه با وسایل شخصی ام مفقود شد، وظیفه من چیست؟

ج: اگر در نگهداری آن، کوتاهی و تعدی و تفریط نکرده‌اید، ضامن نیستید.

س ۱۸۳۶: فردی که مالک مقداری زمین زراعتی است، وصیت کرده که آن را برای تعمیر مسجد مصرف کنند، ولی ورثه او آن را فروخته‌اند، آیا وصیت متوفی نافذ است؟ و آیا ورثه حق فروش آن ملک را دارند؟

ج: اگر مضمون وصیت این باشد که خود زمین زراعتی فروخته و در تعمیر مسجد مصرف شود و قیمت زمین هم از ثلث ترکه، بیشتر نباشد، وصیت نافذ است و فروش زمین، اشکال ندارد و اگر مقصود موصی، این بوده که منافع زمین صرف تعمیر مسجد شود، در این صورت، ورثه حق فروش نداشته‌اند.

س ۱۸۴۰: پدرم ثلث زمین خود را برای ساخت مسجد وصیت کرده است، ولی با توجه به

وجود دو مسجد در مجاورت این زمین و نیاز مبرم به ساخت مدرسه، آیا جایز است به جای مسجد، مدرسه در آن بسازیم؟

ج: تبدیل وصیت با ساخت مدرسه به جای مسجد جایز نیست، ولی اگر قصد ایجاد مسجد در همان زمین نبوده، فروش و مصرف پول آن برای ساخت مسجد در مکانی که نیازمند مسجد است مانعی ندارد.

س ۱۸۷۷: یکی از شهدای عزیز وصیت کرده که فرشی را که برای خانه‌اش خریده است به حرم ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) در کربلای معلی هدیه شود و در حال حاضر اگر بخواهیم آن را در خانه نگه داریم تا عمل به وصیت ممکن شود، خوف این را داریم که فرش تلف شود، آیا جایز است برای جلوگیری از ضرر و خسارات، از آن در مسجد یا حسینیه محله استفاده کنیم؟

ج: اگر حفظ فرش تا زمانی که امکان عمل به وصیت را پیدا کنید، متوقف بر استفاده از آن به طور موقت در مسجد یا حسینیه باشد، اشکال ندارد.

س ۲۰۰۳: صاحبان خانه‌ها و زمین‌های مجاور یکی از مساجد، املاک خود را به قصد توسعه آن به طور مجانی به مسجد داده‌اند تا به آن ضمیمه شود و امام جمعه هم بعد از مشورت با علما تصمیم به تنظیم سند مستقلی برای وقف آن‌ها گرفته است و همه کسانی که زمین‌های خود را به مسجد بخشیده‌اند با این کار موافقت کرده‌اند، ولی بانی مسجد قدیمی با آن کار مخالفت می‌کند و خواهان آن است که وقف اراضی جدید در سند وقف قبلی ثبت شود و خود او متولی همه وقف باشد، آیا او حق این کار را دارد؟ و آیا پاسخ مثبت به خواسته او بر ما واجب است؟

ج: اختیار وقف و تنظیم وقف‌نامه و تعیین متولی خاص زمین‌هایی که به تازگی به مسجد ضمیمه شده‌اند با وقف‌کنندگان جدید است و بانی مسجد قدیمی حق مخالفت با آن را ندارد.

س ۲۰۰۹: فردی قطعه زمینی را برای مسجد وقف کرده و تولیت آن را برای فرزندان خود

نسلاً بعد نسل و بعد از انقراض آنان برای امام جماعتی که نمازهای پنج‌گانه را در آن مسجد می‌خواند، قرار داده است. بر همین اساس بعد از انقراض نسل متولی، تولیت آن را عالمی که نمازهای پنج‌گانه را برای مدتی در آن مسجد می‌خوانده برعهده گرفته است ولی او هم سسکته نموده و قادر به اقامه نماز جماعت نیست، در نتیجه شورای ائمه جماعات، عالم دیگری را به عنوان امام جماعت کنونی مسجد تعیین کرده است، آیا با این کار عالم قبلی از تولیت عزل می‌شود یا آن که حق دارد برای اقامه نماز جماعت فردی را به عنوان وکیل یا نایب خود تعیین کند و خودش به عنوان تولیت باقی بماند؟

ج: اگر فرض بر این باشد که تولیت آن عالم به این عنوان است که او امام جماعت مسجد در نمازهای پنج‌گانه است، با عجز او از امامت جماعت در مسجد به علت بیماری یا هر علت دیگر، تولیت از او ساقط می‌شود.

س ۲۰۱۱: بر طبق نظر امام راحل ره که مسجد متولی ندارد، آیا این حکم شامل املاکی که برای مسجد وقف شده‌اند مثل املاکی که برای اقامه مجالس و عظ و ارشاد و تبلیغ احکام در مسجد وقف شده‌اند هم می‌شود؟ و بر فرض شمول، با توجه به اینکه بسیاری از مساجد، املاک موقوفه‌ای دارند که متولی قانونی و شرعی دائمی دارند و اداره اوقاف هم با آنان به عنوان متولی رفتار می‌کند، آیا جایز است متولیان این اوقاف از تولیت آن‌ها دست بردارند و از انجام وظائف خود نسبت به اداره آن‌ها خودداری کنند با آن که در استفتایی از حضرت امام نقل شده که متولی حق اعراض از تولیت وقف را ندارد بلکه واجب است طبق آنچه واقف مقرر کرده عمل کند و در این باره کوتاهی ننماید؟

ج: حکم به این که مسجد، تولیت بردار نیست مختص به خود مسجد است و شامل موقوفه‌هایی که برای مسجد وقف شده‌اند نمی‌شود. در نتیجه به طریق اولی شامل موقوفه‌هایی که برای اموری از قبیل تبلیغ احکام و موعظه و ارشاد و مانند آن در مسجد وقف شده‌اند، نمی‌شود، بنابراین تعیین متولی برای اوقاف خاص و عام، حتی در مثل وقف ملک برای رفع نیازهای مسجد از قبیل لوازم و روشنایی و آب و نظافت مسجد و غیره، بدون اشکال است و متولی منصوب، حق اعراض از تولیت این قبیل اوقاف را ندارد بلکه واجب است مبادرت به اداره امور وقف همان گونه که

واقف در صیغه آن مقرر کرده بنماید هرچند با گرفتن نایب برای این کار باشد و کسی حق ندارد برای او در اداره وقف ایجاد مزاحمت و مشکل کند.

س ۲۰۲۶: اگر مسئولین شرکت نفت و سازمان زمین شهری مقداری از زمین‌های تحت اختیار خود را برای ساخت مساجد و مدارس علمیه اختصاص بدهند و علاوه بر انشاء صیغه وقف، قبض و اقباض هم صورت بگیرد، آیا این زمین‌ها موقوفه محسوب می‌شوند و احکام وقف بر آن‌ها مترتب می‌گردد؟

ج: اگر این زمین‌ها از اموال عمومی دولت باشند و مصرف خاصی برای آن‌ها تعیین شده باشد قابل وقف نیستند ولی اگر از اراضی مواتی باشند که ملک کسی نیستند و در اختیار دولت یا شرکت نفت و یا سازمان زمین شهری باشند، احیاء آن‌ها با اجازه مسئولین مربوطه به عنوان مسجد یا مدرسه و مانند آن اشکال ندارد.

س ۲۰۲۷: آیا شهرداری حق دارد بعضی از املاک خود را در جهت مصالح عمومی وقف نماید؟

ج: این امر تابع حدود اختیارات قانونی شهرداری و خصوصیت ملک است، بنابراین اگر از املاکی باشد که شهرداری از نظر قانونی حق دارد آن‌ها را به مصالح عمومی شهر از قبیل درمانگاه یا بیمارستان یا مسجد و یا امور دیگر اختصاص بدهد، در این صورت اشکال ندارد، ولی اگر از املاکی باشد که مخصوص استفاده برای امور مربوط به شهرداری است، حق ندارد آن‌ها را وقف کند.

س ۲۰۲۸: اهالی منطقه‌ای بعد از ساخت یک مسجد در قطعه زمینی که از سازمان زمین شهری گرفته بودند، در مورد کیفیت وقف آن که عام باشد یا خاص، اختلاف پیدا کردند، عده‌ای از آنان معتقد بودند که باید به عنوان وقف خاص ثبت شود، تعدادی هم اعتقاد داشتند که چون همه اهالی در ساختن آن مشارکت داشته‌اند باید وقف عام باشد، حکم این مسأله چیست؟

ج: مسجد جزء وقفهای عام است و نمی‌توان آن را برای گروه یا طایفه خاصی،

وقف نمود، ولی در نام‌گذاری، نسبت دادن آن به یک مناسبتی به شخص یا اشخاصی اشکال ندارد، ولی شایسته نیست مؤمنینی که در ساخت مسجد مشارکت داشته‌اند، در این رابطه نزاع کنند.

س ۲۰۳۶: عده‌ای از افراد بدون اجازه متولی خاص، اقدام به تخریب کتابخانه واقع بین اتاق مدرسه مسجد جامع و آشپزخانه حسینیه که متصل به مسجد است نموده‌اند و آن را جزء مسجد کرده‌اند، آیا این کار آنان صحیح است؟ و آیا نماز خواندن در آن مکان جایز است؟
ج: اگر ثابت شود که زمین کتابخانه، فقط برای کتابخانه وقف شده است، کسی حق تغییر و تبدیل آن به مسجد را ندارد و نماز خواندن در آن جایز نیست و هر کسی که ساختمان آن را خراب کرده، واجب است آن را به حالت اولیه‌اش برگرداند، ولی اگر وقف آن برای خصوص کتابخانه ثابت نشود، نماز خواندن در آن اشکال ندارد.

س ۲۰۳۷: آیا جایز است مکانی برای مدت موقتی مثلاً ده سال به عنوان مسجد وقف شود و بعد از انقضای این مدت دوباره به ملکیت واقف یا ورثه او برگردد؟
ج: این کار به عنوان وقف موقت صحیح نیست و عنوان مسجدیت هم با آن محقق نمی‌شود، ولی حبس آن مکان برای نمازگزاران به مدت معین اشکال ندارد.

س ۲۰۴۲: فردی مغازه خود را برای ایجاد صندوق قرض‌الحسنه وابسته به مسجد وقف کرده و از دنیا رفته است و چندین سال است که آن مکان بسته مانده و در حال حاضر در معرض خرابی است، آیا استفاده از آن برای کارهای دیگر جایز است؟
ج: اگر وقف مغازه برای ایجاد صندوق قرض‌الحسنه در آن، محقق شده باشد و فعلاً نیازی به ایجاد صندوق قرض‌الحسنه در آن مسجد نباشد، استفاده از آن برای صندوق‌های قرض‌الحسنه‌ای که وابسته به مساجد دیگر باشد، اشکال ندارد و اگر این هم ممکن نباشد استفاده از آن در هر کار خیری جایز است.

س ۲۰۴۴: آیا می‌توان در زمین‌های وقفی مصلی یا حسینیه ساخت؟

ج: زمین‌های وقفی، قابل وقف مجدد به عنوان مسجد یا حسینیه و غیره نیستند و واگذاری آن‌ها به طور مجانی برای ساخت مصلی یا یکی از مؤسسات عمومی مورد نیاز مردم برای هیچ کس جایز نیست، ولی اجاره دادن آن‌ها توسط متولی شرعی برای ساختن مصلی یا مدرسه یا حسینیه در آن‌ها اشکال ندارد و مبلغ اجاره زمین‌های مزبور باید در جهاتی که برای وقف معین شده است، مصرف شود.

س ۲۰۴۹: آیا جایز است همسایگان مسجد از برق آن برای جوشکاری آهن ساختمان‌های خود استفاده کنند و پول مصرف برق و حتی بیشتر از آن را به مسئولین اداره امور مسجد بپردازند؟ و آیا جایز است مسئولین مسجد، اجازه استفاده از برق آن را بدهند؟
ج: استفاده از برق مسجد برای کارهای شخصی جایز نیست و مسئولین مسجد هم جایز نیست چنین اجازه‌ای را بدهند.

س ۲۰۵۲: در نزدیکی یک مسجد خانه‌ای وجود دارد که صاحبش آن را برای سکونت امام جماعت مسجد وقف کرده است، ولی در حال حاضر به علت کثرت عائله و مراجعه کنندگان و دلایل دیگر مناسب سکونت او نیست و خود امام جماعت هم منزلی دارد که در آن زندگی می‌کند و احتیاج به تعمیرات دارد و برای ساخت آن مقداری وام گرفته است، آیا جایز است خانه موقوفه را اجاره دهد و پول اجاره آن را برای پرداخت بدهی‌های خانه‌ای که در آن ساکن است و انجام تعمیرات آن، مصرف نماید؟

ج: اگر خانه به صورت وقف انتفاع، برای سکونت امام جماعت مسجد وقف شده باشد، شرعاً او حق اجاره دادن آن را ندارد هر چند به قصد استفاده از اجاره آن برای پرداخت دیون و تعمیر منزل مسکونی‌اش باشد و اگر آن خانه به خاطر کوچکی، نیاز او را برای سکونت خانواده‌اش و آمدن مهمان و پاسخ‌گویی به مراجعه‌کنندگان برطرف نمی‌کند، می‌تواند از آن در بعضی از ساعات روز یا شب مثلاً برای پاسخ‌گویی به مراجعه‌کنندگان استفاده کند و یا آن که خانه مزبور را به امام جماعت دیگری بدهد تا در آن سکونت کند.

س ۲۰۵۳: ساختمان کاروان‌سراییی که برای استراحت کاروان‌ها اجاره داده می‌شود، وقف است و تولیت آن با امام راتب فعلی مسجدی است که در مقابل آن مکان قرار دارد و به علت این که مسأله به طور دقیق نزد مراجع بیان نشده، ساختمان کاروان‌سرا خراب شده و به جای آن حسینیه‌ای ساخته شده است، آیا منافع این مکان به همان صورت قبل از تغییر باقی می‌ماند؟

ج: تبدیل کاروان‌سراییی که وقف منفعت است به حسینیه که وقف انتفاع است، جایز نیست، بلکه ساختمان کاروان‌سرا باید به همان صورت قبلی خود برگشت داده شود تا به کاروان‌ها و مسافران اجاره داده شود و درآمد اجاره آن در همان جهتی که واقف تعیین کرده به مصرف برسد، ولی اگر متولی شرعی تشخیص دهد که مصلحت کوتاه مدت و دراز مدت وقف اقتضا می‌کند که آن مکان به همین صورت فعلی برای برپایی شعائر دینی اجاره داده شود و اجاره آن در جهت وقف به مصرف برسد، جایز است این کار را انجام دهد.

س ۲۰۵۴: آیا فروش سرقفلی مغازه‌ای که در زمین صحن مسجد ساخته شده جایز است؟ ج: در صورتی که ایجاد مغازه در صحن مسجد، شرعاً، مجاز بوده فروش سرقفلی آن با رعایت مصلحت و نفع وقف، به اذن متولی شرعی مانعی ندارد و در غیر این صورت واجب است ساختمان مغازه خراب شود و زمین آن به همان صورت اول به حیاط مسجد اضافه شود.

س ۲۰۵۷: اگر وقفی بودن زمین محرز باشد ولی جهت وقف معلوم نباشد، ساکنین و زراعت‌کنندگان در آن زمین چه تکلیفی دارند؟

ج: اگر زمین موقوفه، متولی خاص داشته باشد، واجب است تصرف‌کنندگان به او مراجعه کنند و زمین را از او اجاره نمایند و اگر متولی خاصی نداشته باشد، ولایت بر آن با حاکم شرع است و تصرف‌کنندگان باید به وی مراجعه نمایند و اما نسبت به مصرف درآمد وقف که متردد بین احتمالات است، اگر احتمالات متصادق و غیرمتباین باشند مثل سادات و فقرا و علما و اهل فلان شهر، واجب است درآمد

وقف در قدر متیقن آن‌ها مصرف شود، ولی اگر احتمالات، متباین و غیر متصادق باشند، در این صورت اگر محصور در امور معینی باشند، واجب است مصرف وقف با قرعه معین شود و اگر احتمال بین امور غیر محصوره باشد، در صورتی که بین عناوین یا اشخاص غیر محصوره باشد مثل این که بدانیم زمین موقوفه وقف بر ذریه است ولی ندانیم که ذریه کدام شخص از اشخاص غیر محصوره مراد است، در این صورت منافع وقف در حکم مجهول‌المالک است و واجب است به فقرا صدقه داده شود، ولی اگر احتمال بین جهات غیر محصوره باشد مثل اینکه مردد بین وقف برای مسجد یا زیارتگاه یا پل یا کمک به زائران و مانند آن باشد، در این صورت واجب است درآمدهای وقف به شرط عدم خروج از آن احتمالات در امور خیریه مصرف شود.

س ۲۰۶۴: زمینی وجود دارد که مالکش آن را در حضور عالم منطقه و دو نفر شاهد عادل برای ساختن مسجد وقف کرده است و بعد از مدتی اشخاصی بر آن تسلط پیدا کرده و خانه‌های مسکونی در آن بنا نموده‌اند، وظیفه آن اشخاص و متولی چیست؟
ج: اگر بعد از انشاء وقف زمین، قبض عین موقوفه با اذن واقف تحقق پیدا کرده باشد، همه احکام وقف بر آن مترتب می‌شود و ساخت خانه‌های مسکونی توسط دیگران در آن برای خودشان غصب است و بر آنان واجب است ساختمان خود را از بین ببرند و زمین را تخلیه کنند و به متولی شرعی آن تحویل دهند و در غیر این صورت زمین بر ملک مالک شرعی آن باقی و تصرفات دیگران در آن متوقف بر اجازه مالک است.

س ۲۰۸۸: شخصی قطعه‌ای از زمین‌های خود را برای ساخت حسینیه وقف کرده و ساخت حسینیه مذکور در آن‌ها به پایان رسیده است، ولی بعضی از اهالی قسمتی از حسینیه را تبدیل به مسجد کرده‌اند و در حال حاضر در آن به عنوان مسجد، نماز جماعت می‌خوانند، آیا تبدیل حسینیه به مسجد توسط آنان صحیح است؟ و آیا احکام مسجد بر آن قسمت مترتب می‌شود؟

ج: واقف و غیر او حق تبدیل حسینیه‌ای را که به عنوان حسینیه وقف شده به مسجد ندارند و با این کار، تبدیل به مسجد نمی‌شود و احکام و آثار مسجد هم بر آن مترتب نمی‌گردد، ولی برپایی نماز جماعت در آن اشکال ندارد.

س ۲۰۹۴: منبری برای مسجد وقف شده است ولی به علت ارتفاع زیاد عملاً قابل استفاده نیست، آیا تبدیل آن به منبر مناسب دیگری جایز است؟
ج: اگر با شکل خاص فعلی آن در این مسجد و یا مساجد دیگر قابل استفاده نیست، تغییر شکل آن اشکال ندارد.

س ۲۰۹۷: شخصی مقداری آهن و لوازم جوشکاری را برای ساخت مسجد در مکانی هدیه کرده و بعد از پایان کار مقداری از آن‌ها زیاد آمده است و با توجه به این که ساختمان مسجد به علت هزینه‌های دیگر بدهی دارد، آیا فروش آن مقدار اضافی و مصرف پول آن برای پرداخت بدهی‌های مسجد و رفع سایر نیازهای آن جایز است؟

ج: اگر شخص متبرع، آن ابزار و لوازم را برای ساخت مسجد داده باشد و آن‌ها را برای انجام این کار از ملک خود خارج کرده باشد، در این صورت هر کدام که قابل استفاده باشد، هر چند در مساجد دیگر، فروش آن جایز نیست بلکه باید برای تعمیر مساجد دیگر به کار رود، ولی اگر متبرع فقط اجازه استفاده از آن‌ها را در مسجد داده باشد، در این صورت مقدار اضافی مال خود اوست و اختیار آن هم در دست او می‌باشد.

س ۱۹۹۷: این جانب به فضل و توفیق الهی ساختمانی را به نیت مسجد در روستا بنا کردم، ولی با توجه به وجود دو مسجد و عدم وجود مرکز آموزشی در آن جا، روستای مزبور در حال حاضر نیازی به مسجد ندارد. با توجه به این که هنوز صیغه وقف آن به عنوان مسجد جاری نشده و دو رکعت نماز به عنوان نماز در مسجد در آن خوانده نشده است، این جانب آمادگی دارم در صورتی که اشکال شرعی نداشته باشد نیت خود را تغییر داده و آن ساختمان را در اختیار آموزش و پرورش قرار دهم، این مسأله چه حکمی دارد؟

ج: مجرد ساختن ساختمان به نیت مسجد، بدون انشاء صیغه وقف و بدون تحویل آن به نمازگزاران برای خواندن نماز، برای تحقق وقف و تمامیت آن کافی نیست، بلکه در ملک مالک باقی می‌ماند و او حق دارد هر تصرفی که می‌خواهد در آن بکند، در نتیجه تحویل آن ساختمان به اداره آموزش و پرورش اشکال ندارد.

ب) استفتائات احکام حقوقی مسجد از آیت‌الله بهجت رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ

۲۲۸. آیا فروش مصالح اضافه آمده از بنایی مسجد، برای پرداخت قرض همان مسجد جایز است؟
ج. جایز است.

۲۲۹. زمینی برای شخصی بوده که از کشور فرار کرده و رفته است، سپس آن زمین را مسجد کرده‌اند. وظیفه شرعی درباره این مسجد چیست؟
ج. از او باید تحقیق و جستجو کنند که تا ممکن است از او اذن بگیرند و اگر به او دسترسی حاصل نشد و اجازه از او ممکن نشد، حاکم شرع آن زمین را به جماعتی اجاره دهد که آنجا را مصلی کنند که اجاره به نفع مالک است و هر وقت پیدا شد، پول اجاره را به او بدهند.

۱. مرکز تنظیم و نشر آثار آیت‌الله العظمی محمد تقی بهجت، بخش استفتائات، احکام نماز (مسجد و امام جماعت) و وقف، در: www.bahjat.org/index.php/ahkam_esteffahat.html/۳

۲۳۱. شخصی سهم خود از حمای را که ثلث ابقایی اولاد پسر است، بر مسجدی وقف نموده است. آیا این وقف صحیح است؟

ج. فقط می‌تواند حق خود را به مسجد اختصاص دهد و بعد از وفات او حق بطون دیگر به حال خود باقی است و به هر حال وقف آن صحیح نیست.

۲۳۲. قطعه زمینی به مساحت تقریبی پانزده هزار متر مربع (زمین کشاورزی) توسط اهالی منطقه‌ای در سال ۱۳۴۲ وقف مسجد امام حسن (علیه السلام) گردیده است، پس از مدتی مسجد فوق تخریب و از طرفی به علت کمی مساحت زیربنای عرصه مسجد و نامناسب بودن جای مسجد به علت وجود چاه، اقدام به ساختن مسجد دیگری در فاصله کمتر از ۲۰۰ متری به نام همان مسجد امام حسن (علیه السلام) در همان روستا شده و مورد استفاده مؤمنین آن روستا می‌باشد. آیا جایز است از محل درآمد قطعه تخریب شده مسجد امام حسن (علیه السلام) قدیمی، خرج مسجد امام حسن (علیه السلام) جدید و نوساز گردد؟

ج. اگر موضوع مصرف اولی منتفی شده است، باید درآمد مذکور صرف در امور خیر شود که این مسجد هم از جمله امور پر و نیک است و در غیر این صورت در همان مسجد اولی، در صورت ساختمانش مصرف گردد.

۲۳۳. مسجدی است که به شکل دو طبقه ساخته شده یعنی طبقه بالای آن به صورت بالکن و طبقه پایین معمولی می‌باشد. این بالکن به صورت مخروطی درآمده است و هیچ استفاده‌ای از آن نمی‌شود و موجب تاریکی مسجد نیز می‌باشد. آیا اجازه می‌دهید این بالکن را از وسط مسجد برداریم؟

ج. مناسب است طبقه بالا از وجوه بریه و خیریه، با مراجعه به اهلس تعمیر شود و تخریب جایز نیست.

۲۳۴. مسجدی در کنار خیابان واقع شده و درآمد اوقافی هم ندارد و مردم محل برای هزینه‌های آن دچار مضیقه شده‌اند. با توجه به این که حیاط مسجد فضای کافی برای احداث چند باب مغازه را دارد و از نظر فضا هم مشکلی ایجاد نمی‌شود و صیغه وقف هم بر مسجد

جاری نشده است، آیا ساخت مغازه‌ها را اجازه می‌دهید تا درآمد آن صرف هزینه‌های مسجد گردد؟
ج. جایز نیست.

۲۳۵. برای تعمیر مسجد، ایوان قدیمی آن را که ۱/۵ متر از سطح زمین ارتفاع داشت خراب کردیم. آیا اجازه می‌دهید هنگام ساختن، در زیر ایوان جدید در همان ابعاد قدیمی، مغازه‌ای بسازیم که درآمد آن صرف مسجد شود؟
ج. اگر ایوان جزو مسجد است، نمی‌شود مغازه‌ای ساخت.

۲۳۶. شخصی مسجدی را وقف کرده و در وقف‌نامه قید کرده که امام جماعت مسجد مذکور سید باشد. در این صورت امامت غیر سید چه حکمی دارد و تکلیف مأمومین در رابطه با او چیست؟

ج. این شرط صحیح است و در صورت امکان باید سید امامت کند و اگر تحصیل امام جماعت سید ممکن نشد، مسجد بودن محفوظ است و در این صورت غیر سید عادل می‌تواند امامت کند و اگر امام عادل غیر سید در آن جا جماعت بخواند، عمل او حمل بر صحت می‌شود که به ناچار در صورت عدم امکان تحصیل سید امامت کرده است و الله العالم.

۲۳۷. مسجدی ۱۰۰ مترمربع مساحت دارد که در شمال این مسجد قطعه زمینی حدود ۲۰۰ متر طبق مدارک موجود، به عنوان باغچه مسجد وجود دارد که جزو ساختمان مسجد نیست، آیا می‌توان در این قطعه زمین حسینیه‌ای احداث نمود؟

ج. اگر زمین متعلق به مسجد است، نمی‌توانند آن را به حسینیه تبدیل کنند و باید طبق وقف از آن استفاده نمایند. بله، اگر وقف بر جهت خاصه ممکنه نیست، می‌توانند از آن به عنوان سالنی که توسعه مسجد باشد، ولی خصوصیات مسجد بودن را نداشته باشد، بسازند که به حسب ظاهر مانعی ندارد و الله العالم.

۲۳۸. زمینی به مساحت ۸۰۰ متر مربع برای احداث مسجد از طرف دو نفر بهایی به اهالی محله ما اهدا شد و صیغه وقف مسجد جاری و در اداره اوقاف ثبت گردید. ولی به علت نداشتن هزینه راکد مانده است، لکن افراد نام برده فعلاً راضی به تکمیل ساختمان مسجد نیستند. نظر مبارک تان در رابطه با عدم رضایت آن‌ها چیست؟
ج. نام بردگان حقی ندارند و وقف مزبور اشکالی ندارد و الله العالم.

۲۴۱. مسجدی را در زمینی با سهم امام (علیه السلام) و وجوهات دیگری بنا کرده‌اند و سپس مطلع شده‌اند که آن زمین سابقاً وقف حسینیه بوده است، تکلیف شرعی چه می‌باشد؟
ج. باید آن را به همان حسینیه برگردانند و وجوهاتی را که در آن مصرف کرده‌اند، آن چه از آن‌ها که جواز مصرف در حسینیه هم دارد، مانعی ندارد و اگر موردی از آن‌ها باشد که فقط برای صرف در مسجد جواز داشته است، آن مقدار را ضامن‌اند.

۲۴۴. یکی از نهادهای سنگ‌ها و مصالحی را از صاحبان آن‌ها مصادره کرده و با آن‌ها مسجد ساخته است و مالک راضی نیست. اگر آن مصالح در دیوار یا سقف مسجد مصرف شده باشد، نماز خواندن روی زمین آن چه حکمی دارد؟
ج. نماز در آن بلامانع است، زیرا فقط ساختمان آن غصبی است که باید پول آن را به مالک بدهند و بعد آن را وقف کنند.

۲۴۵. آیا زمین موقوفه برای قبرستان یا غیر آن را می‌توان مسجد کرد؟
ج. خیر، زیرا مسجد ملازمه با بقای ابدی در آن جا دارد و این امر با وقف برای غیر، منافات دارد، ولی مصلی قرار دادن آن زمین، به صورتی که ممنوع از دفن نباشد، جایز است.

۲۴۶. آیا جایز است با کمک‌های مالی که از مردم و زکات و غیره گرفته شده، حمام عمومی نیمه تمامی را که اصلاً مورد استفاده قرار نگرفته است، تخریب و صرف در نیازهای مسجد کنند؟

ج. اگر امکان دارد، احتیاطاً از بخشندگان و دهندگان آن وجوه اجازه بگیرند، وگرنه با رضایت اهالی آن محل جایز است.

۲۴۷. مالک زمینی مرده و ورثه او هم مورد شناخت و در دسترس نیستند و مردم، آن زمین را مسجد کرده‌اند. آیا این کار صحیح بوده است؟ تکلیف چیست؟

ج. باید حاکم شرع اجازه دهد ثمن و قیمت زمین را صدقه دهند، هر چند به این که اهل خیر آن را بخرند و پول آن را صدقه دهند تا نماز در آنجا جایز باشد و احتیاط در این است که پس از صدقه قیمت، صیغه وقف را مجدداً بخوانند.

۲۴۸. فروختن فرش مسجد و تبدیل آن به فرش بهتر چه حکمی دارد؟

ج. در صورتی که با عدم تعویض از بین می‌رود، جایز است.

۲۴۹. مصالح اضافی مسجدی را برای مسجد دیگری قرض می‌دهند تا در ضروریات آن مسجد مصرف گردد، آیا جایز است؟

ج. جایز است، نه برای مصرف در تجملات آن.

۲۵۱. مسجدی قدیمی، قابل استفاده و دارای سابقه ۴۰۰ ساله در روستایی وجود دارد. ولی گروهی قصد دارند مسجد دیگری، آن هم در زمین موقوفه بسازند. آیا نماز خواندن در مسجد جدید جایز است؟

ج. در زمین موقوفه مسجد نمی‌شود و اگر متولی موقوفه مصلحت ببیند مصلی می‌شود و مسجد قبلی به مسجد بودن خود باقی است.

۲۵۲. مسجدی دارای حجره‌هایی است که برای مدرسه وقف شده است. چندین سال پیش به عنوان حوزه علمیه از آنجا استفاده می‌شد. چند سال است که حوزه علمیه به جای دیگری منتقل شده است، مسجد و حجره‌ها رو به خرابی هستند و مسجد به کلی تعطیل شده است. اکنون عده‌ای از جوانان متدین و فرهنگی می‌خواهند در آن مسجد فعالیت‌های

فرهنگی کنند. چند ماه است شروع به کار کرده‌اند و در حد توان خودشان قدم‌هایی برداشته‌اند. اکنون ضرورت ایجاد میکند که در آن مسجد پایگاه مقاومتی تشکیل دهند و یکی از حجره‌ها را به این امر مهم اختصاص دهند تا بتوانند از این طریق جوانانی را جذب مسجد و فعالیت‌های دینی کنند. استفاده کردن از این حجره به عنوان مرکز پایگاه مقاومت و مرکز فرهنگی در دو حالت زیر، از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

۱- استفاده کردن از آن بدون اجاره.

۲- استفاده کردن از آن به طریق اجاره و صرف اجرت آن در امور مسجد.

ج. تا ممکن است بر حسب وقف عمل شود.

۲۵۳. اگر مسجدی را در سه طبقه تأسیس و هر طبقه را جهت امری اختصاص دهند، مثلاً زیر زمین را تأسیسات مسجد، طبقه همکف را به زنان و طبقه بالا را به مردان اختصاص دهند، به نظر حضرت عالی چه حکمی دارد؟

ج. اگر زمین آن وقف مسجد است و تمامیت وقف محقق شده است، نمی‌توانند چنین کنند و تمام طبقات به حکم مسجد است و در غیر این صورت، وقف هر طبقه و هر قسمت برای امری مانعی ندارد و یا این که اصلاً وقف شرعی نباشد و به عنوان نمازخانه باشد.

۲۵۵. واقفی زمینی را برای مسجد وقف کرده است، به این شرط که به فلان نام باشد، سازنده مسجد می‌خواهد آن را به نام دیگری بسازد. تکلیف چیست؟

ج. آن مسجد را به نام هر دو بسازند، زیرا قیودی که در ابتدای وقف بوده باید مراعات شود.

۲۵۶. شهرداری قطعه زمینی را برای احداث مسجدی به اهالی محل اهدا نموده، مشروط بر این که در مدت قرارداد مردم نسبت به شروع احداث مسجد اقدام نمایند. کلنگ مسجد توسط امام جمعه زده شد، ولی به علت رسیدن زمستان، به همان صورت باقی مانده است. آیا با این عمل زمین مذکور مسجد محسوب می‌شود و آیا شهرداری می‌تواند لغو قرارداد نماید؟

ج. تا وقتی که نماز نخوانده‌اند، مسجد محسوب نمی‌شود.

۲۵۷. خانه‌ای وقف امام جماعت مسجد بوده و به مرور زمان خراب شده است و آن را برای

توسعه مسجد، داخل مسجد کرده‌اند، حکم شرعی در این خصوص چیست؟

ج. تا ممکن است باید به حالت اولیه‌اش برگردانند و در صورت تعذر، اگر از موارد جواز فروش وقف باشد، آن را بفروشند و مشتری اگر خواست آن را وقف مسجد کند.

۲۵۸. مسجدی را تعمیر و توسعه داده‌ایم، ولی طبق طرح هادی، از طرف شرق و شمال

مسجد ملزم به عقب‌نشینی شدیم. با عنایت به این که هر دو طرف عقب‌نشینی شده، راه عمومی بوده و نیاز مبرم به تعریض و توسعه جهت عبور و مرور مردم و ماشین‌ها دارد، خواهشمند است نظر تان را در رابطه با این عقب‌نشینی بفرمایید.

ج. نمی‌توانند عقب‌نشینی بکنند و تا ممکن است تعمیری نکنند تا مستمسکی برای عقب‌نشینی نشود و اگر خراب کرده‌اید، مقدار عقب‌نشینی را دیوار بکشید و محصور کنید تا عقب‌نشینی مستند به شما نباشد و الله العالم.

۲۵۹. برای توسعه مسجد جامع، خانه‌های اطراف آن را خریداری و به مسجد ملحق کردیم

که یکی از آن‌ها خانه یک بهایی بود و بین مسجد قدیم و یکی از خانه‌ها کوچه‌ای به عرض ۱/۵ متر واقع شده بود که با رضایت اهالی، آن کوچه هم به مسجد ملحق شد. با توجه به این که کوچه‌های اطراف مسجد را گسترش داده‌ایم، به طوری که مشکلی برای رفت‌وآمد مردم وجود ندارد، ولی بعد از ساخت، عده‌ای به دو جهت در مسجد شبهه دارند.

۱- چون بخشی از این مسجد قبلاً خانه بهایی بوده است.

۲- کوچه عمومی به آن ملحق شده است؛ لطفاً حکم شرعی را در این باره بیان فرمایید.

ج. ساختمان فوق مسجد است به استثنای کوچه‌ای که ملحق به مسجد شده که آن مقدار بدون این که از محل عبور بودن خارج شود می‌تواند مصلی باشد و نماز در آن قسمت جایز است و آن چه از بهایی‌الاصل به مسجد ملحق شده مسجد است. بله، اگر او اول مسلمان بوده و بعد بهایی شده است رضایت ورثه مسلمان او جلب شود.

۲۶۰. مسجد قدیمی روستا سابقاً مسجد جامع بوده ولی بعداً دیگر نماز جماعت و مراسم مذهبی در مساجد جدید برگزار می‌شود و آن مسجد رو به تخریب است؛ آیا هم‌چنان مسجد جامع باقی است.

ج. مسجد جامع از جامعیت خارج نمی‌شود.

۲۶۱. در یک طرف مسجد راهی است که دو طرف آن باز و محل عبور و مرور است. عده‌ای میخواهند طرف دیگر این راه را با خود این راه برای توسعه، داخل مسجد کنند، آیا جایز است؟

ج. چون این راه عبور است و تمام عابری در آن حق دارند، جایز نیست آن را مسجد کنند و اگر خواستند آن را مصلی (نمازخانه) کنند، بنابر احوط باید راهی برای عبور - حتی در موقع نماز - بگذارند؛ مانند این که در طبقه بالای آن مصلی بسازند و زیر آن، مسیر عبور و مرور مردم باشد.

۲۶۲. غیر از اصل مسجد، چه قسمت‌هایی از مسجد جزو مسجد است؟

ج. پشت بام و سرداب و محراب بنا بر اظهر جزو مسجد است، مگر این که علم به خروج آن‌ها از مسجد حاصل شود.

۲۶۴. هیأت هفت نفره واگذاری اراضی، زمین این‌جانب را بدون اطلاع و رضایت من به دیگری واگذار کرده و در عوض آن، زمین دیگری را از آنان دریافت داشته و به ساخت مسجد اختصاص داده است. آیا نماز خواندن در آن مسجد صحیح است؟

ج. با احراز رضایت مالک، نماز صحیح است.

۲۶۵. آیا جایز است زمین وقفی را اجاره کنند و مسجد بسازند؟

ج. مسجد نمی‌شود و در مواردی که اجاره دادن جایز است، مصلی (نمازخانه) می‌شود نه مسجد.

۲۶۸. در ادارات و یا بعضی از مکان‌ها مثل پارک، مکانی را به عنوان نمازخانه قرار می‌دهند و بعد از مدتی کسانی که به آن جا رفت‌وآمد می‌کنند به آن، مسجد می‌گویند، با وجود این که ممکن است بعدها آن مکان به چیز دیگری تبدیل شود. آیا آن مکان حکم مسجد را دارد و احکام مسجد درباره آن جاری می‌شود؟
ج. اگر به عنوان مسجدیت وقف نشده باشد، مسجد نیست.

۲۶۹. اطاق‌هایی در حیاط مسجد بدون استفاده مانده و در حال تخریب است. تبدیل آن‌ها به حیاط مسجد چه حکمی دارد؟
ج. اگر ممکن است اطاق‌های مذکور را تجدید بنا نمایند تا در جهت خاصی که در وقف تعیین شده به کار رود و تبدیل به حیاط ننمایند و اگر ممکن نیست، با مراعات آن چه که مناسب‌تر است و صلاحیت بیشتر دارد، مانع ندارد.

۲۷۲. آیا تخریب قسمتی از مسجد یا تمام آن، جهت تعریض خیابان جایز است؟
ج. جایز نیست.

۲۷۳. آیا عقب‌نشینی، هنگام تجدید بنای مسجد، طبق قوانین شهرداری به نحوی که چند متر از مسجد داخل خیابان واقع شود جایز است؟
ج. جایز نیست.

۲۷۴. دو باب حجره برای ضروریات و دفتر مسجد ساخته‌اند، آیا تبدیل آن به پایگاه بسیج و مانند آن، جایز است؟
ج. جایز نیست.

۲۷۵. در محوطه مسجد، دو باب دکان جهت انجام کارهای صندوق قرض‌الحسنه عام‌المنفعه با موافقت هیأت امنای مسجد احداث شده است و بابت آن سالانه مبلغی به مسجد اجاره پرداخت می‌شود. آیا ادامه کار این صندوق در مکان فعلی جایز است؟

ج. اگر محوطه مسجد وقف حیاط مسجد یا مثل آن است، تغییر آن به دکان جایز نیست و باید به حال اول برگردد و چنان چه از اراضی مسجد است که باید عواید آن صرف مسجد شود، ساختن دکان در آن و اجاره آن و صرف عواید در مسجد با نظر متولی شرعی و با نبودن شخص خاص به عنوان متولی، با نظر حاکم شرع، اشکال ندارد.

۲۷۶. درب ورودی مسجدی بین دو مغازه متعلق به مسجد قرار گرفته است، به طوری که از طرف خیابان، ظاهر مسجد را به شکل تجارت‌خانه درآورده است، برداشتن آن دو مغازه چه حکمی دارد؟

ج. از مغازه متعلق به مسجد، باید استفاده مغازه شود و نباید از بین ببرند.

۲۷۷. اگر کسی اندکی از خاک مسجدی را از آن جا خارج کرده باشد و آن خاک مفقود شده باشد، وظیفه او چیست؟

ج. اگر مقدار کمی است که به نظر عقلاً موجب ضمان نیست، در فرض سؤال وظیفه‌ای ندارد.

۲۷۸. فرش‌های مسجدی فرسوده شده و در صورت عدم تعویض از بین می‌رود. آیا جایز است آن‌ها را فروخته و به احسن تبدیل کنیم؟

ج. جایز است.

۲۷۹. مسجدی است قدیمی که دارای فرش و اثاثیه فراوان است و در نزدیکی آن مسجد جدیدی ساخته شده که جمعیت زیادی به آن جا می‌روند و وسایل مسجد قدیم در معرض تلف و احیاناً سرقت است. آیا می‌توان آن وسایل را به مسجد جدید نقل داد؟

ج. اگر در مسجد قدیم قابل استفاده نباشد، انتقال عین آن وسایل یا بدل آن‌ها، اشکال ندارد.

۲۸۱. چیزهایی که به عنوان نذر و یا کمک به مسجد داده می‌شود، مانند پنکه و چراغ و... چنانچه زاید بر احتیاج باشد، آیا متولی می‌تواند وسایل اضافه را بفروشد و به سایر هزینه‌های لازم مسجد برساند؟
ج. جایز است.

۲۹۲. مسجدی جهت توسعه و بازسازی، بابت پرداخت مصالح، مزد کارگر و بنا مدیون است و طلب‌کاران از این بابت ناراضی هستند؛ با توجه به درآمد مسجد از طریق چندین مغازه موقوفه و مراسم مذهبی و خودداری متولی از پرداخت بدهی مسجد، اقامه نماز جماعت و انجام مراسم مذهبی در مسجد فوق چه حکمی خواهد داشت؟
ج. بدهی مسجد ربطی به نماز در آن ندارد و جماعت و نماز در آن صحیح است و لازم است کسانی که متصدی هستند نسبت به بدهی مسجد رسیدگی و اقدام داشته باشند.

۲۹۴. در یکی از مناطق مسکونی، مسجدی با هزینه سازمان آب و برق بنا گردیده است و تمامی بودجه شامل: بنا، سیستم‌های صوتی، امکانات اولیه، فرش، موکت، یخچال، اجاق گاز و... و هم‌چنین مراسم مولودی و سوگواری ائمه علیهم‌السلام و مراسم مربوط به ماه مبارک رمضان از هزینه آن سازمان تأمین می‌گردد. حکم شرعی این‌گونه هزینه‌ها را از بودجه سازمانی اعلام فرمایید تا مشکل مسلمین نمازگزار در این مسجد و مساجد مشابه حل شود.
ج. اگر از محل درآمد حلال و با اذن من له الاذن (صاحب اجازه) بوده است، اشکال ندارد.

۲۹۷. زمینی در کنار مسجد بوده که آن را برای مسجد وقف کرده‌اند، متولی مسجد صلاح دیده آن زمین را جهت رفت‌وآمد به وضوخانه، به کوچه تبدیل کند. همسایه مسجد از امین مسجد تقاضا می‌کند از خانه‌اش دری به این کوچه باز کند. آیا امین می‌تواند اجازه دهد؟ اگر همسایه دری باز کرده باشد، چه حکمی دارد؟
ج. امین مذکور حق این اجازه را ندارد و همسایه هم باید این درب را مسدود کند.

۲۹۸. مسجد جامع دارای یک شبستان قدیمی است که فرسوده و غیر قابل استفاده است و به تشخیص معماران باید تخریب شود و مسجدی هم در کنار مسجد جامع است که می‌خواهیم آن را به این مسجد ملحق کنیم و زمین‌های زیادی نیز اطراف مسجد توسط افراد خیر خریداری شده تا برای توسعه مسجد از آن استفاده گردد. حال سه مسأله مطرح است:

۱- نیاز به وضوخانه (محل وضو نه توالت) داریم که مهندسین، ساخت آن را در زیرزمین مناسب می‌دانند. آیا می‌توان آن را در مسجد قدیمی احداث نمود؟

۲- آیا می‌توان برای توسعه مسجد، شبستان قدیمی و مسجد مخروبه را - که بنایی ندارد - جزو صحن قرار داد؟ با توجه به این که قصد داریم روی صحن هم سقفی بنا کنیم، تا در زمستان هم برای نمازگزاران قابل استفاده باشد.

۳- آیا می‌توان وضوخانه را در زمین‌های خریداری شده احداث کرد. مخصوصاً آن که هنوز به مسجدیت در نیامده است؟

ج. وضوخانه را باید در آن قسمتی که سابقاً مسجد نبوده ساخت و نیازمندی‌های ذکر شده پیش از صیغه وقفیت جایز است و مسجد هم نباید حیاط مسجد شود.

۲۹۹. زمین مسجدی وقف بر امامزاده‌ای است که در جنب آن قرار دارد، آیا مسجد باید اجاره بپردازد؟

ج. در زمین وقفی نمی‌شود مسجد بنا کرد و اگر به صورت مصلی باشد، مانعی ندارد.

۳۱۸. آیا هیأت امناء می‌توانند در ازای برگزاری مجالس ترحیم در مسجد، مبلغی از صاحبان عزا دریافت و خرج آب و برق مسجد نمایند؟

ج. اگر با اجازه متولی باشد، مانعی ندارد.

۳۲۰. تعریف مسجد جامع چیست؟

ج. مسجدی است که در اوقات نماز معمولاً غالب اهالی شهر به آن جا می‌آیند، هر

چند که از آن محل هم نباشند.

۳۳۰. طبق مقررات، اماکن عمومی - مانند مسجد - نیز باید پول مربوط به آب و برق را بپردازند و چون مساجدی که موقوفه ندارند، معمولاً با مشکل پرداخت قبض آب و برق و گاز مواجه هستند، حکم کسانی که از آب و برق و گاز مسجد، جهت نماز و عبادت استفاده می‌کنند چیست؟ و آیا هر یک از آن‌ها باید به میزان مصرف خود به مسجد کمک کنند؟
ج. اگر فردی نباشد که تبرعاً چنین هزینه‌هایی را پرداخت کند، استفاده‌کنندگان از این مکان باید بدهند.

۳۳۲. آیا استفاده همسایگان مسجد از آب و برق مسجد و یا استفاده نمازگزاران از برق مسجد جهت ضبط، شارژ موبایل، شارژ دوربین فیلم‌برداری و عکاسی و یا نمایش فیلم جهت امور فرهنگی جایز است؟
ج. هر چه برخلاف جهت مقصوده در متعلقات وقف است، جایز نیست.

۳۳۵. در بسیاری از شهرها سازمان میراث فرهنگی، مساجد قدیمی و تاریخی آن شهر را به عنوان آثار میراث فرهنگی معرفی و برخی از محراب‌ها و یا قسمت‌های تاریخی آن را محصور و در معرض نمایش قرار داده است، با توجه به این مطلب؛
۱- آیا عمل سازمان مزبور جهت حفظ آثار تاریخی مساجد که منجر به محصور کردن برخی از قسمت‌های مسجد می‌شود، جایز است؟
ج. راه حفظ کردن این بناها، منحصر در محصور کردن نیست.

۲- آیا سازمان مزبور اجازه دارد که برای دیدن جهان‌گردان و دیدارکنندگان وجهی دریافت نماید؟
ج. با صلاح‌دید متولی شرعی، در محدوده‌ای که مزاحمت با جهت وقف ندارد، مانعی نیست.

۳- در بین دیدارکنندگان از چنین مساجدی جهانگردان خارجی، کفار و اهل کتاب وجود دارند، آیا اجازه ورود به آنان در مسجد به جهت آشنا شدن با فرهنگ ایرانی و اسلامی جایز است؟
ج. جایز نیست.

۴- در برخی از این مساجد حجره‌هایی جهت تحصیل طلاب علوم دینی قرار داشته که به دنبال تصرف سازمان میراث فرهنگی فعلاً به صورت متروکه درآمده است، آیا عمل مزبور جایز است؟
ج. ممانعت از استفاده از موقوفه در جهت وقف جایز نیست.

۳۳۶. مسجدی که دارای آشپزخانه وسیع و مجهز است - که قابلیت استفاده فراوانی دارد - آیا پخت و پخش غذا در آن، جهت مراسم عزاداری حسینیّه و یا مجالس خانگی چه حکمی دارد؟ و آیا پختن غذا و دریافت اجرت و اجاره و هزینه کردن در آمد آن، جهت مصارف مسجد، جایز است؟
ج. با اجازه متولی مسجد جایز است.

۳۳۷. لطفاً حدود اختیارات هیأت امناء، واقف، متولی و امام جماعت مسجد را مشخص فرمایید تا از تداخل امور و اختلاف در مسایل جلوگیری شود.
ج. تصرفات مشروعه در مسجد باید فقط تحت نظر متولی شرعی مسجد باشد.

۳۴۲. گاه عبارت دعا یا آیه‌ای در کتب وقفی مسجد یا کتابخانه، اشتباه تایپ شده است، آیا تصحیح چنین عبارت‌هایی تصرف غیر جایز در وقف محسوب نمی‌شود؟
ج. با اجازه متولی جایز است.

۳۴۵. آیا ساخت مسجد و حسینیّه بیش از حد نیاز در یک شهر، روستا یا محله اسراف محسوب می‌شود؟

ج. موارد آن مختلف است.

۳۴۶. بسیاری از امور فرهنگی و آموزشی از قبیل تشکیل کلاس‌های آموزشی، هنری و تفریحی تابستانی جهت جوانان و نوجوانان، نمایش فیلم، اجرای مسابقه، تئاتر و... در گذشته رایج نبوده و لذا قطعاً در وقف‌نامه‌ها لحاظ نگردیده است، حال با توجه به ضرورت اجرای چنین برنامه‌های فرهنگی و عدم امکان اجرای آن در مکانی غیر از مسجد، آیا حضرت عالی انجام چنین فعالیت‌ها و برنامه‌هایی را در مساجد جایز می‌دانید؟

ج. باید از کارهایی که با احترام مسجد منافات دارد و یا مزاحم نمازگزاران است، کلاً اجتناب شود.

۳۴۷. بازی کردن و یا ورزش کردن در مساجد- مثل نرمش، تنیس و یا ورزش‌های رزمی و یا نمایش فیلم به صورت زنده و یا ویدیویی - چه حکمی دارد؟

ج. غرض اصلی از مسجد عبادت و اقامه نماز است و استفاده از وقف، در غیر جهت وقف جایز نیست و باید در مسجد، از کارهایی که با احترام آن منافات دارد و یا مزاحم نمازگزاران است، اجتناب شود.

۳۴۹. قرض دادن پولی که متعلق به مسجد است، چه حکمی دارد؟

ج. جایز نیست.

ج) استفتائات احکام حقوقی مسجد از آیت‌الله سیستانی^۱

۱- اگر مسجد ۲ طبقه باشد ولی زمان خواندن صیغه مسجد یک طبقه بود و طبقه ۲ بعداً اضافه شده آیا طبقه ۲ هم حکم مسجد را دارد (برای خانم‌ها)؟
جواب: بله مسجد شمرده می‌شود.

۲- آیا می‌توان در یکی از طبقات یک برج مسکونی چندین طبقه، یک باب مسجد نیز ایجاد نمود؟ در این صورت حکم طبقات بالا و پایین آن محل چیست؟
جواب: مانعی ندارد و فقط همان طبقه مسجد می‌شود.

۳- قرار است که فرش‌های مسجد را تعویض کنیم و فرش جدید برای مسجد بگیریم. آیا می‌توانیم فرش‌هایی که الان در مسجد وجود دارند را فروخته و پول آن را صرف خرید فرش‌های جدید کنیم؟ و یا می‌توانیم که فرش‌ها را به مسجدی دیگر فروخته و از پول آن

۱. سایت رسمی دفتر آیت‌الله سیدعلی حسینی سیستانی، بخش پرسش و پاسخ، احکام مسجد و وقف، در: www.sistani.org/persian/qa

برای خرید فرش‌های جدید استفاده کنیم؟

جواب: اگر فرش کهنه با پول خود مسجد خریداری شده می‌توانید بفروشید ولی اگر وقف باشد فروش جایز نیست پس اگر در خود مسجد قابل هر نوع استفاده باشد باید در مسجد بماند در غیر این صورت باید به سایر مساجد داده شود.

د) استفتائات احکام حقوقی مسجد از آیت‌الله مظاهری^۱

۱- مسجدی هنگام تجدید بنا، طبق قوانین شهرداری مجبور به عقب‌نشینی است. آیا عقب‌نشینی از ساختمان مسجد به نحوی که چند متر از مسجد داخل خیابان واقع شود، جایز است؟
جواب: اگر مجبورند جایز است.

۲- مسجد و حسینیه‌ای کنار هم قرار داشته و با تجدید بنای مسجد یک سالن حسینیه داخل مسجد قرار گرفته است. آیا این عمل شرعاً جایز است؟
جواب: جایز نیست.

۳- فرش‌های مسجدی که وقف مسجد بوده فرسوده شده و در صورت عدم تعویض از بین می‌رود، آیا جایز است آن‌ها را فروخته یا تبدیل به احسن کنیم؟

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله العظمی حسین مظاهری، بخش استفتائات، در: www.almazaheri.com/farsi/Index.aspx?TabId=۹۰۱

جواب: با اجازه حاکم شرع جایز است.

۴- آیا تخریب مسجد جهت ایجاد فضای سبز، به خاطر نبود فضای سبز و نبودن محل دیگری برای ایجاد فضای سبز، جایز است؟
جواب: جایز نیست.

۵- زمینی را که متصل به مسجد است برای ساختمان مسجد واگذار کرده‌اند و شخصی برای اینکه واگذارکنندگان پشیمان نشوند دو رکعت نماز در آن خوانده است. آیا این زمین جزء مسجد شده است یا خیر؟
جواب: اگر با رضایت مالک باشد مسجد می‌شود.

هـ) استفتائات احکام حقوقی مسجد از آیت‌الله مکارم شیرازی^۱

« اول) احکام وقف مسجد

۱ - خانه‌ای توسط شخص خیری در زمینی که ملک مسجد است احداث شده است. خانه مذکور وقف شرعی گردیده مقیداً به این که امام جماعت همان مسجد در آن سکونت نماید. آیا شارع مقدس اسلام اجازه می‌دهد دیگری در آن خانه سکنی گزیند و در صورت عدم سکونت امام راتب مسجد آیا شرعاً اجازه دادن آن جایز است؟
ج: تا ممکن است باید امام مسجد از آن استفاده کند و اگر ممکن نشد، اجازه دهند و مال الاجاره آن برای امام مسجد استفاده شود و اگر امام مسجد نیاز ندارد در سایر حوایج مسجد مصرف گردد.

۲- در صورتی که زیرزمین مسجدی را تبدیل به درمانگاه کنند، مراجعه بیمارانی که

۱ . پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی، بخش استفتائات، احکام نماز (مسجد و امام جماعت و وقف، در: <http://makarem.ir/Question/ViewQuestion.aspx?lid=0>)

عذر شرعی دارند (مانند زنانی که خون نفاس می‌بینند) یا بیماران غیر مسلمان به چنان در مانگاهی چه حکمی دارد؟

ج: اولاً در صورتی می‌توان زیر زمین مسجد را تبدیل به در مانگاه کرد که هیچ‌گونه مزاحمتی برای نماز گزاران نداشته باشد و مردم نخواهند از آنجا برای نماز خواندن استفاده کنند.

ثانیاً زنان معذور نمی‌توانند به آن جا مراجعه کنند و غیر مسلمانان اگر سبب آلوده شدن آن جا نشوند مانعی ندارد و این در صورتی است که در مانگاه بعداً ایجاد شده باشد. اما اگر از اول آن جا وقف بر در مانگاه شده است مشکلی ندارد.

۳- اشیایی که به مسجد داده می‌شود ممکن است گاهی با عنوان وقف و گاهی با عنوان تملیک باشد، آیا احکام شرعی این دو عنوان مختلف است؟

ج: آری مختلف است. آن جا که تملیک است کار آسان‌تر می‌باشد و طبق مصالح مسجد می‌توان آن را عوض کرد، ولی وقف تا در آستانه سقوط از انتفاع قرار نگیرد، تبدیل آن جایز نیست.

۴- اگر زمینی برای مسجد وقف شده باشد، آیا جایز است طبقه اول آن را حسینیه و طبقه دوم را مسجد بنا کنند؟

ج: هر دو طبقه حکم مسجد را پیدا می‌کند؛ ولی عزاداری در آن اشکال ندارد؛ به شرط آن که مزاحم نماز نباشد.

۵- استفاده از اموال حسینیه یا مسجد چه حکمی دارد؟

ج: در غیر احتیاجات همان مسجد یا حسینیه جایز نیست مگر این که واقف آن‌ها تصریح به عمومیت استفاده از آن‌ها کرده باشد.

۶- قطعه زمینی که در کنار مسجد است را وقف مسجد نموده‌اند، الان می‌خواهیم از گوشه آن کتابخانه‌ای درست کنیم، آیا این کار جایز است؟ و در فرض جواز، بانوانی که عذر شرعی

دارند می‌توانند در آنجا رفت و آمد کنند؟ و در ضمن آیا می‌توان از یک اتاق از کتابخانه یاد شده موقتاً برای پایگاه بسیج استفاده کرد؟

ج: احداث کتابخانه مسجد در آن قسمت، اگر مزاحم نمازگزاران نباشد و هر زمان مورد نیاز قرار گیرد در اختیار مسجد قرار دهند، مانعی ندارد؛ ولی بانوانی که عذر شرعی دارند نمی‌توانند در آنجا رفت و آمد کنند و برای پایگاه نیز با شرایط فوق می‌توان استفاده کرد.

۷- آموزش و پرورش مقداری از زمین مسجد را که در کنار زمین متعلق به خودش بوده سهواً یا عمداً تصرف کرده و ساخته است. حال اگر قرار بر تخریب باشد کل ساختمان آموزش و پرورش ویران می‌گردد یا ضرر فراوانی به مدرسه وارد می‌شود. اداره اوقاف و متولی، حاضرند آن مقدار زمین را به اجاره آموزش و پرورش در آورده و سند اجاره تنظیم نمایند. آیا این امر مشروع است؟

ج: چنانچه این کار عمدی نبوده باید سند اجاره تنظیم کنند و وجه آن را صرف تعمیرات مسجد نمایند.

۸- محلی، طبق اسناد معتبر و مسلم، وقف مسجدی شده است. از طرفی قسمت اعظم آثار مسجد در اثر مرور زمان از بین رفته ولی قسمتی از آثار از جمله محراب آن هنوز باقی است. با توجه به وقف بودن محل برای مسجد، متولی موقوفه قصد احداث مسجد در محل مسجد مخروبه سابق را دارد، ولی احداث مسجد و عمل به نیت واقف با بعضی از مقررات میراث فرهنگی تعارض دارد، در صورت تعارض نیت واقف با مقررات میراث فرهنگی، عمل به کدام یک مقدم است؟ تکلیف شرعی متولی موقوفه چیست؟

ج: تا ممکن است باید با کمک گرفتن از اهل خبره و اطلاع، جمع میان بنای مسجد و حفظ آثار فرهنگی شود و اگر ممکن نشد، اولویت با مسجد است.

۹- وجوهی جهت خرید وسایل صوتی و مانند آن، برای مسجد جمع‌آوری شده است. بعد از خرید وسایل مذکور، عده‌ای می‌گویند: «قصد ما این بوده که این وسایل منحصر به مسجد

نباشد، بلکه از آن وسایل در اعیاد مذهبی و عزاداری در خارج مسجد نیز استفاده کنند»
و عده‌ای می‌گویند: «ما پول را فقط جهت خرید وسایل صوتی به عنوان وقف برای مسجد
داده‌ایم». حال کدام جهت مقدم است؟

ج: با توجه به این که گروهی نظرشان وقف خاص بوده، باید طبق وقف خاص با
آن رفتار کرد.

۱۰- اگر زمینی وقف مسجد شده باشد، آیا زیرزمین و طبقات فوقانی نیز حکم مسجد را
دارد؟ احداث کتابخانه در آن چه حکمی دارد؟

ج: آری حکم مسجد را دارد؛ ولی مانعی ندارد در آن کتابخانه احداث کنند؛ مشروط
بر این که مزاحم نمازگزاران نباشد.

۱۱- شخصی خانه‌اش را وقف مسجد نموده، مشروط بر این که خودش تا آخر عمر در آن
ساکن باشد و اگر فرزندی از او به وجود آمد، او هم در همین خانه ساکن باشد و معلوم نیست
چه زمانی این خانه به تصرف مسجد در خواهد آمد. با توجه به این مطلب بفرمایید:

۱- آیا این وقف صحیح است؟

۲- آیا می‌توان از اموال آن مسجد خرج این خانه کرد؟

۳- آیا بعد از فوت واقف این خانه متعلق به مسجد خواهد بود، یا مربوط به ورثه می‌باشد؟

ج: ۱- آری این وقف صحیح است و باید مطابق آن عمل کرد.

۲- هنگامی که خانه در اختیار مسجد قرار گرفت، می‌توان از درآمد مسجد خرج
آن کرد.

۳- بعد از فوت واقف و فرزندش، خانه برای همیشه متعلق به مسجد می‌شود.

۱۲- چیزهایی که قبلاً به مسجد داده شده به فرض این که احکام وقف و تملیک فرق کند
اگر ندانیم که وقف مسجد شده یا تملیک، حکم کدام یک بر آن بار می‌شود؟

ج: احتیاط واجب این است که با آن معامله وقف کنیم.

۱۳- چند نفر خیر در سال ۱۳۴۹ هجری شمسی زمینی را با سند مالکیت و ادعای مالک مبنی بر عدم وقف بودن، جهت احداث مسجد خریداری نموده‌اند که امروز به صورت مسجد حضرت ابوالفضل (علیه السلام) ساخته و مورد استفاده قرار گرفته است، ولی در بین مردم معروف است که زمین این مسجد وقف می‌باشد، با توجه به مسایل شرعی وقف، هیأت امنای مسجد اقدام به تحقیق این مسأله نمودند، نتیجه تحقیق بدین صورت به اطلاع آن مقام معظم می‌رسد: به طور مسلم زمین مسجد دارای واقفی به نام حاج محمدعلی می‌باشد ولی نوع وقف مشخص نیست بنا به اظهار عده‌ای وقف حاج محمدعلی، وقف اولاد می‌باشد و عده‌ای در نوع این وقف تردید دارند و احتمال می‌رود وقف شاه نجف باشد (لکن به احتمال قوی وقف حاج محمدعلی وقف اولاد می‌باشد) خواهشمند است تکلیف اهالی محل را نسبت به ادامه فعالیت‌های مذهبی در مسجد مذکور بیان فرمایید.

ج: اگر تحقیق کرده‌اید و مصرف وقف روشن نشده، باید مال الاجاره مناسبی برای آن زمین در نظر بگیرید، نصف آن را در مصارف مربوط به مجالس مولا امیرالمومنین علی (علیه السلام) و نصف دیگر را به موقوف علیهم برسانید مگر این که آن‌ها رضایت دهند که به خاطر مسجد از مال الاجاره صرف نظر کنند و صغیری هم در میان آن‌ها نباشد.

۱۴- حدود اختیارات امام جماعت، هیأت امناء، متولی و واقف مسجد را مشخص فرمایید، تا در کارهای یکدیگر تداخل نکنند و از بروز اختلاف جلوگیری شود.

ج: مسجد تعلق به همه مسلمانان دارد و کسی نمی‌تواند محدودیتی در آن قایل شود و اگر حفظ مسجد و نگهداری اموال و نظم برنامه‌های آن احتیاج به مدیرانی دارد، هیأتی از طرف حاکم شرع برای این کار تعیین می‌شود.

۱۵- چندی قبل زنی ۷ متر زمین ارثی به او رسید و وی آن زمین را وقف دستشویی مسجدی کرد (و بقیه وراثت هم همین طور) و مسجد در آن زمین تصرف کرد (گودبرداری آن زمین را انجام داد) ولی همسایه‌های مسجد با احداث این ساختمان مخالفت کردند و مسجد هم دستشویی‌ها را در مکانی دیگر احداث نمود و وراثت آن قطعه زمین قصد فروش آن را دارند،

حال تکلیف چیست؟ در ضمن از لحاظ قانونی وراثت حق فروش زمین را دارند و در صورتی که مابقی وراثت زمین را بفروشند آن ۷ متر زمین قابل استفاده نیست، آیا می‌توان آن ۷ متر را فروخت و پول آن را خرج مسجد کرد؟ (در ضمن مابقی وراثت هیچ‌گونه التزام شرعی هم ندارند).

ج: در صورتیکه آن زمین وقف شده باید در همان راه مصرف شود و اگر همسایگان موافقت نکنند باید آن را بفروشند و در محل دیگری برای مسجد دستشویی تهیه کنند و اگر قبلاً تأمین شده خرج سایر امور مسجد می‌کنند.

۱۶- منزلی که با مسجد مقداری فاصله دارد وقف مسجد شده است و آن را تبدیل به آشپزخانه مسجد کرده‌اند و مدتی نیز مورد بهره‌برداری قرار گرفته است ولی اکنون زمینی که در جنب مسجد است، وقف آن مسجد شده و قرار است آشپزخانه مسجد شود. آیا جایز است آشپزخانه سابق را بفروشند و پول آن را صرف آشپزخانه جدید کنند؟

ج: اگر وقف مسجد شده، فروختن آن جایز نیست؛ بلکه می‌توانند اجاره دهند و درآمد آن را صرف آشپزخانه جدید کنند و اگر ملک مسجد است، می‌شود آن را فروخت و صرف آشپزخانه جدید کرد.

۱۷- گاهی، فرش یا اشیای دیگری وقف مسجد شده و از همان زمان وقف یا بعد از آن به مرحله‌ای رسیده که طبق نظر عرف یا متخصصین فن، استفاده از آن جایز نیست و بایستی فروخته شود و الا به مرور زمان از ارزش آن کاسته خواهد شد، در مورد این‌گونه فرش‌ها یا اشیای دیگر آیا جایز است فروخته شود و به جای آن فرش‌ها یا اشیای دیگری جهت مسجد خریداری کرد؟

ج: اگر فعلاً قابل استفاده نیست یا موجب از بین رفتن آن‌ها می‌شود، می‌توان آن را تبدیل به مشابه کرد.

۱۸- شخصی در سال ۱۳۶۲ زمینی را به شکل زیر وقف کرده است: «اگر این زمین را ساختند، به عنوان مسجد باشد و اگر آن را نساختند، هم‌چنان متعلق به خودم باشد». آیا

وقف به این شکل صحیح است؟ در هر صورت، آیا می‌توان زمین مذکور را فروخت و در جای دیگر زمینی برای مسجد خرید؟

ج: این گونه وقف اشکال دارد و می‌تواند از آن صرف نظر کند، ولی چنانچه موافقت کند از آن به نحوی برای مسجد در آنجا یا جای دیگر استفاده شود بهتر است.

۱۹- مسجدی است به نام مسجد قلعه با قدمت زیاد که در اثر مرور زمان و ازدیاد نسل‌های قدیم و جدید، در ایام سال، مخصوصاً ماه مبارک رمضان، کشش و ظرفیت نمازگزاران را ندارد؛

در جوار این مسجد خانه‌ای قدیمی بوده که مالک آن، آن را به مسجد اهداء نموده و مسجد مذکور توسعه پیدا کرده است، لازم به ذکر است در این مسجد اکثراً مجالس روضه‌خوانی و ذکر مصائب اهل بیت علیهم‌السلام خصوصاً در ایام محرم و صفر برپا می‌شود و هیأتی بنام هیأت چهارده معصوم علیهم‌السلام وابسته به مسجد در ایام محرم و صفر برنامه دارند؛ در قسمت غربی مسجد چهار صفت و غرفه وجود دارد، آیا جایز است آن صفت و غرفه‌ها را به صورت مجزی به نام هیأت چهارده معصوم وقف و صیغه جاری کرد؟

ج: صفت‌ها و غرفه‌های مسجد متعلق به خود مسجد است و نمی‌توان آن را وقف مجدد کرد.

« دوم) احکام وقف حسینیه

۱- یک باب مسجد قدیمی واقع در گوشه روستاست که حریم آن مقداری زمین بایر و بدون استفاده می‌باشد. حدود ۳۰ سال قبل چند جنازه کودک در آن دفن گردیده و هیچ‌گونه مدرکی مبنی بر وقف بودن آن وجود ندارد، لذا هیأت محبان چهارده معصوم علیهم‌السلام با رضایت اهالی محل تصمیم گرفتند که دور این زمین را حصارکشی نموده حسینیه‌ای در آنجا احداث کنند و آن مسجد قدیمی که در حال تخریب است را بازسازی و توسعه دهند آیا از نظر

شرعی این کار جایز است؟

ج: اگر دلیلی بر وقف بودن آن زمین در دست نیست و بنای حسینیه موجب نبش قبر نمی‌شود مانعی ندارد.

۲- در زمینی که وقف عزاداری سیدالشهدا (علیه السلام) شده است می‌توان مسجدی احداث کرد؟

ج: اگر ممکن است از متولی و در صورت نبودن متولی، از حاکم شرع زمین را برای ساختن مسجد اجاره کنند و عده‌ای از معتمدین محل پای این سند را امضا نمایند که فراموش نشود و هر ساله مال‌الاجاره آن را صرف مجالس عزاداری سیدالشهداء (علیه‌السلام) بنمایند و مدت اجاره نیز مشخص و محدود باشد که بعد از پایان مدت، مجدداً اجاره کنند.

۳- چرا برنامه‌های مسجد را در حسینیه و برنامه‌های حسینیه را در مسجد نمی‌توان انجام داد؟ چون در صورت جواز می‌توانیم یکی از این دو را داشته باشیم تا از اسراف از نظر زمین و مخارج ساختن جلوگیری شود.

ج: مسجد محدودیتی برای زنان و گاه برای مردان دارد و در حسینیه آزادی بیشتری وجود دارد، البته ثواب نماز در مسجد نسبت به حسینیه بسیار تفاوت دارد و همین امر سبب تأسیس دو بنا شده است.

« سوم) مسایل متفرقه اجاره

- دو نفر از مؤمنین که کارهای روزمره و متداول مسجد و امامزاده اسماعیل جهرم را سروسامان می‌دهند با پول خود اقدام به ساختن دو باب مغازه در گوشه‌ای از قبرستان متروکه امامزاده کرده‌اند، آن گاه آن دو مغازه را به عنوان اجاره به مدت بیست سال در اختیار هیأت مدیره شرکت تعاونی محل قرار داده‌اند و مال‌الاجاره آن را برای مصارف مسجد و امامزاده در نظر گرفته‌اند اکنون با توجه به این که مسجد و امامزاده متولی شرعی ندارد و

وقفنامه‌ای هم موجود نیست به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

الف) آیا ساختن مغازه و به خصوص اجاره آن نیاز به اذن فقیه جامع الشرایط داشته است؟

ب) آیا اجاره انجام گرفته شرعاً معتبر است؟

ج) در صورت بطلان اجاره آیا تخلیه آن مغازه توسط متصدیان شرکت تعاونی و واگذاری آن

به هیأت امنای مسجد جهت استفاده کارهای لازم از قبیل انبار، دفتر واجب است؟

د) آیا برای تخلیه آن‌ها، متصدیان شرکت تعاونی حق دریافت وجوهی اعم از مقدار پرداخت

شده و یا اضافه بر آن و یا مبالغی که جهت گرفتن امتیاز آب و برق و یا تعمیر مصرف کرده‌اند

را دارند؟

ج: الف) البته نیاز به اذن دارد و چنانچه زمین مزبور متروکه بوده، آن ساختمان را

فعالاً اجاره می‌دهیم و اجاره دادن در صورتی مجاز است که ساختمان مزبور مورد

احتیاج برای کارهای مسجد و امامزاده نباشد و مال الاجاره برای امامزاده و مسجد

مصرف شود.

ب) اگر اجاره عادلانه باشد و محل مزبور مورد نیاز مسجد و امامزاده نباشد صحیح

است.

ج) از جواب بالا معلوم شد.

د) آن‌ها فقط می‌توانند هزینه‌هایی را که در آنجا داشته‌اند بگیرند نه بیشتر.

« چهارم) احکام متفرقه مسجد

۱- آیا می‌شود از طبقه زیر ساختمان مسجد جهت استفاده‌های مطلوب برای مسجد مثل

ساختن موتورخانه شوفاژ استفاده کرد؟

ج: اشکال ندارد.

۲- در حیدرآباد کرج زمینی وقف مسجد گردیده و مردم به نیت ساختن مسجد کمک

کرده‌اند چندین سال در زیرزمین این مسجد نماز برگزار می‌گردید اکنون که طبقه همکف

ساخته شده است از زیرزمین برای نگهداری وسایل مسجد استفاده می‌شود و در ایام محرم و صفر به عزاداران ابا عبدالله (علیه السلام) غذا داده می‌شود و افراد معذور وارد آن نمی‌گردند آیا می‌توان از این زیرزمین برای مکان ورزشی جوانان و نوجوانان استفاده و عواید حاصل را صرف بنای همان مسجد کرد؟

ج: جایز نیست بلکه باید برای مسجد و کارهای مناسب مسجد استفاده شود.

۳- آوردن میز تنیس به فضای مسجد از قبیل زیرزمین، حیاط و... جهت انجام فعالیت‌های سالم فرهنگی ورزشی در کنار آموزش تعالیم دینی (آموزش قرآن، احکام و عقاید) چه حکمی دارد؟

ج: استفاده از وسایل فوق در شبستان یا فضای مسجد مجاز نیست ولی اگر سالن‌هایی برای کتابخانه یا فعالیت‌های فرهنگی در مسجد ساخته شده، از فضای آن می‌توان برای این کار استفاده کرد.

۴- اگر واقف یا تملیک کننده از یک مرجع و مجریان کارهای مسجد (هیأت امناء)، هر کدام از مرجع دیگری تقلید می‌کنند چنانچه این دو مرجع در مسایل فوق با هم اختلاف نظر داشته باشند کدام نظر باید عمل شود؟

ج: نظر مرجع متولی و مجری کارهای مسجد شرط است.

۵- با توجه به ضرورت گسترش و تقویت بسیج، در امر پاسداری از آرمان‌های انقلاب اسلامی و تشکیل بسیج مساجد: الف) آیا نیروهای بسیج می‌توانند در مساجدی که زمین یا ساختمان و امکانات آن‌ها وقفی است، مستقر شوند؟ ب) استفاده از امکانات چنین مساجدی (مانند آب و برق...)، برای بسیج چگونه است؟

ج: الف) در صورتی که مزاحمتی برای نمازگزاران و سایر امور مسجد ایجاد نشود، مانعی ندارد.

ب) احتیاط آن است که سهم خود را نسبت به آب و برق و... بپردازند، مگر این که بنیان این گونه امور از آغاز وقف را توسعه داده باشند.

۶- از نظر احکام شرع، تغییر نام مسجد چه حکمی دارد؟ مثلاً در جایی که بانی مسجد، نام خود را بر آن نهاده است، می‌توان نام آن مسجد را تغییر داد؟
ج: هرگاه مسجد به نام شخص بانی یا افرادی مانند او بوده باشد و بخواهند آن را به نام امامان معصوم علیهم‌السلام یا شخصیت‌های معروف اسلامی تغییر بدهند، اشکالی ندارد؛ ولی بهتر آن است که نام بانی را به عنوان بناکننده، زیر نام مسجد بنویسند تا مردم برای او طلب مغفرت کنند ولی اگر بر فرض در وقف مسجد نام خاصی شرط شده، احتیاط حفظ آن نام است.

۷- هیأت امناء مسجد چگونه انتخاب می‌شوند؟

ج: مردم آن محل و امام جماعت مسجد می‌توانند با اجازه حاکم شرع، هیأت امنایی از افراد صالح، برای تمشیت امور مسجد انتخاب کنند.

۸- مبالغی پول جهت ساختمان و تعمیر مسجدی جمع‌آوری شده که پس از مصارف لازمه، مقداری از آن پول‌ها موجود و در اختیار شخص امینی است، مسجد در حال حاضر احتیاج ندارد؛ ولی بعدها احتیاج بیشتری خواهد داشت.

الف: آیا می‌شود با آن پول معامله انجام داد و سود آن برای مسجد باشد؟

ب: آیا اجازه می‌فرمایید آن پول در یکی از صندوق‌های قرض‌الحسنه، جهت رفع احتیاجات مؤمنین قرار گیرد؟

ج: آیا می‌شود پول مزبور را در بانکی به حساب سپرده بلند مدت یا کوتاه مدت سپرد؟

د: امام جماعتی در آن مسجد در تمام ایام سال و ماه رمضان بدون چشم‌داشتی نماز جماعت می‌خواند و مسأله می‌گوید و مردم را ارشاد می‌کند و مسجد عایدات دیگری ندارد، آیا جایز است مبالغی از آن پول را به امام جماعت داد؟

ج: مصرف کردن این پول تنها در صورتی جایز است که رضایت دهندگان پول نسبت به آن جلب شود؛ ولی حفظ آن در صندوق قرض‌الحسنه یا سپرده بانکی برای آینده مانعی ندارد.

۹- مساجدی که در خیابان‌ها واقع می‌شود و هم‌چنین مساجدی که در بیابان‌ها و قرای متروکه واقع شده و به هیچ‌وجه برای نماز قابل استفاده نیست و گاه مرکزی برای حیوانات نجس و آلودگی‌های دیگر می‌شود حکمش چیست؟

ج: در مورد مساجدی که در خیابان افتاده امید بازگشتی در آن نیست هم حکم مسجد بودن زایل می‌شود و هم حکم وقف بودن و شخصی که چنین کرده باید معادل ثمن آن را صرف ساختن مسجد دیگر یا تعمیر سایر مساجد کند و در حقیقت از قبیل اتلاف عین مال است ولی تا ضرورت فوق‌العاده شدیدی نباشد تخریب مسجد به هیچ‌وجه جایز نیست و در مورد مساجد متروکه در بیابان‌ها و قرای متروکه باید آن‌ها را طوری محفوظ کرد که هتک و بی‌احترامی نسبت به آن‌ها نشود.

۱۰- به نظر حضرت عالی جهت رشد و استفاده بهینه از مساجد، هیأت امناء باید چه شرایطی داشته باشند؟

ج: باید افرادی متدین، خوش نام، مدیر و مدبر باشند و بتوانند امور مسجد را به بهترین وجهی اداره کنند.

۱۱- حدود اختیارات امام جماعت، هیأت امناء، متولی و واقف مسجد را مشخص فرمایید، تا در کارهای یکدیگر تداخل نکنند و از بروز اختلاف جلوگیری شود:

متولی مسجد دارای چه مسؤولیتی است؟ و در قبال مسجد چه وظایفی دارد؟ آیا اداره مسجد و برنامه‌های آن به عهده متولی است، یا هیأت امنای مسجد این مسؤولیت‌ها را به عهده دارد؟

ج: وظیفه متولی آن است که اگر مسجد موقوفاتی دارد، آن‌ها را حفظ نموده و صرف مسجد کند و بقیه امور مربوط به نمازگزاران است.

۱۲- آیا کارهایی چون هبه و بخشش در مسجد جایز است در صورت جواز آیا نیاز به حکم حاکم شرع دارد؟

ج: انجام این گونه کارها در مسجد حرام نیست و نیازی به اجازه حاکم شرع ندارد ولی انجام کارهای دنیوی در مسجد مکروه است و اگر مزاحمت برای نمازگزاران داشته باشد حرام است.

و) استفتائات احکام حقوقی مسجد از آیت‌الله نوری همدانی^۱

س ۷۳۳: آیا مسئول تولیت مسجد و یا ناظر آن از درآمد و مخارج بنایی که در آن مسجد است می‌توانند حق تولیت و نظارت ماهانه دریافت نمایند؟ اگر جواب مثبت است، تا چه حدودی می‌توانند از این اموال برداشت نمایند با توجه به اینکه از طرف واقف در این باره چیزی ذکر نشده است.

ج: ۱- در صورتی که از طرف واقف مقدار معینی ذکر نشده است و کار شخص مورد احتیاج باشد و به قصد تبرع کار نکرده باشد می‌تواند به اندازه اجرت‌المثل دریافت کند.

۲- در فرض مذکور لازم است در حدود به مقدار متیقن اکتفا شود و بر مورد مشکوک حکم وقف مترتب نیست.

س ۷۳۶: مسجدی قدیمی بوده که در حال حاضر تجدید بنا شده است، مقداری از زمین

۱. ر.ک: پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت‌الله العظمی حسین نوری همدانی، رساله توضیح المسائل: www.noorihamedani.com/fa/categories/view/548

مسجد قدیمی را از روی ندانستن مسأله قهوه خانه و آبدارخانه کرده ایم: آیا لازم است که خراب کنیم و جزو مسجد باشد یا خیر؟
ج: اگر جزء مسجد بوده است آبدارخانه و قهوه خانه کردن آن جایز نیست.

س ۷۳۹: آیا کفشداری مسجد که به مسجد چسبیده است حکم مسجد را دارد یا خیر؟
ج: تا معلوم نباشد و قرینه‌ای بر مسجد بودن در بین نباشد حکم مسجد را ندارد.

س ۷۴۰: پولی که به عنوان مخارج مسجد و نذری برای امام جماعت مسجد و یا از درآمد مغازه‌های مسجد از مردم جمع آوری می‌شود، آیا می‌توان از این درآمدها در روز عاشورا برای عزاداران سید سالار شهیدان حسین بن علی علیه‌السلام غذا داد یا خیر؟
ج: این موضوع تابع قصد دهندگان پول است، اگر برای امام جماعت داده‌اند فقط باید به ایشان داده شود و باید ملاحظه شود که مغازه‌های مسجد به چه عنوان وقف شده است و اگر برای خرج کردن در مسجد باشد می‌توان در مسجد با آن وجه در عزاداری غذا داد.

س ۷۴۱: متولی مسجد که فوت کرده آیا اولاد او از تولیت مسجد ارث می‌برند؟
ج: اگر واقف مسجد تصریح نکرده باشد حقی ندارند.

س ۷۴۲: در صورتی که از اول طبقه فوقانی مسجدی را به نام مهدیه نام گذاشته که درست بر روی سالن شبستان مسجد قرار دارد آیا می‌تواند این طبقه فوقانی را از مسجد خارج کرد و جزء مسجد ندانست؟
ج: در صورتی که از اول جزء مسجد نبوده است اشکال ندارد.

س ۷۴۳: در یک دهستانی که قریب ۱۰۰ خانواده جمعیت دارد مسجدی غیر از مسجد قدیمی بنا شده به این منظور که جواب‌گوی برنامه‌های جدید باشد و لذا عده‌ای در این بنا کمک و همکاری کرده‌اند و عده‌ای همکاری نکرده‌اند، آیا آن تعداد که همکاری نکرده‌اند می‌توانند

در این مسجد جدید اقامه نماز نمایند یا خیر؟
ج: بعد از این که برای نمازگزاران وقف شد، نمازگزاران یکسان می‌باشند.

س ۷۴۵: مسجدی هست که حدود بیست سال قبل ساخته شده و برای استفاده جمعیت در حدود صد خانوار بوده که هم اکنون جمعیت به پنج هزار نفر رسیده با نظر مهندسین مسجدی بزرگ در کنار این مسجد ساخته می‌شود و حیاطی بزرگ هم لازم است با نظر مهندسین ایجاد گردد آیا جایز است مسجد قبلی کرسی چینی گردد و نرده‌کشی شود و به حالت مسجدی باقی بماند فقط از هوای باز آن جهت حیاط مسجد جدید استفاده شود.
ج: چون توسعه مسجد مورد لزوم است اگر مسجد قبلی نرده‌کشی شده به حالت مسجد بماند و از فضای آن جهت حیاط استفاده شود چنان که مرقوم شده جایز است و احکام مسجد بر آن مترتب است.

س ۷۴۷: در زمان مالکین قبل از تقسیم اراضی مقداری زمین به مساحت ۵۰ متر عرض و در حدود ۳ کیلومتر طول جهت (معبّر حیوانات به چراگاه) منظور شده بود، تدریجاً یک نفر از کشاورزان آن زمین را کم‌کم ضمیمه زمین خود کرده است، الحال عده‌ای از اهالی روستا اعتراض کرده‌اند، حالا شخص غاصب حاضر شده قیمت زمین غصب کرده را به قیمت نرخ روز پرداخت نماید تا امنای مسجد به مصرف مسجد برسانند، مستدعی است در این باره بفرمایید از نظر شرع غصب این زمین و مصرف قیمت آن به مسجد چه صورت شرعی دارد؟
ج: باید رضایت کسانی که مالک آن زمین که غصب شده است بودند جلب شود، با رضایت آن‌ها اشکال ندارد.

« الف - کتاب ها

- « ۱. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- « ۲. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، میزان، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- « ۳. اردبیلی، محمد، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، میزان، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- « ۴. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد اول، انتشارات اسلامی، چاپ بیست و نهم، ۱۳۸۸.
- « ۵. بروجرودی عبده، محمد، اصول قضایی حقوق، جلد دوم، تهران، رهام، ۱۳۸۲.
- « ۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، حقوق اموال، تهران، گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
- « ۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- « ۸. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، چاپ نوزدهم، ۱۳۹۱.
- « ۹. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، جلد اول، انتشارات اقبال، ۱۳۳۷.
- « ۱۰. رهامی، محسن، اقدامات تأمینی و تربیتی، تهران، میزان، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- « ۱۱. شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، ویستار، چاپ ششم، ۱۳۷۵.
- « ۱۲. شکری، رضا، سیروس، قادر، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، نشر مهاجر، چاپ چهارم، ویرایش دوم، ۱۳۸۴.
- « ۱۳. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، آزادی های عمومی و حقوق بشر، تهران، دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۸۲.
- « ۱۴. فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، تهران، سازمان چاپ و انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
- « ۱۵. قاسمی، ناصر، اقدامات تأمینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران، تهران، میزان، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- « ۱۶. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، ضمان قهری، مسئولیت مدنی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۶۹.
- « ۱۷. کاتوزیان، ناصر، عقد معین، جلد سوم، گنج دانش، چاپ هفتم، ۱۳۹۰.
- « ۱۸. کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، نشر میزان، چاپ بیستم، ۱۳۸۷.
- « ۱۹. لوراسا، میشل، مسئولیت مدنی، ترجمه محمد اشتري، نشر حقوقدان، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- « ۲۰. متین، احمد، مجموعه رویه قضایی؛ حقوقی، تهران، آثار اندیشه، ۱۳۸۷.
- « ۲۱. محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقه، بخش جزایی، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۹۱.
- « ۲۲. میر محمدصادقی، حسین، جرایم علیه اموال و مالکیت، میزان، چاپ سیزدهم، ویرایش چهارم، ۱۳۸۴.
- « ۲۳. هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، نشر میزان، چاپ یازدهم، بهار ۱۳۸۵.

« ب-مقاله‌ها

- « ۲۴. بهشتی، سید محمد، «روحانیت در اسلام در میان مسلمین»، مجله بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۱.
- « ۲۵. پرستش، رضا، «بررسی وضعیت کارگاه‌های کوچک از نظر شمول قانون کار»، راه و کالت، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
- « ۲۶. پورقهرمانی، بابک، قلی‌پور، قربان‌علی، «بررسی ماده ۲ آیین‌نامه دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری»، نشریه دادرسی، شماره ۲۸، مهر و آبان ۱۳۸۰.
- « ۲۷. سوابق دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت»، بخش آشنایی با پاره‌ای از قوانین جدید، نشریه وکلا، شماره‌های ۱۵۲ و ۱۵۳، پاییز و زمستان ۱۳۶۹.
- « ۲۸. پیوندی، غلامرضا، «هیأت منصفه و بنای آن در حقوق اسلام»، نشریه رواق اندیشه، شماره ۲، مرداد و شهریور ۱۳۸۰.
- « ۲۹. جمشیدزاده، ابراهیم، «جایگاه عوارض نوسازی در تأمین مالی شهرداری‌ها»، نخستین همایش مالی شهرداری، مشکلات و راهکارها، معاونت مالی و اداری کل تشخیص و وصول درآمد شهرداری تهران، ۱۳۸۷.
- « ۳۰. حاتمی، علی اصغر، «خسارات معنوی و شیوه‌های جبران آن در حقوق ایران»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره‌های ۲۵ و ۲۶، پاییز ۱۳۷۶ و بهار ۱۳۷۷.
- « ۳۱. حبیب زاده، محمدجعفر، «مبنا و ملاک تعزیر»، ماه‌نامه دادرسی، شماره‌های ۳۴ - ۳۲، سال ششم، ۱۳۸۱.
- « ۳۲. روحانی، سیدحمید، «دادگاه‌های ویژه، زنگ خطر برای خیانت‌کاران»، نشریه پانزده خرداد، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۸۸.
- « ۳۳. سعیدی رضوانی، نوید، «تأملی بر فرهنگ‌سازی برای پرداخت عوارض نوسازی»، دومین همایش مالی شهرداری، مشکلات و راهکارها، معاونت مالی و اداری اداره کل تشخیص و وصول درآمد شهرداری تهران، ۱۳۸۸.
- « ۳۴. صدقاتی، کیوان، «جایگاه مسجد در نظام حقوقی ایران»، روزنامه حمایت قضایی، شماره ۲۸۹۳، چهارشنبه ۲۷ شهریور ماه ۱۳۹۲.
- « ۳۵. صدقاتی، کیوان، «سازمان و مدیریت در مسجد و حقوق مترتب بر آن»، قسمت یادداشت روز پایگاه اینترنتی مرکز آموزش مدیریت دولتی، مورخ ۷ مهر ۱۳۹۲، www.smtc.ac.ir/yad7.
- « ۳۶. صدقاتی، کیوان، «تأملی بر طرح حمایت از احداث، تجهیز، نوسازی و مدیریت مساجد کشور: مسجد را زیر مجموعه سازمان اوقاف نکنید»، روزنامه کیهان، شماره ۲۰۶۵۵، سه شنبه ۱۲ آذرماه ۱۳۹۲.
- « ۳۷. کامیار، غلامرضا، «حق مرغوبیت»، نشریه کانون، سال چهل و سوم، دوره جدید، شماره ۱۲، اردیبهشت و خرداد ۱۳۷۸.
- « ۳۸. محمدنژاد، پرویز، «هیأت منصفه و حضور و نقش آن در محاکمات کیفری»، نشریه اصلاح و تربیت، شماره ۱۵، شهریور ۱۳۸۲.
- « ۳۹. موسوی‌مقدم، محمد، «ضرر و زیان ناشی از جرم»، نشریه حقوقی دادگستری، شماره ۴۰، پاییز ۱۳۸۱.

« ۴۰. نقیبه، سیدابوالقاسم، «جبران مالی خسارت در نظریه‌های حقوقی»، نشریه رهنمون، شماره‌های ۹ و ۱۰، زمستان ۱۳۸۳ و بهار ۱۳۸۴.
« ۴۱. نوبهار، رحیم، «نقش نظام اسلامی در مدیریت مساجد و میزان اختیارات واقف در اداره امور مسجد»، نشریه وقف میراث جاویدان، شماره ۲۴ و ۲۳، پاییز و زمستان ۱۳۷۷.

« ج-تقریرات

« ۴۲. باهری، محمد، تقریرات حقوق جزای عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۴۸-۱۳۴۷.

« د-اسناد بالادستی

« ۴۳. فرمان تأسیس مرکز رسیدگی به امور مساجد، مورخ ۱۳۶۸/۷/۳۰ مقام معظم رهبری
« ۴۴. مجوز مقام معظم رهبری، مورخ ۱۳۶۹/۸/۷ در مورد اجرای طرح توجیه ادارات اوقاف و امور خیریه
« ۴۵. سیاست‌های کلی نظام در بخش فرهنگ، مصوب ۱۳۸۸/۲/۲۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام

« ه-قوانین

« ۴۶. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۲ همه‌پرسی
« ۴۷. قانون مدنی، مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸ مجلس شورای ملی
« ۴۸. قانون ثبت اسناد و املاک، مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶ کمیسیون مجلس
« ۴۹. قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ کمیسیون مجلس
« ۵۰. قانون اصلاح قانون ثبت احوال، مصوب ۱۳۱۹/۲/۲۲ مجلس شورای ملی
« ۵۱. قانون سازمان عمرانی کشور و ازدیاد سهم کشاورزان، مصوب ۱۳۳۴/۵/۵ کمیسیون مشترک مجلسین
« ۵۲. قانون اصلاحات ارضی، مصوب ۱۳۴۰/۱۰/۱۹ هیأت وزیران (دوره فترت)
« ۵۳. قانون تشکیل خانه اصناف، مصوب ۱۳۴۴/ ۲/۱۸ مجلس شورای ملی
« ۵۴. قانون استخدام کشوری، مصوب ۱۳۴۵/۳/۳۱ مجلس شورای ملی
« ۵۵. قانون نوسازی و عمران شهری، مصوب ۱۳۴۷/۹/۷ مجلس شورای ملی
« ۵۶. قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۵ مجلس شورای ملی
« ۵۷. لایحه قانونی تجدید قرارداد و اجاره املاک و اموال موقوفه و تجدید انتخاب متولیان و امضاء و نظار اماکن متبرکه مذهبی و مساجد، مصوب ۱۳۵۸/۲/۴ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران
« ۵۸. تفسیر قانونی مجلس شورای اسلامی راجع به قانون تجدید قرارداد و اجاره املاک و اموال موقوفه و تجدید انتخاب متولیان و امضاء و نظار اماکن متبرکه مذهبی و مساجد مصوب ۱۳۵۸/۲/۴

- مصوب ۱۳۶۱/۴/۳ مجلس شورای اسلامی
- « ۵۹. قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه، مصوب ۱۳۶۳/۱/۲۸ مجلس شورای اسلامی
- « ۶۰. قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲ مجلس شورای اسلامی
- « ۶۱. قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۴/۵/۱۷ مجلس شورای اسلامی
- « ۶۲. قانون محاسبات عمومی کشور، مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ مجلس شورای اسلامی
- « ۶۳. قانون زمین شهری، مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲ مجلس شورای اسلامی
- « ۶۴. قانون مالیات‌های مستقیم، مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ مجلس شورای اسلامی
- « ۶۵. قانون کار، مصوب ۱۳۶۸/۷/۲ مجلس شورای اسلامی و تصویب نهایی ۱۳۶۹/۸/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام
- « ۶۶. قانون حمایت قضایی از بسیج، مصوب ۱۳۷۱/۱۰/۱ مجلس شورای اسلامی
- « ۶۷. قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه، مصوب ۱۳۷۱/۱۱/۲۵ مجلس شورای اسلامی
- « ۶۸. قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵ مجلس شورای اسلامی
- « ۶۹. قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیر دولتی، مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۹ مجلس شورای اسلامی
- « ۷۰. قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ مجلس شورای اسلامی
- « ۷۱. قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ مجلس شورای اسلامی
- « ۷۲. قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی
- « ۷۳. قانون استفساریه ماده (۲۶) قانون نوسازی و عمران شهری، مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۶ مجلس شورای اسلامی
- « ۷۴. قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی
- « ۷۵. قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ مجلس شورای اسلامی
- « ۷۶. قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴ مجلس شورای اسلامی
- « ۷۷. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی
- « ۷۸. قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، مصوب ۱۳۸۴/۸/۱۵ مجلس شورای اسلامی
- « ۷۹. قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵/۳/۹ مجلس شورای اسلامی
- « ۸۰. قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ مجلس شورای اسلامی
- « ۸۱. قانون سامان‌دهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن، مصوب ۱۳۸۷/۲/۲۵ مجلس شورای اسلامی
- « ۸۲. قانون شوراهای حل اختلاف، مصوب ۱۳۸۷/۴/۱۸ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس

- شورای اسلامی
- « ۸۳. قانون الحاق موادی به قانون سامان‌دهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن، مصوب ۱۳۸۸/۱۲/۲ مجلس شورای اسلامی
- « ۸۴. قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور، مصوب ۱۳۸۹/۳/۲۵ مجلس شورای اسلامی
- « ۸۵. قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰)، مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۳۰ مجلس شورای اسلامی
- « ۸۶. قانون تشکیل دو وزارتخانه «تعاون، کار و رفاه اجتماعی» و «صنعت، معدن و تجارت»، مصوب ۱۳۹۰/۴/۸ مجلس شورای اسلامی
- « ۸۷. قانون بودجه سال ۱۳۹۱، مصوب ۱۳۹۱/۲/۳۱ مجلس شورای اسلامی
- « ۸۸. قانون تفسیر ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه، مصوب ۱۳۹۱/۵/۱۱ مجلس شورای اسلامی
- « ۸۹. قانون جامع خدمت‌رسانی به ایثارگران، مصوب ۱۳۹۱/۱۰/۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام
- « ۹۰. قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۱۹ مجلس شورای اسلامی
- « ۹۱. قانون تسریع در بازسازی مناطق آسیب دیده در اثر حوادث غیر مترقبه، مصوب ۱۳۹۲/۳/۱۹ مجلس شورای اسلامی

« و- مقررات

- « ۹۲. آیین‌نامه دادرها و دادگاه‌های ویژه روحانیت، مصوب ۱۳۶۹/۵/۱۴ مقام معظم رهبری
- « ۹۳. آیین‌نامه اجرایی طرح اشتغال فارغ‌التحصیلان بیکار، مصوب ۱۳۵۸/۱۰/۸ شورای انقلاب
- « ۹۴. لایحه قانونی راجع به تعیین حداکثر مبلغ وام مسکن، مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی
- « ۹۵. هدایت و ارشاد و احیای نقش واقعی و تبلیغی مساجد برای مقابله با تهاجم فرهنگی، مصوب ۱۳۷۱/۱۲/۱۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی
- « ۹۶. عضویت استانداران در هیأت‌های احیای نقش مساجد، مصوب ۱۳۷۲/۱۰/۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی
- « ۹۷. عضویت دبیر ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد در شورای فرهنگ عمومی، مصوب ۱۳۷۸/۱۱/۱۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی
- « ۹۸. سیاست‌های مقابله با تهاجم فرهنگی، مصوب ۱۳۷۸/۱۲/۲۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی
- « ۹۹. آیین‌نامه ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور، مصوب ۱۳۸۳/۱۰/۲۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی
- « ۱۰۰. آیین‌نامه شورای هماهنگی و برنامه‌ریزی آموزشی و بازآموزی مدیران فرهنگی، مصوب ۱۳۸۳/۱۱/۰۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی
- « ۱۰۱. اهداف و سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب، مصوب ۱۳۸۹/۱/۲۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی
- « ۱۰۲. سند نقشه جامع علمی کشور، مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی
- « ۱۰۳. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مصوب ۱۳۹۰/۶/۱۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی
- « ۱۰۴. سند راهبردی کشور در امور نخبگان، مصوب ۱۳۹۱/۷/۱۱ شورای عالی اداری

- « ۱۰۵. مصوبه نقشه مهندسی فرهنگی کشور، مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی
- « ۱۰۶. مصوبه سند دانشگاه اسلامی، مصوب ۱۳۹۲/۴/۲۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی
- « ۱۰۷. آیین‌نامه اجرایی قانون فروش خالصجات، مصوب ۱۳۳۶/۸/۲۱ (کمیسیون‌های مشترک دارایی و کشاورزی مجلسین)
- « ۱۰۸. آیین‌نامه اجرایی تجدید قرارداد و اجاره املاک و اموال موقوفه و تجدید انتخاب متولیان و امناء و نظار اماکن متبرکه مذهبی و مساجد، مصوب ۱۳۵۸/۲/۱۷ هیأت وزیران
- « ۱۰۹. آیین‌نامه شوراهای کشاورزی کشور، مصوب ۱۳۵۸/۲/۲۳ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران
- « ۱۱۰. آیین‌نامه اجرایی طرح اشتغال فارغ التحصیلان بیکار، مصوب ۱۳۵۸/۱۰/۸ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران
- « ۱۱۱. آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰ هیأت وزیران با اصلاحات بعدی
- « ۱۱۲. آیین‌نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره و اهدایی، مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰ هیأت وزیران
- « ۱۱۳. آیین‌نامه نحوه انتخاب و برکناری، شرایط و حدود اختیارات و وظایف امین یا هیأت امنای اماکن مذهبی و موقوفات، مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰ هیأت وزیران
- « ۱۱۴. آیین‌نامه کیفیت تحقیق در شعب تحقیق سازمان اوقاف و امور خیریه، مصوب ۱۳۶۵/۹/۳۰ هیأت وزیران با اصلاحات بعدی
- « ۱۱۵. آیین‌نامه مستثنی شدن خدام و کارکنان بقاع متبرکه، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، مدارس علوم دینی موقوفه و موقوفات عام غیر تولیدی از شمول موادی از قانون کار، مصوب وزیران هیأت ۲۶/۱۱/۱۳۷۱
- « ۱۱۶. آیین‌نامه اجرایی بند (۳) از ماده (۲۴) قانون مالیات‌های مستقیم- مصوب ۱۳۶۶، مصوب ۱۳۷۲/۱۲/۲۴ هیأت وزیران
- « ۱۱۷. آیین‌نامه اجرایی قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه، مصوب ۱۳۷۴/۲/۳ هیأت وزیران
- « ۱۱۸. همکاری دستگاه‌های اجرایی در طرح جامع ملی و مذهبی شناسنامه مساجد با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مصوب ۱۳۷۵/۳/۲۷ رییس‌جمهور
- « ۱۱۹. آیین‌نامه سامان‌دهی، به‌سازی و عمران مساجد کشور، مصوب ۱۳۷۶/۴/۸ هیأت وزیران
- « ۱۲۰. اساس‌نامه مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، مصوب ۱۳۷۸/۱۱/۱۳ هیأت وزیران
- « ۱۲۱. آیین‌نامه اجرایی موضوع تبصره (۳) (ماده (۱۳۹) (اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم، مصوب ۱۳۸۰، مصوب ۱۳۸۱/۱۱/۳۰ هیأت وزیران
- « ۱۲۲. تلقی شدن کمک‌های اشخاص حقیقی و حقوقی برای احداث مساجد، مصلای مدارس علمیه به عنوان هزینه‌های قابل قبول مالیاتی، مصوب ۱۳۸۷/۷/۲۳ هیأت وزیران
- « ۱۲۳. اساس‌نامه سازمان تبلیغات اسلامی، مصوب ۱۳۸۷/۸/۱۵ شورای عالی اداری
- « ۱۲۴. آیین‌نامه اجرایی قانون سامان‌دهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن، مصوب ۱۳۸۷/۸/۲۰ هیأت وزیران
- « ۱۲۵. اساس‌نامه سازمان ملی زمین و مسکن، مصوب ۱۳۸۷/۹/۲۴ هیأت وزیران
- « ۱۲۶. آیین‌نامه شوراهای حل اختلاف، مصوب ۱۳۸۸/۱/۱۶ رییس قوه قضاییه

- « ۱۲۷. تعیین سازمان اوقاف و امور خیریه به عنوان متولی و مسئول پیگیری امور مربوط به سامان‌دهی ساخت و ساز، احیاء، تعمیر و تجهیز مساجد، مصوب ۱۳۸۸/۲/۲۰ هیأت وزیران
- « ۱۲۸. اختصاص یک درصد از بودجه سالانه سازمان ملی زمین و مسکن برای احداث مقاوم‌سازی و مرمت مساجد، مصوب ۱۳۸۹/۱/۱۵ هیأت وزیران
- « ۱۲۹. آیین‌نامه اجرایی قانونی الحاق موادی به قانون سامان‌دهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن، مصوب ۱۳۹۰/۴/۲۷ وزیران عضو کارگروه مسکن
- « ۱۳۰. آیین‌نامه مالی، معاملاتی، اداری و استخدامی صندوق توسعه ملی، مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷ هیأت وزیران
- « ۱۳۱. تعیین بسته اجرایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰)، موضوع ماده (۲۱۷) قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۱/۱۱/۲۹ هیأت وزیران
- « ۱۳۲. مصوبه «مجوز بخشودگی مساجد و اماکن مقدسه اسلامی و معابد اقلیت‌های مذهبی و مدارس طلاب علوم دینی از پرداخت عوارض ساختمانی مالکانه و نوسازی، مصوب ۱۳۸۳/۷/۱۴ شورای اسلامی شهر تهران
- « ۱۳۳. مصوبه چگونگی مشارکت شهرداری تهران در سامان‌دهی وضعیت مساجد در شهر تهران، مصوب ۱۳۸۳/۱۰/۱ شورای اسلامی شهر تهران
- « ۱۳۴. مصوبات سالهای ۱۳۸۸-۱۳۸۶ جلسات ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور
- « ۱۳۵. آیین‌نامه ستاد سامان‌دهی مساجد استان تهران، مصوب ۱۳۹۰/۸/۷ شورای سیاست‌گذاری مرکز رسیدگی به امور مساجد
- « ۱۳۶. بخش‌نامه اهمیت نماز و ضرورت تنظیم برنامه‌های ملاقات عمومی توسط مدیران و مسؤولان در مساجد جهت رسیدگی به مشکلات مردم، مورخ ۱۳۸۳/۹/۵ رییس قوه قضاییه
- « ۱۳۷. دستورالعمل مربوط به تعاریف و اصطلاحات مندرج در آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه، مورخ ۱۳۶۵/۳/۲۷ نماینده امام و سرپرست سازمان حج و اوقاف و امور خیریه
- « ۱۳۸. دستورالعمل آیین‌نامه مستثنی شدن خدام و کارکنان بقاع متبرکه، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، مدارس علوم دینی موقوفه و موقوفات عام غیر تولیدی از شمول موادی از قانون کار، مصوب ۱۳۷۴/۱۱/۲۵ سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه
- « ۱۳۹. دستورالعمل و وظایف پیشنهادی کارگروه تخصصی ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد، مورخ ۱۳۸۵/۲/۱۸ ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد
- « ۱۴۰. دستورالعمل نحوه اداره رقبات و مستغلات مساجد، مورخ ۱۳۸۶/۹/۲۰ نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه
- « ۱۴۱. طرح «حمایت از احداث، تجهیز، نوسازی و مدیریت مساجد کشور و پیگیری امور نمازخانه‌ها»، تصویب یک فوریت طرح مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۸ مجلس شورای اسلامی

« ز- آرای قضایی

- « ۱۴۲. رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور به شماره ۶۹۹، مورخ ۱۳۳۴/۴/۱۷

- « ۱۴۳. رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور به شماره ۳۵۶۱، مورخ ۱۳۴۲/۱۲/۲۹
- « ۱۴۴. رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور به شماره ۶۱۲، مورخ ۱۳۷۵/۱۰/۱۸
- « ۱۴۵. رأی وحدت رویه شماره ۶/۶۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۲۳ فروردین ۱۳۶۹
- « ۱۴۶. رأی وحدت رویه ۷۳/۶۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۲۲ خرداد ۱۳۶۹
- « ۱۴۷. رأی وحدت رویه ۲۰۲/۶۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۶ آذر ۱۳۶۹
- « ۱۴۸. رأی وحدت رویه ۱۱۳/۷۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۱۴ شهریور ۱۳۷۱
- « ۱۴۹. رأی وحدت رویه ۱۵۵/۷۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۲۵ مهر ۱۳۷۱
- « ۱۵۰. رأی وحدت رویه ۳۲/۷۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۷۲
- « ۱۵۱. رأی وحدت رویه ۱۹۲/۷۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۹ بهمن ۱۳۷۲
- « ۱۵۲. رأی وحدت رویه ۸۹/۷۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۷ آبان ۱۳۷۳
- « ۱۵۳. رأی وحدت رویه ۱۴۷/۷۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۶ اسفند ۱۳۷۳
- « ۱۵۴. رأی وحدت رویه ۸۸/۷۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۲۸ مرداد ۱۳۷۴
- « ۱۵۵. رأی وحدت رویه ۱۲۶/۷۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۲۹ مهر ۱۳۷۴
- « ۱۵۶. رأی وحدت رویه ۱۲۷/۷۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۲۹ مهر ۱۳۷۴
- « ۱۵۷. رأی وحدت رویه ۵۶/۷۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۲ تیر ۱۳۷۵
- « ۱۵۸. رأی وحدت رویه ۵۸/۷۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۹ تیر ۱۳۷۵
- « ۱۵۹. رأی وحدت رویه ۴۷/۷۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۴ مرداد ۱۳۷۶
- « ۱۶۰. رأی وحدت رویه ۱۰۰/۷۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۳ آبان ۱۳۷۶
- « ۱۶۱. رأی وحدت رویه ۷۵/۷۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۲۷ تیر ۱۳۷۷
- « ۱۶۲. رأی وحدت رویه ۲۵۶/۷۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۲۰ شهریور ۱۳۷۸
- « ۱۶۳. رأی وحدت رویه ۲۵۶/۷۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۶ آذر ۱۳۷۹
- « ۱۶۴. رأی وحدت رویه ۳۹۶/۷۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۲۱ اسفند ۱۳۷۹
- « ۱۶۵. رأی وحدت رویه ۹۶/۸۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۱۹ خرداد ۱۳۸۱
- « ۱۶۶. رأی وحدت رویه ۱۳۰/۸۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۱۶ تیر ۱۳۸۱
- « ۱۶۷. رأی وحدت رویه ۳۶۲/۸۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۸ دی ۱۳۸۱
- « ۱۶۸. رأی وحدت رویه ۶۸/۸۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۳ خرداد ۱۳۸۳
- « ۱۶۹. رأی وحدت رویه ۵۵۶/۸۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۴ بهمن ۱۳۸۳
- « ۱۷۰. رأی وحدت رویه ۸۴/۸۴۳ الی ۸۴۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۲۱ اسفند ۱۳۸۴
- « ۱۷۱. رأی وحدت رویه ۲۶۹/۸۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۸ مرداد ۱۳۸۵
- « ۱۷۲. رأی وحدت رویه ۳۷۰/۸۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۵ شهریور ۱۳۸۵
- « ۱۷۳. رأی وحدت رویه ۲۸۶،۲۸۷/۸۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۳۱ تیر ۱۳۸۶
- « ۱۷۴. رأی وحدت رویه ۲۴۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۷ شهریور ماه ۱۳۹۰
- « ۱۷۵. رأی وحدت رویه ۲۴۹-۲۵۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۲۱ شهریور ماه ۱۳۹۰
- « ۱۷۶. رأی وحدت رویه ۲۴۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۲ مرداد ۱۳۹۱
- « ۱۷۷. رأی وحدت رویه ۵۳۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۱ آبان ۱۳۹۱
- « ۱۷۸. رأی وحدت رویه ۷۸۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۲۵ دی ۱۳۹۱

« ح- پایگاه‌های اینترنتی

www.almazaheri.com . ۱۷۹ «

www.bahjat.org . ۱۸۰ «

www.khamenei.ir . ۱۸۱ «

www.makarem.ir . ۱۸۲ «

www.noorihamedani.com . ۱۸۳ «

www.sistani.org . ۱۸۴ «